

مؤلف : علامه بزرگوار سیّد بن طاووس

مقدمه مؤلف

فصل اوّل : عظمت نماز و پیامدهای سبک شمردن آن

فصل دوّم : شرایط نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت باز می دارد

فصل سوّم : فضیلت و آثار دعا از دیدگاه قرآن

فصل چهارم : فضیلت و آثار دعا از دیدگاه روایات

فصل پنجم : برتری دعا و مناجات از تلاوت قرآن

فصل ششم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه عقل

فصل هفتم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه روایات

فصل هشتم : فواید مناجات بسیار و فضیلت دعا در غیاب مؤمنین و برای حضرت حجّت عبّالّی فرجه الشّریف

فصل نهم : احکام و آداب مقدّمات طهارت و ادعیه آن

فصل دهم : آداب معنوی طهارت از دیدگاه عقل

فصل یازدهم : احکام و آداب و ادعیه وضو

فصل دوازدهم : احکام و آداب تیمّم بدل از وضو

فصل سیزدهم : احکام و آداب غسل از دیدگاه عقل و نقل

فصل چهاردهم : احکام و آداب تیمّم بدل از غسل ، و شرایط لباس و مکان نماز، و ادعیه هنگام ورود به مسجد

فصل پانزدهم : تعیین نخستین نماز واجب و اینکه آن همان صَلَاةٍ وُسْطَى است .

فصل شانزدهم : اعمال وقت زوال آفتاب و ظهر

فصل هفدهم : اسرار نماز و ذکر نافله های ظهر

فصل هیجدهم : آداب و اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات

فصل نوزدهم : آداب و اسرار نماز ظهر و تعقیبات آن

فصل بیستم : آداب و اسرار و تعقیبات نافله های نماز عصر

فصل بیست و یکم : آداب و اسرار نماز عصر و تعقیبات آن

فصل بیست و دوّم : محاسبه و اصلاح نامه عمل و ادعیه هنگام غروب آفتاب

فصل بیست و سوّم : کیفیت ملاقات با دو فرشته نگاهبان بر اعمال و نحوه انجام نماز مغرب و تعقیبات آن

فصل بیست و چهارم : آداب اسرار و ادعیه و نافله های مغرب و ادامه تعقیبات نماز مغرب

فصل بیست و پنجم : نمازهای مستحبی بین نافله های نماز مغرب ، و نماز عشا و فضیلت آنها

فصل بیست و ششم : آداب و اسرار و تعقیباتِ مخصوص نماز عشا

فصل بیست و هفتم : کیفیت خواندن نماز فرج بعد از نماز عشا

فصل بیست و هشتم : نمازهای دیگر بعد از نماز عشا

فصل بیست و نهم : آداب و تعقیبات نماز وُتیره و نافله عشا

فصل سی ام : نمونه ای از حالات معصومین (علیهم السلام ) در شب و اعمال و آداب پیش از خواب

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش می کنم خداوند - جلّ جلاله - را با زبان و دلی که از جُود آقا و معبودم به وجود آمده ، و از کَرَم آن خداوندگار ستوده

سرچشمه گرفته اند؛ و اعتراف می کنم که خداوند - جلّ جلاله - خود بر من مَنّت نهاد و زبانم را به ستایش خود گشود، و

شایستگی ستودن مجد و عظمت مقدّسش را به من عنایت فرمود.

و احساس می کنم که قلب و عقلم به خاطر تضييع حقوق آن مقام والا، و آزاد گذاشتن زبان و دیگر اعضايم در اشتغال شرمنده اند؛

به غیر وظایف ستایش خدا و تمجید پی در پی اش خوار و می بینم که دل و خِرَدَم با زبان حال بر زمانها و مکانهایی که در اشتغال

به غیر او - جلّ جلاله - ضایع شده می گریند و ناله سرمی دهند، و برای طلب عفو او به مهربانیها و بزرگواریهایش توسّل می

جویند، و از زبان حال آن بزرگواری و نیکوکاری گسترده سخنانی را می شنوند، که از سویی ، به واسطه موافقت و امتثال اوامر الهی

نوازشگرانه ، و به جهت دوری گرفتن و سرپیچی همراه با سرزنش است ، و شایسته آنند که از محضر ربوبی به آن دو خطاب شود:

حمد و ستایش ، وظیفه کسی است که در حال حمد، از بندهای بی ادبی رسته ، و به مراقبه و توجّه به مولایش که مالک روز

حساب است اشتغال داشته باشد، اما کسی که حقّ حرمت اشراف ما را فرو گذارده ، و به جای توجّه به دوام احسان و ما، به امور

دیگر مشغول باشد، و وقتی به ستایش ما زبان می گشاید، نمودار شناختِ هیبت جلال و عظمت ما، و یا خواری بندگی و در برابر

اقبال و توجّه ما به او، و یا خضوعی که در اثر تعظیم در برابر شکوه تسلّطمان حاصل می شود و یا اثر خوف و هراس به خاطر پی

بردن به تقصیر در برابر حقوق نیکوکاری ما به او بر چهره ستایش او نقش نبسته باشد، وظیفه چنین بنده بیمار آن است که از

خداوندگار مهربان و بردبار و بزرگوار طلب عفو نماید؛ و گر نه اوقاتی را که می توانست به طهارت قلب و زبان و دیگر اعضایش بپردازد، ضایع نموده ، و به جای احسان و ثنای ما به ثنای خود مشغول گشته ، و هم اکنون نیز فرصت مجدد خویش را با کوتاهی و آرزوهای بیهوده و اصلاح نکردن اشتباهش تضییع می کند، و اگر بر این امر باقی بماند، از خطر هلاکت و گمراهی ایمن نخواهد بود.

و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، گواهی دادنی که از جود او سرچشمه گرفته و به این بنده اش عنایت شده ، و به واسطه آن ، خداوند بر تمام و بندگانی که او را نشناخته اند، برتری یافته است .

و نیز گواهی می دهم که جدّم حضرت محمّد بنده و فرستاده خدا، گرامی ترین شخصیت از خواصّ درگاه الهی ، و برترین عارفی است که خداوند - جلّ جلاله - خلعت برگزیدگی را به تن او نمود. برترین دروذهای خداوند بر او و خاندانش باد، دروذهایی که آن بزرگوار و خاندان او را به اوج کاملترین کمالات انسانی نایل گرداند!

و همچنین گواهی می دهم که خداوند - جلّ جلاله - با دلیلهای عقلی و نقلی ، عذری برای مردم نگذاشته ، و پیشوایان و گواهانی را به بندگانش عنایت فرمود، و به وجودشان حجت را بر همه اهل مغرب و مشرق تمام ، و آنچه را که مکلفین بدان نیاز دارند در ایشان به ودیعه گذاشت ، و به رحمت و جود خود پرده از روی نشانه های درخشان و راهنمایان روشنگری برداشته که کسانی را که به پیشوایی آنان اعتقاد دارند به سوی خدا رهنمون می گردند، هم آنان که مقام و جایگاهشان با دیگران اشتباه نمی شود، و نور و نمودارشان بر هر کس که گفتار خداوند - جلّ جلاله - را (که عارفان آن را دریافته و بدان عمل نموده اند) باور داشته باشد، پوشیده نمی ماند، آنجا که می فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (۱)

- و جنّ و انس را تنها برای این آفریدم که مرا بپرستند.

زیرا از آنجا که مقصود خداوند - جلّ جلاله - از آفرینش بندگان این است که آنان به واسطه شناخت و عبادت او به سعادت مندی نایل آمده به بندگی و مراقبه و توجه به او مشرّف گردند(۲)؛ و از سوی دیگر، اگر حقّ از دیدگاهها و خواهشهای نفسانی مردم پیروی می کرد، تدبیر خداوند نسبت به امور جهان تباه می شد، چنانکه کتاب محفوظ خداوند - جلّ جلاله - بدان ناطق است ، آنجا که می فرماید:

وَلَوْ أَتَّبَعَ الْخَقُّ أَهْوَاءَهُمْ، لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ، بَلْ أَعْتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ، فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ. (۳)

- و اگر حقّ، از خواهشهای نفسانی آنان پیروی می نمود، مسلّم آسمانها و زمین و تمام کسانی که در آنها وجود دارند تباه می شدند، بلکه ما می خواهیم آنان را تذکر دهیم ، ولی آنان از ذکر و یادآوری روی گردانند.

بنابر این ، لازم است شخصیتی وجود داشته باشد که جلو تباهی خواهشهای نفسانی بندگان را گرفته و آنان را از اینکه دیدگاهها و نظریاتشان ، خود و دیگران را نابود سازد بازدارند، یعنی کاملاً صفات حق را دارا باشد، به گونه ای که اگر از هوا و هوس آنها پیروی کند، موجب تباهی آنان شود. و این ویژگی معصوم است که بر همگان واجب است راه هدایت را به راهنمایی او پیموده و به او اقتدا نمایند.

و مگر ممکن است دیدگاه ها و خواهشهای نفسانی بندگان در تدبیر امور دینی و دنیوی آنان کافی باشد، و حال آنکه خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ. (۴)

- و مردم پیوسته با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

از این رو، خداوند - جلّ جلاله - با اصلاح برخی از گزینشها و دیدگاههای عده ای از پیامبران و فرستادگانش (علیهم السلام) به خوبی روشن فرموده که هر کس مقامش از معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - پایین تر باشد، به اختیار و گزینش او، حجت خدا بر مردم به صورت آشکار و یقیناً تمام نمی شود. چنانکه برای حضرت آدم (ع) در گزینش خوردن از درخت بهشتی - بر اساس آنچه که صریح آیات قرآن دربردارد - (۵) و برای حضرت داود (ع) - چنانکه قرآن پیرامون برخی از دادرسیهای او بدان ناطق است - (۶) و برای حضرت موسی (ع) در گزینش هفتاد نفر از قوم خود برای وعده گاه دیدار پروردگار پیش آمد. (۷)

بنابراین ، اگر پسند و گزینش پیامبران ، که به منتهی و نهایت مکاشفات و عنایات الهی نایل گشته اند، چنین باشد، و براستی نیازمند باشند که خداوند - جلّ جلاله - اموری را علیه و بلکه در بعضی از موارد بر له آنان اصلاح نماید، تدبیر کسانی که در کمال تدبیر و اراده ، از آنان پایین ترند چگونه کافی خواهد بود؟

و اگر اختلاف اهل امانت و پرهیزگاری و کوشندگان در عبادت خدا، و فرهیختگان و زاهدان تمام فرقه های مسلمین را در نظر بگیری ، می بینی که در تفسیر مقصود خداوند - جلّ جلاله - از بیشتر آیات کتاب خدا، و در توضیح سنن و آداب وارده در احادیث اختلاف نظر دارند، و خود نیک می دانی که بسیاری از آنان در ترک راه صواب عناد نداشته اند، بلکه برخی از اختلاف تاءویلها و توجیهاتی که واقع شده ، حقیقتاً در بیشتر آیات و روایات محتمل است .

بدین ترتیب ، اگر قابلیت پذیرش الطاف الهی را داشته و یا حداقل مُنصف باشی ، با این دلیل روشن می شود که به واسطه گزینشها و پسند بندگان غیر معصوم ، دلیل رسا و عذر شکن از سوی خداوندی که پادشاه عالمیان است برای مردم تمام نمی شود، و این گزینشها در امور دنیا و حفظ دین برای آنان کافی نخواهد بود.

لذا ناچار باید پیشوایی وجود داشته باشد که خداوند - جلّ جلاله - به لطف و مهر خویش عهده دار پیراستن گزینش و تاءدیب باطن و تکمیل صفات او بوده ، و از ورای حرکات و سکنت و اعمال وی با عنایات معنوی و ظاهری اش اعمال او را امداد، و با هدایای

یاری گرش آنها را بپاید - چنانکه از ورای تدبیر پیامبران و فرستادگان و نیز ملائکه و مقربانی که گسیل می دارد، چنین می کند. و این مطلب برای خردمندان پوشیده نیست .

و علاوه آن پیشوا حجت خداوندی که پادشاه روز قیامت و حساب است باشد، و گفتار و کردارش (ع) الگوی دیگران گردد، به گونه ای که احتمال اختلاف تاویل و توجیه در آنها راه نداشته ، و از مقصود واقعی خداوند - جلّ جلاله - از آیات ، و روایات پرده بردارد. سبب تاءلیف کتاب

از آنجا به واسطه عنایتیهای خداوند - جلّ جلاله - که از سرچشمه عنایت او و در آینه جود همان مهربانیها و بزرگواریهای ربّانی به من ارزانی می شود، که چگونه خداوند مرا پدید آورد و پروراند و در کشتیهای نجات بر پشت پدران حمل نموده و در شکم مادران به ودیعه گذاشت ، و از رخدادهایی که موجب هلاکت اُمم گذشته بود، سالم نگاه داشته و به معرفت خویش رهنمون شد؛ و دانستم که پروردگارم به هر چیز بگوید: موجود شو، موجود می شود؛ و به وسیله او - جلّ جلاله - به مرادش از آیه شریفه که می فرماید: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى ، فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ. (۸)

- و بی گمان به نشاء نخست آگاهی داشتید، پس ای کاش که متذکر می شدید!

آگاهی یافتم ، و خداوند خود مقصود خویش را از آفرینش من ، به من شناسانید، و از راه عقل و نقل از آنچه که مورد رضای اوست پرده برداشت

از همه این امور دریافتم که خداوند - جلّ جلاله - در راهنمایی کردن من به راه سعادت مندی ام - که در اخلاص عبادت برای ذات او بدون تعلّق خاطر به طلب پاداش و بخشش ، و یا خوف عذاب و کیفرش حاصل می شود - بر من منت نهاده است ، و یقین کردم که خداوند - جلّ جلاله - مالک زندگانی من بوده ، و همواره نسبت به من از خویشتن سزاوار، و زیبنده آن است که بزرگی جلال و عظمت و اقبال و توجّه او به من ، مرا به خود مشغول سازد.

آیا مگر عقلها می توانند از درگاه ذات خدا و اخلاص عبادت برای او، سرپیچی کنند؟! در حالی که شناخت ذات و صفات خداوند، و پیوسته ملازم رعایت ادب در محضّر وجود او بودن و عمل کردن بر اساس اراده او، و نیز مناجات با او، پیش از شناخت ثواب و عقاب حاصل می شود؛ بنابر این ، هر کس که در این امور بیاندیشد و نسبت به آنها معرفت داشته باشد، خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که شایسته عبادت است پرستش می کند.

و نیز مگر کمال و جلال و عظمت حضرت حقّ، در نزد کسانی که به حقّ پادشاهی و سروری او اعتراف دارند، نیازمند بذل رشوه ثواب یا خوف از عقاب می باشد؟! پاک و منزّه است آن خداوندگار اعظمّ و آن مقام والا از اینکه بنده اش با دادن رشوه ، به محبّت و قرب و بندگی او تمایل داشته باشد، بلکه بر بندگان واجب است که تمام توان خویش را بکار زنند تا اینکه خداوند ایشان را پذیرفته ، و اهلّیت بندگی و عبادتش را به آنان ارزانی دارد.

از این رو، عقلهای سلیم ، همواره به آنچه که به جهت شناخت خداوند بدان موظف هستند - مانند حق آفرینش و پرورش و هدایت - سرگرم بود، و شیفته حفظ حرمت ذات و هیبت و عظمت او گردیده ، و به هدفی که برای آن آفریده شده اند - یعنی کمال شناخت و عبادت خدا - متشرف می باشند.

وآنچه ، سعادت‌مندیها و اقبال و توجّهی که من به واسطه هدایت خداوند -جلّالهِ- یافته ام ، و آنچه که او از لطف و مکاشفه و لذّت سخن گفتن با خود به گونه ای که از هر چیزی است که سزاوار کمال ربوبیتش نباشد منزّه است ، به من شناسانیده ، به حدّی است که با گفتار نمی توانم آن را توصیف کنم .

آیا نمی بینی هر پادشاه و فرمانروایی وقتی می خواهد به بنده خود نیکی بسیار بنماید، او را در محضر خویش راه داده ، و با بذل خلعت جُود خویش به او، وی را مشرف گردانیده ، و با او سخن گفته و به او اجازه گفتگو در پیشگاهش را می دهد، یعنی گاه با اجازه خطاب و گاه به اجازه پاسخ دادن مشرفش می گرداند؟!

به بعضی از عارفان که بسیار خلوت می گزید، گفته شد: آیا از جدایی گرفتن از بستگان خود و اجتماع احساس تنهایی نمی کنی ؟ گفت : من با پروردگارم همنشین هستم ، اگر بخواهم او با من سخن بگوید، کتاب او را تلاوت می کنم ، و وقتی بخواهم با او سخن بگویم ، به درگاه او دعا نموده و با او پیوسته سخن می گویم .

و واقعاً چه مطالب پرمایه و چه پناهگاهها و دژهای محفوظ و ایمنی بخش (۹) که در خلوت با خداوند مالکُ القلوب وجود دارد، و چه قرب دوست داشتنی به خداوند و اسرار بی پرده که در آنجا یافت می شود!

بنابر این ، چون به فوائد خلوت و مناجات با خدا، و آنچه که خداوند در خلوت و مناجات با خود برای بنده اش اراده فرموده : (که عبارت است از عزّت و جاه و نیل به نجات ، و سعادت‌مندی در دنیا و بعد از مرگ ) آگاهی یافتیم ، دیدم که کتاب اءَلْمُصْبَاحُ الْكَبِير نوشته جدّ مادری ام ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی - رحمه الله - بخش عمده ای از اعمال عبادی را دربردارد، و بعد از آن بر مطالب مکمل و مهمّی دست یافتیم که می توانست مطلوب کسانی باشد که دوستدار رسیدن به منتهای مقامات بوده ، و به کم بسنده ننموده ، و به معامله ای که زیانکاران با خدا می کنند، راضی نمی گردند.

و از سوی دیگر دیدم که خداوندگار معبود با زبان حال ، به هر بنده نیکبخت می فرماید:

ای بنده من ، گذشتگان از اهل یقین و مراقبه و تقوی و اصحاب یمین را با مرگ در بند نمودم و لذا نمی توانند عملی انجام دهند، آرزو می کنند ولی قدرت بر صعود به درجات ایمانی را ندارند؛ لیکن تو در میدان مسابقه دنیا آزاد و رها هستی ، پس چه چیز تو را از پیشی گرفتن از آنان به وسیله اسب تاراجگر و تکتازِ فرصت که در اختیار توست ، و یا حدّاقلّ از پیوستن به آنان در مقامات بهشت رضوان و خشنودی حضرت حقّ باز داشته است ؟

لذا تصمیم جدی گرفتیم که بخشی از روایات و مطالب افزون بر مصباح بدان دست یافته بودم ، و اسراری را که خداوند - جلّ جلاله - اجازه اظهار آن را به من می دهد، و به طور کلی هر چه را که خداوند مرا به آن رهنمون می گردد، به همان صورت ، همراه با مطالبی را که درباره کیفیت اخلاص و مقامات اختصاص و برگزیدگی در درگاه الهی را که خداوند - جلّ جلاله - به عقل و قلبم ارائه داده ، و اموری را که به لطف خداوند مالک کشف و شهود - برای من آشکار گردیده ، مانند عیوب اعمال و علت گرفتاری به غفلت و کوتاهی در انجام دستورات الهی ، به اضافه دیگر مطالب که اینک نسبت به آنها حضور ذهن ندارم ، همگی را در کتابی گرد آورده و نام آن را مُهِمَّاتُ فِی صَلَاحِ الْمُتَعَبِّدِ، وَ تَتِمَّاتُ لِمَصْبَاحِ الْمُتَهَبِّدِ بگذارم . و اینک به یاری خداوند - جلّ جلاله (۱۰) - در چندین جلد مرتّب ، و به صورت ذیل نامگذاری می نمایم :

جلد اوّل : فَلَا حُ السَّائِلِ وَ نَجَاحُ الْمَسَائِلِ فِی عَمَلِ يَوْمِهِ وَلَيْلِهِ . که در دو مجلد خواهد بود.(۱۱)

جلد سوّم : زَهْرَةُ الرَّبِيعِ فِی ادَّعِيَةِ الْأَسَابِي .

جلد چهارم : جَمَالُ الْأُسْبُوعِ بِكَمَالِ الْعَمَلِ الْمَشْرُوعِ .

جلد پنجم : الدُّرُوعُ الْوَاقِيَةُ مِنَ الْأَخْطَارِ فِيمَا يُعْمَلُ مِثْلُهُ كُلِّ شَهْرٍ عَلَى التَّكْرَارِ.

جلد ششم : الْمِضْمَارُ لِلْسَّبَاقِ لِلْحَاقِ بِصَوْمِ شَهْرِ إِطْلَاقِ الْأَرْزَاقِ وَ عِتَاقِ الْأَعْنَاقِ.

جلد هفتم : اءَلْسَالِكُ الْمُحْتَاجُ إِلَى مَعْرِفَةِ مَنَاسِكِ الْحُجَّاجِ.

جلد هشتم و نهم : اءَلْأَقْبَالُ بِالْأَعْمَالِ الْحَسَنَةِ فِيمَا نَذَكَّرُهُ مِمَّا يُعْمَلُ مِيقَاتًا وَاحِدًا [أ] كُلِّ سَنَةٍ.

جلد دهم : اءَلْسَعَادَاتُ بِالْعِبَادَاتِ الَّتِي لَيْسَ لَهَا وَقْتُ مَحْتُمٌ مَعْلُومٌ فِی الرِّوَايَاتِ، بَلْ وَقْتُهَا بِحَسَبِ الْحَادِثَاتِ الْمُقْتَضِيَةِ وَالْأَرَادَاتِ الْمُتَعَلِّقَةِ بِهَا.

و اگر خداوند - جلّ جلاله - چنانکه از فضل او امید دارم ، این کتابها را کامل گرداند، آرزو دارم هر کدام از آنها به گونه ای باشد که هیچ کس بر من - بنابر آنچه که اطلاع دارم - به چنین تاءلیفی پیشی نگرفته باشد، و نیز آنها مورد نیاز کسانی باشد که خواهان قبولی عبادات بوده ، و جویای آمادگی برای معاد پیش از مرگ می باشند.

دفع یک شبهه

۱ - طریق و سند من در نقل روایاتی که در این کتاب ذکر می کنم ، خواصّ اصحاب مورد اعتماد ما امامیه می باشد، ولی گاهی در برخی از احادیث بین راویان ثقه ای که بدان اشاره نمودیم و بین پیامبر اکرم ( ص ) و یا یکی از ائمّه - صلوات الله علیهم - که روایت از آنان نقل شده ، اشخاصی یافت می شوند که بر آنان خرده گرفته شده ، و این طعن نیز به چندین صورت است :

الف - طعن از طریق خبر واحد نقل شده است .

ب - طعن به واسطه روایتی نقل شده که راوی آن نیز مطعون است .

ج - احتمال می رود که و شخصی که مورد خرده و طعن قرار گرفته به علتی (۱۲) معذور بوده باشد. که البته گاهی این انگیزه برای ما معلوم است ، و یا حداقل در نزد منتقدان احتمال آن می رود.

۲ - دلیل دیگر من در نقل روایت از برخی از کسانی که مورد طعن قرار گرفته اند، آن است که می بینم بعضی از اصحاب ثقه ما - که مورد اعتماد من نیز می باشند و من به واسطه همان شخص مَطْعُونٌ عَلَیْهِ به آنان سند رسانیده و از ایشان روایت می کنم ، و یا به واسطه ایشان از وی روایت نقل می کنم - درست همان روایت را از او نقل کرده و کنار نگذاشته و هیچ خرده ای بر آن روایت نگرفته ، و از نقل آن خودداری نکرده اند، لذا من نیز آن روایت را از ایشان پذیرفته و احتمال می دهم که :

الف - شاید آنان به طریق دیگری که راویان آن مورد تحقیق قرار گرفته و مورد سپاس واقع شده اند، بر صحت و درستی روایت مذکور اطلاع یافته اند.

ب - و یا به علت عمل کردن طایفه امامیه به مضمون آن روایت بر آن اعتماد کرده اند.

ج - اصلاً راوی که اعتقادش مورد طعن است ، در نقل حدیث و امانت در نزد آنان مورد اعتماد بوده است .

زیرا کسانی در میان کفار پیدا می شوند که در نقل و حکایت اخبار مورد اعتمادند، چنانکه علمای مسلمین بر اخبار پزشکان کافر ذمی درباره اموری که برای بهبودی از بیماریها صلاح است ، اعتماد دارند.

بنابر این ، اگر مانعی از اعتماد بر روایت کسانی که بکلی از عموم لفظِ اتّباع و پیروی از تمامی اهل بیت و یا برخی از آنان - علیهم افضل السّلام - خارج هستند، و اعتقادی به امامت ائمه - (علیهم السلام) - یا برخی از آنان ندارند وجود نداشت ، مسلماً عمل کردن به روایت تمام افرادی که از سایر فرقه های مسلمین به صدق و امانت در نقل حدیث معروف هستند، جایز بود.

۳ - دلیل دیگر من در نقل برخی از روایاتی که بر بعضی از راویانش خرده گرفته شده ، آن است که اصحاب ائمه - (علیهم السلام) - در زمانی بسر می بردند که باید سخت تقیه می کردند، از این رو امکان دارد که در بیشتر و یا در بعضی از اوقات مطالبی را بر خلاف آنچه که در نهاد و دلشان بوده اظهار نموده باشند، (به خاطر ضرورتی که آن را به جهت ممکن نبودنش مباح نموده ) و چه بسا که ضرورت اقتضا کرده که امر اعتقادی خلافی را بر طریق تقیه بازگو نمایند، و این مطلب از ایشان نقل و پخش شده ، به گونه ای که شاید اگر عذر هم می آوردند کسی آن را نمی پذیرفت .

۳ - دیگر عذر من در نقل روایت از کسانی که مورد طعن قرار گرفته اند، این است که می بینیم گاهی طعن از غیر معصوم وارد شده ، و یا از معصوم است ولی اسناد طعن به معصوم ثابت نیست ، زیرا می دانیم که خود طعن نیز نیازمند آن است که یا با شهادت ثابت و مورد پسند در شریعت محمدی (ص)، و یا به طریق دیگری که در نزد جلالت الهی عذر واضح محسوب می شود، اثبات شود.



۴ - دلیل دیگر من این است که ملاحظه می کنیم گاهی انسان بر شخصی خشم می گیرد، و در حال غضب اموری را که واقعیت ندارد - چه به عمد، و چه از روی فراموشی - از او نقل می کند، سپس آن مطالب پخش می شود، به گونه ای که بسیاری از شنوندگان باور و یا گمان می کنند که آن مطلب واقعیت دارد و قطعی و یقینی است، ولی بعد از مدتی برای برخی از کسانی که اهل پرس و جو هستند روشن می گردد که هیچ کدام از آن امور واقع نشده است، و چه بسا کسی که آن مطالب را در حال خشم و غضب گفته اعتراف کند که در خرده گیری و گفتار خود خطا کرده، ولی تنها کسی که این اعتراف را از وی شنیده از حقیقت آگاه می شود، و کسانی که این اعتراف را از او شنیده اند بر اعتقاد سابق خود نسبت به طعن نخست باقی می مانند. و ما این مطلب را در بسیاری احوال و موارد به چشم خود دیده ایم.

۵ - از دیگر عذرهای من این است که ملاحظه می کنیم خداوند - جلّ جلاله - و خواصّ بندگان، و تمام کسانی که حال دشمنان و حسودانشان را مورد توجّه قرار می دهیم، هیچ کس از آنان را نمی یابیم که از نسبت امور غیر واقع به خود سالم باشند، لذا لازم است انسان خرده گیری را ترک گوید مگر اینکه قطع و یقین داشته باشد، و یا اعتقادی چیزی که مانند آفتاب و به صورت واضح و قطعی جانشین قطع و یقین بوده و از طعن و غلط و اشتباه سالم باشد. این همه در جواب از طعن در امور ظاهری کفایت می کند.

و اما طعن و خرده گیری بر فسادِ عقیده کسی، نیازمند آن است که به صورت یقینی از سوی کسی که براستی از ناحیه خداوند - جلّ جلاله - خبر می دهد و آگاه به رازها و درون است یعنی معصوم (ع) معلوم شود.

۶ - از جمله دلیلهای من آن است که به برخی از روایاتی که بر بعضی از راویان آن طعن وارده شده و من آن را نقل کرده ام، راه و سند دیگری دارم، یا به آن حدیث، و یا به همان امام معصوم که روایت از او نقل شده، و یا به حُجَج و معصومین دیگر (علیهم السلام) در حدیث مشابه، و یا طریق دیگر به راوی مورد اعتمادی که روایت مَطْعُونٌ عَلَیْهَا از او نقل شده در هر حال، من روایتی را که راه گریز از آن را نداشته باشم ذکر نمی کنم.

۷ - اگر در تمام آنچه که در این کتاب وجود دارد - چه روایت از کسانی که به سببی طعن بر آنان وارد شده، و یا احادیثی که به جهت عذری سند آن را یادآور نشده ام - هیچ عذر روشن و راه گریز شایسته نداشته باشم مگر حدیثی که آن را از عدّه ای از افراد معتبر و راستگو در نقل احادیث روایت می کنم، کافی و بس بود.

ایشان به اسناد خود به استادی که همه بر عدالتش اتفاق دارند. یعنی ابی جعفر محمد بن بابویه - که خداوند او را غریق رحمتش بگرداند - در کتاب ثَوَابُ الْأَعْمَالِ نقل می کنند که وی از صفوان بن یحیی که همگان بر ورع و پرهیزگاری و امانتش اتفاق دارند، روایت نموده که امام صادق (ع) فرمود:

هرکس کار خیری [از ناحیه رسول الله (ص)] به او برسد و بدان عمل کند، برای او پاداش آن منظور خواهد شد، اگرچه رسول الله (ص) آن را نفرموده باشد. (۱۳)

و از آن جمله به واسطه چندین سند از استادی که نزد همگان ستوده است، یعنی محمد بن یعقوب کلینی - رضوان الله جلّ جلاله علیه - در کتاب کافی در باب مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَصَنَعَهُ درست به همین الفاظ نقل می کنم که فرمود: علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم روایت کرده که امام صادق (ع) فرمود:

هرکس ثوابی برای عملی بشنود، و آن را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه درست به همان صورت که به او رسیده نبوده باشد. (۱۴)

و نیز به سند خویش به محمد بن یعقوب کلینی، از محمد بن یحیی، از محمد بن حسین، از محمد بن سنان، از عمران زعفرانی نقل می کنم که محمد بن مروان می گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود:

هرکس ثوابی از ناحیه خداوند - عزوجل - برای عملی به او برسد، و او به خاطر نیل به آن ثواب، آن عمل را انجام دهد، ثواب به او داده می شود، اگرچه حدیث به همان صورت که به او رسیده نبوده باشد. (۱۵)

جلالت و توثیق ابن سنان (۱۶)

قابل توجه است که: شنیده ام بعضی بر محمد بن سنان خرده می گیرند. شاید وی تنها به روایتی که در مورد طعن اوست دسترسی پیدا کرده، و بر تزکیه و ثنای بر او دسترسی نداشته است، چنانکه در بیشتر طعن‌ها این احتمال می رود.

شیخ بزرگوار و مورد اطمینان مفید، محمد بن محمد بن نعمان، در کتاب کمال شهر رمضان هنگام ذکر محمد بن سنان، درست به این لفظ می گوید که:

وآنچه از سروران ما (علیهم السلام) در وصف این مرد (محمد بن سنان) وارد شده، خلاف آن چیزی است که شیخ ما آورده و او را بدان توصیف نموده، و آنچه از روایات ظاهر می شود درست ضد اوصافی است که وی برای ابن سنان ذکر نموده. مانند فرمایش امام باقر (ع) در روایت عبدالله بن صلت قمی که می گوید: در اواخر عمر شریف امام باقر (ع) بر او وارد شدم و از آن بزرگوار شنیدم که می فرمود:

خداوند، محمد بن سنان را در رابطه من جزای خیر دهد، که بی گمان وی نسبت به من وفا نمود.

و مانند فرمایش دیگر آن بزرگوار (ع) در روایت علی بن حسین بن داود که می گوید: از امام باقر (ع) شنیدیم که محمد بن سنان را به نیکی یاد نموده و فرمود:

خداوند، به واسطه خشنودی من از او، از او خرسند و راضی باشد، که هرگز با من و پدر بزرگوارم مخالفت ننمود.

گذشته از اینها، با بزرگی و جلالتی که او در میان شیعیان دارد، و برتری و علو مقام و ریاست و بزرگی قدر و ارج و ملاقاتش با سه تن از ائمه (علیهم السلام) و روایت از ایشان، و داشتن مقام والا در نزد آن بزرگواران (یعنی ابوابراهیم موسی بن جعفر، و ابوالحسن علی بن موسی، و ابوجعفر محمد بن علی، علیهم افضّل السّلام) و با وجود معجزه امام جواد (ع) که خداوند متعال در حق وی آشکار ساخت و نشانه روشنی که خداوند او را بدان مکرم گردانید، دیگر جای هیچ شبهه ای باقی نمی ماند.

در روایت محمد بن حسین بن ابی الخطاب آمده که :

محمد بن سنان نابینا بود، ابوجعفر ثانی امام جواد (ع) دست مبارکش را بر آن کشید و وی از کوری نجات پیدا کرده و بینا گردید. بنابراین، از جمله خطرهای خرده گیری بر نیکان این است که انسان بر طعن دسترسی داشته باشد، ولی در اخباری که در مورد راوی مورد طعن قرار گرفته است، کاملاً تاءمّل ننماید. چنانکه در رابطه با محمد بن سنان - رحمه الله علیه - یادآور شدیم. لذا هیچ کس نباید در مطالبی که بدان اشاره نمودیم و یا کسی از طریق کتابهای من بدان دسترسی پیدا می کند، نباید پیش پیشدستی نموده و طعن وارد کند؛ زیرا شاید ما عذری داشته باشیم که خرده گیر بر آن اطلاع پیدا نکرده است.

محمد بن همّام می گوید: حسین بن احمد مالکی به ما گفت که به احمد بن هلیک [یا هلیل] کرخی گفتیم: آیا آنچه درباره غلو محمد بن سنان گفته می شود درست است؟ وی گفت: پناه بر خدا، به خدا سوگند، او بود که به من طهارت و جلوگیری از بیرون آمدن همسرم از خانه را آموخت، وی بسیار زاهد و متعبّد بود.

ابوعلی بن همّام گفت: احمد بن هلیل در سال ۱۸۰ هجری قمری متولّد، و در سال ۲۶۷ از دنیا رفته است.

اسناد روایات این کتاب

گاهی به خاطر عدم تطویل، اوّل سند خویش را در احادیث این کتاب ذکر نمی کنم. و کافی است که در اینجا طریق خویش را به تمام روایاتی که جدّ سعادت‌مندم ابوجعفر طوسی - که خداوند با برآوردن آرزوی او، با او ملاقات نماید! - نقل فرموده ذکر می کنم: از جمله روایاتی که وی نقل کرده، تمام روایاتی است که شیخ بسیار راستگو هارون بن موسی تلعبکری - که خداوند روحش را پاک، و آرامگاهش را منور گرداند! نقل کرده است، و روایت این شیخ بسیار راستگو، تمام اصول و مصنّفات تازمان خویش را در برداشته. خداوند - جلّ جلاله - با خرسندی از او، با او ملاقات فرماید!

جدّم ابوجعفر طوسی در اواخر کتابی که در اسماء رجال تصنیف فرموده، درست به این لفظ فرموده که:

هارون بن موسی تلعبکری - که کنیه اش ابومحمد است - شخصیتی است جلیل القدر، دارای منزلتی عظیم و روایات بسیار، بی نظیر، ثقه و مورد اعتماد، که تمام اصول و مصنّفات را نقل فرموده است. در سال ۳۸۵ از دنیا رفته. و عدّه ای از اصحاب او، از او برای ما روایت نقل کرده اند. (۱۷)

و از سوی دیگر، تمام روایاتی را که محمد بن یعقوب کلینی، و ابوجعفر محمد بن بابویه، و شیخ سعادتمند مفید محمد بن محمد بن نعمان، و سید بزرگوار مرتضی و همه کسانی را که کتاب فهرست و اسماء الرجال و غیر این دو کتاب در بردارد، و جدّم ابی جعفر طوسی از ایشان نقل کرده - که خداوند جلّ جلاله از ایشان خشنود گردد، و احسان خویش را به آنان دو چندان گرداند! - به چندین طریق از جدّم ابی جعفر طوسی نقل می کنم.

از جمله راهها و اسناد من در روایت از تمام روایاتی که جدّم ابوجعفر در کتاب الفهرست و کتاب اسماء الرجال و روایات دیگر غیر این دو کتاب نقل فرموده، عده ای از راویان مورد اعتماد هستند که آنها برای من روایت نمودند، از آن جمله شیخ حسین بن احمد سوراوی در جمادی الثّانیه سال ۶۰۹ که به واسطه نقل از محمد بن ابی القاسم طبری، از شیخ مفید ابی علی، از پدرش یعنی جدّ سعادتمند ابوجعفر طوسی به من اجازه روایت داد.

و از دیگر اسناد من اینکه: شیخ علی بن یحیی خِیّاط [یا: حنّاط] حلّی در تاریخ ماه ربیع الاول سال ۶۰۷ به واسطه نقل از شیخ عربی بن مسافر عبادی، از محمد بن ابی القاسم طبری، از ابی علی، از پدر بزرگوارش یعنی جدّم ابوجعفر طوسی به من اجازه روایت داد.

و از جمله اسناد من در روایت اینکه: شیخ فاضل اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی در محلّ سکونت من در سمت شرق بغداد - که خلیفه مستنصر بالله که خداوند جلّ جلاله در رابطه من جزای نیکوکاران را بدو عنایت فرماید، منزلی در آنجا به من داده بود - در صفر سال ۶۳۵، به واسطه نقل از ابی الفرج علی بن سعید ابی الحسن [یا: الحسین] راوندی، از شیخ ابی جعفر محمد بن علی بن محسن حلبی، از جدّ سعادتمند ابوجعفر محمد بن حسن طوسی به من اجازه روایت داد.

و این روایت من از اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی مشتمل بر روایت تمام کتابها و اصول و مصنّفات اصحاب است. و بعید است که چیزی از روایاتی که در این کتاب ذکر می کنم، در آن نباشد.

روش تالیف این کتاب

اینک می گویم: باید توجّه داشت که پیش از شروع به تالیف این کتاب، سیاهه و پیش نویسی که از قبل آماده و مهیا کرده باشم نداشتیم، بلکه ناسخ را در نزد خود حاضر می ساختم و شروع به نوشتن برگی از کتاب می نمودم، سپس آن را به او می دادم و وی از روی آن می نوشت، و به همین صورت ورقه به ورقه می نوشتم و به او می دادم، و وی یکی بعد از دیگری از روی آنها می نوشت.

البته من کارهای دیگری غیر از نوشتن این کتاب داشتم، که مانع از تصنیف آن می شد، و علّت آن بود که تالیف آن را در ماه رجب و شعبان و ماه رمضان شروع کردم، و در این ماهها وظایف و اعمال عبادی بسیاری است که بیشتر اوقات انسان را فرا می گیرد، لذا وقت نمی کردم که کتاب را کُرّاس به کُرّاس (۱۸) بنگارم، زیرا در این صورت نسخه برداری از آن ممکن نمی شد. و

علاوه بخشی از اوقاتم نیز به برآوردن نمودن حوایج مردم بر اساس دستور خداوند - جلّ جلاله - صرف می شد؛ ولی با این همه خداوند - جلّ جلاله - درهای قدرت را برای نگارش چیزی که تصمیم بر اتمام و انجام آن را داریم - یعنی تتمّه ها و مکمل های کتاب مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّد و امور مهمّی که به مصلحت عبادت کنندگان است - گشود.

بنابراین ، اگر کسی در آن نقصی یافت ، اموری که ذکر نمودیم مانند عجله داشتن و تنگی وقت ، خود عذر ما را می خواهد، و اگر آن را کامل و برتر یافت ، تنها سپاسگزار خداوند - جلّ جلاله - باشد، زیرا او - جلّ جلاله - بود که قدرت بر آن را به ما ارزانی داشت ، و چشم خواسته هایمان را برای رسیدن به مقاصدمان روشن نمود.

لذا می گویم : اگر بر این کتاب ما دسترسی پیدا کردی ، شاید اموری مانند راهنمایی و هدایت به جلال الهی ، و راهنمایی بر لزوم عنایت داشتن به اقبال و توجّه خداوند بر بنده ، و گشودن راه تحقیق و دسترسی به حقیقت برای اهل توفیق بیابی ، که موجب گردد گمان کنی اینها از جستجو و تلاش و کوشش ماست ، چنین نیست ، بلکه همه از فضل خداوندگار مهربان و دلسوز نشاءت گرفته است .

بر این پایه ، اگر از این سخنان و اعمال بهره بردی ، به شکرگزاری و سپاس خداوند - جلّ جلاله - و تعظیم آن مقام بزرگوار بسنده کن ، و به جای آن به یاد و شکر و سپاس من مشغول باش ، تا مبادا به جای اشتغال به مالک به بنده اشتغال داشته ، و خود را در راههای خطرناک به خطر انداخته ، و متعرّض اموری که موجب هلاکت و گمراهی است گردی . زیرا خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ، مَا زَكِيَ مِنْكُمْ مِنْ آخِذٍ أَبَدًا. (۱۹)

- واگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، بی گمان هیچ کس از شما هیچگاه پاکیزه نمی گردید.

و نیز او - جلّ جلاله - می فرماید:

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ، فَمِنْ اللَّهِ. (۲۰)

- و هر نعمتی در وجود شماست ، از خداوند است .

برای بنده او، یعنی مؤلف این کتاب نیز - که خداوند سبحان او را از نیستی ، به وجود آورده و از حال ناتوانی و کمبود به سوی توانایی انتقال داده - به تحقیق ثابت شده که اگر فضل و رحمت مولایش بر او نبود، به هیچ یک از چیزهایی که به راهنمایی او بدان واصل گردیده ، نایل نمی شد، و مسلماً هیچ نعمتی برای او نیست مگر اینکه به فضل آن خداوندگار معبود، و از درهای رحمت و جُود او نشاءت گرفته است .

حال که مالک و مملوک (یعنی خداوند - جلّ جلاله - و مؤلف ) بر صحتّ این مطلب اتفاق دارند (که نگارش مطالب کتاب از

خداست ، نه مؤلف )، پس چگونه تو با این گفتار مخالفت نموده و می گویی آنها از برتری مملوک و بنده می باشد، بنده ای که

خداوند او را به ترتیب مراحل آفرینش از خاک ، و گِل ، و گِل سیاه بدبوی متغیّر، و آب پست ، و نطفه ، و خون بسته ، و تکه گوشت ، و جنین و شیرخوار و جوان آفریده ، و در همه این مراحل اگر مولای او با رحمت‌هایش بر او تفضّل نمی فرمود، سپس آنچه را که به او عنایت فرموده و ارزانی داشته تکمیل نمی نمود، و آنچه را که نمی دانست به انسان نمی آموخت ، این بنده نسبت به وجود خود جاهل و نادان بود.

قابل توجّه است که وقتی این کتاب را شروع کردم ، تصمیم من این بود که تنها مطالب افزون بر مِصباح را در آن بیاورم ، و امور دیگر را نقل نکنم ، ولی دیدم که در این صورت کتاب ، نسبت به آنچه مقصود من است ، کامل نخواهد بود. لذا تصمیم گرفتم که آن را برای طالبان عمل - یعنی عارفانی که به شرافت بندگی خداوندی که سلطان بندگان است آگاهی دارند، و در آمادگی برای روز معاد می کوشند - به صورت کتابی کامل و کافی مرتّب گردانم .

نکته دیگر اینکه : گاهی در بعضی از دعاهایی که ذکر می شود، به خاطر آنچه که با آن آشنایی ، یعنی همان اسراری که ویژگان درگاه او - جلّ جلاله - از او و به اذن او و رسولش ( ص ) در برخی از اوقات و برای بعضی از انسانها ذکر می فرمایند، لفظ و یا معنایی مشابه و همسان ذکر و تکرار شده است ، لذا ما همه را به همان صورت که یافته ایم نقل می کنیم ، هرچند لفظ و یا معنای آن مکرّر باشد.

فهرست جزء اوّل و دوّم کتاب

فصلهای جزء اوّل و دوّم کتاب بدین قرار است که در اوایل آن ذکر می کنم ، تا هرکس هر مطلبی را خواست باز شناخته و آن را به صورتی که نزدیکتر به صواب است جستجو کند.

و از آنجا که بیشتر اعمال شبانه روز دربردارنده نماز و دعاست ، لذا شایسته است که ما نیز این کتاب را با بیان مطالبی از ترغیب و تشویق به آن دو آغاز کنیم ، و عقلها و دلها را به آن دو متوجّه نماییم .

فصل اوّل : تعظیم نماز و اینکه هرکس در انجام آن کوتاهی کند از بزرگترین جنایتکاران است .

فصل دوّم : کیفیت نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت و ناپسند باز می دارد، و بیان بزرگترین شرط نماز.

فصل سوّم : فضیلت دعا با استفاده از الفاظ صریح قرآن .

فصل چهارم : روایاتی صریح و روشن در فضیلت دعا.

فصل پنجم : برتر بودن دعا و مناجات با خداوند رحمان از تلاوت کلام عظیم الشّان خداوند - جلّ جلاله - .

فصل ششم : اموری که از دیدگاه عقل شایسته است دعا کننده آنها را رعایت کند.

فصل هفتم : اموری که سزاوار است دعا کننده از نظر روایات به آنها آراسته باشد.

فصل هشتم : ذکر فواید محافظت بر مناجات بسیار با خداوند، و فضیلت دعا کردن در غیاب برادران دینی ، و دعا برای پیشوایان  
رهایی بخش (علیهم السلام).

فصل نهم : مقدمات طهارت و کیفیت آبی که در خور طهارت نماز است .

فصل دهم : کیفیت طهارت با استفاده از آنچه که عقل از مقصود حضرت رسول (ص) برای کمال پذیرش عمل درک می کند.

فصل یازدهم : کیفیت طهارت به آب ، با استفاده از روایات .

فصل دوازدهم : کیفیت خاک و دیگر چیزهایی که جانشین آن می شود، و طهارت از حَدَث اصغر به آن در صورت عدم امکان  
طهارت با آب .

فصل سیزدهم : کیفیت طهارت و غسل با آب ، از دیدگاه عقل و نقل .

فصل چهاردهم : کیفیت طهارت و تیمم کردن با خاک به جای غسل در صورت عدم امکان طهارت با آب ، و نیز گزینش لباس و  
مکان نماز، و ذکر دعاهاى داخل شدن در مسجد و روبه قبله ایستادن با استفاده از روایات .

فصل پانزدهم : تعیین نخستین نمازی که بر بندگان واجب شده و اینکه آن همان صَلَوةٍ وُسْطَى است .

فصل شانزدهم : اموری که شایسته است هنگام زوال آفتاب و ظهر بدان عمل شود.

فصل هفدهم : نافله های نماز ظهر و پاره ای از اسرار نماز.

فصل هیجدهم : کیفیت اذان و اقامه و بعضی از اسرار آن دو.

فصل نوزدهم : کیفیت نماز ظهر و بخشی از اسرار و تعقیبات آن و دو سجده شکر و امور بعد از آن .

فصل بیستم – نافله های نماز عصر و گوشه ای از اسرار آن .

فصل بیست و یکم – نماز عصر و اشاره به شرح و تعقیب آن .

فصل بیست و دوّم – دعای هنگام غروب آفتاب ، و اصلاح نامه عمل که دو فرشته گمارده شده بر انسان ثبت نموده اند، و بیان

آنچه که شایسته است در پایان روز انجام شود، تا نامه عمل به خداوندی که به تمام نهانیها آگاه است ، عرضه شود.

فصل بیست و سوّم – پیرامون ملاقات با دو فرشته نگاهبان اعمال در آغاز شب ، و درباره کیفیت نماز مغرب و ذکر شرح و تعقیب  
آن .

فصل بیست و چهارم – نوافل نماز مغرب و دعاهاى بین و در تعقیب آنها.

فصل بیست و پنجم – نمازهایی که بین نافله های نماز مغرب و عشا خوانده می شود.

فصل بیست و ششم – نماز عشاء و تعقیب آن .

فصل بیست و هفتم – نماز فرج بعد از نماز عشاء.

فصل بیست و هشتم - نمازی برای طلب روزی و نیز نماز[های] دیگری که بعد از نماز عشاء خوانده می شود.

فصل بیست و نهم - نماز وُتیره و نافله عشاء و تعقیب آن .

فصل سی ام - اموری که شایسته است پیش از خواب و یا هنگام بیدار شدن در اثنای خواب و پیش از برخاستن [ و نشستن ] بدن عمل شود. و این فصل ، آخر جزء اوّل کتاب است ، اینک می گوئیم : جزء دوّم کتاب به این قرار خواهد بود:

فصل سی و یکم - اموری که شایسته است هنگام بیدار شدن از خواب و نشستن عمل شود. خواه نماز نافله شب بخواند یا نخواند.

فصل سی و دوّم - اموری که سزاوار است انسان پس از برخاستن از خواب و عمل نمودن به آنچه که در فصل قبل گذشته ، و هنگام خواندن نافله شب بدن عمل نماید، و ذکر پاره ای از فضایل نماز شب .

فصل سی و سوّم - یک نماز و درخواستها و امور مهمّ و دعاهاى شب ، و دو رکعت نمازی که مولایمان زین العابدین (ع) پیش از شروع نماز شب انجام می داده است .

فصل سی و چهارم - کیفیت نماز شب و بخشی از دعاهاى آن و دعای نماز وتر و دو رکعت فجر نخست .

فصل سی و پنجم - خداحافظی با دو فرشته نگاهبان بر انسان و اصلاح نامه عمل ، که آن دو در شب نوشته اند.

فصل سی و ششم - کیفیت نماز صبح و ذکر تعقیبات آن .

فصل سی و هفتم - دعای وقت نگاه کردن به آفتاب .

فصل سی و هشتم - دعایی برای امور مهمّ، هنگام سه ساعت مانده به ظهر.

فصل سی و نهم - نماز و دعایی پیش از زوال برای عافیت و در امان ماندن از هر چیزی که انسان از آن بیم و هراس دارد.

فصل چهلم - نمازی در هنگام ظهر برای حفظ جان و دین و دنیا و اهل و مال .

فصل چهل و یکم - دعاهاى ساعتهاى روز.

فصل چهل و دوّم - ترتیب نماز مسافر، و واجبات و مستحبّات مسافر در شبانه روز.

فصل چهل و سوّم - فضایل قرائت سوره های قرآن ، ( زیرا انسان در اعمال شبانه روز ناچار از خواندن قرآن - در نمازهای واجب و مستحبّ - است .)

این بود ذکر اجمالی فصلهای جزء اوّل و دوّم این کتاب که شرح و توضیح آنها برای کسانی که با انجام این امور خواهان سعادت و نیکبختی هستند، کفایت می کند.

اینک شرح و توضیح آنها برای کسانی که می خواهند نمازهایشان را به صورت کامل ادا نمایند، و ذکر عبادات و دعاها همراه با

حذف امور زاید و اضافی ، و فوائد بسیار:

فصل اوّل : عظمت نماز و پیامدهای سبک شمردن آن



با حذف اسناد از سرور زنان ، فاطمه ، دختر سرور پیامبران - که درودهای خداوند بر او و بر پدر بزرگوار و شوی گرامی و پسران اوصیاء او باد! - نقل می کنم که وی از پدر بزرگوارش حضرت محمد (ص) پرسید ای پدر جان ! سزای هر مرد و زنی که نماز را سبک بشمارد، چیست ؟ فرمود: ای فاطمه ، هر کس چه مرد باشد و چه زن ، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می نماید: شش چیز در دار دنیا، و سه چیز هنگام مرگ ، و سه چیز در قبرش ، و سه چیز در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

اما مصیبت‌هایی که در دار دنیا بدان مبتلا می گردد:

نخست اینکه : خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی دارد.

دوم اینکه : خداوند، خیر و برکت را از روزی اش برمی دارد.

سوم اینکه : خداوند - عزوجل - نشانه صالحان را از چهره او محو می فرماید.

چهارم اینکه : در برابر اعمالی که انجام داده اجر و پاداش به او داده نمی شود.

پنجم اینکه : دعای او به سوی آسمان بالا نمی رود و مستجاب نمی گردد.

ششم اینکه : هیچ بهره ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود.

و اما مصائبی که هنگام مرگ به او می رسد:

نخست اینکه : با حالت خواری و زبونی جان می دهد.

دوم اینکه : گرسنه می میرد.

سوم اینکه : تشنه جان می سپارد، به گونه ای که اگر آب تمام رودخانه های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی اش برطرف نخواهد شد.

و اما مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می گردد:

اول اینکه : خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.

دوم اینکه : خداوند گور را بر او تنگ می گرداند.

سوم اینکه : قبرش تاریک می شود.

و اما مصائبی که در روز قیامت ، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می شود:

نخست اینکه : خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا در حالی که مردم به او می نگرند، او را به رو بر زمین بکشد.

دوم اینکه : سخت از او حساب می کشند.

سوم اینکه : خداوند هرگز نظر [رحمت] به او ننموده و [از بدیها] پاکیزه اش نمی گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.

فصل دوم : شرایط نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت بازمی دارد

کراچی در کتاب کنزالفوائد ذکر کرده که در حدیث آمده که : ابوجعفر منصور [خلیفه عباسی] در روز جمعه ای در حالی که بر دست حضرت صادق جعفر بن محمد (ع) تکیه زده بود، بیرون آمد. مردی - که رزام آزاد شده خالد [یا: خادم] بن عبدالله نامیده می شد - گفت : این کیست که آنقدر در نزد امیرالمؤمنین یعنی منصور ارجمند است که وی بر دست او تکیه زده است ؟ گفته شد: او، جعفر بن محمد صادق - صلی الله علیه - است ؟

وی گفت : به خدا سوگند، نمی دانستم [اگر می دانستم]، بی گمان آرزو می کردم که گونه ابی جعفر [منصور، برزیر] نعلین و پای افزار جعفر می بود. سپس در جلو منصور ایستاد و گفت : ای امیرالمؤمنین ! آیا اجازه هست سؤال بکنم ؟ منصور گفت : از ایشان [یعنی امام صادق (ع)] پرس . [وی گفت : من می خواهم از تو بپرسم . منصور گفت : از او پرس .]

پس رزام رو به امام جعفر بن محمد (ع) کرد و گفت : مرا از نماز و حدود و احکام آن خبر ده . حضرت صادق (ع) فرمود: نماز چهار هزار حدّو حکم دارد که تو نسبت به همه آنها مورد بازخواست قرار نمی گیری . گفت : تنها حدود و احکامی را که ترک کردن آن جایز نیست و نماز جز به آن کامل نمی گردد، بفرما.

امام صادق (ع) فرمود: نماز کسی تامّ و کامل است که طهارت کامل داشته ، و کامل و بالغ بوده (۲۱)، و ساتر داشته باشد، و راست بایستد، و نسبت به خدا شناخت و معرفت داشته و [در پیشگاه او] بایستد، و آرام گرفته و اظهار خشوع و تواضع نموده و استوار باشد، آنگاه میان حالت نومیدی و آزمندی ، و شکیبایی و بی تابی بایستد، به گونه ای که گویی نوید پروردگار تنها متوجّه او، و وعده عذاب تنها برای اوست ، و تمام اموال و دارایی خویش [یا: آرمانهای خویش] را در راه خدا بذل نموده و تمام اهداف [یا: وجود و تعلّقات خود را] خیال انگاشته ، و نفس خود و هرچیز ارجمند در نزد خویش را در راه خشنودی خداوند بذل نموده ، و بدون اینکه انتظار چیزی را بکشد، پیش به سوی او وسط راه و راه راست را طی نماید، و وابستگی های اهتمام ورزیدن را با چشم توجّه به خداوندی که قصد سیر به سوی او را نموده و می خواهد به درگاه او وارد شده ، قطع نماید، و از او اجازه ورود بگیرد.

پس هرگاه کسی اینچنین عمل کند، نمازش همان نمازی خواهد بود که به خواندن آن امر، و از آن خبر داده شده است که : براستی نماز انسان را از کردار و گفتار زشت و ناپسند باز می دارد. (۲۲)

آنگاه منصور رو به امام صادق (ع) کرده و عرض کرد: ای اباعبدالله ، ما پیوسته از دریای [علم] تو استفاده نموده ، و به سوی تو نزدیکی می جوئیم ، ما را از کوری باطنی بینا گردانیده ، و به نور هدایت خویش ، شب تاریک و امور پیچیده را روشن می نمایی ، و لذا ما همواره در انوار پاکیزه و دریای لبریز دانش تو شناور هستیم . (۲۳)

کیفیت نیت در عبادات

ناگفته نماند: از آنجا که در خطبه این کتاب کیفیتِ نیت را توجّه دادیم و به روشنی بیان کردیم که : بنده باید خداوند - جلّ جلاله - را تنها از آن جهت که شایسته عبادت و بندگی است بپرستد، لذا در موارد بسیاری از عبادات ، چگونگی الفاظِ نیت را یاد آور نمی شوم .

و دیگر اینکه - چنانکه اشاره خواهیم کرد - نیت ، همان قصد و تصمیم انسان برای انجام عبادت است (۲۴) و این چیزی نیست که بر او مخفی بماند. آیا نمی بینی که مولایمان امام صادق (ع) هنگامی که شروط نماز را برشمرد، نیازی به ذکر نیت ندید، و جهت آن این است که نیت به خودی خود، در آنچه آن بزرگوار (ع) بدان اشاره فرمود، داخل است و لذا آن را ذکر نفرمود.

فصل سوّم : فضیلت و آثار دعا از دیدگاه قرآن

۱ - خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

قُلْ: مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي ، لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ. فَقَدْ كَذَّبْتُمْ، فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا. (۲۵)

- بگو: اگر دعایتان نبود، پروردگارتان چه اعتنایی به شما داشت ، زیرا مسلماً شما تکذیب نمودید، و لذا تکذیبتان همواره ملازم شما خواهد بود.

خداوند در این آیه شریفه برای مخاطبین آن هیچ جایگاه و مقامی در صورتی که دعا نداشته باشد، قرار نداده ؛ بنابراین ، از این کلام فهمیده می شود که جایگاه و منزلت انسان در نزد خداوند - جلّ جلاله - به اندازه دعا، و ارزش او به قدر اهتمام به مناجات و خواندن اوست .

شاید کسی اشکال کند بگوید: مراد از دعا در این آیه ، عبادت و پرستش خداوند است ؛ ولی این درست نیست ، بلکه حقّ همانی است که راویان مورد اعتماد از امامان و سروران ما (علیهم السلام) روایت کرده اند که مقصود از دعا در این آیه ، بدون کم و کاست همان دعایی است که در عرف شرع فهمیده می شود.

۲ - خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَاءُسُنَا، تَضَرَّعُوا، وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ. (۲۶)

- پس ای کاش هنگامی که سختی و ناگواری از سوی ما به آنان می رسید، تضرّع و زاری می نمودند، لیکن دل‌هایشان قساوت پیدا نموده و سنگدل گردیده بودند.

خداوند - جلّ جلاله - در این آیه شریفه هشدار می دهد که اگر کافران تضرّع و زاری می نمودند، خداوند سختی و ناگواری و خشم و عذاب و عقاب خویش را از آنان برمی داشت ، و ناراحتیهای آنان را برطرف می نمود.

ملاحظه می شود که خداوند فرمود: ای کاش وقتی سختی و ناگواری از ناحیه ما به سوی آنان می آمد، نماز می خواندند، یا روزه می گرفتند، یا حجّ بجا می آوردند، یا قرآن قرائت می نمودند، و این خود به صراحت مطلب را برای اهل فهم از برجستگان روشن می نماید.

۳ - باز از جمله آیات ، وعده پاکیزه خداوند - جلّ جلاله - است به اینکه : دعا، کلید رسیدن به آمال و آرزوهاست . آنجا که می فرماید:

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي ، فَإِنِّي قَرِيبٌ ، أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ . (۲۷)

- و هرگاه که بندگانم درباره من بپرسند، بگو: که من نزدیکم ، و دعای هر دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند، اجابت می کنم .  
۴ - و نیز در این باره است فرمایش دیگر خداوند - جلّ جلاله - که می فرماید:

اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي ، سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ . (۲۸)

- مرا بخوانید تا دعایتان را برای شما اجابت کنم ، براستی کسانی که از پرستش و عبادت من گردنکشی می کنند، با حالت خواری و ذلّت وارد جهنّم خواهند شد.

خداوند - جلّ جلاله - با این آیه شریفه توجّه می دهد که ترک کردن دعا، استکبار و گردنکشی از پرستش و عبادت او، و نیز سبب داخل شدن در آتش جهنّم و عذاب خوار کننده آن است .

از امام صادق (ع) روایت شده که مراد از عبادتی که انسان از آن گردنکشی می نماید در این آیه ، همان دعا است ، و اینکه هرکس با وجود این دستور آن را ترک کند، از مستکبران و گردنکشان خواهد بود.

۵ - تنها بخشی از آیاتی که ذکر شد، برای عارفان کفایت می کند، و اگر نبود در فضیلت دعا، جز فرمایش خداوند - جلّ جلاله - به سرور پیامبران - صلوات الله علیه و آله - آنجا که می فرماید:

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ، يُرِيدُونَ وَجْهَهُ، وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ . (۲۹)

- و خویشتن را با کسانی که صبح و شام پروردگارشان را می خوانند، در حالی که تنها خشنودی او را اراده نموده اند، به صبر و شکیبایی وادار کن ، و مبادا چشمانت را از آنان برداری .

کفایت می کرد، و این امر بزرگی است ؛ زیرا این خطاب در مقام ستایش و مدح کسانی که صبح و شام به درگاه پروردگار دعا می کنند، صادر شده و خداوند - جلّ جلاله - به خاطر دعای آنان در صبح و شام به رسولش (ص) امر فرموده که پیوسته ملازم آنان

بوده ، و چشمان شریفش را از مصاحبت و همنشینی با ایشان برندارد.

فصل چهارم : فضیلت و آثار دعا از دیدگاه روایات

این فصل چندین فایده از فواید دعا را دربردارد:

نخست اینکه دعا، محبوبترین اعمال در نزد خداوند - جلّ جلاله - است . چنانکه در روایتی آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود که علی(ع) فرمود: محبوبترین اعمال نزد خداوند سبحان در روی زمین ، دعا، و برترین عبادت ، عفت و پاکدامنی است .

دوم اینکه : دعا، انسان را از گزند دشمنان و مخالفان رهایی بخشیده ، و درهای روزی را به روی او می گشاید.

چنانکه روایت شده امام جعفر صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود که رسول الله (ص) فرمود: آیا شما را راهنمایی ننمایم بر جنگ افزاری که شما را از دشمنانتان نجات داده و روزی هایتان را افزون گرداند؟ عرض کردند: بله . فرمود: شب و روز پروردگارتان را بخوانید، زیرا براستی که دعا، سلاح و جنگ افزار مؤمنان است .

و در حدیث دیگر از امام صادق (ع) آمده است که : دعا از جنگ افزار آهنین نافذتر است .

سوم اینکه : دعا، ستون دین ، و نور آسمانها و زمینهاست .

چنانکه از امام صادق ، جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش (علیهما السلام) نقل شده که رسول خدا(ص) فرمود: دعا، سلاح مؤمنین و ستون دین ، و علتِ روشنایی آسمانها و زمین است .

چهارم اینکه : دعا، از وقوع اموری که تقدیر شده و یا نشده جلوگیری می کند.

چنانکه عمر بن یزید نقل می کند که از حضرت ابی ابراهیم امام کاظم (ع) شنیدم که می فرمود: براستی که دعا از وقوع اموری که تقدیر شده و یا نشده جلوگیری می کند.

وی می گوید: عرض کردم : فدایت شوم ، امور مقدّر معلوم است مقصود از امور غیر مقدّر چیست ؟ فرمود: خداوند جلوگیری می کند تا اینکه مقدّر نشود.

پنجم اینکه : دعا، بلا را دفع می کند.

چنانکه ابی ولّاد حفص بن سالم خیّاط می گوید: در مدینه به خدمت امام ابی الحسن موسی (ع) وارد شدم ، و چیزی همراه من بود که آن را به ایشان رساندم . حضرت فرمود: به اصحاب و یاران خویش اطلاع بده و بگو که : تقوای خداوند عزّوجلّ را پیشه کنید، که شما در عهد پادشاهی شخص سرکشی هستند (و مقصودشان ، اَبُوالدَّوَانِیق یعنی منصور خلیفه عبّاسی بود)، پس زبانهایتان را حفظ کنید، و بر جانها و دینتان محافظت کنید، و اموری را که از وقوع آن بر ما و خودتان بیم دارید با دعا دفع کنید؛ زیرا به خدا سوگند، که دعا و درخواست نمودن از درگاه الهی ، بلا را دفع می کند در حالی که بلا مقدّر شده و اراده حتمی و قضای الهی به آن تعلّق گرفته و تنها امضای آن باقی مانده است ؛ ولی وقتی خداوند خوانده می شود و از او خواسته می شود که بلا را برگرداند، آن را دفع می کند، پس در دعا اصرار کنید که خداوند خود شما را از شرّ آن کفایت فرماید.

ابوولاد می گوید: وقتی فرمایش حضرت ابی الحسن (ع) را به یاران خود رساندم، ایشان بدان عمل نموده و بر ابوالدوانیق نفرین کردند، و درست در سالی به سوی مکه خارج شده بود، در کنار بئریمون پیش از آنکه مناسک حج را انجام دهد، جان سپرد و خداوند ما را از دست او راحت کرد.

ابوولاد می گوید: من نیز در آن سال حاجی بودم، به خدمت حضرت ابی الحسن (ع) رسیدم، ایشان فرمود: ای ابوولاد، چگونه دیدید کامیابی و مستجاب شدن در آنچه را که به شما امر نموده و بر انجام آن تشویق کردم، یعنی نفرین کردن بر ابی الدوانیق؟ ای ابوولاد، هیچ بلایی نیست که خداوند بر بنده مؤمن نازل می کند و دعا را به او الهام می کند، مگر اینکه خداوند بزودی آن بلا را برطرف می نماید. و هیچ بلایی نیست که خداوند بر بنده مؤمنی نازل می کند و او از دعا کردن خودداری می کند، مگر اینکه آن و گرفتاری طولانی می گردد، پس وقتی بلا بر شما نازل شد، بر شما باد به دعا کردن!

ششم اینکه: مقصود از گفتار خداوند - جلّ جلاله - آنجا که می فرماید:

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ، فَلَا مُمْسِكَ لَهَا. (۳۰)

- هر رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید، هیچ کس نمی تواند جلو آن را بگیرد.

همان دعاست، چنانکه امام صادق (ع) در روایتی در رابطه با آیه شریفه فوق می فرمایند مقصود همان دعاست.

هفتم اینکه: دعا، سبب تندرستی و بهبودی از هر بیماری است.

چنانکه محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: آیا اینکه می گویند که رسول خدا(ص) درباره حبه سودة(۳۱) فرموده که: مایه شفا و بهبودی از هر بیماری است، جز مرگ. صحیح است؟ فرمود: بله، سپس فرمود: آیا می خواهی تو را از چیزی که سبب شفا و بهبودی از هر بیماری و آسیب، حتی مرگ است، آگاه سازم؟ عرض کردم: بله، فرمود: دعا. هشتم اینکه: دعا، قضای مُبرّم و اراده حتمی و استوار الهی را برمی گرداند.

چنانکه علی بن عقبه می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: براستی که دعا، قضا و اراده حتمی و مُبرّم را بعد از اینکه سخت و محکم شده باشد، برمی گرداند، پس بسیار دعا بکن، زیرا دعا کلید تمام رحمتها، و سبب کامیابی و برآورده شدن تمام خواسته هاست، و جز با دعا کردن نمی توان به آنچه نزد خداوند است (۳۲) نایل گردید. بی گمان هیچ دری نیست که بسیار کوبیده شود، مگر اینکه بزودی به روی کوبنده اش گشوده می شود.

نهم اینکه: هر کس از نزول بلا بهراسد و بخواهد آن را با دعا برگرداند، خداوند -جلّ جلاله - او را به آرزویش نایل می گرداند.

چنانکه در روایتی آمده امام صادق (ع) فرمود: هر کس بیم آن را داشته باشد که بلا و مصیبتی به او برسد، پس با دعا کردن در برابر آن بایستد، [یا: برخیزد و برای مرتفع شدن آن دعا بکند]، هیچگاه خداوند آن بلا را به او نشان نمی دهد و وی را به آن گرفتار نمی نماید.

تمام فواید دعا را که روایات گذشته مشتمل بر آن است ، ما از ناحیه انعام و احسانی که خداوند - عزوجل - بر ما تفضل فرموده ، آشکارا یافته ایم ، پس هرکس حسن ظنّ به صدق گفتار ما دارد، در حقّ بودن و تحقّق این حالت که از خودمان ذکر نمودیم (یعنی یافتن همه این نتایج )، شکّ و تردید به خود راه ندهد.

دهم اینکه : دعا، در مقابل نزول بلا قرار گرفته و از آن جلوگیری نموده و آن را تا روز جزا و قیامت به عقب می اندازد.

چنانکه در روایتی آمده که امام رضا (ع) فرمود که از پدر بزرگوارم (ع) شنیدم که می فرمود: براستی که دعا در مقابل بلا و گرفتاری می ایستد، و آن دو (یعنی دعا و بلا) تا روز قیامت توافق پیدا می کنند.(۳۳)

یازدهم اینکه : دست دعا کننده هرگز خالی از فضل رحمت خداوند - جلّ جلاله - بر نمی گردد.

چنانکه محمد بن یعقوب کلینی روایت نموده که امام صادق (ع) فرمود: هیچ بنده ای دستش را به درگاه خداوند سرافراز جبّار نمی گشاید، مگر اینکه خداوند - عزوجل - شرم می کند که چیزی از فضل رحمت خویش در آن نگذاشته ، دست او را خالی برگرداند، پس هرگاه که دعا می کنید، تا دستتان را بر روی و سرخویش نکشیده اید، برنگردانید.(۳۴)

فصل پنجم : برتری دعا و مناجات از تلاوت قرآن

افضل بودن دعا از دیدگاه روایات

۱ - در روایتی آمده که فضالّه به واسطه معاویّه بن عمّار [یا: فضالّه بن معاویّه بن عمّار] می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم : دو نفر در یک لحظه شروع به خواندن نماز می کنند، یکی در نماز قرآن می خواند و قرائتش بیشتر از دعاست ، و دیگری دعایش افزون از تلاوت قرآن ، و در یک لحظه نماز را به آخر می رسانند، کدامیک از این دو افضل و برتر است ؛ حضرت فرمود: هر دو فضیلت دارد، هر دو زیباست .

وی می گوید: عرض کردم : می دانم که هر دو زیبا است و فضیلت دارد. کدام برتر است ؟ حضرت فرمود: دعا، برتر است . آیا فرمایش خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید:

وَقَالَ رَبُّكُمْ: اءُدْعُونِي ، اءَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي ، سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (۳۵)

- و پروردگارتان فرمود که : مرا بخوانید، تا دعایتان را برای شما اجابت کنم ، براستی کسانی که از پرستش و عبادت من گردنکشی کنند، با حالت خواری و ذلّت وارد جهنّم خواهند شد.

به خدا سوگند مقصود از عبادت در آیه شریفه دعاست ، به خدا سوگند آن افضل است . آیا آن عبادت نیست ؟ و حضرت دوبار

فرمود: به خدا سوگند عبادت همان دعاست و بعد فرمود:، آیا دعا استوارترین عبادت نیست ؟! سپس دوبار افزود: به خدا سوگند دعا، محکم ترین عبادت است .

۲ - در روایت دیگر آمده که از امام باقر(ع) پرسیده شد کدامیک از این دو در نماز افضل است : بیشتر قرآن خواندن ، یا طول دادن رکوع و سجود؟ حضرت فرمود: بسیار درنگ کردن در رکوع و سجود. مگر کلام خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید:

فَاقْرَئُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ، وَاَعْقِمُوا الصَّلَاةَ. (۳۶)

- پس هر مقدار از قرآن را که ميسر بود قرائت کنید، ولی نماز را کاملاً بپادارید.

مسئلاً مقصود خداوند از اقامه و بپا داشتن نماز بسیار درنگ کردن در رکوع و سجود و طول دادن آن دو است .

راوی می گوید عرض کردم : کدامیک از این دو افضل است : قرائت بسیار یا دعای بسیار؟ حضرت فرمود: دعای بیشتر. مگر

فرمایش خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید:

قُلْ: مَا يَعْبُوْكُمْ رَبِّي، لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ. (۳۷)

- بگو: اگر دعایتان نبود، پروردگارتان چه اعتنایی به شما داشت !؟

افضل بودن دعا از دیدگاه عقل

اکنون می گویم از لحاظ عقلی نیز می توان وجهی موافق با آنچه که پیرامون افضل بودن دعا از قرائت قرآن روایت شده یافت . و

آن اینکه :

۱ - مسلماً این گونه نیست که هرکس کلام خداوند - جلّ جلاله - را بخواند، به خدا معرفت داشته باشد، و قدر کلام الهی را بشناسد، و با تلاوت خویش خشنودی خدا را بخواهد؛ ولی امکان ندارد کسی دعا و درخواست و آرزو کند و کسی را که می خواند و از او درخواست می کند و آرزوی خویش را از او می خواهد، یعنی خداوند - جلّ جلاله - را نشناسد؛ بنابراین ، دعا همواره مشتمل است بر:

الف و ب - معرفت به ذات و صفات خداوندی که او را می خواند.

ج - شناخت پیامبری (ص) که مردم را به سوی او دعوت می نماید.

د - معرفت به واگذاری امور خود به خدا و درخواست و طلب از پیشگاه او.

ه - ادب نیازمندی به خدا.

و - دلبستگی و تعلق خاطر به اعتماد و تکیه بر خدا.

ز - معجزه ها و کراماتی که در نزد هرکس که دعاهایش مستجاب شده و حوایجش برآورده شده و ناراحتیهای شدیدش برطرف

شده ، تحقق یافته است .

و اینها همگی فایده ها و مواهبی هستند که فضیلت آنها افزون و جایگاهش دو چندان و بیش از دیگر امور همسان آن است ، و

برای هر کس که به معنای آنها پی برد، به روشنی بر امور دیگر ترجیح دارد.



ممکن است کسی اشکال کند و بگوید: گاهی غیر عارفین به خدا نیز دعا می کنند.

جواب این سخن آن است که حتی دشمن خداوند - جلّ جلاله - یعنی ابلیس نیز با دعا کردن و درخواست از خداوند منتفع شده ، آنجا که گفت : مرا از مهلت داده شدگان قرار ده ، و خداوند - جلّ جلاله - درخواست او را اجابت نموده و فرمود:

إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (۳۸)

- براستی که تا روز مشخص و معلوم ، از مهلت داده شدگان هستی .

لیکن امکان ندارد همان گونه که ابلیس به خاطر درخواست و دعا کردنش منتفع شد، کسی دشمن خداوند - جلّ جلاله - باشد و در حال عداوت و دشمنی ، به خاطر خواندن قرآن شریف ثواب داده شده ، و به ثمره آن نایل گردد.

۲ - از دیگر مرجّحات عقلی دعا بر تلاوت قرآن این است که : کسی که درخواست و دعا می کند، به همان اندازه ای که در حاجت خویش به او نیاز و اضطراب دارد، به او توجّه نموده و در پیشگاهش اظهار خشوع و فروتنی می نماید، بنابراین از آنجا که نیازمندیها و حوائج مردم به خداوند - جلّ جلاله - در زندگانی دنیا بسیار است ، دعا کننده نیز بسان شخص مضطرّ، ناچار از اخلاص عبودیت و بندگی است ؛ لیکن تلاوت قرآن شریف در غالب اوقات از این حالتها خالی است ، بلکه چه بسا انسان قرآن را با حالت غفلت تلاوت می نماید، و در نتیجه خود این کار [در نزد اهل کمال ] محسوب می شود.

فصل ششم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه عقل

احساس ذلّت در پیشگاه حضرت حقّ

شایسته است دعا کننده در حال دعا توجّه داشته باشد که وی مملوک خداوندگار توانا و قاهری است که بر او آگاهی و اشراف دارد، و اینکه بنده هیچگاه بی نیاز از مولایش نبوده و هیچ زمانی نیست که خواسته ای از او نداشته باشد. و نیز توجّه داشته باشد که خداوند - جلّ جلاله - که مالک همه چیز اوست ، دارای بزرگترین جلالت و بزرگی و شکوه و والایی است ، و وی که بنده اوست ، در پست ترین مرتبه فرو مایگی و پستی و کاستی قرار دارد، و از سویی اصل و خاستگاهش به ترتیب مراحل آفرینش از خاک و گل ، و گل سیاه بدبوی متغیّر، و آب پست است ، و از سوی دیگر دستش از ناحیه زندگانی و وجود و تندرستی و تدبیر اصول سعادت‌مندی در دنیا و آخرتش ، خالی است .

پس اگر بنده با وجود این خصوصیتها، اگر با مولایی که همواره به او نیکی نموده ، و توانا و قاهر است و بر او آگاهی و اشراف دارد، مخالفت نموده و این مخالفت را به آن خاستگاه ناتوان و آسیب پذیر و پست و نکوهیده اش بیافزاید، و جلالت و اقبال و توجّه خدا به خود را کوچک بشمارد، و در کردار و گفتارش با او ستیز کند، و نظرش بر خلاف نظر او - که در تمام حالات به صلاح بنده است - باشد؛ باید هنگام دعا و مناجات بسان بنده برده خیانت پیشه و ذلیل در پیشگاه مولای خویش ایستاده ، و همانند شخص فرومایه با شخصیتی عزیز و بزرگوار، و شخص حقیر نیازمند با مالک بی نیاز و والا و بزرگ ، و چون فرد ناتوان ناچیز با مولایی که بیم و

هراس از او دارد، و گفتگوی خیانت پیشگان و جنایتکاران با کسی که از همه مالکان بزرگتر است و هر وقت که بخواهد توانایی انتقام گرفتن را دارد، او را مورد خطاب قرار دهد.

مقدم داشتن مقصود حضرت حق و اشتغال به یاد او

همچنین باید هنگام دعا و مناجات مقصود خداوند - جلّ جلاله - از فراخواندن تو به محضر مقدّس وجود خویش را بر مقصود خویش ، که درخواست رحمت و جود و بخشش است ، مقدم بداری ، به گونه ای که هنگام دعا لذتی که از ستایش و تقدیس بزرگی و تعظیم شائن و مقام او، و اعتراف به احسانش احساس می کنی ، نزد تو محبوبتر از برشمردن حوایج خویش باشد، اگر چه خواسته هایت از امور مهمّ دارفنا بوده ، و یا برای دفع بزرگترین بلاها و گرفتاریها باشد.

ای بنده ، اگر خداوند - جلّ جلاله - را از روی یقین می شناختی ، مسلماً می دیدی که اشتغال داشتن به حفظ حرمت و حقّ رحمت او، تو را به اجابت و مساعدتی که خواسته توست ، زودتر نایل می گرداند. چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: همانا خداوند - عزّوجلّ - می فرماید: هرکس به جای مسئلت نمودن از من ، به یاد و ذکر من مشغول گردد، برترین عطایایی را که به درخواست کنندگان از خود می دهم ، به او عطا می کنم .

اینک می گویم : آنچه را که من در این مقام از پیشوایان اسلام که مقتدای ما هستند، می دانم این است که پیامبر اکرم - علیه افضل السّلام - فرمود برترین دعا، دعای من و دعای پیامبران پیشین است . آنگاه تنها کلمه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را بر زبان جاری نمود، و ستایش خدا را بجا آورد. عرض شد که : کجای این کلام ، دعاست ؟ حضرت - که دروذهای خداوند بر او و خاندان او و بر اصفیاء و برگزیدگان پیش و بعد از او باد! - فرمود که (بدین مضمون) کدامیک از این دو، به منظور دعا کننده و مسئلت کننده آشناتر، و سزاوارترند که فضایل از او درخواست شود؟ آیا خداوند - جلّ جلاله - یا عبدالله بن جذعان ؟ آنجا که امیّه بن ابی الصّلت او را ستود و گفت :

إِذَا دُكِرَ حَاجَتِي ، أَمُّ قَدْ كَفَانِي

حَيَاؤُكَ؟ إِنَّ شِمَتَكَ الْحَيَاءُ

إِذَا أَثْنَى عَلَيْكَ الْمَرْءُ يَوْمًا

كَفَاهُ مَنْ تَعَرَّضَهُ الثَّنَاءُ

- آیا حاجتم را ذکر کنم ، یا شرم و حیای تو از برآورده نکردن خواسته ام برای من کافی است ؟ زیرا شرم و حیا، سرشت و خوی توست .

اگر روزی ، کسی ثنای تو را گوید، کسی که مدح و ثنا متوجّه اوست (یعنی خود تو) برای او کافی خواهد بود.

بدین ترتیب و طبق معنای این شعر: مدح و ثناگویی ممدوح در برآورده شدن حوایج ستایشگر کفایت می کند، پس خداوند - جلّ جلاله - به خاطر کمال بخشش و رحمتش به برآورده کردن حوایج شایسته تر است .

عواقب سوء غفلت در حال دعا

بنابراین هرگاه دیدی ، قلب و عقل و نفس تو هنگام تضرّع و بر این اوصاف متّصف است ، بدان که در محضّر وجود و جوّد خداوند قرار گرفته ای ، و چه عنایتها، و چه کلید سعادت‌مندیها و زود مستجاب شدن دعا که نصیبت گشته است !

ولی امر دیدی قلبت به غفلت ، و عقلت به فراموشی گرفتار است ، و به جای اشتغال به خداوند - جلّ جلاله - امور دیگر به خود سرگرم نموده ، و در حال دعا گویی به یقین احساس می کنی که گویی در محضّر هیچ کس نیستی ، و در پیشگاه خداوند بلند پایه ای که خداوندگار عالمیان است قرار نداری ، و خاکساری عبودیت و بندگی بر چهره ات نمایان نیست ، و هیچ خوف و هراسی از هیبت و شکوه بزرگ الهی نداری ، و حدّاقلّ حالت جنایت پیشگان و بزهکاران نافرمان را نیز که هنگام دیدن مولایشان لرزه به اندامشان می افتد، نداری ، مسلماً بدان که به واسطه گناهانت از خداوندی که به همه نهانیها آگاه است ، محجوب گردیده ، و به خاطر عیبها و کاستیهایت از آن مقام دوست داشتنی بر کنار گشته ، و به جهت ویران نمودن قلبت از رسیدن به خواسته ات ممنوع شده ای ، لذا بترس از اینکه خداوند - جلّ جلاله - به عدم ایمان تو گواهی دهد زیرا کسانی را که خداوند - جلّ جلاله - به بی ایمانی آنان گواهی بدهد به هلاکت و گمراهی مبتلا خواهند شد. به خداوند بزرگ و پاکیزه می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ، وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ؛ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ، زَادَتْهُمْ إِيمَانًا، وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ. (۳۹)

- تنها کسانی مؤمن هستند که وقتی یاد از خدا می شود، دل‌هایشان می لرزد، و هنگامی که آیات خدا بر آنان خوانده می شود، بر ایمانشان افزوده می گردد، و تنها بر پروردگارشان توکل می نمایند.

پس بسان بنده ای که مولایش بر سوء بندگی و پلیدی درون و شیوه ناپسند او آگاهی پیدا کرده ، و از درگاهش رانده ، و از آستانه اش دور نموده ، او را از جمله این گونه عذاب نموده که به جای مشغول نمودن به شرافت مقام رضا و خشنودی خویش ، به دنیا سرگرمش نموده است ، بر حالِ نفسِ خویش گریه کن .

بنابراین ، اگر با وجود دارا بودن صفات نکوهیده ای که ذکر نمودیم ، استجابت دعاهايت به تاخیر افتاد، مسلماً گناه از ناحیه توست ، و تو بودی که بر اساس باور درست ، مولای خویش را نخوانده ، و بر درِ توفیق او نایستاده ای .

فصل هفتم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه روایات

روایت آمده که : امام صادق (ع) کف دستان مبارکش را به سوی آسمان گشود و فرمود رَغَبْتَ این است ، و پشت کف دستان خویش را به سوی آسمان قرار داد و فرمود: رَهَبْتَ این است ، و انگشتان شریف خویش را به سمت راست و چپ حرکت داد و فرمود: تَضَرَّعُ این است ، و تنها یک انگشت خود را بالا و پایین برد و فرمود: تَبَتَّلُ این است ، و دستش را در برابر صورت مبارکش به سمت قبله دراز کرد و فرمود: اِبْتِهَالُ این است . سپس فرمود: تا قطره اشک بر صورتت جاری نگشته ، ابتهال مکن .

در حدیث دیگری از امام صادق - صلوات الله علیه - آمده که : اِسْتِکَانْتُ در دعا این است که دعا کننده هنگام دعا، دستانش را بر دو شانه اش قرار دهد.

یکی از احتمالاتی که ممکن است مقصود از این اشارات باشد آن است که : گشودن دست در حالت رَغَبْتُ ، به حال کسی که به خداوند - جلّ جلاله - امید دارد، و حسن ظنّش به تفضّل او بر خوف از جلال عظمتش فزونی دارد، نزدیکتر است ، لذا شخص راغب همواره خواهان ایمنی است ، و کف دستش را می گشاید تا احسان خداوند به آن فرو ریزد.

و شاید مقصود از حالت رَهَبْتُ و پشت کف دستها را به سوی آسمان نمودن ، این باشد که بنده با زبان حال خاکساری ، به مالک دار فنا و بقاء می گوید که : من جرات آن را ندارم که کف دستهایم را به سوی تو بگشایم ، لذا از روی ذلّت و شرمندگی در پیشگاهت ، کف دستهایم را رو به زمین قرار داده ام .

و شاید مراد از حرکت دادن انگشتان به راست و چپ در حالت تَضَرَّعُ این باشد که شخص تضرّع کننده به شیوه زنِ فرزند مرده در هنگام مصیبتِ بیمناک ، دستانش را برگردانده و با پشت و رو نمودن و راست و چپ کردن آنها، گریسته و نوحه سرایی می کند.

و شاید منظور از تَبَتَّلُ و بالا و پایین بردن یک انگشت بر اساس معنای تَبَتَّلُ در لغت که انقطاع و بریدن و گسستن است ، این باشد که گویا شخصی که تَبَتَّلُ می کند می خواهد بگوید: من تنها و تنها به سوی تو منقطع گشته ام ، بخاطر اینکه تنها تو شایسته پرستش هستی ، و با یک انگشت و نه با همه انگشتان ، بر یگانگی و وحدانیت خداوند سبحان اشاره می نماید. و این مقام ارجمند و بزرگی است ، لذا بنده نباید آن را ادّعا کند، جز هنگامی که اشک از چشمانش جاری گردیده ، و بسان برده ذلیل در پیشگاه حضرت حقّ ایستاده ، و به جای درخواست آمال و آرزوها و ذکر خواسته خویش ، توجّه تامّ به خداوند صاحب جلال و عظمت داشته باشد.

و گویا مقصود از اِبْتِهَالُ و دراز کردن دست در برابر صورت رو به سمت قبله ، نوعی از اقسام بندگی و خاکساری باشد.

و شاید منظور از اِسْتِکَانْتُ و گذاشتن دستها بر شانه ها، این باشد که گویا دعا کننده با این حالت می خواهد بگوید: من همانند برده جنایتکار - که با حالت اسارت ، و در حالی که در بند است و او را به غلّ و زنجیر بسته و به سوی مولایش می برند و در پیشگاهش قرار می دهند - دستهایم را به گردنم بسته ام .

در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه خواستید حاجتی از خداوند طلب نمایید، ابتدا مدح و ثنای پروردگار را بجا آورید، زیرا هرکس حاجتی از پادشاهی بخواهد، ابتدا نیکوترین گفتاری را توان بر آن را دارد، آماده نموده و بیان می کند، پس هرگاه خواستید حاجتی از خدا بخواهید، ابتدا خداوند را ستوده و مدح نموده و به تمام خیر و خوبی ثنای او را بگویید...

و نیز در روایت دیگر محمد بن مسلم می گوید: امام صادق (ع) فرمود: در کتاب و دست نوشت علی (ع) آمده است که مدح و ستایش پیش از مسئلت و خواستن حاجت است، پس هرگاه خواستید به درگاه خدا دعا کنید، ابتدا ثنای او را بگویید.

وی می گوید به حضرت عرض کردم: چگونه ثنای خدا را بگویم؟ فرمود: می گویی:

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى [وَبِالْأُفُقِ الْمُبِينِ]، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

- ای خدایی که از رشته رگ گردن به من نزدیکتری، ای کسی که میان انسان و قلبش حایل می گردی و از او به او نزدیکتری، ای کسی که در تماشگاه و منظر بلند [و در افق و کرانه آشکار] قرار داری.

و نیز در روایت دیگر معاویه بن عمار می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: [راه دعا کردن این است:] ابتدا بجا آوردن مدح و ثنای الهی، سپس اقرار به گناهان، آنگاه مسئلت کردن. به خدا سوگند هیچ بنده ای با وجود اصرار بر گناه، از گناه خارج نمی گردد، و هیچ بنده ای از گناه در نمی آید مگر اینکه به گناه خویش اقرار و اعتراف کند.

و نیز در روایت دیگر، حلبی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: کنیزی دارم که از آن خوشم می آید، ولی هر فرزندی از آن متولد می شود می میرد، و اینک پسری از آن متولد شده که شبها می ترسد، و می ترسم که او نیز زنده نماند و بمیرد.

امام صادق (ع) فرمود: چرا دعا نمی کنی؟ در پاسی از آخر شب برخیز و وضو بگیر و حق تمام اعضا را در وضو کاملاً بجا آور، و نماز بگزار و نیکو انجام بده، و پس از نماز ستایش خدا را بکن، مبدا که مدح و ستایش نکرده درخواست نمایی (و حضرت چند بار این جمله را تکرار فرمود و دستور داد که ابتدا مدح و ثنای خدا را بگوید) و پس از مدح و ستایش پروردگارت، بر پیامبر اکرم (ص) صلوات بفرست، سپس حاجتت را بخواه، که برآورده خواهد شد.

آیا نشنیده ای که رسول خدا (ص) دیدند که مردی نماز می خواند، وقتی آن مرد نمازش را تمام کرد بلافاصله رو به درگاه خدا کرد و حاجتش را درخواست نمود، پیامبر اکرم (ص) فرمود: این بنده در انجام امر پروردگارش عجله و شتاب نمود.

و نیز بار دیگر دیدند کسی نماز می خواند، هنگامی که وی نمازش را تمام کرد، ابتدا پروردگارش را ستود، و پس از مدح و ثنای پروردگار بر پیامبرش (ص) صلوات فرستاد. آنگاه پیامبر اکرم (ص) دوبار فرمود: درخواست کن که حاجتت برآورده می شود.

البته این در صورتی است که دعا کننده در حال دعا، امر خویش را به خداوندی که مالک امور اوست، واگذار ننموده و از او درخواست نکرده باشد که هر کدام از دو حالت (پنهانی و یا آشکارا دعا کردن) را که می خواهد در دل او قرار داده و به او اضافه

کند، وگرنه اگر به صورت کامل صفت تفویض را داشته باشد، خداوند - جلّ جلاله - هر کردار و گفتاری را که برای او می پسندد، به او الهام می فرماید. و این امری است که ما بالوجدان آن را دریافته ، و عیاناً بدان یقین و باور داریم .

در روایتی آمده که حضرت ابی الحسن امام کاظم (ع) فرمود: یک بار پنهانی دعا نمودن ، با هفتاد بار آشکار و در حضور مردم دعا نمودن برابر است .

و نیز در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: بزرگی ثوابِ دعا و تسبیح گفتن بنده بین خود و خدا را، جز خداوند - تبارک و تعالی - نمی داند.

و بالاخره در روایت دیگر، صفوان جمّال می گوید امام صادق (ع) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - این امر [یعنی ولایت ائمه (علیهم السلام)] را بر اهل این گروه [یعنی شیعیان] به صورت پنهانی واجب نموده ، و هرگز آن را به صورت آشکارا نخواهد پذیرفت .

صفوان می گوید امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می رسد، رضوان یعنی گنجینه دار بهشت ، می بیند که گروهی در بهشت هستند ولی از منظر او عبور نکرده اند و وی هنگام ورود به بهشت آنها را ندیده است]، خطاب آنها می گوید: شما چه کسانی هستید و از کجا وارد بهشت شدید؟ حضرت فرمود: می گویند: کاری با ما نداشته باش ، ما گروهی هستیم که در به صورت پنهانی خدا را پرستیدیم ، و خداوند نیز ما را به صورت پنهانی داخل بهشت فرمود.

۴ - پاکیزه بودن از مظالم بندگان در حال دعا.

چنانکه در روایت آمده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - به عیسی بن مریم (علیهماالسلام) وحی فرمود که به جماعت [و یا اشراف] بنی اسرائیل بگو: که جز با قلبهایی پاکیزه و چشمان خاشع و دستهای پاکیزه به خانه من وارد نشوند، و به آنان بگو: دعای هر کدام از شما را که حتی از یک نفر از مردم چیزی را به ظلم و ستم گرفته باشد، اجابت نمی کنم .

۵ - معذور ندانستن ظالم در ظلم خود.

زیرا در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس ، ظالمی را به واسطه ظلم و ستم او معذور بداند، خداوند شخصی را بر او مسلّط می گرداند که به او ظلم و ستم نماید، و اگر دعا کند دعای او مستجاب نمی گردد، و خداوند به واسطه ستم کشیدنش به او پاداش نمی دهد.

۶ - جبّار و سرکش نبودن .

زیرا در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - به حضرت داود (ع) وحی نمود: به جبّاران و سرکشان بگو، مرا یاد نکنند، زیرا هر بنده ای به یاد من باشد، من نیز از او یاد می کنم ، و اگر سرکشان مرا یاد کنند، آنان را یاد کرده و لعنتشان نموده و از رحمت دور می گردانم .

زیرا در روایتی که عمر بن یزید [یا: مزید] می گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: مردی در بنی اسرائیل بود، که به مدّت سه سال به درگاه خداوند دعا می کرد که پسری به او بدهد. وقتی دید که خدا دعایش را مستجاب نمی فرماید، گفت : ای پروردگار من ، آیا از تو دورم و به من گوش فرا نمی دهی ، یا به من نزدیکی ، پس چرا جوابم نمی دهی ؟

حضرت فرمود: کسی به خواب او آمد و به او گفت : مدّت سه سال است که با زبان بد و دشنام دهنده ، و قلب متکبر و ناپاک ، و بدون اینکه نیت صادق باشد، خدا را می خوانی ، پس از اینها دست بکش تقوای الهی را در دل پیشه کن ، و نیت را نیکوگردان . حضرت فرمود: آن مرد چنین کرد و سپس به درگاه خداوند دعا نمود، و پسری برای او متولّد شد.

۸ - دعا نکردن ، درباره دفع ستمی که مثل آن را به دیگری روا داشته باشد.

زیرا در روایتی علی بن سالم می گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - فرمود: به عزّت و عظمت سوگند، دعای هیچ ستمدیده ای را درباره ستمی که به او شده ، در حالی که به احدی مشابه آن ستم را نموده باشد، مستجاب نمی گردانم .

۹ - پرهیز از گناه بعد از دعا، تا مبدا گناهانش او را از نیل به آرزویش بازدارد.

چنانکه در روایت آمده که امام باقر(ع) فرمود: همانا بنده ، حاجتی از حوایج دنیوی را از خداوند - تبارک و تعالی - درخواست می کند، و خداوند می خواهد که تا مدّت زمان مشخص (نزدیک یا دور) آن حاجت را برآورد، سپس بنده در همان زمان گناهی را مرتکب می شود، پس خداوند به فرشته ای که برای برآوردن حاجت او گماشته شده می فرماید: حاجت او را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان ، زیرا او متعرّض خشم و غضب من شد، و از مستحقّ محرومیت گردید.

۱۰ - توبه از گناهان و صلاح و صدق در حال دعا.

زیرا در روایتی عثمان بن عیسی به نقل از برخی از اصحاب امام صادق (ع) آورده که به حضرت عرض کردم : دو آیه در کتاب خدا هست که من تاویل آنها را نمی دانم . حضرت فرمود: آن دو کدامند؟ عرض کردم : فرمایش خداوند متعال که می فرماید: اءَدْعُوْنِيْ ، اءَسْتَجِبْ لَكُمْ. (۴۰)

مرا بخوانید، تا [دعایتان را] برای شما اجابت کنم .

و من دعا می کنم و مستجاب نمی گردد.

حضرت فرمود: آیا مقصودت این است که خداوند - تبارک و تعالی - خلف وعده می نماید؟ عرض کردم : خیر.

فرمود: آیه دیگر کدام است . وی می گوید: عرض کردم : گفتار خداوند متعال که می فرماید: وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ، وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِيْنَ. (۴۱)

(و هرچه انفاق کنید، خداوند عوض و جانشین آن را [به شما] برمی گرداند، و او بهترین روزی دهندگان است.)

و من انفاق می کنم و عوض و جانشین آن را نمی بینم .

حضرت فرمود: آیا منظورت این است که خداوند خلف وعده نموده ؟ وی می گوید: عرض کردم : خیر. فرمود: پس چه ؟ عرض

کردم : نمی دانم . فرمود: لیکن من - ان شاء الله تعالی - برای تو بیان می کنم .

توجه داشته باش اگر شما از دستورات خداوند اطاعت می کردید و سپس دعا می نمودید، مسلماً خداوند دعای شما را مستجاب می

فرمود، ولی مخالفت و نافرمانی خدا را می کنید لذا دعایتان را مستجاب نمی نماید.

و اما اینکه گفتمی : انفاق می کنید و جانشین آن را نمی بینید، بدان که اگر شما مال را از راه حلال به دست آورده و سپس در راه

حق و موارد درست انفاق می نمودید، هیچ کس درْهَمی انفاق نمی کرد مگر آنکه خداوند عوض آن را به او برمی گرداند.

و اگر از سمت و سو و جهت دعا او را می خواندید، حتماً دعای شما را اجابت می نمود، اگرچه نافرمان و گناهکار باشید.

وی می گوید، عرض کردم : روش و جهت دعا چیست ؟ حضرت فرمود: هنگامی که نماز واجب را بجا آوردی ، خدا را ستوده و او را

به بزرگی یاد نموده و با تمام توان مدح و ثنایش را می گویی ، و بر پیامبر اکرم (ص) صلوات فرستاده و در صلوات بر او نهایت

کوشش را می نمایی ، و گواهی می دهی که حضرتش ، رسالت خویش را به خوبی تبلیغ نموده ، و بر ائمه هدی (علیهم السلام)

درود می فرستی .

بعد از ستایش و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر اکرم (ص)، عطایا و نیکیهای خداوند نسبت به خود را یادآور شده و نعمتهای او را

ذکر می کنی ، آنگاه خدا را ستایش نموده و او را بر تمام این امور شکرگزاری می کنی ، و بعد به تک تک گناهات اعتراف نموده و

به آنها و یا به هر کدام که به یاد داری اقرار نموده و به گناهای که از یادت رفته و بر تو پوشیده است به صورت اجمالی اقرار کرده

و از تمامی گناهات به درگاه خداوند توبه می کنی ، و تصمیم می گیری که هرگز به سوی آنها بازنگردی ، و با حالت پشیمانی و

نیت صادق و احساس هراس و امیدواری ، از تمامی گناهات طلب آمرزش می کنی . و بخشی از گفتارت این باشد که :

اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَعْتَذِرُ اِلَیْكَ مِنْ ذُنُوْبِیْ ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِلَیْكَ، فَاعْنِنِیْ عَلٰی طَاعَتِكَ، وَ وَفَّقْنِیْ لِمَا اَوْجَبْتَ عَلَیَّ مِنْ كُلِّ مَا

یُرْضِیْكَ، فَانِّیْ لَمْ اَعْرِ اَحَدًا بَلَغَ شَیْئًا مِنْ طَاعَتِكَ اِلَّا بِنِعْمَتِكَ عَلَیْهِ قَبْلَ طَاعَتِكَ؛ فَاعْنِمْ عَلَیَّ بِنِعْمَةِ اِئِمَّائِهَا رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ.

- خداوندا، از گناهانم به درگاه تو پوزش می خواهم ، و از تو طلب آمرزش نموده و به سوی تو توبه می کنم ، پس مرا بر طاعت و

فرمانبری از خود یاری فرما، و بر هر عمل که موجب خشنودی توست و بر من واجب نموده ای ، مؤفّقم گردان ، زیرا من هیچ کس

را ندیده ام که به چیزی از اطاعتت نایل شده باشد، مگر اینکه تو پیش از آن طاعت ، نعمت را بر او ارزانی داشته ای ، پس نعمتی

را بر من ارزانی دار که به واسطه آن به خشنودی و بهشت نایل گردم .



سپس بعد از همه اینها، خواسته های خویش را مسئلت می کنی ، و من امیدوارم که - ان شاء الله تعالی - خداوند تو را محروم  
برنگرداند.

توضیح دو نکته پیرامون حدیث گذشته

الف - توضیح فرمایش مولایمان امام صادق - صلوات الله علیه - که فرمود: اگر از جهت و سمت و سوی دعا خدا را بخوانید،  
مسلماً دعایتان را اجابت می نماید، اگر چه گناهکار باشید، این است که هرگاه بنده در حالی که گناهکار است ، خداوند - جلّ جلاله  
- را بخواند، خداوند دعای او را استجابت می کند؛ ولی استجابت دعایش به تاءخیر می افتد؛ زیرا از سویی خداوند - جلّ جلاله - از  
بنده اش می خواهد که توبه نموده و گناهان را ترک کند، و از سوی دیگر بنده مطالبی را با دعا از خدا درخواست می نماید. و وقتی  
امر چنین باشد، خداوند - جلّ جلاله - با زبان حال به بنده می گوید: من از تو چیزی را که حقّ من است - یعنی توبه - را مطالبه  
می نمایم ، و تو با دعا چیزی را که حقّ تو نیست از من درخواست می کنی ، پس وقتی تو چیزی را که من از تو می خواهم و حقّ  
من است ، به من نمی دهی ، چگونه تعجّب می کنی که من در برابر کیفر خودداری کردن تو از دادن آنچه که من از تو درخواست  
نمودم ، از دادن چیزی که تو از من می خواهی و حقّ تو نیست خودداری کنم ؟!

ب - توضیح گفتار امام صادق (ع) پیرامون فرمایش خداوند - جلّ جلاله - که فرمود: اگر روزی را از راه حلال به دست آورده و در  
راه حقّ و موارد درست انفاق می نمودید، خداوند عوض آن را به شما برمی گرداند، آن است که اگر بنده چیزی را برای هوای نفس  
خویش کسب کند و خرج کند، و نیتش از این کسب و هزینه کردن معامله با خداوند - جلّ جلاله - و امثال امر او نباشد، گویی  
که اراده خداوند - جلّ جلاله - و حکمت او را در تدبیر بندگان و مخلوقات برکنار نگاشته ، پس چگونه عوض انفاق او بر عهده  
خداوند - جلّ جلاله - باشد؟ زیرا تنها در صورتی ضمانت آن بر عهده خداوند - جلّ جلاله - خواهد بود که بنده به خاطر امثال  
امر الهی کسب نموده و به امر خدا در طاعت او انفاق کند.

۱۱ - حضور قلب ، و تمایل نداشتن به دنیا.

زیرا در روایتی آمده که : حضرت موسی (ع) بر روستایی از روستاهای بنی اسرائیل می گذشت ، دید که توانگران آنان در حالی که  
لباسهایی بافته شده از مو پوشیده ، و خاک بر سرشان می ریزند، و بپا ایستاده اند، و به درگاه پروردگار اشک بر گونه هایشان جاری  
است ، از روی ترخّم و دلسوزی برایشان گریست ، و به درگاه پروردگار عرض کرد: ای معبود من ، اینان بنی اسرائیل هستند که  
بسان کبوتر سخت می گریند و ناله سر می دهند، و همچون گرگ زوزه می کشند، و همانند سگ عوعو می کنند.

خداوند به او وحی فرمود که : چرا چنین می کنند؟ آیا به خاطر اینکه گنجینه من تمام شده است ، یا اینکه داراییها و عنایاتم اندک شده ، یا من مهربانترین مهربانها نیستم ؟ لیکن به اطلاع آنان برسان که من به آنچه که در دلهایشان است آگاهم ، آنان مرا می خوانند در حالی که دلهایشان از من غائب ، و به دنیا مایل است .

۱۲ - عدم غفلت و اشتغال نداشتن به امور بیهوده .

زیرا در حدیث آمده که پیامبر اکرم ( ص ) فرمود: در حالی که به اجابت دعا یقین دارید دعا کنید، و بدانید که خداوند هرگز دعای کسی را که قلبش غافل و مشغول به لهو و امور بیهوده باشد، مستجاب نمی فرماید.

۱۳ - ترک نکردن امر به معروف و نهی از منکر.

زیرا در روایت آمده که پیامبر اکرم ( ص ) فرمود: بی گمان یا امر به معروف و نهی از منکر خواهید نمود، و یا خداوند اشرار و بدهایتان را بر نیکانتان مسلط خواهد نمود، و در این هنگام نیکانتان دعا خواهند نمود ولی دعای آنان مستجاب نخواهد شد.

۱۴ - نفرین نکردن بر دوست .

زیرا در حدیث آمده که رسول خدا( ص ) فرمود: از خدا خواستم که نفرین دوست بر دوست خویش را مستجاب نگرداند.

۱۵ - پاکیزگی خوراک و پرهیز از حرام خوری .

زیرا روایت شده که امام صادق ( ع ) فرمود: هرگاه کسی از شما خواست که دعایش مستجاب شود، کسب خویش را پاکیزه نموده ، و از مظالم مردم خارج شود، و براستی که دعای بنده ای که در شکمش مال حرام است ، یا در نزد او مظلومه ای برای احدی از بندگان خدا است ، به سوی خدا بالا نمی رود و مستجاب نمی گردد.

و نیز در روایتی آمده پیامبر اکرم ( ص ) فرمود: هرگاه خوراک دعا کننده حرام باشد و غذای حرام مصرف کند، کی دعای او مستجاب می گردد؟!

۱۶ - داشتن انگشتری نقره با نگین فیروزه .

زیرا در حدیث آمده که امام صادق ( ع ) فرمود: رسول خدا( ص ) فرمود خداوند سبحان فرمود: براستی که من شرم دارم دست بنده ای را که در آن انگشتری فیروزه است و به سوی آسمان بلند کرده ، نومید برگردانم .

۱۷ - داشتن انگشتری عقیق .

روایت شده که امام صادق ( ع ) فرمود: هیچ کف دستی محبوبتر از کف دستی که در آن انگشتری عقیق باشد، به سوی خداوند - عزوجل - بلند نشده است .

۱۸ - دعا نکردن پیرامون قطع ارتباط با خویشاوندی که قطع آن جایز نیست .

زیرا در اعمال شب نیمه شعبان و غیر آن روایت و ارادت که : دعا در آن شب مستجاب می شود، مگر دعای کسی که قطع ارتباط با خویشاوندان خود نموده ، و یا درباره آن دعا نماید.

۱۹ - در نظر داشتن مقصود خداوند - جلّ جلاله - از دعا و تقدّم داشتن آن بر خواست خود.

به عنوان مثال : وقتی بیمار شد، مقصودش از دعا کردن برای تندرستی اش ، صرف زنده ماندن برای خواسته های نفسانی زودگذر و دنیایی که او را از آخرتش باز می دارد، نباشد؛ بلکه برای این دعا کند که بر اساس اراده خداوند - جلّ جلاله - که همان طاعت و عبادت اوست ، زنده بماند.

و مثال دیگر اینکه : وقتی فرزند و یا کسی که در نزد او عزیز است بیمار شد، دعا کردنش برای تندرستی آنان ، به خاطر میل نفسانی خود به زنده ماندن آنان در اموری که به مصلحت آنهاست ، یا لذّت و شیرین کامی خود، یا برای اینکه مبدا کسی به او شماتت کند، و مقاصدی از این قبیل نباشد، بلکه دعایش برای تندرستی آنان بدین منظور باشد که ایشان بر اساس طاعت و اراده و نظام حکمت خداوند - جلّ جلاله - پایدار و زنده باشند.

ناگفته نماند که : ممکن است برای برخی به محض اطلاع از شرایط اجابت دعا که یادآور شدیم ، زود حالت یأس دست دهد، یا بر بعضی از این روایات طعن و خرده بگیرند.

پس توجّه داشته باش که اینها همگی شرایطِ دعایی است که :

الف - مسلماً مستجاب می شود.

ب - یا بزودی مستجاب شده و ثمره می دهد.

ج - یا درست همان چیزی که درخواست می شود و نه عوض آن ، حاصل می شود.

د - یا تنها کسی که حاجتِ بسیار دارد، نیازمند این همه احتیاط کاری است .

ه - یا توجیه های دیگر از این قبیل که سازگار با تصدیق این روایات باشد.

وگرنه مسلماً می دانیم که خداوند متعال دعای ابلیس را با وجود اصرار بر گناه ، و نیز دعای افراد بسیاری را که هنگام دعا کردن تمام این شروط را نداشته اند اجابت فرموده است .

و در هر حال ، سزاوار است که انسان هنگام مناجات ، در تحصیل این شروط بکوشد، جهت به برآورده شدن حاجت - ان شاء الله تعالی . - احتیاطکاری نموده باشد.

فصل هشتم : فواید مناجات بسیار و فضیلت دعا در غیاب مؤمنین و برای حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف

فواید محافظت بر مناجات از راه عقل

۱ - ذکر خداوند - جلّ جلاله - بر دل [یا:عقل] انسان غلبه بیشتری پیدا کرده ، و در نتیجه موجب انس بنده با پروردگار می گردد، و بنده در عوض اشتغال به خواطر دنیوی و اسباب ناپایدار، به خدا مشغول می گردد، و در نتیجه همین مطلب او را به سوی مراقبت مولای خویش ، و سلامتی از دوری از حضرت حقّ، و نیل به خشنودی او فرا می خواند.

۲ - بنده می تواند بدین وسیله به منزلت پروردگار در قلب خویش پی ببرد؛ زیرا اگر دید نفّسش به تکرار اذکار میل و رغبت دارد، پی می برد که خداوند - جلّ جلاله - در نزد او مقام و منزلت دارد، به گونه ای که همین منزلت ، وسیله ای برای نیل به سلامتی از خطرهای می گردد، زیرا هرکس چیزی را دوست بدارد، بسیار از آن یاد می کند.

۳ - خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

إِذْ ذُكِّرْتُمْ ، اءَذْكُرْكُمْ. (۴۲)

و معلوم است که اگر پادشاهی از پادشاهان دنیای فانی به یکی از بردگانش که قدر منزلت والای او را می شناسد، بگوید که : به یاد من باش ، تا اینکه من نیز به یاد تو باشم . و او همان گونه که در محضر خداوند - جلّ جلاله - است ، در حضور آن پادشاه باشد، مسلماً در دوام یاد او کوشش می کند، تا مولایش به یاد او بوده ، و در دنیا و آخرت او را به ذکر و یاد خود مشرف سازد. آیا به معنای گفته شاعر توجّه نمی کنی آنجا که درباره معشوقه فانی خویش می گوید:

يَوَدُّ بَاعِنٌ يُمَسِّيَ مَرِيضًا لَعَلَّهَا

إِذَا سَمِعَتْ عَنْهُ، بِشَكْوَى تُرَاسِلُهُ

وَ يَهْتَزُّ لِلْمَعْرُوفِ فِي طَلَبِ الْعُلَى

لِتَذْكَرَ يَوْمًا عِنْدَ سَلْمَى شَمَائِلُهُ

- عاشق دوست دارد که شب را با مریضی سپری نماید، تا شاید وقتی معشوقه اش [سَلْمَى] خبر او را شنید، شکوه و گله ای به سوی او بفرستد.

و در جستجوی بلند پایگی و شرافت ، به سوی نیکی حرکت می کند، تا خلق و خوی پاکیزه و فضایلش روزی در نزد سَلْمَى ذکر شود.

و لذا بندگان عارف و مؤدّب و فرهیخته همواره می کوشند که بسیار به یاد مولای خویش که پیوسته آنان را می بیند باشند، تا او نیز از ایشان یاد کند؛ و یا به فضل و کرم خویش از آنان خشنود گردد، و یا آنان را خشنود سازد.

فوائد مواظبت بر مناجات از راه نقل

از جمله فوائد محافظت بر مناجات با پروردگار از راه روایات که من یافته ام ، چندین فائده بزرگ و آرزو کردنی است :

نخست اینکه هَلْهَمْ شدن به دعا، نشانه کوتاهی بلا و گرفتاری است .

چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: آیا می دانید کدام بلا طولانی و کدامیک کوتاه است ؟ راوی می گوید عرض کردیم : خیر. حضرت فرمود: هرگاه به شما، و یا به یکی از شما،(۴۳) الهام شد که دعا کند، پس بداند که آن بلا کوتاه خواهد بود. دوّم اینکه : دعا کردن پیش از گرفتاری ، مسلّمأ بلا و گرفتاری را دفع می کند، ولی با دعا کردن بعد از بلا گاهی نمی توان به امید و آرزوی خود رسید.

چنانکه در روایت آمده که حضرت ابوالحسن امام کاظم (ع) فرمود: حضرت علیّ بن الحسین (علیهماالسلام) پیوسته می فرمود: هرکس پیش از نزول بلا پیشدستی نموده و دعا کند، هنگامی که بلا نازل می شود دعایش مستجاب می گردد، ولی هرکس پیشتر دعا نکند، و بعد بلا بر او نازل شود و آنگاه دعا کند، دعایش مستجاب نمی گردد.

سوّم اینکه : فرشتگان ، دعای بنده ای را که تنها هنگام گرفتاری دعا می کند، ولی در حال آسایش و خوشی دعا نمی کند، از رسیدن به مرحله اجابت جلوگیری می کنند.

چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه بنده ای هنگام بلا و گرفتاری دعا کند، و در حال آسایش و خوشی دعا نکند، ملائکه جلو صدای او را می گیرند و می گویند: این صدای ناآشنا و غریبی است . پیش از این کجا بودی ؟ چهارم اینکه : پافشاری کردن و اصرار در دعا، کلید نجات و رهایی است .

چنانکه در حدیث است که امام صادق (ع) می فرمود: به خدا سوگند، هیچ بنده مؤمنی پیرامون حاجتی به درگاه خداوند پافشاری نمی نماید، مگر اینکه خداوند حاجت او را برآورده می سازد.

و نیز در روایت آمده که امام صادق و امام باقر (علیهماالسلام) فرمودند: به خدا سوگند، هیچ بنده مؤمنی به درگاه خداوند اصرار نمی کند، مگر اینکه خداوند دعای او را مستجاب می گرداند.

صفتی که دعا کننده از دیدگاه عقل و نقل باید دارای آن باشد گذشت (۴۴)، بنابراین شایسته است که الحاح و پافشاری در دعا مُبتنی بر آن اصول باشد.

ذکر فضیلت دعا در غیاب برادران دینی از دیدگاه روایات

اینک پس از ذکر شروط مهمّی که موجب قبولی دعا می شوند، لازم است فضیلت دعا در غیاب برادران دینی را با استفاده از برخی روایاتی که بدان دست یافته ایم یادآور شویم :

۱ - در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند: هرکس بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

- خداوندا، مردان و زنان مؤمن را ببامرز.

خداوند، در برابر هر مؤمنی که از زمان آفرینش حضرت آدم (ع) تا برپایی قیامت خلق فرموده ، یک کار نیک برای او می نویسد، و یک گناه او را محو می فرماید، و یک درجه [درجه ایمانی] او را بالا می برد.

۲ - نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه کسی بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ، اِءْلَا حَيَّاءٍ مِنْهُمْ وَ جَمِيعِ الْاَمْوَاتِ.

- خدایا، مردان و زنان مؤمن و مسلمان ، و زندگان و تمام مردگان آنها را مورد مغفرت خویش قرار ده .

خداوند به شماره تمام انسانهای گذشته و آینده ، دعا برای او مستجاب می گرداند: [یا: دعای آنان را برای وی می نویسد]

۳ - همچنین در این باره است روایت بنده صالح خدا عبدالله بن جندب - رضوان الله علیه - از مولایمان امام صادق (ع) ، عبدالله بن سنان می گوید: گذرم بر عبدالله بن جندب افتاد که بر صفا به نماز ایستاده - وی پیرمرد کهنسالی بود دیدم که دعا می نمود و در دعای خود بسیار می گفت :اَللّٰهُمَّ ، فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ، اَللّٰهُمَّ، فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ. : (خداوندا، فلانی پسر فلانی را [ببامرز].)(۴۵) به اندازه ای که نتوانستم بشمارم .

پس وقتی که سلام نماز را گفت . عرض کردم : ای عبدالله ، هیچ موقف و جایگاهی بهتر از جایگاه تو ندیده ام ، ولی از یک خصلت تو اصلاً خوشم نیامد.

گفت : چه چیز من خوشایند تو نبود.

گفتم : به بسیاری از برادرانت دعا کردی ، ولی نشنیدم که برای خود دعایی بکنی .

گفت : ای عبدالله ، از مولایمان امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: هرکس در پشت سر برادر مؤمن خویش برای او دعا کند، از کناره های آسمان ندا می شود: ای فلانی ، برای توست مانند آنچه که برای برادرت درخواست نمودی ، و برای توست صد هزار برابر آن . لذا دوست نداشتم صد هزار برابر ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی دانم آیا مستجاب می شود یا خیر، ترک کنم .

۴ - و نیز از آن جمله است روایت همین بنده صالح ، عبدالله بن جندب - رضوان الله علیه - از مولایمان موسی بن جعفر امام

کاظم (ع) علی بن ابراهیم بن هاشم می گوید: پدرم به من گفت : عبدالله بن جندب را در موقف دیدم ، و هیچ موقعی بهتر از

موقف او ندیدم ، پیوسته دستهای خویش را به سوی آسمان دراز کرده بود، و اشکهایش بر گونه اش جاری می شد و به زمین می ریخت . پس از رفتن مردم به او گفتم : ای [آبا محمّد، هرگز موقعی بهتر از موقف تو ندیدم .

گفت : به خدا سوگند، جز برای برادرانم دعا ننمودم . و این بخاطر آن بود که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (علیهماالسلام ) به من خبر داد که : هرکس در غیاب برادش برای او دعا کند، از سوی عرش ندا می شود که : برای توست صد هزار برابر آن ، لذا خوشم نیامد که صد هزار برابر ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی دانم آیا مستجاب می شود یا خیر، فروگذارم .

۵ - روایات گراسنگ دیگری پیرامون دعا در غیاب برادران دینی در قنوت نماز وتر از نماز شب ذکر خواهیم کرد، زیرا دیده ام اصحاب ما امامیه ، برای کسانی که می خواهند دعا کنند، بیشتر در قنوت نماز وتر نماز شب دعا می کنند.(۴۶)

فضیلت دعا کردن برای حضرت حجّت عبّالّله تعالی فرجه الشریف

اینک می گویم : اگر دعا برای برادران دینی این همه فضیلت دارد، پس فضیلت دعا برای سلطان و فرمانروایی که سبب هستی و وجود توست . و تو معتقدی که اگر او نبود، خداوند نه تو و نه هیچ کس از مکلفین زمان او و تو را نمی آفرید، و اینکه لطف الهی به وجود او - صلوات الله علیه - سبب تمام آنچه که تو و غیر تو در آن قرار دارید می باشد، و وسیله تمامی خیراتی است که بدان نایل می گردید، چگونه خواهد بود؟

پس مبادا و مبادا که تا حدّی که امکان دارد خود و یا احدی از خلائق را در دوست داشتن و دعا نمودن ، بر او مقدّم کنی . و نیز هنگام دعا کردن برای آن مولای عظیم الشان حضور قلبی و زبانی داشته باش .

و مبادا گمان کنی که علّت ذکر این مطلب برای آن است که آن بزرگوار به دعای تو احتیاج دارد. بسیار دور است ، بسیار دور است ، اگر چنین اعتقادی داشته باشی ، در اعتقاد دوستی ات مریض و بیماری ؛ بلکه این را برای آن گفتم که حقّ بزرگ و احسان گرانبار حضرتش را بر تو بشناسانم .

و دیگر اینکه : اگر پیش از دعا برای خویش و کسانی که نزد تو گرمی هستند، برای آن بزرگوار دعا نمایی ، خداوند - جلّ جلاله - زودتر درهای اجابت را به روی تو خواهد گشود؛ زیرا تو - ای بنده ، - درهای قبولی دعا را با قفلهای جنایتها و گناهانت بسته ای ، پس اگر برای این مولایی که در نزد خداوند مالک زندگان و مردگان خاصّ و ویژه می باشد دعا کنی ، خداوند به خاطر او زود درهای اجابت را به روی تو می گشاید، و در نتیجه تو نیز به خاطر چنگ زدن به ریسمان او در دعایی که برای خود و دیگران می کنی ، در زمره فضل او داخل شده ، و رحمت و کرم و عنایت خداوند - جلّ جلاله - تو را نیز فرا می گیرد.

و مبادا بیایی و اساتیدی را که از آنها پیروی می کنی ، بشماری و بگویی که من ندیده ام آنان به آنچه که تو گفتی عمل کنند، و آنها از مولایمان که بدو اشاره نمودی - صلوات الله علیه - غافل ، و نسبت به او بی اعتنا هستند.

جواب اینکه : به آنچه که گفتیم عمل کن ، که مطلب حق است ، زیرا هرکس نسبت به مولایمان بی اعتنا، و از آنچه که ذکر نمودم غافل باشد، به خدا سوگند، که در اشتباه فضاحت باری می باشد.

و حدیثی که جدّم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - مطلبی را که ذکر نمودیم ، گوشزد می کند. وی روایت نموده که بعضی از صالحین یعنی ائمه (علیهم السلام) فرمود: در شب بیست و سوّم ماه رمضان مکرّر - در حال سجده و ایستاده و نشسته و به طور کلی در هر حال که هستی - و نیز در کلّ این ماه و در طول عمرت به هر صورت که ممکن شد، و هرگاه که در طول عمرت به یادت آمد، این دعا را مکرّر می خوانی . به این صورت که بعد از حمد و ستایش خداوند متعال ، و صلوات بر پیامبر اکرم حضرت محمّد (ص) می گویی :

اَللّهُمَّ، كُنْ لَوْلِيَّكَ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ (۴۷) فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيْلًا وَ عَيْنًا، حَتّٰى تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا، وَ تُمَتِّعَهُ فِيْهَا طَوِيْلًا.

- خدایا، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّ حضرت حجّه بن الحسن - که دروذهای تو بر او و بر پدرانش باد، - باش ، تا اینکه او را به صورتی که خوشایند اوست [و همه از او فرمانبری می نمایند] ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی .

اینک اهتمام ائمه (علیهم السلام) را نسبت به این دعا برای آن بزرگوار چگونه می بینی ؟ آیا مانند کوتاهی کردن تو نسبت به آن مقام شریف است ؟ بنابراین از بسیار دعا کردن برای او - صلوات الله علیه - و برای کسانی که دعا کردن برای آنان در نمازهای واجب ، جایز است ، خودداری مکن ؛ که در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود:

هر سخنی که در نماز واجب با آن خداوند متعال را مورد خطاب قرار دهی ، کلام آدمی و گفتاری که نماز را باطل کند نیست .  
بنابراین ، عذری در ترک اهتمام و همّت گماشتن نسبت به این امر برای تو باقی نمی ماند.

فصل نهم : احکام و آداب مقدّمات طهارت و ادعیه آن

آداب معنوی هنگام رفتن به توال

از جمله مقدّمات پیش از طهارت ، مطالبی است که انسان هنگام وارد شدن در توال و هنگام بول و غایط نمودن و این گونه امور ضروری ، بدان نیازمند است .

اینک می گویم : ای بنده بد، ای پست ، چه چیز باعث شده که بر پادشاه عالمیان و خداوندگار اوّلین و آخرین جرات پیدا کنی ؟ و چه چیز تو را از جایگاه خویش ، که بنده ای نیازمند و ذلیل هستی ، در آورده و به فروگذاری و گستاخی و اشتغال داشتن به غیر بندگی و خدمت و معامله با مالکِ روز جزا، واداشته است ؟



وای بر تو، آیا نمی بینی که خود مخزن و حمّال کثافتهای پست و عهده دار تمیز کردن محلّ خروج پلیدیها می باشی ، و این امور را هر روز و شب مکرّر با دستت انجام می دهی ، و تا هنگام مرگ از این کار پست رهایی نخواهی داشت .

وای بر تو، چگونه از زیر بار نشانه ذلّت و نقص سر به سوی صاحب جبروت و مالک مُلک و ملکوت بلند می کنی ؟ آیا نمی دانی که آغاز تو بسان پدرت ، از نطفه ای بدبو و گندیده بوده ، که از محلّ درآمدن پیشاب که ناپاک است بیرون می آید، و بعد از آن کارت حمّالی و شستن کثافت می باشد و بعد از مرگ به صورت مُردار گندیده و زشت می گردی .

سرت را از روی ذلّت و شرم به زیر انداز و صدایت را از روی بیم و هراس آهسته کن ، و زبونی خویش را بشناس ، و در تدبیر امور خود تاءمّل کن ، و بکوش که مولایت تو را از اسارت بندگی رها ساخته ، و از فرومایگی این امور پست بیرون آورد. دست به دامن او شو و به او توسّل بجوی که تو را از این بردگی اسارت آزاد ساخته و از آزادگان قرار داده و برای سکونت در بهشتی که خانه آرامش و محلّ آسودگی است ، شایسته گرداند، و بدین وسیله تو را از این کار پست و اشتغال به شستن کثافتها و محلّ خروج پلیدیها بالا برده ، و این جسد سخیف و دون را ویران ساخته ، و بر بُنیادی والا و پاکیزه از این پلیدیها آباد کند، به گونه ای که برای سکونت در خانه ای که خوشیهایش دایمی و جاودانی است ، صلاحیّت پیدا کنی که این دست به دامن شدن و توسّل جستن تنها در دنیا میسر است ، پس اگر به چیز پست و دون بسنده نمایی ، زیانکار خواهی بود و گناه از خودت می باشد و مصیبت و گرفتاری به خودت برمی گردد.

احکام و آداب هنگام رفتن به توالت

بنده ای که در دارفنا به این امور مبتلاست ، خواست به توالت وارد شود، نیازمند است که پیش از داخل شدن اموری را بداند، تا کارها و گفتارش بر مبنای شناخت و آگاهی باشد.

از جمله آن امور که در روایات آمده است ، این است که :

۱ - در حال اختیار و توانایی ، اگر سرش باز باشد، پیش از وارد شدن آن را بیوشاند.

۲ - و جای قضای حاجتش از نگاه دیگران به عورتش مصون و محفوظ باشد.

۳ - وقتی خواست برای این منظور بنشیند، رو و پشت به قبله نباشد.

۴ - رو به سمتی که باد می وزد بول ننماید، زیرا امکان دارد که باد آن را به سوی او برگرداند.

۵ - رو به آفتاب و ماه نباشد.

۶ - در سوراخهای حیوانات ، بول نکند، زیرا امکان دارد چیزی از آنجا خارج شده و گزندگی به او برساند.

۷ - از نشستن در مکانهایی که موجب آزار و اذیت مردم است ، اجتناب کند.

۸ - در آب جاری یا آب راکد، بول و غائط نکنند، البته کراهت دوّمی شدیدتر است . و اگر آب راکد کمتر از مقدار کرّ باشد، بول و غائط کردن آن را، آلوده و نجس می کند.

۹ - در حال اشتغال به قضای حاجت ، نخورد و نیشامد.

۱۰ - در این حالت ، مسواک نزنند؛

۱۱ - سخن نگویند، مگر به یاد خداوند - جلّ جلاله - ، و یا اینکه ناچار از سخن گفتن باشد.

۱۲ - هنگامی که از قضای حاجت خویش فراغت پیدا کرد، استنجا نموده و جای بول و غایط را با آب شستشو می دهد. و اگر برای شستن غایط آب پیدا نشد، جای آن را با سه سنگ و پاکیزه یا هر چیز دیگری که شرع مقدّس جانشین آن قرار داده ، پاک کند. و اگر عین غایط پیش از استعمال سه سنگ و چیز دیگر برطرف شده باشد، باید آن سه را استعمال کند. و اگر عین نجاست با سه سنگ برطرف نشود، باید بیش از سه عدد سنگ استعمال کند تا اینکه عین غایط برطرف شود.

البته حتّی در صورت وجود آب نیز جایز است در رفع غایط به سنگ بسنده کند، به همان صورتی که ذکر کردیم ، ولی اگر بین سنگ و آب جمع کند، افضل و بهتر خواهد بود.

۱۳ - وقتی از طهارت کردن محلّ غایط فارغ شد، سه بار به آرامی از مخرج تا بیخ آلت تناسلی را دست کشد، سپس باز به آرامی سه بار از بیخ آلت تا سر آن دست کشد(۴۸)، پس از آن را شستشو دهد، و در شستن مخرج بول ، در حالت دسترسی به آب ، غیر از آب کفایت نمی کند.

و حکم زن در شستن غایط با آب همانند مرد است ، و امّا در بول نیازی به کشیدن دست و استبراء ندارد و شستن آن کفایت می کند.

آداب و ادعیه هنگام رفتن به توال

اینک بعضی از روایات پیرامون آداب و دعا‌های وقت دخول در توال تا هنگام خروج از آن را که شایسته است شخص عارف از آن غفلت نرزد، ذکر می کنیم :

۱ - هنگام وارد شدن ، پای چپش را پیش از پای راست در مستراح گذارد، و بگوید آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که وارد توال شدی و خواستی غایط کنی ، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْخَبِيْثِ الْمَخِيْثِ الرَّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ. اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ الْعَلِيْمُ.

- به نام خدا، و به وسیله خدا، به خدا پناه می برم از پلید پلید کننده و آلوده ناپاک ، شیطان رانده شده ، براستی که خداوند شنوا و بینا و آگاه است .

۲ - و اگر روایتی را خواستی که الفاظ کمتر از این را داشته باشد، بگو آنچه را که روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که وارد توالت شدی و خواستی غایط کنی ، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

- به نام خدا، و به [وسیله] خدا، به خدا پناه می برم از [شر] پلیدِ نجس ، شیطان رانده شده ، براستی که خداوند شنوا و آگاه است .

۳ - و اگر باز کمتر از این الفاظ را خواستی ، بگو آنچه را که امام صادق (ع) پیرامون حکم توالت هنگام ورود به آن فرمود: وقتی انسان داخل توالت شد، بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ

- به نام خدا.

و وقتی برای قضای حاجت نشست ، بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اَذْهَبْ عَنِّي الْاَذَى ، وَ هَنِّئْنِي طَعَامِي .

- خداوندا، مایه رنج و آزار را از من برطرف نما، و خوراکم را گوارا فرما.

و هنگامی که قضای حاجت نمود، بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَمَاطَ عَنِّي الْاَذَى ، وَ هَنَّاءَنِي طَعَامِي .

- سپاس خدایی را که مایه رنج و اذیت را از من دور نمود، و خوراکم را گوارا فرمود.

سپس فرمود: فرشته ای بر بندگان گمارده شده که وقتی قضای حاجت نمودند، سر او را برگردانده (۴۹) می گوید: ای فرزند آدم ،

آیا به آنچه که از شکم و اندرون بیرون آمده نمی نگری ، پس جز چیز پاکیزه در آن داخل مکن ، و عورت را در حرام داخل مکن .

۴ - و وقتی که خواست خودش را بشوید، آنچه را که جدّم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - روایت نموده بگوید. که می

فرمود: هرگاه خواست خودش را شستشو دهد، بگوید:

اَللّٰهُمَّ، حَصِّنْ فَرْجِيْ ، وَ اسْتَرْعُوْرَتِيْ ، وَ حَرِّمَهُمَا عَلَي النَّارِ، وَ وَقِّفْنِيْ لِمَا يُرْضِيْكَ عَنِّي ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ،(۵۰)

- خداوندا، شرمگاه و عورتم را محفوظ و پوشیده بدار، و آن دو را بر آتش [جهنّم] حرام فرما، و مرا به هر آنچه که تو را از من

خشنود می سازد، مؤفّق گردان . ای صاحب بزرگی و بزرگواری .

۵ - وقتی از غایط فارغ شدی ، بگو آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: وقتی از غایط فارغ شدی بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَمَاطَ عَنِّي الْاَذَى ، وَ اَذْهَبَ عَنِّي الْغَائِطَ، وَ هَنَّاءَ صَ وَ عَافَا صَ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يَسِّرَ الْمَسَاغَ، وَ سَهَّلَ الْمَخْرَجَ، وَ

اَمْضَى الْاَذَى .

- سپاس خدایی را که مایه رنج و اذیت را از من دور، و غایط را از من برطرف نمود، و خوراک مرا گوارا نموده و تندرستی عنایت فرمود. و ستایش خداوندی را که خوراکم را گوارا گردانید، و بیرون آمدن آن را راحت نمود، و مایه رنج و اذیت را بیرون راند. و هنگامی که خواستی از توالیت بیرون بیایی، دست به شکم مالیده، سپس آنچه را که جدم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - روایت نموده، بگو که :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَنّٰنٰی طَعَامِیْ وَ شَرَّبَنِیْ ، وَ عَافَنِیْ مِنَ الْبُلُوْیِ

- سپاس خداوندی را که خوراکی و نوشیدنی را برای من گوارا فرموده، و از گرفتاری و [بیماری] عافیت و تندرستی عنایت نمود. و هنگام بیرون آمدن از توالیت پای راست خود را پیش از پای چپ بیرون گذاشته و بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَرَّفَنِیْ لَذَّتَهُ، وَ اَبْقٰی فِیْ جَسَدِیْ قُوَّتَهُ، وَ اَخْرَجَ عَنِّیْ اَذَاهُ، یَا لَهَا نِعْمَةٌ، یَا لَهَا نِعْمَةٌ، یَا لَهَا نِعْمَةٌ، لَا یَقْدِرُوْنَ الْقَادِرُوْنَ قَدْرَهَا. (۵۱)

- ستایش خدایی را که لذت غذا را به من شناسانید، و نیرویش را در جسمم به جا گذاشت، و مایه رنج و اذیت آن را از من بیرون راند. چه نعمت بزرگی، چه نعمت بزرگی، که اندازه گیران نمی توانند اندازه عظمت آن را مشخص سازند و بدانند.

شرایط آب

آبی در خور طهارت است که : مطلق، و پاکیزه از نجاسات باشد، و انسان از ناحیه شرع از استعمال آن برای طهارت ماءذون باشد. پس هرگاه چنین آبی پیدا شد بدان تطهیر می شود؛ و اگر چنین آبی پیدا نشد و آب قلیل و کمتر از کر بود، اصل آب یقیناً پاک و طاهر است، لذا انسان نباید به خاطر قلیل بودن، از طهارت با آن خودداری کند و به گمان و تخمین بگوید که نجس شده است، زیرا به واسطه همین خودداری کردن و ترک طهارت و نماز، نفس خویش را به هلاکت انداخته و به صاحب شریعت اهانت نموده، بلکه امور زشت و قبیحی را به فرستاده خداوند - جلّ جلاله - نسبت داده است؛ زیرا اگر مقصودش عبادت خداوند سبحان باشد، نباید در تدبیر و گفتار الهی با او مخالفت نماید.

و مبدا به آنچه که بسیاری از مردم بدان مبتلایند، یعنی ترک طهارت و نماز به خاطر تَوَهُّم‌های وسواس گونه و حکم به نجس بودن آب، مبتلا شود؛ زیرا وسواس، یا بیماری جسمی است؛ و یا بیماری و آسیب در عقیده و دین؛ و یا درماندگی در شناخت خداوند بسیار مهربان است.

فصل دهم: آداب معنوی طهارت از دیدگاه عقل

برای کسی که می خواهد با آب طهارت کند مهمّ این است که پیش از شستن اعضای خویش، آنها را از چرک گناهان و نجاست عیبهایش تطهیر کند؛ زیرا اگر هنگام شستشوی آنها، از تطهیر آنها از آنچه که ناخوشایند مولایش است - هم او که می خواهد در

پیشگاه او بایستد - غفلت داشته باشد، و در حال شستشوی اعضا با آب ، مبتلای به غفلت و جرات بر خداوند - جلّ جلاله - بوده ، و از حضور او غایب باشد، مانند کسی می گردد که خدا را دست انداخته و او را استهزاء می کند، زیرا امر مهمّتر را فروگذاشته و سرگرم امر کم اهمیّت شده ، و تهدیدی که خداوند - جلّ جلاله - در گفتارش فرموده ، ایمن نخواهد بود، آنجا که می فرماید:

اَللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهٖمْ، وَ يَمُدُّهُمْ فِی طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ. (۵۲)

- خداوند آنها را استهزاء می نماید و یاری شان در طغیان و سرکشی شان سرگشته و متحیر شوند.

آیا این روایت را نشنیده ای که : حضرت امام حسن بن علی(ع) وقتی وضو می گرفت ، رنگ صورت مبارکش دگرگون می شد، و بندهای بدنش به لرزه درمی آمد. در این باره از آن حضرت پرسیده شد. آن بزرگوار فرمود: سزاوار است کسی که در پیشگاه خداوند صاحب عرش می ایستد، رنگش زرد گردد، و بندهای بدنش به لرزه درآید.

و مشابه این حدیث نیز درباره مولایمان حضرت امام حسن (ع) نقل شده است .

و نیز آیا نشنیده ای که مولایمان زین العابدین علیّ بن الحسین - صلوات الله علیهما - وقتی شروع به طهارت نماز می کرد، صورتش زرد شده ، و بیم و هراس از آن مقامات والا بر چهره اش آشکار می گردید.

پس آیا در ترازو و سنجش عقل جایز است که حضرتش (ع) با آنکه سالم و معصوم [از گناهان و عیوب و اشتباهات] بوده بهراسد، و تو در حالی که بیمار هستی ایمن باشی ؟

مسلماً هرکس که می خواهد به منظور مناجات و گفتگوی خصوصی در محضر پادشاهی وارد شود، با آراستن و درست کردن هر چیزی که ممکن است نگاه پادشاه بر آن بیافتد، و با هرچیز که موجب قرب بیشتر در نزد او می گردد، خود را آماده و مهیا می نماید. و معلوم است که نظر پاک و مقدّس خداوند - جلّ جلاله - متوجّه طهارت قلب از گناهان ، و پاکیزگی اعضا و جوارح از زخمهای گناهان است .

و دیگر اینکه : اگر بنده به تطهیر دل و اعضا و جوارح از چرکهایی که در اثر بکار زدن آنها در غیر هدفی که برای آن آفریده شده ، یعنی عبادت و پرستش خداوند، اهتمام ورزد - به این صورت که از خداوند مالک رحمت طلب عفو و گذشت کند، یا با نیت صادق و خالصانه و به شایستگی توبه کند - همین اهتمام ورزیدن به امر مهمّتر لطف و کمکی از ناحیه پروردگار به او محسوب می شود، و او را بهتر به تطهیر کامل اعضا و جوارح با آب می کشاند، و وقتی بعد از پاک نمودن آنها از گناهان ، آنها را با آب نیز تطهیر نمود، نسبت به اینکه با سلامتی از گناه در محضر مناجات پروردگار وارد شود، و نسیم عطر و بوی خوش آن مقام را استشمام نماید، نزدیکتر خواهد بود.

فصل یازدهم : احکام و آداب و ادعیه وضو

کیفیت وضو گرفتن

در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: روزی امیرالمؤمنین (ع) با محمد ابن حنفیه نشستند، حضرت فرمود: ای محمد، ظرفی آب بیاور تا برای نماز وضو بگیرم. محمد آب آورد، حضرت آب را با دست چپ، بر دست راستش ریختند و سپس فرمودند: بِسْمِ اللَّهِ، اَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا.

– به نام خدا، سپاس خدایی را که آب را پاکیزه و پاکیزه کننده قرار داد، و آن را نجس و آلوده قرار نداد.

سپس [به توالی رفته] و خود را شستشو داده و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، حَصِّنْ فَرْجِيْ وَ اَعِزَّهُ، وَ اسْتَرْعُوْرَتِيْ، وَ حَرِّمْنِيْ عَلٰى النَّارِ.

– خدایا، شرمگاهم را محفوظ و پاکدامن بدار، و عورتم را بپوشان، و آن را بر آتش [جهنم] حرام کن.

پس از آن آب در دهان گردانیده و مضمضه نموده و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، لَقْنِيْ حُجَّتِيْ يَوْمَ اَلْقَاكَ، وَ اَطْلِقْ لِسَانِيْ بِذِكْرِكَ [وَ شُكْرِكَ].

– خداوند، روزی که با تو ملاقات می کنم، حجت و دلیل را به من تلقین نموده و بفهمان، و زبانم را به یاد [و شکر گزاری ات] بگشای.

سپس آب داخل بینی کرده و استنشاق نموده و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيْحَ الْجَنَّةِ، وَ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ يَشْمُ رِيْحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ رِيْحَانَهَا وَ طِيْبَهَا.

– خدایا، بوی بهشت را بر من حرام منما، و مرا از کسانی قرار ده که بو و نسیم و بوی خوش و عطر بهشت را می بویند.

سپس صورت خویش را شسته و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، بَيِّضْ وَجْهِيْ يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيْهِ الْوُجُوْهُ، [وَ لَا تَسْوَدُّ وَجْهِيْ يَوْمَ تَبْيِضُ فِيْهِ الْوُجُوْهُ].

– خداوند، روزی که چهره ها در آن سیاه می گردد، روی مرا سپیدگردان، [و در روزی که رویها سفید می گردد، مرا رو سیاه مفرما].

آنگاه دست راست خویش را شسته و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، اَعْطِنِيْ كِتَابِيْ بِيْمِيْنِيْ، وَ اَلْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بِيْسَارِيْ، وَ حَاسِبْنِيْ حِسَابًا يَسِيْرًا.

– خدایا، نامه عملم را به دست راستم بده، و جاودانگی در بهشت را به دست چپم، و به صورت آسان از من حساب کشی بفرما.

سپس دست چپ خود را شستشو داده و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، لَا تُعْطِنِيْ كِتَابِيْ بِشِمَالِيْ [وَ لَا مِنْ وَّرَآءِ ظَهْرِيْ]، وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُوْلَةً اِلَى عُنْقِيْ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ مُّقْطَعَاتِ النَّيْرَانِ.

– خداوند، کتابم را به دست چپ [و از پشت سرم] به من مده، و آن را بسته برگردنم قرار مده، و به تو پناه می برم از جامه های بریده و مهیا شده از آتش.

سپس سر خود را مسح نموده و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، غَسِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ [و عَافِيَتِكَ مِنَ الْبَلْوَى .].

– خدایا، مرا غرق در رحمت و برکات و عفو و گذشت [و ایمن از بلا] خود بگردان .

پس از آن پاهای خویش را مسح نموده و فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ [الْمُسْتَقِيمِ] يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي . (۵۳)

– خداوندا، در روزی که قدمها می لغزند مرا بر صراط [مستقیم] ثابت و استوار گردان ، و سعی و کوششم را در چیزی قرار ده که موجب خرسندی تو از من گردد.

سپس حضرت سرشان را بلند کرده و به محمد نگاه نمود و فرمود: ای محمد، هر کس مانند من وضو بگیرد، و همانند من دعا کند،

خداوند – عزوجلّ – از هر قطره [آبی که در وضوء استفاده نموده] فرشته ای می آفریند که تقدیس و تسبیح و تکبیر بگوید، و

خداوند ثواب آن را تا روز قیامت برای او می نویسد.

احکام و آداب وضوء

در روایاتی که از ائمه (علیهم السلام) در تفصیل احکام وضوء وارد شده ، آمده است که : کسی که می خواهد وضو بگیرد، هنگام

شستن صورت از اوّل [رستنگاه] موی جلو سر آغاز نموده تا آخر چانه اش را می شوید، و هنگام شستن دستها از روی دستها شروع

نموده و از آرنج تا سر انگشتان را شستشو می دهد، و به اندازه [پهنای] سه انگشت جلو سرش را مسح می کند، البته کمتر از این

هم کفایت می کند و هنگام مسح کردن روی پاها از سر انگشتان شروع نموده و تا برآمدگی روی پاها را که کعب عالی نامیده می

شود، مسح می کند. و اگر صورت و بازوها و دستهایش را دوبار بشوید جایز است ، و بین فضیلت دو روایتی که در این باره نقل شده

است جمع نموده است .

مُبطّلات وضوء

و جنابت ، و مسّ میّت بعد از سرد شدن بدن میّت و پیش از غسل دادن میّت وضو را باطل می کند؛ و نیز خوابی که بر گوش و

چشم غالب باشد، و همچنین هر چیزی که عقل را از بین می برد، و نیز بول و غایط، و خارج شدن قطعی و یقینی باد از انسان آن

را باطل می کند. و افزون بر اینها در مورد زنان ، حیض و نفاس و استحاضه از اموری است که وضو را باطل می کند.

فصل دوازدهم : احکام و آداب تیمّم بدل از وضو

احکام تیمّم

این طهارت که در عرف شرع تیمّم نامیده می شود، رحمت و انعام و بزرگواری و بخششی است از جانب خداوند – جلّ جلاله –

نسبت به کسانی که نمی توانند با آب طهارت کنند.

و ویژگی خاکی که به آن تیمم می شود این است که : باید پاک بوده ، و از ناحیه شرع در استعمال آن ماءذو باشیم .

و اگر کسی که وظیفه اش تیمم است خاک پیدا نکرد، از گرد و غبار نمدِ زین اسب و مانند آن تیمم می کند. و در صورت نبودن آب و خاک و در حالت اضطرار و ناچاری می توان با هر چیز که گرد و غبار داشته باشد، تیمم کرد.

عذرهایی که موجب تیمم می شود

فقط وقتی می توان تیمم کرد که وقت نماز تنگ شده و تنها به اندازه ای که بتوان تیمم کرد وقت باشد، و یا بکلی آب یافت نشود؛ یا استعمال آب برای شخص - به خاطر بیماری یا عدم امکان پرداخت بهای آب ، و یا به جهت عذرهایی دیگری که در شریعت محمدیه (ص) مجوز تیمم هستند - ممکن نباشد.

اگر عدم امکان طهارت با آب ، به خاطر پیدا نشدن آب بوده و شخصی که آب پیدا نکرده در صحرا باشد، باید هنگام تنگ شدن وقت نماز، در زمین هموار به اندازه مسافت پرتاب دو تیر، و در زمین سخت و ناهموار به اندازه مسافت پرتاب یک تیر، در جستجوی آب برود. و جستجوی آب برای هرکس که قدرت بر آن داشته باشد امر مهم و بسیار مورد تاءکید است .

کیفیت تیمم

اگر انسان در بیابان بود و پس از جستجو آب پیدا نکرد، یا عذری در ترک طهارت به آب برای نماز داشت (مانند برخی از عذرهایی که بدان اشاره نمودیم )، کیفیت تیمم برای طهارت از حَدَث اصغر و بدل از وضو آن است که : تیمم کننده کف دو دستش را بر خاک بزند، سپس آنها را به هم می زند تا گرد و غبار آنها بریزد، و کف دستها را بر پیشانی اش ، (از ابتدای جلوی سر [ورستگاه مو] تا گوشه بینی ) می کشد. البته مقصود از گوشه بینی ، طرفِ سربینی است ، و پس از آن کف دست چپش را روی کف دست راستش (از اوّل کف دست راست تا سر انگشتان )، و کف دست راستش را روی کف دست چپش (از اوّل کف دست چپ تا سر انگشتان ) می کشد.

پس وقتی اینها را انجام داد، وارد شدن در نماز و عباداتی که به طهارت احتیاج دارد، مباح و جایز می گردد.

اموری که وضو را باطل می کند، و علاوه امکان طهارت با آب و وضو گرفتن تیمم را باطل می کند.

فصل سیزدهم : احکام و آداب غسل از دیدگاه عقل و نقل

آداب معنوی غسل

چیزی که در مورد غسل ، در نزد عارفان مهم است ، این است که پیش از شروع غسل ، گناهان و دلہایشان را با آب خشوع و فروتنی ، و عیوب اعضا و جوارح خویش را با اشک چشم شستشو داده ، و با دستاویز اخلاص ، نیت غسل توبه نموده ، و هنگام غسل به مقام اختصاص و برگزیدگی در نزد پروردگار داخل شوند.



غسلها دوگونه اند: واجب و مستحب. و غسلهای واجب بر مکلفین زنده عبارت است از غسل جنابت ، و غسل مسّ میّت آدمی بعد از سرد شدن به واسطه مرگ و پیش از غسل دادن آن . و غسلهای واجب بر زنان نیز عبارت است از: غسل جنابت و همچنین غسل حیض و نفاس و استحاضه و غسل مسّ میّت .

و غسلهای مستحبّ بیست و هشت غسل ، و بلکه بیشتر از این عدد است ، که در روایات برای هر کدام از آنها فضیلت و ثواب خاصی ذکر شده است .

و غسل اموات و مردگانی که غسل دادنشان در شریعت سیّدالمُرسلین ( ص ) واجب است نیز از غسلهای واجب می باشد که ما گزیده و اجمالی از مطالب مفصّل مربوط به آن را ذکر خواهیم نمود، تا کسانی که خواهان عمل هستند بر معنای آن آگاهی پیدا کنند.

#### احکام واجب بر جنب

وقتی انسان با همسر خود همبستر شد به گونه ای دو ختنه گاه یعنی جای ختنه مرد در آلت تناسلی با جایگاه ختنه زن (۵۴) برخورد نمود و یا به خاطر بیرون آمدن منی که با جهش بیرون آمده و جنابت بودنش معلوم و یقینی باشد - خواه در خواب باشد یا در بیداری ، با شهوت باشد یا بدون شهوت - جنب شد،

۱ - برای او جایز نیست که در مسجد داخل شود، مگر اینکه ناچار باشد و به صورت گذرا از مسجد بگذرد.

۲ - نباید در حال اختیار چیزی در آنجا بگذارد، جز در مسجد الحرام و مسجد مدینه شریفه که حتّی جایز نیست از آن دو عبور کند.

۳ - شخص جنب نباید نوشته مُصَحَف و قرآن شریف و یا اسمی از اسماء خداوند - جلّ جلاله - و نامه‌های پیامبران خدا و ائمه - صلوات الله جلّ جلاله علیهم اجمعین - را مسّ کند.

۴ - برای جنب جایز است که همه قرآن بجز چهار سوره عزائم را بخواند، و مادام که جنب است نباید حتّی به مقدار کم از این چهار سوره را قرائت کند. و آنها عبارتند از : سوره های اَلَمْ سَجْدَه و حَمَّ سَجْدَه ، و وَالنَّجْم ، و إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ .

۱۵ - خوردن و آشامیدن در حالت جنابت مکروه است ، و اگر شخص جنب ، احتیاج به خوردن و آشامیدن پیدا کرد، ابتدا مضمضه و استنشاق نموده و آب در دهان و بینی گردانده و بعد می خورد و می آشامد.

۲ - خوابیدن بعد از جنابت مکروه است مگر بعد از گرفتن وضو،

۳ - خضاب کردن و حنا گذاشتن برای جنب مکروه است .

#### کیفیت غسل

اگر کسی خواست غسل جنابت کند، در صورتی که غسلش به خاطر انزال منی که با جهش می آید باشد،

۱ - واجب است که ابتدا با بول کردن یا هر چیزی که جانشین آن باشد، استبرا نماید، و این کار بر زنان واجب نیست .

۲ - سپس هر جایی از بدنش را که نجس شده شستشو دهد.

۳ - مستحب است که سه بار دستش را بشوید.

۴ - مستحب است هنگام غسل کردن بگوید:

اَللّٰهُمَّ، طَهِّرْنِيْ، وَ طَهِّرْ قَلْبِيْ، وَ اَشْرَحْ صَدْرِيْ، وَ اَجْرِ عَلٰى لِسَانِيْ ذِكْرَكَ وَ مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ. اِاللّٰهُمَّ، اجْعَلْهُ لِيْ طَهْوَرًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ.

- خداوند، مرا پاکیزه بگردان ، و قلبم را پاک نما، و سینه و دلم را بگشای ، و یاد و مدح و ثنایت را بر زبانم جاری گردان ، خدایا،

آن [یعنی غسل کردن ] را برای من مایه پاکیزگی و بهبودی و نور قرار ده ، براستی که تو بر هر چیز توانا هستی .

۵ - مستحب است پیش از غسل ، مضمضه و استنشاق نموده و آب در دهان و بینی اش بگرداند

۶ - نیت غسل را می تواند هنگام مضمضه و شستن دهان ، و یا وقت شروع غسل بکند. و نیت آن به این صورت است که : غسل

جنابت می کنم به خاطر واجب بودن آن ، تا به این وسیله حالت جنابت رفع ، و هرچه با غسل کردن مباح می گردد(۵۵) برایم مباح

و جایز گردد، در حالی که بد منظورم عبادت خداوند سبحان از آن جهت که شایسته عبادت است (۵۶) می باشد.

۷ - خواست غسل را به صورت ارتماسی انجام دهد، کافی است تنها یک بار به گونه ای در آب فرو رود که آب به تمام بدنش

برسد.

۸ - اگر خواست به صورت ترتیبی غسل کند، ابتدا سرش را تا بیخ گردن شستشو داده و آب را به بُنِ موهای سرش می رساند، و

اگر ریش داشته باشد آب را به بُنِ موهای آن نیز می رساند، سپس سمت راست بدنش را از بالای شانه راست تا پایین پای راست

شستشو داده ، و بعد سمت چپ بدنش را از بالای شانه راست تا پایین پای چپش می شوید.

۹ - مقدار آبی که برای غسل کفایت می کند، عبارت است از کمترین مقداری که بر اساس انجام غسل که شرح دادیم بر بدن

جاری گردد، به گونه ای که غسل شرعی نامیده شود.

۱۰ - و ترتیب غسل ، به ترتیبی که ذکر نمودیم واجب است ، ولی مُوالات و پی در پی انجام دادن اعمال غسل واجب نیست .

۱۱ - کیفیت تمام غسلها - خواه واجب باشد و خواه مستحب - به همین صورتی است که ما از هنگام مضمضه و آب در بینی

گرداندن تا آخر فراغت از غسل بیان نمودیم .

۱۲ - کیفیت غسل کردن زن مانند غسل حیض و استحاضه مخصوص (۵۷) و نفاس به همین صورت است ، و تنها فرق آن با

غسل مردان این است که زن پیش از غسل نیازی به استبرا کردن ندارد.

احکام غسلهای مخصوص زنان

احکام مربوط به حیض و استحاضه و نفاس زنان را در، کتابهای فقهی به صورت بسیار مفصل ذکر شده است ، ولیکن ما مختصری از آن را به صورت زیبا ذکر می کنیم ، تا این کتاب از اشاره به آن خالی نباشد:

۱ - خونی که شرع مقدّس به حیض بودن آن حکم می کند، عبارت است از خونی که زن بعد از بالغ شدن ببیند، و با خون زخم و جراحت و خون غایط و غیر آنها مشتبه نگردد، و کمترین مدّت آن سه روز، و بیشترش ده روز می باشد.

۲ - اگر با خون زخم و جراحت درون عورت زن اشتباه شد، زن پنبه ای در داخل عورت خود می گذارد، اگر خون از سمت چپ بر آن خارج شود خون حیض است ، و اگر از غیر سمت چپ خارج شود خون حیض نیست .

۳ - اگر با خونی که همراه با غایط است اشتباه شد، پنبه را در داخل عورت خود می گذارد، اگر خون دَوْر پنبه را گرفته باشد، خون با غایط بیرون آمده است ، وگرنه خون حیض است .

۵ - اگر زن حائض باشد، نماز خواندن و روزه گرفتن و داخل شدن در مساجد و قرائت سوره های عزائم و مسّ قرآن بر او حرام است . و نیز بر شوهرش حرام است که در حال حیض با او نزدیکی نماید؛ و بنابر وجهی ، حرام است که در حال حیض طلاقش دهد.

۶ - اگر زن از حیض پاک شد و غسل بجا آورد و وقت نماز واجب شد، همانند پیش از حیض ، نماز خواندن بر او واجب می گردد، و بجا آوردن قضای نمازهایی که در ایّام حیض فوت شده بر او واجب نیست ؛ ولی قضای روزه هایی که در ایّام حیض (اگر فرضاً حایض نبود) بر او واجب بوده ، واجب است .

۷ - نفساء زنی را می گویند که هنگام ولادت خون ببیند، و برای مدّت کم آن اندازه مشخصی نیست ، ولی بیشترین مدّت آن ده روز است ، و احکام زن حایض را دارد.

۸ - مستحاضه زنی را گویند که خون ببیند و آن خون نه حیض باشد، و نه خون نفاس (به همان صورتی که هر دو را توصیف نمودیم .)

۹ - خون استحاضه سه گونه است :

الف - اگر خون کم باشد، با پنبه آزمایش می شود، هرگاه خون به سمت بالای آن برسد، باید پنبه را عوض کرده و هنگام خواندن هر نماز، طهارت صغری (۵۸) را تجدید کند، و نمازش صحیح است .

ب - اگر خون در سمت بالای پنبه نمایان گردد و از پنبه به بیرون نریزد، باید علاوه بر تجدید پنبه و گرفتن وضو به همان صورتی که ذکر کردیم ، یک غسل مانند غسل جنابت - به نیت غسل استحاضه - برای خصوص نماز صبح بکند، و بقیّه نمازها را به همان صورتی که شرح دادیم با وضو بخواند.

ج - اگر خون استحاضه از سمت بالای پنبه به بیرون بریزد، علاوه بر آنچه ذکر نمودیم ، یک غسل برای نماز ظهر و عصر نموده و آن دو نماز را پشت سرهم انجام دهد، و غسل دیگری برای نماز مغرب و عشا نموده و آن دو نماز را پشت سرهم انجام دهد.

۱۰ - زن مستحاضه در تمام آنچه توضیح دادیم حکم زن طاهر را دارد.(۵۹)

## تفصیل احکام حیض

اینک تفصیل مسأله ها و فروغ مطالب گذشته را ذکر می کنیم ، به گونه ای که اطلاع ندارم کسی در تحریر فروعات آن بر من پیشی گرفته باشد، البتّه ادّعا نمی کنم که اهل نظر هیچ اشکالی نمی توانند بر آن بگیرند، پس می گویم :

زن وقتی خون دید، دو صورت دارد: یا مبتدئه است و تا آن وقت خون حیض ندیده [ و یا غیر مبتدئه .

الف - اگر مبتدئه باشد، در صورتی که خورش به صورت مستمرّ بیرون بیاید، چهار حالت دارد:

اوّل اینکه : با اوصافی که مقتضای آن حیض بودن خون است ، برای او مشخص گردد که آن ، خون حیض است ، در این صورت بر اساس آن اوصاف عمل می کند، و حکم زن حائض را دارد.

دوّم اینکه : با اوصافی که اشاره شد، برای او مشخص نشود که آیا آن ، خون حیض است و یا خیر؟ در این صورت باید درباره

حیضش به عادت زنان خانواده و فامیل رجوع کند، و بر اساس عادت آنها عمل نماید.

سوّم اینکه : نه حیض بودن آن برای او معلوم گردد و نه زنان خانواده و فامیلی داشته باشد، یا باشد ولی خودشان در عادت ، مختلف باشند، در این صورت باید بر عادت زنان همسال خود عمل کند.

چهارم اینکه : نه حیض بودن خون مشخص شود، و نه زنان خانواده و فامیل داشته باشد، و نه زن همسال با خود، یا اینکه زن

همسال باشد ولی خود آنها در عادت مختلف باشند، در این صورت در هر ماه سه روز - که کمترین مدّت ایّام حیض است - باید نماز را به خاطر رعایت احتیاط در انجام عبادت ، ترک کند.

ب - اگر زن هنگام استمرار خون مبتدئه نباشد، و عادت داشته باشد، چهار حالت دارد:

اوّل اینکه : عادت داشته باشد، ولی برای او مشخص نباشد که آن ، خون حیض است ، در این صورت باید بر اساس عادتش عمل کند.

دوّم اینکه : هم عادت داشته باشد و هم مشخص باشد که آن ، خون حیض است ، در این صورت باید بر اساس عادتش عمل کند،

البتّه برخی از فقهاء می گویند که در این صورت باید بر اساس تمیز و تشخیص اوصاف خون عمل کند و توجّهی به عادت نکند.

سوّم اینکه : عادتش اختلاف داشته باشد و حیض بودن خون برای او مشخص گردد، که در این صورت باید بر اساس آن عمل کند.

چهارم اینکه : عادتش مختلف باشد، و برای او مشخص نباشد که آیا آن ، خون حیض است یا خیر؟، و عادتش را فراموش کرده

باشد، که خود، سه حالت دارد:

اول اینکه : شماره روزهای عادت را به یاد داشته باشد، ولی وقت آن و اینکه از چندم ماه شروع می شود را فراموش کرده باشد.  
دوم اینکه : هر دو را فراموش کرده باشد.

سوم اینکه : وقت را به یاد داشته باشد، ولی شماره آن یادش نباشد.

- ۱ - در حالت اول یعنی اگر عدد روزها را به یاد داشته باشد ولی وقت را فراموش کرده باشد، برای آن دو حالت است : گاهی در بعضی از روزهای حیض برای او یقین حاصل می شود، مانند اینکه بگوید: من شش روز از دهه اول ماه را حیض می شوم ، ولی جای آن شش روز را در دهه نمی دانم که آیا از اول دهه شروع می شد، یا از روز دوم و...، در این صورت حکم او این است که از اول دهه تا آخر روز چهارم از آن مانند زن مستحاضه عمل کند، و در آخر روز ششم ، غسل اتمام خون حیض را بکند، زیرا امکان دارد که همان وقت ، آخر شش روزی باشد که می داند در آن حیض می شود، و بعد از آن برای هر نماز یک غسل حیض کند، زیرا امکان دارد که انقطاع خونس هنگام هر نماز باز خون حیض باشد، و بعد از روز ششم عمل زن مستحاضه را انجام دهد.
- و گاهی یقین به حیض بودن هیچ روزی ندارد، مانند زنی که می گوید: حیض من ده روز در هر ماه بود، ولی جای آن را نمی دانم ، که در این صورت حکم آن این است که تا آخر دهه اول ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد، سپس برای هر نماز، غسل حیض کند، زیرا امکان دارد که خون حیضش در این هنگام تمام شده باشد، با اینکه عمل زن مستحاضه را تا آخر ماه انجام می دهد.
- ۲ - در حالت دوم ، یعنی اگر زن عدد روزها و وقت آن را فراموش کرده باشد، باید در هر ماه سه روز - که کمترین ایام حیض است - به خاطر رعایت احتیاط به جهت عادت ، نماز را ترک کند و در غیر آن سه روز عمل زن مستحاضه را انجام دهد.
- ۳ - در حالت سوم ، یعنی اگر زن وقت را به یاد داشته باشد، ولی عدد روزها را فراموش کرده باشد باز سه حالت دارد:

یکم اینکه : اول حیض یادش باشد ولی آخر آن یادش نباشد.

دوم اینکه : آخرش یادش باشد، ولی اول حیض یادش نباشد.

سوم اینکه : هیچ کدام از اول و آخر حیض را به یاد نداشته باشد، بلکه تنها می داند که در زمانی حیض بوده ولی اول و وسط و آخر حیض را نمی داند.

پس اگر اول حیض یادش باشد، باید حیضش را سه روز قرار دهد، و در آخر آن غسل حیض بجا آورد، سپس برای هر نماز، غسل حیض انجام دهد، و تا آخر ماه مانند زن مستحاضه عمل کند.

و اگر آخر حیض یادش باشد نه اولش ، باید در آخر وقتی که می داند آخر حیض است ، غسل حیض بجا آورد، و در بقیه ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد.

و اگر اوّل و آخر حیض را فراموش کرده باشد، باید وقتی را که یقین به حیض بودن آن دارد، حیض قرار دهد و در آخر آن غسل حیض کند، و پیش از آن ، عمل زن مستحاضه را انجام دهد، و بعد از آن برای هر نماز تا آخر ده روز غسل حیض کرده و همانند زن مستحاضه عمل کند. سپس بعد از ده روز غسل حیض نماید، و بعد تا آخر ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد. و هر جا که ایّام حیض برای او معلوم نباشد، باید ده روز روزه (۶۰) از آن ماه ، بیش (۶۱) از سه روز نماز را قضا کند. این تفصیل برای هرکس از صاحبان فهم و دریافت که نسبت به آن آگاهی پیدا کند، نیکوست .

#### غسلهای مستحبّی

غسلهای مستحبّی عبارتند از:

۱- غسل توبه .

۲ - غسل جمعه .

۳ - غسل شب اوّل ماه رمضان .

۴ - غسل تمام شبهای فرد ماه رمضان ، که افضل آنها غسلهای شب نیمه و شب هفدهم ، و شب نوزدهم ، و شب بیست و یکم ، و شب بیست و سوّم ماه رمضان می باشد، و درباره غسلهای شب بیست و چهارم ، و شب بیست و پنجم ، و شب بیست و هفتم ، و شب بیست و نهم ، را نیز روایاتی وارد شده است .

۵ - غسل شب عید فطر.

۶ - غسل روز عید فطر.

۷ - غسل روز عرفه ، نهم ذی الحجّه .

۸ - غسل عید قربان ، دهم ذی الحجّه .

۹ - غسل روز غدیر، هیجدم ذی الحجّه .

۱۰ - غسل روز مباهله ، بیست و چهارم ذی الحجّه .

۱۱ - غسل روز تولّد پیامبر اکرم (ص )، هفدهم ربیع الاول .

۱۲ - غسل نماز خورشید گرفتگی در صورتی که تماماً گرفته شده باشد، و آن را عمداً ترک کرده باشد، در این صورت باید پس از غسل ، قضای نماز را بجا آورد.

۱۳ - غسل نماز حاجت .

۱۴ - غسل نماز استخاره .

۱۵ - غسل احرام .

۱۶ - غسل داخل شدن در حَرَم .

۱۷ - غسل وارد شدن در مسجد الحرام .

۱۸ - غسل داخل شدن در کعبه .

۱۹ - غسل داخل شدن در مدینه .

۲۰ - غسل ورود به مسجد النَّبِیِّ (ص) .

۲۱ - غسل هنگام زیارت پیامبر اکرم - عَلَیْهِ أَكْمَلُ الصَّلَاةِ - و هنگام زیارت مزار ائمه ای که از عترت و اهل بیت آن بزرگوار عَلَیْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ می باشند.

۲۲ - غسل برداشتن تربت از قبر و مزار امام حسین (ع) بنابر بعضی از روایات .

[۲۳ - ابن بابویه در جزء اوّل کتاب مدینه العلم حدیثی از امام صادق (ص) پیرامون غسلها روایت نموده ، و غسل استخاره ، و غسل نماز استسقاء و طلب باران و غسل زیارت را در آنجا ذکر کرده است .

۲۴ - و در بعضی از احادیث دیگر نیز آمده که : مولایمان حضرت علی(ع) در شبهای سرد غسل می کردند تا برای نماز شب نشاط پیدا کنند.

و نیز در حدیثی در کتاب مدینه العلم آمده است که : غسل روز برای شب ، و غسل شب برای روز کفایت می کند.

غسل میّت و امور قبل و بعد از آن

مرگ در دیدگاه توده مردم

مرگ ، هول و هراس بیمناک ، و امر عظیم فراگیری است که لذّتها را از بین برده ، و میان دسته ها جدایی انداخته ، و با پراکنده نمودن بر آنها تاخته ، و میان انسان و لذّت پابندی و انس با دوستان و زندگان حایل گشته ، و ریسمانهای آمال و آرزوها را قطع نموده ، و مانع بهره مند شدن انسان از اهل و اموال خویش می گردد.

این است گوشه ای از احوال مرگ نسبت به کسانی که به هول و هراسهای آن ناآگاهند، ولی کسانی که به خطرهای آن آشنا و از رازهایش آگاهی دارند، مرگ میان آنها و آمادگی برای معاد جدایی انداخته ، و از اصلاح اعمال که در دارفنا در انجام آن کوتاهی می کردند جلوگیری نموده ، و غنا و بی نیازی که برایشان ممکن بود، مبدّل به بی نیازی نموده ، و با حالت اسارتِ شرمندگی و خواری آنان را از این جهان به جهان دیگر انتقال می دهد، و با پاسخ منفی ردّ و محرومشان می کند، آنگاه که می گویند:

رَبِّ، ارْجِعُونِ، لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ. (۶۲)

- مرا برگردانید، امیدوارم که درباره آنچه که ترک نمودم ، عمل صالح انجام دهم .

ولی پاسخشان می دهند که :

- هرگز.

در حالی که اگر پیش از آن اعمال صالح و شایسته انجام می دادند، به ایشان گفته می شد:

مَرْحَبًا وَ اَهْلًا.

- خوش آمدید.

و نیز در قبر - که چاله تنهایی و یگانگی است ، و انسان از پاشیده شدن اعضاء [یا: اندرونه ها] و بدنش وحشتناک ، و از پرسش دو فرشته منکر و نکیر بیمها دارد، و خطرهای گناهان کوچک و بزرگ که در گذشته مرتکب شده را به یاد می آورد، و در اولین برخورد با زلزله های تهدید و وعده عذاب الهی مواجه می گردد، و دری به سوی عذاب سخت الهی به روی او گشوده می شود - انداخته می شود.

بنابراین ، چه شبیه است حال مرگ به آنچه که مولای ایمن از خطر مرگ ، یعنی مولایمان حضرت علی(ع) توصیف نموده ، آنجا که می فرماید:

هیچ یقینی که شکّی در آن نباشد ندیده ام که همانند مرگ بسان شکّی گردیده باشد که هیچ یقینی در آن نباشد.

مرگ در دیدگاه اولیاء

اگر از به دراز کشیدن سخن نمی ترسیدم ، در این باره شرح و تفصیل بسیار می دادم . عده ای از دلاوران و بزرگان و افراد بی نظیر را می شناسم که گویی مرگ برگزشتگان آنان سعادت و رحمت ، و بر باقیمانده شان مایه افزونی و نعمت است ، ولذا به سپری شدن ایام دار زوال و نیستی بسیار شائق ، و به راههای اقبال و روی کردن به خدا بسیار آشنا، و به صفات کمال آراسته ، و از بودن در دار دنیا، به خاطر بیم از نقص اعمال و حالاتشان ، خوف و هراس دارند.

جلال و عظمت مولایشان برای آنان آشکار گشته و دانسته اند که او - جلّ جلاله - آنان را می بیند، لذا روح و عقل و قلب و جانشان تنها برای ذات او به او مشغول گردیده ، و نور ذات مقدّس و صفات شریفش بر آنان غلبه کرده ، و با تمام توان در خدمت و بندگی خدا را می کوشند، و بسان کسی که پیوسته در کوتاهی و تضییع اوقات خویش بوده ، گریه و زاری می کنند.

خداوند آنچه را که از حقیقت و کُنّه جلال و عظمت اقبالش اراده فرموده به آنان شناسانده ، و در نتیجه ایشان را به جلال و هیبت و حرمت و مهربانیها و بزرگواریها و نعمت خویش سرگرم ، و از کامیابیهای نفّس بازداشته است ، و برای آنان نه قلب و نه باطن ، و نه زبانی مانده و نه امکان تصرّف در آنچه که آنان را از خدا دور کند: اعضا و جوارحشان به بندهای حضور در خدمت معبود بند شده ، و عقلهایشان به جهت بیم آن وجود و جُود، سرگشته و حیران گشته است . و در نتیجه ، عظمت او - جلّ جلاله - آنان را از خود



فراموش ، و رحمت کامل او - جلّ جلاله - به خودش مشغول نموده است ، زیرا هر کدام از آن دو (عظمت و رحمت ) دل‌های

عارفان را در تحت تصرف خود درآورده ، و عقل‌های اهل مکاشفه را به خود مشغول می کند.

ولیکن اینان کجایند؟ اگر در میان مردم باشند شناخته نمی شوند، و اگر غیبت کنند، کسی سراغشان را نمی گیرد، البته مقصودم این

نیست که نام‌ها و وجودشان ناشناخته است ، بلکه چهره ها و نام‌هایشان شناخته شده است ، ولی اسرار آنان و اسرار مولای آنان در

نزدشان ناشناخته است . و اگر به تو گفته می شود: دیده می شوند، ولی شناخته نمی شوند، تعجب مکن ، زیرا خداوند - جلّ جلاله

- پیرامون سرور آنان و کسی که از لحاظ کمال و جلال و عظمت از همه آنان بزرگتر است ، می فرماید:

و تَرِيَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ، وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ. (۶۴)

- و ای پیامبر می بینی که به تو نگاه می کنند، ولی تو را نمی بینند.

اصلاح اعمال و آمادگی برای مرگ

لذا ما سخن از مرگ و غسل اموات را بر اساس حال غالب مردم که در غفلت هستند به مرتب ذکر می کنیم - هم آنان که مرگ ،

زندگی شان را که در نزد آنان محبوب است به پایان آورده ، و خانه هایی را که با آن انس و الفت گرفته بودند ویران نموده ، و

آرامش و آسودگی شان را مبدل به پریشانی کرده و برمی کند.

بنابراین ، عاقل کسی است که غایت اهتمام و همّت خویش را برای آماده شدن در روزی که قَدَم‌ها در آن می لغزند بکار بندد، و به

اموری که کوتاهی کنندگان بدان سفارش می شوند عمل کند؛ زیرا اگر وی کوتاهی کند، کسانی که او را نسبت به تفریط و کوتاهی

اش سفارش نموده اند، معذور خواهند بود، پس مثال او مانند برده ای است که مولایش اجازه دهد که در محضرش وارد شود، و

هرچه می خواهد، درخواست نماید، تا وی زود آن را اجابت نماید، یا اعمال شایسته انجام دهد تا وی کرامت و بخشش خود را

نسبت به او دوچندان گرداند، آنگاه آن برده شروع کند به پرس و جو کردن از گوشه های مجلس و از بعضی از غلامانی که آنجا

هستند، و نوشته ای درخواست کند که سفارش خود را در آن بنویسد، تا هنگامی که مولایش او را از محضرش که امکان درخواست

و انجام اعمال شایسته بود، بیرون کرد و در را به روی او بست و به ذلت و خواری و پستی گرفتار گردید، آن را به بعضی از

همراهان سلطان که در آنجا هستند برساند. و اتفاقاً سفارشش پیرامون همان اموری باشد که می توانست در حال حضور مولایش

از او بخواهد و او برآورده سازد، آیا کسانی که از حال او آگاهی دارند، او را به بی خردی و نادانی و حماقت نسبت نمی دهند و بر او

عیب نمی گیرند؟!

پس حال کسی که خداوند - جلّ جلاله - در حال زندگانی به او امکان مناجات کردن با خود و انجام عبادات و برآوردن خواسته

هایش را داده ، ولی او کوتاهی و غفلت می کند، و می خواهد هنگامی که مولایش او را از محضر زندگانی بیرون کرد و با ذلت و

خواری در زیر اسارت مرگ بیرون راند و در میان او و پذیرش اعمالش را بست ، وصیت کند، نیز چنین است ، و خردمندان و عاقلان وی را نابخرد و احمق و نادان به شمار درآورده و سرزنش می کنند.

پس وقتی بنده پند و اندرز کسی که او را بر احتیاط کاری تشویق می نماید، نپذیرفت ، و بر غفلت و اصرار در انجام گناهان ادامه داد، باید حداقل اموری را که هنگام جان دادن و نزدیکی مرگ و یقین به جدایی زود انجام داده آنها ممکن است هم اینک در انجام آنها تعجیل کند.

احکام و آداب نوشتن وصیت نامه

اما اموری که وقت برای انجام آن تنگ است ، مانند اصلاح حال خویش ، و یا امور مربوط به تاءمل در امر فرزندان و یا زن یا اموالش که نیاز به صرف وقت است ، باید با نوشتن و حضور شهود وصیت کامل بکند، و وصیت را با مهمترین چیزی که در روز موعود بدان نیازمند است شروع کند و سپس آنچه که در مرحله بعد مهمتر است و همینطور...، پس ابتدا مسأله تجهیز و دفن و کفن و سایر مراسم خاک سپاری و انتقال خویش به سوی خداوند - جلّ جلاله - را کاملاً ذکر می کند. و اگر حالش از انجام این کار تنگ باشد، تا حدّ امکان کوشش خود را می کند.

سپس اگر امکان داشته باشد مظلّم بندگان خدا را ردّ می کند، یا از صاحبان آن به هر صورت که باشد حلالیت می طلبد، یا به برادران دینی اش وصیت می کند که نسبت به حقوق واجب و مستحبّ و ایثار کردن و وجوه خیرات و پرداخت بدهیها و ادای حقوق و انجام واجبات نیز انجام هر عمل واجبی که نیابت بردار است به نیابت از او، به همان ترتیبی که در ردّ مظلّم و اصلاح گناهان ذکر نمودیم (۶۵)، او را بری ء الذمّه نمایند.

و باید در امور افراد تحت تکفل و اموال خود تاءمل کند، و حقیقتاً و در معنی ، خداوند - جلّ جلاله - را مخاطّب ، و او را وصی و وکیل و کارگزار خویش بگیرد، که خداوند برای برآوردن آرزوهای او کفایت می کند، بعد صورتاً و ظاهراً هر کس را که در ایّام زندگی اش به مراقبت و پاییدن خداوند - جلّ جلاله - در گفتار و کردار می شناسد، وصی قرار دهد، و اگر امکان نداشت هرکس را که می شناسد و یا امید دارد که از جوانمردان و صاحب خاندان و ریشه دار باشد، وصی قرار دهد، و اگر آن نیز امکان نداشت اهل ثروت و توانگران و کسانی که با وجود قدرت ، صاحب حیا هستند، وصی قرار دهد، و اگر این نیز امکان نداشت به همان صورتی که گفتیم با تفویض امور خویش به خداوند - جلّ جلاله - و توکل بر او، او را وصی خود قرار دهد، که اگر در تفویض و توکلش صادق باشد، خداوند - جلّ جلاله - به صورتی بهتر و کاملتر از آنچه که امید می داشت کسی را جانشین او در رابطه با عیال و اموالش می گرداند، و اگر حالش در حسن ظنّ داشتن و یقین به خداوند - جلّ جلاله - به این مقام والا نرسد، نزدیکترین کس از کسانی که به پیمانهای خویش وفا می کنند و اهل اهتمام هستند و وی امید دارد که بدان عمل کند، وصی خویش قرار می دهد.

اخلاص در باقی گذاشتن اموال برای وارثان

از صفات عارفان این است که وقتی در نزد آنان اموالی باشد که بعد از ایشان به وارثان می رسد، به دل و عقل رجوع می کنند، اگر دیدند آنچه را که برای وارثان می گذارند برای خدمت و بندگی خداوند - جلّ جلاله - و برای امتثال امر شریف اوست (مانند کمک رسانی به کسانی که باید به آنها رسیدگی شود مثل وارثان و دیگر کسانی که به آنها می شود وصیت کرد) با همین نیت صادق زود به این امر می شتابند، به گونه ای که گویی آنها را در ایام زندگانی فانی خویش در راه خداوند - جلّ جلاله - خرج نموده و در حقیقت چیزی باقی نگذاشته اند، بلکه آن را به عنوان توشه راه با خود برداشته ، و دستاویزی برای رسیدن به پیروزی و کامیابی در خواسته‌هایشان که قرب و نزدیکی به خداوندگار رحیم و مهربان است ، قرار داده اند.

ولی اگر دیدند دل و عقلشان در ترک اموال این گونه اخلاص را ندارد، بلکه تنها به خاطر عادت و از روی طبع ترک می نمایند، تا مردم فرزندان و وارثان ایشان را در ذلتِ احتیاج و بیچارگی نبینند، و کسی به آنان شماتت نکند، یا برای اندیشه هایی غیر این که مقصود از آن عبادت مالک روز معاد نیست ، در این صورت پیش از وفات و بیرون آمدن جانشان خودشان را بر مصرف کردن آن اموال در صدقات و اموری که آنها را به خدا نزدیک می کند و بر تحصیل صفات کمال ، وادار می کنند، و به این بسنده نمی کنند که اموالشان بعد از آنها بدون نیت قربت ضایع شود.

ذکر امور مورد نیاز در حال مرگ و بعد از آن

اینجا، ذکر امور مربوط به اصلاح حال و وصیت درباره وارثان و افراد تحت تکفل به پایان می رسد، باقی می ماند امور مهمّی که بنده هنگام مرگ و بعد از فوت بدان نیاز پیدا می کند. از آن جمله عهد و پیمانی است که میّت بدان نیازمند است ، و ما ابتدا آن را ذکر می کنیم ، زیرا عمل به آن نیاز به زمانی است که شهود را گرد آورد تا برای او شهادت دهند.

در روایتی از امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش آمده که رسول خدا(ص) فرمودند: نیکو وصیت نکردن در هنگام مرگ ، نقص در عقل و کاستی در جوانمردی انسان محسوب می شود.

عرض کردند: ای رسول خدا(ص)، وصیت کردن چگونه است ؟ فرمود: هنگامی که مرگ انسان فرا می رسد و مردم به گرد او جمع می شوند، بگوید:

اَللّهُمَّ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، اِنِّیْ اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِیْ دَارِ الدُّنْيَا اَعْنِیْ اَعْشَهِدْ اَعْنِ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِیکَ لَكَ، وَ اَعْنِ مُحَمَّدًا(ص) عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ، وَ اَعْنِ السَّاعَةَ اَتَتْهُ لَا رَیْبَ فِیْهَا، وَ اَنْتَكَ تَبْعَتْ مَنْ فِی الْقُبُوْرِ، وَ اَعْنِ الْحِسَابَ حَقُّ، وَ اَعْنِ الْجَنَّةَ حَقُّ، وَ مَا وَعَدَ اللّهُ فِیْهَا مِنَ النَّعِیمِ مِنَ الْمَاءِ الْکُوْلِ وَ الْمَشْرَبِ [یا: مِنْ الْمَاکِلِ وَالْمَشَارِبِ] وَ النِّکَاحِ حَقُّ، وَ اَعْنِ النَّارَ حَقُّ، وَ اَعْنِ الْاِیْمَانَ حَقُّ، وَ اَعْنِ الدِّینَ کَمَا وَصَفْتَ، وَ اَعْنِ الْاِسْلَامَ کَمَا شَرَعْتَ، وَ اَعْنِ الْقَوْلَ کَمَا قُلْتَ، وَ اَعْنِ الْقُرْآنَ کَمَا اَنْزَلْتَ، وَ اَنْتَ اَعْتَقَ اللّهُ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ.

وَ إِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا، اَنْتَ رَضِيتُ بِكَ رَبًّا، وَ بِالْاِسْلَامِ دِينًا، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ، نَبِيًّا، وَ بَعَلِيٍّ [وَ اَعْهَدَ عَشَرَ مِنْ اَوْلَادِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ] اِمَامًا، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا [وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً] وَ اَنْ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ - عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - اَعِزَّتِي .  
اَللّٰهُمَّ، اَنْتَ ثَقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي ، وَ رَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، وَ عُدَّتِي فِي الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي ، وَ اَنْتَ وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي ، وَ اِلٰهِي وَ اِلٰهُ اَبَائِي  
ي . صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةً عَيْنٍ اَبَدًا، وَ اَنْسُ فِي قَبْرِی وَحْشَتِي ، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ اَلْقَاكَ  
مَنْشُورًا.

- خداوند، ای پدید آورنده آسمانها و زمین ، ای آگاه به نهان و آشکار، ای خداوند رحمت گستر [برهمگان ] و مهربان [به رحمت ویژه بر مؤمنان ]، من براستی در دار دنیا با تو عهد می بندم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست ، که یگانه ای و شریکی برای تو نیست ، و حضرت محمد(ص ) بنده و فرستاده توست و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست ، و تمام اهل قبور را برمی انگیزانی ، و حساب کشی و بهشت و تمام نعمتهایی که خداوند در آن وعده داده از جمله خوراکی و پوشاک [یا: خوردنی ها و پوشیدنی ها] و ازدواج ، و آتش [جهنم ] حق است ، و بی گمان دین به همان صورتی است که توصیف فرموده ای ، و اسلام به همان صورتی است که تشریع نموده ای ، و گفتار به همان است که فرموده ای ، و قرآن همان گونه است که فرو فرستاده ای ، و تو خداوند حق آشکار هستی .

و همانا من با تو در دار دنیا عهد و پیمان می بندم که به پروردگاری تو و به دین [حق] بودن اسلام ، و به پیامبری حضرت محمد(ص )، و به امامت حضرت علی [و یازده تن از فرزندان و نسل او]، و به کتاب آسمانی بودن قرآن ، [وقبله بودن کعبه ]، و به امامت اهل بیت پیامبرت (علیه و علیهم السّلام ) راضی و خشنودم .

خدایا، تویی تنها مورد اعتماد من در سختی ، و امیدم در هنگام ناراحتی سخت ، و توشه و ذخیره ام در اموری [و مشکلاتی ] که بر من فرو می آید، و تویی سرپرستم در نعمتم ، و معبود من و پدرانم ، بر محمد و آل او درود بفرست ، و هیچگاه مرا به اندازه چشم برهم زدن به خود وامگذار، و در قبرم آنیس و مونس تنهایی من باش ، و روزی که با تو ملاقات می نمایم ، در نزد خود عهد و پیمانی گشوده برای من مقرر بفرما.

این همان عهد و پیمان میّت است که هنگام وصیّت کردن به امور مورد نیازش آن را می گوید. و وصیّت کردن حقّی است بر هر مسلمان .

سپس امام صادق (ع ) فرمود: تصدیق این مطلب ، فرمایش خداوند - تبارک و تعالی - در سوره مریم است آنجا که می فرماید:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ، إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا. (۶۶)

- آنان نمی توانند شفاعت نمایند، مگر کسانی که عهد و پیمانی از نزد خداوند بسیار مهربان گرفته باشند.

و این همان عهد و پیمان است .

و پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود که: آن را به اهل بیت و شیعیانت بیاموز.

بعد امام صادق (ع) فرمود که رسول خدا (ص) فرمودند: آن را جبرئیل (ع) به من تعلیم نمود.

نسخه نوشتاری که در کنار جریده (۶۷)، همراه میّت می گذارند

پیش از نوشتن آن می گویی :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - وَ اَنْ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ اَنْ النَّارَ حَقٌّ، وَ اَنْ السَّاعَةَ اَتَتْهُ لَا رَيْبَ فِيْهَا، وَ اَنْ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان ، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه نیست ، و شریکی برای او وجود ندارد، و

گواهی می دهم که حضرت محمد - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - بنده و فرستاده اوست ، و بهشت و آتش جهنم حق است ، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست ، و خداوند تمام اهل قبور را برمی انگیزاند.

سپس می نویسی :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمَّوْنَ فِي هَذَا الْكِتَابِ اَنْ اَعَاخَهُمْ فِي اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، وَ يَذْكُرُ اسْمَ الرَّجُلِ وَ اسْمَ اَبِيهِ - اَشْهَدُهُمْ وَ اسْتَوْدَعُهُمْ وَ اَقَرَّ عِنْدَهُمْ اَنَّهُ يَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ اَنْ مُحَمَّدًا (ص) عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، وَ اَنَّهُ مُقَرَّبٌ بِجَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ، وَ اَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَ اِمَامُهُ، وَ اَنْ الْاِيْمَةَ مِنْ وَلَدِهِ اِيْمَتُهُ، وَ اَنْ اَعْوَلَهُمُ الْحَسَنُ، وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ، وَ اَنْ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ السَّاعَةَ اَتَتْهُ لَا رَيْبَ فِيْهَا، وَ اَنْ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَ اَنْ مُحَمَّدًا (ص) رَسُوْلُ اللَّهِ [جَاءَ بِالْحَقِّ، وَ اَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُوْلِ اللَّهِ (ص)] وَ مُسْتَخْلَفُهُ فِي اِيْمَتِهِ، مُؤَدِّيًا لِأَمْرِ رَبِّهِ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ اَنْ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُوْلِ اللَّهِ وَ ابْنَيْهَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، اِنَّا رَسُوْلُ اللَّهِ وَ سِبْطَاهُ وَ اِمَامَا الْهُدَى وَ قَائِدَا الرَّحْمَةِ، وَ اَنْ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ حَسَنًا وَ الْحُجَّةَ - اِيْمَتُهُ وَقَادَةُ وَ دُعَاؤُهُ اِلَى اللَّهِ [جَلَّ وَ عَلَا] وَ حُجْبَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان ، شاهدانی که در این نوشته نام برده شده اند گواهی می دهند که برادرشان در راه خداوند -

عزَّوَجَلَّ - فلانی پسر فلانی - و اسم او و نام پدرش را ذکر می کند - آنان را گواه گرفت و به آنان سپرد، و در نزد آنان اقرار نمود

که شهادت می دهد که : معبودی جز خداوند یگانه نیست و شریکی برای او وجود ندارد، و حضرت محمد (ص) بنده و فرستاده

خداست ، و به تمام پیامبران و فرستادگان اقرار می نماید، و اینکه علی و ابی خدا و امام اوست ، و امامانی که از فرزندان علی هستند

امامان او، و نخستین آنان حسن ، [وسپس] حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی، و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و

علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و قائم حجت می باشند، و اینکه بهشت و آتش جهنم حق است ،

و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست ، و خداوند تمام اهل قبور را برمی انگیزاند، و اینکه حضرت محمد(ص) رسول خدا است که [دین و حق آورد و اینکه علی، ولی خدا و خلیفه بلا فصل بعد از رسول خدا (ص)] و جانشین او در میان ائمتش بود، در حالی که دستورات پروردگارش - تبارک و تعالی - را ادا نمود، و اینکه حضرت فاطمه دختر رسول خدا، و پسرانش حسن و حسین ، دو پسر رسول خدا و نوادگان او و امامان هدایتگر، و راهبران رحمت هستند، و حضرت علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت ، امامان و راهبران و دعوت کنندگان به سوی خداوند [جل و علا] و حجت‌های او بر بندگانش می باشند. سپس به شهود خطاب کرده و می گوید: ای فلانی و ای فلانی که در این نوشته نامبرده شده اید، این شهادت را در نزد خود برای ما ثابت نگاه دارید، تا اینکه آن را نزد حوض [کوثر] به من باز دهید.

سپس شهود می گویند: ای فلانی ،

نَسْتَدْعُكَ [الله] وَالشَّهَادَةَ وَالْإِقْرَارَ وَالْإِخَاءَ، وَ مَوْعُودُهُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) ، وَ نَقْرَاءُ عَلَيْكَ السَّلَامَ [و رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ].

- تو و این گواهی و اقرار و برادری [میان یکدیگر] را [به خدا] می سپاریم . و وعده ما در نزد رسول خدا (ص) . و بر تو سلام [و رحمت و برکات الهی ] می فرستیم .

بعد نامه و نوشته را پیچیده و با مهر شهود و میّت مهر کرده و همراه با جریده در سمت راست میّت قرار می دهند.

و البته این نوشتار و نامه با کافور و چوب مخصوص که خوشبو نباشد، نوشته می شود. ان شاء الله . و توفیق تنها از اوست ، و

خداوند بر سرورمان حضرت محمد پیامبر اکرم و خاندان برگزیده و نیکوکارش درود فرستد و [آنان را] سلامت و مصون و محفوظ بدارد.

وظایف دیگران نسبت به محتضر

شایسته است که وقتی مرگ انسان فرا رسید، زیر پاهایش رو به قبله قرار داده شود و یا خودش قرار بدهد، و کسی در نزد او قرآن

بخواند - و دو سوره یس و الصافات بیشتر از همه سوره های قرآن مورد تاءکید است - ، و نیز به ذکر خداوند متعال مشغول گشته ،

و شهادتین و اقرار به یکایک ائمه [(علیهم السلام)] را به ترتیب ، و نیز کلمات فرج را به میّت تلقین کند. و کلمات فرج عبارتند از:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ.

- معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست ، معبودی جز خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست ، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار

آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها و در زیر آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می باشد. و سپاس

خدایی را که پروردگار عالمیان است . و درود و رحمت [ویژه خداوند] بر حضرت محمد و خاندان پاک او باد.

و نیز شخص جنب و زن حیض در نزد محتضر حاضر نشوند.

بعد قطعات کفن و کافور و دیگر چیزهایی را که برای غسل دادن میّت نیاز است ، از پاکیزه ترین و بی شبهه ترین وجهی که مقدور است برداشته می شود. البتّه مستحبّ است که خود انسان در حال حیات خویش آنها را فراهم و آماده کند، تا بعد از وفاتش در تکمیل آن کوتاهی نشود.

## ذکر تفصیلی مطالب گذشته

اینک مطالب گذشته را به صورت مشروح ذکر می کنیم :

گزینش کفن نیکو و گرانبها برای میّت

مستحبّ است که کفن از پارچه سفید و گران قیمت و زیبا باشد، زیرا در روایت آمده که : ۱ - مردم در روز تغابن (۶۸) به کفنهاشان افتخار نموده و می بالند.

۲ - و نیز امام صادق (ع) فرمود: در انتخاب کفنه‌های نیکو برای خود بسیار بکوشید، زیرا در روز قیامت با آنها برانگیخته می شوید.

۳ - از طریق اهل تسنّن آمده که رسول خدا(ص) فرمود: بهترین جامه های شما، جامه سفید است ، پس خوبان و برگزیدگانتان آن را بپوشد، و مردگانتان را در آن کفن نمایید، که آن از بهترین جامه های شماست .

براین پایه ، این مطلب از طریق فریقین (شیعه و سنی) روایت شده است .

۴ - امام صادق (ع) فرمود: کفنه‌های مرگانتان را از جنس خوب برگزینید، که آنها زینت و آرایش مردگانتان می باشد.

۵ - امام صادق (ع) فرمود: پدر بزرگوارم (ع) هنگام مرگ به من وصیّت نمود و فرمود: ای جعفر، مرا در جامه ای که چنین و چنان باشد و کفنی که این خصوصیات را داشته باشد کفن کن ، زیرا مردگان در روز قیامت به کفن هایشان مباحات می کنند. (دنباله روایت ملاحظه شود)

بنابراین ، اگر نبود جز اینکه کفن ، لباسی است که بنده به امید سلامتی دنیا و سعادت‌مندی در آخرت ، با به تن کردن آن در محضر

مولایش حاضر می شود، و هر بنده ای هنگام شرفیاب شدن به حضور آقایش خود را آراسته می کند، سزاوار بود که انسان نیز خود

را برای حضور در محضر آقایی که امیدوار است او را از تمام مهالک نجات بخشد، بیآراید. و حال آنکه کفن عزیزترین و [یا: با

جلالت ترین] و لذّت بخش ترین و گرانبهاترین [یا: و والاترین] و برترین و فرازنده ترین جامه است .

استحباب تهیّه کفن از لباس احرام

مستحبّ است کفن از جامه ای باشد که انسان در آن برای حجّ احرام بسته ، زیرا در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: پیامبر

اکرم (ص) در دو پارچه یمّنی ، یعنی ، یک عبّری ، و یک ظفّاری (۶۹) احرام بستند، و ایشان را در همان دو کفن کردند.

من نیز با به تن کردن دو حوله از جنس پنبه سفید احرام نموده ، و در موقف عرفات وقوف نمودم ، که آن روز جمعه بود، و این وقوف از هنگام وقوف در عرفات ، بعد از نماز ظهر و عصر تا بعد از غروب آفتاب ، بر اساس آنچه که جُود خداوند مالک و مهربان به ما آگاهانید همراه با مناجات برای ما مهیا و فراهم بود، پس وقتی در آن حجّ به جا آورده و به پایان بردم ، به منظور ایجاد رابطه (همچون رابطه حسبی و سببی ) و توسّل جستن به رحمت خداوند مالک و مهربانتر و گرمی تر، آن دو را بر کعبه شریفه و ارکان بلند مرتبه و استوار آن و بر حجر الاسود مکرم گستردانیده و پهن کردم .

سپس وقتی به مدینه النبیّ (ص ) رسیدم ، باز به منظور ایجاد رابطه (حسبی و سببی ) و توسّل جستن به شفاعت آن مولی و جدّم که بر تمام پیامبران مقدّم است و نیز برای آنکه به واسطه آن بزرگوار و از خود آن بزرگوار به منتهای آرزوی خویش نایل گردم ، باز پشت و روی آن دو را بر حجره مبارک محمدی (ص ) پهن کردم ، سپس به سوی ائمه اطهار(علیهم السلام ) که در بقیع مدفونند رهسپار شدم ، و باز به منظور ایجاد رابطه و توسّل جهت سلامتی از روز بیمناک و رسوا کننده قیامت چنین کردم .

و وقتی که به مشهد مولای مان امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب (ع ) رسیدم ، بار دیگر آن را به منظور ایجاد رابطه (همچون رابطه حسبی و سببی ) و برای اینکه به نهایت امید خود از آن بزرگوار نایل گردم ، پشت و روی آن دو را بر ضریح و قبر آن پدر نیکوکارم ، که سیّد و سرور اوصیاء است ، پهن کردم . سپس در ایّام مصاحبت و زندگی در کربلای معلّی آن دو را به مشهد مولایمان امام حسین (ع ) بردم و باز به منظور ایجاد رابطه و توسّل به حضرتش جهت رسیدن به آرزویم پشت و روی آنها را بر ضریح و قبر آن بزرگوار پهن کردم ، سپس در ضریح و قبر مبارک مولایمان امام کاظم ، و مولایمان امام جواد، و در ضریح مولایمان امام هادی ، و مولایمان امام حسن عسگری ، و در محلّ غیبت مولایمان امام مهدی - صلوات الله جلّ جلاله علیهم اجمعین - نیز باز به منظور ایجاد رابطه و توسّل جستن به شفاعت آن بزرگواران و خرسندی خداوندگار در روز جزا، چنین کردم .

بعد آن را به اندازه قطعه های کفن بریده و آماده نمودم ، و هم اکنون نیز در نزد من است ، و بسیار به آن علاقه مند و امیدوارم که با آن به محضر مولای بردبار مهربان نیکوکارم شرفیاب ، و در دار رضوان و وارد شوم ، تا اینکه خداوند - جلّ جلاله - خلعتهایی از محبّت و قرب و پذیرایی اش را به صورتی که رحمت و جُود او اقتضا دارد به این بنده اش عطا فرماید، و به آنچه که هنگام وارد شدن و نیل به درگاه او مورد نظر و رضای اوست ، مشرف گرداند. ان شاءالله .

آماده کردن کفن و نگاه کردن به آن

گفته نشود که : آماده کردن کفن پیش از مرگ ، از ائمه - علیهم افضل الصّلاه و السّلام - روایت نشده است .

زیرا این مطلب در روایات موجود است ، چنانکه مستحبّ است انسان علاوه بر مهیا کردن کفن پیش از مرگش ، در حال زندگانی خویش گاه گاهی به آن نگاه کند.



من نیز گاه گاهی کفن خویش را بیرون می آورم و نیک بدان می نگرم ، به گونه ای که گویی می بینم : مرا در آن پیچیده و در پیشگاه حضرت حق قرار دارم و بر خداوند - جلّ جلاله - عرضه نموده اند.

۱ - در کتاب الملحق بتاريخ الطبری تألیف احمد بن کامل بن شجره ، در ضمن حوادث سال ۳۱۰ هجری قمری آمده است : هنگام غروب آفتاب روز یکشنبه ، دو روز مانده از شوال ، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری فقیه وفات نمود، و ظهر روز دوشنبه فردای آن روز در خانه اش واقع در رَحْبَه یعقوب (۷۰) ماند، و در سه جامه حَبْرَه (۷۱) که خود وی آنها را در حال حیاتش تهیه ، و از جنس خوبی برگزیده بود، کفن و در آنها به خوبی پیچیده شد. و سپس به جهت علائم و نشانه های مخصوص کفن وی ، بسیار او را ستوده است .

۲ - در جزء دوم کتاب المعجم الکبیر طبرانی ، در مسند حُذیفَه بن یمان دیدم که : حُذیفه کسی را فرستاد تا کفنی برای او بخرد، وی کفنی به قیمت سیصد درهم برای او خرید. حُذیفه گفت : من این را نمی خواهم ، بلکه برای من دو ریطه (۷۲) سفید خشن بخريد، و این مطلب را به چندین طریق مبسوطتر از این نیز نقل کرده است .(۷۳)

۳ - و نیز در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس کفنش را در خانه اش داشته باشد، از غافلان نوشته نمی شود؛ و هرگاه که بدان نگاه کند ماءجور خواهد بود.

در حدیثی آمده که مولایمان موسی بن جعفر (علیهما السلام) پیش از وفاتش - فرمود: ما اهل بیتی هستیم که مهریه های زنان و هزینه حجّ کسی که از ما حجّ بجا نیاورده ، و کفنه های مردگانمان از اموال پاکیزه و بی شبهه می باشد، و کفن من نیز در نزد من است .

و روشن است که مولایمان موسی بن جعفر - صلوات الله علیه - بر اساس روایت که بدان اشاره شد، الگوی ما در آماده کردن کفن است .

۴ - همچنین در کتاب دلائل الاثمه صلوات الله علیهم اخبار و روایات بسیار پیرامون اینکه آن بزرگواران کفن گروهی از شیعیانشان را پیش از مرگشان تهیه نموده و برای آنان فرستاده اند، نقل شده است .

احکام و آداب

۱ - کفن واجب ، بر اساس آنچه که از ظاهر مذهب اهل بیت - علیهم الصّلاه والسلام - استفاده می شود سه قطعه است :  
الف - لنگ کاملی که به کمر میّت بسته می شود.

ب - پیراهن کامل .

ج - سرتاسری که تمام بدن را فرا گرفته و بپوشاند.

۲ - مستحبّ است که یک حبره و بُردِ یمنی سرخ یا سفید، و سرتاسری دیگر؛ و نیز پارچه ای که بتوان دو رانِ میّت را به هم بست ، و بر کمر میّت پیچید، به آنها افزوده شود

۳ - مستحبّ است جهت احتیاط بیشتر در آمادگی و سعادت‌مندی میّت در پیشگاه الهی ، عمامه ای بدان اضافه شود.

۴ - مقدار ۱۳۱۳ درهم (۷۴) کافوری که آتش بدان نخورده باشد تهیّه می شود، که قسمتی از این کافور را برای غسل دوّم از غسل‌های سه گانه میّت ، و قسمتی را بعد از انجام غسل‌های سه گانه بر سجده گاه‌های میّت می گذارند.

در روایت آمده که : علّت استحباب و افضلیّت ۱۳۱۳ درهم بودن کافور، به خاطر روایتی است که می فرماید: خداوند - جلّ جلاله - چهل درهم کافور هنگام وفات پیامبر اکرم (ص) به وی هدیه نمود، و حضرت آن را میان خود و مولایمان حضرت علیّ و فاطمه (علیهما السلام) تقسیم نمود. و در نتیجه سهم هر کدام از آن بزرگواران برای مصرف در غسل و حنوط هنگام وفات، ۱۳۱۳ درهم گردید.

البته کافور به مقدار کمتر از این نیز، کفایت می کند.

۵ - مستحبّ است بر تمام قطعه های کفن نوشته می شود که :

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ يَشْهَدُ اَنَّ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ (ص)، وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ اِئْتَمَنْتُ، اِئْتَمَّهُ هُدًى اَبْرَارًا.

- فلانی پسر فلانی [به جای این دو کلمه ، نام میّت و اسم پدر او نوشته می شود] گواهی می دهد که معبودی جز خدا نیست ، و حضرت محمد رسول خدا(ص)، و علیّ امیرالمؤمنین و حسن و حسین و علیّ و محمد و جعفر و موسی و علیّ و محمد و علیّ و حسن و حضرت حجّت مهدی (علیهم السلام) امامان او، پیشوایان هدایت گر و نیک و برگزیده اند.(۷۵)

احکام و آداب

۱ - وقتی بنده کفن خویش را مهیّا نمود، شایسته است که قبری را که در آن دفن می شود نیز آماده نماید، و این کار از امور مهمّ می باشد، زیرا مشاهده می شد کسانی که عهده دار تشییع میّت به سوی قبر هستند یا غمزده و مشغول به حزن و اندوه هستند، و یا اجیر و مزدگیرند که تظاهر و تکلف نموده و به جای اشتغال به احتیاط در تجهیز و اصلاح امور میّت ، سرگرم توجّه زندگان به خود می شوند.

و گروهی از افراد معتبر بدان عمل نموده اند. و در روایت نیز آمده ، و خود در روایات (چنانکه ذکرش خواهد آمد) دیده ام که :

اباجعفر محمد بن سعید عثمان بن سعید عمری در حال حیات خویش قبر خود را درست نمود.

۲ - سزاوار است که قبر به اندازه تمام قدّ انسان و یا تا استخوان میان شانه و گلوی انسان باشد، و در سمت قبله آن لحدّ و جایی به اندازه نشستن انسان باشد؛ زیرا قبر منزل خلوت و تنهایی است، و بر حسب عمل به اوامر خداوند - جلّ جلاله - که موجب قرب و نزدیکی به خشنودیهای الهی می شود، وسعت پیدا می کند.

من نیز به جوار جدّ و مولایم علیّ بن ابی طالب (ع) شرفیاب شدم و به کسی دستور دادم که قبری را که خود در آن مکان شریف برگزیده بودم، بکند، در حالی که مقصودم از این کار آن بود که به عنوان مهمان و پناهنده و وارد بر آن بزرگوار شده، و از او درخواست و آرزو نموده، و به تمام آنچه که خلائق بدان توسّل می نمایند، توسّل بجویم. و آن را در زیر پاهای پدر و مادرم - رضوان الله جلّ جلاله علیهما - قرار دادم، زیرا دیدم که خداوند - جلّ جلاله - به من امر فرموده که نسبت به آن دو تواضع و فروتنی داشته باشم، و سفارش فرموده که به ایشان نیکی و احسان نمایم، لذا خواستم تا زمانی که در قبر هستم، سرم در زیر پاهای آن دو باشد.

گفته نشود که: مگر کسی از عارفان پیش از مرگ، قبر خویش را آماده نموده است؟ زیرا این مطلب در بسیاری از روایات آمده است، از آن جمله:

۱ - جدّ نیکبختم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - و غیر ایشان در کتاب الغیبه روایت نموده که ابوالحسن علیّ بن احمد دلّال قمی می گوید: که بر ابی جعفر محمد بن عثمان، یعنی وکیل مولایمان حضرت مهدی (ع) وارد شدم تا بر او سلام کنم، دیدم که در پیش روی او چوب ساجه (۷۶) و پارچه کفنی قرار دارد که آیه هایی از قرآن و نامه های ائمه (علیهم السلام) را بر کناره های آن می نویسد. پرسیدم: ای سرور من، این چوب چیست؟ فرمود: این برای قبر من است، و مرا در قبر بر روی آن می گذارند، (یا فرمود: مرا به آن تکیه می دهند.) و من اینک نوشتن آن را به پایان بردم، هر روز به داخل قبر می روم و بخشهایی از قرآن را در آنجا قرائت می کنم و بیرون می آیم. [راوی می گوید:] و گمان می کنم که ابوالحسن علیّ بن احمد دلّال قمی گفت: وکیل حضرت (ع) دست مرا گرفت و آن قبر را به من نشان داد و گفت: هنگامی که فلان روز از فلان ماه از فلان سال شد، من به سوی خداوند متعال رحلت می کنم، و در آنجا دفن می شوم. و این چوب در آنجا خواهد بود.

وقتی از نزد وی بیرون آمدم، مطلبی را که ذکر فرموده بود ثبت نمودم، و همواره چشم به راه آن بودم، چیزی نگذشت تا اینکه ابوجعفر بیمار شد و درست در همان روز و ماه و سالی که ذکر نموده بود رحلت کرده و در همانجا به خاک سپرده شد. (۷۷)

۲ - در جزء چهارم کتاب استیعاب آدمم که سفیان بن حرث بن عبدالمطلب سه روز پیش از مرگش قبر خویش را کند، و وی برادر رضاعی رسول خدا(ص) بود.

۳ - در جزء هفتم کتاب طبقات آمده که ابوسفیان بن حرث بن عبدالمطلب در حال حیات خویش قبری برای خود کند. (۷۸)

گذاشتن نگین انگشتر عقیق در دهان میت

همچنین جَدَم وَرَام بن ابی فراس - قَدَسَ اللّهُ روحه - کسی که به کار او اقتدا می شود - وصیّت نموده بود که بعد از وفاتش نگین انگشتر عقیقی را که نامهای ائمه - صلوات اللّهُ علیهم - بر آن حک شده باشد، در دهانش بگذارند. لذا من نیز روی نگین عقیقی نگاشتم :

اللّهُ رَبِّی ، وَ مُحَمَّدٌ نَبِیِّی ، وَعَلِیُّ اِمَامِی و پس از نوشتن نام ائمه (علیهم السلام ) تا آخر، نوشتم : اءِئْتَمَّتْی وَ وَسیلَتی وَ وصیّت نمودم که آن را بعد از مرگ در دهانم بگذارند، تا هنگام سوّ ال قبر، پاسخ دو فرشته ای که در قبر از انسان سوّ ال می کنند گردد. ان شاء اللّهُ .

و در کتاب ربیعُ الابرار زمخشری در باب اللباس والحدی دیدم که از بعضی نقل کرده که وی کلمه شهادت اءَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّهُ را بر نگینی نوشته و وصیّت کرده بود که بعد از مرگ در دهانش بگذارند.(۷۹)

لزوم شادمان بودن نسبت به ملاقات با پروردگار در حال مرگ

هنگامی که انسان تمام امور مهمّ مربوط به خود را مهیّا نموده و از چیزهایی که به مصلحت حال حیات و بعد از مرگش می باشد آسوده گردید، و فرستاده پروردگار عالمیان و فرشته مرگ برای انتقال دادن او از دنیا حاضر شد، شایسته است که خوشحال بوده و نسبت به این حالت شادمان باشد؛ زیرا هرکس ملاقات با خداوند را دوست بدارد، خدا نیز ملاقات با او را دوست خواهد داشت ، و هرکس ملاقات با خدا را امر ناپسندی بداند، خداوند نیز از ملاقات با او بدش می آید.

بنابراین ، انسان نباید گول سخن کسانی را بخورد که می گویند: ما از مرگ بدمان می آید، به خاطر اینکه اگر در دنیا باقی بمانیم ، اعمال شایسته بیشتری انجام خواهیم داد.

زیرا اگر مقصودمان از کراهت داشتن از مرگ و انتقال به عالم آخرت این باشد، خود همین شادمانی از ملاقات خداوند از صالح ترین و پسندیده ترین اعمال می باشد. و خرد عقل حکم می کند که امر خداوند - جَلّ جلاله - را که بر زبان فرشته مرگ جاری می شود آن امثال نموده ، و آن را با پذیرش دریافت کنیم ، و با خداوند - جَلّ جلاله - ستیزه ننموده ، و تدبیر و گزینش خویش را بهتر از تدبیر او نبینیم ؛ زیرا بنده نباید در هیچ امری - چه خُرد و چه کلان - با مولای خود معارضه و ستیزه نماید.

و نیز هرگز فریفته سخن کسانی مشو که می گویند: ما از آن جهت از مرگ بدمان می آید، که مرتکب گناهان شده ایم ، و دوست داریم که بمانیم و پیش از مرگ آنها را اصلاح کنیم .

زیرا این سخن از فریبهای شیطانی است ، و گرنه ای کسی که در وقت امکان و توان اصلاح اعمال را از مرگ بدت می آید، هم اینک هر چه در توان داری و از آن عاجز نیستی اصلاح نما، که خداوند - جَلّ جلاله - عذر تو را پذیرفته و توبه ات را مورد قبول قرار می دهد، و با کراهت داشتن از پذیرش انتقال به آخرت ، میان مخالفت نمودن اوّل و آخر با او - جَلّ جلاله - جمع مکن .

و همچنین مبدا گفتار کسانی تو را بفریبد که می گویند: ما آخرت خود را ویران کرده و دنیا را آباد نموده ایم ، لذا بدمان می آید که از آبادانی به ویرانه منتقل شویم .

زیرا اینها همه از اشتباهاتی است که برای عاقلان پیش می آید، وگرنه ، ای کسی که نسبت به مرگ ناخشنودی ، هم اینک توان آن را داری که با توبه کردن و پشیمانی از اعمال بد خویش از خطر روز قیامت سالم مانده ، و جایگاه اقامت را آباد کنی . و مبدا از غافلان پیروی نمایی ، زیرا سرور فرستادگان ( ص ) بر ادّعیای یهود خرده گرفته و به آنان خطاب فرموده است که :

فَتَمْنُوا الْمَوْتَ، إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. (۸۰)

- پس اگر راست می گوئید، مرگ را آرزو کنید.

شما نیز ای مسلمانان غافل ، اگر از مرگ بدتان می آید، سوّال رسول گرامی - صلوات الله علیه و آله - به شما برگشته ، و مغلوب احتجاجی که بر دشمنان دین نموده ، می باشید.

اعمال وقت احتضار

اینک اموری که سزاوار است در حال احتضار بدان عمل شود، ذکر می کنیم :

۱ - واجب است - به کیفیتِ که گذشت - میّت رو به قبله شود، و شاید مقصود از آن این باشد که : خداوند، همه درها را ترک نموده و با حالت ذلّت بندگی و دلشکستگی از اسباب دنیوی دل بریده ، و تنها به سوی تو متوجّه شده ام .

۲ - مستحبّ است زود دستهای میّت را از سمت راست و چپ دراز نموده و دو طرف بدنش کشیده شود. شاید معنای آن این باشد که پروردگارا، من تسلیم توام و خویشتن را با دست و وجود خود در پیشگاه تو انداختم .

۳ - مستحبّ است در نزد او قرآن خوانده شود، و دو سوره یّس و صافات فضیلت بیشتری از دیگر سوره ها دارند.

۴ - چنانکه پیش از این ذکر کردیم مستحبّ است در نزد محتضر کلمات فرج گفته شود، و کم عبارتند از:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ [الطَّاهِرِينَ].

- معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست ، معبودی جز خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست ، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها و در زیر آنها وجود دارد و پروردگار عرش بزرگ می باشد. و سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است . و درود و رحمت [ویژه خداوند] بر حضرت محمد و خاندان پاک [و پاکیزه ] او باد.

۵ - از امور مهمّ در این هنگام آن است که شهادت بر یگانگی خداوند - جلّ جلاله - و رسالت حضرت محمد(ص) و امامت و سروری ائمه (علیهم السلام) اهل بیت معصوم او را که محتضر بدان اقرار می نمود، به یادش آورده و به او تلقین کنند.

۶ - بهتر است کسی که در حضور محتضر است بکوشد که دنیا را در نزد او کوچک جلوه داده ، و از دار فنا متنفر و بیزارش نموده ، و آرزو و امیدش را به رحمت خداوند - جلّ جلاله - بیشتر و بدان متمایل کند، و گمانش را به خداوند - جلّ جلاله - نیکو، و او را مشتاق ملاقات با او گرداند، تا محتضر در این حالت به جای اشتغال به خداوند - جلّ جلاله - به دار فنا و نیستی مشغول نشده ، و روحش با حالت لغزش و کوتاهی و سوء تدبیر و با حالتی که تمام عذرهای [یا: تدبیرهای خود] را پایان یافته می بیند از دنیا خارج نشود.

۷ - هنگام سكرات و بی هوشیهای مرگ ، سخن گفتن و هر امر دیگری که موجب می شود میّت به آن مشغول می گردد کم کنند.

۸ - اگر شخص عارفی نزد مختصر است حاضر است بکوشد که دل و عقل در تمام حرکات و سکنات ، به خداوند - جلّ جلاله - توجه داشته باشد.

احکام مربوط به لحظات بعد از مرگ

و هنگامی که میّت به وعده خویش وفا نموده و به ملاقات پروردگارش - جلّ جلاله و تقدّس کماله - نایل گردید،

۱ - اگر دهانش بسته نبود با پارچه ای آن را از زیر چانه به سرش می بندند، برای اینکه هنگام غسل دادن باز نباشد، و دیگر اینکه : این کار تعظیم میّت مؤمن است ، و اکرام و میّت به هر طریق ممکن از جمله توفیقات الهی به بنده می باشد.

۲ - اگر چشمانش باز بود آنها را ببندند.

۳ - اگر دستها و زانوهایش دراز کشیده نبود، آنها را دراز می کنند.

۴ - روی میّت را پوشانده و از سر و صورت او محافظت کنند.

۵ - در انتقال دادن او به سوی مولایش تعجیل می کنند.

۶ - شخص صالح و عارف و مورد اطمینان و خدا ترسی را برای غسل دادنش برگزینند.

۷ - به اندازه ای که برای غسل دادن او کفایت کند، آب آماده کنند.

چگونگی غسل دادن مردگان

۱ - اگر میّت در همانجایی که فوت نموده غسل داده شود، که هیچ ، و گر نه به آرامی و با احترام او را به جایگاه غسل دادنش انتقال دهند.

۲ - چاله مخصوصی برای اینکه آب غسل در آن جاری شود مهیا کنند، زیرا مکروه است که آب غسل به چاه آشغال یا چاه توالت جاری شود، لذا حدّ و مرزی که صاحب شریعت ، و تدبیری که خداوند مالک لطیف مقرر فرموده رعایت شود.

۳ - لباس میّت را با مهربانی و نهایت احترام و با احساس اینکه این کار زینت میّت است از بدنش درآورند، و اگر ممکن نبود، به آرامی و بدون عجله بشکافند؛ که خداوند - جلّ جلاله - خود نگاهبان و وکیل میّت است و بر این حالت آگاهی و اشراف دارد.

۴ - پیش از اینکه عورتش نمایان شود آن را بپوشانند، و تا حاضران نیز از این مصیبت که غیر قابل توصیف است، عبرت گیرند.

۵ - غسل دهنده در سمت راست میّت ایستاده و در دل نیّت کند که این میّت را به صورت واجب و برای خدا - جلّ جلاله - غسل می دهم .

۶ - در حال غسل دادن میّت اَلْعَفُوْ، اَلْعَفُوْ گفته و بر او ترخّم نماید، و در انجام هر امری که به حال میّت سودمند است کوشش کند.

زیرا در روایتی آمده که امام صادق - صلوات الله علیه - فرمود: هر مؤمنی که ، میّت مؤمنی را غسل داده و هنگام غسل دادن او بگوید:

رَبِّ، عَفُوْكَ، عَفُوْكَ: (پروردگارا، عفو تو، عفو تو را تقاضا می کنم .)،  
خداوند او را عفو می فرماید.

و نیز در حدیثی آمده که امام باقر (ع) فرمود: هر مؤمنی مؤمنی را غسل داده و هنگام برگرداندن میّت از سویی به سوی دیگر بگوید:

اَللّهُمَّ، هَذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ، وَ قَدْ اَخْرَجْتَ رُوْحَهُ مِنْهُ، وَ فَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا، فَعَفُوْكَ عَفُوْكَ: (خداوندا، این بدن بنده مؤمن توست که روحش از آن بیرون آورده ، و میان آن دو جدایی افکندی ، پس عفو تو، عفو تو را برای او تقاضا داریم .)، خداوند، گناهان یک سال او بجز گناهان کبیره - را می آمرزد.

۷ - پیش از غسل دادن ابتدا سه بار دستهای میّت را می شویند.

۸ - به آرامی بر شکم میّت دست بکشد.

۹ - مخرج غایط او را سه بار با اُشنان (۸۱) ساییده شتشو دهند.

۱۰ - به آرامی و وقار و با توجه به خداوندی که از باطن انسانها آگاه و مطلع است ، سر میّت تا بیخ گردن او را سه بار با آب مخلوط به سدر غسل دهند، سپس باز سه بار سمت راست بدن وی را از بالای شانه تا پایین پا با آب سدر غسل دهند، سپس به آرامی و ملاطفت و مهربانی و عنایت و عطوفت بر نیّت ، او را بر سمت راست بدنش برگردانده و سمت چپ بدن وی را سه مرتبه به همین صورت از بالای شانه تا پایین پا با آب سدر غسل دهند.

۱۱ - در تمام این حرکتها باید عورت میّت پوشیده باشد.

۱۲ - هنگامی که غسل با آب سدر را به پایان رسید، چشم از عورت میّت برگردانده و پارچه ای را که هنگام غسل دادن بر روی میّت گذاشته بود برداشته و شستشو دهند، و نیز قسمتی از بدن میّت را که زیر پارچه بود، تطهیر نموده و باز همان پارچه و یا پارچه پاکیزه دیگری را به جای آن بگذارند.

۱۳ - میّت را به صورتی که یادآور شدیم، با احترام و تعظیم بر پشت برگردانده و دست بر شکمش کشیده و سر و سمت راست و چپ بدن او را به همان ترتیب که شرح دادیم با آب مخلوط به کافور غسل دهند. و در برگرداندن میّت از طرفی به طرف دیگر و ترتیب غسل به کیفیتی که توضیح دادیم عمل نمایند.

۱۴ - بار آخر، میّت را با آب خالص - که با سدر و کافور مخلوط نباشد و چیز دیگری بدان اضافه نشده باشد - غسل دهند، و چنانکه یادآور شدیم ابتدا سر و بعد سمت راست و بعد سمت چپ را به کیفیتی که توضیح دادیم، غسل دهند.

۱۵ - اگر غسل دهنده عیبی در بدن میّت باید دید کتمان نماید، زیرا در حدیث آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس، مؤمن میّتی را غسل دهد و امانت را درباره وی ادا نماید، آمرزیده می شود. عرض شد: چگونه امانت را درباره وی ادا نماید؟ فرمود: هر عیبی از میّت دید به دیگری خبر ندهد.

و هرگاه از تمام اموری که یادآور شدیم، فراغت پیدا کردند، شروع کنند شروع به کفن کردن میّت.

### چگونگی کفن کردن میّت

۱ - ابتدا دو چوب تر و سبز را - که مقدارش به اندازه استخوان بازو باشد - آماده می نمایند. و بهتر است که آن دو از چوب سبز درخت خرما باشد. (۸۲) و عباراتی را که بر قطعه های کفن نوشته می شود بر آن دو می نویسند؛ (۸۳) زیرا این دو چوب تا زمانی که تر هستند موجب می شوند که میّت از عذاب قبر مصون و محفوظ بماند، و مستحبّ هستند.

۲ - تابوت یا هر چیز دیگر را که قرار است به حسب نیاز، میّت را روی آن گذاشته و حمل نمایند، آماده می کنند.

۳ - سپس شروع به کفن کردن نموده و پارچه ای را که خامسه (۸۴) نامیده می شود، باز نموده و مقداری پنبه در آن گذاشته، و مقداری ذریره که به نام قمحه معروف است (۸۵)، بر آن پاشیده و با آن عورت (جلو و عقب) میّت را پوشانده و رانهای میّت را محکم می بندند. البته همه این امور را با احترام و مهربانی بر میّت انجام می دهند.

۴ - وقتی از پیچیدن خامسه فراغت پیدا کردند، بر سجده گاههای هفتگانه (۸۶) میّت کافور می گذارند، و باقیمانده کافور را بر سینه اش قرار می دهند. و باید در تعظیم و اصلاح امر میّت، تقوای خدا - جلّ جلاله - را مراعات کنند.

۵ - سپس لنگ را از ناف تا هر جایی که عرض آن برسد، به کمر میّت می بندند.

۶ - پیراهن را به او می پوشانند، و باید که پیراهن از پشت و جلو دراز باشد به اندازه ای که از گامهای میّت زیاده بیاید.



۷ - چوب ترِ راست را در سمت راست بدن میّت بین پیراهن و بدن ، متصل به پوست بدن میّت ، و چوب دیگر را در سمت چپ بدن او، ما بین پیراهن و سرتاسری قرار می دهند.

۸ - سپس در داخل دهان و گوشهای میّت پنبه و یا هرچه که نیاز باشد می گذارند.

۹ - عمامه بر سر او می بندند، و برای عمامه خَنک قرار می دهند، به این صورت که : مقداری از گوشه عمامه را بر سینه میّت

گذارده و بعد عمامه را بر سرش می بندند، و در آخر نیز مقداری از گوشه دیگر عمامه را بر سینه میّت قرار می دهند.

۱۰ - حبره و بُردِ یَمَنی (۸۷) و یا هر پارچه دیگر به جای آن را باز نموده و بعد سرتاسری را باز کرده و پنبه بر آن قرار می دهند، و

به طور کامل ذریره بر آن می پاشند، و سپس با مهربانی بر میّت ، او را در سرتاسری و حبره به آرامی می پیچند. و دوسر آن را از

طرف سر میّت و از سمت پاهایش می بندند.

۱۱ - میّت را در تابوت یا چیز دیگری که بتوان میّت را روی آن حمل نمود، گذاشته و به سوی جایگاهی که نماز میّت می خوانند

انتقال می دهند.

۱۲ - برترین تشییع کنندگان کسی است که در پشت سر و در دو سوی تابوت باشد نه جلوی آن ؛ زیرا تشییع کننده ، تابع و پیرو

است و لذا صلاح نیست که در پیشاپیش میّت قرار بگیرد.

۱۳ - مستحبّ است که تشییع کنندگان جنازه را تربیع کنند، به این ترتیب که : ابتدا سمت راست جنازه ، و بعد پای راست ، و

سپس پای چپ ، و بعد شانه چپ را گرفته و بدین ترتیب در پشت و دو سوی جنازه دور زده و او را از هر چهار سو

کیفیّت نماز میّت

روش گروهی از اصحاب و نویسندگان ما امامیه در فقه این است که بحث این نماز را به تاءخیر انداخته و در کتاب الصّلاة می

آورند، ولی به نظر من ذکر آن در اینجا نزدیکتر به صواب است ، زیرا نماز میّت مانند نمازهای دیگر نیست ، نه طهارت در آن واجب

است و نه قرائت و نه شرطهای دیگر نماز که مناجات با پروردگار است . و دیگر اینکه : دوست دارم که اگر کسی به این کتاب

دسترسی پیدا کرد و نظرش به آن افتاد، بحث نماز میّت را در این باب باز جوید، و نیازی نداشته باشد که آن را از جای دور دست

جستجو کند، لذا شاید درست تر آن باشد که این بحث در همینجا مطرح شود، اینک احکام نماز میّت :

۱ - نماز میّت واجب کفایی است ، یعنی اگر برخی از مکلفین که این نماز بر آنان واجب است ، آن را انجام دادند، از دیگران ساقط

می گردد.

۲ - نماز میّت بر هر میّت مؤمن و شیعه و هرکس که به حکم مؤمن است و شش سال سنّ دارد واجب است ، و مقدّم از همه

مکلفین در انجام این نماز، فرد مذکّری است که نسبت به میراث و اموال باقی مانده از میّت از همه مقدّم تر باشد. البتّه شوهر در

نماز خواندن بر همسرش حتّی از ولیّ زن نیز مقدّم تر است .

۳ - در هر وقت از شبانه روز می شود بر میّت نماز خواند، مگر اینکه وقت یکی از نمازهای واجب یا واجب دیگری که وقتش تنگ شده باشد، در این صورت ابتدا آن واجب را انجام می دهند. البته اگر بیم فاسد شدن بدن میّت در میان نباشد، وگرنه در این صورت باید ابتدا نماز میّت خوانده شود و بر سایر حالات مقدّم است [مگر اینکه وقت نماز واجب تنگ شده باشد که در این صورت آنچه که مهمّتر است انجام می شود.(۸۸)]

۴ - طهارت نمودن (۸۹) برای نماز میّت واجب نیست ، ولی اکمل و بهتر است .

۵ - آخرین صف در نماز جماعت بر میّت افضل و بهتر از همه صفوف می باشد.

کیفیت انجام نماز میّت

۱ - هنگامی که میّت جهت نماز گزاردن بر زمین گذاشته شد، باید سرش در طرف راست کسی که می خواهد بر او نماز بخواند، و پاهایش در سمت چپ نماز گزار قرار گیرد.

۲ - امام جماعت جلوتر از ماءمومین قرار می گیرد،

۳ - کفشهای خویش را از پا درمی آورد،

۴ - امام جماعت اگر میّت مرد باشد روبروی وسط جنازه ، و اگر زن باشد روبروی سینه او می ایستد.

۵ - نماز گزار به این صورت نیّت می کند که : نماز می گزارم بر این میّت به صورت واجب و به جهت وجوبش ، و برای اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زینده پرستش و بندگی است ، عبادت نمایم .

۶ - در حال بالا بردن دستها تکبیر می گوید.

۷ - بعد از تکبیر گفتن ، کسانی که در پشت سر او قرار دارند تکبیر می گویند.

۸ - تکبیر و دعای بعد از آن به این صورت است :

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ.

- خداوند بزرگتر است ، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه نیست ، و شریکی برای او وجود ندارد، و گواهی می دهم که حضرت محمّد [(ص )] بنده و فرستاده خداست .

۹ - سپس تکبیر دوّم و دعای بعد از آن را چنین می گوید:

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، [وَ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ]، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ اَلَ مُحَمَّدٍ، كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ وَ اَلِ اِبْرَاهِيْمَ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ.

- خداوند بزرگتر است ، خدایا، رحمت [ویژه خود را بر محمّد و آل او بفرست ، [و بر محمّد و آل محمّد مبارک گردان ]، و محمّد و

آل محمّد را مورد مهر خویش قرار ده ، همانند رحمت و برکت بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، براستی که تو ستوده والایی .

۱۰ - سپس تکبیر سوّم و دعای بعد از آن را به این صورت می گوید:

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ [وَالْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ]، اِلاَّ حَيَّاءَ مِنْهُمْ وَ اَلْاَمْوَاتِ، وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، اِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ.

- خداوند بزرگتر است ، خدايا، مردان و زنان مؤمن [و مسلمان ] و زندگان و مردگان آنان را مورد مغفرت خویش قرار ده ، و خیرات و کارهای نیک را میان آنان متبادل بگردان ، براستی که تو اجابت کننده دعاها می باشی ، همانا تو بر هر چیز توانایی .

۱۱ - بعد تکبیر چهارم و دعای بعد از آن را می گوید:

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُمَّ، عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ، نَزَلَ بِكَ، وَ اَعْنَتْ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ. اَللّٰهُمَّ، اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا، وَ اَعْنَتْ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا. اَللّٰهُمَّ، اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِيْ اِحْسَانِهِ، وَ اِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ [يا: عَنْ سَيِّئَاتِهِ] ، وَ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ مِنَ الْاِئِمَّةِ الطَّاهِرِيْنَ، وَ ارْحَمْنَا اِذَا صِرْنَا اِلٰى مَا صَارَ اِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ،

- خداوند بزرگتر است ، خدايا، این بنده و بنده زاده توست که بر تو وارد شده ، و تو بهترین کسی هستی که بر تو وارد می شوند، خداوندا، ما جز خیر و خوبی از او نمی دانیم ، و تو به او از ما آگاهتری ، خدايا، اگر نیکوکار باشد، در احسان و نیکوکاری اش بیافزای ، و اگر بدکار باشد از [گناهان ] او درگذر، و او را با ائمه اطهار که دوستشان می داشت محشور بگردان ، و هنگامی که ما نیز به آنجا که او رسید، رسیدیم ، بر ما رحم آر، به رحمت ای مهربانترین مهربانها.

۱۲ - و به حسب آنچه از ناحیه خداوند اکرم الا کرمین بر خاطرش عنایت می شود، در دعا کردن بر میّت می کوشد.

۱۳ - سپس تکبیر پنجم را می گوید:

۱۴ - و بعد می گوید اَلْعَفْوُ اَلْعَفْوُ: (خداوندا عفو و گذشت ، عفو و گذشت را برای او درخواست می کنیم )

۱۵ - بر همان حال می ایستد تا اینکه جنازه را بردارند.

۱۶ - بعد با خشوع و اقبال و توجّه به خدا و در حالی که به ذکر و یاد خدا مشغول است ، و با این توجّه که خود او نیز در حال وفات و انتقال از دنیا چنین خواهد بود، باز می گردد.

۱۷ - اگر میّت ، دشمن خدا - جلّ جلاله - باشد، و نمازگزار به جهت تقیّه در نماز حاضر شده باشد، بعد از تکبیر چهارم به هرچه که خداوند از آن خشنودتر است ، دعا می کند.

۱۸ - و اگر میّت ، مستضعف (۹۰) باشد، نمازگزار بعد از تکبیر چهارم می گوید:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِيْنَ تَابُوْا، وَ اتَّبَعُوْا سَبِيْلَكَ، وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ.

- خداوندا، کسانی را که توبه نموده و از راه تو پیروی کردند بیامرزد، و از عذاب جهنّم نگاهشان بدار.

۱۹ - و اگر میّت مجهول باشد و معلوم نشود که دشمن خدا - جلّ جلاله - است ، و یا دوست خدا - جلّ جلاله - ، بعد از تکبیر چهارم می گوید:

اَللّٰهُمَّ، هَذِهِ نَفْسُ اَءْتَتْ اَخِيَّتَهَا، وَ اَءْتَتْ اُمَّتَهَا، وَ اَءْتَتْ اَعْلَمُ بِسِرِّهَا وَ عَلَانِيَتَهَا، فَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ تَوَلَّتْ.

- خداوند، این کسی است که تو زنده اش گردانیده و میرانده ای ، و به نهان و آشکارش آگاهتری ، پس او را با هرکس که دوست می داشت ، محشور فرما.

۲۰ - و اگر میّت بچه بوده و بالغ نباشد، بعد از تکبیر چهارم می گوید:

اَللّٰهُمَّ، اجْعَلْهُ لَنَا وَ لَاِبَوَيْهِ فَرَطًا.

- خدایا، او را پیش فرستاده ما و پدر و مادرش قرار ده .

تسلیت و اندوه گساری

در روایت آمده که مولایمان علی(ع) فرمود: تسلیت گفتن و اندوه گساری از صاحبان عزا یک بار است ، یا پیش از دفن میّت و یا بعد از آن .

بعد از انجام نماز با هر سخنی که مایه عبرت است ، و یا به مضامین روایات که خداوند - جلّ جلاله - بر زبانش جاری می سازد، به بستگان میّت تسلیت می گوید. از بهترین سخنان که از امام صادق - صلوات الله علیه - پیرامون تسلیت و اندوه گساری یافته ام این است که آن بزرگوار (به این مضمون) فرمود که :

اگر مرگ این میّت موجب شده که تو قرب به پروردگارت پیدا کنی ، یا از گناه دور شوی ، این مصیبت نیست ، بلکه رحمت و نعمتی است بر تو؛ و اگر موجب پندگیری تو نگشته ، و تو را از گناه دور ننموده و موجب قرب تو به پروردگارت نشده ، پس اگر به پروردگارت معرفت داشته باشی ، مصیبت تو به واسطه قساوت و سنگدلی ات از گرفتار شدن به مصیبت میّت بزرگتر می باشد. و نیز از جمله سخنانی که هنگام تسلیت گفته می شود این است همانا خداوند - جلّ جلاله - در برابر صبر و خشنودی به مصیبتها پاداشی بزرگتر از بقای زندگان عنایت فرموده ، و شخص عاقل همواره به مواهب و مناقب بیشتر میل و رغبت دارد، خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

اَلَّذِينَ إِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ، قَالُوا: اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ، اُولٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ، وَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْتَخِرُونَ. (۹۱)

- آنان که وقتی به مصیبتی گرفتار می شوند، می گویند: همانا ما از آن خداییم ، و تنها به سوی او بازمی گردیم ، آنانند که درودها و رحمتی از ناحیه پروردگارشان برای آنان خواهد بود، و هم ایشانند که هدایت پذیر می باشند.

و در تسلیت و اندوه گساری عارفان همین بس که مرگ از تدبیرهای خداوند اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ و اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ است و خداوند

هیچگاه در تدبیر و کارسازی و مهربانی و عطفش بر نیکوکاران و حتی بدکاران مورد تهمتِ ظلم و ستم قرار نمی گیرد.

و اگر برخی از مصلحتها و سعادت‌مندی‌هایی که در باطن مرگ نزدیکان است برای بستگان مردگان آشکار می‌شد، مسلماً خود میّت و بستگان وی از خداوند درخواست می‌کردند که هر چه زودتر رُخدادهای ناگوار را بر دیگر چیزها مقدّم بدارد، و اگر نمی‌مردند و این مصلحتها و عنایتها به تأخیر می‌افتاد، به خاطر بدست آوردن آن عنایتها بیشتر از گریه ای که هنگام مرگ دارند، می‌گریستند.

و آنچه در نزد خردمندان واقعی مهمّ است، مرگ دل و صفات کمال انسانی است؛ و اما مرگ بدن‌ها و انتقال آنها از جایی که محلّ دگرگون شدن زمانهاست، با وجود سلامتی دین، مایه سعادت‌مندی و افزونی است.

سپس میّت را به محلّ خلوتش با مالک امر و جایگاه تنهایی و وحشتش در یعنی قبر حمل می‌کنند.

## کیفیت دفن اموات

وقتی تشییع کنندگان میّت به قبر - یعنی جایی که محلّ خوابیدن و دراز کشیدن میّت بر خاک، و مجاورت با اهل قبور به جای مجاورت با مردم، و منزلی که خویشان و برادران انسان را تنها گذاشته و می‌روند، و یاوران و همسایگان یاری نمی‌کنند، و انسان در آنجا تک و تنها، و در حالتی که همگان او را رانده و دور نموده‌اند، اقامت می‌کند - رسیدند،

۱ - جنازه میّت را اگر مرد باشد از پایین قبر وارد قبر می‌کنند.

۲ - پیش از گذاشتن در قبر سه بار جنازه را تا لبه قبر نزدیک می‌کنند و بعد وارد قبر می‌کنند؛ زیرا روایت شده که روح میّت با این کار برای سوّال قبر و امور هولناکی که روبرو خواهد شد، آمادگی پیدا می‌کند.

۳ - و اگر جنازه، زن باشد، در سمت قبله بر جلو قبر قرار می‌دهند.

۴ و ۵ - سپس ولیّ میّت یا کسی که ولیّ به وی دستور می‌دهد، در حالی که پا و سربرهنه است از جای پاهای میّت در قبر، وارد آن می‌شود.

۶ - میّت را - ابتدا سر میّت را - با تعظیم و احترام می‌گیرد، و به یاد می‌آورد که در برابر دید و آگاهی خداوند - جلّ جلاله - است و اینکه او وکیل میّت در این جایگاه است.

۷ - هنگام فرو بردن میّت در قبر می‌گوید:

اَللّٰهُمَّ، اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ.

- خداوند! این [قبر] را بوستانی از بوستانهای بهشت قرار بده، و آن را گودال و چاله ای از چاله های آتش [جهنم] مگردان.

۸ - و نیز می‌گوید:

بِسْمِ اللَّهِ، وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص). اَللّٰهُمَّ، اِيْمَانًا بِكَ، وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ، هَذَا مَا وَعَدَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَ صَدَقَ

اللَّهُ وَرَسُولُهُ. اَللّٰهُمَّ، زِدْنَا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا.

- به نام خدا، و به [وسیله] خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا(ص)، خدایا، [این کار را] از روی ایمان به تو، و تصدیق کتابت [انجام می دهم]، این بود آنچه که خداوند و رسولش وعده داده بودند، و خدا و رسولش راست گفتند. خداوند، بر ایمان و تسلیم ما بیافزای .

۹ - سپس میّت را با حالت تسلیم میّت را به پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - سپرده و نزد او به ودیعه می گذارد و در این حالت هر چه که خداوند - جلّ جلاله - بر قلب و کلامش جاری ساخت ، می گوید.

۱۰ - سپس میّت را بر سمت راست بدن و روبه قبله می خواباند.

۱۱ - بندهای کفن او را از سمت سر و پاها می گشاید.

۱۲ - و گونه میّت را از روی خاکساری و ذلّت و برای جلب رحمت و عطوفت مولایش که پروردگار پروردگاران است ، روی خاک می نهد.

۱۳ - مقداری از تربت امام حسین (ع) را همراه او قرار می دهد، زیرا در روایت آمده که آن مایه ایمنی از عذاب است ، و چون این منزل ، منزل هولناکی است انسان نیاز دارد که تا نهایت امکان برای رهایی از آن توسّل جسته و خود را از آن سلامت بدارد.

۱۴ - در حدیث آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: نخستین مژده ای که به مؤمن داده می شود، این است که به او گفته می شود: خوش آمدی ، براستی که خداوند تمام تشییع کنندگان تو را آمرزید، و دعای تمام استغفار کنندگان برای تو را استجابت فرمود، و گواهی تمام کسانی را که به نفع تو شهادت دادند، قبول فرمود.(۹۲)

۱۵ - سپس اموری را که میّت در حال حیاتش بدان معتقد بود (از آن جمله شهادت به یگانگی خداوند - جلّ جلاله - و رسالت رسول خدا - (ص) - و امامت و بزرگواری [ویا: خلافت و جانشینی] ائمّه اهل بیت رسول خدا (ص) را به او تلقین می کند،

۱۶ - باید تلقین به وسیله کسی که از اهل یقین است ، و نیز به نیّت اینکه جواب دو فرشته پرسش کننده در قبر است صورت بگیرد، تا اینکه خداوند - جلّ جلاله - به رحمت خویش به واسطه همین تلقین ، میّت را از سوّال منکر و نکیر کفایت فرموده و او را خشنود و چشم روشن گرداند.

۱۷ - سپس خشت روی قبر چیده و می گوید:

اَءَلِّلْهُمَّ، صَلِّ وَحْدَتَهُ، وَ اَنْسِ وَحْشَتَهُ، وَ اَرْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَ اَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، وَ اَحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ.

- خداوند، با او ارتباط برقرار کن و از تنهایی نجاتش بده ، و مونس و حشت و احساس تنهایی اش باش ، و بر غربت او رحم آر، و از رحمت خویش چنان رحمتی به سوی او گسیل بدار، که از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و با کسانی که دوستشان می داشت محشور فرما.

۱۸ - وقتی چیدن خشت بر قبر را به پایان برد، از سمت پاهای میّت از قبر خارج می شود.

۱۹ - خاک روی قبر می ریزد، و نیز تمام کسانی که حضور دارند با کف دست ، خاک بر روی قبر می ریزند، مگر کسانی که نسبتی با میّت دارند.

۲۰ - حال ریختن خاک می گویند:

إِنَّا لِلّٰهِ، وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، هَذَا مَا وَعَدَ اللّٰهُ، وَصَدَقَ [الْمُرْسَلُونَ]، اٰلَٰهُمَّ، زِدْنَا اِيْمَانًا وَتَسْلِيْمًا.

- همانا ما از آن خداییم ، و تنها به سوی او باز می گردیم ، این بود آنچه که خداوند به ما وعده داده بود، و [فرستادگان خدا] راست گفتند، خدایا، بر ایمان و تسلیم ما بیافزای .

۲۱ - قبر را با خاک پُر نموده و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند می نمایند.

۲۲ - قبر را مسطح درست می کنند.

۲۳ - روی قبر آب می پاشند.

۲۴ - پاشیدن آب را از سمت سر قبر شروع می نمایند، و سپس چهار سوی قبر را دور می زنند تا اینکه باز به سر قبر برگردند. و اگر چیزی از آب اضافه ماند، بر وسط قبر می ریزند.

نمازی که بعد از دفن میّت در کنار قبر خوانده می شود

این نماز ضرر و آسیب را از میّت دور، و در نیکی به او محسوب می شود. از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که رسول خدا(ص)

فرمود: وقتی میت خود را دفن نمودید و از خاکسپاری اش فارغ شدید، وارث یا خویشاوند یا دوست او در کنار قبر ایستاده و دو

رکعت نماز بخواند، در رکعت اوّل یک بار سوره فاتحه و دو سوره قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ، و سوره قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ . مَعُوْذَتَيْنِ

... (۹۳) کیفیت رکعت دوّم به این صورت است که سوره حمد و اگر خواست سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَعَدَ، و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخواند، که

این دو سوره از سوره های مهمّی هستند که در نمازهای نافله خوانده می شوند، و بعد رکوع و سجده بجا آورده و در سجده اش می

گوید:

سُبْحَانَ مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ، وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ.

- پاک و منزّه است خداوندی که به قدرت خویش ، عزیز و سربلند، و با مرگ بر بندگان چیره و سلطه دارد.

سپس سلام نماز را گفته و رو به قبر نموده و می گوید: ای فلانی پسر فلانی ، این نماز برای تو و یارانت باشد.

مسلماً خداوند، عذاب و تنگی و فشار قبر را از او برطرف می کند، و اگر از پروردگارش بخواهد که مردان و زنان مؤمن و مسلمان ،

اعمّ از زنده و مرده آنان را بیامرزد، خداوند دعای وی را درباره آنان مستجاب می فرماید.

و خداوند متعال به دوست او می فرماید: ای فلانی پسر فلانی ، چشم روشن باش ، که خداوند - عزوجل - تو را آمرزید. و به خود نماز گزار نیز در برابر هر حرف ، هزار کار نیک عطا می شود، و هزار گناه او محو می شود. پس وقتی روز قیامت فرا رسید، خداوند متعال یک صف از فرشتگان را برمی انگیزاند که او را تا در بهشت تشییع و بدرقه نمایند، و هنگامی که داخل بهشت شد، هفتاد هزار فرشته به استقبال او می آیند، که با هر یک طبقی از نور است که با دستمالی از اِسْتَبْرَق (۹۴) پوشیده شده ، و در دست هر کدام کوزه ای از نور است که در آن آب سَلْسَبِيل (۹۵) است . پس وی از آن طبق خورده و از آن آب می آشامد، و خشنودی خداوند بزرگتر است .

شاید برخی به محض اطلاع از این نماز بگویند: تا کنون دیده نشده که کسی در نزد میّت خود بعد از وفات او این نماز را خوانده باشد.

جواب این است که : اگر سنن شرایع و احکام و مستحبات اسلام را در نظر آوری ، می بینی که بیشتر آنها آثارش از بین رفته و انوارش خاموش گردیده است ، و این نماز نیز که نسبت به انجام آن کوتاهی می شود، نمونه ای است از امثال آن که از بین رفته است . و ما در بعضی از تصنیفات خود احادیثی چند پیرامون این مطلب ذکر کردیم که : اگر حدیثی درباره عبادتی به مکلف برسد و وی بدان عمل کند، به سعادت آن دست می یابد، اگرچه امر به آن صورت که به او رسیده نباشد(۹۶)، و این بخاطر کرم و بزرگواری خداوند - جلّ جلاله - و کرامت رسول خدا(ص) می باشد، و ما این مطلب را به سند خود از محمد بن یعقوب و ابن بابویه نقل نمودیم .

و هنگامی که این امور پایان یافت فراغت پیدا کرد، هرکس از حاضران که خواهان نزدیکی جستن به خداوندگار روز جزاست ، میّت را زیارت می نماید.

کیفیت زیارت قبور اموات

در روایت آمده که محمد بن مسلم می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم ؟ آیا مردگان را زیارت کنیم ؟ فرمود: بله . عرض کردم : آیا وقتی ما به زیارت آنها می رویم صدای ما را می شنوند؟ فرمود: بله ، به خدا سوگند، مسلماً آنان از آمدن شما خبردار شده و شادمان می گردند و با شما انس می گیرند. وی می گوید: عرض کردم : وقتی به زیارت ایشان رفتیم چه بگوییم ؟ فرمود، بگو: اَئَلِّلَهُمْ، جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ، وَ صَاعِدِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا، وَاءَسْكِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَخَدَّيْهِمْ، وَ تُونِسُ بِهِ وَخَشَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- خداوند، زمین را از پهلوهایشان بر کنار فرموده و جایگاهشان را وسعت ده ، و ارواح آنان را به سوی خود بالابر، و خشنودیی از جانب خود به ایشان ارزانی دار، و از رحمت خویش چنان رحمتی به سوی آنان گسیل دار که و با ارتباط بر قرار کردن با آنان ایشان را از تنهایی نجات ده ، و مونس وحشت و احساس تنهایی شان گردی ، براستی که تو بر هر چیز توانایی .



در روایت دیگر صفوان بن یحیی می گوید: به حضرت ابوالحسن امام کاظم (ع) عرض کردم: آیا میت سلام کسی را که به او سلام می کند، و دعایی را که شخص در نزد قبر او برای وی می کند می شنود؟ فرمود: بله، آیا مردگان کفار می شنوند و مؤمنان نمی شنوند؟! (البته ما این روایت را به صورت اختصار نقل نمودیم.)

شاید مقصود از فرمایش حضرت (ع) که فرمود: مردگان کفار می شنوند، همان کافرانی باشد که پیامبر اکرم (ص) پس از کشتن و به چاه انداختن آنان در جنگ بدر به آنها خطاب نمود که: واقعاً آنچه را که پروردگارم به من وعده داده بود، به صورت حق و راست یافتیم.

بعد فرمود: براستی که آنان می شنوند، همان گونه که شما می شنوید.

و درباره زیارت اموات، روایات فراوانی است که ما آنها را در کتاب المزار الکبیر ذکر نموده ایم. (۹۷)  
اشکال و جواب

ممکن است که گفته شود: این توضیحات در رابطه با احکام و آداب اموات از اعمال شبانه روز نیست. در پاسخ می گوئیم: بر اهل توفیق پوشیده نیست که طهارت با اقسام غسلها از توابع نماز است، و مطالبی که ما مشروحاً پیرامون حالات اموات و دیگر مطالبی که ذکر نمودیم، همگی از توابع آن امور مهم است.

و نیز همه آنچه که ما به شرح بیان کردیم، به صورت مفصل تر از این در فقه مطرح شده است، که ما به خاطر ترس از اطاله کلام، آنها را ذکر نکردیم.

فرستادن غذا برای افراد خانواده میت و اقامه مجلس عزا

از جمله مستحبات مؤکد بُردن غذا و خوراکی برای افراد خانواده و بستگان میت است، و در این مورد روایتی از پیامبر اکرم (علیه افضل الصلوة و السلام) نقل شده است. و نیز روایت شده که سه روز برای میت مجلس عزا اقامه کنند، چنانکه در حدیث آمده که امام باقر (ع) فرمود: از روز مرگ عملی که میت، سه روز برای او مجلس سوگواری اقامه شود.

ذکر عملی که پیش (۹۸) از شب اول دفن انجام می شود

حذیفه بن یمان می گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: هیچ لحظه ای سخت تر از شب اول دفن برای میت نیست، پس با صدقه دادن نسبت به مردگانتان مهربانی کنید؛ و اگر نیافتید، دو رکعت نماز بخوانید، به این صورت که: در رکعت اول یک بار فاتحه الکتاب و یک بار آیه الكرسي و دوباره سوره قل هو الله احد؛ و در رکعت دوم یک بار فاتحه الکتاب و ده بار سوره ائلهاکم التکائر قرائت می شود. و نمازگزار بعد از سلام نماز بگوید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوَابَهُمَا إِلَى قَبْرِ ذَلِكَ الْمَيِّتِ، فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ.

— خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و ثواب این دو رکعت نماز، را به قبر آن میت، فلانی پسر فلانی، برسان.

که خداوند در همان لحظه ، هزار فرشته را به سوی قبر میّت گسیل می دارد که هر کدام از آنان یک جامه و حُلّه (۹۹) دارد، و تا روزی که در صور قیامت دمیده می شود تنگی قبر او را مبدّل به وسعت می کند، و به شماره هر چیز که آفتاب بر آن می تابد به نماز گزار حسنه و کار نیک عطا شده ، و مقامش چهل درجه بالا برده می شود.

با وفا بودن نسبت به اموات

نسبت به مردگان با وفا باش ، و حال که رشته امیدواری میان تو و آنان گسسته است ، نسبت به آنان کوتاهی مکن ، و به یاد آور که خداوند سبحان - جلّ جلاله - در برابر این وفاداری ، چندین برابر آنچه را که آرزو داری ، و چندین برابر اخوتی که میان تو و زندگان است ، عطا عنایت فرموده ، پس اگر باز نسبت به بذل و بخشش خداوند بی اعتنایی کنی ، شاید اصلاً گفتار و وعده الهی را تصدیق ننموده ای .

نمازی هدیه به اموات

و اگر خواست ، دو رکعت نماز بخواند و ثواب آن را به اهل قبور مؤمن آن قبرستان هدیه نماید، و من آن دو رکعت را از مالک بن دینار نقل می کنم که وی گفت : شب جمعه بر گورستانی وارد شدم و ناگهان دیدم که نوری درخشان است . از روی تعجب گفتم : لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، گویی که خداوند - عزّوجلّ - اهل این گورستان را آمرزیده است . ناگهان شنیدم که هاتفی از دور ندا می کند و می گوید: ای مالک بن دینار، این هدیه مؤمنان به برادران ایمانی شان از اهل قبور است . گفتم : سوگند به خدایی که تو را به زبان آورد، از تو می خواهم که به من بگویی که آن هدیه چیست ؟ گفت : مؤمنی در این شب برخاست و وضوی کامل گرفت و دو رکعت نماز خواند و در هر رکعت یک بار سوره فاتحه کتاب و سوره قلّ یا ائیّها الکافرون ، و سوره قلّ هو الله اءحد قرائت نمود، و گفت :

اَعْلَلَهُمْ، اِنِّیْ قَدْ وَهَبْتُ ثَوَابَهَا لِاهْلِ الْمَقَابِرِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

- خداوند، برآستی که من ثواب آن را به مؤمنین این قبرستان هدیه نمودم .

و خداوند، روشنایی و نور و گشایش و شادمانی را از شرق و غرب و از هر سو بر ما داخل نمود.

مالک می گوید: من همواره آن را در شبهای جمعه می خواندم ، تا اینکه پیامبر اکرم ( ص ) را در خواب دیدم و ایشان به من فرمود:

ای مالک ، خداوند در برابر نوری که به اُمّت من هدیه نمودی ، ثواب آن را آمرزش تو قرار داد.

سپس فرمود: خداوند در قصری بهشتی که مُنیف نامیده می شود، خانه ای برای تو بنا نمود.

عرض کردم : معنای مُنیف چیست ؟ فرمود یعنی مُشْرِف بر اهل بهشت .

اکنون می گویم : ما هیچ چیز را از کرامت الهی دور نمی شماریم ، و نسبت به عقیده و ضمیر این شخص مالک بن دینار خداوند

آگاهتر است ، زیرا وی در زمانی می زیسته که تقیه شدید در آن بوده است .

فصل چهاردهم : احکام و آداب تیمّم بدل از غسل ، و شرایط لباس و مکان نماز، و ادعیه هنگام ورود به مسجد

## احکام و آداب تیمّم

گذشت که طهارت با خاک و تیمّم هنگام تنگی وقت و ترس از فوت نماز انجام می شود، و نیز اموری که آن را باطل می کند ذکر شد (۱۰۰). چنانکه گفتیم : تیمّم در رحمتی است که خداوند - جلّ جلاله - گشوده ، و به واسطه آن بندگان را بر اسباب نیل به خشنودی اش رهنمون گردیده ، و با این کار هشدار داده که نماز از مهمّترین عبادتهاست ، و حتّی هنگام ضرورت و در هیچ حالتی ، از هیچ یک از مکلفین ساقط نمی گردد.

## کیفیت تیمّم بدل از غسل

۱ - هرگاه که وقت نماز - خواه واجب باشد و خواه مستحبّ - تنگ شد، و غسلی بر انسان واجب بود که داخل شدن در نماز جز بعد از طهارت از آن جایز نبود، اگر نمازی که می خواهد برای آن طهارت کند واجب باشد، نیّت تیمّم آن نیز به این صورت است : تیمّم واجب بجا می آورم ، به جهت وجوب ، آن ، به گونه ای که هر چیز که با غسل کردن مباح می گردد با آن نیز مباح و جایز شود، و بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زینده عبادت و پرستش است ، عبادت می نمایم .

۲ - اگر نماز، مستحبّ باشد، تیمّم نیز مستحبّ و بقیّه نیّت آن به همان صورتی است که توضیح دادیم .

۳ - سپس مکلف دستهایش را بر زمین یا هر چیزی که در صورت پیدا نشدن خاک به جای آن می نشیند، می زند، و دستها را به هم می زند تا گرد و غبارش بریزد، و با هر دو دست از ابتدای رستگاه موی سر از بالای پیشانی و تمام جبین و کنار پیشانی تا سرّ بینی که در سمت دهان قرار دارد (به همان صورتی که پیش از این ذکر نمودیم ) می کشد، و بعد دوباره دستها را بر زمین یا هر چیز دیگر جانشین آن می زند، و آنها را به هم می زند تا گردش بریزد، و با کف دست چپ ، پشت دست راست را از مفصلی که بین کف و بازو قرار دارد تا سر انگشتان دست راست مسح می کند، و نیز با کف دست راست، پشت دست چپ را از مفصلی که بین کف و بازو قرار دارد تا سر انگشتان دست چپ مسح می نماید.

۴ - وقتی اینها را انجام داد، هر چیز که به واسطه غسل ، مباح و جایز بود، بدون کم و کاست جایز و مباح می گردد. و هر چیز که غسل را باطل می کند، تیمّم بدل از طهارت کبری یعنی غسل ، و تیمّم بدل از طهارت صغری یعنی وضوء را نیز باطل می کند. و این مطلب در فصل دوازدهم نیز ذکر شده بود.

۵ - اگر برای غسل دادن میّت نیز، امکان نداشته باشد که انسان از آب استفاده کند، بی کم و کاست به ترتیبی که شخص زنده

مکلف به غسل ، تیمّم می کند، میّت را تیمّم بدل از غسل می کنند.

## شرایط لباس و مکان نماز

در رابطه با گزینش جامه و مکان نماز، مهمّ این است که لباس و مکان نماز پاکیزه باشند، به گونه ای که نماز خواندن در آن دو برای انسان مباح و جایز باشد. خواه ملّک انسان باشند و یا از کسی عاریه و یا اجاره نموده و یا به صورتی غیر از اینها برای او مباح باشند.

صدق در پوشیدن لباس و مقصود از آن

و دیگر اینکه نماز گزار در پوشیدن لباس برای نماز، صادق باشد، و معنای صادق آن است که : باطنش با ظاهرش که می گوید آن لباسها را جز برای خدا و جز برای انجام عباداتی که خداوند اراده نموده نپوشیده ام ، باهم سازگار و موافق باشند؛ زیرا اگر قصدش از پوشیدن لباس ، لذّت نفّس و دل باشد، در نزد خدا از این جهت که ادّعا می کند لباس را تنها برای نماز یا برای پروردگارش پوشیده ، دروغگو محسوب می شود؛ و همچنین اگر لباس را برای افزون طلبی و فخر و نزدیکی جستن به دلّهای بندگان پوشیده باشد، ولی چنین اظهار کند که آن را برای خدمت و بندگی خداوندی که سلطان معاد است پوشیده ، دروغگو خواهد بود. بنابراین ، واجب است که در پوشیدن لباس صادق باشد، و گر نه حضرت حقّ را کوچک شمرده ، و مستحقّ آن است که خداوند - جلّ جلاله - از خطاب و پاسخ و پاداش دادن به او روی گردان باشد.

دیگر احکام لباس نمازگزار

نماز خواندن مرد در لباس ابریشم خالص که ساتر عورت باشد، در صورتی که نمازگزار بداند که لباس ابریشمی پوشیده صحیح نیست ، مگر اینکه در جنگ بپوشد و پوشیدن آن به صلاح جنگجو بوده و ناچار از پوشیدن آن باشد. البتّه توضیح بحث لباس نمازگزار و لباس حلال و مستحبّ و حرام و مکروه مفصّل است که اگر در اینجا ذکر شود، بیم آن است که مطلب به درازا بکشد. اخلاص و حضور قلب در انتخاب مکان نماز در رابطه با گزینش مکان نماز نیز بهترین جا برای نمازگزار، مکانی است که بنده در آنجا حضور قلب داشته و با دل به یاد خداوند - جلّ جلاله - بوده ، و حقّ حرمت عظمت الهی و ادب خاکساری عبودیت و بندگی را مراعات نماید، و نسبت به اخلاص و اختصاص اعمال برای پروردگار نزدیکتر بوده ، و به دور از چیزهایی باشد که باطن و ظاهر انسان را از ایستادن در پیشگاه خداوندی که مولی و مالک انسان و با عظمت تر از همگان و خداوندگار دنیا و آخرت است ، به خود سرگرم می سازند.

صدق در انتخاب مکان نماز و مقصود از آن

و نیز نمازگزار باید در اختیار مکان برای خدمت و بندگی خداوند پادشاه بسیار پاداش دهنده ، صادق باشد، و معنای صادق بودن آن است که باطنش با ظاهرش که می گوید: قصدم از حضور در این مکان و ایستادن در اینجا جز برای خداوند - جلّ جلاله - و طلب خشنودیهای او نیست ، موافقت داشته باشند.

در بعضی از داستانها آمده است که : یکی از خواصّ و برگزیدگان در خلوت و تنهایی مشغول عبادت خداوند - جلّ جلاله - بود، و در نزدیکی او درختی وجود داشت که پرنده هایی در آن زندگی می کردند. وی سجّاده خود را به زیر آن درخت انتقال داد، تا به درخت و آواز پرندگان که در درخت بودند اُنس بگیرد، ولی از ناحیه خداوند - جلّ جلاله - معاقب شده و به او گفته شد که : آیا اُنس با ما آن قدر ارزش نداشت که تو را از درخت و پرندگان بی نیاز نماید؟ وی توبه نمود و دانست که با این اُنس گرفتن ، خود را به خطر انداخته است .

و نیز در برخی از داستانهای اهل محاسبه و مراقبه دیدم که بعضی از آنها که با نشاط و اهتمام و سرور مشغول نماز بود، به درگاه خدا عرض کرد: ای پروردگار من ، آیا در رابطه با حضور قلب و اقبال و توجّه قلبی در نماز چیزی باقی مانده که من نیاز داشته باشم پیش از مرگ اصلاحش کنم ؟ گفته شد: بله ، تو به نسیم سحرگاهان اُنس می گیری ، و چیز دیگری غیر از ما، تو را به نشاط می آورد، و صفات خواصّ ابرار و برگزیدگان چنین نمی باشد، پس در خدمت و بندگی تو شرک ، و انگیزه دیگر غیر از آنچه که ما از اخلاص عبودیت می خواهیم ، وجود دارد.

بهترین مکان برای نماز

اگر حال بنده ای که به نماز مکلف است مقاوم و استوار باشد، به گونه ای که به تغییر مکانها، اخلاص و اختصاصش دیگرگون نگردد، افضل آن است که در انتخاب مکانهای نماز و جایگاههای دعا، هر مکان و جایگاهی را که شرع مقدّس به آن فضیلت داده انتخاب و پیروی نماید، که با فضیلت ترین آنها خانه های خداوند - متعال و جلّ جلاله - و مساجد است که مخصوص عبادت اوست ، و برترین مسجدها، مسجدالحرام و مسجد مدینه باشد. و البتّه مطلب در این رابطه بسیار است و ما تنها مقداری از آن را که آماده است ، در این راستا و بر اساس روایت ذکر می کنیم .

ذکر فضیلت بعضی از مساجد و تفاوت نماز خواندن در آنها

۱ - از آن جمله در روایت آمده که مولایمان علیّ بن ابی طالب ( ع ) پیوسته می فرمود: هرکس به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را به دست می آورد: برادری که در راه خشنودی خدا از او بهره ببرد، یا علم و دانشی نو و زیبا، یا آیه محکم از قرآن کریم ، یا سخنی که او را بر هدایت رهنمون گردد، یا کلامی که او را از هلاکت رهایی بخشیده و برگرداند، یا سنّت و روشی که از آن پیروی کند، یا رحمتی از جانب خداوند که انتظارش را می کشیده ، یا گناهی که آن را به خاطر ترس از پروردگار یا از روی شرم ترک می کند.

۲ - نیز در روایت آمده که امام صادق ( ع ) فرمود: هرکس به مسجد برود، بر هیچ تر و خشک قدم نمی گذارد، مگر اینکه آن چیز تا زمینهای هفتگانه برای او تسبیح می گوید.

۳ - همچنین در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوار از پدران بزرگوارش از علی (ع) فرمود: یک نماز در بیت المقدس هزار و یک نماز سپاس شود، و در مسجد اعظم صد و یک نماز، و در مسجد قبیله بیست و پنج نماز، و در مسجد بازار دوزاده نماز، و نماز خواندن در خانه به تنهایی، تنها یک نماز محسوب می گردد.

ناگفته نماند که در فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام و مسجد النبی - علیه افضل الصلوة والسلام - و مسجد کوفه احادیث معروف و فراوانی نقل شده است .

#### کیفیت دخول در مسجد

کیفیت دخول در مسجد بر اساس دو روایتی که از مولایمان امام صادق - صلوات الله علیه - و امام حسن عسگری (ع) که از ابتدای وارد شدن در مسجد تا روبه قبله ایستادن در جای خواندن نماز را شامل می شوند، و ما آن دو را باهم مخلوط نموده و باهم ذکر می کنیم، بدین ترتیب وقتی انسان خواست وارد مسجد شود، روبه قبله ایستاده و می گوید:

بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ، وَ إِلَى اللَّهِ، وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اِئْلَهُمَّ افْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ، وَ اَعْلِقْ عَنِّي اَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ زُوَارِكِ وَ عُمَارِ مَسَاجِدِكَ، وَ مِمَّنْ يُنَاجِيكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ مِنْ الَّذِينَ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ، وَ اَذْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ [الرَّجِيمَ] وَ جُنُودَ ابْلِيسَ اَجْمَعِينَ.

- به نام خدا، و به وسیله خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و بهترین نامها [و کمالات] برای خداست، بر خداوند توکل می نمایم، و هیچ دگرگونی و نیرویی به غیر خداوند وجود ندارد، خداوندا، در رحمت و توبه ات را بر من بگشای، و درهای معصیت و نافرمانی ات را به روی من ببند، و مرا از زیارت کنندگان خود و آباد کنندگان مساجدت، و از کسانی که شبانه روز با تو مناجات می نمایند، و از آنان که بر نمازهایشان محافظت دارند، قرار ده، و شیطان [رانده شده] و همه لشگرهای ابلیس را از من دور فرما.

سپس با پای راست وارد مسجد شده و می گوید:

اِئْلَهُمَّ، افْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ، وَ اَعْلِقْ عَنِّي بَابَ سَخَطِكَ وَ بَابَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ هِيَ لَكَ. اِئْلَهُمَّ، اَعْطِنِي فِي مَقَامِي هَذَا جَمِيعَ مَا اَعْطَيْتَ اَوْلِيَاءَكَ مِنَ الْخَيْرِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا صَرَفْتَهُ عَنْهُمْ مِنَ الْاَسْوَاءِ وَ الْمَكَارِهِ، رَبَّنَا، لَا تُؤْخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَعْطَاؤَنَا، رَبَّنَا، وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا. رَبَّنَا، وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ اغْفِرْ لَنَا، وَ ارْحَمْنَا. اَنْتَ مَوْلَانَا، فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۰۱)

اِئْلَهُمَّ، افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ، وَ ارْزُقْنِي نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ثَبِّتْنِي عَلَى اَمْرِهِمْ، وَ صَلِّ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ، وَ احْفَظْهُمْ مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ اَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شِمَائِلِهِمْ، وَ اَمْنَعْهُمْ اَنْ يُوْصَلَ اِلَيْهِمْ بِسُوءٍ.

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ زَاۤئِرُكَ فِیْ بَیَّتِكَ. وَ عَلٰی كُلِّ مَاءٍ تِیْ حَقُّ لِمَنْ اَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ اَنْتَ اَعَزُّ مَاءٍ تِیْ وَ خَيْرُ مَزُوْرٍ وَ خَيْرُ مَنْ طَلَبَ اِلَیْهِ الْحَاجَاتُ، وَ اَسْأَلُكَ یَا اَللهُ، یَا رَحْمٰنُ، یَا رَحِیْمُ، بِرَحْمَتِكَ الَّتِیْ وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ، وَ بِحَقِّ الْوِلَایَةِ، اَعَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تُدْخِلَنِیْ الْجَنَّةَ، وَ تَمُنَّ عَلٰی بِفَكَاکِ رَقَبَتِیْ مِنْ النَّارِ.

– خدایا، دَرِ رحمت و توبه ات را به روی من بگشای ، و دَرِ ناخشنودی و در تمام گناهان و معاصی را به روی من ببند. خداوندا، در همین جا تمام خیراتی را که به اولیاء خویش عنایت فرمودی به من نیز ارزانی دار، و همه بدیها و ناخوشایندیهایی را که از آنان بازداشتی از من باز دار. پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم بر ما مگیر، [پروردگارا، سنگینی و تکلیف سخت بر دوش ما مَنه، همچنانکه بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی ] پروردگارا، ما را به آنچه که توان آن را نداریم مکلف منما، و از ما درگذر، و مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده ، تویی سرپرست ما، پس ما را بر گروه کافران یاری فرما.

خدایا، گوشه‌های دلم را به ذکر و یادت بگشای ، و یآوری آل محمد را روزی ام گردان ، و مرا بر امر [ولایت ] آن بزرگواران استوار بدار، و پیوند میان من و ایشان را برقرار دار، و ایشان را از [گزند دشمنان ] از پیشارو و پشت سر و دست راست و چپ شان محافظت فرما، و از رسیدن شرّ و بدی به ایشان جلوگیری نما. خداوندا، من به خانه تو و به زیارت تو آمده ام ، و هر که به سوی کسی برود و زیارتش نماید بر کسی که زیارتش نموده حقّی دارد. و تو بهترین کسی هستی که بر تو وارد می شوند و بهترین زیارت شونده و بهترین کسی هستی که حوایج از درگاهت درخواست می شود. ای خدا، ای رحمان ، ای رحیم ، به خاطر آن رحمت که هر چیز را فراگرفته ، و به حقّ ولایت ، از تو خواستارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و مرا وارد بهشت گردانی ، و به من منت بگذار و از آتش جهنّم آزاد نما.

و هنگامی که به جایی که می خواهی نماز بخوانی رسیدی ، رو به قبله نما و بگو:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اُقَدِّمُ اِلَیْكَ مُحَمَّدًا نَبِیَّكَ نَبِیَّ الرَّحْمَةِ وَ اَهْلَ بَیْتِهِ الْاَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّیْنَ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی ، وَ اَتَوَجَّهُ بِهِمَّ اِلَیْكَ، فَاجْعَلْنِیْ بِهِمَّ عِنْدَكَ وَجِیْهًا فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ. اَللّٰهُمَّ، اجْعَلْ صَلَاتِیْ بِهِمَّ مُقْبُوْلَةً، وَ دُعَائِیْ بِهِمَّ مُسْتَجَابًا، وَ ذَنْبِیْ بِهِمَّ مَغْفُوْرًا، وَ رِزْقِیْ بِهِمَّ مَبْسُوْطًا، وَ اَنْظِرْ اِلَیَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ نَظْرَةً اَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ وَالْاَیْمَانَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهُ اِلَّا بِمَغْفِرَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ. (رَبَّنَا، لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا، وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ). (۱۰۲)

اَللّٰهُمَّ، اِلَیْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ رِضَاكَ طَلَبْتُ، وَ ثَوَابَكَ ابْتَغِیْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ، اَللّٰهُمَّ، اَعْقِبْ عَلٰی [یا: اِلَیَّ] بِوَجْهِكَ، وَ اَعْقِبْ اِلَیْكَ بِقَلْبِیْ ، اَللّٰهُمَّ، اَعِنِّیْ عَلٰی ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ حُسْنِ عِبَادَتِكَ. الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَنیْ مِمَّنْ یُنَاجِیْهِ. اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا هَدَيْتَنیْ ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا رَزَقْتَنیْ ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰی كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنیْ ، اَللّٰهُمَّ، تَقَبَّلْ صَلَاتِیْ ، وَ تَقَبَّلْ دُعَائِیْ ، وَ اغْفِرْ لِیْ ، وَ ارْحَمْنِیْ ، وَ تُبَّ عَلَیَّ، اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ.

- خدایا، براستی که من حضرت محمد، پیامبر رحمت، و اهل بیتش اوصیاءِ مورد پسندت را در پیشاپیش خواسته هایم مقدّم می دارم، و به واسطه آنان به سوی تو توسّل می جویم، پس مرا به واسطه ایشان در دنیا و آخرت در نزد خویش آبرومند، و از مقربان درگاهت قرار ده. خداوندا، نمازم را به واسطه آنان قبول، و دعایم را به خاطر آنان مستجاب، و گناهانم را به جهت آنان آمرزیده، و روزی ام را به خاطر آنان وسعت ده، و به وجه [و اسماء و صفات] گرامی ات، یک نگاه و گوشه چشمی به من بنما به گونه ای که کرامت و ایمانم به آن کامل گردد، آنگاه نگاهت را از من برگردان مگر اینکه مرا آمرزیده و توبه ام را پذیرفته باشی. پروردگارا، بعد از آنکه هدایتان فرمودی دلهایمان را منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش ارزانی مان دار، براستی که تویی بسیار بخشنده.

خداوندا، تنها به سوی تو متوجّه شدم، و تنها خشنودی تو را خواستارم و فقط ثواب تو را خواهانم، و تنها به تو ایمان آورده و فقط بر تو توکل نمودم. خدایا، با وجه [و اسماء و صفات] ات به سوی من روی کن، و دل مرا رو به سوی خود کن، خداوندا، مرا بر ذکر و شکر و سپاسگزاری و عبادت نیکویت یاری فرما، سپاس خدایی را که مرا از کسانی قرار داد که با او مناجات می کنند، خدایا، حمد و ستایش بر تو به خاطر اینکه مرا هدایت فرمودی، و سپاس تو را به جهت اینکه مرا فضیلت دادی، و ستایش تو را به خاطر اینکه مرا روزی دادی، و سپاس تو را به جهت هر گرفتاری نیکویی که مرا بدان گرفتار و امتحان نمودی، خدایا نمازم را قبول، و دعایم را مستجاب فرما، و مرا بیامرز و بر من رحم آر، و توبه ام را بپذیر، براستی که بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

بهترین مکان برای خواندن نماز واجب و مستحبّ

و توجّه داشته باش که خواندن نماز نافله در غیر مسجد افضل است، و بپا داشتن نماز واجب در مساجد اکمل می باشد، و ما این مطلب را به تفصیل درآینده بر اساس آنچه که خداوند - جلّ جلاله - ما را آگاه نموده با استفاده از آنچه که خداوند به ما آموخته و احسان فرموده، ذکر خواهیم نمود. ان شاء الله تعالی.

فصل پانزدهم: تعیین نخستین نماز واجب و اینکه آن همان صَلَاةِ وُسْطَى است.

نماز ظهر نخستین نماز واجب

مفهوم روایاتی که در این باره وارد شده و به اعتقاد ما به صحتّ و صواب نزدیکتر است، آن است که نخستین نمازی که بر بندگان واجب شده، نماز ظهر است، که دو رکعت بوده. و روایات در این باره بسیار است، و نیازی به ذکر آنها نیست، زیرا این مطلب در نزد برگزیدگان و حضرات معصومین (علیهم السلام) که الگوی ما هستند روشن است.

نماز ظهر، همان صَلَوةٌ وُسْطَى است

۱ - و اما اینکه آن همان صَلَاةِ وُسْطَى است، در روایتی از امام باقر(ع) در پاسخ پرسش از فرمایش خداوند که می فرماید:

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى. (۱۰۳)



- بر تمام نمازها و بخصوص بر نماز میانه محافظت کنید.

آمده که فرمود: آن نماز ظهر است ، و در همان وقت خداوند نماز جمعه را واجب فرمود، در آن روز، وقتی است که هیچ بنده مسلمانی در آن لحظه از خداوند خیری را نمی خواهد، مگر اینکه خدا به او عطا می فرماید.

۲ - و نیز از امام باقر(ع) روایت شده که : زن حسن بن علیّ دستور داد که مُصَحَّف و قرآنی بنویسند، هنگامی که نویسنده به آیه حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى رسید حضرت امام حسن (ع) به او فرمود: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ، وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ. یعنی بر تمام نمازها و به خصوص نماز وسطی و نماز عصر محافظت کنید، و با حالت فروتنی برای خدا قیام نموده و خدا را عبادت کنید.

۳ - در حدیث است که امام صادق (ع) فرمود: بر تمام نمازها، و بویژه بر نماز وسطی و نماز عصر محافظت نمایید، و با حالت خضوع و فروتنی برای خدا قیام کنید و خدا را عبادت کنید.

۴ - همچنین از طریق اهل تسنّن وارد شده که ابن عمر گفت : حفصه دختر عُمَر دستور داد که مصحف و قرآنی برای او نوشته شود، و به نویسنده گفت : وقتی به آیه نماز رسیدی ، به من نشان ده تا دستور دهم که آن را به همان صورت که از رسول خدا (ص) شنیده ام بنویسی ، وقتی وی آن را به او ارائه داد، دستور داد که بنویسد: بر همه نمازها و به خصوص بر نماز وُسْطَى و نماز عصر محافظت نمایید، و با حالت خضوع و فروتنی برای خدا قیام نموده و خدا را عبادت کنید.

۵ - و ابو جعفر بن بابویه نیز در کتاب مَعَانِی الاخبار در باب معنای نماز وسطی مشابه این حدیث را از عایشه روایت نموده است (۱۰۴).

۶ - و نیز عبدالله بن سلیمان بن اشعث سجستانی در جزء اوّل کتاب جمعُ الْمَصَاحِف شش حدیث پیرامون اینکه این آیه شریفه به همین صورت در مُصَحَّف عایشه بوده ، و هشت حدیث درباره اینکه آیه شریفه به همین صورت در مُصَحَّف حَفْصه ، و دو حدیث درباره اینکه به همین صورت در مُصَحَّف اُمّ سَلَمه بوده ، ذکر کرده است .

بنابراین ، تعیین اینکه نماز وسطی همان نماز ظهر است از هر طریق فَرِیقَیْن (شیعه و سنی) روایت شده است .

۸ - همچنین شیخ بزرگوار محمّد بن علی کراجکی در نامه ای که به فرزند خویش نوشته ، در رابطه با فضیلت نماز ظهر روز جمعه ذکر کرده (درست به همین لفظ) که : ای فرزند عزیزم ، برای نماز ظهرِ این روز شرافت بزرگی است ، و آن اوّلین نمازی است که بر سرورمان رسول خدا(ص) واجب شده است . و روایت شده که آن ، همان نماز وُسْطَى است که خداوند متعال در امر به محافظت بر تمام نمازها، آن را به صورت جداگانه ذکر نموده و فرموده - جَلَّ مِنْ قَائِلٍ - که : حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى .

۹ - و کراجکی نیز حدیثی را که ما پیشتر به نقل از زراره از محمد بن مسلم ذکر نمودیم ، روایت کرده است .

۱۰ - همچنین در یکی از کتابهای اصول به نقل از ابی بصیر آمده که امام صادق (ع) فرمود: نماز وسطی همان نماز ظهر است ، و آن نخستین نمازی است که خداوند بر پیامبر گرامی اش (ص) نازل فرموده است .

۱۱ - و باز در نسخه قدیمی و زیبای کتاب تفسیر قرآن از صادقین (امام صادق و باقر) (علیهماالسلام) که هم اینک نیز در نزد ما موجود است ، چهار حدیث به چند طریق از امام باقر و صادق (علیهماالسلام) دیدم که : نماز وسطی همان نماز ظهر است . و رسول خدا(ص) پیوسته می فرمودند: بر همه نمازها و به خصوص بر نماز وسطی محافظت نمایید.

۱۲ - همچنین در آن کتاب بعد از این احادیث ، دو حدیث دیگر نیز در این باره ذکر نموده است .

۱۳ - افزون بر این ، ابوجعفر محمد بن بابویه در کتاب معانی الاخبار نیز نظرش این است که : نماز وُسطی ، همان نماز ظهر است و روایاتی از سوی طریقیّین (شیعه و سنی) در این باره ذکر نموده است .

۱۴ - همچنین وی در کتاب مدینه العلم روایت کرده که امام صادق (ع) فرمود: نماز وسطی همان نماز ظهر، و نخستین نمازی است که خداوند بر پیامبرش (ص) واجب فرموده است .

معنای وُسطی

۱ - شاید مراد از وُسطی همان عُظمی و نماز بزرگ باشد، چنانکه خداوند متعال در جای دیگر می فرماید:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا. (۱۰۵)

- و اینچنین خداوند شما را امت بزرگی قرار داد.

۲ - ممکن است که به معنای نماز میانه باشد، زیرا نماز ظهر ما بین دو نماز از نمازهای روز (صبح و عصر) واقع است ، و نیز در میانه و وسطِ ظهر قرار دارد.

در شگفتم که چگونه تعظیم نماز ظهر و اینکه آن همان نماز وسطی است بر بعضی مخفی مانده است ، با اینکه :

اولاً: همگان اتفاق دارند که آن ، اولین نمازی است که واجب شده .

ثانیاً: که نماز جمعه ای که واجب است در آن وقت واقع است .

ثالثاً: وقتی که دعا در آن مستجاب می شود در آن قرار دارد.

رابعاً: آن هنگام ، وقتِ گشوده شدن درهای آسمان و وقتِ نمازِ اولین است .

خامساً: وجود اینکه در روایت نماز عصر بر آن عطف شده (۱۰۶) و امور دیگر از این قبیل .

فصل شانزدهم : اعمال وقت زوال آفتاب و ظهر

دعا و تضرّع و زاری

وقت زوال و ظهر، جایگاه ویژه برای اجابت دعا، و تضرّع و زاری است .

۱ - در روایت آمده که عبدالله بن حماد انصاری می گوید: شنیدم که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که آفتاب به نقطه زوال می رسد و ظهر می شود، درهای آسمان و درهای بهشت ها گشوده می شود، و حاجتهای بزرگ برآورده می گردد. وی می گوید: عرض کردم : تاچه هنگام ؟ فرمود: به مقداری که بتوان چهار رکعت نماز به آرامی بجا آورد.

۲ - نیز در روایتی محمد بن مسلم می گوید که از امام باقر (ع) درباره رکود و بر جای ماندن آفتاب در هنگام زوال و ظهر پرسیدم . حضرت (در ضمن حدیث طولانی که ما مطالب غیر مرتبط به بحث را حذف نموده ایم) فرمود: ای محمد، چقدر جثه تو کوچک و پرشت مُشکل است . ولی تو شایسته جواب هستی ، سپس فرمود: وقتی شعاع آفتاب به مُنتهای عرش می رسد، فرشتگان ندا می دهند که :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

- معبودی جز خداوند نیست ، خداوند بزرگتر است ، و پاک و منزّه است خداوند، و حمد و سپاس خدایی را که کسی را به فرزندی نگرفته ، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرست و یاری گری از روی ذلت و ناتوانی برای او وجود ندارد، و او را با بزرگ دانستن ویژه بزرگتر بدان .

وی می گوید: عرض کردم : فدایت گردم ، آیا برگفتن این سخن در هنگام زوال محافظت نمایم ؟ فرمود: بله ، بر آن محافظت کن ، چنانکه از چشمانت محافظت می کنی ، همواره ملائکه با همین تسبیح ، خداوند متعال را در آن فضا تسبیح می گویند، تا اینکه آفتاب غروب می کند.

۳ - همچنین در روایتی آورده ، آمده است : امام باقر (ع) فرمود که رسول خدا(ص) فرمودند: هنگامی که آفتاب به نقطه زوال رسید و ظهر شد، درهای آسمان و درهای بهشتها گشوده می گردد، و دعا مستجاب می شود، پس خوشا به حال کسی که عمل شایسته ای از او در این هنگام بالا برده شود!

۴ - به نقل دیگر در ادامه روایت فوق از امام باقر (ع) آمده است پس خوشحال به حال کسی که در این هنگام عمل شایسته ای برای او به بالا برده شود.

۵ - در فصل چهل و یکم همین کتاب که پیرامون دعاها و ساعات می باشد نیز برخی از روایات پیرامون علّت گشوده شدن درهای آسمان برای دعا در هنگام زوال را ذکر خواهیم کرد.(۱۰۷)

۶ - باز در حدیثی آمده که امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که آفتاب به نقطه زوال می رسد، درهای آسمان گشوده می گردد، و بادهای رحمت الهی به وزش در می آید، و حاجتهای بزرگ در آن هنگام برآورده می شود.

۷ - در روایت دیگر به نقل از امام صادق (ع) آمده که : اگر حاجتی به درگاه خداوند داشتی ، در هنگام زوال آفتاب آن را بخواه .

۸ - و بالاخره روایت شده که امام باقر(ع) فرمود: پدر بزرگوارم پیوسته می فرمود: اگر حاجتی به درگاه الهی داشتی ، در همین ساعت و لحظه ، یعنی هنگام زوال آفتاب بخواه .

ذکر دعاهایی که جهت استجابت دعا پیش از آن خوانده می شود

حال که این وقت ، وقتِ ویژه اجابت دعا و رسیدن به امید، و دَرِ گشوده رحمت الهی است که خداوند - جلّ جلاله - به سوی آن رهنمون شده است . ما نیز افزون بر ذکر صفاتی که سزاوار است دعا کننده متّصف به آن باشد که گذشت (۱۰۸) در اینجا نیز دعاهایی چند که شایسته است کسی که می خواهد دعایش ردّ نشود، انجام دهد، ذکر می نمایم :

۱ - در روایت آمده که حضرت ابی الحسن علیّ بن محمّد عسگری (ع) به نقل از پدران بزرگوارش (علیهم السلام) فرمود:  
هرکس این دعا را [که در ذیل می آید] پیش از دعا بخواند، دعایش مستجاب می گردد.

۲ - در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس دوست داشته باشد که دعایش ردّ نشود، پیش از دعا بگوید:  
ما شاءَ اللهُ تَوَجُّهًا إِلَى اللهِ، ما شاءَ اللهُ تَعَبُّدًا لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ تَلَطُّفًا لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ تَذَلُّلًا لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ اسْتِنصَارًا بِاللَّهِ، ما شاءَ اللهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ تَضَرُّعًا إِلَى اللهِ، ما شاءَ اللهُ اسْتِعَانَةً بِاللَّهِ، ما شاءَ اللهُ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

- ما شاءَ اللهُ (یعنی هر چه خدا خواست همان می شود) از روی توجّه به سوی خدا، ما شاءَ اللهُ از روی پرستش خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی اظهار فروتنی به درگاه الهی ، ما شاءَ اللهُ از روی اظهار ذلّت و افتادگی به درگاه الهی ، ما شاءَ اللهُ از روی یاری جویی از خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی خضوع و استکانت برای خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی تضرّع و زاری به درگاه الهی ، ما شاءَ اللهُ از روی کمک طلبی و پناهنده شدن به خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی یآوری جستن از خداوند، هر چه خدا بخواهد همان می شود، هیچ دگرگونی و نیرویی وجود ندارد مگر به [وسیله] خداوند بلند مرتبه بزرگ .

۳ - از جمله دعاها و تضرّعهایی که هنگام ظهر گفته می شود، دعایی است که جدّم ابی جعفر طوسی در مصباح کبیر(۱۰۹) ذکر فرموده ، که از دعاهای سرّ است :

اِئَلَّهِمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ جُمْلَتُهُ وَ تَفْسِيرُهُ، كَمَا اسْتَخَمَدْتَ بِهِ إِلَى اَهِلِّهِ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ وَ اِئَلَّهِمَّتَهُمْ ذَلِكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ. اِئَلَّهِمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ الْحَمْدَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيتَ عَنْهُ، لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ. اِئَلَّهِمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا رَضِيتَ بِهِ لِنَفْسِكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ، حَمْدًا مَرْغُوبًا فِيهِ عِنْدَ [اِئَلِّ] الْخَوْفِ مِنْكَ بِمَهَابَتِكَ، وَ مَرْهُوبًا عَنْ (۱۱۰) اِئَلِّ الْعِزَّةِ بِكَ لِسَطَوَاتِكَ، وَ مَشْكُورًا عِنْدَ اِئَلِّ الْاِنْعَامِ مِنْكَ لِاِنْعَامِكَ.

سَبِّحَانَكَ رَبَّنَا، مُتَكَبِّرًا فِي مَنْزِلَةٍ، تَذْهَدُّهُتْ اَبْصَارُ النَّاْظِرِينَ، وَ تَحَيَّرَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ بُلُوْغِ عِلْمِ جَلَالِهَا، تَبَارَكْتَ فِي مَنَازِلِكَ الْعُلَى ، وَ تَقَدَّسَتْ فِي الْاَلَاِ اَتَى اَنْتَ فِيهَا. يَا اَهِلَّ الْكِبْرِيَاءِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ الْكَبِيرُ، لِلْفَنَاءِ خَلَقْتَنَا وَ اَنْتَ الْكَائِنُ لِلْبَقَاءِ، فَلَاتَفْنِي وَ لَا نَبْتِي ، وَ

أَنْتَ الْعَالِمُ بِنَا، وَ نَحْنُ أَهْلُ الْغِرَّةِ بِكَ وَ الْغَفْلَةُ عَنْ شَأْنِكَ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا تَغْفُلُ، وَلَا تَأْخُذُكَ سِنَّهُ وَلَا نَوْمٌ، بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعْجِرْنِي مِنْ تَخْوِيلِ مَا أَعْنَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، يَا كَرِيمُ.

- خداوندا، پروردگارا، حمد و ستایش همگی همراه با تفسیر و توضیحش [یا: حمد و ستایش، خواه به صورت اجمال و خواه به صورت تفصیلی] برای توست، به همان صورتی که از اهل حمد و ستایش آنان را برای آن آفریده و آن گونه ستایش کردن را به طور کامل را به آنان الهام فرمودی - می خواهی که آن گونه ستایشت کنند، خداوندا، پروردگارا، تو را ستایش می نمایم، همچنانکه ستایشت را مایه خشنودی خود از کسانی قرار دادی که به واسطه ستایشت از آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمت را بجا آورند. خداوندا، پروردگارا، تو را ستایش می نمایم، چنان ستایشی که آن را برای خود پسندیده و بر بندگانت واجب نمودی، ستایش که مورد پسند کسانی باشد که به واسطه هیبت و بیم از تو می هراسند، و کسانی که به واسطه سلطه و غلبه تو، به تو سرافراز گشته اند، از آن بیم دارند، و در نزد کسانی که به آنان انعام نموده ای، به واسطه انعامت مورد سپاس آنان است. پاک و منزّهی تو پروردگارا، در حالی که در منزلت خود متکبر هستی، چنان مقام و منزلتی که دیده های ببینندگان از نیل به دانش جلال و عظمت تو واژگون، و عقلها سرگشته اند. و در منازل ولایت بلند مرتبه ای، و در نعمتهایی که در آن قرار داری پاک و بی آلاشی، ای اهل کبریا و بزرگمنشی، معبودی بزرگ جز تو وجود ندارد، ما را برای فنا و نابودی آفریدی، و تو برای بقاء و پابندگی هستی، پس تو نابود نمی شوی و ما پایدار نمی مانیم، و تو به ما آگاهی، و ما به تو فریفته شده و از مقام تو غفلت داریم، و تو هیچگاه دچار غفلت نمی گردی، و نه چرت تو را فرا می گیرد و نه خواب، ای سرور من، به حقّ خویش بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از تغییر نعمتهایی که در دین و دنیا به من ارزانی داشته ای، در پناه خویش درآور، ای بزرگوار. راوی حدیث می گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمود که خداوند متعال فرمود: هرگاه بنده این کلمات را بگوید، تمام اموری را که برای بندگان صالح و شایسته ام کفایت می کنم، برای او نیز عهده دار می شوم، و به خشنودی خویش از او درمی گذرم، و او را ولیّ و دوست خود قرار می دهم.

فصل هفدهم: اسرار نماز و ذکر نافله های ظهر

قابل توجه است که این فصل مطالب چندی را در بردارد:

مطلب اوّل: اسرار نماز، و مراقبه قلبی و مراعات ادب و حفظ حرکات و سکنت در نماز.

مطلب دوّم: ذکر نافله های نماز ظهر، که نماز آوایین نامیده می شود، و اینکه دعا در آن هنگام در نزد خداوند اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ مستجاب می گردد.

مطلب سوم: ذکر استخاره هنگام نافله های نماز ظهر، بر اساس روایتی که در این باره ذکر خواهد شد.

باید توجّه کرد که نماز مشتمل است بر:

۱ - نیت نماز.

۲ - لفظ تکبیر.

۳ - لفظ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ: (روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد).

۴ - حمد و ستایش و تمجید خدا.

۵ - ادّعی عبادت و یاری جستن از خداوند جلّ جلاله .

۶ - دعاهاى مختلف .

۷ - قرائت قرآن .

۸ - اظهار فروتنی و رکوع .

۹ - سجده و کرنش و خشوع .

۱۰ - شهادت به یگانگی خداوند جلّ جلاله .

۱۱ - شهادت به رسالت ربّانی رسول خدا، حضرت محمد(ص )

۱۲ - صلوات بر او و خاندانش .

۱۳ - سلام نماز.

۱ - نیت نماز

پیرامون نیت نماز، باید دانست که اگر از بندگانی باشی که در تمام حرکتهای و سکون خود با خداوند - جلّ جلاله - معامله نموده ، و

همواره متوجّه او هستند، به معنای فرمایش خداوند - جلّ جلاله - معرفت دارند، آنجا که در آیات محکم خویش می فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (۱۱۱)

- و جنیان و انسانها را نیافریدم ، مگر اینکه مرا پرستند.

مسلماً همواره خود را مهيای فرمانبری از اوامر او نموده ، و دستور خدا به نماز را امتثال کرده ، و او را برای اینکه ذاتاً مستحقّ

عبادت است پرستش می کنی ، چنانکه اگر خود را برای ورود شخصیت بزرگوار و ارجمندی آماده کرده باشی ، حتماً وقتی او را می

بینی برای احترام و تعظیم او بپا ایستاده ، و به محض دیدن او به وی روی آورده و توجّه می کنی ، و یا اگر خود را برای ورود پیکی

که در نزدت ارجمند است مهیا نموده باشی ، وقتی چشم تو به او، و چشم او بر تو افتاد و پیام پیک را شنیدی ، بدون تردّد و دودلی زود او را پذیرفته ، و نیازی به تجدید نیّت پیدا نمی کنی .

اما اگر از پروردگارت غافل باشی و توجّهت به دنیا و هوا و هوس خویش باشد، هنگام حضور در نماز نیاز پیدا می کنی که دل گریخته ات را با افسار رشته عقل و لبّ خویش حاضر ساخته ، و آن را به ایستادن در پیشگاه مولایت وادار نمایی ، و به یادش آوری که او تو را خوانده و تو را می بیند، و با عقل و قلب خویش قصد کنی که او را از آن جهت که شایسته عبادت است بپرستی ، و در محضر مناجات با او همانند سعادتمندان وارد شوی .

و اگر نماز، نماز واجب و آدا باشد، نیّت می کنی که : این عبادت را به جهت وجوبش به صورت ادا به جا می آورم ، و اگر قضا باشد، قصد می کنی که آن را به صورت قضا بجا می آورم ، و چه آدا باشد و چه قضا، نیّت می کنی آن را برای عبادت و پرستش خداوند - جلّ جلاله - انجام می دهم .

## ۲ - ذکر تکبیره الاحرام

شایسته است هنگام گفتن الله اکبر آن را به عنوان معامله با خداوند - جلّ جلاله - و قصد عبادت بگویی ، نه با حال غفلت و بر طبق عادت . و دیگر اینکه در گفتن آن صادق باشی .

### معنای تکبیر

اما درباره معنای الله اکبر در روایت آمده که مردی در محضر امام صادق (ع) گفت : الله اکبر، حضرت فرمود: خداوند از چه چیز بزرگتر است ؟ آن مرد گفت : از هر چیز. امام صادق (ع) فرمود: خدا را محدود نمودی . آن مرد گفت : چگونه بگویم ؟ حضرت فرمود: بگو خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود.

علّت اینکه حضرت (ع) فرمود: خدا را محدود نمودی ، آن است که وقتی خداوند - جلّ جلاله - با اشیاء مقایسه شود و در حالی که همه اشیاء غیر او مُحَدَث و پدید آمده هستند، و هر پدید آمده ای محدود است ، مسلّم هرکس به این صورت معتقد باشد و خداوند را در ردیف و بزرگتر از آنها بداند، خداوند - جلّ جلاله - را محدود قرار داده است .

و علّت اینکه حضرت (ع) فرمود: خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. آن است که علی التّحقیق صفات خداوند - جلّ جلاله - بر او احاطه ندارند، بلکه تنها به خاطر ضیق عبارت بر اهل توفیق و تصدیق ، خداوند - جلّ جلاله - و رسولش (ع) الفاظی را پیرامون توصیف جلال الهی به اندازه قصور [یا: تصوّر] دانش بندگان به آنان آموخته اند تا هنگامی که می خواهند خدا را توصیف کنند بر زبان جاری سازند.

مقصود از عبادت بودن تکبیر

و معنای به قصد عبادت گفتن تکبیر این است که : خداوند - جلّ جلاله - در قلب عقلت ، به همان اندازه ای که خدا از شناخت ذات و صفات کاملش به تو عنایت فرموده ، عظمت داشته باشد، و مقصودت از این اعتقادی که به عظمت خداوند داری ، و از الله اکبر گفتن ، تنها عبادت او باشد از آن جهت که او زبینه عبادت است .

مقصود از صدق در گفتن تکبیر

و مقصودم از صدق در گفتن تکبیر آن است که کردارت با گفتارت موافق باشد، به گونه ای که هنگام گفتن آن باطنت با ظاهر - در اینکه ادّعا می کنی چیزی بزرگتر از خداوندی جلّ جلاله در قلب و عقل و نفس و نیت وجود ندارد، و هیچ چیز نزد من از او عزیزتر نیست - باهم موافق باشند، و هیچ چیز در آن حال تو را به خود مشغول نسازد، چنانکه خداوند - جلّ جلاله - با بیان صریح قرآن مبین در تهدید کسانی که دیگری را بر خدا مقدّم می دارند، می فرماید:

قُلْ: إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا، أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ، فَتَرْبِضُوا، حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. (۱۱۲)

- بگو: اگر پدران و پسران و برادران و همسران و بستگان و تبارتان و اموالی که بدست آورده اید، و تجارتی که بیم کساد و بی رواجی آن را دارید، و مسکنهایی که می پسندید، در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه خدا محبوبتر است ، پس منتظر بمانید تا خداوند امر خویش را بیاورد، و خداوند گروه گناهکار و فاسق را هدایت نمی نماید.

بنابراین ، هرگاه دیدی عقل و قلب و نفس تو، غیر خدا را بر خداوند - جلّ جلاله - برگزیده و مقدّم می دارد، بدان که به خاطر همین گناهت ، مشمول تهدید و خشم خداوند عالمیان - جلّ جلاله - شده ، و هدایت او شامل حال تو نشده و از فاسقین به حساب می آیی .

در روایات نیز مشابه این مطلب با توضیح بیشتر از آنچه که در قرآن وجود دارد و مورد قبول عقل نیز هست ، آمده است . چنانکه روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هیچ کس ایمانش به خداوند خالص و ناب نمی گردد، تا اینکه خداوند در نزد او محبوب تر از خویشتن و پدر و مادر و فرزندان و فامیل و از همه مردم باشد.

و باز پیرامون اینکه با مقدّم داشتن دیگری بر رسول خدا - صلوات الله علیه - ایمان حقیقی برای مردم حاصل نمی شود، رساتر از این در روایت آمده است ، که پیامبر اکرم (ص) فرمود: هیچ بنده ای ایمان نمی آورد، تا اینکه من در نزد وی ، محبوبتر از خود وی باشم ، و اهل بیت من در نزد او محبوبتر از اهل و فامیلش باشند، و فرزندانم محبوبتر از فرزندان او باشند، و وجود من محبوبتر از وجودش باشد.

بنابراین ، وقتی رسول خدا - صلوات الله علیه - مقدّم داشتن دیگری بر خود را، صحیح و درست نداند، چگونه با ترجیح غیر بر خداوند - جلّ جلاله -، ایمان حاصل خواهد شد؟!



۳ - ذکر توجّه و گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ...

پیرامون توجّه ، در نماز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: وقتی حضرت علی (ع) برای اقامه نماز می ایستاد، وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ: (روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد.) می فرمود، رنگ صورت مبارکش دگرگون می شد، به حدّی که در چهره اش نمایان می گردید.

۲ - نیز در حدیث آمده که: حضرت امام حسن بن علی (ع) هرگاه از وضوء گرفتن فارغ می شد، رنگ چهره اش دگرگون می شد. در این باره از آن بزرگوار پرسیده شد. فرمود: کسی که می خواهد بر خداوند صاحب عرش - جلّ و عزّ - وارد شود، شایسته است که رنگش دگرگون شود.

۳ - همچنین روایت شده که مولایمان امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که وقت نماز می رسید، پوست بدن علی بن الحسین (ع) می لرزید، و رنگش زرد می شد، و مانند شاخه [ویا: برگ] خشک درخت خرما به خود می لرزید.

۴ - مشابه آنچه که درباره مولایمان علی (ع) در هنگام گفتن لفظ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ نقل نمودیم، درباره مولایمان امام زین العابدین (ع) نیز روایت شده است.

۵ - همچنین این دو بزرگوار هنگامی که شروع به خواندن دعای توجّه می نمودند، رنگشان زرد گشته ، و خوف از خداوند - جلّ جلاله - بر آنان نمایان می شده ، زیرا به شکوه و هیبت پادشاهی که در پیشگاهش می ایستاده اند، معرفت و آگاهی داشته اند.

۶ - باز در جای دیگران کتاب مطالبی پیرامون خوف پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت معصوم (علیهم السلام) هنگام ادای نماز خواهد آمد (۱۱۳)، که یقیناً از این جهت ، از ایشان و تبعیت نمی کنی و بر خلاف آنچه که ایشان با پادشاه عالمیان معامله می کرده اند، می باشی .

حضور قلب در هنگام ورود در نماز

اکنون می گویم: بر ما همگی واجب است ، به خاطر هیبت و احترامی که خداوند - جلّ جلاله - ذاتاً مستحقّ آن است از او بیم داشته باشیم ، ولی چنان غافلیم که نه تنها از او بیم نداریم ، بلکه به جهت پیروی از خوف معصومین (علیهم السلام) که مقتدا و الگوی ما در عبادات الهی هستند، از خدا نمی هراسیم ، و همچنین به خاطر مخالفت‌های پی در پی خود با خواسته های او و کوچک شمردن امر و نهی و حبّ و قرب و مناجات مقدّسش نیز از او بیم نداریم . و این نادانی بزرگی به معبود است که به جهل منکران و کافران نزدیک است .

بنابراین ، شایسته است که بنده هنگام گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ: تحقیقاً توجّه کند که در محضر حضرت حقّ است ، و اینکه مقصود خداوند - جلّ جلاله - و رسولش (ص) از گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ... این نیست که: تنها صورتم را برای

خداوندی که آسمانها و زمین را پدید آورد، رو به قبله نموده ام ؛ بلکه منظور این است که صورتِ قلب و عقل خویش را از منحرف شدن و توجّه به غیر او - جلّ جلاله - از تمام امور خوشایند و ناخوشایند، به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد. به بعضی از عارفان گفته شد: چه نیکو با صورت ظاهر در نماز اقبال و توجّه داری ؟ فرمود: اگر صورت ظاهر من منحرف نشود، صورتِ دلم بسیار منحرف می شود.

بنابراین ، وقتی صورتِ قلب بکلی به خداوند - جلّ جلاله - اقبال و توجّه داشته باشد، اعضا و جوارح نیز بر اساس هدفی که برای آن آفریده شده اند یعنی عبادت و پرستش حضرت حقّ، بر خداوند - جلّ جلاله - توجّه می کنند، زیرا رابطه آنها با قلب مانند فرمانروا و رعیت است .

اختلاف حالات نمازگزاران در هنگام دخول در نماز

۱ - اگر نمازگزار با این حالت وارد نماز شود، همانند کسانی که به خدا توجّه دارند وارد نماز شده است ، و اگر این حالت تا پایان نماز استمرار داشته باشد، به آمال و آرزوی خویش نایل و کامیاب خواهد شد.

۲ - اگر نمازگزار در حالی که مولای او وی را مشاهده می کند، بلغزد و از او روی برگرداند، حالش بسان حال لغزش کنندگان خواهد بود که هنگام گام برداشتن در مسیر، گاهی افتاده و گاهی می ایستند، و چه بسا همین لغزش ، دنیا و آخرت وی را تباه نموده و به واسطه آن ، اقبال و توجّه به پروردگارش - جلّ جلاله - و خشنودی او از دستش برود.

۳ - اگر نمازگزار در حال گفتن وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ از هیبت قرار گرفتن در محضر حضرت حقّ و رعایت حرمت او که واجب است ، غفلت داشته باشد و یا خود را به غفلت بزند، در این گفتارش که می گوید: با تمام وجود به خداوندی که آسمانها و زمین را پدید آورده ، توجّه نموده و روی آورده ام . دروغگو بوده ، و نمازش را با خیانت و دروغ و بهتان آغاز نموده است . و حال کسی که آغاز نمازش تصریح به دروغ و باطل و دشمنی باشد، چگونه خواهد بود؟ آیا مستحقّ ذلّت و خواری نخواهد بود؟!

۴ - اگر نمازگزار در حال قیام برای انجام نماز و وارد شدن در آن صفت شخص تنبل و کسی را داشته باشد که نماز را بر خود سنگین می داند، لازم است حال کسانی را که با حالت کسالت و تنبلی به نماز می ایستند در صریح قرآن بنگرد، (۱۱۴) و با خود بیاندیشد که اگر پیش از حضور در این نماز، دوستی یا برخی از یاوران پادشاه ، که محبوب اوست بر او وارد می شدند، چگونه برای احترام آنان بپا می خاست و بدون احساس تنبلی و سنگینی بر آنان و توجّه می نمود، و لازم است بداند که خداوند - جلّ جلاله - محقّقاً در نزد او از بندگان پست تر است . و چه خطر هولناکی !

۴ - آداب ستایش و ثنای پروردگار

در خطبه کتاب گذشت که : ستایش و تمجید از وظایف کسانی است که میان خود و خداوند - جلّ جلاله - از تمام خیانتها و گناهان رسته باشد، و اما کسی که امر واجب مهمّی که وقتش تنگ شده بر گردن اوست ، باید ابتدا چیزی را که مهمّتر است انجام

دهد و بعد چیز مهمتر در مرحله بعد و... و مهمترین واجب بر او پیش از وارد شدن در نماز و ستایش و تمجید پروردگار، توبه نمودن و بجا آوردن واجبات عینی متعین بر اوست، خواه واجبات قلبی باشند و یا بدنی و یا مالی و یا مربوط به اعمال دیگر.

۱ - از جمله آدابی که انسان باید هنگام ستایش و ثنای الهی رعایت کند، آن است که :

۱ - لذت و تعلق خاطرش به ستایش خداوند - جلّ و جلاله - و تمجید و ثنای و سپاسگزاری از او نزد او لذت بخش تر و محبوبتر از ستودن و مدح و ثنای تمام بندگانی باشد که در نزد او عزیز هستند و نیز از مدح و ستایش تمام اهل دنیا برای او در تمام امور باشد. و این ترجیح در محبت مدح و ستایش خداوند - جلّ جلاله - و شکر و سپاسگزاری از او باید به اندازه تفاوتی باشد که او - جلّ جلاله - در جلال و عظمت و حقّ انعام و بخشش با بندگانش دارد.

۲ - اگر بنده از بجا آوردن حقّ این مقام عاجز و ناتوان باشد، حداقل باید محبت مدح و ستایش و شکر و سپاسگزاری از خداوند - جلّ جلاله - در دلش، از مدح و ثنای اهل انعام از خلائق، یا شکر و سپاس از پادشاهان اسلامی ترجیح داشته باشد.

۳ - اما اگر حال بنده از این مقام نیز ناقص باشد، و در مدح و ثنای خداوند - جلّ جلاله - و شکر و سپاسگزاری او سببانه، از بردگان و بندگانش پست تر باشد، مسلماً ستایش و تمجید خدا را بسیار کوچک و سبک شمرده، و مستحقّ اموری خواهد بود که وعده عذاب و تهدید الهی متضمّن آن است.

آداب در هنگام گفتن : مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۱۱۵)

توجه داشته باش که یوم الدّین، روز حساب و عرضه بر پادشاه عالمیان و آشکار شدن باطن انسانهاست در محضر تمام کسانی که بنده اسرار خود را از آنان پنهان می کرد، لذا شایسته است که نمازگزار در این حال از اموری که در روز حساب و سؤال بیم آن می رود، بیم و هراس داشته باشد.

در روایت آمده که مولایمان امام زین العابدین (ع)، هم او که صاحب مقام والایی، در عبادت خداوند بود، هنگامی که مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ . می فرمود، مکرّر آن را قرائت می نمود، تا بحدّی که هرکس آن حضرت را می دید، گمان می کرد که حضرتش نزدیک است جان بسپارد.

وَمَا الْخَوْفُ مِنْهُ يَخْذَرُونَ، وَلَا الْخَنَا

عَلَيْهِمْ، وَلَكِنْ هَيْبَةُ هِيَ مَا هِيَ (۱۱۶)

- این بزرگواران به خاطر خوف گناه، از خدا نمی هراسند، و هیچ نقصی در اعمالشان، و یا سخن نامربوطی در گفتارشان نیست، بلکه به خاطر هیبت و بیم از عظمت الهی چنینند، هیبتی آنچنانی که قابل توصیف نیست.

و خود آگاهی که مولایمان امام زین العابدین (ع) الگو و مقتدای ما در امور دنیوی و آخروی است، پس با توسل جستن به هدایت و انوار خداوند - جلّ جلاله - سوار بر مرکبهای یقین، گام به گام از او پیروی کن، که خداوند - جلّ جلاله - قادر است تو را به مقامات عارفان که خود سبحانه زبینه آن است، نایل گرداند.

۵ - آداب در هنگام گفتن: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** (۱۱۷)

توجه داشته باش که شایسته است بنده در هنگام گفتن **إِيَّاكَ نَعْبُدُ** صادق باشد. و مقصودم از این سخن آن است که: هنگام به زبان آوردن آن مقصود عبادت خداوند - جلّ جلاله - به امید نیل به منافع زودرس دنیوی یا ثواب دیررس آخروی، یا دفع اموری که در دنیا یا در روز قیامت که مردگان به اراده خداوند سبحان زنده می شوند - از آن بیم داری باشد، در حقیقت نفس خود را عبادت نموده ای، و عبادت به خاطر نفس خویش و برای امیال و خواسته ها و لذات بوده، و از آن جهت که خداوند - جلّ جلاله - شایسته عبادت است او را عبادت ننموده ای، لذا **إِيَّاكَ نَعْبُدُ** گفتن تو دروغ و بهتان بوده، و تو را از نیل به کامیابی و رسیدن به سلامت و نیکبختی جلوگیری نموده، و نامت در دیوان و دفتر دروغگویان ثبت خواهد شد، و مسلماً با این کار نفس خویش را در معرض هلاکت و نابودی قرار خواهی داد. آیا کلام پاک و خجسته الهی را ننشیده ای که می فرماید:

**إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ . (۱۱۸)**

- تنها کسانی که ایمان نیاورده اند، به دروغ به دیگران افتراء می بندند.

و همچنین سزاوار است در گفتن **وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** نیز صادق باشی، و در دل حقیقتاً و یقیناً جز از خداوند - جلّ جلاله - یاری نجویی؛ زیرا اگر در این حال در دل از نیرو و قدرت خویش و یا از دنیا و یا مال یا از افراد نیرومند طرفدار خویش یا از آمال و آرزوها و امور دیگر غیر از اینها یاری بجویی، ولی در هنگام گفتن **إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** قصد کنی که یار و یاورى جز خدا نداری، دروغ گفته و خود را به خطر انداخته ای و خدا را خوار و کوچک شمرده، و به او بهتان زده ای، و مستحقّ عواقب کوچک شمردن مولای خود می گردی.

۶ - آداب نمازگزار در دعاهای نماز

اینک آدابی را که بنده باید در دعاهای نماز مانند **إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** و در هر جایی از نماز که از او خواسته شده با قلب سلیم و دل پاک دعا نماید - رعایت کند، ذکر می کنیم:

بخشی از مواردی را که تضرّع کنندگان به درگاه الهی باید رعایت کنند، همراه با شرح آن از دیدگاه عقل و نقل، پیش از این ذکر نمودیم (۱۱۹)، اینک می گوئیم:

مبادا به خصوص در هنگام مخاطب قرار دادن مولی و پروردگار خویش، از تهذیب نفس و دل خویش کوتاهی کنی؛ زیرا اگر در حال خواستن چیزی از خداوند - جلّ جلاله - حضور قلب نداشته باشی، یا غفلت داشته باشی، یا نسبت به جلالت و آن مقام کم

احترامی نموده و کوچک بشماری ، حال تو مانند آن خواهد بود که هنگام مورد خطاب قرار دادن پادشاهی از پادشاهان دنیا برای برآورده ساختن حاجتی ، پشت به او نمایی . آیا نمی دانی که اگر در حال سخن گفتن با پادشاهان پشت به آنها بکنی ، یا به جای اقبال و توجه به آنان ، به غفلت و کوچک شمردن آن سرگرم باشی ، مستحق آن می گردی که در جواب این عمل تو، تو را از حضورشان برانند، و از مهر و رحمتشان محروم گردانند؟ و چه بسا که اگر تو را در اثر این بی احترامی و اهانت به زندان ببندازند، و شکنجه و آزار بسیار دهند، باز باورت این خواهد بود که گناه شکنجه هایی که می کشی ، از توست . و خویشتن را مستحق مؤاخذه بر کوتاهی ات می بینی ؛ بنابراین ، نکند که احترام مالک دنیا و آخرت در نزد تو از حرمت پادشاهانی که یکی از بندگان او در این دنیای حقیر و فانی اند، کمتر باشد.

و اگر با ابتلا به این حالت غفلت که ذکر نمودیم ، اجابت دعاهایت به تأخیر افتاد، گناه از توست ، و خداوند - جلّ جلاله - به تو نیکی فرموده که عقوبت آن جنایتها و گناهانت را عفو نموده است .

و مبادا به قلبت خطور کند یا با زبان بگویی - چنانکه از برخی از غافلانی که حقیقت دین و ایمان در دلشان وارد نشده شنیده می شود که بر شیوه افزون طلبی می گویند - : ما دعا می کنیم و استجابت آن را به صورتی که در قرآن ذکر شده ، نمی بینیم . به گونه ای که گویی به پندار آنان خداوند - جلّ جلاله - در استجابت دعا، خُلف وعده نموده است . که این کار در نزد اهل ایمان بسان کفر است .

زیرا اگر شناخت یقینی به خداوند - جلّ جلاله - داشتند، بر گفتن این سخن اقدام نمی کردند که در محضرش - که عقل را می رُباید - بگویند که : تو به ما وعده دادی که دعایمان را مستجاب نمایی ، ولی در اجابت آن خُلف وعده نمودی . بلکه این سخنان به خاطر آن است که یا آنان هنگام دعا به حضرت حقّ معرفت و شناخت ندارند، یا هنگام ایستادن در محضر خداوند - جلّ جلاله - متذکر نیستند که در محضر مالک دنیا و دین قرار دارند. اینان شایسته آنند که خداوند - جلّ جلاله - از استجابت دعاهایشان روی برگرداند، و ایشان را همین بس که او - جلّ جلاله - از مؤاخذه آنان بر غفلتها و نادانی هایشان عفو نموده است .

در روایت آمده که به مولایمان امام صادق - صلوات الله علیه - عرض شد: چه شده ما را که به درگاه خداوند - جلّ جلاله - دعا می کنیم ، ولی دعایمان مستجاب نمی گردد؟ فرمود: زیرا شما نسبت به کسی که می خوانید، آگاهی و شناخت ندارید.

## ۷ - ذکر آداب معنوی قرائت قرآن

اینک آدابی را که باید بنده در نمازها به صورت اجمالی در هنگام قرائت تمام آیات قرآن رعایت کند ذکر می کنیم :

قابل توجه است که از جمله آدابی که باید بنده هنگام تکلم با مولایش که می داند به او می نگرد، رعایت کند این است که : ابتدا به مقام والای او توجه کند و متذکر شود که در محضر او قرار دارد. و نیز گوش فرا دادن به کلام او را برای خود مایه شرافت بداند و از آن احساس لذّت کند، و در برابر عظمت او مؤدّب باشد، سپس کلام مقدّس او را به نیّت نیابت از خداوند - جلّ جلاله - و

اینکه گویی خداوند خود کلامش را قرائت می نماید و نیز خداوند - جلّ جلاله - به او توجّه نموده و کلام پاکش را از او می شنود، تلاوت نماید.

بنابراین ، مبدا حال تو در هنگام تلاوت قرآن شریف پست تر از هنگامی باشد که برخی از کتابهای نگاشته شده را به منظور نزدیکی جستن به نویسندگان آنها که در تمام امور به آنان محتاج هستی - در حضور آنان قرائت می کنی ؛ زیرا خود آگاهی که هنگام خواندن کتابی حضور نویسنده آن تمام تلاش خود را در حضور قلب بذل می نمایی ، و در پاکیزه ساختن زبان خویش نهایت کوشش را می کنی ، و با تمام باطن و حفظ نمودن نفس خویش در حرکتها و سکنتات ، توجّه خویش را منعطف به او و خواندن کتابش می کنی ، پس مبدا خداوند - جلّ جلاله - در هنگام قرائت کلامش در نزد تو کمتر از سایر نویسندگان باشد، زیرا اگر خداوند - جلّ جلاله - را پست تر از این حال بشماری ، نسبت به هلاکت و استحقاق عقوبت نزدیکتر خواهی بود.

در این باره ، به کسی اقتدا کن که ادّعا می کنی به انوارش هدایت یافته و از راه و روشش الگو می گیری ، که روایت شده مولایمان جعفر بن محمد صادق (ع) در حال قرائت قرآن در نماز، حالت بی هوشی به او دست داد، وقتی به هوش آمد، از آن بزرگوار پرسیده شد: چه چیز باعث شد که شما به این حالت مبتلا شدید؟ حضرت فرمود (به این مضمون) که : پیوسته آیات قرآن را تکرار می نمودم ، تا اینکه به حالتی رسیدم که گویی آن را از کسی که نازل فرمود شفاهاً و به مکاشفه و عیان می شنوم ، لذا قوّه بشری تاب مکاشفه جلال الهی را نیاورد.

ای کسی که از حقیقت این مطلب آگاه نیستی ، مبدا آن را بعید بشماری ، یا شیطان در صحت آنچه که روایت نمودیم ، شکّ و تردید در تو ایجاد نماید، بلکه آن را باور کن ، آیا نشنیدی که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ، جَعَلَهُ دَكًّا، وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا. (۱۲۰)

- پس هنگامی که پروردگارش به کوه تجلّی فرمود، آن را فروپاشانند، و حضرت موسی [علیه السلام] بیهوش به زمین افتاد. و نیز در حدیث آمده که از حضرت صادق (ع) پرسیده شد: چگونه پیامبر اکرم (ص) برای مردم نماز می گزارد و قرآن قرائت می فرمود، ولی دلهای اهل ایمان خاشع و نرم نمی شد؟ فرمود: پیامبر اکرم - صلوات الله علیه - به اندازه ای که حال آنان تحمّل و توان داشت قرآن را برای آنان قرائت می فرمود. (البته ما این حدیث را به صورت مختصر ذکر نمودیم.)

بخشی دیگر صفات و حالات ابرار و نیکان در هنگام تلاوت قرآن کریم نیز که در جای جای این کتاب خواهد آمد، خود هشدار کاملی برای خردمندان است .

شایسته است بنده هنگام گفتن تکبیر رکوع ، با حالت ذلّت و خاکساری و خضوع ، و حضور قلب ، رکوع نموده ، و نیتش این باشد: مقصودم از رکوع ، عبادت خداوند و مالک دنیا و آخرت من است ، و در حال رکوع ذلّت بندگی را در برابر کمال جلال الهی نشان دهد. چه نیکو خداوند به گوینده این شعر الهام نموده که :

إِذَا كَانَ مِنْ تَهْوَى عَزِيزًا، وَلَمْ تَكُنْ

ذَلِيلًا لَهُ، فَاقْرَأَ السَّلَامَ عَلَى الْوَصْلِ

- هرگاه کسی که دوستش می داری عزیز و سرافراز بود، و تو ذلیل و خاکسار او نشدی ، پس بر وصل او بدرود گوی .

آیا نمی بینی که از ادب بندگان با پادشاهان دار نیستی و زوال این است که : وقتی با آنها ملاقات نموده و بر آنان روی می آورند، به قصد تعظیم و اجلال آنان برای آنان رکوع می کنند، و در این حالت متذکر می شوند که در پیشگاه آنان قرار دارند، و مقصودشان از این کار بزرگداشت آنان می باشد، پس چگونه تو برای خداوند که به اسرار انسان آگاه است و از هر بزرگی بزرگتر است ، بدون حضور قلب در پیشگاه خداوند و توجّه به او در برابر او رکوع و فروتنی می کنی .(۱۲۱)

از دیگر آدابی که نمازگزار باید در حال رکوع رعایت کند، آن است که اگر در حال رکوع این دعا را بخواند(۱۲۲) که :

[اَللّٰهُمَّ، اِلٰكَ خَشَعْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَ لَكَ اَسَلَمْتُ، وَ عَلَيَّكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّيْ ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِيْ وَ بَصَرِيْ وَ مَخْيِ وَ عَصَبِيْ ] وَ عِظَامِيْ [ وَ مَا اَعْقَلْتُهُ قَدَمَايَ، لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ .

- [خداوندا،] تنها برای تو خشوع نمودم ، و فقط به تو ایمان آوردم ، و تنها تسلیم توام ، و فقط بر توکل نمودم ، و تویی پروردگارم ، گوش و چشم و مغز و عصب [و استخوانها] و هر چه که قدمه‌هایم آنها را حمل می نماید [یعنی تمام اعضای بدنم ]، برای تو خشوع و فروتنی نموده است ، برای خداوندی که پروردگار عالمیان است .

توجّه داشته باشد که در این گفتار، صفات کسانی را ادّعا می کند که با تمام اعضای خویش حقیقتاً و یقیناً متوجّه خداوند گردیده و تسلیم و سرسپرده او گشته و بر او توکل نموده اند. پس مبدا عضوی از اعضای تو خضوع و خشوع نداشته و تسلیم خداوند - جلّ جلاله - نباشد، یا در امری از امور دنیا و دین بر خدا توکل ننموده ، و در نتیجه در این سخن از دروغگویان باشی ، که اگر نماز را با دروغ و بهتان بستن به خداوندی که مالک اولّین و آخرین است بجا آوری ، کدامین نماز برای تو باقی خواهد ماند؟

از جمله آداب رکوع که باید بنده رعایت کند این است که : پیش از ادای کامل انواع خاکساری بندگی برای مولای خود، در برداشتن

سر از رکوع شتاب ننماید، چنانکه از مقتدایمان روایت نمودیم و نیز در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: علیّ (ع) به

اندازه ای رکوع می نمود که عرق او جاری می شد، بحدّی که از طول ایستادن رکوع عرق بر گامهایش می ریخت .

ای کسی که نسبت به روح و قلب و بدن و جگر [ویا: درون] خود دلسوزی می کنی ، این بزرگواران کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده ، پس به راهنماییهای ایشان اقتدا کن .

از دیگر آدابی که باید در رکوع رعایت شود آن است که وقتی بنده - بعد از آنچه که ذکر نمودیم - سر از رکوع بلند کرد، باید سر برداشتن او، همراه با وقار و آرامش باشد؛ زیرا مولای او، او را می بیند؛ و هنگامی که :

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ.

- خداوند، ستایش هرکس را که او را می ستاید می شنود، خداوندی که اهل بزرگمنشی و عظمت و جود و کبر و سرکشی است .

می گوید، هنگام ذکر کبریا و عظمت و جبروت الهی دستهایش را به عنوان خاکساری برای معبود خویش دراز نماید، و هنگام ذکر جود و بخشش الهی با امیدواری آنها را بگشاید.

## ۹ - آداب سجده

توجه داشته باش از جمله آدابی که باید بنده در هنگام سجده رعایت کند این است که : خاکساری اش برای معبود در سجده افزون بر رکوع باشد، پس توجه داشته باشد که در محضر خداوند جلّ جلاله است ، و اینکه خداوند جلّ جلاله چنان عظمت و جلالی دارد که گفتار هیچ کس بدان احاطه نمی کند، و اینکه وی به ناتوانی و ناداری و بیچارگی و گناهای متّصف است که موجب فرومایگی او شده است ؛ سپس با ذلّت و خضوع و خشوع افزونتر از آنچه که در رکوع ذکر کردیم ، برای انجام سجده به پایین می رود؛ زیرا اگر بنده با غفلت از این امور، و از روی عادت و تنها با مراعات ظاهر سجده ، و بدون قصد عبادت مولای خویش و اقبال و توجه و مراعات ادب در پیشگاه او سجده بجا آورد، مانند کسی خواهد بود که در سجده اش بازی نموده ، یا از مالک و معبود خویش روی گردانده ، یا به او استهزا و ریشخند کرده است .

و اهل علم می دانند که رکوع و سجده از ارکان نماز هستند، و هرگاه بنده آن دو را در نماز خویش ، به عمد یا از روی سهو و فراموشی ، ترک کند بر اساس فتوای فقیهان و روایات نمازش باطل می شود.

و دیگر اینکه ، صاحب شریعت - صلوات الله علیه وآله - بدین جهت این به سوی مردم مبعوث که آنان را به معامله و بندگی غیر خدا دعوت نماید؛ بنابراین ، اگر در هدف از این گونه ذلّت و خاکساری و بندگی در هنگام رکوع و سجده توجه نداشته باشی ، فرق میان تو و مُنْکِران چیست ؟ و چه فرقی است میان تو و کسی که یاد خدا را فراموش ، و به امور و بیهوده مشغول گشته است ؟ بی گمان حضرت محمّد (ص) برای آن آمده که مردم را از عادت ، به سوی معبود فراخواند، پس مبادا از کسانی باشی بدون توجه به خداوند - جلّ جلاله - و حضور قلب در انجام خاکساری و بندگی برای او قیام و رکوع و سجده را به حسب عرف و عادت بجا



اگر در حال سجده این دعا را بخوانی (۱۲۳)

اَللّٰهُمَّ، لَكَ سَجَدْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَلَكَ اَسَلْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّيْ ، سَجَدَلَكَ سَمْعِيْ وَ بَصَرِيْ وَ شَعْرِيْ وَ عَصَبِيْ وَ مُخِّيْ وَ عِظَامِيْ ، سَجَدَ وَجْهِيْ اِلَى الْاَلْبَالِي الْاَفَانِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ. تَبَارَكَ اللهُ اَعْخَسَنُ الْخَالِقِيْنَ.

- خداوند، تنها برای تو سجده نمودم ، و به تو ایمان آوردم ، و تسلیم تو شدم ، و تنها بر تو توکل نمودم ، و تویی پروردگارم ، گوش و چشم و موی و عصب و مغز و استخوانهایم از آن توست ، روی [و وجود] پوسنده و فناپذیرم برای کسی که آن را آفرید و صورت نگاری نموده و برای او گوش و چشم قرار داده ، سجده نموده . منزّه و بلند مرتبه باد خداوند، که بهترین آفرینندگان می باشد. ولی تمام اعضایت با قصد خاکساری و تسلیم و توکل و خضوع و خشوع برای معبود سجده نکند، گویی که از معنای سجده خبری نداری ، و سخن و ادعایت دروغ و بهتان به مولایت خواهد بود. ای بیچاره ، وقتی که عبادتت همراه با دروغ و بهتان و اهانت باشد، چگونه نمازت درست خواهد بود؟

دیگر اینکه : اگر در سجده ات آرامش و آسایش و شادمانی ای را که دوست ، هنگام قُرب به محبوبش دارد احساس می کنی ، خوشا به حالت . وگرنه سجده ات نکوهیده و فاسد، و قلبت بیمار و دردمند است ، زیرا می دانی که در صریح قرآن آمده که :

وَاسْجُدْ، وَاقْتَرِبْ (۱۲۴)

- و سجده و کرنش نما، و به خدا نزدیک شو.

بنابراین ، قرآن شریف سجده را از نشانه های قرب عاشق وار به خداوندی که به اسرار آگاه است قرار داده ، پس تلاش کن که نَفَسَتِ قرب و نزدیکی به محبوب احساس کند؛ زیرا محبّت خداوند - جَلّ جلاله - از ثمرات قوّت شناخت جلال و بخشش بزرگ الهی است . چنانکه خداوند - جَلّ جلاله - گروهی را که به او معرفت دارند، ستوده و می فرماید:

يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ. (۱۲۵)

- خداوند آنان را دوست می دارد، و ایشان نیز او را دوست می دارند.

و در توصیف اهل نجات می فرماید:

وَالَّذِينَ اٰمَنُوا اَعْتَدْنَا لَهُمْ جَنَّاتٍ اَللّٰهِ. (۱۲۶)

- و کسانی که ایمان آورده اند محبّت بیشتری نسبت به خداوند دارند.

۱ - مبدا فریفته گفتار کسی باشی که می گوید: مقصود از دوست داشتن خداوند - جَلّ جلاله - همان طاعت و عبادت اوست .؛ زیرا اگر این گفتار را از کلام الگو و مقتدا و بزرگی برگرفته و گفته باشد، احتمال دارد که آن فرمایش به خاطر تقیّه ، و یا به جهت ضعف شنونده نسبت به شناخت اسرار ربّانی باشد.

۲ - اگر به خدا معرفت داشته باشی ، می بینی که محبت تو به خداوند - جلّ جلاله - پیش از طاعت و عبادت توست ، زیرا تو ابتدا نسبت به او به عنوان نعمت دهنده شناخت پیدا می کنی و آنگاه به او محبت می ورزی و سپس او را مستحق طاعت یافته و اطاعتش می نمایی . وگرنه این روایت را - که مورد اتفاق و پذیرش همگان است - چگونه معنی می کنی که :

جَبَلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَعْصَنَ إِلَيْهَا.

- دلها بر دوستی هرکس که به آنها نیکی کند، سرشته شده اند.

آیا می شود که دلها بر محبت بنده نیکوکار سرشته باشند، ولی نسبت به احسان خداوند - جلّ جلاله - محبت نداشته باشند؟! این را جز عقل غیر سلیم نمی پذیرد.

۳ - مسلماً می دانی که دوست داشتن خداوند - جلّ جلاله - یک عمل قلبی است ، ولی طاعت خداوند گاهی تنها عمل قلبی است ، و گاهی هم عمل قلبی و هم مربوط به اعضا و جوارح ظاهری ؛ پس چگونه می شود طاعتی که گاهی قلبی است و گاهی هم قلبی است و هم مربوط اعضا و جوارح ظاهری - و این دو، دو قسم جدا از هم هستند - یک قسم بشوند. و این مکابره و ستیزه جویی با امر روشن و آشکار است ، چگونه عملی که به وسیله جوارح ظاهری انجام می گیرد، عمل قلبی می شود؟! این مطلب در نزد کسی که عقلش محجوب نباشد، محال است .

۴ - گاهی انسان طاعات را انجام می دهد، در حالی که انجام آن بر انسان سخت است ، و گاهی قلبش از آنها یا از مکلف شدن به آنها کراهت دارد، پس اگر منظور از محبت ورزیدن بنده به خداوند - جلّ جلاله - همان طاعت بنده بود، در همان حال می بایست از محبت خدا بلکه از خود خداوند - جلّ جلاله - بدش می آمد، بلکه می بایست نسبت به با خداوند - جلّ جلاله - دشمنی می داشت ، زیرا دشمنی ضد دوستی است ؛ بنابراین هرگاه بنده از طاعت خدا - جلّ جلاله - بدش بیاید، باید از دوستی خداوند - جلّ جلاله - بدش بیاید، و با خداوند - جلّ جلاله - دشمنی داشته و کافر گردد.

آیا هیچ مسلمان صاحب معرفت عذر تو را در کافر خواندن کسی که از عبادتی خوشش نمی آید می پذیرد؟! و یا تو را در این گفتار یاری می کند؟!

۵ - آیا عقلت می پذیرد که فرمایش الهی - جلّ جلاله - پیش از این ذکر نمودیم ، به این معنی باشد؟! آنجا که می فرماید:

قُلْ: إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا، أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ، فَتَرْبِضُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. (۱۲۷)

- بگو: اگر پدران و پسران و برادران و همسران و بستگان و تبارتان و اموالی که بدست آورده اید، و تجارتی که بیم کساد و بی رواجی آن را دارید، و مسکنهایی که می پسندید، در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه خدا محبوبتر است ، پس منتظر بمانید تا خداوند امر خویش را بیاورد، و خداوند گروه گناهکار و فاسق را هدایت نمی نماید.

آیا عقل هیچ عاقلی می پذیرد که منظور از فرمایش الهی که می فرماید: **ءَحَبُّ إِلَيْكُمْ** و دوست داشتن چیزهایی را که خداوند سبحانه به شمار درآورد، طاعت و فرمانبری از آنها باشد؟!

فرض کن که این احتمال را درباره پدران و پسران و برادران و همسران و خویشاوندان درست بدانی و دوستی را به معنای فرمانبرداری از آنان معنی کنی ، آیا در فرمایش خداوند - **جَلَّ جلاله** - که می فرماید: **وَ اَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا، وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا، وَ مَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا** هیچ احتمال می دهی که دوست داشتن این چیزها (اموال و تجارت و مساکن ) به معنای طاعت و فرمانبری از آنها باشد؟!

پس مبدا چیز محال را بر عقل تحمیل کنی ، لذا تقلید از کسی را که می گوید: دوست داشتن بنده نسبت به خداوند **جَلَّ جلاله** ، همان طاعت و فرمانبرداری از اوست رها کن ، و حق را از هرکس که بگویند بپذیر، که دلیلها و حق بودن آن برای تو روشن گردید. ۶ - این بود بیان اینکه محبت بنده به خداوند - **جَلَّ جلاله** - امر قلبی است . و دوستی از اموری است که از ثمرات شدت معرفت خداوند - **جَلَّ جلاله** - است ، و شدت معرفت نیز به احسان اوست ، همان معرفت و احسانی که پیش از آگاهی بنده از مکلف بودن به دوستی خداوند - **جَلَّ جلاله** -، عقل و قلب بنده خود بخود او را به سوی دوستی مولایش سوق می دهند، پس چگونه خواهد بود وقتی که پی ببرد عقلاً و نقلاً نیز به دوست داشتن او مأمور است ؟!

زیرا اگر کسی ذاتاً کامل باشد، به خاطر کمالی که دارد محبوب دلها خواهد بود، و شخص نیکوکار به خاطر احسان و تفضلش ، پیش از شناخت و آگاهی از تکلیف به این محبتی که ذکر شد، مورد محبت قرار می گیرد، و حال آنکه شاعن و مقام خداوند - **جَلَّ جلاله** - بزرگتر، و احسانش فراگیرتر از آن است که توصیفی که ما از کمال و احسان و تفضلش می کنیم ، به مقام بزرگ او احاطه داشته باشد، پس لازم است که خداوند محبوب قلوب تمام کسانی باشد که او را به یقین شناخته و نسبت به احسانهای او در امور دنیا و دین آگاهی دارند.

فرق محبت و خشنودی خداوند با ثواب و عقاب او

شاید در روایات و یا گفتار برخی مشاهده شود که فرموده باشند: مقصود از محبت خداوند - **جَلَّ جلاله** - نسبت به بنده مطیع و یا خشنودی اش از او، همان ثواب دادن خداست ؛ و منظور از خشم و غضب خداوند - **جَلَّ جلاله** - نسبت به بنده نافرمانش ، همان عذاب اوست .

ولی پرواضح است که : تقلید از سخنان غیر معصوم که در این باره گفته شده ، عقلاً جایز نیست . اما روایت و منقول اگر از طعن و خرده گیری سالم بوده و از معصوم صادر شده باشد؛ شاید آن را از باب تقیه فرموده باشند، زیرا ایشان (علیهم السلام ) در تقیه هولناکی بوده اند، و ما در مطلبی که پیرامون اعتذار از مضمون کتاب کشی ذکر نمودیم - تقیه ایشان را روشن ساختیم ، زیرا

بسیاری از مخالفان ائمه و اهل تسنن قایل به این هستند که : محبت و رضایت خدا همان ثواب او، و غضب خدا، همان عذاب اوست

یا شاید ائمه (علیهم السلام) آن را به خاطر آشنا کردن و تقریب اذهان پرسش کنندگان یا شنوندگان بیان فرموده اند، زیرا درک و فهم بسیاری از شنوندگان از درک اسرار صفات خداوندی که پادشاه عالمیان است قاصر و ناتوان می باشد، لذا شاید ائمه (علیهم السلام) بیم آن را داشته اند که اگر به آنها بگویند که : خداوند - جلّ جلاله - دوست می دارد و خشنود می شود و غضبناک و خشمگین می گردد. زود به ذهن شنونده خطور کند که خداوند - جلّ جلاله - مانند دوستی و خشنودی طبایع بشری دوست می دارد و خشنود می گردد، یا همانند خشم و غضب دل‌های خاکی غضبناک و خشمگین می گردد، لذا حضرات ائمه (علیهم السلام) به اندازه کشش عقل پرسش کنندگان و شنوندگان ، با آنان سخن گفته اند.

اگر به برخی از روایات مربوط به این مطلب توجه کنی ، می بینی که دوستی و خشنودی و غضب و خشمی را که مزاجها به واسطه آنها تغییر می کند، و جز درباره اجسام که قابلیت آن را دارند، درست نیست ، نفی نموده اند، تا آنجا که همین مطلب را بر بعضی از پرسش کنندگان تقریب نموده و (بدین مضمون) فرموده اند که : غضب و خشنودی خداوند - جلّ جلاله - اشاره است به غضب و خشنودی اولیا و ویژگان درگاه الهی . و این در نزد عارفان صحیح است ؛ زیرا خواصّ درگاه الهی - جلّ جلاله - خشمگین و خشنود نمی گردند مگر بعد از غضب و خشنودی خداوند، زیرا ایشان (علیهم السلام) تابع و پیرو خداوند - جلّ جلاله - هستند، و هرگز در گفتار از او پیشی نمی گیرند، و تنها به فرمان او عمل می نمایند.

۲ - وآنکه عقلهای سالم وجداناً و عیاناً دریافت می کنند که معنای واژه حبّ و رضا، غیر از معنای لفظ ثواب ، و همچنین معنای غضب غیر از معنای عقاب است ، خواه درباره بندگان ، یا نسبت به ربّ الارباب .  
و این مطلب را فرمایش خداوند - جلّ جلاله - نیز به ما می آموزد آنجا که می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ، وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ. (۱۲۸)

- براستی که خداوند بسیار توبه کنندگان و پاکیزگی پذیران را دوست می دارد.

و نیز خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَاكَاءَ نَفْسِهِمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٌ. (۱۲۹)

- همانا خداوند کسانی را که در راه او با حالت صف کشیده می جنگند به گونه ای که گویی بنیان سربین هستند، دوست می دارد.

و همچنین خداوند - جلّ جلاله - درباره گروهی که حقیقتاً و یقیناً خداوند را می شناسند، می فرماید:

يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ. (۱۳۰)

- خداوند آنان را دوست می دارد، و ایشان نیز خدا را دوست می دارند.

و نسبت به خشم و غضب خود - جلّ جلاله - می فرماید:

فَلَمَّا أَسْفُونَا، إِنَّتَقَمْنَا مِنْهُمْ. (۱۳۱)

- پس هنگامی که بر ما خشم گرفتند، ما از آنان انتقام گرفتیم .

و گروهی از دانشمندان اهل لغت و مفسران یادآور شده اند که فرمایش خداوند - جلّ جلاله - یعنی أَسْفُونَا به معنای اءْغَضَبُونَا می باشد. جوهری در کتاب صحاح (۱۳۲) درست به این لفظ می گوید: وَ اءَسَفَ عَلَيْهِ اءَسْفًا، یعنی بر او غضب و خشم نمود، و اَسَفَهُ، یعنی او را به خشم آورد.

و طبرسی (۱۳۳) در تفسیر قرآن گفته است که :

فَلَمَّا أَسْفُونَا یعنی ما را به خشم آوردند، و غضب و خشم او سبحانه ، اراده عقاب آنان است . و نگفته است که : غضب خداوند همان عقاب آنان است .؛ بنابراین خداوند - جلّ جلاله - در این آیه ، پیش از عقاب نمودن آنان ، بر آنان اءَسَفَ (که همان غضب و خشم او - جلّ جلاله - است ) نموده ، و این تعبیر دیگر از انتقام است ، و این مطلب واضح و آشکار است .

۳ - علاوه چگونه مثل این بر صاحبان فهم و دانش مخفی می ماند، در حالی که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا، فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا، وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَ اءَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا. (۱۳۴)

- و هرکس به عمد مؤمنی را بکشد، جزایش جهنّم جاودانی خواهد بود، و خداوند بر او خشم نموده و لعنت فرموده و از رحمتش دور می گرداند، و عذاب و کیفر بزرگی برای او آماده خواهد نمود.

آیا نمی بینی که خداوند - جلّ جلاله - در صریح قرآن ، و بر اساس فهم خردمندان ، غضب را بر عذاب و عقاب و بلکه بر اِعداد و آماده نمودن عذاب جهنّم مقدّم داشته است ؟!

۴ - احادیث و دعاهایی که عبارت ذیل را (به این مضمون و یا به این لفظ) را به وضوح دربردارند(۱۳۵)، مطلب را بیشتر روشن می کنند.

اَللّٰهُمَّ، اِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي ، فَاعْفُ عَنِّي ، فَقَدْ يَعْفُو الْمَوْلٰى عَنْ عَبْدِهِ وَ هُوَ غَيْرُ رَاضٍ عَنْهُ.

- خداوندا، اگر از من ناخشنودی پس از من درگذر، زیرا گاهی مولی در حالی که از عبد و بنده خود ناخرسند است ، او را عفو می کند.

۵ - دیگر اینکه : آیا نمی دانی کافرانی که خداوند - جلّ جلاله - می دانسته بر حال کفر جان خواهند سپرد، به حکم عدل [یا:

عقل ] در حال حیات مستحقّ عقوبت هستند؟ و اگر مسلمان باشی ، مسلماً اعتقاد داری که خداوند - جلّ جلاله - قطعاً در حال

کفر آنان نسبت به ایشان خشمگین است ، پس خداوند - جلّ جلاله - از زود عقوبت کردن آنان در گذشته ، و عقابشان را به بعد از

وفاتشان تاءخیر انداخته ، با اینکه از هنگامی که آنان کفر ورزیده اند و خداوند می دانسته که پیوسته بر کفر خویش خواهند بود، مورد غضب الهی بوده اند.

بنابراین ، این مطلب روشن می کند که خشم خداوند - جلّ جلاله - پیش از عقوبت اوست ، زیرا خداوند - جلّ جلاله - در این صورت با اینکه از بنده ناخشنود است از عقوبت بنده در گذشته و او را عذاب نمی کند، چنانکه در دعاها آمده است که : خداوند، با اینکه از مؤمن خشنود است ، او را عفو می فرماید؛ و نیز حال کافرانی که با حالت کفر می میرند و عقوبتشان به تاءخیر می افتد، با اینکه خداوند بر آنان خشمگین است ، به صورتی که بازگو نمودیم نیز چنین است ، یعنی با اینکه خداوند - جلّ جلاله - از بنده خشمگین است ، از او عفو می فرماید.

زیرا اگر خداوند ناخشنود باشد مسلماً خشمگین و غضبناک خواهد بود. و نمی شود خداوند در یک وقت و از یک جهت ، از مقام رضا و غضب خالی باشد، بنابراین اگر غضب همان عقاب باشد، محال است که بنده ای را عفو فرماید و در آن حال بر او خشمگین باشد، و نیز هنگامی که بنده مسلمان یا کافر را پیش از وفاتش عفو می فرماید، باید خشم و غضبش نسبت به آنان از بین برود. و این بر خلاف مطلبی است که از دین آیین اهل حق و صدق شناخته شده است .

معنای صحیح محبت و خشنودی و خشم و غضب پروردگار

از آنجا که نصّ صریح قرآن و روایات صحیح به محبت یا رضایت خداوند - جلّ جلاله - و به غضب و خشم او و ثبوت این دو صفت برای او - جلّ جلاله - تصریح نموده اند، باید برای حُبّ یا رضایت ، و غضب یا خشم او سبحانه - جلّ جلاله - رویکردی معلوم و روشنی وجود داشته باشد، غیر از آنچه که ما از رضایت و محبت و غضب و خشم جسمهای خاکی می شناسیم ، و غیر از تفسیر و معنایی که ذکر شد که : مقصود از محبت و رضایت خداوند همان ثواب او، و منظور از خشم و غضبش همان عذاب و عقاب اوست

چنانکه معنای سایر صفات او - جلّ جلاله - غیر از صفات اجسام می باشد، مثلاً قادر و توانا بودن ما اقتضایش داشتن نیرو و قدرت زائد بر ذات و حالتی نو و جدید غیر از عاجز و ناتوان بودن مان می باشد، و همچنین اقتضای دانا و زنده بودن و سایر صفاتمان ، مقتضی تجدّد حالات و دگرگونی ها برای ماست .

و این معانی نسبت به خداوند - جلّ جلاله - محال است ، لیکن این صفات درباره خداوند متعال به معنایی دیگر باید باشد که هم زبینه ذات پاک او که مثل و ماندی برای آن وجود ندارد بوده ، و هم شایسته صفات منزّهش باشد که همانند و همگونی برای آن وجود ندارد. و تفسیر و معنای محبت و خشنودی و غضب و خشم نسبت به او - جلّ جلاله - نیز به این صورت خواهد بود. و این مطلب نیز آنچه را که ما در آغاز سخن ادّعا نمودیم برای تردید کنندگان روشن ساخته و تعجب آنان را زایل می کند.

ناگفته نماند که : دو سال بعد از نگاشتن از قسمت گذشته این کتاب ، در جزء اوّل از تفسیر قرآن طبری (۱۳۶) یافتیم که عدّه ای از مفسّران همین مطلبی را که ما پیرامون غضب الهی ذکر نموده و برگزیدیم ، ذکر کرده اند.

دیگر آداب سجده

اینک می گویم : از دیگر آدابی که باید بنده در حال سجده رعایت کند آن است که : در برداشتن سر از این خضوع و خشوع برای معبود شتاب ننماید، که ما معنای فرمایش خداوند - جلّ جلاله - را که در کتابش ذکر نموده برای تو بازگو نموده و گفتیم که : سجود از مقامات قرب به مولایت می باشد.(۱۳۷) پس به خاطر چه چیز شتاب می نمایی ؟ آیا در حالی که او به تو ناظر است ، از قرب و نزدیکی به او کراهت داری ؟!

چنانکه در دنیا از نزدیک شدن به هرچیز که دوست داری بدت نمی آید، و در دور شدن از آن شتاب نمی کنی ، با پروردگارت - جلّ جلاله - نیز که چاره ای از او نداری ، چنان باش ، که در روایت آمده امام صادق (ع) فرمود: هماره وقتی حضرت علیّ بن الحسین (علیهماالسلام) به نماز بپا می خاست ، رنگ چهره اش دگرگون می شد، و هنگامی که سجده می نمود، تا عرق از او فرو نمی ریخت سر بر نمی داشت .

۱۰ - تشهّد و گواهی دادن به یگانگی خداوند - جلّ جلاله -

در این باره مهمّ این است که تشهّد گفتن تو، معامله با خداوند - جلّ جلاله - و عبادت باشد، و قصدت تنها این نباشد که او - جلّ جلاله - در واقع و نفس الامر یگانه است ، بلکه از تو خواسته اند که اعتقاد داشته باشی او - جلّ جلاله - در واقع یگانه است ، و معبودی جز او که شایسته پرستش باشد وجود ندارد نیست ، و چیزی نیست که آن را بر خشنودی او مقدّم بداری ؛ زیرا اگر چیزی را بر او - جلّ جلاله - مقدّم کنی ، آن چیز نزد تو بر خداوند - جلّ جلاله - ترجیح خواهد داشت ، و از آن جهت که آن را مقدّم داشته ای ، آن معبود تو خواهد بود نه خداوند، و در نتیجه هنگام گواهی دادن به اینکه معبودی جز خداوند نداری ، کاملاً صادق نخواهی بود، آیا نمی بینی که خداوند - جلّ جلاله - پیرامون کسی که هوا و هوس خویش را بر خدا ترجیح داده می فرماید:

إِتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ. (۱۳۸)

- هوا و هوس خود را معبود خویش قرار داده است .

و نیز در تفسیر فرمایش خداوند - جلّ جلاله - که می فرماید:

إِتَّخَذُوا أَعْبَارَهُمْ وَ رُحْبَانَهُمْ أَعْرَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ. (۱۳۹)

- آنان به جای خدا، دانشمندان و ترسایان خود را به عنوان پروردگاران خویش برگرفتند.

روایت شده که : آنان برای آحبار و رُحبان و دانشمندان و ترسایان خویش روزه نگرفته و نماز نخواندند، ولیکن در معصیت خداوند از آنان اطاعت نمودند. و لذا حکم کسی را پیدا کردند که آنها را به خدایی گرفتند.

بنابراین ، مبادا با مقدّم داشتن هوا و هوس خویش و دنیا و یا چیز دیگر غیر او سبحانه بر او، به او - جلّ جلاله - شرک و یا کفر بورزی ، و در نتیجه مستحقّ هلاکت گردی ، که در روایتی از امام صادق (ع) از معنای صدق و راستی پرسیدند، حضرت (به این مضمون) فرمود که : صدق آن است که چیز دیگری را بر خداوند برنگزینی ، که خداوند متعال می فرماید:

هُوَ اجْتَبَاكُمْ. (۱۴۰)

- او شما را برگزید.

پس وقتی او تو را برگزیده ، تو نیز او را برگزین ، و هوا و هوس خویش و یا دنیا را بر او مقدّم مدار.

و نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس کلمه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را با اخلاص بگوید، داخل بهشت می گردد، و اخلاص آن این است که لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ او را از آنچه خداوند - عزّوجلّ - حرام نموده باز دارد.

۱۱ - شهادت به رسالت حضرت محمّد بن عبدالله رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیابتش از خداوند صاحب عظمت و جلالت آنچه در رابطه با این شهادت مهمّ است ، آن است که در شهادت دادن به رسالتش صادق باشی ، و معنای این سخن آن است که کردارت ، گفتارت را در پیروی از پیامبری اش تصدیق کند، زیرا خداوند - جلّ جلاله - در قرآن مبین گروهی را دلشان با گفتارشان سازگار نبوده ، و به رسالت او شهادت داده اند، دروغگو نامیده است. (۱۴۱)

همچنین نیک می دانی که : اگر پیکی از سوی برخی از پادشاهان به سوی تو بیاید و در پاداش گفتن کلمه ای هزار دینار به تو ببخشد، و در جزای گفتن کلمه ای تو را با آتش شکنجه کند، و تو خواسته باشی کلمه نخست را نگفته هزار دینار را بگیری ، و کلمه دوّم را ترک گفته و داخل شدن در آتش را چیز کوچک و سبک بشماری ، سپس به پیک بگویی : گواهی می دهم که تو پیک پادشاهی هستی که من از دینارهایی که به من عطا می نماید بی نیاز نیستم ، و قدرت و نیرویی بر آتشی که مرا به آن تهدید می کند ندارم ، بی گمان آن پیک و دیگر عاقلان به تو می گویند: که کردار تو با ظاهر و گفتارت درست در نمی آید، اگر تو در دل او را تصدیق نموده بودی ، کلمه نخست را می گفتی و هزار دینار را می گرفتی ، و کلمه دوّم را ترک می گفتی و از آتش در امان می ماندی ، زیرا ما عاقلان می بینیم که تو را در تمام حرکات و سکانات در دارفا چنین هستی که وقتی به سود چیزی اطمینان پیدا می نمایی به سوی آن می شتابی ، و هرگاه به صدق و راستگو بودن کسی که خبر از مُضَرّ بودن چیزی می دهد باور داری ، از آنچه تو را آسیب می رساند می گریزی .

اینک می گویم : زمانی به کسی که ادّعا می کرد پیامبری حضرت محمّد(ص) را تصدیق نموده (سخنی به این معنی) به او گفتم : اگر شخص یهودی ای به تو خبر دهد که در بعضی از راهها چیزی است که تو را آزار می رساند، و در راهی چیزی است که به سود توست ، آیا راهی را که از ضرر رساندن آن بیم داری ترک نمی کنی ، و راهی را که به سودش امید داری نمی پیمایی ؟ گفت : بله ، به او گفتم : حال اگر حضرت محمّد(ص) به تو بفرماید که : من تو را از راه آتش جهنّم بر حذر داشته و راه خانه آسایش و



بهشت را به تو می شناسم . و اگر آن بزرگوار را تصدیق نموده بودی ، حداقل همانند عملی که با خبر یهودی نمودی ، با خبر آن حضرت معامله می کردی؟! پس آیا جز این است که کافر ذمی و یهودی را بیشتر از پیامبر اکرم (ص) تصدیق می نمایی ، و این شاهد بر آن است که رسالت و فرمایش او را تصدیق ننموده ای؟!

همچنین از اموری که شایسته است هنگام گواهی دادن به رسالت او - صلوات الله علیه - بدان اعتقاد داشته باشی آن است که معتقد باشی خداوند - جلّ جلاله - و آن بزرگوار منت و حقّ بزرگی در هدایت تو به مقام سعادت‌مندی و بزرگواری دارند، و بذل نفس و مال و عیالت در پیشگاه او برای بدست آوردن سعادت جاودانی نیز از جمله بخششها و عطایا و نعمتهای او بر توست که تا زمان پایداری خداوند مالک روز جزا ادامه دارد. خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: **يَمُنُونَ عَلَيْكَ اَنْ اَسْلَمُوا، قُلْ: لَا تَمُنُوا عَلَيَّ اِسْلَامَكُمْ، بَلِ اللّٰهُ يَمُنُ عَلَيْكُمْ اَنْ هَدَيْكُمْ لِلْاِيْمَانِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.** (۱۴۲)

- بر تو منت می گذارند که اسلام آورده اند، بگو: بر من به خاطر اسلام آوردنتان منت نگذارید، بلکه این خداست که بر شما منت نهاد و شما را به ایمان هدایت فرمود، اگر راست می گوئید.

## ۱۲ - صلوات بر حضرت محمد(ص)

در روایتی آمده که امام صادق - صلی الله علیه - فرمودند: هر کس بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرستد، معنای آن این است که براستی من بر همان پیمان و وفایی که هنگام فرمایش خداوند که فرمود: **اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟! قَالُوا: بَلٰی .** (۱۴۳): (آیا من پروردگار شما نیستم؟، گفتند: بله .) گفتم ، استوار هستم .

## ۱۴ - سلام نماز

در حدیث است که عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق (ع) درباره معنای سلام نماز پرسیدم ، فرمود: سلام دادن نشانه امنیّت و آسودگی و حلال کردن اموری است که بجا آوردن آن در نماز حرام است . وی می گوید: عرض کردم : فدایت شوم ، چگونه ؟ فرمود: در گذشته وقتی شخصی بر مردم وارد می شد و بر آنان سلام می کرد، از گزند او ایمن می شدند، و وقتی آنان جواب سلام وی را می گفتند، وی از شرّ آنان آسوده می گشت ؛ و اگر شخص وارد سلام نمی گفت از شرّ او در امان نبودند، و اگر آنان جواب سلام وی را نمی دادند وی از شرّ آنان ایمن نبود، و این عادت و روش عرب بود. لذا سلام دادن در نماز نیز به عنوان نشانه خروج و بیرون آمدن از نماز، و حلال نمودن سخن گفتن ، و ایمنی از وقوع اموری که نماز را باطل می کند، قرار داده شده ، و سلام نامی از نامهای خداوند - عزّوجلّ - است ، و درودی از ناحیه نمازگزار بر فرشتگانی است که بر او گمارده شده اند.

چه بسا گفته شده که : مخاطب سلام نماز همه فرشتگان هستند. ولی از جمله مرجّحات روایت گذشته که مخاطب سلام را خصوص فرشتگان گمارده شده بر انسان می داند، و این است که در روایت دیگر آمده است : دو فرشته ای که بر نمازگزار گمارده شده اند، عمل او را گرفته و نوشته و آن را بر پروردگار عرضه می کنند، و آن دو مانند دو نفری که بر شخص مُشْرِف باشند، در نزد

او حاضر هستند، بنابراین چون تنها آن دو در نزد نمازگزار حضور دارند، نزدیکتر به صواب آن است که سلام مختصّ بر آن دو باشد.

اینک می‌گوییم: حال که معنای سلام دادن را دانستی، متذکّر باش که عملی را برای خداوند - جلّ جلاله العظیم - نموده ای، و می‌خواهی آن را به او سپرده و بر حضرتش عرضه کنی، پس اگر در بخشی از آن غفلت ورزیده، یا قلبت به غیر او مشغول گردیده، یا از خدا روی برگردانده ای، توبه نما، توبه ای همراه با اخلاص و انابه (۱۴۴)؛ یا حدّاقلّ عمل خویش را بسان سپردن جنایتکاران و اهل خیانت به حضرتش تسلیم نما.

در کتاب جدّم ورام - که خداوند جلّ جلاله روحش را پاک و قبرش را منور گرداند - حدیثی به این معنی دیدم که: بنده ای از بندگان خداترس و مراقب خداوند - جلّ جلاله - گفت: نماز سی سال را قضا کردم، در حالی که حتی یک نماز واجب از آن را ترک ننموده، و آنها را در صف اوّل نماز جماعت بجا می‌آوردم، لیکن به خاطر مصیبتی که از آن غفلت داشتم توجّه پیدا کرده و آنها را قضا نمودم، از او پرسیده شد که: آن مصیبت چه بود؟ گفت: آنها را در صف اوّل با امام جماعت بجا می‌آوردم، روزی آمدم و در صف اوّل جا پیدا نکردم و در صف آخر نماز گزاردم، ولی دیدم که نفسم خجالت می‌کشد و شرم دارم که مردم مرا در آنجا ببینند، از اینجا پی بردم که آن پیشی گرفتن و رفتن در صف اوّل، یقیناً برای خداوند - جلّ جلاله - نبوده، و قصد و نیتم از آن تنها ممتاز شدن در نزد حاضران بوده است.

اعمال و صفاتی که موجب عدم قبولی اعمال می‌گردد

از اموری که شایسته است تمام اعمال و نمازهای خود را از آن حفظ نموده و پاکیزه سازی تا در ضمن اعمال صالحی که دو فرشته گمارده شده بر انسان بر خداوند عرضه می‌کنند، بر خداوند - جلّ جلاله - عرضه شود، مواردی است که در روایت معاذبن جبل آمده است.

عبدالواحد به نقل از مردی می‌گوید: به معاذ بن جبل گفتم: یکی از احادیثی را که از رسول خدا(ص) شنیده ای و درست حفظ نموده و هر روز با دقت متذکّر آن می‌شوی، برای من بازگو کن، گفت: بله، و گریست سپس گفت: سکوت کن، خاموش شدم. سپس گفت: پدر و مادرم به فدایش، در حالی که من در پشت سر او در مرکب سوار بودم و باهم راه می‌پیمودیم، چشم به سوی آسمان بلند نمود و فرمود: سپاس خداوندی را که هر چه را که دوست بدارد درباره آفریدگانش به طور حتم مقدّر و جاری می‌سازد. آنگاه فرمود: ای معاذ، عرض کردم: لَبَّیک ای رسول خدا، ای پیشوای خیر و پیامبر رحمت فرمود: آیا حدیثی را به تو بگویم که هیچ پیامبری به اُمت خویش نفرموده است، که اگر آن را حفظ کنی در طول زندگی به حال تو سودمند خواهد بود، و اگر بشنوی و حفظ نکنی حجتّ خداوند بر تو تمام می‌شود؟

سپس فرمود: براستی که خداوند پیش از آفریدن آسمانها، هفت فرشته آفرید، و در هر آسمان فرشته ای قرار داد، و آن آسمان را با عظمت خویش فرا گرفت ، و بر دَرِ هر کدام از آنها فرشته ای را به عنوان دربان قرار داد. لذا فرشتگانی که نگاهبان عمل بنده هستند از وقت صبح تا شب عمل او را می نویسند، آنگاه آن را در حالی که مانند آفتاب می درخشد بالا می برند، تا اینکه به آسمان زیرین می رسند در حالی که آن عمل در نظر آنان پاکیزه و بسیار است . ولی فرشته ای که نگاهبان آسمان زیرین است به آنها می گوید: بایست ، و این عمل را بر صورت صاحبش بزنید، من فرشته غیبت هستم ، هرکس غیبت کند نمی گذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد، و پروردگارم به من چنین دستور فرموده است .

فردای آن روز فرشته نگاهبان بر عمل بنده همراه با عمل صالح می آید، و از فرشته دربان آسمان زیرین می گذرد، در حالی در نظرش آن عمل پاکیزه و بسیار است . تا اینکه به آسمان دوّم می رسد، فرشته دربان آسمان دوّم به او می گوید: بایست ، و این عمل را بر روی صاحبش بزن ، که نیّت او از این عمل ، متاع اندک و بی ارزش دنیا بود، و من فرشته ویژه دنیا هستم ، و نمی گذارم که عمل او از من به سوی دیگری بگذرد.

حضرت فرمود: بار دیگر عمل بنده را در حالی که به صدقه و نماز آن شادمان است ، به بالا می برد و فرشتگان نگاهبان نیز از آن عمل خوششان می آید، و آن را به سوی آسمان سوّم عبور می دهد، تا اینکه فرشته دربان آسمان سوّم می گوید: بایست و این عمل را به روی و پشت صاحب آن بزن ، من فرشته متکبّرین هستم ، و می گوید: این عملی است که صاحب آن به واسطه آن در مجالس مردم بر آنان تکبّر می نمود، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد.

حضرت فرمود: بار دیگر فرشتگان نگاهبان ، عمل بنده را در حالی که مانند ستاره در آسمان می درخشد، و آهنگ و صدای تسبیح و روزه و حجّ از آن بلند است بالا برده و به سوی فرشته آسمان چهارم عبور می دهند، ولی فرشته دربان آسمان چهارم می گوید: بایست و این عمل را بر روی و شکم صاحب آن بزن ، من فرشته جُب هستم ، زیرا او به خود می بالید و این عمل را با حالت عُجَب انجام داده ، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد، پس آن را بر روی صاحبش بزن .

حضرت فرمود: دیگر بار ملائکه نگاهبان ، عمل بنده را مانند عروسی که به سوی شوهرش برده می شود، بالا می برند - در حالی که آن عمل همراه با جهاد و نماز نافله بین دو نماز واجب می باشد، و به همین خاطر صدای بلندی بسان صدای شتر، و درخششی همسان نورافشانی خورشید دارد - و به سوی فرشته دربان آسمان پنجم می گذرانند، تا اینکه آن فرشته می گوید: بایست ، من فرشته حسادت هستم ، پس آن عمل را به روی صاحبش بزن ، زیرا او نسبت به کسانی که دانش آموخته و به طاعت خدا عمل می نمودند حسادت می نمود، و بار حسادت را بر دوشش حمل می کرد، و هر گاه می دید که کسی در عمل و عبادت بر او برتری دارد،

نسبت به او حسادت می ورزید و بر او خرده گرفته و نکوهش می کرد. پس وی عمل خویش را بر دوش گرفته و عملش وی را لعنت می کند.

حضرت فرمود: دیگر بار فرشتگان نگاهبان بالا رفته و عمل او را (۱۴۵) به سوی آسمان ششم عبور می دهند، تا اینکه فرشته دربان آسمان ششم می گوید: بایست ، من صاحب مهربانی و دلسوزی هستم ، این عمل را بر صورت صاحب آن بزن و چشمانش را کور کن ، زیرا صاحب این عمل به هیچ کس مهربانی و دلسوزی نمی نمود، هرگاه می دید بنده ای از بندگان خدا گناهی در رابطه با آخرت نموده ، و یا ضرری در دنیا به او رسیده ، نسبت به او شماتت می کرد، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عمل وی از من به سوی دیگری بگذرد.

حضرت فرمود: دیگر بار فرشتگان نگاهبان ، عمل بنده را بالا می برند، اعمالی همراه با فقه و ژرف فهمی و کوشش در عبادت و ورع و پرهیزگاری ، که بسان رعد و آذرخش صدا می کند، و پرتوی مانند برق دارد، و سه هزار فرشته همراه آن هستند. تا اینکه آن را به سوی فرشته دربان آسمان هفتم می برند، و آن فرشته می گوید: بایست و این عمل را بر روی صاحب آن بزن ، من فرشته حجاب هستم ، و از عبور هر عملی را که برای خدا نباشد جلوگیری می نمایم ، زیرا صاحب این عمل خواهان رفعت و بلند پایگی در نزد فرمانروایان و ذکر خیر در مجالس ، و شهرت و پیچش صدا در بلاد بود، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملی از من به سوی دیگری بگذرد، مگر اینکه خالص باشد.

حضرت فرمود: بالاخره ملائکه نگاهبان ، با حالت سرور و شادمانی عمل بنده را که دربردارنده خلق و خوی نیکو و سکوت و یاد فراوان خداست ، و همه فرشتگان آسمانها و ملائکه هفتگانه همگی در پی آن روانند، بالا می برند و تمام حجابها را زیر پا می گذارند و می گذرند، تا اینکه در پیشگاه خداوند ایستاده و به عمل صالح و دعای او گواهی می دهند، ولی خداوند می فرماید: هر چند شما نگاهبانان عمل بنده من هستید، ولی من مراقب اموری که در نفس او می گذرد نیز هستم ، مقصود وی از انجام این عمل ، من نبودم ، لعنت من بر او باد! آنگاه ملائکه می گویند: لعنت تو و لعنت ما بر او!

راوی می گوید: سپس معاذ گریست و گفت : عرض کردم ای رسول خدا(ص) چه عملی انجام دهم ؟ فرمود: ای معاذ، در یقین و باور به پیامبرت اقتدا نما، گفت : عرض کردم : شما پیامبر خدایید و من معاذ بن جبل .

فرمود: ای معاذ، اگر در عملت تقصیر و کوتاهی است ، پس زبان خویش را از بدگویی برادران دینی و حاملان قرآن نگاه دار. و گناهانت بر گردن خودت باشد و آنها را بر دوش برادرانت مَنه، و خویشان را با نکوهش و سرزنش نمودن برادرانت ستایش مکن ، و با پایین آوردن مقام برادرانت خود را بالا مبر، و عمل خویش را با قصد ریا انجام مده ، و از دَر دنیا در آخرت داخل نشو، و در مجلس خود فحش و ناساز مگو، تا مبادا همنشینانت به واسطه بدخویی تو دوری کنند، و در حضور هیچ کس با دیگری سخن درگوشی

مگو، و نسبت به مردم اظهار بزرگی مکن ، تا مبادا خیرات دنیا از تو قطع شود، و مردم را پاره پاره مکن تا مبادا سگهای اهل آتش جهنّم تو را پاره پاره کنند، که خداوند می فرماید:

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا. (۱۴۶)

- سوگند به فرشتگانی که [روح اهل ایمان] را با نشاط و آسایش ویژه ای [از بدنهایشان] قبض می کنند.

آیا می دانی ناشطات چیست ؟ آنها سگهای هستند که گوشت و استخوان اهل آتش جهنّم را تکه و پاره می کنند. عرض کردم : چه کسی تاب و طاقت عمل به این امور و خصلتها را دارد؟، فرمود: ای معاذ، آگاه باش که مسلماً انجام این امور برای هر کس که خداوند برای او آسان کند، راحت و آسان خواهد بود.

راوی می گوید: معاذ حدیث را بیشتر از تلاوت قرآن ، می خواند

مطلب دوّم : نافله های نماز ظهر، همان نماز آوآیین (۱۴۷) است

در روایت آمده که مولایمان علیّ (ع) فرمود: نماز ظهر، همان نماز آوآیین می باشد.

و نیز در احادیث وارده (به این مضمون) آمده که : وقتی هنگام ظهر می شود، درهای آسمان برای استجابت دعاهاى نیکو گشوده می گردد، و مقصود از نماز آوآیین همان نمازهای نافله ظهر است ، و آنها نزد خداوند - جلّ جلاله - جایگاه ستوده و قابل سپاس دارند. آنجا که خداوند - عزّوجلّ می فرماید:

إِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا. (۱۴۸)

- براستی که خداوند نسبت به بسیار رجوع و توبه کنندگان به سوى او، بسیار آمرزنده است .

مطلب سوّم : استخاره کردن در هنگام نافله های ظهر

در روایت آمده که امام باقر(ع) فرمود: استخاره کردن در هر رکعت از نافله های ظهر مستحبّ می باشد.

مقدّمات ورود در نماز

اینک می گویم : حال که بخشی از اسرار نماز را یادآور شدیم ، لازم است برخی از اموری را که اراده نموده ایم ، پیش از ذکر نماز از طریق روایات یادآور شویم ، از آن جمله شناختن اوقات نماز است :

۱ - علّت تعیین اوقات مشخص برای نمازهای پنجگانه

توجّه داشته باش که اوقات نمازهای نافله و واجب را در توضیحی که پیش از وارد شدن در آنها یادآور خواهیم شد، در اینجا تنها روایتی را که در بردارنده علّت تعیین اوقات نمازهای واجب است ذکر می کنیم ، تا بدین وسیله علّت و سرّ آن روشن گردد:

حسن بن عبدالله به نقل از پدرش از جدّش حسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) در ضمن حدیث طولانی که در بردارنده

پرسشهای یهود از پیامبر اکرم (ص) از امور مهمّ است ، از جمله آن پرسشها، روایت نموده که آنان از حضرت (ص) از علّت اوقات

نمازها پرسیدند به این صورت که یکی از آنان عرض کرد: ای محمد، مرا از ناحیه خداوند - عزوجل - خبر ده که علت وجوب نمازهای پنجگانه در پنج وقت بر اُمت در ساعتهای شبانه روز چیست؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی که آفتاب به نقطه زوال می رسد، حلقه ای دارد که در آن وارد می شود، و هنگامی که در آن داخل شد، وقت ظهر و زوال می شود و همه اشیاء مَادُونِ عرش در برابر اسماء و صفات پروردگارم تسبیح می گویند، و آن همان ساعتی است که پروردگارم در آن بر من درود و رحمت می فرستد، لذا خداوند - عزوجل - نماز گزاردن در آن، هنگام را بر من و بر اُمت واجب نموده، و فرموده است:

اَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ. (۱۴۹)

- از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب نماز بپادار.

و آن همان ساعتی است که جهنم را در روز قیامت می آورند، پس هر مؤمنی که در آن ساعت مؤفق به سجده یا رکوع یا قیام شده باشد، خداوند بدن او را بر آتش جهنم حرام می کند.

و اما نماز عصر، همان ساعتی است که حضرت آدم (ع) از میوه درخت بهشتی خورد، و در نتیجه خداوند او را از بهشت بیرون راند، لذا خداوند به فرزندانش دستور داده که این نماز را تا روز قیامت بخوانند، و آن نماز را برای اُمت من برگزید، و آن نماز از محبوبترین نمازها در نزد خداوند - عزوجل - می باشد، و خداوند به من سفارش فرموده که بخصوص آن را از میان دیگر نمازها پاس بدارم.

و اما نماز مغرب، همان ساعتی است که خداوند در آن توبه حضرت آدم (ع) را پذیرفت، و فاصله بین خوردن از میوه درخت بهشتی و پذیرش توبه اش، سیصد سال از روزهای دنیا نسبت به روزهای آخرت بود، که هر روز از آن مانند هزار سال از سالهای دنیا می باشد، یعنی (۱۵۰) از وقت عصر شرعی تا شام و مغرب می باشد، پس حضرت آدم (ع) سه رکعت نماز خواند، یک رکعت برای ترک اولی و خطای خود، و یک رکعت به خاطر خطیئه حوا، و یک رکعت برای توبه اش، لذا خداوند - عزوجل - این سه رکعت را بر اُمت واجب فرمود، و آن همان ساعتی است که دعا در آن مستجاب می شود، و پروردگارم وعده داده که هرکس از اُمت در آن ساعت دعا کند، دعایش را مستجاب نماید، و این همان نمازی است که خداوند - عزوجل - به من دستور داد و فرمود:

سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ، وَ حِينَ تُصْبِحُونَ. (۱۵۱)

- پاک و منزّه است خداوند هنگامی که شب می کنید، و آن هنگام که صبح می کنید.

و اما نماز عشا، برآستی که قبر تاریکی و ظلمتی دارد و روز قیامت را تاریکی و ظلمتی است، لذا خداوند به من و اُمت دستور داده که این نماز را در این هنگام بخوانیم تا قبرهای اُمت را روشن نموده، و بر روی پُل صراط به آنان نور و روشنایی عنایت شود.

هرگامی که برای خواندن نماز عشا برداشته می شود، خداوند جسد و بدن صاحب آن گام را بر آتش جهنم حرام می گرداند، و این همان نمازی است که خداوند برای پیامبران فرستاده شده پیش از من برگزیده بود.

و اما نماز صبح ، هنگامی که خورشید طلوع می کند، بر شاخه‌های شیطان طلوع می کند، و خداوند - عزوجل - به من دستور داده که نماز صبح را پیش از دمیدن آفتاب و پیش از آنکه کافر آفتاب پرست بر آن سجده می کند بخوانم ، و اُتمم برای خدا سجده و کرنش نمایند، و زود خواندن آن در نزد من محبوبتر است ، و آن همان نمازی است که فرشتگان شب و ملائکه روز آن را مشاهده می کنند.

یهودی گفت : راست گفتی ای محمد، سپس ادامه حدیث را ذکر نموده است .

## ۲ - عظمت نماز از دیدگاه روایات

پیشتر در فصل اول و دوم اموری را که سبب معرفت تو به لزوم اهتمام در نماز و تعظیم آن می گردد، یادآور شدیم ؛ ولیکن دیدیم که از اینجا خیلی فاصله دارد، لذا در اینجا می خواهیم بیان دیگری افزون بر آن ذکر نماییم :

۱ - در روایت آمده که امام صادق - صلوات الله علیه - فرمود: رسول خدا(ص) فرمودند: فردای قیامت شفاعت من به کسی که نماز واجب را از وقتش تاخیر بیاندازد، نخواهد رسید.

۲ - در روایت دیگر منقول است که ابوبصیر می گوید: به منظور تسلیت گفتن به خاطر سوگ امام صادق (ع) بر اُم حمیده (۱۵۲) وارد شدم ، وی گریست ، من نیز به خاطر گریه او گریستم ، سپس گفت : اگر امام صادق (ع) را می دیدی مسلماً امر عجیبی را مشاهده می نمودی . هنگام وفات چشمان مبارکش را باز نمود و سپس فرمود: تمام کسانی را که با من خویشاوندی دارند گرد آورید. و ما هیچ کس را ترک ننموده و همه را حاضر ساختیم ، حضرت به آنان نگاه کرد و سپس فرمود: بی گمان شفاعت ما به کسی که نمازش را کوچک و سبک بشمارد نخواهد رسید.

۳ - رسول خدا (ص) فرمودند: از من [یا: از اُمت من] نیست کسی که نمازش را کوچک و سبک بشمارد، و به خدا سوگند در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. ۴ - در روایت دیگر آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: اولین چیزی که بنده از آن بازخواست می شود، نماز است ، اگر پذیرفته شد اعمال دیگر قبول می شود، و اگر پذیرفته نشد اعمال دیگر پذیرفته نمی گردد.

ما نکته های ظریف و جالبی در این باره در کتاب غِیَاثُ سُلْطَانِ الْوَرَى لِسُكَّانِ الثَّرَى ذکر نموده و کلام را در آنجا بسط داده ایم ، به گونه ای که عارفان به معانی آن بهبودی و شفا می یابند.

۳ - سوره هایی که به طور عموم در نافله ها قرائت می شوند

۱ - در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، و سوره إِنَّا أَعَزَّلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، و آیه الْكُرْسِيِّ را در هر رکعت از نماز نافله بخواند، مسلماً بزرگترین دری که برای اعمال آدمیان گشوده می شود برای او گشوده شده است ، مگر کسی که همانند او و یا افزون بر او بخواند.

۲ - روایت دیگر آمده که عالم (ع) (۱۵۳) پیرامون ثواب خواندن قرآن در نمازهای واجب و غیر آن فرمود: شگفتا از کسی که در

نماز خود اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ نخواند، چگونه نماز او قبول می شود؟!

۳ - و نیز روایت شده که : نمازی که قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ در آن خوانده نشود، پاکیزه نمی گردد.

۴ - همچنین در روایت آمده که : هرکس در نماز واجب ، سوره هُمزه را بخواند، از دنیا برخوردار عطا می شود.

اشکال و جواب

آیا جایز است که نمازگزار مثلاً سوره همزه را بخواند، و سوره هایی را که ذکر شد ترک کند، با اینکه روایت شده که نماز بدون آنها قبول و پاکیزه نمی گردد؟

جواب : ثواب سوره ها به همان صورتی است که روایت شده ؛ ولی اگر کسی سوره ای را با همه ثوابی که برای آن نقل شده ترک کند و به جای آن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخواند به خاطر فضیلتی که این دو دارند، هم ثواب سوره هایی که قرائت کرده به او عطا می شود و هم ثواب سوره هایی که ترک کرده . البته جایز است که غیر این دو سوره را بخواند و با آن حال نیز نمازش کامل و درست است ، لیکن در این صورت ترک فضیلت نموده است .

و شاید مقصود از این نکته آن باشد که سوره اخلاص ، توصیف خداوند - جَلَّ جلاله - و توحید اوست ، و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ نیز راهنمای به کسی است که اسرار شب قدر بر او نازل می شود ثواب هایی است که خداوند (در برابر اعمال به بندگان ) عطا می فرماید.

۴ - سوره هایی که معمولاً در نوافل ظهر خوانده می شوند

در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: در نماز نافله ظهر، در دو رکعت نخست سوره اخلاص و جَعَدَ (۱۵۴) و در رکعت سوّم قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و آیه الْکُرْسِی، در رکعت چهارم قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و آخر سوره بقره، (۱۵۵) و در رکعت پنجم قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و آیات آخر سوره آل عمران یعنی آیات اِنْ فِی خَلْقِ السَّمٰوٰتِ و الْاَرْضِ (۱۵۶)، و در رکعت ششم قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و آیه سَخَرَهُ (۱۵۷)، و در رکعت هفتم قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و آیاتی که در سوره انعام است یعنی وَ جَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَکَآءَ الْجِنَّ و خَلَقَهُمْ (۱۵۸) و در رکعت هشتم قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و آخر سوره حشر یعنی لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ (۱۵۹) تا آخر سوره را قرائت کن . و بعد از تمام کردن نماز، ۷ بار بگو:

اَللّٰهُمَّ، مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ و الْاَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِیْ عَلٰی دِیْنِکَ و دِیْنِ نَبِیِّکَ، وَلَا تُزِعْ قَلْبِیْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِیْ ، وَهَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً، اِنَّکَ اَعْتَمَتَ الْوُهَّابُ وَاَعْرَجْنِیْ مِنَ النَّارِ، بِرَحْمَتِکَ.



- خداوندا، ای گرداننده دلها و دیدگان ، دلم را بر دین خود و آیین پیامبرت استوار گردان ، و قلبم را بعد از آنکه هدایت فرمودی منحرف مفرما، و از جانب خویش رحمتی به من ارزانی دار، که بی گمان تویی بسیار بخشنده ، و مرا به رحمت خویش ، از آتش جهنّم در پناه خویش درآور.

سپس هفتاد بار از آتش جهنّم به خدا پناه برده و بگو:

اَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ.

- از آتش [جهنّم] به خدا پناه می برم .

## ۵ - شناخت قبله

در روایات وارده آمده است که : خداوند متعال به حضرت آدم (ع) دستور داد که به سوی مغرب نماز بخواند، و به حضرت نوح (ع) امر فرمود که به سوی مشرق نماز بگزارد، و به حضرت ابراهیم (ع) امر فرمود که بین مشرق و مغرب جمع کند، که مقصود همان کعبه است ، و هنگامی که حضرت موسی (ع) را به پیامبری مبعوث فرمود دستور داد که دین حضرت آدم را احیا و کند، و وقتی حضرت عیسی (ع) را مبعوث فرمود، دستور داد که دین حضرت نوح را احیا نماید، و هنگامی که حضرت محمد(ص) را مبعوث فرمود، دستور داد که دین حضرت ابراهیم (ع) را زنده گرداند.

پس کعبه ، قبله کسانی است که در مسجدُ الحَرَام هستند، و مسجدُ الحَرَام قبله کسانی که در حَرَم قرار دارند. و کسانی که در خارج حرم هستند قبله شان حَرَم است ، و اهل عراق رو به سوی رُكن عراقی می کنند، و آن همان رُكنی است که حَجَرُ الْأَسْوَد در آن است ، و اهل یَمَن رو به سوی رکن یَمانی ، و اهل مغرب رو به سوی رکن غربی ، و اهل شام رو به سوی رکن شامی می کنند. و سزاوار است که اهل عراق اندکی مایل به سمت چپ بایستند و برای غیر آنان چنین نیست .

اهل عراق قبله خویش را با چند طریق می توانند بشناسند: از آن جمله هنگامی که وقت ظهر و زوال شد، آفتاب درست هنگام زوال و بدون هیچ فاصله ای ، بر ابروی راست کسی که رو به قبله می ایستد قرار می گیرد، و هنگامی که وقت نماز مغرب شد، سرخی آفتاب در سمت مشرق در زمان معتدل درست محاذی شانه چپ کسی که روبه قبله است قرار می گیرد، و در وقت نماز عشا سرخی آفتاب در سمت مغرب در زمان معتدل محاذی شانه راست کسی که روبه قبله است قرار می گیرد، و در وقت نماز صبح پیش از طلوع فجر در زمان معتدل محاذی شانه چپ کسی که رو به قبله است قرار می گیرد.

## راههای تشخیص قبله

هرگاه نماز گزار از این راهها پی به قبله نبرد، و آسمان تمام ابری یا به برخی از موانع مانند آب یا غیر آن در اثر تدبیر خداوند حسابگر پوشیده بود، اگر ظنّ غالب به جهت قبله داشت بر ظنّ و گمان خویش عمل می کند، و اگر گمانش نسبت به تمام جهات

مساوی بود، یا اصلاً ظنّ مساوی به جمیع جهات نداشت، بلکه شکّ محض نسبت به تمام جهات داشت و راهی نداشت که به وسیله آن توان تشخیص جهت قبله را داشته و قطع یا غلبه ظنّ بر سایر حالات را به آن استعمال کند، اگر نماز نافله بود به هر جهت که خواست نماز می گزارد، و اگر نماز واجب باشد باید آن را چهار بار رو به سوی جهات چهارگانه بخواند، و اگر به خاطر برخی از امور ضروری این کار برای او ممکن نبود باید نماز واجب را یک بار به هر جهت که خواست بخواند.

اگر بعداً جهت قبله روشن شد، چنانچه پیشتر رو به سوی همان جهت نماز خوانده باشد نمازش صحیح خواهد بود، و همچنین اگر در زمین عراق باشد و نمازش رو به سوی جهت ما بین مغرب و مشرق قبله واقع شده باشد، ولی اگر رو به سوی خود مشرق یا مغرب بوده و وقت نیز باقی باشد نماز را دوباره می خواند، و اگر وقت گذشته باشد لازم نیست اعاده کند، و اگر نمازش پشت به قبله باشد در هر دو حال (۱۶۰) آن را دوباره می خواند.

### احکام دیگر قبله

جایز است انسان نماز نافله را بر روی شتر و کشتی بخواند (بر حسب حالش در سیر و امکان از روبه قبله بودن)، و بهتر است که بر حسب حال خویش در سیر تکبیرة الاحرام را رو به قبله بگوید، سپس ادامه نماز را به هر جهت که کشتی یا شتر منحرف می شود انجام دهد. این مقدار از احکام قبله در این مقام کافی است.

### ۶ - مواردی که توجّه به هفت تکبیر افتتاح مستحبّ است

مستحبّ است انسان در هفت جا با گفتن هفت تکبیر توجّه کند: رکعت اوّل نافله های ظهر، و رکعت اوّل هر نماز واجب، و رکعت اوّل نافله های مغرب، و رکعت اوّل وتیره و نافله عشاء، و رکعت اوّل نماز نافله شب، و در اوّل دو رکعت نماز احرام (۱۶۱) و توجّه و تکبیرات هفتگانه در سه جا به صورت مؤکّد روایت شده است: از آن جمله در روایت است که امام باقر (ع) فرمود: در سه جا نماز را با توجّه و تکبیر آغاز کن، در نماز ظهر، و نماز شب، و نماز یک رکعتی وتر (۱۶۲) و در غیر این موارد از نمازهای نافله کافی است که برای دو رکعت، تنها یک تکبیر بگویی. و این هفت تکبیر در کتاب ابن جانبه نیز روایت شده است.

### علّت آغاز نماز با تکبیرهای هفتگانه

در روایت آمده که امام باقر (ع) فرمود: روزی رسول خدا (ص) برای نماز از منزل بیرون آمدند، در حالی که حسن بن علی (علیهما السلام) از سخن گفتن وامانده بود، بحدّی که بیم آن را داشتند که اصلاً سخن نگوید و لال شود. تا اینکه رسول خدا (ص) در حالی که او را بر گردن و دوش حمل می نمود، از خانه بیرون آمد و مردم در پشت حضرتش صف بستند، و حضرت او را در سمت راستش قرار داد، پس رسول خدا (ص) تکبیر گفت و نماز را با تکبیر شروع فرمود، امام حسن (ع) نیز تکبیر گفت. هنگامی که رسول خدا (ص) و اهل بیتش تکبیر او را شنیدند، حضرت دوباره تکبیر گفت، و امام حسن (ع) تکبیر دیگر گفت، تا اینکه هفت بار تکبیر گفت، و بدین ترتیب افتتاح نماز با هفت تکبیر سنت گردید.

اگر گفته شود که : چگونه تکبیر امام حسن (ع) در حال کودکی متابعت رسول خدا(ص) از او سنت گردیده ؟

جواب آن است که : پیامبر اکرم (ص) از امام حسن (ع) متابعت ننمود، بلکه وی از رسول الله (ص) متابعت نمود، و سخن گفتن وی بعد از خودداری از سخن گفتن بسان معجزه ای از پیامبر اکرم (ص) و در نتیجه معجزه ای برای اسلام است ، و به همین جهت از شرایع و احکام محسوب شده است .

جواب دیگر آنکه : هیچگاه پیامبر اکرم (ص) از روی هوا و هوس سخن نمی گفت ، و سخن آن بزرگوار تنها از ناحیه خدا به او وحی می شده است ، بنابراین ممکن است که خداوند - جلّ جلاله - به حضرت وحی فرموده که این گونه تکبیر گفتن را به خاطر امام حسن - صلوات الله علیه - سنت قرار دهد. [یا: وحی فرموده که از امام حسن (ع) متابعت نموده ، و آن را سنت قرار دهد]. همچنین در روایتی آمده است که : آغاز تکبیر نماز عید نیز به واسطه سخن گفتن امام حسن بن علی (ع) بوده است ، ولی شیخ طوسی در تهذیب (۱۶۳) آن را درباره امام حسین (ع) نقل کرده است .

دعایی پیش از شروع نافله های ظهر

از جمله دعاهایی که پیش از شروع نافله های ظهر خوانده می شود، دعایی است که جدّم ابی جعفر طوسی در مصباح کبیر(۱۶۴) خود ذکر نموده . به این صورت :

اَللّٰهُمَّ، اِنَّكَ لَسْتَ بِاِلٰهٍ اسْتَحْدُثْنَاكَ، وَ لَا بِرَبٍّ يَّبِيدُ ذِكْرُكَ، وَ لَا كَانَ مَعَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ، وَ لَا كَانَ قَبْلَكَ مِنْ اِلٰهٍ فَتَعْبُدُهُ وَ نَدْعُكَ، وَ لَا اِعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا اِحْدُ فَتَنْشُرِكَ فَيَك. اَءَنْتَ اللّٰهُ [الدِّيَانُ](۱۶۵) لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ اَءَنْتَ الدّٰئِمُ لَا يَزُولُ مُلْكُكَ، اَءَنْتَ اَوَّلُ الْاَوَّلِيْنَ وَ اٰخِرُ الْاٰخِرِيْنَ وَ دِيَانُ يَوْمِ الدِّينِ، يَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ وَ يَبْقَى وَجْهُكَ الْكَرِيْمُ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَءَنْتَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُوْنِ فِي الْعِزِّ مُشَارَكًا، وَ لَمْ تُوَلَدْ فَتَكُوْنِ مَوْرُوْثًا هَالِكًا، وَ لَمْ تُدْرِكْ الْاَبْصَارُ فَتَقْدَّرْكَ شَبْحًا مَائِلًا، وَ لَمْ تُعَاوِرْكَ زِيَادَةٌ وَ لَا نُقْصَانٌ، وَ لَا تُوصَفُ بِاَيِّنٍ وَ لَا ثَمٍّ وَ لَا مَكَانٍ، بَطْنَتْ فِي خَفِيَّاتِ الْاُمُوْر، وَ ظَهَرَتْ فِي الْعُقُوْلِ بِمَا نَرَى مِنْ خَلْقِكَ مِنْ عَلٰمَاتِ التَّدْبِيْرِ، اَءَنْتَ الَّذِي سُلِّتِ الْاَنْبِيَاءُ عَنْكَ فَلَمْ تَصِفْكَ بِحَدٍّ وَ لَا بِنَعْصٍ، بَلْ دَلَّتْ عَلَيْكَ مِنْ اَيَاتِكَ بِمَا لَا يَسْتَطِيْعُ الْمُتَكَبِّرُوْنَ جَحْدُهُ، لَإِنْ مَنْ كَانَتْ السَّمٰوٰتُ وَ الْاَرْضُوْنَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِطْرَتُهُ، فَهُوَ الصّٰنِعُ الَّذِي بَانَ الْخَلْقَ فَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ.

وَ اَشْهَدُ اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ نَ وَ مَا بَيْنَهُمَا اَيّٰتٌ دَلِيْلَاتٌ عَلَيْكَ، تُؤَدِّي عَنْكَ الْحُجَّةَ وَ تَشْهَدُ لَكَ بِالرُّبُوْبِيَّةِ، مُوسِمَاتٍ بِرُهَانٍ قُدْرَتِكَ وَ مَعَالِمِ تَدْبِيْرِكَ، فَاَوْصَلَتْ اِلَى قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ مَعْرِفَتِكَ مَا اَنْسَهَا مِنْ وَخْشَةِ الْفِكْرِ وَ وَسْوَسَةِ الصُّدُوْرِ، فَهِيَ عَلَى اعْتِرَافِهَا شَاهِدَةٌ بِاَنَّكَ قَبْلَ الْقَبْلِ بِالْقَبْلِ، وَ بَعْدَ الْبَعْدِ بِالْبَعْدِ، اِنْقَطَعَتْ الْغَايَاتُ دُونَكَ.

فَسُبْحَانَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، سُبْحَانَكَ فَلَا وَزِيرَ لَكَ، سُبْحَانَكَ لَا عِدْلَ لَكَ، سُبْحَانَكَ لَا ضِدَّ لَكَ، سُبْحَانَكَ لَا نِدْلَكَ، سُبْحَانَكَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، سُبْحَانَكَ لَا تُتَغَيَّرُكَ الْأَزْمَانُ، سُبْحَانَكَ لَا تَنْتَقِلُ بِكَ الْأَحْوَالُ، سُبْحَانَكَ لَا يُعْيِيكَ شَيْءٌ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، إِلَّا تَغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ صَفِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ اِئْمَنِيكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَ خَازِنِكَ عَلَى عِلْمِكَ، اِلهَادِي اِلَيْكَ بِاِذْنِكَ، اِلْصَادِعِ بَاءَمْرِكَ عَنْ وَحْيِكَ، اِئْلَافِي بِحُبَّتِكَ فِي عِبَادِكَ، اِلْدَاعِي اِلَيْكَ، اِلْمَوَالِي اِئْوِلْيَاءَكَ مَعَكَ، وَ اِلْمُعَادِي اِعْدَاءَكَ دُونَكَ، اِلْسَالِكِ جُدَدَ الرِّشَادِ اِلَيْكَ، اِلْقَاصِدِ مِنْهَجِ الْحَقِّ نَحْوَكَ.

اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَيْهِ وَ اَلِهِ اِئْفُضْ وَ اِئْكْرَمْ وَ اِئشْرَفْ وَ اِئعْظَمْ وَ اِئطِيبْ وَ اِئتَمْ وَ اِئعَمْ وَ اِئزْكِ وَ اِئئْمِي وَ اِئوْفِي وَ اِئكْثَرْ مَا صَلَّيْتَ عَلَى نَبِيٍّ مِنْ اِئَنْبِيَاءِكَ وَ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اَللّهُمَّ، اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبِي بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا، وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا، وَ اَنْظُرْ اِلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً اِئسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تُصْرِفْهُ عَنِّي اِئبَدًا، بِرَحْمَتِكَ يَا اِئرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

- خداوند، براستی که تو معبودی نیستی که ما تو را آفریده انگاشته باشیم ، و پروردگاری نیستی که یادت فنا پذیر باشد، و شریکی نداری که همراه با تو حکم براند، و معبودی پیش از تو نبوده که ما او را بپرستیم و تو را رها کنیم ، و اَحَدی در آفریدن ما، یاور تو نبوده که ما او را شریک تو قرار دهیم ، تویی خداوند بسیار پاداش دهنده [ که شریکی برای تو نیست ، و تویی پایدار و جاودانی که هرگز سلطنتت زوال نمی پذیرد، تویی اوّل اوّلین و آخر آخرین و بسیار پاداش دهنده روز جزا، هر چیز نابود می شود و وجه [و اسماء و صفات ] بزرگوار تو باقی می ماند، معبودی جز تو نیست ، نه زاده ای تا کسی و در عزّت و سرافرازی شریک تو باشد، و نه زاده شده ای تا کسی و از تو ارث ببرد و نابود گردی ، و دیده ها تو را درک نمی کنند تا تو را به صورت شَبَح [ایستاده ]یا: آشکار] فرض کنند، و افزودنی و کاستی بر تو عارض نمی شود، و به کجایی و آنجایی و داشتن مکان توصیف نمی شوی . در امور مخفی نهان گشته ، و در عقلها - به واسطه نشانه های تدبیر و کاردانی که در آفریده هایت می بینیم - آشکاری ، تویی خداوندی که از پیامبران پیرامون تو پرسیدند و ایشان تو را به داشتن حدّ و مرز و داشتن اجزاء توصیف ننمودند، بلکه نشانه ها و آیات به گونه ای بر تو راهنمایند که منکران نمی توانند آن را انکار نمایند؛ زیرا کسی که آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست آفریده او باشد، تنها او صانعی است که با مخلوقات فرق دارد و لذا چیزی همانند او نیست .

و گواهی می دهم که آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست نشانه هایی هستند که بر تو راهنمایند، حجتّ و دلیل را از جانب تو ادا نموده و به ربوبیت تو گواهی می دهند، و داغ و نشانه بُرهانِ قدرت و نشانه های تدبیر و کاردانی ات را با خود دارند، و لذا به گونه ای معرفت و شناخت را به دلهای مؤمنان رسانیده اند که آنان را از تنهایی و وحشت اندیشه و وسوسه دلها رها نموده و مونس آنان گردیده اند، بنابراین ، آنها [یعنی آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست ] با اعتراف خویش شهادت می دهند که تو پیش از

پیش بوده ای بدون اینکه پیشی برای تو فرض شود، و بعد از بعد خواهی بود بی آنکه بعد بودن برای تو فرض شود، تمام غایتها در نزد تو پایان پذیرفته است .

پس پاک و منزّهی تو شریکی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو وزیری برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو و همتایی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو و ضدّی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو مشابهی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو هیچگاه چرت و خواب تو را نمی گیرد، پاک و منزّهی تو و زمانها تو را تغییر نمی دهند، پاک و منزّهی تو و حالات تو را دگرگون نمی سازند، پاک و منزّهی تو و هیچ چیز نمی تواند تو را ناتوان سازد، پاک و منزّهی تو، براستی که من از ستمکاران بودم ، اگر مرا نیامرزی و رحم نیاری ، از زیانکاران خواهم بود.

خداوندا، بر حضرت محمّد درود فرست ، هم او که بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و دوست و ویژه درگاه و امین تو بروحی ، و گنجینه دار دانش تو بود، هم او که به اذن تو مردم را به سوی تو رهنمون گردید، و به دستور تو وحی ات را کاملاً آشکار، و حجت را در میان بندگان برپا نموده ، و به سوی تو دعوت فرمود، و همراه با تو دوستان را دوست ، و دشمنان را دشمن گرفت ، و راههای شوسه رشد و هدایت به سوی تو را پیمود، و راه روشن حقّ به سوی تو را طیّ نمود.

خداوندا، برترین و گرامی ترین و با شرافت ترین و بزرگترین و خوشترین و کاملترین و شاملترین و پاکیزه ترین و بالنده ترین و کاملترین ، و بیشترین درودهایی را که بر پیامبری از پیامبران و فرشتگان و فرستادگان و بندگان شایسته ات فرستاده ای ، بر او بفرست ، براستی که ستوده و بلند پایه ای .

خداوندا، نماز مرا به واسطه آنان قبول ، و گناهانم را آمرزیده ، و سعی و کوششم را مورد سپاس ، و دعایم را مستجاب گردان ، و روزی ام را وسعت ده . و در این لحظه و ساعت با روی [و اسماء و صفات ] گرامی ات یک نظر رحمتی به من افکن ، نگرستی که به واسطه آن در نزد تو به کمال کرامت نایل گردم ، سپس نظرت را هیچگاه از من برنگردان . به رحمت ، این مهربانترین مهربانها.

و بعد از خواندن این نافله ظهر را شروع می کنی .

۷ - کیفیت انجام نافله های ظهر و تعقیب و دعا و ابتهال و تضرّح مخصوص بعد از هر دو رکعت از آن

به همان صورتی که شرح و تفصیل آن گذشت (۱۶۶) بنده باید با ذلّت و بندگی و مراقبه خداوند - جلّ جلاله - در امور خرد و کلان خود بپا خاسته ، و در حالی که توجّه می کند که در برابر مولای خویش قرار گرفته و وی را می بیند، رو به قبله می بایستد، و با حالت شکستگی و خضوع برای معبود خویش ، در حال قیام نماز به جای سجده اش نگاه کند، و فاصله میان دو گامش تقریباً به اندازه چهار انگشت باشد، و نیّت کند: که : نافله ظهر را به جهت استحبابش به جا می آورم در حالی که بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - از آن جهت که زبینه پرستش است ، عبادت می کنم . سپس دستهایش را تا لاله دو گوش خود بالا برده و یک بار تکبیر

بگویند، و با وقار آنها را بر روی پهلوهایش پایین آورد، سپس به همین صورت تکبیر دوّم و سوّم را گفته و بعد از تکبیر سوّم، در حالی که دستانش را به صورت برخی از انواع حالات دعا کننده که پیشتر شرح دادیم (۱۶۷)، بالا برده و دعایی را که از امام صادق (ع) بعد از تکبیر سوّم روایت شده است بخواند، که :

اَللّٰهُمَّ، اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ [المُبِينُ]، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي، اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ.

- خدایا، تویی پادشاه و فرمانروای حقّ [آشکارا]، معبودی جز تو نیست، تو را همراه با حمد و ستایش، به پاکی و منزّه بودن از آایشها می خوانم، عمل ناپسند انجام دادم و به خود ستم نمودم، پس گناهم را بیامرز، که بی گمان جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد.

سپس به صورتی که یاد آور شدیم، دو تکبیر دیگر را بگویند، و دستهایش را بالا ببرد، و با دل و زبان و تمام وجود و با تمام توان به دعوت خداوند - جلّ جلاله - لبّیک گفته و آن را اجابت کند، که مولایمان امام زین العابدین (ع) در حال گفتن لبّیک حجّ بیهوش گردید؛ زیرا اگر بنده در حالی که دلش به غیر او مشغول است و با تمام وجود بر خدا توجّه ندارد، به خداوند - جلّ جلاله - لبّیک بگوید، به دروغ لبّیک گفته است، بنابراین باید کاملاً از این امور بر حذر بوده و قلب و تمام قوای خود را بدان مکلف است جمع نموده و با تمام توان به این صورت لبّیک بگوید:

لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ، مِنْكَ وَ بِكَ وَ إِلَيْكَ، لَا مُلْجَاءَ وَ لَا مُنْجَى وَ لَا مَفَرَّ مِنْكَ اِلَّا إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَ حَنَانَيْكَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ.

- آری و آری، خیر تنها در دو دست [جلال و جمال] توست، و شرّ و بدی را به سوی تو راهی نیست، و هدایت شده کسی است که تو راهنمایی اش فرموده باشی، منم بنده و بنده زاده تو، از تو به و وسیله تو و به سوی تو می گریزم، هیچ پناهگاه و محلّ نجات و گریزگاهی از تو جز به سوی تو نیست، پاک و منزّه و مهربانی، پاک و منزّه ای پروردگار خانه کعبه.

سپس به صورتی که اشاره نمودیم دو تکبیر دیگر را بگویند و نیز توجّه نموده و بگویند:

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهَاجِ عَلِيٍّ خَنيفاً مُسْلِماً، وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، اِنْ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ بِذَلِكَ اُمِرْتُ، وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

- روی و تمام وجود خویش را به سوی پدید آورنده آسمانها و زمین نمودم، بر اساس آیین حضرت ابراهیم و دین حضرت محمد و روش حضرت علیّ (ع)، در حالی که استوار و تسلیم هستم، و هرگز از مشرکان نیستم. براستی که نماز و عبادتها و زندگانی و

مردنم از آن خداوندی است که پروردگار عالمیان می باشد، شریکی برای او نیست ، و به این دستور داده شده ام ، و از مسلمانان هستم ، پناه می برم به خدا از گزند شیطان رانده شده .

سپس سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را آهسته و با حالت اخفات بخواند، اَللّهُمَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را در تمام نمازها بلند و با حالت جهر می خواند، سپس به صورتی که پیش از این شرح دادیم تکبیر رکوع را بگوید و با حالت خشوع و خضوع رکوع می کند، و در حال رکوع به میان دو پایش نگاه کند، و با حالت افتادگی و فروتنی که پیش از این نگاشتیم (۱۶۸) دعایی را که محمد بن یعقوب از امام باقر(ع) نقل نموده - و به روایت دیگر مطالب افزون بر آن را دارد - در حال رکوع بگوید، که :

اَللّهُمَّ، لَكَ رَكَعْتُ، وَ لَكَ خَشَعْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَ لَكَ اَسَلْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّي ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ مَخْي وَ عَصَبِي وَ عِظَامِي وَ مَا اَعْقَلْتُ [يا: مَا اَعْقَلْتُه] قَدَمَايَ، لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- خدایا، تنها برای تو رکوع نمودم ، و فقط برای تو خشوع و فروتنی نمودم ، و تنها به تو ایمان آورده و تسلیم تو شده و بر تو توکل نمودم ، و تویی پروردگارم ، چشم و گوش و مغز و عصب و استخوانهایم و تمام آنچه قدمهایم آن را حمل می کند، [یعنی تمام اعضای بدنم ] برای تو خشوع و فروتنی نموده ، برای خداوندی که پروردگار عالمیان است .

سپس هفت بار بگوید:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ.

- همراه با حمد و ستایش ، پاک و منزّه می دانم پروردگار بزرگم را.

البته هفت بار گفتن افضل و بهتر است ، پنج یا سه بار گفتن آن نیز کفایت می کند، و اکتفا نمودن بر یک بار نیز جایز است . بعد از آن سر از رکوع برداشته و راست بایستد به گونه ای که تمام اعضایش به همان حالی که در حالت ایستاده بود برگردد، و در تمام این حالات متذکر این مطلب می شود که در پیشگاه خداوند - جَلَّ جلاله - است ، و اینکه این رکوع و خضوع برای عظمت و جلالت او، و برای پرستش او به جهت ذات اوست (۱۶۹)، و اینکه این سر بلند کردن نیز به امر او، و به خاطر اوست ، و بگوید:

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ [وَالْعِظَمَةِ] وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ.

- خداوند، ستایش هر کس را که ستایش او را بکند می شنود، سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است ، خداوندی که اهل کبریا و بزرگمنشی [و عظمت ] و بخشش و کبر و سرکشی است .

سپس همراه با گفتن تکبیر، دستهایش را به همان صورتی که یادآور شدیم بلند نموده و با حالت خضوع و خشوع و فروتنی ، در برابر خداوند - جَلَّ جلاله - به خاطر ذات او - جَلَّ جلاله - به سجده می رود، و ابتدا دو دست خود را بر زمین برمی گذارد، و بر هفت استخوان بدن - یعنی پیشانی و دو دست و دو زانو و قسمتی از سر انگشتان دو پا - سجده می کند، و سر بینی اش را نیز از روی خاکساری و بندگی بر خاک قرار می دهد، و حالت تجافی را حفظ نموده و هیچ قسمت از بدنش را بر روی قسمت دیگر نمی

گذارد، و با نیت صادق و باطن خالص و پاک و از روی عبودیت بندگی که پیش از این ذکر نمودیم (۱۷۰)، دعایی را که محمد بن یعقوب و غیر او از امام صادق (ع) روایت نموده اند - و به روایت دیگر مطالب افزون بر آن دارد - بخواند که :

اَللّٰهُمَّ، لَكَ سَجَدْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَ لَكَ اَسْلَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَعْتَمَدْتُ رَبِّيَ ، سَجَدَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ عَصَبِي وَ مُخِّي وَ عِظَامِي ، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ اَعْخَسُنُ الْخَالِقِينَ.

- خداوند، تنها برای تو سجده نمودم ، و فقط به تو ایمان آورده ، و تسلیم تو شده ، و بر تو توکل نمودم ، و تویی پروردگارم ، گوش و چشم و موی و عصب و مغز و استخوانهایم برای تو سجده نموده است . روی [و تمام وجود] پوسنده و فناپذیرم برای کسی که آن را آفرید و صورت نگاری نموده و برای او گوش و چشم قرار داده ، سجده نموده است . منزّه و بلند مرتبه باد خداوند، که بهترین آفرینندگان می باشد.

سپس هفت بار بگوید:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ.

- همراه با حمد و ستایش ، پاک و منزّه می دانم پروردگار والا و برتر خود را.

البته جایز است که بر پنج یا سه یا یک بار بسنده نماید. بعد با حالت وقار و به آرامی سر از سجده برداشته و بر روی ران چپ

خویش می نشیند، به گونه ای که پشت پای چپش بر روی پای راستش قرار بگیرد. و می گوید:

اَللّٰهُمَّ، اَعْفُ عَنِّي ، وَ اَغْفِرْ لِي ، وَ ارْحَمْنِي ، وَ اجْبِرْنِي [یا: وَ اجْرِنِي] ، وَ اَهْدِنِي ، [وَ] اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.

- خدایا، از من درگذر، و مورد مغفرت و رحمت خویش قرارم ده ، و مرا بی نیاز [و یا: اصلاح ، و یا: پاداشم عنایت] فرما، و هدایتم نمای ، که من به آنچه برای من از خیر و خوبی نازل فرموده ای ، نیازمندم .

البته می تواند دعای دیگری را بخواند، و هرگاه دعا را تمام کرد، به صورتی که یادآور شدیم دو دستش را همراه با گفتن تکبیر بالا

برده ، و برای انجام سجده پایین می آید، و دعا و ذکر را که مشروحاً بیان نمودیم گفته ، و بعد با حالت وقار می نشیند، سپس

آنچه را که محمد بن یعقوب کلینی از امام صادق (ع) روایت نموده ، می گوید. که فرمود: هرگاه خواستی پس از انجام یک رکعت

بپاخیزی ، بر کف دستهای خویش تکیه بده و بگو:

بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اَقْوَمُ وَ اَقْعَدُ.

- به دگرگون کردن و نیرو و قدرت خداوند برمی خیزم و می نشینم .

که علی (ع) نیز چنین می نمودند.(۱۷۱)



و ابتدا سوره حمد و سپس سوره قل يا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ را آهسته و با حالت اخفات می خواند، و پس از فراغت از آنها به همان صورتی که پیش از این یادآور شدیم ، یعنی با حالت ذلت و عبودیت و حضور خاطر و قلب و توجه به اینکه در پیشگاه جلال بزرگوار و معظم الهی قرار دارد، دو دستش را برای گفتن قنوت بالا می برد.

و مستحب است که در قنوت کلمات فرَج را بخواند، و ما آن را پیش از این ضمن تلقین محتضر ذکر نمودیم ، اینک نیز یادآور می شویم تا برای جویندگان راحت تر باشد. در قنوت خویش می گوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ [وَ مَا فَوْقَهُنَّ] وَ مَا تَحْتَهُنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- معبودی جز خداوند بر دبار بزرگوار نیست ، معبودی جز خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست ، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها [و بالا] و زیر آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می باشد. و درود بر فرستادگان ، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است .

سپس برای بزرگوارترین و عزیزترین خلائق (۱۷۲) در نزد خداوند - جلّ جلاله - دعا می کنی ، تا خداوند درهای دعا را به روی تو بگشاید، و گرنه آن بزرگوار از دعای تو بی نیاز است و نیازی به آن ندارد.

بعد از آن به هر چه نیاز دارد به صورتی که خداوند - جلّ جلاله - او را بدان رهنمون می گردد، دعا می نماید، سپس رکوع و دو سجده را درست به همان صورتی که در رکعت اوّل بجا آورد انجام می دهد.

وقتی سر از سجده دوم برداشت ، به کیفیتی که توضیح دادیم می نشیند سپس می گوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَالْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ، اءَشْهَدُ اَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ اءَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اءَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ، وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ.

- به نام خدا، و به [وسیله] خدا، و نیکوترین نامها [و کمالات] همگی از آن خداست ، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست ، و گواهی می دهم که حضرت محمد بنده و رسول خداست ، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و شفاعت او را درباره اُمّتش بپذیر، و درجه و منزلتش را بلند گردان .

و اگر تنها بر شهادت به یگانگی خداوند - جلّ جلاله - و رسالت حضرت محمد (ص) - ، و صلوات بر او و خاندانش (علیهم السلام) - علیهم السلام - بسنده نماید، کافی است .

سپس سلام نماز را رو به قبله می گوید، و با گوشه دو چشم به سمت راست اشاره نموده و می گوید:

اَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

- سلام و رحمت و برکتها و خیرات خداوند بر شما باد.

۱ - در حالتی که دو دستش را به سوی لاله دو گوش خود بالا می برد، سه بار تکبیر می گوید، سنت مؤکدی که پیامبر اکرم (ص) در برخی از بشارتهایی که به آن بزرگوار داده شده ، آن را سنت قرار داد.

۳ - سپس شروع می کند به گفتن تسبیح حضرت زهراء، فاطمه ، دختر رسول خدا(ص) که عبارت است از سی و چهار بار تکبیر و سی و سه بار حمد و سی و سه بار تسبیح ، همان گونه که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هنگام گفتن تسبیح حضرت فاطمه (علیهاالسلام) ابتدا سی و چهار بار تکبیر، و سپس سی و سه بار حمد، و سپس سی و سه بار تسبیح می گویی .  
فضیلت تسبیح حضرت زهراء(علیهاالسلام)

در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: تسبیح حضرت فاطمه (علیهاالسلام) در تعقیب نمازها، از خواندن هزار رکعت نماز [نافله] در هر روز در نزد من محبوبتر است .

البته ترتیب تسبیح حضرت فاطمه (علیهاالسلام) به گونه دیگری نیز روایت شده است ، چنانکه در حدیث آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس [بخواهد] تسبیح حضرت زهراء، فاطمه (علیهاالسلام) را بگوید، ابتدا سی و چهار بار تکبیر گفته ، و بعد سی و سه بار تسبیح می گوید، و تسبیح را به تکبیر متصل می کند، و بعد سی و سه بار حمد می گوید و حمد را به تسبیح متصل می کند.  
و بعد از آنکه اَلْحَمْدُ لِلَّهِ تسبیح حضرت فاطمه زهرا(علیهاالسلام) را به پایان برد می گوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، صَلُّوا عَلَيْهِ، وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا. (۱۷۳)، لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَ سَعْدَيْكَ. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ اَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَّا لَهُمْ وَ الْإِثْمَامَ [يا:الایمان] بِهِمْ وَ التَّصْدِيقَ لَهُمْ، رَبَّنَا، آمَنَّا وَ صَدَقْنَا وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَ آلَ الرَّسُولِ، فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ،

اَللَّهُمَّ، صُبِّ عَلَيْنَا الرِّزْقَ صَبًّا صَبًّا، بَلَاغًا لِلاُخِرَةِ وَ الدُّنْيَا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لَا نَكْدٍ وَ لَا مَنْ مِنْ اءَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، إِلَّا سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَ طَبِيبًا مِنْ وَسْعِكَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى عِفَافًا، لَا مِنْ اءَيْدِي لِنَامِ خَلْقِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي ، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي ، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي ، وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي ، وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي ، وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى لِسَانِي ، وَ الشُّكْرَ لَكَ اءَبَدًا مَا اءَبَقَيْتَنِي . اَللَّهُمَّ، لَا تَجِدْنِي حَيْثُ نَهَيْتَنِي ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا اءَعْطَيْتَنِي ، وَ ارْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خدا نیست ، براستی که خداوند و ملائکه اش تقاضای رحمت بر پیامبر اکرم ((ص)) می کنند، ای کسانی که ایمان آورده اید، برای او درخواست رحمت کنید، و براستی تسلیم او شوید. آری ، ای پروردگار ما آری ، خداوند، بر محمد و آل محمد و بر اهل بیت و فرزندان حضرت محمد درود فرست ، و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر او و ایشان باد، و گواهی می دهم که

ما باید تسلیم آنان شویم ، و به ایشان اقتدا کنیم ، [یا: ایمان آوریم ] ، و ایشان را تصدیق کنیم . پروردگارا، ایمان آوردیم و تصدیق نمودیم و از پیامبر و خاندان او پیروی نمودیم ، پس ما را از جمله شاهدان و گواهان بنویس .

خدایا، روزی که ما را به [خواسته های ] آخرت و دنیا برساند، بسیار بسیار بر ما فرو بار، بدون اینکه بسیار و سخت بکوشیم و کم بدست آوریم ، و یا کسی از آفریدگانت بر ما منت نهد، بلکه روزی وسیع و گسترده و پاکیزه ات را از دست پُرتر رحمت خویش همراه با پاکدامنی ، و نه از دست خلاق پستت [به من ارزانی دار].

خداوندا، در دیده ام روشنایی ، و در دینم بصیرت و روشندلی ، و در عملم اخلاص ، و در روزی ام وسعت ، و یادت را در شبانه روز بر زبانم قرار ده ، و سپاسگزاری از خویش را پیوسته و تا زمانی که [در این دنیا] پاینده ام داشته ای ، ارزانی ام دار، خداوندا، هرگز مرا در آنجا که نهی فرموده ای [یعنی گناهان و غفلت ] نیاب ، و آنچه را که عطا فرموده ای پر خیر و برکت گردان ، و هنگامی که جانم را می ستانی بر من رحم آر، براستی که تو بر هر چیز توانایی .

خداوند، تمام گناهان او را آمرزیده ، و از همان روز و ساعت و لحظه و ماه و سال تا سال دیگر از ناداری و نیازمندی و دیوانگی و جذام و پیسی و از مرگ بد، و از هر گرفتاری و بلایی که از آسمان به زمین فرو می آید عافیت می بخشد. و برای او در برابر این عمل شهادت به کلمه اخلاص لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ همراه با ثواب آن تا روز قیامت نوشته می شود، که ثواب و پاداش آن مسلماً بهشت است .

راوی می گوید: عرض کردم : آیا این ثوابها و نتایج برای کسی است که آن را در هر روز، تا یک سال بگوید؟ فرمود: خیر، اینها برای کسی است که از امسال تا سال دیگر یک بار آن را گفته باشد، همه آن ثوابها برای او نوشته می شود، و تا مثل همان روز و ساعت و ماه از امسال تا سال دیگر که گردش خورده و فرا رسد، او را کفایت می کند.

۳ - جمله دعاهایی که سزاوار است انسان بعد از سلام همه نافله های ظهر بخواند، این دعاست که :

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ ضَعِیْفٌ فَقَوِّاْنِیْ [ فی رِضَاكَ ضَعْفِیْ ، وَ خُذْ لِیْ الْخَیْرَ بِنَاصِیْتِیْ ، وَ اجْعَلِ الْاِیْمَانَ مُتَتَهِّیْ رِضَایْ، وَ بَارِكْ لِیْ فِیْمَا قَسَمْتَ لِیْ ، وَ بَلِّغْنِیْ بِرَحْمَتِكَ کُلَّ الَّذِیْ اَرْجُو مِنْكَ، وَ اجْعَلْ لِیْ وُدّاً وَ سُرُوراً لِلْمُؤْمِنِیْنَ، وَ عَهْداً عِنْدَكَ.

- خداوندا، براستی که من ناتوانم ، پس در خشنودی خویش ناتوانی ام را مبدّل به نیرومندی گردان ، و [موی ] پیشانی [و تمام وجودم ] را بگیر و به سوی خیر و خوبی [رهسپار ساز]، و ایمان را منتهای خشنودام قرار ده ، و آنچه را که برای من قسمت و مقدّر فرموده ای مبارک گردان ، و با رحمت خویش مرا به تمام آنچه که از تو آرزو دارم نایل گردان ، و دوستی من و شادمانی از من را در [دل ] مؤمنان ، و عهد و پیمانی در نزد خویش [برای من ] قرار ده .

۴ - از جمله دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نوافل ظهر خوانده می شود این دعاست ، که آن را با صدای بلند می خوانی :

رَبِّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْجِرْنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَاسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اَللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ، وَاعْوِذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَسَخَطِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ - پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست ، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان ، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان ، ای رحیم ، ای بسیار مهربان ، ای بسیار بخشنده ، ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، از تو خشنودی و بهشتت را خواهانم ، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم ، به خدا پناه می برم از آتش جهنم .

۵ - اینک روایتی مفصل پیرامون دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نافله های ظهر خوانده می شود، ذکر می کنیم :

عبدالله بن حسن بن حسن به نقل از مادرش فاطمه ، دختر امام حسن (علیه السلام ) از پدر بزرگوارش حسن بن علی - صلوات الله علیهما - روایت می کند که : رسول خدا(ص ) پیوسته این دعا را بین دو رکعت از نماز نافله ظهر می خواندند:

دعای بعد از دو رکعت اول :

اَللّهُمَّ، اَنْتَ اَكْرَمَ مَآئِنِي ، وَ اَكْرَمَ مَزُورٍ، وَ خَيْرٌ مَنْ طَلَبَ اِلَيْهِ الْحَاجَاتُ، وَ اَجْوَدُ مَنْ اَعْطَى ، وَ اَرْحَمُ مَنْ اسْتَرْجَمَ، وَ اَعْرُوفُ مَنْ عَفَى ، وَ اَعَزُّ مَنْ اَعْتَمَدَ، اَللّهُمَّ، بِي اِلَيْكَ فَاقَةٌ، وَ لِي اِلَيْكَ حَاجَاتُ، وَلَكَ عِنْدِي طَلِبَاتٌ مِنْ ذُنُوبِ اَنَا بِهَا مُرْتَهِنٌ، وَ قَدْ اَوْقَرْتُ ظَهْرِي وَ اَوْبَقْتَنِي ، وَ اِنْ لَا تَرْحَمْنِي وَ تَغْفِرْ لِي ، اَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ. اَللّهُمَّ اَعْتَمِدْتُكَ فِيهَا تَائِبًا اِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا قَدِيمَهَا وَ حَدِيثَهَا، سِرَّهَا وَ عَلَانِيَتَهَا، خَطَايَاهَا وَ عَمَدَهَا، صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا، وَ كُلَّ ذَنْبٍ اَدْذَنْبْتُهُ وَ اَنَا مُذْنِبُهُ، مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُعَادِرُ ذَنْبًا وَاحِدًا، وَ لَا اَعْكُتْسِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا اَبَدًا، وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ تَجَاوَزْ لِي [يا: تَجَاوَزْنِي ] عَنِ الْكَثِيرِ [يا: الْكَبِيرِ] مِنْ مَعْصِيَتِكَ، يَا عَظِيمُ، اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ اِلَّا الْعَظِيمُ، يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ، كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي فِي شَأْنِكَ شَأْنًا حَاجَتِي ، [يا: وَاَقْضِ فِي شَأْنِكَ حَاجَتِي ]، وَ حَاجَتِي هِيَ فَكَأَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْاَمَانُ مِنْ سَخَطِكَ، وَالْفَوْزُ بِرِضْوَانِكَ وَ جَنَّتِكَ، وَ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَمْنٌ بِذَلِكَ عَلَيَّ وَ بِكُلِّ مَا فِيهِ صَلاَحِي ، اَسْأَلُكَ بِنُورِكَ السَّاطِعِ فِي الظُّلُمَاتِ، اَعَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّهُمَّ، وَ اَكْتُبْ لِي عِتْقًا مِنَ النَّارِ مَبْنُوعًا، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَمَيِّنِينَ اِلَيْكَ، اَتْلُبُكَ مِنَ الْمَخْبِتِينَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرْتَ وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ، وَ الْمُسْتَكَمِلِينَ مَنَاسِكَهُمْ، وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَلَاءِ ، وَ الشَّاكِرِينَ فِي الرِّخَاءِ، وَ الْمُطِيعِينَ لِامْرِكَ، اَعْلَمْخَبِتِينَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرْتَ وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ، وَ الْمُؤْتِينَ الزَّكَاةَ، وَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ. اَللّهُمَّ، اَضْعِفْ لِي [يا: اَضْعِفْنِي ] (۱۷۴) - يَا كَرِيمُ، - كَرَامَتِكَ، وَ اَعْزِلْ لِي عَطِيَّتَكَ، وَ الْفَضِيلَةَ لَدَيْكَ، وَ الرَّاحَةَ مِنْكَ، وَ الْوَسِيلَةَ اِلَيْكَ، وَ الْمَنْزِلَةَ عِنْدَكَ، مَا تَكْفِينِي بِهِ كُلَّ هَوْلِ دُونِ الْجَنَّةِ، وَ تُظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ، وَ تُعْظِمُ نُورِي ، وَ تُعْطِنِي كِتَابِي يَمِينِي ، وَ تُضَعِفُ حِسَابِي [يا: حَسَنَاتِي ]، وَ تَخْشَرْنِي فِي اَفْضَلِ الْوَافِدِينَ اِلَيْكَ مِنَ الْمُتَّقِينَ،

تُسَكِّنِي [يا: وَ تَسْكِنِي] فِي عِلِّيْنِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْظُرُ إِلَيْهِ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَتَتَوَقَّانِي وَاءَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، وَاءَلْحَقْنِي بِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. اءَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبَلْنِي بِذَلِكَ كُلِّهِ مُفْلِحاً مُنْجِجاً، قَدْ غَفَرْتَ لِي خَطَايَايَ وَ ذُنُوبِي كُلَّهَا، وَ كَفَرْتَ عَنِّي سَيِّئَاتِي ، وَ حَطَطْتَ عَنِّي وَرْزِي ، وَ شَفَعْتَنِي فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ. اءَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَخَلِّطْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي وَ لَا بِمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً وَ لَا أَشْرًا وَ لَا بَطَرًا، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْخَاشِعِينَ لَكَ. اءَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اءَعْطِنِي السَّعَةَ فِي رِزْقِي ، وَالصَّحَّةَ فِي جِسْمِي ، وَ الْقُوَّةَ فِي بَدَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ، وَ اءَعْطِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ عَافِيَتِكَ مَا تُسَلِّمُنِي بِهِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا، وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعَ لَكَ، وَ الْوَقَارَ وَ الْحَيَاءَ مِنْكَ، وَ التَّعْظِيمَ لِذِكْرِكَ، وَ التَّقْدِيسَ لِمَجْدِكَ اَيَّامَ حَيَاتِي ، حَتَّى تَتَوَقَّانِي وَ اءَنْتَ عَنِّي رَاضٍ. اءَللّٰهُمَّ، وَاءَسْأَلُكَ السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَ الْأَمْنَ وَ الْكِفَايَةَ وَ السَّلَامَةَ وَ الصَّحَّةَ وَ الْقُنُوعَ وَ الْعِصْمَةَ وَ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةَ وَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ وَ الْمَغْفِرَةَ وَ الشُّكْرَ وَ الرِّضَا وَ الصَّبْرَ وَ الْعِلْمَ وَ الصَّدْقَ وَ الْبِرَّ وَ التَّقْوَى وَ الْحِلْمَ وَ التَّوَاضُعَ وَ الْيُسْرَ وَ التَّوْفِيقَ. اءَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاعْمُمْ بِذَلِكَ اَهْلَ بَيْتِي وَ قَرَابَاتِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ وَ مَنْ اءَحْبَبْتُ وَ اءَحَبَّنِي فِيكَ اءَوْ وَلَدْتُهُ وَ وَلَدَنِي مِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ. وَ اءَسْأَلُكَ يَا رَبَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، وَ الصَّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَ اءَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ، اَعَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضَرُورَتُهَا عَلَى التَّغَوُّثِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ، وَ اءَعُوذُ بِكَ يَا رَبَّ اَعَنْ اَكُونَ فِي حَالٍ عُسْرٍ اءَوْ يُسْرٍ اءَظُنُّ اَعَنْ مَعَاصِيكَ اَنْجَحُ فِي طَلِبَتِي مِنْ طَاعَتِكَ، وَ اءَعُوذُ بِكَ مِنْ تَكْلُفٍ مَالًا تُقَدِّرُنِي فِيهِ رِزْقًا، وَ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَتْنِي بِهِ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، تو گرامی ترین کسی هستی که به سوی تو می آیند، و گرامی ترین زیارت شونده ، و بهترین کسی هستی که خواسته ها و حوایج از تو درخواست می شود، و بخشنده ترین کسی هستی که عطا می فرمایی ، و مهربانترین کسی هستی که از تو تمنای رحمت و مهربانی می شود، و رؤ وف ترین کسی هستی که عفو می فرمایی ؟ و سربلندترین کسی هستی که به او اعتماد می شود. خدایا، من به تو نیازمندم و به تو خواسته ها دارم ، و تو در نزد من طلبکاریهایی از گناهان داری ، و من در گرو آنها هستم ، و آنها پشت مرا سنگین و نابودم کرده اند، اگر بر من رحم نفرمایی و مورد مغفرت خویش قرار ندهی ، از زیانکاران خواهم بود. خداوندا، در حالی که از گناهانم به سوی توبه می نمایم ولی درباره گناهانم به توست ، اعتمادم پس بر محمد و آل محمد درود فرست ، و تمامی گناهانم قدیم و جدید، و نهان و آشکار، خطا و عمد، کوچک و بزرگ ، و هر گناهی را که از من سرزده ، و یا در حال انجام آن هستم ، مورد مغفرت خویش قرار ده ، مغفرتی مسلم و حتمی ، به گونه ای که حتی یک گناه برای من باقی نگذاری ، و بعد از آن هیچگاه حتی یک حرام را مرتکب نشوم . طاعت اندک را از من قبول فرما، و از گناه و نافرمانی بسیار [یا: بزرگم ] درگذر. ای بزرگ ، بی گمان بزرگ را جز بزرگوار نمی آمرزد، تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او درخواست می کنند، هر روزی

خداوند در کار تازه ای است ، ای کسی که هر روز در کار [تازه] ای هستی ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و امر حاجت مرا از جمله شائن و امور خویش قرار ده [یا: آن را برآورده فرما]، و حاجتم همان رهایی ام از آتش جهنم ، و ایمنی از ناخشنودی ، و کامیابی به خشنودی و بهشت می باشد. و بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به این امور و هر چیزی که صلاح من در آن است ، بر من منت نه. به [حق] نور درخشنده ات در تاریکیها از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و میان من و ایشان در دنیا و آخرت جدایی نیاندازی ، براستی که تو بر هر چیز توانایی .

خداوندا، و برای من رهایی و آزادی دایمی از آتش جهنم را بنویس ، و از انابه و رجوع کنندگان به تمام وجود به سوی خود، که تابع، دستورات می باشند، و همواره به تو آرامش حاصل می کنند و پیوسته متوجه تو می باشند، آنان که وقتی یاد تو برده می شود دلهایشان لرزان و هراسان می گردد، و از کسانی که به عبادات چنگ زده ، و در هنگام گرفتاری شکیبایی پیشه نموده و در حالت خوشی سپاسگزارند، و در تمام آنچه بدان امر فرموده ای دستورات را اطاعت می نمایند، و نماز را بپا داشته ، و زکات اموالشان را عطا می کنند، و بر تو توکل می نمایند، قرار ده . خدایا، کرامت و بخشش ات را بر من دو چندان گردان ، ای کریم ، و عطا و فضیلت و شرافت در نزدت و آسودگی ای از جانب خویش و دستاویزی به سوی خود و مقام و منزلت یافتن در نزدت را به اندازه ای بر من افزون عطا فرما که به واسطه آن از هر هول و هراسی تا رسیدن به بهشت مرا کفایت نموده ، و در روزی که سایه ای جز سایه رحمت تو وجود ندارد، مرا در سایه عرش قرار داده ، و نور عظیم خویش را بر من عطا فرموده ، و نامه عملم را به دست راستم داده ، و اعمال نیکم [یا: حساب رسی ام] را دو چندان گردانیده ، و در میان برترین وارد شوندگان به محضر خویش از اهل تقوی محشورم ساخته ، و در علّیین [و بالاترین مقام در بهشت] جای دهی . و نیز مرا از کسانی که با روی [و اسماء و صفات] گرامی ات به ایشان نظر می افکنی قرار داده ، و در حالتی که از من راضی و خشنودی ، جانم را بستان ، و به بندگان شایسته ات ملحق فرما. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و مرا همراه با برآورده ساختن همه این خواسته ها برگردان ، در حالی که رستگار و کامیاب باشم ، و تمام خطاها و گناهانم را آمرزیده ، و بدیهایم را پوشانده ، و بار گناهان مرا برداشته ، و در برآوردن همه حوایج دنیا و آخرتم همراه با آسانی و عافیت از جانب خویش شفاعت نموده باشی . خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و هیچ کدام از اعمالم و هرچه را که به واسطه آن به سوی تو نزدیکی جستم ، به ریاء و سمعه و شادمانی از روی هوی و هوس ، و طغیان در استفاده از نعمتها آمیخته نگردان ، و از فروتنان درگاهت قرار ده .

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و وسعت در روزی ، و بهبودی در تن ، و نیرو و قدرت در بدن بر انجام طاعت و عبادت را عطایم فرما، و از رحمت و خشنودی و عافیت به اندازه ای به من ارزانی دار که مرا از تمام گرفتاریهای دنیا و آخرت سالم نگاه داری . و بیم و هراس از خود، و میل و رغبت به سویت ، و خشوع و فروتنی در برابر خود، و وقار و حیاء و شرم از خود، و تعظیم و

بزرگداشت ذکر، و به پاکی یاد کردن بزرگی ات را در تمام ایام عمرم روزی ام گردان ، تا اینکه در حال خرسندی از من ، جانم را بستانی .

خداوندا، و از تو وسعت و آرامش و امنیت و ایمنی و کفایت و سلامتی و بهبودی و قناعت [ و یا: عبادت ] و عصمت [از گناهان ] و هدایت و رحمت و عفو و گذشت و عافیت و یقین و مغفرت و شکر و خشنودی و شکیبایی و آگاهی و راستی و نیکی کردن و تقوی و بردباری و تواضع و توانگری و توفیق را درخواست می نمایم . خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و همه این خواسته ها درباره خانواده و خویشان و نزدیکان و برادران دینی ام در راه تو، و تمام کسانی که دوستشان می دارم ، و آنان که مرا در راه تو دوست می دارند، و تمام مردان و زنان مؤمن و مسلمان که فرزند و نسل من محسوب می شوند، و یا من فرزند و از نسل آنان به شما می آیم ، مستجاب بفرما.

و ای پروردگار من ، گمان نیک به تو، و صدق در توکل بر تو را از تو درخواست می نمایم . و ای پروردگار من ، به تو پناه می برم از اینکه مرا به بلایی گرفتار نمایی که مرا به ناچار بر یاری جستن به گناهی از گناهات وادار کند، و ای پروردگار من ، به تو پناه می برم از اینکه در حالی (تنگی روزی و یا توانگری ) باشم که گمان کنم گناهان و معاصی ات در برآوردن خواسته ام از طاعت تو زودتر به مقصودم می رساند، و به تو پناه می برم از به زحمت انداختن خود در چیزی که در آن برای من روزی مقدر فرموده ای . و هر روزی ای را که برای من مقدر فرموده ای ، پس بر محمد و آل او درود فرست و آن را با آسودگی و عافیت از جانب خویش به من ارزانی دارد. ای مهربانترین مهربانها.

و با صدای بلند بگو:

رَبِّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعْجِرْنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اَللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ [یا مَنَّانُ]، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتَكَ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

- پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست ، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و به رحمت خویش منزلتم را بلند گردان ، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان ، ای رحیم ، ای بسیار مهربان ، [ای بسیار بخشنده ]، ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، از تو خشنودی و بهشت را خواهیم ، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم ، به خدا پناه می برم از آتش جهنم .

سپس به سجده رفته و می گویی :

اَللّهُمَّ، [اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ]، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمَا لِيْكَ بِكَتِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ وَ اَنْبِيَآئِكَ الْمُرْسَلِيْنَ، اَعَنْ تَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تُقِيلَنِيْ عَثْرَتِيْ، وَ تَسْتُرْ عَنِّيْ ذُنُوْبِيْ، وَ تَغْفِرْهَا لِيْ، وَ تَقْلِبْنِيْ الْيَوْمَ بِقَضَاءِ حَاجَتِيْ، وَ لَا تُعَذِّبْنِيْ بِقَبِيْحٍ مَا كَانَ مِنِّيْ، يَا اَهْلَ التَّقْوٰی وَ اَهْلَ الْمَعْرِهٖ، يَا بُرُّ، يَا كَرِيْمُ، اَنْتَ اَبْرُّ بِيْ مِنْ اَبِيْ وَ اُمِّيْ وَ مِنْ

نَفْسِي وَ مِنْ النَّاسِ اَجْمَعِينَ، بِي اِلَيْكَ فَاقَهُ وَ فَقْرُ، وَ اَنْتَ عَنِّي غَنِيٌّ [يا: عَنِّي غَنِيٌّ، اَسْأَلُكَ]، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَرْحَمَ فَقْرِي، وَ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَ تَكْفَّ عَنِّي اَنْوَاعَ [يا: اَبْوَابَ] الْبَلَاءِ، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ يَسْعَانِي .

– خداوندا، [به واسطه جود و کرمّت ] و به واسطه حضرت محمد بنده و رسولت و به فرشتگان مقرب درگاهت و پیامبران فرستاده شده ات ، به سوی تو نزدیکی جسته و آنها را واسطه قرار می دهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و لغزش ام را نادیده بگیری ، و گناهانم را ببوشانی و بیامرزی ، و همین امروز مرا با برآورده نمودن خواسته ام برگردانی ، و به واسطه اعمال زشتی که از من سرزده عذابم نفرمایی ، ای اهل نگاهداری و زینده آمرزش ، ای نیکوکار، ای بزرگوار، تو نسبت به من از پدر و مادر و از خودم و از همه مردم نیکوکارتر می باشی ، من به تو حاجتمند و نیازمندم ، و تو از من بی نیازی – [از تو درخواست می کنم ] که بر محمد و آل محمد درود فرستی و بر فقر و ناداری ام رحم آورده ، و دعایم را مستجاب فرموده ، و انواع و اقسام [یا: دَرها]ی بلا را به رویم ببندی ، که مسلماً گذشت و بخشش تو مرا فرا می گیرد.

دعای بعد از سلام دو رکعت دوم :

اَعْلَلَهُمْ، اِلَهَ السَّمَاءِ وَ اِلَهَ الْاَرْضِ، وَ فَاطِرَ السَّمَاءِ وَ فَاطِرَ الْاَرْضِ، وَ نُورَ السَّمَاءِ وَ نُورَ الْاَرْضِ، وَ زَيْنَ السَّمَاءِ وَ زَيْنَ الْاَرْضِ، وَ عِمَادَ السَّمَاءِ وَ عِمَادَ الْاَرْضِ، وَ بَدِيعَ السَّمَاءِ وَ بَدِيعَ الْاَرْضِ، ذَا الْجَلالِ وَ الْاِكْرَامِ، صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِحِينَ وَ غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ مُنْتَهَى غَايَةِ الْعَابِدِينَ، اَنْتَ الْمُفْرِجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، اَنْتَ الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، مُفْرِجُ الْكُرْبِ وَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، اِلَهَ الْعَالَمِينَ، اَعْلَمَنْزُولُ بِهِ كُلُّ حَاجَةٍ، يَا عَظِيمًا يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

– خدایا، ای معبود آسمان و معبود زمین ، و پدید آورنده آسمان و زمین ، و نور آسمان و زمین ، و زینت آسمان و زمین ، و تکیه گاه آسمان و زمین ، و نو آفرین آسمان و زمین ، صاحب بزرگی و بزرگواری ، این فریادرس کمک خواهان و یاور یاری جویان ، و منتهای اهداف عابدان ، تویی برطرف کننده ناراحتی کسانی که ناراحتی سخت و گلوگیر دارند، تویی آسوده کننده اندوهناکان ، تویی مهربانترین مهربانها، گشاینده و برطرف کننده ناراحتی سخت ، و اجابت کننده دعای درماندگان ، معبود عالمیان ، هر حاجتی به درگاه تو آورده می شود، ای بزرگی که برای برآورده نمودن هر امر بزرگ به تو امید بسته می شود، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به من چنین و چنان کن .

و با صدای بلند بگو:

رَبِّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعِزَّنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَ اَرْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اَللهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرَامِ، اَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتَكَ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللّهِ مِنَ النَّارِ.



- پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست ، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان ، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان ، ای رحیم ، ای مهربان ، ای بسیار مهربان ، ای بسیار بخشنده ، ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، از تو خشنودی و بهشتت را خواهانم ، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم ، به خدا پناه می برم از آتش جهنم .

دعای بعد از سلام دو رکعت سوم:

یا عَلِيُّ یا عَظِيمُ، یا حَیُّ یا عَلِیمُ، یا غَفُورُ یا رَحِیمُ، یا سَمِیعُ یا بَصِیرُ، یا وَاحِدُ یا اَعَدُّ، یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ، وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا اَعَدُّ، یا رَحْمَانُ یا رَحِیمُ، یا نُورَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، تَمَّ نُورُ وَجْهِکَ، اِساءَ لَکَ بَنُورَ وَجْهِکَ الَّذِی اءَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، وَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الَّذِی اِذَا دُعِیتَ بِهِ اِجِبتَ، وَ اِذَا سُئِلْتَ بِهِ اِءْطِیتَ، وَ بِقُدْرَتِکَ عَلٰی ما تَشَاءُ مِنْ خَلْقِکَ، فَاِنَّمَا اَعْمُرُکَ اِذَا اَرَدْتَ شَیْئًا، اَعَنْ تَقُولَ لَهُ کُنْ، فِیکُونُ، اَعَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا.

- ای بلند مرتبه ، ای بزرگ ، ای زنده ، ای آگاه ، ای بسیار آمرزنده ، ای مهربان ، ای شنوا، ای بینا، ای یگانه ، ای بی همتا، ای بی نیازی که همگان به او نیازمندند، ای کسی که نه زاده ای و نه زاده شده ای و هیچ کس همتای تو نیست ، ای رحمان ، ای رحیم ، ای نور آسمانها و زمین ، نور روی [و اسماء و صفات ] تو تمام و کامل گشته و همه چیز را فراگرفته است ، به نور رویت که آسمانها و زمین بدان روشن گشته از تو مسألت دارم ، و به اسم بزرگ بزرگتر بزرگتر بزرگتر که هرگاه به آن خوانده شوی اجابت می نمایی ، و هرگاه به آن درخواست شوی عطا می فرمایی ، و به قدرتت بر هر یک از مخلوقات که بخواهی ، از تو درخواست می نمایم - زیرا هنگامی که چیزی را اراده نموده باشی ، تنها کارِ تو این است که به آن بفرمایی ، موجود شو. آنگاه [بی درنگ ] پدید می آید - که بر محمد و آل محمد درود فرستی و به من چنین و چنان نمایی .

و با صدای بلند بگو:

رَبِّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعِزَّنِی مِنَ السَّیِّئَاتِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی عَمَلًا بِطَاعَتِکَ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتِی بِرَحْمَتِکَ، یا اِلهُ، یا رَبِّ، یا رَحْمَانُ، یا رَحِیمُ، یا حَنَّانُ، یا مَنَّانُ، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ، اِساءَ لَکَ رِضاکَ وَ جَنَّتَکَ، وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارِکَ وَ سَخَطِکَ، اِستَجِیرُ بِاللّهِ مِنَ النَّارِ.

- پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست ، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان ، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان ، ای رحیم ، ای بسیار مهربان ، ای بسیار بخشنده ، ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، از تو خشنودی و بهشتت را خواهانم ، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم ، به خدا پناه می برم از آتش جهنم .

دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم :

اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ النُّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعِ الرُّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَا ئِكَةِ، وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَ اَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَلْفُلْكَ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَاءُ مَنْ مِنْ رَكِبَهَا، وَ يَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا، اَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَ الْاِلَازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَلْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكَينِ، وَ مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَ عَصَمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًى، وَ لِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ [يا: آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)] اَدَاءً [وَ قَضَاءً]، بِحَوْلٍ مِنْكَ وَ قُوَّةٍ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [اَلَّذِينَ اَوْجِبَتْ حَقَّهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ، وَ فَرَضَتْ وَ لَا يَتَّهَمُونَ]، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَ لَا تُخَرْنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَ ارْزُقْنِي مُوَاسَاةً مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ، مِمَّا [يا: بما] وَسَعَتْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى نِعَمِهِ، وَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ.

- خدایا، بر محمد و آل محمد، که درخت نبوت و پیامبری و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و اهل بیت وحی هستند، درود فرست . خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، آنان که کشتی روان در موجها [و یا: ژرفای ] دریا هستند، که هر کس بر آن سوار شود ایمن و آسوده ، و هر کس سوار نشود غرق می گردد، هم ایشان که هر کس بر آنان پیشی گیرد [از دین ] خارج گشته ، و هر کس از آنان عقب ماند و از ایشان تبعیت ننماید، به هلاکت مبتلا می گردد، و تنها کسی که پیوسته همراه آنان باشد به ایشان می پیوندد. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، هم ایشان که غار مصون و محفوظ، و یاور درمانده بیچاره ذلیل ، و پناهگاه گریختگان و نگاهدارنده چنگ زندگان و پناه جویان می باشند. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، درود و رحمت بسیاری که موجب خشنودی ایشان ، و آدا برآورده نمودن حق محمد و آل محمد (عليهم السلام ) گردد، به حول و قدرت تو، ای پروردگار عالمیان ، خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، [آنان که حق و مهر و مودتشان را واجب ، و سرپرستی و دوستی شان را فرض شمرده ای ]. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و دلم را به طاعت خود زنده بدار، و به معصیت و نافرمانی ات رسوایم مگردان ، و روزی ام کن که با کسانی که روزی ات را بر آنان تنگ فرموده ای ، از [یا: به ] آنچه از فضلت بر من وسعت داده ای ، مواسات و همدردی نمایم . حمد و سپاس برای خدا به خاطر نعمتهایش ، و از تمام گناهان به درگاه خدا طلب آمرزش می نمایم . و در هر هول و هراس هیچ تحوّل و دگرگونی و قدرت و نیرویی جز به خدا نیست .

۶ - اینک روایت مفصل دیگری را پیرامون دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نافله ظهر خوانده می شود یادآور می شویم : این روایت را به جدّم ابی جعفر طوسی - قدس الله جلّ جلاله روحه - در کتاب مصباح کبیر (۱۷۵) ذکر می کنیم ، وی می گوید در روایت آمده که در تعقیب سلام اوّل (یعنی بعد از رکعت دوّم ) بگو:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ، وَ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ اَعُوْذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نِعْمَتِكَ، [وَ اَعُوْذُ بِمَغْفِرَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَ اَعُوْذُ بِرَأْفَتِكَ مِنْ غَضَبِكَ،] وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، لَا اَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَ لَا الشَّنَاءَ عَلَیْكَ، اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَیَّ

نَفْسِكَ. [اَسْأَلُكَ] اَعَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَجْعَلَ حَيَاتِي زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَ وَفَاتِي رَاحَةً [لِي وَ (١٧٦)] مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَ تَسُدَّ فَاقَتِي بِهَذَاكَ وَ تَوْفِيقِكَ، وَ تُقَوِّىَ ضَعْفِي فِي طَاعَتِكَ، وَ تَرْزُقْنِي الرَّاحَةَ وَ الْكَرَامَةَ وَ قُرَّةَ الْعَيْنِ وَ اللَّذَّةَ وَ بَرْدَ الْعَيْشِ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ، وَ نَفْسِ الْكُرْبَةِ يَوْمَ الْمَشْهَدِ الْعَظِيمِ، وَ ارْحَمْنِي يَوْمَ اَلْاِقَاقِ فَرْدًا، هَذَا نَفْسِي سَلِّمْ لَكَ، مُعْتَرِفٌ بِذُنُوبِي ، مُقَرُّ بِالظُّلْمِ [يَا: بِالذَّنْبِ] عَلَيَّ نَفْسِي ، [عَارِفٌ] بِفَضْلِكَ [عَلَيَّ]، اَعْقِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ. اَسْأَلُكَ لَمَّا صَفَحْتَ عَنِّي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي ، وَ عَصَمْتَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ، وَ اَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

- خداوندا، براستی که از عقوبت تو به گذشت پناه می برم ، و از ناخشنودی به خشنودی ات پناه می برم ، و از کیفر تو به رحمت پناه می جویم ، [و از عذابت به آمرزش پناه می برم ، و از خشم و غضبت به رافت و مهربانی ات پناه می برم ،] و از تو به تو پناه می جویم . معبودی جز تو نیست ، هرگز من نمی توانم به مدح و ثنای تو برسم ، تو همانچنانی که خود، خویش را ستوده ای . [از تو درخواست می نمایم ] که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و زندگانی ام را مایه فزونی در اعمال نیک ، و مردنم را آسودگی از تمام بدیها قرار دهی ، و به هدایت و توفیق خویش نیازم را برطرف نمایی ، و ضعف و کوتاهی ام در طاعتت را نیرو بخشی ، و راحتی و کرامت و نور چشمی و لذت و خنکی و خرمی زندگانی بعد از مرگ را روزی ام گردانی ، و ناراحتی سخت و گلوگیرم را در روز محضر بزرگ خلائق در قیامت برطرف فرما، و در روزی که تنها با تو ملاقات می نمایم بر من رحم آر، این نفس من است که تسلیم توسست ، و به گناهم اعتراف دارم ، و به ظلم و ستم [یا: گناهم ] بر نفس خویش اقرار می نمایم به فضلت [یا: قدر شناس تفضلت بر خویشم ] با روی [و اسماء و صفات ] گرامی ات بر من روی آر، از تو درخواست می نمایم که گناهان گذشته ام را عفو فرموده ، و در باقیمانده عمرم [از گناه ] محفوظم بداری ، و بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به من چنین و چنان کن . سپس با صدای بلند بگو:

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ، اَعِزَّنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اَللهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ، اَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتَكَ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللّهِ مِنَ النَّارِ. - پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست ، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان ، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان ، ای رحیم ، ای بسیار مهربان ، ای بسیار بخشنده ، ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، از تو خشنودی و بهشتت را خواهانم ، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم ، به خدا پناه می برم از آتش جهنم .

بعدت در تعقیب رکعت چهارم بگو:

اَللّٰهُمَّ، مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَالْاَبْصَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِيْنِكَ وَ دِيْنِ نَبِيِّكَ، وَ لَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ، وَ اَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي سَعِيداً، فَاِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ.

- خداوندا، ای گرداننده دلها و دیدگان ، برمحمد و آل محمد درود فرست ، و قلبم را بر دین خود و آیین پیامبرت استوار گردان ، و بعد از آنکه هدایتم فرمودی دلم را منحرف مفرمان ، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده ای ، و مرا به رحمت خویش از آتش جهنم در پناه خویش درآور خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و سعادت‌مندم قرار ده ، زیرا تو هرچه را بخواهی محو نموده و یا ثابت می فرمایی ، و اُمّ الکتاب و کتاب مادر در نزد توست .

و در تعقیب رکعت ششم بگو:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمَا لَا يَكْتِكُ الْمُقَرَّبِينَ وَ اَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، اَللّٰهُمَّ، اَنْتَ الْغَنِيُّ غَنِّيْ ، وَ بِيْ الْفَاغَةُ اِلَيْكَ، اَنْتَ الْغَنِيُّ وَ اَنَا الْفَقِيْرُ اِلَيْكَ، اَعْقَلْتَنِيْ عَثْرَتِيْ ، وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوْبِيْ ، فَاقْضِ يَااللهُ، حَاجَتِيْ ، وَ لَا تُعَذِّبْنِيْ بِقَبِيْحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّيْ ، فَاِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ يَسْعَانِيْ .

- خداوندا، براستی که من واسطه جود و کرم تو و به واسطه حضرت محمد بنده و رسولت ، و به واسطه فرشتگان مقرب درگاهت و پیامبران فرستاده شده ، به سوی تو نزدیکی می جویم . خدایا، تو از من بی نیازی و من به تو نیاز دارم ، تو غنی هستی و من به تو حاجت‌مندم . از لغزشم در گذشته ، و گناهانم را پوشاندی ، پس ای خدا حاجتم را برآورده فرما، و به اعمال زشتی که از من آگاهی داری عذابم مفرما، زیرا مسلماً گذشت و بخششت مرا فرا می گیرد.

و در تعقیب رکعت هشتم بگو:

يَا اَوَّلَ الْاَوَّلِيْنَ، وَ يَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ، وَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِيْنُ، وَ يَا رَازِقَ الْمَسَاكِيْنِ، وَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ [الطَّاهِرِيْنَ]، وَ اغْفِرْ لِيْ جِدِّي وَ هَزْلِيْ ، وَ خَطَايَا وَ عَمْدِيْ ، وَ اِسْرَافِيْ عَلَى نَفْسِيْ ، وَ كُلَّ ذَنْبٍ اَعْدَبْتُهُ، وَ اعْصِمْنِيْ مِنْ اِقْتِرَافِ مِثْلِهِ، اِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيْرٌ.

- ای اوّل اوّلین و آخر آخرین ، ای خداوند صاحب قدرت ، و استوار، و ای روزی دهنده بیچارگان ، و ای مهربانترین مهربانان ، بر محمد و خاندان پاک و [پاکیزه ] او درود فرست ، و [گناهان ] جدّی و شوخی ، و خطا و عمد، و اسرافم برنفس خویش ، و هر گناهی را که انجام داده ام بیامرز، و از مرتکب شدن گناهان مشابه آن محفوظ بدار، براستی که تو بر هر چیز که بخواهی توانایی . سپس به سجده برو و بگو:

يَا اَهْلَ التَّقْوَى وَ يَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَرُّ، يَا رَحِيْمٌ، اِنَّكَ اَبَرُّ بِيْ مِنْ اَبِيْ وَ اُمِّيْ وَ مِنْ جَمِيْعِ الْخَلَائِقِ اَجْمَعِيْنَ، اِقْلِبْنِيْ بِقَضَاءِ حَاجَتِيْ مُجَاباً دُعَائِيْ ، مَرْحُوماً صَوْتِيْ ، قَدْ كَشَفْتَ اَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّيْ .

- ای اهل تقوی و نگاهداری ، و ای اهل مغفرت و آمرزش ، این نیکوکار، این مهربان ، بی گمان تو نسبت به من از پدر و مادر و از تمام مردمان نیکوکارتر می باشی ، پس در حالی که دعایم را اجابت فرموده ، و صدایم را مورد رحمت خویش قرار داده ، و انواع گرفتاری ها را از من بر طرف نموده ای ، همراه با بر آورده ساختن خواسته ام ، روانه ام ساز.

فصل هیجدهم : آداب و اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات

اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات

ما اسرار عظیم اذان و اقامه را در کتاب غیاثُ سُلطانِ الْوَرَى لِسَکَّانِ الشَّری ذکر نموده ایم ، لذا جویندگان به آنجا رجوع کنند، در

اینجا نیز اینک گوشه ای از اسرار آن به حسب امکان از روایات برگزیده و یادآور می شویم :

روایت منقول از امیرالمؤمنین (ع)

۱ - شیخ سعید ابوجعفر محمد بن بابویه - رضوان الله علیه - به سند خویش روایت کرده که حضرت موسی بن جعفر به نقل از پدر

بزرگوارش حضرت جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش حضرت محمد بن علیّ از پدر بزرگوارش حضرت علیّ بن حسین از پدر

بزرگوارش حضرت حسین بن علی (علیهم السلام) فرمود: [روزی] در مسجد نشسته بودیم ، که مؤذّن [به بالای مناره] رفت و

گفت :

اَللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ

امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب (ع) گریست و ما نیز به خاطر گریه آن بزرگوار گریستیم ، هنگامی که مؤذّن اذان را به پایان برد.

فرمود: آیا می دانید که مؤذّن چه می گوید؟ عرض کردیم : خدا و رسول و وصیّ او آگاهترند. فرمود: اگر می دانستید که چه می

گوید، مسلماً کم می خندیدید و بسیار می گریستید.

اَللّهُ اَكْبَرُ معانی فراوانی دارد، از آن جمله اینکه : مقصود از آن بزرگتر بودن خداوند از جهت قدیم و ازلی [و ابدی] بودن و علم و

قدرت و بردباری و بزرگواری و بخشش و عطا و کبریا و بزرگمنشی و عظمت خداوند است ، یعنی وقتی مؤذّن اَللّهُ اَكْبَرُ می گوید،

در واقع می گوید: خداوندی که آفرینش از آن اوست ، و امر به دست اوست ، و مخلوقات به خواست او پدید آمده اند، و همه چیز

مخلوقات از اوست ، و خلائق به سوی او رجوع می کنند، اوست که اوّل پیش از هر چیز است و ازلی است ، و آخر بعد از هر چیز و

جاودانی آشکار فوق هر چیز است که نمی توان او را درک نمود، و باطن در هر چیز که بی حدّ و مرز است ؛ پس اوست پاینده و

باقی ، و هر چیز غیر او فانی و نابود است .

معنای دوّم اَللّهُ اَكْبَرُ این است که : خداوند دانای کاردان و خبیر، به هر چه که پدید آمده و پدید می آید، پیش از به وجود آمدن

آن آگاهی دارد.

معنای سَوْمِ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اینکه : خداوند بر هر چیز قادر است ، و بر هر چیز بخواهد تواناست ، و به قدرت خویش نیرومند، و بر مخلوقات مقتدر است ، و ذاتاً قویّ است ، و قدرتش بر تمام اشیا قائم و استوار است ، و هرگاه چیزی را به حتم اراده نماید، تنها به آن می گوید: موجود شو، و آن چیز [بلافاصله ] پدید می آید.

معنای چهارم اَللّٰهُ اَكْبَرُ بر اساس معنای حلم و کَرَم خداوند است ، یعنی : خداوند آنچنان حلم و بردباری می کند که گویی از گناه بنده آگاهی ندارد، و آنچنان عفو و گذشت می کند که گویی نمی بیند، و آنچنان گناهان بندگان را می پوشاند که گویی آنان گناه انجام نداده اند، و از روی کرم و گذشت و بردباری ، در عقوبت شتاب نمی کند.

و وجه دیگر در معنای اَللّٰهُ اَكْبَرُ این است که : خداوند بخشنده و بسیار عطا کننده و افعالش بزرگوارانه و با کرامت است . رویکرد دیگر در معنای اَللّٰهُ اَكْبَرُ اینکه درباره نفی کیفیت و چگونگی داشتن خداوند است ، گویی گوینده آن می گوید: خداوند بزرگتر و منزّه از آن است که توصیف کنندگان اندازه اوصافی را که او بدان متّصف است درک کنند، و کسانی که او را می ستانید تنها به اندازه درک خویش می ستانید، نه به اندازه عظمت و جلالی که او دارد. منزّه و بسیار بلند مرتبه است خداوند از اینکه ستایش کنندگان بتوانند او را آنچنان که هست توصیف کنند.

وجه دیگر در معنای اَللّٰهُ اَكْبَرُ اینکه گویی گوینده آن می گوید: خداوند بلندتر و بزرگوارتر، و از بندگان بی نیاز است ، و هیچ نیازی به اعمال مخلوقاتش ندارد.

معنای اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، اعلام شهادت و گواهی دادن است ، و شهادت جز با شناخت قلبی میسر نیست ، گویی مؤدّن می گوید: آگاهی دارم که معبودی جز خداوند - عزّوجلّ - نیست ، و تمامی معبودها جز خداوند - عزّوجلّ - باطل و نابود هستند، و با زبان به آگاهی درونی ام اقرار می نمایم به اینکه : مسلماً معبودی جز خداوند نیست ، و شهادت می دهم که هیچ پناهگاهی برای گریز از خداوند جز به سوی او نیست ، و راه نجاتی از شرّ هیچ بدّ رسان ، و فتنه و آسیب هیچ آسیب رسان نیست ، جز به وسیله خداوند.

معنای اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ در بارِ دوّم این است : شهادت می دهم که راهنمایی جز خداوند نیست ، و من راهنمایی جز خدا ندارم ، و خدا را شاهد می گیرم بر اینکه گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، و نیز ساکنان آسمانها و زمینها و تمام فرشتگانی در آنها هستند و همه مردم و کوهها و درختان و جنبندگان و جانوران وحشی و هر تر و خشکی را که در آنها وجود دارد گواه می گیرم که شهادت می دهم که آفریدگاری جز خداوند نیست ، و جز خداوند هیچ روزی دهنده و معبود و آسیب رسان و سود دهنده ، و قابض و باسط، و عطا کننده و جلوگیری کننده ، و دفع کننده و راننده ، و خیرخواه و کفایت کننده و بهبودی بخش ، و به جلو اندازه و به تاخیر اندازه امور نیست ، و خلق و امر تنها از آن اوست ، و همه خیر و خوبی منحصرأً به دست اوست . بلند مرتبه و منزّه است خداوندی که پروردگار عالمیان است

معنای اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ، که مؤذّن می گوید این است : گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست ، و حضرت محمد (ص) بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و منتخبِ اوست که خداوند او را همراه با هدایت خود و دین و آیین حقّ به سوی همه مردم فرستاد، تا بر تمام ادیان چیره و غالب گرداند، هر چند مشرکان بدشان بیاید. و تمام پیامبران و فرستادگان و ملائکه و همه مردمانی را که در آسمانها و زمین هستند گواه می گیرم که حضرت محمد (ص) سرور اوّلین و آخرین می باشد.

و مؤذّن دربار دوّم اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ در واقع می گوید: گواهی می دهم که هیچ کس جز به خداوند یگانه قهار که از همه بندگان و خلائق بی نیاز است ، به کس دیگر نیاز ندارد، و مسلّمّاً او حضرت محمد(ص) را به عنوان بشارت دهنده مؤمنان و بیم دهنده کافران و گناهکاران به اذن خود، به عنوان دعوت کننده همگان به سوی خود، و چراغ روشن برای هدایت مردم ، به سوی آنان فرستاد، پس هر کس پیامبری او را انکار نمود و نپذیرفت و به او ایمان نیآورده ، خداوند - عزّوجلّ - او را وارد آتش جهنّم می کند، در حالی که جاودانه و پیوسته در آنجا بوده و هیچگاه از آنجا به جای دیگر منتقل نخواهد شد [یا: هرگز از آن جدا نخواهد شد].

معنای حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ یعنی اینکه : بیا بید به سوی بهترین اعمالتان و آنچه که پروردگار، شما را به سوی آن فراخوانده ، و بشتابید به سوی آمرزش از جانب پروردگارتان ، و خاموش نمودن آتشی که به واسطه گناهانتان افروخته اید، و آزاد نمودن خود از گرو گناهانتان ، تا خداوند بدیهایتان را پوشانده ، و گناهانتان را آمرزیده ، و بدیهایتان را به نیکی ها مبدّل نماید، که او فرمانروای با کرامت و بزرگوار و صاحب بخشش بزرگ است ، و به ما جماعت مسلمانان اجازه داده که در خدمت و بندگی او و در محضرش وارد شویم .

معنای حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ در بار دوّم یعنی اینکه : بپا خیزید به سوی مناجات با پروردگار و عرضه نمودن خواسته هایتان بر او، و با کلام او به او توسّل جوئید، و آن را واسطه بین خود و او قرار دهید، و بسیار به یاد او قنوت و رکوع و سجود و خشوع و خضوع او بپردازید، و حوایج خویش را به [درگاه ] او ببرید، که خود اجازه اینها را به ما داده است .

معنای حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ این است که در واقع مؤذّن می گوید: رو آورید به سوی پایداری [یا: مالی ] که فنا و نیستی با آن نیست ، و رهایی که هیچ گونه نابودی با آن نخواهد بود، و بیا بید به سوی زندگانی ای که مرگی با آن نیست ، و به سوی نعمت [معنوی ] ای که نابود نمی گردد، و به سوی سلطنتی که زوال ندارد، و به سوی خوشحالی و سروری که اندوهی همراه آن نیست ، و به سوی اُنسی که هیچ احساس تنهایی ای با آن نیست ، و به سوی نوری که هیچ تاریکی با آن نیست ، و به سوی گشایشی که تنگی با آن نیست ، و به سوی برافروختگی و شادمانی ای که پایان پذیر نیست . و به سوی توانگری ای که هیچ نیازی به دیگران با آن نیست ، و به سوی تندرستی ای که هیچ بیماری با آن نیست ، و به سوی سرافرازی که هیچ ذلّت و خواری با آن نیست ، و به سوی

قدرتی که هیچ ناتوانی با آن نیست ، و به سوی کرامتی چه کرامت و بزرگواری! بشتابید به سوی شادمانی دنیا و آخرت ، و نجات آخرت و این جهان .

در بار دوم حَیَّ عَلَى الْفَلَاحِ مؤذّن در واقع می گوید: از یکدیگر پیشی گیرید به سوی آنچه که شما را بدان دعوت نمودم ، و به سوی کرامت بسیار و افزون ، و منتّ عظیم و نعمت بلند پایه و رستگاری بزرگ و نعمت جاودانی در جوار حضرت محمّد (ص) در مقام صدق و راستی ، نزد خداوندی که پادشاه مقتدر و تواناست .

معنای اَللّهُ اَكْبَرُ این است که در واقع مؤذّن می گوید: خداوند، بالاتر و بزرگتر است از اینکه احدی از مخلوقاتش از کرامتی که او برای بنده اش مهیّا نموده ، آگاه باشند، آن بنده ای که او را پذیرا گشته و از او اطاعت نموده و او را شناخته و بندگی نموده و به یادش مشغول گردیده و نسبت به او محبّت ورزیده و با او انس ، و به او آرام گرفته و بر او اعتماد نموده ، و از او بیم و هراس داشته و به او مشتاق گشته و با حکم و قضای او موافقت نموده و بدان خشنود باشد.

در بار دوم اَللّهُ اَكْبَرُ در واقع می گوید: خداوند، بزرگتر و بالاتر و بزرگوارتر از آن است که احدی اندازه کرامت او نسبت به دوستان خویش و اندازه عقوبتش نسبت به دشمنانش ، و اندازه گذشت و آمرزش و نعمتش را برای کسی که دعوت او و رسولش را پذیرفته ، و اندازه عذاب و عقوبت و اهانتش را نسبت به کسانی که او را انکار نموده و نپذیرفته اند، بداند.

معنای لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ این است که در واقع مؤذّن می گوید: به واسطه فرستادن رسول ، و رسالت و روشنگری و دعوت او، حُجّت رسای خداوند بر مردم تمام شده است ، و او بزرگتر از آن است که احدی از آنان بر او حُجّت داشته باشند، پس هرکس دعوت او را بپذیرد، فوز و رستگاری و کرامت منحصرأً برای اوست ، و هرکس او را انکار نماید، براستی که خداوند از همه عالمیان بی نیاز است ، و هم او زود حساب رس ترین می باشد.

معنای قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ در اقامه این است : که وقتِ زیارت و دیدار و مناجات و برآورده شدن حوایج و نیل به آرزو و رسیدن و وصول به خداوند - عزّوجلّ - و به کرامت و عفو و خشنودی و آمرزشش فرا رسید.(۱۷۷)

شیخ جلیل ابوجعفر بابویه - رضوان الله علیه - می گوید: راوی به خاطر تقیّه حَیَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ را ذکر ننموده ، ولی در روایات دیگر، از امام صادق (ع) درباره معنای آن پرسیدند، حضرت فرمود: بهترین عمل همان ولایت است .(۱۷۸)

و در روایت دیگری فرمود: بهترین عمل ، نیکی کردن به حضرت فاطمه و فرزندان او(علیهم السلام) می باشد.(۱۷۹)

روایت منقول از ابن عبّاس رضوان الله علیه

۲ - اینک روایت دیگری را پیرامون اسرار اذان که از ابن عبّاس رضوان الله علیه نقل شده - هم او که شاگرد مولایمان علیّ (ع) (

بوده ، و روایاتش در مثل این موارد یا به پیامبر اکرم (ص) منتهی می شود و یا به مولایمان علیّ (ع) - ذکر می کنیم :

عطاء می گوید: من [ابو العالیّه] و سعید بن جبیر و عکرمه ، در طائف در نزد ابن عبّاس بودیم که مؤذّن آمد و گفت :



و نام مؤذن قثم بن عبدالرحمن ثقفی بود.

عطایی گوید که ابن عباس گفت : آیا می دانید مؤذن چه می گوید: ابوالعالیه از او درخواست کرد و گفت که ما را از تفسیر آن آگاه نما.

ابن عباس گفت : وقتی مؤذن می گوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ در واقع می گوید: ای کسانی که به زمین [و تعلقات عالم خاکی ] سرگرم هستید، نماز واجب شد، پس خود را برای انجام آن آسوده و فارغ کنید.

هنگامی که می گوید: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ در واقع می گوید: روز قیامت بپا خواهد شد، و تمام آنچه در آسمانها و زمین است به نفع من گواهی خواهند داد که در هر روز پنج بار شما را آگاه نمودم .

وقتی می گوید: اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ در حقیقت می گوید: روز قیامت برپا خواهد شد و حضرت محمد(ص ) به نفع من بر شما گواهی خواهد داد که من در هر روز پنج بار شما را از این مطلب باخبر نمودم ، و حجت و دلیل من در نزد خدا موجه و پابرجاست .

هنگامی که می گوید: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ در واقع می گوید: [بیایید به سوی نماز] همان دین استوار و برپا دارنده (۱۸۰)، و آن را بپا دارید.

وقتی که می گوید: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، در واقع می گوید: بیایید به سوی طاعت خداوند، و بهره خویشتن را از رحمت خداوند، یعنی نماز جماعت بگیرید.

وقتی بنده می گوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ در واقع می گوید: بجا آوردن اعمال دیگر غیر از نماز حرام گردید.

و هنگامی که می گوید: لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ در حقیقت می گوید: امانت آسمانها و زمینهای هفتگانه و کوهها و دریاها بر گردنتان نهاده شد، اگر می خواهید روی آورید، و اگر نمی خواهید روی گردان شوید.

۳ - اینک برخی از اسرار اقامه را بر اساس روایت ذکر می کنیم : در روایتی محمد بن مروان [یا: هارون ] می گوید: امام باقر(ع ) فرمود: آیا می دانی که تفسیر گفتار کسی که در اقامه می گوید حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ چیست ؟ وی می گوید: عرض کردم : خیر، فرمود: او تو را به سوی نیکی کردن می خواند. آیا می دانی نیکی نمودن به چه کسی ؟ می گوید عرض کردم : خیر. فرمود: تو را به نیکی نمودن به حضرت فاطمه و فرزندانش (علیهم السلام ) فرا می خواند.

۴ - در حدیث دیگر اصبع بن نباته می گوید: در حضور محمد بن حنفیه - رضی الله عنه - اذان گفته شد. وی فرمود: هنگامی که پیامبر اکرم (ص ) برای معراج به آسمان برده شد، و به آسمان ششم رسید، فرشته ای از آسمان هفتم - که تا پیش از آن روز هرگز فرود نیامده بود، فرود آمد، و گفت :

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ خداوند - جَلّ جلاله - فرمود: من چنینم .

آن فرشته گفت : اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، خداوند - جَلّ جلاله - فرمود: من چنینم و معبودی جز من نیست .

وی گفت : اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ خداوند - عزوجلّ - فرمود: او بنده و امین من بر مخلوقات من می باشد که او را برای آدای رسالتهای خویش برگزیده ام .

سپس گفت : حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، خداوند - جَلّ جلاله - فرمود: نماز را بر بندگانم واجب نموده و آن را به عنوان دین و آیین خود قرار دادم .

سپس گفت : حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ، خداوند - جَلّ جلاله - فرمود: رستگار گردید هرکس که به سوی نماز برود و به خاطر، نیل به خشنودی ام بر آن مواظبت نماید.

سپس گفت : حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ، خداوند - جَلّ جلاله - فرمود: نماز برترین و پاکیزه ترین اعمال در نزد من است .

سپس گفت : قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ و پیامبر اکرم (ص) جلو رفت و امام جماعت شد، و آسمانیان به اواقتدا نمودند، از آنجا بود که پیامبر اکرم (ص) نزد آسمانیان شناخته شد

وقت اذان ظهر

حال که بخشی از اسرار اذان و اقامه را از طریق روایات نقل نموده و یادآور شدیم ، لازم است بعضی از اموری را که اهل استقامت در عمل بدان نیاز پیدا می کنند ذکر کنیم ، پس می گوئیم : وقتی انسان از نافله های ظهر به همان صورتی که شرح دادیم فراغت پیدا کرد، لازم است به کیفیتی که با گفتار روشن بیان خواهیم کرد اذان بگوید، و اگر خواست اذان را جلوتر، یعنی بعد از بجا آوردن شش رکعت از نافله های ظهر می گوید، و دو رکعت از رکتهای هشتگانه و دعای مربوط به آن دو را بعد از اذان و اقامه بجا می آورد، زیرا در این باره روایاتی به طور عموم نقل شده است .

از آن جمله در روایتی آمده که امام صادق و [یا] حضرت ابی الحسن امام کاظم (ع) فرمودند: اذان ظهر را بعد از خواندن شش رکعت از نافله های ظهر، و اذان نماز عصر را بعد از خواندن شش رکعت از نافله های عصر که بعد از نماز ظهر خوانده می شود، بگو کیفیت و بخشی از احکام اذان و اقامه

اذان و اقامه هر دو مستحبّ هستند، و در آن دو اسراری است که اینک بخشی دیگر از آن را به حسب مصلحت ذکر می کنیم :

گفتن اذان و اقامه بر اساس روایات در نمازهای چهارگانه (۱۸۱) و بخصوص در نماز صبح و مغرب بیشتر مورد تاءکید واقع است ؛ زیرا اذان و اقامه در نماز صبح و مغرب از امور مهمّ، و از کمال آن دو، و از نشانه های حضور قلب بنده به پروردگار، و بیانگر آن است که بنده خود را برای خدمت و بندگی پادشاه عالمیان آماده نموده ، و از رانده شدگان نیست . چنانکه خداوند - جَلّ جلاله - درباره

جهادگران می فرماید:

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ، لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً، وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ، فَثَبَّطَهُمْ، وَقِيلَ: افْعَدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ. (۱۸۲)

- و اگر آنان می خواستند که برای جنگ خارج شوند، مسلماً توشه و جنگ افزار برای آن آماده می کردند، ولیکن خداوند از برانگیخته شدن و حضور آنان ناخوشایند بود، لذا آنان را باز داشته و سرگرم ساخت ، و به آنان گفته شد که با نشستگان بنشینید. بنابراین ، باید بنده با طهارت و روی به قبله ، و به خاطر تعظیم و بزرگداشت فرستنده (خداوند تبارک و تعالی ) و فرستاده شده (رسول اکرم (ص ) و آیین دین مبین اسلام بپا خاسته ، و فصول اذان را شمرده شمرده و فصول اقامه را پشت سر هم و تند، و هر کلمه از آن دو را با صدق و همراه با موافقت باطن با ظاهر همانند صفت اهل استقامت بگوید. بنابراین می گوید:

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ.

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ.

اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ، اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ الصَّلَاةِ.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ.

لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ.

- خداوند بزرگتر است ، خداوند بزرگتر است ، خداوند بزرگتر است ، خداوند بزرگتر است ، گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، گواهی می دهم که حضرت محمد (ص ) فرستاده خداست ، گواهی می دهم که حضرت محمد (ص ) رسول خداست ، بر نماز روی آورید، بر رستگاری روی آورید، بر رستگاری روی آورید، بر بهترین عمل روی آورید، بر بهترین عمل روی آورید، خداوند بزرگتر است ، خداوند بزرگتر است ، معبودی جز خدا نیست ، معبودی جز خداوند وجود ندارد.

اعمال بین اذان و اقامه از دیدگاه روایات

۱ - مقداری میان اذان و اقامه مقداری فاصله می اندازد. چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع ) فرمود امیرالمؤمنین علی بن ابی

طالب (ع ) پیوسته به یاران خویش می فرمود: هرکس بین اذان و اقامه سجده نموده و در حال سجده بگوید:

رَبِّ، لَكَ سَجَدْتُ خَاضِعًا خَاشِعًا دَلِيلًا.

- پروردگارا، با حالت خضوع و خشوع و خاکساری و ذلت برای تو سجده و کرنش نمودم .

خداوند متعال می فرماید: ای ملائکه و فرشتگان من ، به عزّت و سرافرازی و جلال و عظمت سوگند، مسلماً محبت او را در دل بندگان مؤمنم ، و هیبت و بیم از او را در دل منافقان قرار خواهم داد.

۲ - و روایت دیگر اینکه : محمد بن ابی عمیر به نقل از پدرش می گوید: دیدم که امام صادق (ع) اذان گفت سپس برای سجده رفت و بین اذان و اقامه یک سجده نمود، و هنگامی که سر از سجده برداشت ، فرمود:

ای [!] باعمیر، هرکس همانند من عمل کند، خداوند متعال تمام گناهان او را می آمرزد.

و فرمود: هرکس اذان بگوید و سپس سجده کند و در سجده بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اَعَنْتَ رَبِّي ، سَجَدْتُ لَكَ خَاضِعاً خَاشِعاً.

- تویی پروردگار من ، با حالت خضوع و خشوع و فروتنی برای تو سجده نمودم .

خداوند، گناهان او را می آمرزد.

۳ - بعد از سر برداشتن از سجده (بین اذان و اقامه) دعایی را که معاویه بن وهب به نقل از پدرش نقل کرده ، می خواند، وی می گوید که شنیدم امام صادق (ع) میان اذان و اقامه می فرمود:

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْسَى [مَنْ] ذِكْرَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُعْشَى ، وَلَا بَوَابٌ يُرْشَى ، وَ لَا تَرْجُمَانُ يُنَاجَى ، سُبْحَانَ مَنْ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِمُوسَى ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَ لَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

- پاک و منزّه است خداوندی که نشانه هایش از بین نمی رود پاک و منزّه است خداوندی که یادش فراموش نمی گردد [یا: کسانی را که بر یاد او هستند فراموش نمی کند]، پاک و منزّه است خداوندی که درخواست کننده اش محروم نمی گردد، پاک و منزّه است خداوندی که نه پرده داری دارد که او را پوشانده [و دور از دسترس نگاه دارد]، و نه درباری که به او رشوه داده شود، و نه مترجمی که [تنها وی] با او مناجات و به صورت خصوصی گفتگو کند، پاک و منزّه است خداوندی که بهترین نامها [و کمالات] را برای خود برگزید، پاک و منزّه است خداوندی که دریا را بر حضرت موسی (ع) شکافت ، پاک و منزّه است خداوند که در اثر فراوانی بخشش جز بر بزرگواری و بخشش او افزوده نمی گردد، پاک و منزّه است خداوندی که اینچنین است و غیر او چنین نیست .

دعا برای امام زمان (ع) بین اذان و اقامه

۴ - سپس بین اذان و اقامه به هر چه که خداوند - جلّ جلاله - به او می آگاهاند دعا می نماید، و ابتدا برای بزرگترین و عزیزترین خلائق در زمان خویش در نزد خداوند - جلّ جلاله - (۱۸۳) دعا می کند، زیرا آن بزرگوار مقام بزرگی را جهت استجاب دعا داراست ،

البته دعای کسی را مستجاب می کند که آن را به همان صورتی که بدان فرا خوانده شده (همراه با شرایطش) بجا آورد.

کیفیت گفتن اقامه

سپس برای اقامه بپا خاسته و می گوید:

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ.

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ.

اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ، اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ. (۱۸۴)

- براستی که نماز بپا شد، براستی که نماز برپا گشت .

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ.

لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ.

لزوم پاسخ به ندای اذان و خواندن نماز در اوّل وقت

ای بنده ناتوانی که ندانسته فراموش می کنی ، و ناآگاهانه مغلوب خواب می گردی ، و ناخواسته بیمار می شوی ، و ناخواسته پیر و

مُسَنّ می گردی ، و ناآگاهانه به گرفتاریهای سخت مُبتلا می شوی ، و ناخواسته به واسطه از دست رفتن اموری که دلخواهت می

باشد دردمند می شوی ، و سرانجام ندانسته جان می سپاری ، چه چیزی تو را بر سوء ادب نسبت به پادشاه عالمیان ، توانا و گستاخ

گردانیده است ، که ندای تلویحی او را که تو را برای قیام به عبودیت و بندگی اش فرا می خواند، مکرّر می شنوی ، ولی آن را

کوچک شمرده و التفاتی به دعوتش نمی کنی ، تا اینکه تصریحاً ندایش را اعاده نمود و مکرّر در اذان و اقامه فرمود:

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

در حالی که تو - ای بیچاره - با دوگوش خویش آن را می شنوی ولی التفاتی به پاسخ آن نمی کنی . اگر یهود و نصاری آن را می

شنوند و التفاتی به آن ندارند، و تو نیز مانند آنان می شنوی و اصلاً التفاتی به آن نمی کنی ، پس واقعاً فرق میان و تو آنان چیست

؟ آیا بر تو و بر هر شخص عاقل پوشیده است که حال تو، مانند حال تصدیق کنندگان نیست ، وای بر تو، اگر از اهل بصیرت بودی

، احتمال اینکه این ندا ممکن است از سوی پادشاه اوّلین و آخرین باشد، کافی بود که با شتاب بپا خاسته و نسبت به خواطر و باطن

خویش اهتمام ورزی ؛ زیرا اگر ندایی را از پشت خانه خویش بشنوی و گوینده ای که از صدق گفتارش با خبر نیستی به تو بگوید

که این صدای فلان خلیفه و پادشاه ، و یا صدای کسی است که به بخشش او امید داری - ای بیمار - آیا کارهایت را رها نمی

کردی و برای پاسخ دادن به آن ندا بر نمی خاستی ؟ بنابراین ، ندای تمام پیامبران و اوصیا(علیهم السلام ) و تمام دعوت کنندگان

به سوی پادشاه زمین و آسمان در نزد تو به جای گفتار یک شخص که یقیناً از راستگویی او باخبر نیستی نمی نشیند، خود را درمان کن، زیرا اگر عقل خود را بکار بیاندازی می بینی که یا بیمار هستی و درد پنهان داری، و یا به هلاکت و نابودی گرفتار آمده ای. پس هنگامی که این ندا را شنیدی، مبدا به آن پشت کنی، بلکه همچون کسی که مژده داده اند و مولایش به او اجازه داده که در محضر گفتگو و اقبال و توجه و پذیرش او وارد شود و به او خوشامد گفته است، بپاخیز، که من در مقام خیرخواهی و مهربانی، عذری را برای تو نمی یابم.

و اگر خود را معذور می دانی، به تو می گویم: خود توجه داری که همه بر انجام نماز مکلف هستند، حتی جنگجو و زخم خورده و کسی که در حال غرق، و یا بیمار و اسیر است، و هیچ شخص [دارای عقل سالم] در انجام ندادن آن عذری ندارد، پس به روح خود رحم کن، که روز سخت و خطر بسیار و بزرگی را در پیش داری.

اگر از کسانی باشی که شدت این تهدید و وعده عذاب در بپا خاستن تو برای خواندن نماز اول وقت سود بخش نیست، ما برخی از نویدهایی را که درباره تعجیل در نماز و خواندن آن در اول وقت وارد شده، می آوریم:

از آن جمله در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: فضیلت اول وقت بر آخر آن، همانند فضیلت آخرت بر دنیا است.

باز شده که امام صادق (ع) فرمود: مسلماً فضیلت اول وقت بر آخر آن، برای مؤمن از فرزند و دارایی اش بهتر است.

حال اگر نه به خاطر وعده عذاب، و نه به خاطر نویدهای خداوند برای انجام نماز اول وقت بپا نمی ایستی، آیا واقعاً به گفتار مقدس او یا حرمت جلال و عظمت او باور داری؟

دعای بعد از اقامه

هنگامی که بنده اقامه نماز را گفت (۱۸۵)، و پند و اندرز و دلسوزی ما را که یادآور شدیم پذیرفت، باید دعایی را که از امام رضا (ع)

روایت شده بخواند، که فرمود: بعد از اقامه و پیش از استفتاح و گفتن تکبیرهای افتتاح در هر نماز می گویی:

اَللّٰهُمَّ، رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، بَلِّغْ مُحَمَّدًا (ص) الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ. بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ، وَ بِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَآلِ مُحَمَّدٍ (ص) اَتَوَجَّهْ. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِيْ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ.

– خداوندا، ای پروردگار این دعوت کامل و نماز برپا شده، حضرت محمد (ص) را به درجه و دستاویز و فضل و برتری نایل گردان،

تنها به خدا طلب گشایش می نمایم، و تنها به وسیله خدا طلب کامیابی می کنم، و به واسطه حضرت محمد فرستاده خدا و

خاندان او (ص) به سوی خدا متوجه می شوم، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا در نزد خود در دنیا و آخرت

آبرومند و از مقربان درگاهت بگردان.

و نیز بخواند دعایی که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هماره امیرالمؤمنین (ع) به یاران خویش می فرمود: هر کس اقامه بگوید و پیش از احرام و گفتن تکبیرهُ الاحرام بگوید:

يَا مُحْسِنُ، قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ، وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ، وَاءَنْتَ الْمُحْسِنُ وَاءَنَا الْمُسِيءُ، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَجَاوَزْ عَنِ قَبِيحٍ مَا تَعْلَمُ مِنْهُ .

- ای نیکوکار، بدکار به درگاهت آمده ، خود امر فرمودی که نیکوکار از بدکار درگذرد، و تو نیکوکاری و من بدکارم ، پس به حق محمد و آل محمد، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و از اعمال زشتم که خود آگاهی ، درگذر. خداوند متعال می فرماید: ای ملائکه من ، شاهد باشید که من او را عفو نمودم و کسانی را که پیامدهای بد(۱۸۶) از او می خواهند، خشنود نمودم .

فصل نوزدهم : آداب و اسرار نماز ظهر و تعقیبات آن

نماز، فرونشاندن آتشیهای وجودی انسان

هنگامی که بنده اقامه و دعای بعد از آن را به پایان رساند، و به صورتی که نگاشتیم با قلب و قالب و دل و تن ، همانند ایستادن بنده در پیشگاه مولایش که او را می بیند، در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - قرار گرفت ، شایسته است که افزون بر آنچه که پیشتر ذکر نمودیم ، توجّه داشته باشد که : به وسیله این نماز می تواند آتشیهای را که بر خرمن قلب و هرچه که در دنیا و آخرت مالک آن است زده و همگی شروع به سوختن و شعله ور شدن گردیده اند، خاموش سازد، و در نتیجه در اهتمام به نماز کاملترین توفیق را داشته باشد، به گونه ای که اگر مثلاً خانه او یا کالایش در دنیا آتش می گرفت ، و فرزندان یا عیالش را که در نزد او عزیز و ارجمند هستند می سوختند، و نزدیک بود که آتش به تن او برسد، چنین می کرد.

در روایت آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقت هر نماز که فرا می رسد، فرشته ای در پیشاپیش مردم ندا می دهد: بپا خیزید به سوی خاموش کردن آتشیهای که بر پشتتان شعله ور نموده اید، و آنها را با نماز خواندن خاموش کنید.

و نیز از طریق امام صادق (ع) نقل شده که رسول خدا(ص) فرمودند: وقت هیچ نمازی فرا نمی رسد، مگر اینکه منادی [یا: فرشته ای] در پیشگاه خدا ندا می کند: ای مردم ، بپاخیزید به سوی خاموش کردن آتشیهای که بر پشت خویش شعله ور ساخته اید، و آنها را با نمازتان فرو نشانید.

از طریق اهل تسنّن ، نیز به نقل از عبدالله بن مسعود آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: آتش گناهان را پیوسته روشن می کنید تا اینکه نماز صبح را می خوانید و آن ، آتش گناهانتان را می شوید، سپس همچنان آتش روشن می کنید تا اینکه نماز ظهر را می خوانید و آن ، آتش گناهانتان را می شوید، سپس همچنان آتش گناهانتان را آتش روشن می کنید تا اینکه نماز عصر را می خوانید و آن ، آتش گناهانتان را می شوید، سپس پیوسته آتش گناهانتان را روشن می کنید تا اینکه نماز مغرب را می خوانید و آن ، آتش

گناهاتان را می شوید، سپس همچنان آتش گناهانتان را روشن می کنید تا اینکه نماز عشا را می خوانید و آن ، آتش گناهاتان را می شوید، سپس می خوابید و تا هنگام بیدار شدن برای شما گناه نوشته نمی شود.

بنابراین ، این مطلب از طریق فریقین (شیعه و سنی ) روایت شده پس کسی که طالب سعادت و چشم روشنی است چگونه آن را کوچک و خوار می شمارد؟

همچنین از عبدالله بن مسعود روایت شده که رسول خدا(ص ) فرمود: هنگام فرا رسیدن وقت هر نماز شنیدم که منادی می گوید: ای فرزندان آدم ، بپا خیزید و آتشی را که علیه نفس خود روشن نموده اید خاموش کنید، پس ایشان برمی خیزند و طهارت می گیرند و خطاها و گناهانشان می ریزد، و نماز می خوانند و گناهان ما بین دو نماز آمرزیده می شود، سپس آتش گناهانشان را ما بین دو نماز روشن می کنند، پس هنگامی که وقت نماز نخست فرا می رسد، ندا می کند که : ای فرزندان آدم ، بپا خیزید و آتشی را که علیه خود روشن نموده اید خاموش کنید، پس برمی خیزند و طهارت می کنند و نماز می خوانند و گناهان ما بین دو نمازشان آمرزیده می شود، پس هنگامی که وقت نماز مغرب فرا می رسد مانند آن را می گوید، و هنگامی که وقت نماز عشا فرا می رسد نیز مانند آن را می گوید، پس از خواب بیدار می شوند در حالی که گناهانشان آمرزیده شده است .

سپس رسول خدا(ص ) فرمود: پس شبانگاهان گروهی در خیر، و گروهی در شر سیر می کنند.

توجه به اینکه این نماز، آخرین نماز اوست

از جمله امور مهم برای هرکس که می خواهد نماز واجب را بخواند، این است که مانند کسی که زندگانی را بدرود گفته و بیم آن را دارد که دیگر بر انجام مثل آن نماز قادر نباشد، و نیز با مغتنم شمردن برتری جایگاه و تحفه های فضیلت نماز بخواند، چنانکه روایت شده که امام صادق (ع ) به عبدالله بن یعفور - رضوان الله علیه - فرمود: ای عبدالله ، هرگاه نماز واجب را خواندی ، آن را در اول وقتش ، و مانند کسی که زندگانی را بدرود گفته و بیم آن را دارد که هیچگاه به سوی آن بازنگردد نماز بخوان ، و چشمش را به جای سجده ات بدوز، زیرا اگر می دانستی که چه کسی در راست و چپ توست ، بی گمان نماز را نیکو بجا می آوری . و بدان که در پیشاپیش کسی هستی که تو را می بنید و تو او را نمی بینی .

نکوهش وارد شدن در نماز با حالت کراهت

از دیگر امور مهم برای نماز گزار این است که : با حالت کراهت و ناخوشایندی از نماز، وارد آن نشده ، و در بیرون آمدن از آن عجله نکند؛ زیرا خداوند - جلّ جلاله - درباره برخی از کسانی که آرزوهایشان را نومید، و امکان اقبال و توجهشان به خود را از بین برده ، می فرماید:

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ، فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ. (۱۸۷)

- و این به خاطر آن بود که آنان از آنچه خداوند فرو فرستاده بودن کراهت داشتند، و لذا خداوند اعمال آنان را نابود گردانید.



و یاد نماز از مصادیق ما اَنْزَلَ اللَّهُ می باشد، پس از آن کراهت نداشته باش ، تا مبادا به هلاکت و نابودی گرفتار گردی .

مبادا گفتار کسی را بپذیری که می گوید: نماز تکلیف است ، و انجام تکلیف بر دلها سنگین می باشد؛ زیرا این سخن از خشنودی خداوندی که به تمام اسرار آگاه است ، بدور است . و تو را همین بس که قرآن به صراحت هشدار داده که نماز برای غیر کسانی که در برابر خداوندِ رحمان خشوع و فروتنی دارند، سخت و گران است ، و خاشع نبودن صفت نقص است ، آنجا که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۱۸۸)

- و براستی که نماز جز بر فروتنان سخت و سنگین است .

اگر نماز برای تمام نمازگزاران تکلیف سنگین بود، خداوند - جلّ جلاله - خاشعان و فروتنان را مدح و ستایش ننموده و استثنا نمی کرد و نمی فرمود که نماز بر آنان سنگین و گران نیست .

همچنین در پاسخ او این کلام مقدّس صریح قرآن را بخوان که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

حَبَبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ، وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ، وَكَرَهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ (۱۸۹)

- خداوند ایمان را در نزد شما محبوب گردانیده و آن را در دلهایتان بیاراست ، و کفر و گناه و بدکاری و نافرمانی را در نزدتان ناخوشایند جلوه داد.

و بگو: تو بر خلاف این سخن می گویی ، و نسبت به خداوند بهتان روا می داری ، آیا با وجود کراهت داشتن تو از خدمت و بندگی و تقرّب به او، این گفتار تو که می گویی او - جلّ جلاله - از تو خواسته که حضرتش - جلّ جلاله - را دوست بداری ، و تو ادّعی می کنی که او - جلّ جلاله - را دوست می داری ، قابل قبول است ؟ آیا نزد عقل صحیح است که عاشق از عمل کردن برای کسب خشنودی محبوبش احساس سنگینی کند، یا از اموری که او را به محبوبش نزدیک می کند بدش بیاید؟

اینک می گویم : پیرامون مطلبی که بدان اشاره نمودم ، روایت نیز وارد شده و عقل را ستوده ، از آن جمله محمد بن ابی عمیر به نقل از شخصی که خود از امام صادق (ع) شنیده آورده که فرمود: هرکس معصیت خدا را بکند، او را دوست ندارد. سپس حضرت شعر زیر را به عنوان شاهد بازگو نموده و فرمود:

تَعْصِي الْإِلَهِ وَاءَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ

هَذَا مَحَالٌ فِي الْقِيَاسِ بَدِيعُ

لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا، لَاطَعْتَهُ

- آیا با اظهار محبت معبودت از او نافرمانی می کنی ؟ مقایسه این دو امر کار نوظهوری است .

اگر محبتت راست بود، مسلماً از او اطاعت می نمودی ، زیرا عاشق ، همواره فرمانبر معشوق خویش است .

شاید کسی بگوید که این دو بیت از محمود و راق است . ولی ما می گوییم : امام صادق (ع) آنها را به عنوان شاهد بازگو نموده ، و روایان این حدیث به اتفاق مورد اعتماد هستند، و روایتهای مُرسَل محمد بن ابی عمیر در نزد همه و شیعیان مانند روایت سنددار می باشد.

و نیز در روایت آمده که یونس بن ظبیان می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم : آیا این دو مرد را از آن مرد باز نمی دارید؟ فرمود: کدام مرد و کدامین دو مرد؟ عرض کردم : آیا حجر بن زاید و عامر بن جذاعه [یا: خزاعه ، یا: خداعه] را از مفضل بن عمر باز نمی دارید؟ فرمود: ای یونس ، از آن دو خواستم که از او دست بکشند ولی این کار را نکردند، سپس آن دو را خواندم و از آنها تقاضا نموده و درخواست کردم ، ولی از وی دست برنداشتند، خداوند آن دو را نیامرزد، به خدا سوگند، مسلماً کثیر عَزَّه در مودت و دوستی اش از آن دو در آنچه از مودت من به خود انتساب می دهند، راستگوتر است آنجا که می گوید:

لَقَدْ عَلِمْتُ بِالْغَيْبِ اَنَّ لَا اُحِبُّهَا

إِذَا اَنَا لَمْ يَكْرُمْ عَلَيَّ كَرِيمُهَا

از آنجا که من کسی را که نزد معشوقه ام بزرگوار است گرامی نداشتم ، به صورت نهانی دانست که من عاشق او نیستم و او را دوست نمی دارم .

بلکه به خدا سوگند، اگر مرا دوست می داشتند، مسلماً هرکس را من دوست می دارم ، دوست می داشتند.

آیا به کلام منقول از امام صادق (صلوات الله علیه) که با عقل نیز سازگار است ، گوش فرا نمی دهی که : هرکس معصیت خدا را بکند، او را دوست نمی دارد. پس اگر معصیتکار دوستدار خداوند بزرگوار نباشد، چگونه کسی که اموری را که موجب قرب او به خداوند سبحان است ، سنگین می شمارد، دوستدار او به شمار خواهد آمد، و یا چگونه به بهره ها و فواید اقبال خداوند و توجه معرفت خواهد داشت ؟

و نیز به حدیث دیگر و سوگند پر فروغی که دربردارد بنگر، آنجا که فرمود: بلکه ، به خدا سوگند، اگر مرا دوست می داشتند، هرکس را که من دوست می دارم . دوست می داشتند

و آنکه می مگر چیزی عقل را از اعتقاد داشتن به این مطلب باز می دارد؟ پس مبدا با عذرهای نادرست و باطل – که در نزد خداوندی که به اسرار آگاه است ، و آگاه که با سرِ باز و در حضور اوّلین و آخرین ، در پیشگاه او برای محاسبه می ایستی سودی به حال تو نمی بخشد – مغالطه کنی . چگونه ممکن است با وجود کراهت داشتن از نماز و یا سنگین شمردن آن به مقام والای خداوندی که تو را به سوی نماز فرا خوانده و تشویق نموده معرفت داشته باشی ؟ آیا نمی دانی که خداوند با زبان اعلام کنندگان و راویانی که تعداد آنها به تواتر [و به حدّ یقین ] مُرْسَل و کار به آنجا رسیده که گویی تو آن سخنان را از زبانِ سرور پیامبران فرستاده شده یعنی رسول اکرم (ص) می شنوی . باز خداوند – جلّ جلاله – به این قناعت ننموده تا اینکه خود شفاهاً تو را به سوی نماز و محافظت بر آن فرا خوانده ، و با جلال و عظمت و حرمت و هیبت خویش بر تو روی آورده و توجّه نموده و به تو فرموده است که :  
حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى ، وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ . (۱۹۰)

– بر همه نماز و بویژه بر نماز میانه محافظت نمایید، و با حالت خضوع برای خداوند بپا خیزید و او را عبادت کنید.

حال که با وجود شناخت و معرفت به تمام آنچه که خداوند از سعادت دنیا و دین تو را به سوی آن فرا خوانده شادمان نمی گردی ، چگونه از مسلمانان و تسلیم شوندگان و تصدیق کنندگان خواهی بود؟

نکوهش عجله در خروج از نماز

اما درباره شتاب و عجله در خروج از حالت نماز، ای کاش می دانستم که به سوی چه چیز می خواهی خارج شوی ؟ ای

لغزشکار، (۱۹۱) ای سیاه روی و سیاه نامه ، ای کسی که نَفْسِ خویش را به دست خود در مهالک می اندازی ، آیا می خواهی از

سعادت مندی ات خارج شوی به سوی غفلت و شقاوت خارج گردی ؟

در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که بنده به نماز بایستد، و نمازش را کوتاه بخواند، خداوند – تبارک و تعالی –

[به فرشتگان] می فرماید: آیا به بنده من نمی نگرید، گویا خیال می کند که برآورده شدن حوایجش به دستِ غیرِ من است ، آیا

نمی داند که برآورده شدن و خواسته هایش به دست من است ؟

و نیز روایت شده که مولایمان امام زین العابدین (ع) فرمود: اما حقوق نماز آن است که بدانی نماز وارد شدن به درگاه الهی است ،

و اینکه در حال نماز در پیشگاه خدا ایستاده ای ؛ پس هرگاه این را دانستی شایسته است که مانند شخص ذلیل و کسی که هم میل

و رغبت دارد و هم بیم و هراس ، و هم می ترسد و هم امیدوار است ، ایستاده ، و اظهار مَسْکَنَت و تَضَرُّع نموده ، و با آرامش و وقار

[و یا: سر به زیر انداختن] و فروتنی اعضا و تواضع ، و مناجات نیکو با کسی که در برابر او ایستاده ای مقام او را تعظیم نموده ، و از

او درخواست نمایی وجودت را که اشتباهات بدن احاطه نموده و گناهات به هلاکت کشانیده ، [از آتش جهنم] آزاد کند. و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست مگر به خداوند.

همچنین در حدیث است که امام صادق (ع) فرمود: به خدا سوگند، گاهی پنجاه سال بر انسان می گذرد در حالی که خداوند یک نماز او را نپذیرفته است ، چه چیز از این سخت تر؟ به خدا سوگند، شما برخی از همسایگان و یارانان را می شناسید که اگر برای شما نماز می خواندند، به خاطر استخفاف و سبک شمردن وی ، آن را نمی پذیرفتید، برآستی که خداوند - عزوجل - جز عمل نیکو را نمی پذیرد، پس چگونه چیزی را که سبک و کوچک شمرده شده قبول می کند؟

ثمره نماز با حضور قلب

پس هنگامی که بنده از این خطرهای ایمن ، و واقعاً بنده و تسلیم خداوند گردید و به او ایمان آورده ، و قلب و باطنش پاک و سالم گردید، و توجه کرد که در پیشگاه خداوندی قرار دارد که سرافراز و بزرگ و چیره و توانا و جبار است ، و با مرحمتها و بزرگ منشی ها و نیکی هایش او را شرمند نموده ، نزدیک است که حالش در نماز به همان صورتی گردد روایت شده امام باقر (ع) فرمود:

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که بنده مؤمن برای انجام نماز بپا می خیزد، خداوند به سوی او نظر رحمت می کند (یا فرمود: خداوند به سوی او روی آورده و توجه می نماید) تا اینکه نماز را به پایان ببرد، و رحمت از بالای سرش تا کرانه آسمان بر او سایه می افکند، و فرشتگان از گرداگرد - [یا: بالای سر] او تا کرانه آسمان او را در برمی گیرند، و خداوند فرشته ای را او می گمارد که بر سرش ایستاده و بگوید: ای نمازگزار، اگر می دانستی که چه کسی به تو می نگرد و با چه کسی مناجات می کنی ، هرگز روی خود را بر نمی گرداندی ، و هیچگاه از جایت تکان نمی خوردی .

حالات معصومین (علیهم السلام) در شروع نماز

اینک بعد از ذکر اموری که اراده نموده بودیم پیش از وارد شدن در نماز یادآور شویم ، می گوئیم : بنده باید با حالت احساس بندگی و ذلت و خاکساری که جنایتکاران دارند، به خاطر جنایتشان همانند و مقتدایان خود و اهل نجات رو به قبله بایستد، چنانکه روایت آمده که : وقتی پیامبر اکرم (ص) به نماز می ایستاد، به خاطر ترس از خداوند متعال رنگ چهره اش دگرگون می شد، و از سینه مبارکش صدایی همانند صدای ظرفی که غذا در آن پخته می شود و به جوش می آید، شنیده می شد.

و در روایت دیگر آمده که : وقتی پیامبر اکرم (ص) به نماز می ایستاد، همانند جامه ای که به زمین افتاده باشد می شدند.

و نیز روایت شده که حضرت علی بن ابی طالب (ع) چنین بود که هنگام فرا رسیدن وقت نماز به خود می لرزید و رنگ به رنگ می شد. و وقتی به آن بزرگوار گفته می شد: چه شده شما را ای امیرالمؤمنین ، می فرمود: وقت ادای آن امانت الهی فرا رسیده که خداوند آن را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود و آنها از حمل آن سرپیچی کرده و هراسیدند و تنها انسان آن را حمل نمود.

نمی دانم آیا آنچه را که حمل نمودم نیکو آدا خواهم نمود، یا خیر...؟

یا حالت آنچنان باشد که در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: پدر بزرگوارم پیوسته می فرمود: وقتی علی بن الحسین (علیهما السلام) به نماز می ایستاد، به شاخه درختی می مانست که هیچ قسمت از آن حرکت نکند، مگر اینکه باد آن را به حرکت درآورد.

و نیز در حدیث آمده که: وقتی امام باقر و صادق (علیهما السلام) به نماز می ایستادند، رنگ چهره شان دگرگون، و گاه سرخ و گاه زرد می شد، و گویی با کسی که می بینند مناجات می نمایند.

### [کیفیت] انجام نماز ظهر

باید بنده به همان صورتی که در رکعت اول از نافله های ظهر و پیش از آن ذکر نمودیم، در نماز وارد شود، و با بجا آوردن نماز به این نیت که: نماز واجب ظهر را به خاطر وجوبش و به منظور اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زیبنده عبادت است، پرستش کنم بجا می آورم، در اخلاص نیت و پالودن باطن خویش بکوشد، و با انجام تکبیرهای هفتگانه و دعاها بین آنها نماز را شروع کند.

بهترین سوره هایی که در نماز واجب خوانده می شود

سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ از بهترین سوره هایی هستند که در نمازهای واجب که سوره معینی بعد از حمد برای آنها مشخص نشده - قرائت می شود. چنانکه محمد بن فرج امام کاظم (ع) نوشت و درباره بهترین سوره هایی که در نماز واجب قرائت می شود پرسید. و حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: بهترین سوره هایی که در نمازهای واجب قرائت می شود، سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است.

پس بنده دو رکعت اول فریضه ظهر را به صورت رکعت اول از نافله های ظهر که گذشت، بجا می آورد، و وقتی نشست و

شهادتین را گفت و بر پیامبر اکرم و آل او - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِم - صلوات فرستاد، پیش از دادن سلام، با گفتن بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اَعْقُومُ وَ اَعْقُدْ (به تحوّل دادن و نیرو و قدرت خداوند، برمی خیزم و می نشینم.) در حال قیام برمی خیزد، و هنگامی که راست ایستاد، یا سوره حمد را قرائت می کند و آن را با بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آغاز می کند، و یا سه بار سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هُوَ اللَّهُ اَكْبَرُ می گوید، و در اختیار این دو مخیر است البته خواندن تسبیحات افضل است.

و وقتی سوره حمد و تسبیحات را به پایان برد، رکوع نموده و از رکوع برخاسته و راست می ایستد، و دو سجده را به همان صورت

که قبلاً توصیف نمودیم بجا می آورد، و بعد از دو سجده می نشیند، و با گفتن بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اَعْقُومُ وَ اَعْقُدْ در حال قیام برمی

خیزد، و رکعت دیگر را درست مانند رکعت گذشته بجا می آورد، و وقتی از دو سجده رکعت چهارم فراغت پیدا کرد، برای انجام

تشهد آخر به همان صورتی که پیش از این کیفیت نشستن در پیشگاه مولی را ذکر نمودیم، می نشیند، و در این تشهد می گوید:

تشهد مستحبی نماز

بِسْمِ اللَّهِ، وَبِاللَّهِ، وَالْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى كُلِّهَا، اَعْشَهُدُ اَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ اَعْشَهُدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (ص)، اَعْرَسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، اَعْرَسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ، وَ اَعْشَهُدُ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ اَنَّ السَّاعَةَ اَتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ اَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَ اَعْشَهُدُ اَنَّ رَبِّي نِعَمَ الرَّبِّ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ، اَعْشَهُدُ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ [وَ رَحِمْتَ] وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اَلْسَلَامُ عَلَى جَمِيعِ اَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ، اَلْسَلَامُ عَلَى الْاِئِمَّةِ الْهَادِيْنَ الْمَهْدِيِّينَ، اَلْسَلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

- به نام خدا، و به [وسيله] خدا، و نامها [و کمالات] نیکوتر همگی از آن خداست، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی برای او وجود ندارد. و گواهی می دهم که حضرت محمد(ص) بنده و فرستاده اوست، او را همراه با هدایت و دین حق فرستاده، تا بر تمام ادیان چیره گرداند، هر چند ناخوشایند مشرکان باشد. درودها و رحمت‌های پاک و پاکیزه و بی آلایش که شام و صبح به وزش درمی آیند [و متواضعانه و جاری و روان] و پر نعمت هستند برای خداست، هر چه پاک و پاکیزه و بی آلایش و خالص باشد از آن خداست، و هر چه پلید و آلوده باشد از آن غیر او.

گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه نیست و شریکی برای او وجود ندارد، و گواهی می دهم که حضرت محمد[ص]) بنده و فرستاده اوست، او را همراه با حق و به عنوان مژده دهند و بیم دهنده پیاپی قیامت گسیل داشت، و گواهی می دهم که اینکه بهشت و آتش [جهنم] حق است و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و اینکه خداوند تمام اهل قبور را بر خواهد انگيخت، و گواهی می دهم که پروردگارم بهترین پروردگار، و حضرت محمد[ص]) بهترین فرستاده است، گواهی می دهم که بر فرستاده، جز تبلیغ و رسانیدن آشکار [دین] چیزی نیست.

خداوند، بر محمد و آل محمد درود فرست، و محمد و آل محمد را مورد رحمت خویش قرار ده، و بر محمد و آل محمد مبارک و خجسته گردان، چنانکه بهترین درود و برکت [و رحمت] و ترحم و مهربانی و عطوفت خویش را بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، براستی که تو ستوده و بزرگی، و درود و رحمت و برکات خداوند بر تو ای پیامبر، سلام بر تمام پیامبران خدا و فرشتگان و

فرستادگانش، سلام بر امامان هدایتگر هدایت یافته، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا.

نحوه سلام گفتن در نماز فردای و جماعت

سپس به همان صورت که گفتیم سلام نماز را می گوید، و اگر امام جماعت باشد و یا نماز را به فرادی بخواند رو به قبله و با اشاره گوشه چشمانش به راست سلام می دهد، و اگر مأموم باشد تنها با اشاره به راست سلام می دهد، البته اگر کسی در طرف چپ او نیز نشسته باشد بر سمت چپ نیز اشاره نموده و سلام می دهد، و اگر کسی نباشد، سلام دادن از راست (۱۹۲) کفایت می کند. و اینکه گفتیم: اگر بر سمت چپ کسی باشد و نگفتیم: اگر بر سمت راستش کسی باشد. به خاطر این بود که در صورت وجود امام جماعت، مأموم در پشت سر او نماز می گزارد، و برای مأموم وقتی تنها باشد، مستحب است که در سمت راست امام بایستد. تعقیبات مشترک نمازهای واجب

۱ - بعد از سلام، به همان صورت که پیش از این در سلام نافله های ظهر ذکر نمودیم، سه بار تکبیر بجا می آورد.

عَلَّتْ گفتن سه تکبیر در تعقیب نماز:

شیخ فقیه سعید ابومحمد جعفر بن احمد قمی در کتاب اَدَبُ الْإِمَامِ وَالْمَأْمُومِ در باب عَلَّتْ سه بار تکبیر گفتن نماز گزار بعد از سلام نماز روایت نموده که مفضل بن عمر می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: به چه عَلَّتْ نماز گزار بعد از سلام نماز، سه بار تکبیر می گوید؟ حضرت فرمود: هنگامی که رسول خدا(ص) مکه را فتح نمود، و نماز ظهر را با اصحاب خویش در نزد حجرُ الاسود به جماعت خواند، بعد از گفتن سلام نماز دو دستِ خویش را بلند نمود و سه بار تکبیر گفت و بعد فرمود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، اِنْبَجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ اَعَزَّ جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ [يَا: غَلَبَ] الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، لَا قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند یگانه نیست، که به وعده خود وفا، و بنده اش را یاری نمود، و لشگرش را سرافراز و پیروز گردانید، و به تنهایی و بدون اینکه شریکی داشته باشد - نه پیش از آن و نه بعد از آن - تمام حزبها و گروهها را درهم شکست [یا: بر آنها غلبه کرد]، پس فروانروایی فقط برای اوست، و ستایش تنها او را سزد، زنده می کند و می میراند، و هم او بر هر چیز تواناست. سپس رو به اصحاب خویش نموده و فرمود: این تکبیر و این گفتار و دعا را در تعقیب هیچ نماز واجبی ترک نکنید، زیرا هرکس بعد از سلام نماز چنین کند و این سخن و دعا را بخواند، شکر و سپاس خدا را بر تقویت اسلام و لشگر اسلام که بر او واجب است، ادا نموده است.

و نیز به طریق دیگر از زراره روایت کرده که باقر(ع) فرمود: وقتی سلام نماز را گفتی، همراه با گفتن سه بار تکبیر دستهای خود را بلند کن.

ثمره تعقیب با نشاط

اینک می گویم : شایسته است انسان همان گونه که برای طلب اموری که موجب سعادت اوست نشاط دارد، تعقیب نماز را با نشاط به جا آورد، چنانکه برای طلب سعادت‌مندیهای خویش نشاط دارد، زیرا در روایت آمده که حضرت جعفر بن محمد صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوار، از پدران بزرگوارش فرمود رسول خدا(ص) فرمودند:

هرکس در جایی که نماز می خواند، در حالی که پاهایش را روی هم بگذارد و بنشیند و خدا را یاد کند، خداوند فرشته ای را به او می گمارد که به او می گوید: شرافت افزون باد، حسنات برای تو نوشته می شود، و گناهانت پاک می گردد، و درجاتی برای تو پایه گذاری می گردد، تا اینکه تعقیب نماز را به پایان برده و از آن منصرف شوی .

سجده شکر

۲ - بعد از نماز واجب سجده شکر نماید، چنانکه روایت شده که امام رضا(ع) فرمود: سجده کردن بعد از نماز واجب ، به جهت سپاسگزاری از خداوند متعال برای توفیق یافتن بنده به ادای نماز فریضه است ، و کمترین سخنی که در آن کفایت می کند این است که سه بار بگوید:

شُكْرًا لِلَّهِ

- خدا را شکر و سپاس می گویم .

[راوی می گوید:] عرض کردم : معنای این سخن شُكْرًا لِلَّهِ چیست ؟ فرمود: یعنی این سجده من ، برای سپاسگزاری از خداست به خاطر اینکه مرا به خدمت و بندگی و ادای فرایض مؤفّق گردانید. و شُکر، موجب افزونی است ، و اگر کوتاهی و نقصی در نماز باشد که با نمازهای نافله کامل نشده باشد، با این سجده کامل می گردد.

روایتی پیرامون سجده و دعا بعد از سلام نماز اهل بیت

۳ - منقول است که حسین بن زید بن علی بن حسین - که امام صادق (ع) بعد از شهادت پدرش او را تربیت نموده و فقیه گردانید و از دیگران بی نیاز نمود - گفت ما وقتی سلام نماز را گفتیم و خواستیم که دعا بکنیم ، هرچه می خواهیم در حال سجده دعا می کنیم . و زیرا از اهل بیت (علیهم السلام) را دیدم که چنین می کردند، و من نیز چنین می کنم .

اینک می گویم : من نیز این عمل را انجام می دهم ، و افزون بر آن بعد از سلام نماز در حال سجده ، از خدا می خواهم که تمام نقصهایی را که ممکن است در نماز باشد عفو فرماید و نمازم را به خداوند - جلّ جلاله - می سپارم ؛ زیرا این مطلب سلام هر روز ماه رمضان در هنگام اخطار نقل شده است و دیگر اینکه : سجده ، محلّ قرب و نزدیکی است ، آنجا که خداوند متعال می فرماید:

وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ. (۱۹۳)

- و سجده و کرنش نما، و نزدیکی جوی (۱۹۴)

۳ - و بگوید آنچه را که شایسته است در تعقیب هر نماز واجبی گفته شود، که :



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا، وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، [لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا، وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ]، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اءَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند که معبود یگانه است وجود ندارد، و ما [همگی] تسلیم اویمیم، [معبودی جز خداوند - یگانه - نیست و ما - اعمال خود را - برای او خالص و نموده ایم]، معبودی جز خدا نیست، در حالی که عبادت خود را برای او پاکیزه نموده ایم جز او را نمی پرستیم، هرچند ناخوشایندِ مشرکان باشد. معبودی جز خدا نیست، هم او پروردگار ما و پروردگار پدران نخست ماست. معبودی جز خداوند یگانه یگانه نیست، به وعده خویش وفا نمود، و بنده اش را یاری فرموده، و به تنهایی احزاب و گروهها را نابود کرد، پس فرمانروایی و ستایش تنها از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست.

۴ - سپس می گوید:

اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَ اَسْتَغْفِرُ إِلَيْهِ.

- طلب آمرزش می کنم از خداوندی که معبودی جز او نیست، و زنده و پاینده و برپا دارنده [خلق] است، و به سوی او توبه و بازگشت می نمایم.

۵ - بعد می گوید:

اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ مِنْ عِنْدِكَ، وَ اَعْضُ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ اَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ، اِغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ كُلَّهَا جَمِيْعًا، فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ كُلَّهَا جَمِيْعًا إِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِيْ اَمُوْرِيْ كُلِّهَا، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْاٰخِرَةِ، وَ اَعُوْذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ، [وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيْمِ]، وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا [وَ الْاٰخِرَةِ] وَ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوْتُ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ [صَاحِبَةً وَ لَا] وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَبْرُهُ تَكْبِيْرًا.

- خداوندا، مرا از ناحیه خویش هدایت فرما، و از فضل و بخششت کاملاً بهره مند ساز، و از رحمت بر من بگستران، و از خیرات فراوان و برکات بر من فرو فرست. پاک و منزهی تو، معبودی جز تو نیست، همه گناهان مرا بیامرزد، زیرا همه گناهان را کسی جز تو نمی تواند بیامرزد، خدایا، براستی که من از تمام خیرات و خوبیهای که آگاهی تو آن را فرا گرفته خواستارم، و از تمام بدیهایی که آگاهی ات فراگرفته به تو پناه می برم، خداوندا، همانا در تمام امورم عافیت تو را درخواست می نمایم، و به تو پناه می برم از رسوایی دنیا و عذاب آخرت، و پناه می برم - به روی [و اسماء و صفات] گرامی و [سلطنت و فرمانروایی دیرینه و بی آغاز]، و عزّت و سربلندی ات که کسی نمی تواند آهنگ آن را بنماید، و به قدرتت که هیچ چیز نمی تواند از آن سرپیچی کند - از شرّ دنیا

[و آخرت] و شرّ همه دردها. هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ، توکل کردم بر خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد، و ستایش خدایی را که هیچ کس را [به زنی و] فرزندی نگرفته، و شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و سرپرستی از روی خواری و ذلت برای او نیست، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان.

فضیلت تسبیح فاطمه زهراء(علیهاالسلام)

۶ - سپس تسبیح حضرت زهرا (علیهاالسلام) را می گوید، که ما شرح آن را با پیش از این با دو روایت که هر کدام مایه چشم روشنی است، یادآور شدیم.

از دیگر روایات درباره فضیلت تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام) در تعقیب نمازهای واجب، این است که امام صادق (ع) فرمود: هرکس پیش از آنکه از نماز واجب پاهایش را روی هم بگذارد و آسوده بنشیند، تسبیح حضرت زهرا فاطمه (علیهاالسلام) را بگوید، آمرزیده می گردد. البته آن را با تکبیر آغاز می کند.

و نیز روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس پیش از اینکه پاهایش را باز کرده و آسوده بنشیند تسبیح فاطمه زهرا(علیهاالسلام) را در تعقیب نماز واجب بگوید، خداوند بهشت را برای او واجب می گرداند.

۷ - از تعقیبات مهمّ جهت استجابت دعا، است در روایت آمده است: هرکس بعد از نماز واجب بگوید:

يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ

- ای خداوندی که هرچه را بخواهی انجام می دهی، و غیر تو نمی تواند هر چه را خواست انجام دهد.

سپس حاجت خویش را بخواهد، هر چه درخواست کند به او عطا می شود.(۱۹۵)

فضیلت تسبیحات اربعه در تعقیبات نماز

۸ - از تعقیبات مهمّ در جهت افزونی سعادت و دفع چیزهایی که از آنان هراس دارد، این است که روایت شده که امام صادق (ع)

فرمود: روزی رسول خدا(ص) به اصحابش فرمود: اگر جامه ها و ظروفی را که دارید جمع کنید و روی هم بگذارید، آیا به آسمان

می رسد؟ عرض کردند: خیر، ای رسول خدا، فرمود: وقتی از خواندن نماز فراغت پیدا کردید، سی بار بگویید:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

- پاک و منزّه است خداوند، و حمد و سپاس مختصّ خداست، و معبودی جز خدا نیست، و خداوند بزرگتر است.

زیرا این کلمات، ویرانی و غرق شدن و سوختن و افتادن در چاه، و خورده شدن به وسیله درندگان، و جان سپردن به صورت بد، و

هرگونه نکبت و گرفتاری و مصیبتی را که بر بنده در آن روز فرو می آید، دفع می کنند، و آنها مُعَقَّبَات (۱۹۶) هستند.

و در روایت دیگر آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: آنها معقباتی هستند که هر کس آنها را بگوید: (یا فرمود: انجام دهد)، یعنی سی

وسه بار سُبْحَانَ اللَّهِ، و سی و چهار اَلْحَمْدُ لِلَّهِ. بگوید، محروم و نومید نمی گردد.

و نیز در حدیث است که حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس در تعقیب هر نماز واجب پیش از آنکه پاهایش را روی هم بگذارد و آسوده بنشیند، چهل بار بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ

سپس از خداوند درخواست نماید، هر چه بخواهد به او عطا می شود.

دعایی جهت محفوظ ماندن از خطرات

۹ - از تعقیبات مهمّ جهت محفوظ ماندن خود و خانه و دارایی و فرزندان. این است که امام صادق (ع) فرمود: هر کس این کلمات را بعد از نمازهای واجب بگوید، خود و خانه و دارایی و فرزندان محفوظ می مانند:

أَجْبِرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ دَارِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي ، بِاللّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا  
أَحَدٌ، وَ أَجْبِرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي [وَ أَهْلِي وَ دَارِي] وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي ، رَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (تا آخر سوره) وَ رَبِّ النَّاسِ  
(تا آخر سوره)

- خود و دارایی و فرزندان و خانواده و خانه و هر چه متعلّق به من است را در پناه خداوند یگانه بی همتا و بی نیاز [ی که همه بدو نیازمندند] که نه زاده و نه زاده شده و هیچ کس همتای او نیست درآورد، و خود و دارایی و فرزندان [و خانواده و خانه] و هر چه متعلّق به من است را در پناه پروردگار مخلوقات درمی آورم از شرّ هر چه خداوند آفریده (تا آخر سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و در پناه پروردگار مردم (تا آخر سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و...  
و نیز آیه الكرسي را تا آخرش می خواند.

همچنین منقول است که حضرت حسن بن علی (علیهما السلام) فرمود که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس آیه الكرسي را در تعقیب نماز واجب بخواند، تا نماز دیگر در ضمانت خداوند خواهد بود.

قرائت سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و دعای امیرالمؤمنین (ع)

۱۰ - از دیگر تعقیبات مهمّ در تعقیب نماز برای کسانی که خواهان ایمنی از گناهان و پیامدهای بد آنها هستند، این است که نقل شده امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) فرمود: هر کس دوست دارد که از دنیا بیرون برود، در حالتی که از گناهان خالص باشد چنانکه طلا، خالص و ناب می گردد و هیچ کدورتی در آن باقی نماند باشد. و هیچ کس از او مظلّمه ای نخواهد، بعد از نمازهای پنجگانه توصیف پروردگار - تبارک و تعالی - یعنی سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند و دستهایش را گشوده و بگوید:

اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُخْزُونِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ [یا: اَطْهَرِ الْمُبَارَكِ، وَ [اَسْأَلُكَ] بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ ، یا وَاهِبِ الْعَطَايا، یا مُطْلِقَ الْأَسَارِی ، یا فَكَاکَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُعْتِقَ

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ اَعْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا، وَ اَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ اَمْنًا، وَاجْعَلْ يَوْمِي اَوَّلَهُ فَلَاحًا، وَ اَوْسَطَهُ نَجَاحًا، وَ اٰخِرَهُ صَلَاحًا، اِنَّكَ اَعْتَمَدَ عَلَامُ الْغُيُوبِ.

- خداوندا، بدرستی که از تو به اسم پوشیده مخزون پاکیزه پاک خجسته ات درخواست می نمایم ، و به اسم بزرگ و فرمانروایی دیرینه و بی آغازت تقاضا می نمایم ، ای بخشنده عطایا، ای رها کننده اسیران ، ای آزاد کننده بندگان از آتش جهنم ، از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و مرا از آتش جهنم آزاد نمایی ، و سالم و بی گزند از دنیا خارج ، و ایمن و آسوده در بهشت داخلم فرما، و آغاز این روزم را رستگاری ، و میانه اش را کامیابی ، و پایانش را اصلاح و درستی قرار ده ، براستی که تویی بسیار آگاه بر نهانها.

سپس امیرالمؤمنین (ع) فرمود: این دعا از دعاهای مستجابی است که رسول خدا(ص) به من آموخت ، و دستور داد که آن را به امام حسن و حسین (علیهماالسلام) بیاموزم .

ناگفته نماند که : روایت دیگری درباره این دعا به عنوان ذکرِ دعای مصون و محفوظی که رسول خدا(ص) به امیرالمؤمنین (ع) ، و امیرالمؤمنین به امام حسن و حسین (علیهماالسلام) آموخت . آمده است امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هرکس دوست دارد در حالتی از دنیا بیرون رود، که چنانکه طلا خالص و ناب گردد و هیچ چیز با آب مشوب و مخلوط نیست ، از گناهان خالص ورها گردد، و هیچ کس از او مظلومه ای نخواهد، در تعقیب نمازهای پنجگانه ، دوازده بار توصیف پروردگار عزوجل یعنی سوره قلْ هُوَ اللَّهُ اِءْخَدَ را بخواند، سپس دستهایش را گشوده و بگوید:... (و دعایی را که یادآور شدیم ذکر شده است .)

۱۱ - از دیگر تعقیبات مهمّ این است که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هرکس به خدا و روز آخرت ایمان دارد قرائت سوره قلْ هُوَ اللَّهُ اِءْخَدَ را در تعقیب نماز واجب ترک ننماید، زیرا هرکس آن را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع نموده و خود وی و پدر و مادر و فرزندان آن دو آمرزیده می شوند.

دعایی جهت آمرزش گناهان

۱۲ - از دیگر تعقیبات مهمّ برای آمرزیده شدن گناهان ، آن است در حدیث است محمد بن حنفیه می گوید: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) گرد خانه خدا طواف می نمود، ناگهان دیدند مردی به پرده های کعبه آویخته و می گوید:

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ [عَنْ سَمْعٍ]، يَا مَنْ لَا يُغْلَطُهُ السَّائِلُونَ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحْاحُ الْمُلْحِنِينَ، اءَذِفْنِي بَرْدَ غَفْوِكَ، وَ خَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ.

- ای خداوندی که شنیدن [دعایی تو را از شنیدن دیگر دعاها] به خود مشغول نمی کند، ای کسی که درخواست کنندگان او را به اشتباه وانمی دارند، ای کسی که پافشاری اصرار کنندگان او را به ستوده نمی آورد، خنکی عفو و گذشت و شیرینی رحمت را به من بچشان .

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: این دعای توسل؟ و من خود شنیدم که آن مرد عرض کرد: بله، تو نیز آن را در تعقیب نمازهای بخوان : به خدا سوگند، هیچ مؤمنی آن را در تعقیب نماز نمی خواند، مگر اینکه خداوند گناهان او را می آمرزد، هر چند گناهانش به شماره ستارگان آسمان و قطره های باران و سنگریزه ها و خاکهای زمین باشد.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: دانش این در نزد من است، و خداوند وسعت دهنده و بزرگوار است. آن مرد که حضرت خضر(ع) بود گفت: به خدا سوگند، راست گفתי، ای امیرالمؤمنین، ولیکن بالای هر صاحب دانشی، دانایی است.

دعا برای طول عمر

۱۳ - از تعقیبات مهمّ برای جهت طول عمر آن است که از جمله تعقیبش بعد از هر نماز این باشد که در روایت آمده جمیل بن درّاج می گوید مردی به خدمت امام صادق (ع) وارد شد و عرض کرد: ای آقای من، سنّم زیاد شده و بستگانم مرده اند و می ترسم که مرگ مرا دریابد، و کسی ندارم که با او انس بگیرم و همنشین شوم. حضرت فرمود: از برادران مؤمنانت هستند کسانی که از لحاظ نسبی و سببی به تو نزدیکترند، و انس تو به آنان از انسست به بستگانت بهتر است، با وجود این بر تو باد که این دعا را بخوانی، و در تعقیب هر نماز واجب بگو:

اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اِنَّ الصّٰدِقَ (ع) قَالَ: اِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ اِنَّا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ [اِنَّا] اَكْرَهُ مَسَائَتَهُ. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ، وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي اَحَدٍ مِنْ اَعَجَبَتِي .

- خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، خدایا، براستی که حضرت صادق (ع) فرمود: که تو فرموده ای: من در هیچ کاری همانند تردد و دو دلی ای که در گرفتن روح بنده مؤمن دارم، دو دلی ندارم، [زیرا] او از مرگ بدش می آید، و من از بدی رساندن به او بدم می آید. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و در فرج و تندرستی و پیروزی ولیّات تعجیل فرما، و در رابطه خود و هیچ کدام از دوستانم به من بدی مرسا.

اگر خواستی دوستانت را یکایک نام میبری. یا به صورت جداگانه، و یا مجموعاً آن مرد می گوید: به خدا سوگند، آن قدر زنده ماندم تا اینکه از زندگانی خسته و رنجور شدم.

ابومحمد هارون بن موسی - رَحِمَهُ اللّٰه - می گوید: محمد بن حسن بن شمون [یا: سمون] بصری پیوسته این دعا را می خواند، تا اینکه صدوبیست و هشت سال همراه با آسایش زندگانی کرد، تا اینکه از زندگانی خسته شد و این دعا را ترک کرد و از دنیا رفت. خداوند رحمتش کند.

دعا جهت حفظ

۱۴ - از تعقیبات مهمّ دعایی است که پیامبر اکرم (ص) به علیّ (ع) آموخت تا هر چیزی را که می شنود حفظ کند. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که به امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هرگاه خواستی هر چه را که می شنوی و می خوانی حفظ کنی ، این دعا را در تعقیب تمام نمازها بخوان ، و آن دعا به این صورت است :

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ، اِئْتِ اللَّهُمَّ، اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَ بَصَرًا وَ فَهْمًا وَ عِلْمًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- پاک و منزّه است خداوندی که بر اهل مملکت خود ستم و تجاوز روا نمی دارد، و پاک و منزّه است خدایی که اهل زمین را به انواع گوناگون عذاب ، نمی گیرد، پاک و منزّه است خداوند رؤ و وف مهربان ،، خداوندا، در قلب من نور و بینایی و فهم و آگاهی قرار ده ، براستی که تو بر هر چیز توانایی .

دعا جهت برآورده شدن حوایج

۱۵ - از تعقیبات مهمّ جهت برآورده شدن حوایج ، آن است که وقتی از نماز فراغت پیدا کرد، بخواند دعایی را که ادريس بن عبدالله می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم می فرمود: وقتی از نماز فراغت پیدا کردی بگو:

اِئْتِ اللَّهُمَّ، إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَ وِلَايَتِكَ وَ وِلَايَةِ رَسُولِكَ وَ وِلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَوَّلِهِمْ وَ [يا: إِيَّايَ] أَخِيرِهِمْ.

و همه ائمه (علیهم السلام) را یکایک نام می بری ، سپس می گویی :

اِئْتِ اللَّهُمَّ، أَدِينُكَ بِطَاعَتِهِمْ وَ وِلَايَتِهِمْ وَ الرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ [يا: مُنْكَرٍ] وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أُنْزِلَتْ فِي كِتَابِكَ عَلَى حَدُودِ مَا آتَانَا فِيهِ وَ مَا لَمْ يَأْتِنَا، مُؤْمِنٌ مُعْتَرِفٌ مُسْلِمٌ بِذَلِكَ، رَاضٍ بِمَا رَضِيتَ بِهِ، يَا رَبُّ، أُرِيدُ بِهِ [وَجْهَكَ الْكَرِيمَ وَ] الدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ فِيهِ، فَأَخِينِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمَتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى ذَلِكَ، وَ ابْعَثْنِي عَلَى ذَلِكَ. وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى ، فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ، وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَعَنْ تَعْصِمَنِي بِوِلَايَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ، إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسَّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِحُرْمَةِ اسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ بِحُرْمَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ بِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ (علیهم السلام) وَ آن بزرگواران را [یک به یک] نام می بری - اَعَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعَنْ تَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

خدایا، من به طاعت و ولایت و دوستی تو ولایت رسولت و ولایت امامان از اوّل تا به آخرشان ، از تو اطاعت نموده و می پرستم .

خداوندا، من به واسطه طاعت و ولایت و دوستی آنان ، و خشنودی از آنچه که ایشان را به آن برتری دادی ، بدون اینکه تکبر نموده [یا: انکار نموده] و یا گردنکشی نمایم ، بر اساس آنچه که در کتابت فرو فرستادی ، و بر اساس احکام و حدودی که در آن به ما رسیده و یا نرسیده ، از تو اطاعت نموده و می پرستم . و به آن ایمان آورده و معترف و تسلیم آن هستم ، و به هرچه که تو بدان خشنودی ، خرسندم ، پروردگارا، مقصودم از این [روی و اسماء و صفات - گرامی ات و رضای تو و] دار آخرت می باشد، در

حالی که در این باره هم از تو هراسانم و هم به سوی تمایل و رغبت دارم . پس مرا بر همین [اعتقاد] زنده بدار، و هنگامی که می میرانی بر همان بمیرانم ، و بر همان [در قیامت] مبعوثم بدار، و اگر در گذشته تقصیر و کوتاهی از من سرزده [از آن] به سوی تو توبه می نمایم ، و نسبت به آنچه در نزد توست میل و رغبت دارم ، و از تو درخواست می کنم که مرا به سرپرستی خود از نافرمانی ات نگاه داری ، و هیچگاه به اندازه چشم برهم زدن مرا به خود وامگذار، نه کمتر از این و نه بیشتر از آن ، زیرا نفس بسیار بدفرماست ، مگر اینکه تو رحم آری . ای مهربانترین مهربانان ، و از تو درخواست می نمایم به حرمت روی [و اسماء و صفات] گرامی ات ، و به احترام اسم بزرگت ، و به حرمت رسول خدا(ص) و به احترام اهل بیت رسولت (علیهم السلام) - و ایشان را نام میبری - اینکه بر محمد و آل او درود فرستی ، و به من چنین و چنان کنی .

به جای این لفظ چنین و چنان کن حوایج خویش را ذکر می کنی که **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** . برآورده می شود.

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نمازها

۱۶ - از تعقیبات مهم در تعقیب نمازها برای نیل به سعادت‌مندیهای افزونتر، اقتدا به امام صادق (ع) در دعاهایی است که ذکر می کنیم .

در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: روزی به خدمت پدر بزرگوارم وارد شدم که [در همان روز] هشت هزار دینار به فقرای اهل مدینه صدقه داده و خانواده ای را که به یازده برده می رسیدند آزاد فرمود بود، و این کار مرا به شگفت آورد. حضرتش به من نگریست و فرمود: آیا می خواهی کاری انجام دهی که اگر آن را یکبار در تعقیب نمازهای واجب انجام دهی ، برتر از کاری که من انجام دادم باشد، اگر چه من آن را در هر روز به اندازه عمرت حضرت نوح (ع) انجام دهم ، حضرت فرمود: عرض کردم آن چیست ؟ فرمود بعد از نماز می گویی :

**اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعُظَمَاءِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ رَبِّيْ الْاَعْلَى، سُبْحَانَ رَبِّيْ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ، كُلُّ هَذَا قَلِيلٌ يَا رَبِّ، وَ عَدَدَ خَلْقِكَ وَ مِلَأَ عَرْشِكَ وَ رَضِيَ نَفْسِكَ وَ مَبْلَغَ [يَا: يَبْلُغُ] مَشِيَّتِكَ وَ عَدَدَ مَا اَخْصَى كِتَابُكَ وَ مِلَأَ مَا اَخْصَى كِتَابُكَ وَ زَنَةَ مَا اَخْصَى كِتَابُكَ وَ مِثْلَ ذَلِكَ اَعْضَاعاً مُّضَاعَفَةً [لَا تُحْصَى وَ عَدَدَ خَلْقِكَ وَ مِلَأَ خَلْقِكَ وَ زَنَةَ خَلْقِكَ، وَ مِثْلَ ذَلِكَ اَعْضَاعاً لَا تُحْصَى، وَ عَدَدَ بَرِيَّتِكَ وَ مِثْلَ ذَلِكَ وَ مِلَأَ بَرِيَّتِكَ، وَ زَنَةَ بَرِيَّتِكَ وَ مِثْلَ ذَلِكَ اَعْضَاعاً لَا تُحْصَى وَ عَدَدَ مَا تَعْلَمُ، وَ زَنَةَ مَا تَعْلَمُ وَ مِلَأَ مَا تَعْلَمُ وَ مِثْلَ ذَلِكَ اَعْضَاعاً لَا يُحْصَى، وَ مِنْ التَّحْمِيدِ وَ التَّعْظِيمِ وَ التَّقْدِيسِ وَ الشَّانِ وَالشُّكْرِ وَ الْخَيْرِ وَالْمَدْحِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ - [مِثْلَ ذَلِكَ] وَ اَعْضَاعَ ذَلِكَ وَ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ وَ عَدَدَ مَا اَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ شَيْءٍ وَ مِلَأَ ذَلِكَ كُلَّهُ وَ اَعْضَاعَ ذَلِكَ كُلَّهُ اَعْضَاعاً لَوْ خَلَقْتَهُمْ فَنَطَقُوا بِذَلِكَ مُنْذُ قَطُّ اِلَى الْاَبَدِ لَا انْقِطَاعَ لَهُ يَقُولُونَ**

كَذَلِكَ، لَا يَسْأَلُونَ أَهْرَ مِنْ لَحْظِ الْبَصَرِ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لَكَ، وَ كَمَا اءْتَتْ لَهُ اَهْلٌ، وَ اَعْصَافَ مَا ذَكَرْتُ، وَ رَنَّهُ مَا ذَكَرْتُ، وَ عَدَدَ مَا ذَكَرْتُ، وَ مِثْلَ جَمِيعِ ذَلِكَ، كُلُّ هَذَا قَلِيلٌ يَا اِلَهِي، تَبَارَكْتَ وَ تَقَدَّسْتَ وَ تَعَالَيْتَ عُلُوًّا كَبِيرًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ، اَسْأَلُكَ عَلَى اِثْرِ هَذَا الدُّعَاءِ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ اَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ، اَعَنْ تُعَافِيَنِي فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ.

- گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه وجود ندارد و شریکی برای او نیست ، و سلطنت و فرمانروایی تنها از آن توست ، و حمد و ستایش مختصّ اوست ، زنده می گرداند و می میراند، و می میراند و زنده می گرداند، خیر و خوبی تنها به دست [جمال ] اوست ، و او بر هر چیز تواناست ، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ . پاک و منزّه است خداوند صاحب مُلک و ملکوت ، پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت و جبروت ، و پاک و منزّه است خداوند صاحب کبریا و عظمت ، پاک و منزّه است خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد. پاک و منزّه است پروردگار برترم . همراه با حمد و ستایش پروردگار بزرگم را به پاکی می خوانم ، همه اینها اندک است ، ای پروردگار من ، بلکه به شماره مخلوقات و پُریِ عرشت و به اندازه خشنودی ات و تا آنجا که مشیّت و خواستت می رسد و به شماره و پُری و وزن و مشابهِ آنچه که کتابت به شمار درآورده ، و چندین و چندین برابر آن ، [که به شمار نمی آید و به شماره و پُری و وزن مخلوقات ، و مثل و چندین برابر آن که به شمار در نمی آید، و به شماره و مشابه ویری ، و وزن خلافت و مثل و چندین برابر آن که به شمار در نمی آید، و به شماره و وزن و پُری و مثل آنچه که خود می دانی ] و چندین برابر آن که به شمار در نمی آید] تو را می ستایم ، و از ستایش و تعظیم و تقدیس و ثناء و سپاسگزاری و خیر و مدح و درود بر پیامبر اکرم و اهل بیتش - که درود خداوند بر او و ایشان باد - [مثل آن ] و چندین برابر آن ، و به شماره آنچه آفریده و خلق فرموده و پدید آوردی ، و به شماره اشیاّی که می آفرینی ، و به اندازه پُری همه اینها و چندین و چندین برابر همه اگر بیافرینی و زبان بگشایند و از ازل تا زمانی که پایانی نداشته باشد، در حالی که به اندازه کم تر از چشم بر هم زدن نه خسته شده و نه سستی کنند، چنین بگویند، و به همان صورتی که شایسته توست ، و تو زینده آن هستی ، و به اندازه چندین برابر و وزن و شماره آنچه یادآور شدم ، و همانند همه اینها تو را می ستایم ، ای معبود من ، همه اینها کم و اندک است ، تو بلند مرتبه و مقدّس و برتری ، به برتری بزرگ . ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، در تعقیب این دعا، به حقّ نامها [و کمالات ] نیکوتر و صفات والاتر، و کلمات کاملّت از تو درخواست می کنم که در دنیا و آخرت به من عافیت و تندرستی عنایت فرمایی .

ابویحیی می گوید: از امام باقر ( ع ) شنیدم که می فرمود: این دعا، مستجاب است .

دعا برای حضرت مهدی ( ع )

۱۷ - از تعقیبات مهمّ نماز ظهر، اقتدا به حضرت صادق ( ع ) در دعا برای حضرت مهدی ( ع ) است (هم او که حضرت محمّد،

رسول خدا ( ص ) در روایات صحیح بشارتش را به اُمّت خود داده ، و نوید داده که حضرتش در آخر زمان ظهور می نماید.) چنانکه



عباد بن محمد مدائنی می گوید: در مدینه به حضور امام صادق (ع) وارد شدم ، در حالی که از نماز واجب ظهر فراغت پیدا نموده و دستانش را به سوی آسمان بالا برده و می فرمود:

اَعَى سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، اَعَى جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ، [یا: اَعَى جَامِعَ كُلِّ شَمَلٍ]، اَعَى بَارِئَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، اَعَى بَاعِثُ، اَعَى وَارِثُ، اَعَى سَيِّدَ السَّادَةِ، اَعَى إِلَهَ الْأَلْهَةِ، اَعَى جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ، اَعَى مَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَعَى رَبَّ الْأَرْبَابِ، اَعَى مَلِكَ الْمُلُوكِ، اَعَى بَطَّاشُ، اَعَى ذِي الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، اَعَى فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، اَعَى مُحْصِيَ عَدَدِ الْإِنْفَاسِ وَ نَقْلِ الْأَقْدَامِ، اَعَى مَنْ السِّرُّ عِنْدَهُ عِلَانِيَةً، اَعَى مُبْدِيٌّ، اَعَى مُعِيدٌ، اَعَسَاءُ لَكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي اءَوْجَبْتَ لَهُمْ [عَلَى نَفْسِكَ]، اَعَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اَعَنْ تَمُنَّ عَلَى السَّاعَةِ بِفَكَاحٍ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ اَعَنْجِزْ لَوْلِيكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَ اَعْمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَ عَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ - عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ - وَعَدُهُ، اِئْتِهِمْ، اَعِيْذُهُ بِنَصْرِكَ، وَ اَنْصُرْ عَبْدَكَ، وَ قَوِّ يَا: وَفَّقْ] اَصْحَابَهُ، وَ صَبْرُهُمْ، وَافَتْحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ اَعْمَكِنُهُ مِنْ اَعْدَائِكَ وَ اَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

- ای شنونده هر صدا، ای گرد آورنده هر امری که از دست رفته باشد [یا: ای گردآورنده امور پراکنده] آفریننده هر جان دار بعد از مرگ ، ای برانگیزاننده ، ای وارث ، ای سرور سروران ، ای معبود معبودها، ای سرکش سرکشان ، ای فرمانروای دنیا و آخرت ، ای پروردگار پروردگاران ، ای پادشاه پادشاهان ، ای خدایی که سخت با سلطه و چیرگی می گیری ، ای خدایی که هر چه را بخواهی [بی درنگ] انجام می دهی ، ای شمارنده شماره نفسها و گامهای برداشته شده ، ای خدایی که نهان در نزد تو آشکار است ، ای آغازگر، ای برگرداننده ، به حقّی که بر برگزیدگان از خلقت داری و به حقّی که نسبت به ایشان [برخود] واجب فرموده ای ، از تو مسألت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی ، و در همین لحظه به آزادی ام از آتش جهنّم منت نهی و به وعده ولیّات و پسر پیامبرت که به اذن تو [بندگان را] به سویت می خواند، و امین تو در میان خلق ، و حجت و راهنمای تو بر خلق می باشد - که درودها و برکات بر او باد - وفا نمایی ، خداوندا، به یاری خویش او را یاری فرما، و آن بنده ات را یآوری کن ، و یارانش را نیرومند [یا: مؤفّق] فرما، و آنان را شکبیا گردان و از جانب خویش تسلّط یاری گری برای ایشان عنایت فرما، و در فرج او تعجیل فرما، و او را بر دشمنان و دشمنان رسالت چیره گردان ، ای مهربانترین مهربانان .

عرض کردم : فدایت شوم ، آیا برای خودتان دعا نمودید؟ فرمود: برای آل محمد و راهبر و ایشان و کسی که به فرمان خدا از دشمنانشان انتقام می گیرد دعا نمودم . عرض کردم : خداوند مرا فدای تو گرداند، آن بزرگوار کی خروج خواهد نمود، فرمود: هر گاه که خداوندی که خلق و امر به دست اوست بخواهد. عرض کردم : آیا او نشانه ای پیش از خروج خواهد داشت ؟ فرمود: بله ، نشانه های گوناگون ، عرض کردم : مانند چه ؟ فرمود: خروج پرچمی از مشرق زمین ، و پرچمی از مغرب زمین ، و فتنه و آشوبی که بر اهل زوراء (و بغداد) سایه می افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن ، و به غارت و تاراج رفتن پوشش و پرده خانه خدا. خداوند هرچه بخواهد انجام می دهد.

۱۸ - از تعقیبات مهمّ نماز ظهر، دعایی است که روایت شده رسول خدا(ص) آن را بعد از نماز ظهر می خواندند، بنابر روایتی که نقل شده حضرت ابوالحسن علیّ بن محمّد عسگری (ع) به نقل از پدر بزرگوارش از پدرانش از امام صادق - صلوات الله علیه - از امیرالمؤمنین (ع)، از رسول خدا - صلوات الله علیهم اجمعین - فرمود که از جمله دعاهای آن بزرگوار در تعقیب نمازظهر این بود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، اَعْلَمُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اِئْتِي اَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ غَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، اَللّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَ لَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَ لَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَ لَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَ لَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَ لَا خَوْفًا إِلَّا أَمَنْتَهُ، وَ لَا سُوءًا إِلَّا صَرَفْتَهُ، وَ لَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا وَ لِي صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ، [يا] رَبَّ الْعَالَمِينَ.

- معبودی جز خداوند بزرگ بردبار نیست ، معبودی جز خداوندی که پروردگار عرش بزرگوار است وجود ندارد، و ستایش خدایی را که پروردگار عالمیان است ، خداوندا، از تو رحمتهای لازم ، و آمرزشهای حتمی و مسلم ، و بهره مند شدن از هر خیر و خوبی ، و سلامتی از هر گناه را درخواست می نمایم . خداوندا، گناهی بر من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی ، و نه هم و غمی مگر اینکه برطرف نموده باشی ، و نه بیماری و مرضی مگر اینکه بهبودی بخشیده باشی ، و نه عیبی مگر اینکه پوشانده باشی ، و نه روزی ای مگر اینکه وسعت داده باشی ، و نه ترسی مگر اینکه از آن ایمن فرموده باشی ، و نه بدی ای مگر اینکه بر طرف نموده باشی ، و نه حاجتی که خشنودی تو در آن و به صلاح من است ، مگر اینکه برآورده نموده باشی ، ای مهربانترین مهربانان ، اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان .

دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نمازظهر

۱۹ - از دیگر تعقیبات مهمّ، اقتدا به مولایمان امیرالمؤمنین (ع) در دعاهای تعقیب نمازهای پنجگانه واجب است ، از آن جمله دعای آن بزرگوار در تعقیب نمازظهر که به این صورت است :

اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، [وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ]، وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ، عَلَانِيَتُهُ وَ سِرُّهُ، وَ اَنْتَ مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلُّهُ، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى غُفْرَانِكَ بَعْدَ غَضَبِكَ [يا: عَظَمَتِكَ]، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ، مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ [يا: السُّؤَالَاتِ]، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ، وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، وَ الْمُخْرِجِ إِلَى النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ، وَ قَابِلَ التَّوْبِ، شَدِيدَ الْعِقَابِ، ذَا الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ، وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ غُرُوبِهَا، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا، وَ لَا تَنْقُضِي مَدَدًا سَرْمَدًا، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِيمَا مَضَى ، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي مَا بَقِيَ.

اَللّٰهُمَّ، اَنْتَ ثِقَتِيْ فِيْ كُلِّ اَمْرٍ، وَعَدَّتِيْ فِيْ كُلِّ حَاجَةٍ، وَصَاحِبِيْ فِيْ كُلِّ طَلِبَةٍ، وَ اَنْسَى فِيْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَ عِصْمَتِيْ عِنْدَ كُلِّ هَلَكَةٍ.  
اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ وَسِّعْ لِيْ فِي رِزْقِيْ، وَ بَارِكْ لِيْ فِيْمَا اَتَيْتَنِيْ، وَ اقْضِ عَنِّيْ دَيْنِيْ، وَ اَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ، اِنَّكَ رَوْوُفٌ رَّحِيْمٌ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْخَلِيْمُ الْكَرِيْمُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ.  
اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَ غَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ [يا: بِرَّ]، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ، وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ، اَللّٰهُمَّ، لَا تَدْعُ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَ لَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، وَ لَا غَمًّا اِلَّا كَشَفْتَهُ، وَ لَا سُقْمًا اِلَّا شَفَيْتَهُ، وَ لَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ، وَ لَا خَوْفًا اِلَّا اَمَنْتَهُ، وَ لَا حَاجَةً اِلَّا قَضَيْتَهَا بِمَنْكَ وَ لَطْفِكَ، بِرَحْمَتِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

- خداوندا، همه ستایش برای توست ، [و فرمانروایی همگی برای توست ]، و خوبی همگی به دست [جمال ] توست ، و تمام امر و آشکار و نهان امور به سوی تو رجوع می کند، و تویی منتهی و سرانجام همه امور. خدایا، ستایش برای توست به جهت عفو و گذشتت با وجود قدرتت ، و ستایش برای تو به خاطر آمرزش با وجود خشم و غضبت [یا: با وجود عظمتت ]. خداوندا، ستایش می کنم تو را، ای بالا برنده درجات ، اجابت کننده دعاها، فرو فرستنده نیکیها از بالای آسمانهای هفتگانه ، عطا کننده درخواستها و حواجی ، [یا: پرستشها] و تبدیل کننده گناهان و بدیها به کارهای خوب و تبدیل کننده حسنات و کارهای نیک به درجات و پایه های ایمانی ، و بیرون برنده از تاریکیها به سوی نور، خدایا، ستایش برای توست ای آمرزنده گناه و قبول کننده توبه ، سخت کیفر دهنده ، صاحب عطا و بخشش ، معبودی جز تو نیست ، و بازگشت همه مخلوقات تنها به سوی توست ، خداوندا، ستایش تو را در هنگامی که شب فرا می گیرد، و سپاس تو را هنگامی که روز آشکار می گردد، و حمد برای تو در آخرت دنیا. خداوندا، سپاس برای تو در وقتی که شب روی می آورد، و پشت می کند، و ستایش برای تو هنگامی که صبح گشوده می گردد، و سپاس برای تو هنگام طلوع و غروب آفتاب . و سپاس برای تو به جهت نعمتهایت که به شماره در نمی آید، و از لحاظ افزونی و جاودانگی پایان نمی پذیرد. خدایا، ستایش برای تو در گذشته ، و ستایش برای تو در باقی مانده عمر.

خداوندا، تویی مورد اعتماد من در هر امر، و توشه ام در هر حاجت ، و دوست و همراهم در هر خواسته ، و انیس و مونس من در هر وحشت و تنهایی ، و نگاهدارنده ام در هر هلاکت و نابودی . خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و روزی ام را وسعت ده ، و هرچه را که به من عطا فرموده ای مبارک گردان ، و قرضم را ادا کن ، و حالم را اصلاح فرما، براستی که تو رؤ وف و مهربانی . معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست ، معبودی جز پروردگار عالمیان نیست ، معبودی جز خداوندی که پروردگار عرش بزرگ است وجود ندارد.

خداوند براستی که از تو رحمتهای لازم و مغفرتهای حتمی ، و بهره مندی از هر خوبی [یا: نیکی ]، و سلامتی از هر گناه ، و کامیابی به بهشت ، و رهایی از آتش جهنم را درخواست می نمایم . خداوندا، هیچ گناهی برای من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی ، و نه اندوهی مگر اینکه برطرف فرموده ، و نه ناراحتی و غمی مگر اینکه زدوده باشی ، و نه بیماری ای مگر اینکه بهبودی

بخشیده ، و نه وامی مگر اینکه ادا نموده ، و نه خوف و هراسی مگر اینکه ایمنی بخشیده ، و نه حاجتی مگر اینکه به منت و لطف خود برآورده باشی . به رحمت ، ای مهربانترین مهربانان .

دعای حضرت فاطمه زهراء(علیهاالسلام) در تعقیب نمازظهر

۲۰ - از تعقیبات مهمّ نمازهای پنجگانه ، دعاهایی است که حضرت زهرا، فاطمه ، سرور زنان عالمین (علیهاالسلام) (علیها السلام) می خواندند. از آن جمله دعای حضرتش در تعقیب نمازظهر، که به این صورت است :

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ [الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ]، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلِ لَهُ، وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ، وَ الطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَاحِدَةً [يا: جَاحِدًا] لَشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ، وَ لَا مُتَحَيِّرَةً [يا: مُتَحَيِّرًا] فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي إِلَى دِينِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئًا غَيْرَهُ.

اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِیْنَ وَ عَمَلَهُمْ، وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِیْنَ وَ ثَوَابَهُمْ، وَ تَصَدِیْقَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ تَوَكُّلَهُمْ، وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ الْاَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ اَنْتَظِرُهُ، وَ خَيْرَ مَطْلَعٍ یَطْلُعُ عَلَیَّ، وَ ارْزُقْنِیْ عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نَزْوِلِهِ وَ فِیْ غَمَرَاتِهِ، وَ حِیْنَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَیْنِ التَّرَاقِیْ ، وَ حِیْنَ تَبْلُغُ الْحُلُقُومَ، وَ فِیْ حَالِ خُرُوجِیْ مِنَ الدُّنْیَا، وَ تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِیْ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِیْ فِیْهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا شِدَّةً وَ لَا رَخَاءً، رَوْحًا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ بُشْرَى مِنْ كَرَامَتِكَ، قَبْلَ اَنْ تَتَوَفَّیْ نَفْسِیْ ، وَ تَقْبِضَ رَوْحِیْ ، وَ تُسَلِّطَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَیْ اِخْرَاجِ نَفْسِیْ ، بِبُشْرَى مِنْكَ یَا رَبِّ ، لَیْسَتْ مِنْ اَحَدٍ غَیْرِكَ، تُثَلِّجُ بِهَا صَدْرِیْ ، وَ تُسْرِ بِهَا نَفْسِیْ ، وَ تُقْرِ بِهَا عَیْنِیْ ، وَ یَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِیْ ، وَ یُسْفِرُ بِهَا لَوْنِیْ ، وَ یَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِیْ ، وَ یَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِیْ ، یَغِیْطُنِیْ (۱۹۷) بِهَا مَنْ خَضَرَنِیْ مِنْ خَلْقِكَ، وَ مَنْ سَمِعَ بِیْ مِنْ عِبَادِكَ، تُهَوِّنُ عَلَیَّ بِهَا سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَ تُفَرِّجُ عَنِّیْ بِهَا كُرْبَتَهُ، وَ تُخَفِّفُ عَنِّیْ بِهَا شِدَّتَهُ، وَ تَكْشِفُ عَنِّیْ بِهَا سَقَمَهُ، وَ تَذْهَبُ عَنِّیْ بِهَا هَمُّهُ وَ حَسْرَتُهُ، وَ تَعْصِمَنِیْ بِهَا مِنْ اَسْفِهِ وَ فِتْنَتِهِ، وَ [تَجِیْرُنِیْ] بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا یَحْضُرُ اَهْلَهُ، وَ تَرْزُقُنِیْ بِهَا خَیْرَهُ وَ خَیْرَ مَا یَحْضُرُ عِنْدَهُ، وَ خَیْرَ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ.

ثُمَّ اِذَا تَوَفَّیْتَ نَفْسِیْ ، وَ قَبَضْتَ رَوْحِیْ ، فَاجْعَلْ رَوْحِیْ فِی الْاَرْوَاحِ الرَّابِحَةِ، وَ اجْعَلْ نَفْسِیْ فِی الْاَنْفُسِ الصَّالِحَةِ، وَ اجْعَلْ جَسَدِیْ فِی الْاَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ، وَ اجْعَلْ عَمَلِیْ فِی الْاَعْمَالِ الْمُتَقَبَّلَةِ، ثُمَّ ارْزُقْنِیْ فِی خِطَّتِیْ مِنَ الْاَرْضِ حِطَّتِیْ [یا: حِصَّتِیْ] ، وَ مَوْضِعَ جُثَّتِیْ [یا: جَنْبِیْ] حِثُّ یُرْفَتُ (۱۹۸) لَحْمِیْ ، وَ یُدْفَنُ عَظْمِیْ وَ اَعْتَرَكُ وَحِیدًا لَا حِیْلَ لِیْ ، قَدْ لَفَظْتَنِی الْبِلَادُ، وَ تَخَلَّى [یا: یَجْلِیْ] مِنْنِیْ الْعِبَادُ، وَ افْتَقَرْتُ اِلَی رَحْمَتِكَ، وَ اخْتَجْتُ اِلَی صَالِحِ عَمَلِیْ ، وَ اَلْقِیْ مَا مَهَّدْتُ لِنَفْسِیْ ، وَ قَدَمْتُ لِاخِرَتِیْ ، وَ عَمِلْتُ فِیْ اَیَّامِ حَیَاتِیْ ، فَوْزًا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ ضِیَاءً مِنْ نُورِكَ، وَ تَثْبِیْتًا مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ فِی الْاٰخِرَةِ، اِنَّكَ تُضِلُّ الظَّالِمِیْنَ، وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ. ثُمَّ بَارِكْ لِیْ فِی الْبَعْثِ وَالْحِسَابِ اِذَا اُنْشَقَّتِ الْاَرْضُ عَنِّیْ ، وَ تَخَلَّى الْعِبَادُ مِنِّیْ ، وَ غَشِیَّتَنِی الصَّیِّحَةُ، وَ اَفْزَعَتَنِی النَّفْحَةُ، وَ نَشَرْتَنِی بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ بَعَثْتَنِی لِلْحِسَابِ، فَابْعَثْ مَعِیْ یَا رَبِّ، نُورًا مِنْ رَحْمَتِكَ، یَسْعِیْ بَیْنَ یَدَیَّ وَ عَنْ یَمِیْنِیْ ، تُؤْمِنِیْ بِهِ، وَ تَرِبُّ بِهُ عَلَی قَلْبِیْ ، وَ تُظْهِرُ بِهِ عُذْرِیْ ، وَ تُبَیِّضُ بِهِ وَجْهِیْ ، وَ تُصَدِّقُ بِهَا حَدِیْثِیْ ، وَ تُفْلِحُ بِهِ حُجَّتِیْ ، وَ تُبَلِّغْنِیْ بِهَا الْعُرْوَةَ الْقُصْوَى [یا: الْوُثْقَى] مِنْ

رَحْمَتِكَ، وَ تَحِلِّي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ، وَ تَرَزُّقُنِي بِهِ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ (ص) فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ دَرَجَةً، وَ أَعْبَلُهَا فَضِيلَةً، وَ أَبْرِّهَا عَطِيَّةً، وَ أَوْفِقُهَا نَفْسَةً، مَعَ الَّذِينَ أُنْعِمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ حَسُنَ أَوْلَاكَ رَفِيقاً. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ، وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ عَلَى أَيْمَتِهِ الْهُدَى أَجْمَعِينَ، آمِينَ، رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَّرْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ. اَللَّهُمَّ، بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ أَعْلِلْ كَعْبَهُ، وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَ أَعِزِّمْ نُورَهُ، وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَ أَفْسَحْ لَهُ حَتَّى يُرْضَى، وَ بَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ، وَ اجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَ وَسِيلَةً، وَ اقْصُصْ بِنَا أَعْرَافَهُ، وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ، وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اخْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَ تَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ [يَا: سُبُّلَهُ]، وَ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ، غَيْرَ خَرَايَا وَ لَا نَادِمِينَ، وَ لَا شَاكِينَ وَ لَا مُبَدِّلِينَ [يَا: مُدَلِّينَ].

يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ، وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِارَاجِيهِ، يَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَبِيحِ وَ مُدَاوِيَ الْقَلْبِ الْجَرِيحِ، لَا تَقْضُحْنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ الْأَثَامِ، وَ لَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمَ عَنِّي مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ، يَا غَايَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِيرِ، وَ يَا جَابِرَ الْعَظِيمِ الْكَسِيرِ، هَبْ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَاعْفُ عَن فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَ اغْسِلْ قَلْبِي مِنْ وَزْرِ الْخَطَايَا، وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ الْأِسْتِعْدَادِ لِزُورِ الْمَنَايَا، يَا أَعْزَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ مُنْتَهَى أَعْمَنِ السَّائِلِينَ، أَنْتَ مَوْلَايَ، فَتَحْتَ لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَ الْإِنَابَةِ، فَلَا تُغْلِقْ عَنِّي بَابَ الْقَبُولِ وَ الْإِجَابَةِ، وَ نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَ بَوِّئْنِي غُرَفَاتِ الْجَنَانِ، وَ اجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكاً بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ اخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ، وَ أَخِيْنِي بِالسَّلَامَةِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْكَمَالِ وَ الْعِزَّةِ وَ الْجَلَالِ، لَا تُشِمْتُ بِي عَدُوّاً وَ لَا حَاسِداً، وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلْطَاناً عَنِيداً، وَ لَا شَيْطَاناً مَرِيداً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.

- پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت [والا و بلند، پاک و منزّه است خداوند صاحب جلال و عظمت بلند و بزرگ]، پاک و منزّه است خداوند صاحب فرمانروایی بالنده و گرانمایه و دیرینه، حمد و سپاس خدایی را که منحصرأً به وسیله نعمت او، به شناخت او، و عمل برای او و میل و رغبت به سوی او و اطاعت از دستورش نایل گشتم، ستایش خداوندی را که مرا منکر چیزی از کتابش نگردانید، و در هیچ امری سرگشته نفرمود، سپاس خداوندی را که مرا به دین خود رهنمون گشت، و به گونه ای قرار نداد که چیزی غیر او را بپرستم.

خداوند، از تو گفتار و عمل توبه کنندگان، و نجات و پاداش جهاد گران، و تصدیق و توکل مؤمنان، و آسودگی در هنگام مرگ، و ایمنی هنگام حساب و بازپرسی را خواستارم، مرگ را در نزد من بهترین چیز غایبی که انتظارش را می کشم، و بهترین چیزی که بر من مُشْرِف می گردد قرار ده، و در هنگام حضور مرگ و در نزد فرود آمدن آن، و در سختیها و ناگواریهای آن، و هنگامی که نفس از میان دو استخوان کنار گلویم فرو می آید، و هنگامی که نفسم به گلو می رسد، و در حال بیرون رفتن از دنیا، و در آن

ساعت و لحظه ای که بر هیچ ضرر و سود و یا سختی و آسایش قادر نیستم ، نسیمی از رحمت ، و بهره ای از خشنودی ات ، و مژده ای از کرامتت را - پیش از آنکه جانم را کاملاً بگیری ، و روحم را قبض فرمایی ، و فرشته مرگ را بر بیرون آوردن جانم چیره گردانی - همراه با بشارتی از جانب خویش ای پروردگار من ، روزی ام گردان ، به گونه ای که آن مژده از جانب هیچ کس جز تو نباشد، و سینه ام را بدان خُنگ ، و جانم را شادمان ، و چشمم را روشن گردانی ، و چهره ام برافروخته ، و رنگم باز و روشن ، و قلبم آرام و آسوده ، و سایر [و یا همه ] اعضای بدنم خوشحال گردد [و یا: آنها به یکدیگر بشارت دهند.]، به گونه ای که هرکس از آفریدگانت که مرا می بیند و هر کدام از بندگان که می شنود، به من رشک بَرَد، و به گونه ای که بی هوشهای مرگ را به واسطه آن را بر من آسان ، و ناراحتی سخت و گلوگیر هنگام مرگ را از من برطرف گردانده ، و سختی آن را بر من تخفیف داده ، و بیماری و درد آن را برطرف نموده ، و غم و اندوه و حسرت آن را از بین برده ، و از افسوس خوردن و امتحان و گرفتاری مرگ نگاه داشته ، و به واسطه آن از شرّ مرگ و شرّ آنچه بر اهل مرگ پیش می آید، [در پناه خویش درآورده] ، و خیر مرگ و خیر آنچه را که در هنگام مرگ و بعد از آن پیش می آید روزی ام گردانی .

سپس وقتی که نَفْسَم را کاملاً ستانیده و روحم را گرفتی ، روحم را در میان ارواح برخورداری ، و جانم را در میان جانهای شایسته ، و جسمم را در میان پیکرهای پاکیزه ، و عملم را در میان اعمال پذیرفته شده قرار ده ، سپس در محدوده مشخص و سهم من از زمین ، و جایگاه جَسَدَم [یا: پهلویم] - همانجا که گوشتم خورد و کوبیده ؟، و استخوانم به خاک سپرده شده ، و تنها و در حالی که هیچ راه چاره ای ندارم رها می شوم ، و شهرها [و آبادیها] مرا بیرون رانده ، و بندگان از من کنار گرفته ، و به رحمت نیازمندم ، و محتاج عمل صالح خود می باشم ، و با آنچه که برای خود آماده نموده و برای آخرت خویش پیش فرستاده و در روزگار زندگی ام عمل نموده ام ملاقات می کنم - رستگاری از رحمت ، و روشنایی از نورت ، و استواری از کرامتت را با گفتار و اعتقاد استوار در زندگانی دنیا و در آخرت روزی ام فرما، براستی که تو ستمکاران را گمراه نموده و هر چه بخواهی انجام می دهی .

سپس وقت برانگیختن و حساب کشی بر من مبارک گردان ، آن هنگام که زمین برای من شکافته شده و بندگان از من کناره گرفته ، و صدای آسمانی مرا فرا گرفته ، و صدای دمیدن [در صُور] هراسناکم نموده ، و بعد از مرگ محشورم می فرمایی ، و برای حساب کشی بر می انگیزانی ای پروردگار من ، پس نوری از رحمتت را همراه من برانگیز، به گونه ای که در پیشاپیش و از سمت راستم پیش رفته و مرا به آن ایمنی بخشیده ، و قوّت قلبم عنایت فرموده ، و عذر و دلیل را آشکار و محکم ، و روی و تمام وجودم را بدان سپید گردانیده ، و سخنم را تصدیق فرموده ، و حجتّم را پیروز، و به دستاویز بلند [یا: استوار] از رحمتت نایل گردانیده ، و در درجه والای از بهشت جای داده ، و رفاقت با حضرت محمد(ص) پیامبر، بنده و رسولت را در بالاترین درجه بهشت ، و برترین و پر عطاترین ، و سازگارترین جای بهشت از لحاظ گشایش و گستردگی ، با کسانی که نعمت [ولایت] خویش را بر آنان ارزانی داشته ای ، یعنی پیامبران و صدّیقان و گواهان [اعمال] و شایستگان - و چه همراهان و رفیقان خوبی ، - روزی ام گردان .

خداوندا، بر حضرت محمد خاتم پیامبران و بر تمام پیامبران و فرستادگان و بر همه فرشتگان و بر خاندان پاک و پاکیزه او، و بر همه ائمه هدی درود فرست . اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان ، خدایا، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او هدایت فرمودی ، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه او مورد رحمت خویش قرار دادی ، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه او سرافراز فرمودی ، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او شرافت دادی ، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او بینا گردانیدی ، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به او از کناره و پرتگاه گودال آتش جهنم رهایی بخشیدی ، خداوندا، روی او را سپید، و شرافت او را افزون و بلند، و حجتش را پیروز، و نورش را کامل ، و میزان و ترازوی [عملش ] را سنگین ، و برهان و دلیلش را بزرگ گردان ، و جای او را بحدی گسترده بگردان تا اینکه خشنود گردد، و او را به دو مقام والای درجه و وسیله از بهشت نایل گردان ، و به مقام ستوده ای که وعده اش داده ای برانگیز، و او را برترین پیامبران و فرستادگان از لحاظ منزلت و وسیله قرار ده ، و ما را پیرو آثار [و راه و روش آن بزرگوار] قرار ده ، و به پیمانۀ او ما را سیراب ، و در حوضش وارد، و در گروه آن بزرگوار محشور گردان ، و بر آیینش بمیران ، و در راهش [یا: راههایش ] رهسپار گردان ، و به سنت و سیره اش بکارمان گیر، بدون اینکه رسوا و پشیمان و یا شک و تردید داشته و یا آن را تغییر دهیم .[یا: خوار گردیم .]

ای کسی که در رحمتش به روی دعا کنندگانش گشوده ، و حجاب و پرده درگاهش برای امیدوارانش برداشته شده و باز است ، ای پوشاننده امر زشت و درمان کننده قلب مجروح ، مرا در محلّ حضور [مردمان در روز] قیامت با گناهان هلاک کننده رسوا و مفتضح منما، و میان مردمان روی [و اسماء و صفات ] گرامی ات را از من برمگردان ، ای منتهای آرزوی شخص درمانده و بیچاره و نیازمند، و ای به هم آورنده استخوان شکسته ، گناهان هلاکت کننده مرا ببخش ، و از امور درونی و نهانی رسوا کننده ام درگذر، و قلبم را از بار گناهان شستشو ده ، و آمادگی نیکو برای فرود آمدن مرگ را روزی ام گردان ، ای بزرگوارترین بزرگواران و منتهای آرزوی درخواست کنندگان ، تویی مولای من ، در دعا و توبه و بازگشت و به تمام وجود به سوی خود را برای من گشودی ، پس در قبول و اجابت را به روی من مبنده، و به رحمت خویش از آتش جهنم نجات ده ، و در طبقات بالای بهشت جایم ده ، و از چنگ زندگان به دستاویز استوارت بگردان ، و نهایت امر مرا به نیکبختی ختم فرما، و با تندرستی زنده ام بدار. ای صاحب فضل و کمال و عزّت و جلال ، هیچ دشمن و یا حسودی را نسبت به من دشمن شاد مگردان ، و هیچ فرمانروای خیره و سرکش و یا شیطان گردنکش را بر من چیره مگردان ، به رحمت ای مهربانترین مهربانان ، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ ، و درود و رحمت و سلامتی و امنیّت بر محمد و آل او باد.

۲۱ - از دیگر تعقیبات مهم امتثال فرمایش مولایمان حضرت صادق جعفر بن محمد (علیهما السلام) در دعاهای وارده در تعقیب نمازهای واجب است، به صورتی که ابوبصیر نقل می کند که امام صادق (ع) در تعقیب نمازهای واجب این دعاهای مبارک را می خواندند:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ بِرَأْثِهِ مِنَ النَّارِ، فَاکْتُبْ لَنَا بَرَاءَتَنَا، وَ فِی جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا، وَ فِی عَذَابِكَ وَ هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا، وَ مِنْ الضَّرْبِ وَالزَّقُومِ فَلَا تُطْعِمْنَا، وَ مَعَ الشَّیَاطِیْنِ فِی النَّارِ فَلَا تَجْعَلْنَا، وَ عَلٰی وُجُوْهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا، وَ مِنْ ثِیَابِ النَّارِ وَ سَرَایِلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا، وَ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَجَنَّا، وَ بِرَحْمَتِكَ فِی الصَّالِحِیْنَ فَادْخِلْنَا، وَ فِی عَلَیِّیْنَ فَارْفَعْنَا، وَ مِنْ كَاْءِیْ مَعِیْنٍ وَ سُلْسَبِیْلِ فَاسْقِنَا، وَ مِنْ الْحُوْرَالْعِیْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا، وَ مِنْ الْوُلْدَانِ الْمُخْلَدِیْنَ كَاْءَیْهِمْ لَوْلُوْ [مَكْنُوْنٌ] فَادْخُلْنَا، وَ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُوْمِ الطَّیْرِ فَادْطَمِعْنَا، وَ مِنْ ثِیَابِ الْحَرِیْرِ وَ السُّنْدُسِ وَ الْاِسْتَبْرَقِ فَاكْسُنَا، وَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فَارْزُقْنَا، وَ سَدِّدْنَا، وَ قَرَّبْنَا اِلَيْكَ رُفْلٰی، وَ صَالِحِ الدُّعَا وَ الْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا، یَا خَالِقْنَا، اِسْمَعْ لَنَا، وَ اسْتَجِبْ [دَعْوَتَنَا]، وَ اِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَارْحَمْنَا، یَارَبِّ، عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاوُكَ، وَ لَا اِلَهَ غَیْرُكَ.

- خداوند، به حق محمد و آل محمد از تو براءت از آتش جهنم را درخواست می نمایم، پس برای ما براءت از آتش جهنم را بنویس، و در جهنم قرارمان مده، و به عذاب و خواری ات گرفتار منما، و ضریع و زقوم [دو خوراک اهل جهنم] را خوراک ما قرار مده، و همراه با شیاطین در آتش یک جا جمع مگردان، و به رو بر زمین مزن، و از جامه های آتشین و پیراهنهایی را که از مس مذاب هستند به تن مان مفرما، و از هر بدی - ای خدایی که معبودی جز تو نیست - در روز قیامت نجات بخش، و به رحمت خود ما را در میان صالحان داخل فرما، و در علیین [و والاترین مقام بهشتی] بالایمان بر، و از پیمانه پر از آب دو چشمه معین و سلسبیل سیرابمان گردان، و به رحمت از حورعین و زنان سیاه و درشت چشم به ازدواجمان درآور، و از پسرانی جاودانه [که همواره در حالت خود باقی هستند و پیر نمی شوند] که گویی لؤلؤ و مروایندند پیش خدمتیمان گردان، و از میوه های بهشت و گوشت پرندگان خوراکمان قرار ده، و از جامه های ابریشمی سندس و پرنیان نازک و استبرق و پرنیان ضخیم به تن مان کن، و شب قدر و حج خانه ارجمندت را روزی مان فرما، و مؤفق و استوارمان بدار، و مقرب درگاه خویش بگردان قرب و منزلت یافتن ویژه ای، و دعا و درخواست شایسته مان را اجابت فرما، ای آفریدگار ما، از ما بشنو و [دعایمان را] اجابت فرما، و هنگامی که اولین و آخرین را در روز قیامت گردآوری، بر ما رحم آر، ای پروردگار ما، همسایه ات بلند و عزیز، و ثنایت بزرگ است، و معبودی غیر تو نیست.

۲۲ - و از دیگر تعقیبات مهم، اقتدا به حضرت صادق جعفر بن محمد (علیهما السلام) در دعاهایی است که آن بزرگوار در تعقیب هر نماز واجب می خواندند، چنانکه خادم حضرت صادق، جعفر بن محمد - صلوات الله علیهما - می گوید که آن بزرگوار (ع) در تعقیب هر نماز واجب دعاهایی را می خواندند. به حضرتش عرض کردم: ای پسر رسول خدا، دعاهایی را که می خوانی به من بیاموز، حضرت (ع) فرموده: وقتی نماز ظهر را خواندی سه بار در تعقیب نماز بگو:



بِاللّهِ اعْتَصِمْتُ، وَ بِاللّهِ اَعِثُّ، وَ عَلَيْهِ اَتَوَكَّلُ.

– تنها به خدا پناه برد، و چنگ زدم ، و فقط به او اعتماد دارم ، و تنها بر او توکل نمودم .

سپس بگو:

اَللّهُمَّ، اِنْ عَظُمَتْ ذُنُوبِي فَاءَنْتَ اَعْظَمُ، وَ اِنْ كَبُرَ تَفْرِيطِي فَاءَنْتَ اَكْبَرُ، وَ اِنْ دَامَ بُخْلِي فَاءَنْتَ اَجْوَدُ، اَللّهُمَّ، اغْفِرْ لِي عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ، وَ كَبِيرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ، وَ اَقَمَعَ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ، اَللّهُمَّ، مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ.

– خداوندا، اگر گناهانم بزرگ است ، تو بزرگتری ، و اگر کوتاهی و تقصیرم بزرگ است ، تو بزرگتری ، و اگر بخل و تنگ چشمی ام پیوسته است ، تو بخشنده تری ، خدایا، گناهانم بزرگم را به عفو و گذشت عظیمت ، و کوتاهی بزرگ مرا به کرم آشکارت بیامرز، و بخلم را با فروزی بخششت برکن . خدایا، هر نعمتی که داریم از توست ، معبودی جز تو نیست ، از تو طلب آمرزش نموده و به سوی تو توبه می کنم .

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نمازظهر

۲۳ – از جمله تعقیبات مهمه، عمل به روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق (ع) در تعقیب نمازهای واجب است . معاویه بن عمار دُهنی [ذهبی] می گوید: این دعای آقای من ابی عبدالله ، جعفر بن محمد(ع) در تعقیب نمازش می باشد که بر من املاء نمود. اولین نمازها، نماز ظهر است ، و به همین جهت نماز اولی و نخست نامیده شده ، زیرا نخستین نمازی است که خداوند متعال بر بندگانش واجب فرموده است ، و دعای آن به این صورت است :

يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَ يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ يَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ، وَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلٍ وَ اَعْزَلٍ وَ اَوْفَى وَ اَكْمَلٍ وَ اَحْسَنٍ وَ اَجْمَلٍ وَ اَكْبَرٍ وَ اَطْهَرَ وَ اَزْكَى وَ اَنُورٍ وَ اَعْلَى وَ اَبْهَى وَ اَسْنَى وَ اَعْمَى وَ اَدْوَمٍ [وَ اَعَمَّ وَ اَبْقَى] مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ مَنَنْتَ وَ سَلَّمْتَ وَ تَرَحَّمْتَ [وَ تَحَنَّنْتَ] عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ اِبْرَاهِيمَ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ [اَللّهُمَّ، اَمْنٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ، وَ سَلَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ] كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، اَللّهُمَّ، وَ اَوْرِدْ عَلَيْهِ مِنْ دُرِّيَّتِهِ وَ اَزْوَاجِهِ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اَصْحَابِهِ وَ اَتْبَاعِهِ مِنْ تَقَرُّ بِهِمْ [يَا: بِهِ] عَيْنُهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَ مِمَّنْ تَسْقِيهِ بِكَاءِسِهِ، وَ تُورِدُهُ حَوْضَهُ، وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ، وَ اَدْخِلْنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ اَخْرِجْنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَ لَا اَقْلَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا اَكْثَرَ، اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بَلَاءٍ، وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ رَحَاءٍ، [وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ اَمْنٍ وَ خَوْفٍ]، وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ مَتَوًى وَ مُقَلَبٍ، اَللّهُمَّ، اَخِينِي مَحْيَاهُمْ، وَ اَمِتْنِي مَمَاتِهِمْ، وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ

وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اِاللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْشِفْ عَنِّي بِهِمْ، وَنَفْسُ عَنِّي بِهِمْ كُلَّ هَمٍّ، وَفَرَجْ بِهِمْ [يا: بِهِ] عَنِّي كُلَّ غَمٍّ، وَاكْفِنِي بِهِمْ كُلَّ خَوْفٍ، وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ مَقَادِيرَ الْبَلَاءِ وَ سُوءَ الْقَضَاءِ وَ دَرَكَ الشَّقَاءِ وَشَمَانَةَ الْأَعْدَاءِ. اِاللَّهُمَّ، اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَ طَيِّبْ كَسْبِي، وَقَنْعُنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَلَا تَذْهَبْ بِنَفْسِي إِلَى شَيْءٍ صَرَفْتَهُ عَنِّي. اِاللَّهُمَّ، إِنِّي اِعْزُودُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ، وَ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَ اَعْمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ. اِاللَّهُمَّ، إِنِّي اَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عَلَى طَاعَتِكَ، وَالصَّبْرَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَ الْقِيَامَ بِحَقِّكَ، وَ اَسْأَلُكَ حَقَاقِ الْإِيمَانِ، وَ صِدْقَ الْيَقِينِ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا، وَ اَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَ الْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَ عَافِيَةَ الْآخِرَةِ مِنَ الشَّقَاءِ، اِاللَّهُمَّ، إِنِّي اَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ، وَ اَسْأَلُكَ الظَّفَرَ وَالسَّلَامَةَ وَ حُلُولَ دَارِ الْكِرَامَةِ. اِاللَّهُمَّ، اجْعَلْ فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً إِلَيْكَ، وَ رَاحَةً تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ، اِاللَّهُمَّ، لَا تَحْرِمْنِي سَعَةَ رَحْمَتِكَ وَ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ وَ شُمُولَ عَافِيَتِكَ وَ جَزِيلَ عَطَائِكَ وَ مَنَحَ مَوَاهِبِكَ لِسُوءٍ مَا عِنْدِي، وَ لَا تُجَازِنِي بِقَبِيحِ عَمَلِي، وَ لَا تَصْرِفْ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي، اِاللَّهُمَّ، لَا تَحْرِمْنِي وَ اَنَا اَدْعُوكَ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي وَ اَنَا اَعْرُجُوكَ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا، وَ لَا إِلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَحْرِمْنِي وَ يَسْتَأْثِرَ عَلَيَّ. اِاللَّهُمَّ، إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ، اَسْأَلُكَ بِآلِ يَاسِينَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ اَعْقَدَمَهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَ رَغَبَتِي إِلَيْكَ. اِاللَّهُمَّ، إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي اُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا مَحْرُومًا مُقْتَرًّا عَلَى فِي الرِّزْقِ، فَامْحُ مِنْ الْكِتَابِ شَقَائِي وَ حِرْمَانِي، وَ اَعِثْنِي عِنْدَكَ سَعِيدًا مَرْزُوقًا، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ. اِاللَّهُمَّ، إِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، وَ اَنَا مِنْكَ خَائِفٌ، وَ بِكَ مُسْتَجِيرٌ، وَ اَنَا حَقِيرٌ مُسْكِينٌ، اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، يَا مَنْ قَالَ: اَدْعُونِي، اَسْتَجِبْ [لَكُمْ] (١٩٩) نِعْمَ الْمُجِيبُ اَنْتَ يَا سَيِّدِي، وَ نِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى، [وَ] بِئْسَ الْعَبْدُ اَنَا، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَاذِ بِكَ مِنَ النَّارِ، يَا فَارِجَ الْهَمِّ، يَا كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، اِرْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ [قَصْدٍ] رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ، وَ اَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مُؤَفَّوتًا، [بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ].

– ای شنواترین شنواها، و ای بیناترین بینندگان، و ای کسی که زودتر از همه به حساب می رسی، و ای بخشنده ترین بخشنندگان، و ای بزرگوارترین بزرگواران، همانند برترین و فراوان ترین و فراگیرترین و کاملترین و نیکوترین و زیباترین و بزرگترین و پاکیزه ترین و خوشترین و نورانی ترین و بالاترین و درخشنده ترین و والاترین و بالنده ترین و پیوسته ترین و شاملترین [و کاملترین] و پاینده ترین درود و برکت و بخشش و سلامتی و ترحم [و مهربانی] را که بر حضرت ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، بر محمد و آل محمد فرست، براسستی که تو ستوده بلند مرتبه هستی. [خداوندا، چنانکه بر حضرت موسی و هارون (علیهماالسلام) منت نهادی بر محمد و آل محمد منت نه، و بر محمد و آل محمد سلام فرست] چنانکه بر حضرت نوح از میان عالمیان سلام فرستادی، خدایا، از فرزندان و همسران و اهل بیت و یاران و پیروان آن بزرگوار کسانی را که چشمش به آنها روشن می گردد، بر او وارد

گردان ، و ما را از آنان و نیز از کسانی که با جام آن بزرگوار سیرابشان نموده و در حوض حضرتش وارد می نمایی قرار ده ، و ما را در گروه آن بزرگوار و زیر پرچمش محشورگردان ، و در هر خیر و خوبی که محمد و آل محمد را در آن وارد گردانده ای داخل گردان ، و از هر بدی که محمد و آل محمد را از آن خارج نموده ای خارج گردان ، و هیچگاه به اندازه چشم برهم زدنی نه کمتر از این و نه بیشتر از آن ، میان ما و محمد و آل محمد جدایی میاندا، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را در هر عافیت و گرفتاری همراه با آنان قرار ده ، و در هر سختی و خوشی همراه با ایشان بگردان ، [و در حال ایمنی و خوف و هراس با آنان همراه بفرما]، و در هر ایستادن و رفتن همراه با ایشان قرار ده . خداوندا، زندگانی مان را بسان زندگانی آن بزرگواران ، و مردمان را همانند مرگ ایشان قرار ده ، و مرا به واسطه آنان در دنیا و آخرت در نزد خویش آبرومند و از مقربان درگاهت بگردان ، خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست . و تمام اندوههای مرا به واسطه آنان برطرف نموده و از بین ببر، و تمام غمهایم را بگشای ، و به واسطه آن بزرگواران هر ترس و هراسی را از من کفایت فرما، و گرفتاریهای مقدر شده و قضای بد و درک [و یا: پیامد] بدبختی و شمات و خوشحالی دشمنان را از من دورگردان .

خداوندا، گناهم را بیامرز، و کسبم را پاکیزه ، و به آنچه روزی ام فرموه ای قانع ، و برایم پرخیر و برکت گردان ، و نفسم را نسبت به چیزی که از من بازداشته ای متمایل مفرما، خدایا، به تو پناه می برم از دنیایی که جلو خیر آخرت را می گیرد، و از دنیای زودرسی که مانع خیر آخرت آینده می گردد، و از زندگانی ای که از مردن بهتر جلوگیری می کند، و از آرزویی که مانع عمل خیر می گردد، خداوندا، از تو شکیبایی بر طاعتت ، و صبر از ارتکاب معصیت و نافرمانی است ، و بجا آوردن حقت را خواستارم ، و از تو ریشه ها و حقایق ایمان و یقین راستین در تمام جایگاهها را مسألت دارم ، و از تو عفو و عافیت و تندرستی در دنیا و آخرت ، عافیت دنیا از بلا و گرفتاری ، و عافیت آخرت از شقاوت و بدبختی را مسألت می نمایم . خدایا، عافیت و کمال و دوام عافیت و شکر بر عافیت را از تو درخواست می نمایم ، و کامیابی و سلامتی و وارد شدن در دارد کرامت را می خواهم . خداوندا، در نماز و دعایم هراس از خود، و میل و رغبت به سوی ات و راحتی و آسودگی ای که بر منت نهی قرار ده ، خدایا، به خاطر بدی آنچه که در نزد و وجود من است [یعنی اعمال و صفات بدم] از رحمت گسترده و نعمت گوارا، و عافیت فرا گیر، و عطای فراوان ، و بخششهای مواهبت محروم

مگردان ، و به عمل زشتم پاداش مده ، و روی [و اسماء و صفات] گرامی ات را از من برمگردان . خداوندا، در حالی که تو را می خوانم محرومم مگردان ، و در حالی که به تو امیدوارم دست خالی برمگردان ، و هیچگاه به اندازه چشم بر هم زدنی نه به خود و نه به هیچ کس از مخلوقات واگذارم مکن ، تا مرا محروم گردانده و دیگری را بر من مقدم بدارد. خداوندا، براستی که تو هرچه را بخواهی محو و یا اثبات می فرمایی ، و کتاب مادر تنها در نزد توست ، به [حق] آل یاسین که برگزیدگان خلق ، و ناب ترین مخلوقات می باشند از تو درخواست نموده و آن بزرگواران را پیشاپیش خواسته ها و میل و رغبت به تو مقدم می دارم ، خدایا، اگر مرا در و کتاب مادر بدبخت و محروم و گرفتار به تنگی روزی نوشته ای ، بدبختی و محرومیت را از آن محو، و در نزد خویش

نیکبخت و پر روزی ثبت بفرما، خدایا، بی گمان من به هر خیری که به سوی من فرو فرستاده ای نیازمندم ، و از تو هراسناکم ، و به تو پناه آورده ام ، و من حقیر و بیچاره و درمانده هستم ، همان گونه که امر فرموده ای می خوانمت ، پس چنانکه وعده فرمودی ، که تو هیچگاه خلف وعده نمی نمایی ، [دعای ] مرا اجابت فرما. ای خدایی که فرمودی : مرا بخوانید، تا [دعای ] شما را اجابت نمایم . چه خوب اجابت کننده ای هستی تو، ای سرور من ، و چه خوب پروردگاری و چه نیکو مولی و سرپرستی ، و چه بد بنده ای هستم من ، و این است ایستادن بنده پناه آورده به تو از آتش جهنم ، ای گشاینده ناراحتی ، و ای برطرف کننده غم و اندوه ، ای اجابت کننده دعای درماندگان ، ای رحمان و رحیم دنیا و آخرت ، مرا به چنان رحمتی مورد مهر و رحمت خویش قرار ده که به آن از [آرزو کردن و نیت ] رحمت غیر خود بی نیازم گردانی ، و به رحمت مرا در میان بندگان شایسته ات داخل فرما، ستایش خداوندی را که یک نماز از نمازهایی را که بر مؤمنین نوشته و واجب نموده از من برآورد، [به رحمت ، ای مهربانترین مهربانها].

دعای حضرت مهدی (ع) در تعقیب نمازهای واجب

۲۴ - از جمله تعقیبات مهم. دعای است که به روایت صحیح از مولایمان حضرت مهدی (ع) در تعقیب نمازهای واجب وارد شده است .

ابو نعیم محمد بن احمد انصاری می گوید: من و گروهی به تعداد سی نفر مرد - که فرد مُخْلِص و شیعه جز محمد بن ابی القاسم در میان آنان نبود، - در روز ششم ذی الحِجَّه سال ۲۹۳ [هجری قمری] در مکه نزد مستجار بودیم ، که ناگهان جوانی که دو لنگِ ناصح که در آن احرام بسته بود و بر تن داشت و نعلین او در دستش بود، از طوافِ خانه خدا فراغت پیدا کرد و به سوی ما آمد، وقتی او را دیدیم ، همگی به خاطر هیبت و ابّهت او بپا خاستیم و هیچ کس از ما بر زمین نشسته نماند، او بر ما سلام نمود و در وسط نشست و ما در گرد او، سپس به راست و چپ نگاه کرد و آنگاه فرمود: آیا می دانید که امام صادق (ع) در دعایِ الحاح چه می فرمود؟ عرض کردیم : چه چیزی می فرمود؟ فرمود که آن بزرگوار می فرمودند:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ بِهٖ تَقُوْمُ السَّمَاۗءُ، وَ بِهٖ تَقُوْمُ الْاَرْضُ، وَ بِهٖ تُفَرِّقُ بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ، وَ بِهٖ تَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَ بِهٖ تُفَرِّقُ بَیْنَ الْمُجْتَمِعِ، وَ بِهٖ اَخْصِیْتَ عَدَدَ الرَّمَالِ وَ زِنَةَ الْجِبَالِ وَ کَیْلَ الْبِحَارِ، اَعَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَجْعَلَ لِیْ مِنْ اَمْرِیْ فَرَجًا.

- خداوندا، به [حق] آن اسمت که به [وسیله] آن آسمان برپا، و زمین پابرجاست ، و میان حق و باطل جدا می افکنی ، و میان [امور و یا اشخاص] جدا و پراکنده جمع می نمایی ، و بین جمع جدایی می افکنی ، و شماره سنگریزه ها و وزن کوهها و پیمانه دریاها را به آن حساب می نمایی ، از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و در امر من فرج و گشایشی قرار دهی .

سپس برخاست و داخل طواف شد، و ما نیز به واسطه قیام او بپا خواستیم، تا اینکه رفت، و ما او را از یاد بردیم. و تا فردای همان وقت به خود می گفتیم: او چه کسی بود؟ تا اینکه باز فردا از طواف خارج شد، و به سوی ما آمد و مانند روز گذشته در برابر او قیام نمودیم، و در وسط مجلس ما جلوس فرمود، و نظر به راست و چپ انداخت و فرمود: آیا می دانید امیرالمؤمنین (ع) بعد از نماز واجب چه می فرمود؟ عرض کردیم: چه می فرمود؟ فرمودند: حضرتش همواره می فرمودند:

إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ، وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ، وَلَكَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ خَيْرَ مَنْ أَعْطِيَ، يَا صَادِقُ يَا بَارُّ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالذُّعَاءِ وَ وَعَدَ بِالْإِجَابَةِ، يَا مَنْ قَالَ: ادْعُونِي، أَسْتَجِبْ لَكُمْ، (۲۰۰) يَا مَنْ قَالَ: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ أَعْجِبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ، فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي، وَ لِيُؤْمِنُوا بِي، لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. (۲۰۱) وَ يَا مَنْ قَالَ: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (۲۰۲)، لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، هَا، إِنَّا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، أَلْمُسْرِفُ، وَ أَعْنَتِ الْقَائِلُ: لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.

- صداها تنها به سوی تو بلند، و چهره ها تنها در برابر تو فروتن، و گردن‌ها فقط برای تو خاضع هستند، و داوری در اعمال تنها به درگاه توست. ای بهترین کسی که از او درخواست می شود، و بهترین کسی که عطا می فرمایی، ای راستگو، ای نیکوکار، ای کسی که خلف وعده نمی فرمایی، ای کسی که دستور دعا کردن و وعده اجابت دادی، ای کسی که فرمودی: مرا بخوانید، تا دعای شما را اجابت نمایم. ای کسی که فرمودی: و هرگاه که بندگانم درباره من درخواست نمایند، [بگو] که همانا من نزدیکم و دعای دعا کنندگان را هرگاه که مرا بخوانند اجابت می نمایم، پس باید آنان [یعنی بندگان] دعوت مرا پذیرفته و به من ایمان آورند، امید آنکه که رهنمون گردند. و ای کسی که فرمودی: ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف نمودید، از رحمت خدا نومید نشوید، که بی گمان خداوند همه گناهان را می آمرزد، براستی که اوست بسیار آمرزنده مهربان. آری و آری، هان، اینک من همان اسراف کننده [بر نفس خویش] هستم، و تو فرموده ای که: از رحمت خدا نومید نشوید، براستی که خداوند همه گناهان را می آمرزد.

بعد از این دعا، به راست و چپ نظر انداخت و بعد فرمود: آیا می دانید که امیرالمؤمنین - علیه افضل السلام - در سجده شکر چه می فرمود؟ عرض کردیم: چه چیزی می فرمود؟ فرمود: آن بزرگوار می فرمودند:

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا سَعَةً وَ عَطَاءً، يَا مَنْ لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلٌّ، لَا تَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَعَنْ تَفْعَلْ بِي الَّذِي أَعْنَتَ أَهْلُهُ، [فَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ، يَا رَبِّ، يَا اللَّهُ، لَا تَفْعَلْ بِي الَّذِي أَعْنَا أَهْلُهُ، فَإِنِّي أَهْلُ الْعُفُوبَةِ] وَ قَدْ اسْتَحَقَّقْتُهَا، لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ، أَيْبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا، وَ أَعْتَرِفُ بِهَا كَيْ تَعْفُو عَنِّي، وَ أَعْنَتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، أَيْبُوءُ لَكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَدْبَبْتُهُ وَ كُلِّ خَطِيئَةٍ اخْتَمَلْتُهَا [يَا: أَعْطَاءْتُهَا]، وَ كُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا، رَبِّ، اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ [الْأَجَلُّ] الْأَكْرَمُ.

- ای خدایی که بسیار دعا کردن جز بر گسترش [عنایت] و عطای او نمی افزاید، ای کسی که گنجینه هایش تمام نمی شود، ای کسی که گنجینه های آسمان و زمین از آن اوست، ای خدایی که گنجینه های تمام امور کوچک و بزرگ برای اوست؛ بدی من جلوی احسان و نیکی تو را نگیرد که آنچه را که شایسته آن هستی به من روا داری، [زیرا تو اهل بخشش و بزرگواری و عفو و گذشت هستی. ای پروردگار من، ای خدا، با من آنچه را که سزاوارم مکن، که من زبیده عذاب هستم،] و اینک مستحقّ عقوبت توام، و حجّت و دلیلی و عُذری در نزد تو ندارم، به همه گناهانم در نزد تو اقرار و اعتراف می کنم تا از من درگذری. و تو نسبت به من از خودم آگاهتر هستی، در درگاه تو به هر گناهی که کردم و هر بدی که مرتکب شدم و هر بدی که انجام دادم اقرار می نمایم، پروردگارا، بیامرزش و رحم آر، و از تمام آنچه می دانی درگذر، که تو سرافرازترین [بزرگترین] و بزرگوارترین هستی. بعد بپا خاست و داخل طواف شد، و ما نیز به خاطر قیام او ایستادیم، فردا نیز در همان وقت بازگشت و باز ما به خاطر روی آمدن او به سوی ما مانند گذشته بپا خاستیم، و او در وسط مجلس نشست و به راست و چپ نظر افکند و فرمود: علیّ بن الحسین، (علیهماالسلام) سرور عبادت کنندگان پیوسته در سجده اش در همین جا - و با دست به حِجْرِ اسماعیل زیر ناودان اشاره فرمود - می فرمودند:

بَيِّدُكَ بِفِنَائِكَ، مِسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ، فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ، [سَأَلْتُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ.

- بنده کوچک تو در آستانه توست، مسکین و بیچاره ات در درگاه توست، نیازمند به تو در درگاه توست، [سائل تو در آستانه توست]، و از تو آنچه را که غیر تو بر آن قادر نیست، درخواست می نماید.

سپس به راست و چپ نظر انداخت و از میان ما به محمد بن قاسم نگریست و فرمود: ای محمد بن قاسم، ان شاء الله تو بر عقیده خوبی هستی، و محمد بن قاسم به این امر [یعنی تشیع و ولایت ائمه (علیهم السلام)] اعتقاد داشت.

بعد بپا خاست و داخل طواف شد و هیچ کدام از ما نبود که دعایی را که ذکر کرده بود به یاد نداشته باشیم، ولی همگی از یادمان رفت که این امر را به یاد یکدیگر آوردیم تا اینکه در آخر آن روز ابوعلی محمودی گفت: ای قوم، آیا این شخص را می شناسید، به خدا سوگند، این صاحب زمان شماست، گفتیم: ای اباعلی، چگونه دانستی؟

وی گفت که مدّت هفت سال به درگاه پروردگارش دعا می نموده و درخواست می کرده که صاحب الزمان را به او نشان دهد. و نیز گفت: عصر روز عرفه با دوستان گرد هم بودیم، ناگهان درست همان مرد را دیدم که دعایی را که من نیز حفظ بودم، می خواند، از او پرسیدم: کیستی؟ فرمود: از مردم. گفتم: از کدامین مردم؟ فرمود: از عرب. عرض کردم: از کدام عرب؟ فرمود: از برترین آنها. عرض کردم: آنان کیانند؟ فرمود: بنی هاشم. عرض کردم: از کدام بنی هاشم؟ فرمود: از بلندمرتبه ترین و ناب ترین آنها، عرض کردم: از چه کسی؟ فرمود: از کسی که سرهای کافران را می شکافت، و نیازمندان را اطعام می نمود، و در حالی که مردم در خواب بودند شبها به نماز مشغول می شد. دانستم که علویّ است و به همین خاطر او را دوست داشتم. سپس او را از پیش

رُؤیم گم کردم ، و ندانستم که چگونه رفت . از مردمی که گرداگردِ او بودند پرسیدم : آیا این علوی را می شناسید؟ گفتند: بله ، هر سال با ما پیاده حجّ بجا می آورد. از روی تعجّب ، به خود گفتم : سبحان الله ، به خدا سوگند، که من اثر و ردّ پای شخصی را نمی بینم . تا اینکه غمگین و اندوهگین بر فراقش به سوی مُزْدَلَفَه روانه شدم ، و آن شب را خوابیدم ، ناگهان رسول خدا ( ص ) را دیدم . به من فرمود: ای احمد، کسی را که می خواستی دیدی ؟ عرض کردم : ای آقای من ، چه کسی را؟ فرمود: کسی را که عصر و شام گذشته دیدی ، صاحب زمان تو بود.

وقتی ما این جریان را از وی شنیدیم ، او را سرزنش کردیم که چرا ما را آگاه ننمودی ، وی گفت : این امر را زمانی که به ما بازگو کرد فراموش نموده بود.

توضیح یک نکته از حدیث گذشته

درباره این سخن در حدیث گذشته که : حضرت دو لنگِ ناصح داشت از بعضی از اهل حجاز پرسیدیم . وی گفت : لباسهایی از یَمَن آورده می شود که بدان ناصح گفته می شود، و آنها را گاهی سفید و گاهی رنگارنگ درست می کنند. و صاحب کتاب اءَلَصَّاحُ فِی اللُّغَةِ گفته که ناصح بانون والف ، وصاد وحاء بدون نقطه یعنی خالص .(۲۰۳)

دعا برای جبران غفلتها و گناهان قلبی در نماز

۲۵ - از دیگر تعقیبات مهمّ بعد از فراغت از نمازها، جهت تلافی و جبران غفلتها و گناهان قلبی که در نماز حاصل می شود، خواندن دعایی است که در کتاب احمد بن عبدالله بن خانبه آمده ، هم او که جدّ سعیدم ابوجعفر طوسی در کتاب الفهرست ذکر کرده که از اصحاب مورد اعتماد ماست ، و عمل به دعاهایی که کتابش متضمّن آن است ، روایت شده است (۲۰۴). سعید بن عبدالله اشعری می گوید: احمد بن عبدالله بن خانبه کتابش را بر مولایمان ابی محمد حسن بن علی بن محمد عسکری (ع) عرضه کرد، و حضرتش آن را قرائت نمود، و فرمود: صحیح است و بدان عمل کنید.

احمد بن خانبه در کتابی که بدان اشاره شد و در زمینه دعا و مناجات است ، گفته است : نمازگزار بعد از فراغت از نماز بگوید: اءَللّٰهُمَّ، لَكَ صَلَّيْتُ، وَ اِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَ فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي مَا عَلِمْتُ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَةِ وَ السَّهْوِ وَ الْغَفْلَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفُتْرَةِ وَ النَّسْيَانِ وَ الْمُدَافَعَةِ وَ الرِّيَاءِ وَ السُّمُوعَةِ وَ الرِّيْبِ وَ الْفِكْرِ [يا: اءَلْفِكْرَةَ] وَ الشَّكِّ وَ الْمَشْغَلَةِ [وَ الشَّيْئَةِ] وَ اللَّحْظَةِ الْمُلْهِيَةِ عَنْ اِقَامَةِ فَرَايِضِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ مَكَانَ نُقْصَانِهَا تَمَامًا، وَ عَجَلَتِي تَثْبِيثًا وَ تَمَكُّنًا، وَ سَهْوِي تَيَقُّظًا، وَ غَفْلَتِي تَذَكُّرًا، وَ كَسَلِي نَشَاطًا، وَ فُتُورِي قُوَّةً، وَ نِسْيَانِي مُحَافَظَةً، وَ مُدَافَعَتِي مُوَاطَبَةً، وَ رِيَاءِي اِخْلَاصًا، وَ سُمْعَتِي تَسْتُرًا، وَ رِيْبِي بَيَانًا، وَ فِكْرِي خُشُوعًا، وَ شَكِّي يَقِيْنًا، وَ تَشَاغُلِي فَرَاغًا، وَ لِحَاطِي خُشُوعًا، فَاِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ، وَ اِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَ وَجْهَكَ اَعْرَدْتُ، وَ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ طَلَبْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَهً تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي ، وَ تُضَاعِفُ بِهَا حَسَنَاتِي ، وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي ، وَ تُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي ، وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي ، وَ تَحْطُ بِهَا وَزْرِي ، وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا يَنْقَطِعُ عَنِّي .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی قَضٰی عَنّی صَلَاتِی اِنَّ الصَّلَاةَ کَانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ کِتَابًا مَّوْقُوتًا (۲۰۵) یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِہَذَا، وَ مَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنَّ هَدَانَا اللّٰهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَعَزَّنَا وَجْہِی عَنِ السُّجُودِ اِلَّا لَکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِہٖ وَ صُنَّہٗ عَنِ الْمَسْأَلَةِ اِلَّا مِنْکَ [یا: لَکَ]، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِہٖ وَ تَقَبَّلْہَا مِنِّیْ بِاَحْسَنِ قَبُولِکَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِی بِنُقْضَانِہَا. وَ مَا سَہِی عَنْہُ قَلْبِی مِنْہَا فَتَمِّمْہُ لِی بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

اَللّٰهُمَّ، فَصَلِّ [یا: صَلِّ] عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، اُولٰی الْأَمْرِ الَّذِیْنَ اَعَمَّرْتَ بِطَاعَتِہُمْ، وَ اُولٰی الْأَرْحَامِ الَّذِیْنَ اَعَمَّرْتَ بِصِلَتِہُمْ، وَ ذَوٰی الْقُرْبٰی الَّذِیْنَ اَعَمَّرْتَ بِمَوَدَّتِہُمْ، وَ اَہْلَ الذَّکْرِ الَّذِیْنَ اَعَمَّرْتَ بِمَسْأَلَتِہُمْ، وَ الْمَوَالِی الَّذِیْنَ اَعَمَّرْتَ بِمَوَالَاتِہُمْ وَ مَعْرِفَہٗ حَقِّہُمْ، وَ اَہْلَ الْبَيْتِ الَّذِیْنَ اَذْهَبْتَ عَنْہُمْ الرَّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیرًا، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ثَوَابَ صَلَاتِی وَ ثَوَابَ مَنْطِقِی وَ ثَوَابَ مَجْلِسِی رِضَاکَ وَ الْجَنَّةَ، وَاجْعَلْ ذَلِکَ کُلُّہٗ خَالِصًا مُخْلِصًا یُؤَافِقُ [یا: یُؤَافِی] مِنْکَ رَحْمَةً وَاجِبَةً، وَافْعَلْ فِی جَمِیعِ مَا سَأَلْتُکَ مِنْ خَیْرٍ، وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ، اِنِّی اِلَیْکَ مِنَ الرَّاْغِبِیْنَ، یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، یَا ذَا الْمَنِّ اَلَّتِی لَا یَنْقَطِعُ اَبَدًا، یَا کَرِیْمُ یَا کَرِیْمُ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ اَمَّنَ بِکَ فَہَدِیْتَهُ، وَ تَوَكَّلَ عَلَیْکَ فَکَفَّیْتَهُ، وَ سَأَلَکَ فَاعْطَیْتَهُ، وَ رَغِبَ اِلَیْکَ فَاعْزَضَیْتَهُ، وَ اَخْلَصَ لَکَ فَاعْجَبَیْتَهُ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَخْلِلْنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِکَ، لَا یَمَسُّنَا فِیہَا نَصَبٌ، وَ لَا یَمَسُّنَا فِیہَا لُغُوبٌ.

اَللّٰهُمَّ، اِنِّی اَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الذَّلِیْلِ الْفَقِیْرِ [یا: الْفَقِیْرِ الذَّلِیْلِ]، اَعَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِہٖ، وَ اَعَنْ تَغْفِرَ لِی جَمِیعَ ذُنُوبِی، وَ تَقْلِبْنِی بِقَضَاءِ جَمِیعِ حَوَائِجِی اِلَیْکَ، اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ، اَللّٰهُمَّ، مَا قَصُرَتْ عَنْہُ مَسْأَلَتِی وَ عَجَزَتْ مِنْہُ قُوَّتِی وَ لَمْ تَبْلُغْہُ فِطْنَتِی مِنْ اَعْمَرٍ تَعْلَمُ فِیہِ صَلَاحَ اَعْمَرٍ ذُنُبِیْ وَ اَخِرَتِی، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْہُ بِی یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، بِرَحْمَتِکَ فِی عَافِیَةٍ، مَا شَاءَ اللّٰهُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.

- خداوندا، تنها برای تو نماز گزاردم ، و فقط تو را خواندم ، و در نماز و دعایم هر چه از کاستی و شتاب و سهو و غفلت و تنبلی و سستی و فراموشی و حواس پرتی و ریاء و سمعه و دو دلی و اندیشه و شک و مشغله [یا: عمل زشت و ناپسند] و سرگرمی و نگاه باز دارنده و سرگرم کننده از برپا داشتن فرایضت می دانی ، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و به جای نقص و کاستی آن تمام و کمال قرار ده ، و عجله و شتابم را استواری به ثبات و، و سهوم را به هوشیاری ، و غفلتم را به تذکر و به یاد بودن ، و تنبلی ام را به نشاط و شادابی ، و سستی ام را به نیرومندی ، و فراموشی ام را به حفظ، و حواس پرتی ام را به مواظبت و نگاهداری ، و و ریایم را به اخلاص ، و سمعه ام را به پوشانیدن [اعمالم از مردم ]، و دو دلی ام را به روشنگری ، و اندیشه ام را به فروتنی ، و شکم را به یقین ، و مشغول بودنم را به آسودگی ، و نگاه کردنم را به خشوع و خضوع مبدل گردان . زیرا من تنها برای تو نماز گزاردم ، و فقط تو را خواندم ، و روی [و اسماء و صفات و خشنودی ] تو را اراده نمودم ، و به سوی تو متوجّه شدم ، و به تو ایمان آورده و بر توکل نمودم ، و آنچه را که در نزد توست درخواست نمودم ، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من در نماز و دعایم رحمت و



برکتی قرار ده که بدیها و گناهانم را بدان پوشانده ، و کارهای نیکم را دو چندان گردانده ، و درجه و پایه ام را بالا برده ، و مقام و منزلتم را گرامی ، و رویم را سپید گردانیده ، و بار گناهانم را بریزی . و آنچه را که در نزد توست برای من ، از آنچه که پایان می پذیرد بهتر گردان .

سپاس خداوندی را که نمازم را از سوی من ادا نمود براستی که نماز، نوشته و واجبی با وقت معین برای مؤمنان است . ای مهربانترین مهربانها، سپاس خدایی را که ما را به این رهنمون شد، و اگر خدا هدایت نمی فرمود، ما نمی توانستیم هدایت پذیر گردیم . ستایش خداوندی را که رویم را از سجده کردن برای غیر خود گرامی داشت . خداوندا، چنانکه رویم را از کرنش نمودن برای غیر خود گرامی داشته ای ، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و آن را از مسألت نمودن از غیر خود محفوظ بدار. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و نمازم را از من با نیکوترین پذیرش بپذیر، و مرا به کمبود و کاستی آن مؤاخذه فرما، و آنچه که دلم از آن سهو نموده به رحمت کامل گردان . ای مهربانترین مهربانها.

خداوندا، [پس ] بر محمد و آل محمد درود فرست ، همان فرمانروایانی که به پیروی از آنان دستور داده ای ، و خویشاوندانی که امر به رسیدگی آنان فرموده ای ، و نزدیکان [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ] که به مودت و مهربانی ایشان فرمان داده ای ، و اهل ذکری که دستور به پرسیدن از ایشان داده ای ، و سروران و سرپرستانی که به موالات و دوستی و شناختن حقشان دستور داده ای ، و اهل بیتی که پلیدی را از ایشان دور و به گونه ویژه ای پاکیزه شان نمودی . خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و ثواب نمازم و ثواب گفتارم و ثواب نشستیم را خشنودی ات و بهشت قرار ده ، و همه اینها را خالص و پاکیزه و بی آلایش گردان ، به گونه ای که با رحمت و اجابتی از جانب تو سازگار گردد، و تمام خیراتی را که از تو درخواست نمودم درباره من انجام ده ، و از فضل خویش افزون گردان ، بی گمان من به سوی تو میل و رغبت دارم ، ای مهربانترین مهربانها، ای صاحب بخششی که هرگز بخشش ات بریده نمی گردد، ای صاحب نیکی ای که هرگز نیکی ات گسسته نمی گردد، ای صاحب نعمتی که هیچگاه نعمت به شمار در نمی آید، ای بزرگوار، ای بزرگوار، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از کسانی که به تو ایمان آورده ، و در نتیجه هدایشان نمودی ، و بر تو توکل نموده و کفایتشان فرمودی ، و از تو درخواست نموده و عطایشان فرمودی ، و به تو گرایید و خشنودشان گردانیدی ، و [اعمال ] خود را برای تو خالص گردانید و نجاتشان دادی قرار ده ، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به فضل خود ما را در خانه جاودانی ای جای ده که هیچ رنجوری و ستوهی به ما در آن نرسد.

خدایا، از تو همانند درخواست شخص - ذلیل نیازمند [یا: نیازمند ذلیل ] مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و تمام گناهانم را بیامرزی ، و با برآورده نمودن همه خواسته هایم برگردانی ، براستی که تو بر هر چیز توانایی . خداوندا، هر چیزی که درخواستم از آن کوتاه ، و نیرویم از آن ناتوان گشته ، و هوشیاری و ذهنم به آن نرسیده ، در تمام اموری که صلاح امر دنیا و آخرتم را در آن می دانی ، پس بر محمد و آل محمد درود فرست - ای خداوندی که معبودی جز تو نیست ، به حق اینکه معبودی جز تو

نیست - به رحمت همراه با عافیت آن را برای من انجام ده ، آنچه خدا خواست همان می شود، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خدا.

دعای گذشته به روایت دیگر

این دعا از اوّل تا جمله کانتُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً مَوْفُوتاً، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از مولایمان علیّ بن طالب (ع) نیز روایت شده ، و این دو روایت باهم اختلاف دارند. در ادامه روایت امیرالمؤمنین (ع) آمده است : سپس بگو:

یا اَیُّهَا الْمَانِعُ قُدْرَتُهُ خَلَقَهُ، وَالْمَالِکُ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَ الْمُتَسَلِّطُ بِهَا فِی یَدِیْهِ، کُلُّ مَرْجُوٍّ دُونَكَ یُخِیَّبُ رَجَاءً رَاجِیْهِ، وَ رَاجِیْکَ مَسْرُورٌ لَا یُخِیَّبُ، اَسْأَلُكَ بِکُلِّ رِضَا لَكَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ اَنْتَ فِیْهِ، وَ بِکُلِّ شَیْءٍ تُحِبُّ اَنْ تُذْکَرَ بِهِ وَ بِکَ یا اَیُّهَا اللهُ، فَلَیْسَ یَعْدِلُکَ شَیْءٌ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اَنْ تَحُوْطَنِی وَ اِخْوَانِی وَ وُلْدِی ، وَ تَحْفَظَنِی بِحِفْظِکَ، وَ اَنْ تُقْضِیَ حَاجَتِی فِی کَذَا وَ کَذَا.

- ای خداوندی که با قدرتت مخلوقات را منع نموده و به واسطه آن مالک سلطنت و فرمانروایی گشته ، و در دو دست [جمال و جلال] خویش تسلّط و چیرگی داری ، هرکسی غیر تو که به او امید بسته می شود امیدِ امیدوارانش را نومید می گرداند، ولی امیدوار به تو هرگز نومید و محروم نمی گردد. از تو به [حق] هر خشنودیی که از هر چیزی که در آن هستی داری ، و به هر چیزی که دوست داری به آن یاد شوی ، و به تو ای خدا که هیچ چیز با تو برابری نمی کند، درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و من و برادران و فرزندانم را نگاهداری نموده ، و به حفظ خویش محافظت نمایی ، و حاجتم را درباره فلان چیز و فلان چیز برآورده سازی .

و هر خواسته ای داشتی ذکر می کنی ، زیرا روایت شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس این دعا را، بخواند پیش از اینکه از جایش تکان خورده و جای دیگر برود، حاجتش برآورده می شود.

آخرین دعا در تعقیب نماز

۲۶ - از تعقیبات مهمّ خواندن دعایی که است که در پایان تعقیبات و دعاها بعد از نماز خوانده می شود. در روایت آمده که : لازم است این دعا در آخر دعاها خوانده شود:

اَیُّهَا اللهُمَّ، اِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهَیْ اِلَیْکَ، وَ اَقْبَلْتُ بِدُعَائِیْ عَلَیْکَ، رَاجِیاً اِجَابَتَکَ، طَامِعاً فِی مَغْفِرَتِکَ، طَالِباً مَا وَاٰیَتَ بِهٖ عَلَی نَفْسِکَ، مُسْتَنْجِزاً [یا: مُتَنَجِّزاً] وَ عَدَدَکَ، اِذْ تَقُولُ: اٰدْعُوْنِی ، اَسْتَجِبْ لَکُمْ (۲۰۶)، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ ، وَ اَقْبِلْ اِلَیَّ بِوَجْهِکَ، وَ اغْفِرْ لِی ، وَ اَرْحَمْنِی ، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِی ، یا اِلٰهَ الْعٰلَمِیْنَ،

- خداوندا، برآستی که روی و تمام وجودم را به سوی تو نمودم ، و با دعا کردنم بر تو روی آوردم ، در حالی که امید به اجابت ، و طمع در آمرزش داشتی ، و آنچه را خودت بر خودت روا دانسته و وعده داده ای ، درخواست نموده ، و وفای به وعده ات را جویایم .

زیرا خود فرمودی که : مرا بخوانید، تا دعای شما را اجابت نمایم . پس بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به روی [واسماء و

صفات] ات بر من روی آور، و بیامرز و مورد رحمت خویش قرار ده ، و دعایم را مستجاب گردان . ای معبود عالمیان .

سجده شکر، و آداب ظاهری و معنوی آن

۲۷ - وقتی از خواندن این دعا فراغت پیدا کردی ، مانند کسی که آگاهانه سجده می کند، و با خضوع و سجده کردن خواهان قُرب

به خداوندگار و معبودش می باشد، سجده شکر بجا آور، و بسان بنده حقیر [و نیازمندی که خواهان داخل شدن به محضر قرب

مولای عظیم و بزرگ خویش است خود را آماده و مُهیّا نما؛ و حداقل حضور قلب داشته باش و خواطر خود را جمع کن ، و گرنه [اگر

سجده را با حالت غفلت بجا آوری ، مانند کسی خواهی بود که به هلاکت گرفتار شده ، و یا خود را به خطر انداخته است ، ببین

سجده مولایمان امام کاظم (ع) را که برای تو روایت خواهیم نمود چگونه بوده و چه ذلّت و خاکساری و بندگی ای را دربرداشته

است . و حضرتش الگویی است که بندگان را به سوی خداوند - جلّ جلاله - خوانده و رهنمون می گردد، و نگو که : من توان

پیمودن این راه را ندارم . بلکه به خود بگو: وای بر تو، چگونه می گویی که من نمی توانم ؟ و حال آنکه اگر در پیشگاه پادشاه

بزرگی ایستاده بودی ، مانند بنده ذلیل و خاکسار می شدی ، پس همان گونه که برای بنده ای از بندگانِ مولایت خاکساری می

نمایی ، تذللّ و افتادگی ات برای خدا نیز چنین باشد، که اگر تو او را نمی بینی ، او تو را می بیند. و اگر نمی توانستی ، مانند آن

تذللّ را در برابر بنده ای از بندگانِ سلطانِ عالمیان انجام نمی دادی . و اگر آنان به تو می گفتند که هیچ ترسی از ناحیه ما نداشته

باش و از سوی ما در آمان هستی ، بر تذللّ و خضوع و فروتنی تو در محضرشان افزوده می شد، تا به این وسیله به سوی آنان و

محبّشان تقرب بجویی .

پس حال که مقام و منزلت بنده ای از بندگان در نزد نفسِ تو بالاتر از حرمت سلطان دنیا و آخرت می باشد، خویش را معذور بدان

، و حال که سجده و یزگان درگاه الهی دربردارنده خضوع و فروتنی ای است که ذکرش خواهد آمد، پس شایسته است که تو نیز

صاحب گناهان و جنایات هستی ، بیم و خشوع و فروتنی مضاعف داشته باشی .

سجده شکر امام کاظم (ع) بعد از نماز

۲۸ - در روایت آمده که حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر(ع) به سوی بعضی از املاک او رفتیم تا اینکه حضرت به نماز ظهر

ایستاد وقتی از نماز فراغت پیدا کرد، به سجده رفت ، شنیدم که آن بزرگوار با صدای اندهناک و در حالی که اشکها در چشمش

حلقه زده بود، می فرمود:

رَبِّ، عَصَيْتُكَ بِلِسَانِي ، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَخْرَسْتَنِي ، وَ عَصَيْتُكَ بِبَصَرِي ، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَكْمَهْتَنِي [یا: لَكَمْهَتَنِي] ، وَ

عَصَيْتُكَ بِسَمْعِي ، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَصَمَمْتَنِي ، وَ عَصَيْتُكَ بِبَدَنِي ، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَكَنَعْنَتَنِي ، وَ عَصَيْتُكَ بِرِجْلِي ، وَ لَوْ شِئْتَ

وَعِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي ، وَ عَصِيَّتُكَ بِفَرْجِي ، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَعَقَّمْتَنِي ، وَ عَصِيَّتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ ، وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاؤُكَ مِنِّي .

- پروردگار، با زبانم از تو نافرمانی نمودم به عزّت سوگند اگر خواسته بودی مسلماً لالم نموده بودی ، و با دیده ام معصیت تو را نمودم ، به عزّت سوگند، اگر خواسته بودی بی گمان نابینایم فرموده بودی ، و با گوشم نافرمانی تو را نمودم ، به سربلندی ات سوگند، اگر مشیّت تعلّق گرفته بود حتماً ناشنوایم نموده بودی ، و با دستم معصیت تو را نمودم ، به سرافرازی ات سوگند، اگر خواسته بودی مسلماً دست مرا شل و خشک فرموده بودی ، و با پایم معصیت نمودم ، به عزّت سوگند اگر خواسته بودی آن را قطع [و یا به بیماری جذام گرفتارم ] نموده بودی ، و با عورتم معصیت تو را نمودم ، به عزّت سوگند اگر می خواستی مسلماً نازایم می فرمودی ، و با تمام اعضاء و جوارحم که آنها را من ارزانی داشتی گناه تو را نمودم ، و این پاداش مناسب تو نبود.

راوی گوید: شمردم حضرت هزار بار اءَلْعَفُوْ اءَلْعَفُوْ فرمود، سپس طرف راست صورت خود را بر زمین گذاشت ، و شنیدم که با صدای حزن آلود سه بار فرمود:

بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي ، عَمِلْتُ سُوءًا ، وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، فَاعْفِرْ لِي ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ ، يَا مَوْلَايَ ، [یا مَوْلَايَ.]

- به گناهم در نزد اعتراف نمودم ، عمل زشت انجام دادم و به خود ستم نمودم ، پس مرا بیامرز، که جز تو گناهان را نمی آمرزد، ای مولای من ، [ای آقای من ].

سپس طرف چپ صورت خود را به زمین گذاشت . شنیدم که سه بار فرمود:

إِرْحَمْ مَنْ اءَسَاءَ وَ اَقْتَرَفَ ، وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ .

- رحم آر بر کسی که عمل بد انجام داده و مرتکب گناه شد، و فروتنی و خاکساری نموده و اعتراف کرد.

سپس سر از سجده برداشت .

اعمال بعد از سجده شکر

۲۹ - وقتی سر از سجده برداشتی ، آنچه را که در روایت آمده که : پیامبر اکرم ( ص ) هماره وقتی می خواست از جایی که نماز خوانده بود بر خیزد، دست راستش را بر پیشانی اش می کشید و می فرمود:

لَكَ الْحَمْدُ ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، اِذْهَبْ عَنِّي الْغَمَّ وَ الْحُزْنَ وَ الْفِتَنَ ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ .

- حمد و ستایش تنها تو راست ، و معبودی جز تو که آگاه به نهان و آشکار، و رحمت گستر و مهربان [ویژه به مؤمنان ] هستی ، وجود ندارد، غم و اندوه و فتنه ها و گرفتاریها و امتحانات آشکار و نهان را از من برطرف فرما.

و فرمود: هیچ یک از امت من این را نمی گوید، مگر آنکه خداوند هر چه می خواهد به او عطا می فرماید.

و نیز در حدیث دیگری آمده است که : وقتی خواستی این کلمات را بگویی ، سه بار دست راست خویش را بر جای سجده ات بکش و در هر بار دست را بر صورتت بکش ، و در هر بار کلمات مذکور را بگو.

۳۰ - اگر درد و بیماری داشته باشی ، آنچه را که از امام صادق (ع) روایت شده انجام بده ، که حضرت (ع) فرمود: دعایی است که در تعقیب هر نمازی که می خواهی از آن خارج گردی ، خوانده می شود. پس اگر درد و بیماری داشتی وقتی نمازت را تمام کردی ، دستت را بر سجده گاهت از زمین بکش و این دعا را بخوان ، و هفت بار دستت را بر جای درد بکش ، و در آن حال بگو:

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا، [وَ ارْزُقْنِي كَذَا وَ كَذَا]، وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا.

- ای خدایی که زمین را بر روی آب [و هوا] گسترانیده و آن را پوشاندی ، و هوا را با آسمان بر بسته و مسدود نمودی ، و نیکوترین نامها [و کمالات] را برای خویش برگزیدی ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به من چنین و چنان کن ، [و فلان چیز و فلان چیز را روزی ام گردان] ، و از فلان چیز و فلان چیز عافیت بخش .

۳۱ - همچنین جدّ سعیدم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - فرمود: و مستحبّ است که نمازگزار در سجده شکر برای برادران مؤمن خود دعا نماید، و نیز بگوید:

اَللّٰهُمَّ، رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيْلِ الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ، وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَفْعَلْ بِي وَ بِفُلَانٍ مَا أَعْنَتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ - خداوندا، ای پروردگار سپیده دم [روز دهم ذی الحجه] و شبهای دهگانه [نخست ذی الحجه] و آن [روز] زوج و فرد [یعنی روز ترویه که زوج هشتم ذی الحجه است و روز عرفه که فرد و نهم ذی الحجه می بارد] و پروردگار آخر شب و پروردگار هر چیز و معبود تمام اشیاء و آفریننده تمام موجودات و فرمانروای و هرچیز، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به من و به فلانی هر چه را که خود زبینه آن هستی بکن ، و آنچه را که ما سزاوار آنیم مکن ، که تو اهل تقوی و نگاهداری و زبینه آمرزش می باشی .

سپس سر از سجده بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ، اَعْطِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ السَّعَادَةَ فِي الرُّشْدِ وَ اِيْمَانَ الْيُسْرِ وَ فَضِيْلَةً فِي النِّعَمِ وَ هِنَاءَةً فِي الْعِلْمِ، حَتَّى تُشَرِّفَهُمْ عَلَى كُلِّ شَرِيْفٍ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ صَاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، لَمْ يَخْذُلْنِي عِنْدَ شَدِيْدَةٍ، وَ لَمْ يَفْضَحْنِي [سوء] بِسَرِيْرَةٍ، (۲۰۷) فَلَيْسِيْدِي الْحَمْدُ كَثِيْرًا.

- خداوندا، نیکبختی در رشد و هدایت ، و راحتی ایمان ، برتری در نعمتها، و گوارایی بدون سختی و رنج در دانش را به محمد و آل محمد عطا فرما، تا اینکه آنان را بر هر بزرگی برتری دهی . ستایش خدا را، [که] سرپرست هر نعمت ، و صاحب هر نیکی ، و

منتتهای هر میل و رغبت است ، [هم او که ] در هر سختی و ناگواری مرا بی یاور نگذاشت ، و به واسطه باطن و درون [و صفات  
بد] مرا رسوا نمود، پس ستایش فراوان تنها برای آقا و سرورم می باشد.

سپس بگو:

اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِيْ وَ لَمْ اَكُنْ شَيْئًا مُّذْكَوْرًا، رَبِّ، اَعِنِّيْ عَلٰى اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَ نَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَ كُرْبَاتِ الْاٰخِرَةِ  
وَ مُصِيبَاتِ الْاَلْيَالِي وَ الْاَيَّامِ، وَ اَكْفِنِيْ شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُوْنَ فِي الْاَرْضِ، وَ فِي سَفَرِيْ فَاصْحَبْنِيْ ، وَ فِي اَهْلِيْ فَاخْلُفْنِيْ ، وَ فِيمَا  
رَزَقْتَنِيْ فَبَارِكْ لِيْ ، وَ فِي نَفْسِيْ لَكَ فَذَلِّلْنِيْ ، وَ فِي اَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِيْ ، وَ اِلَيْكَ فَحَبِّبْنِيْ ، وَ بِذُنُوْبِيْ فَلَا تَفْضَحْنِيْ ، وَ بِعَمَلِيْ فَلَا  
تَبْتَلْنِيْ ، وَ بِسِرِّيْرَتِيْ فَلَا تُخْزِنِيْ ، وَ مِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَالْاِنْسِ فَسَلِّمْنِيْ ، وَلِمَحَاسِنِ الْاَخْلَاقِ فَوْقِّفْنِيْ ، وَ مِنْ مَسَاوِي الْاَخْلَاقِ فَجَنِّبْنِيْ .  
اِلَى مَنْ تَكَلَّمْنِيْ يَا رَبَّ الْمُسْتَضْعِفِيْنَ، وَ اَنْتَ رَبِّيْ ؟ اِلَى عَدُوِّ مَلَكْتَهُ اَمْرِيْ ، اَمَّ اِلَى بَعِيْدٍ فَيَتَهَبَّجُمْنِيْ [يا: فَيَتَجَهَّمْنِيْ ] فَاِنْ لَمْ تَكُنْ  
غَضِبْتَ عَلَيَّ يَا رَبَّ فَلَا اُبَالِيْ ، غَيْرَ اَنَّ عَافِيَتَكَ اَعْوَسُ لِيْ وَ اَحَبُّ اِلَيَّ. اَعُوْذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ الَّذِيْ اَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ،  
وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَةُ، وَ صَلَحَ عَلَيْهِ اَمْرُ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ، مِنْ اَنَّ يَحُلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ، اَوْ يَنْزِلَ بِيْ سَخَطُكَ، لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضٰى  
وَ بَعْدَ الرِّضَا، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ.

- خداوندا، سپاس تو را همان گونه که مرا آفریدی در حالی که هیچ چیز قابل ذکر نبودم . پروردگار، مرا بر هول و هراسهای دنیا و  
مصیبتهای روزگار و گرفتاریهای زمانه و ناراحتیهای گلوگیر آخرت و مصیبتهای شبانه روز یاری فرما، و از شر آنچه که ستمگران در  
زمین انجام می دهند کفایت فرما، و در سفرم همراه من ، و در خانواده ام جانشین من باش ، و آنچه را به من روزی دادی پر خیر و  
برکت گردان ، و مرا در نزد خویش ذلیل ، و در چشم مردم بزرگ گردان . و در نزد خود مرا محبوب نما، و به واسطه گناهانم  
مفتضح ، و به جهت کردارم گرفتارم ، و به واسطه درون [و صفات بدم ] رسوایم مفرما، و از شرّ جنّ و انس سلامتم بدار، و به  
اخلاق نیکو مؤقّم گردان ، و از اخلاق ناپسند دورم بدار.

ای پروردگار ناتوانان ، مرا به چه کسی مرا واگذار می کنی ، در حالی که تو پروردگار من هستی ؟ (آیا) به دشمن [و شیطان] ای که  
مالک امرم گردانیده ای ، یا به شخص دوری بر من هجوم آورد [یا: که با روی ناخوش با من برخورد کند]؟! پس ای پروردگار من ،  
اگر تو بر من خشم نگیری ، با کی ندارم ، جز اینکه عافیت تو برای من وسیعتر و دوست داشتنی تر است . پناه می برم به روی [و  
اسماء و صفات ] بزرگواری که آسمانها و زمین بدان روشن گردیده ، و تاریکی به واسطه آن برطرف شده ، و امر اولین و آخرین  
بدان شایسته و درست گشته ، از اینکه مشمول غضبت گردم ، یا خشم بر من فرود آید. ستایش مخصوص توست تا اینکه خشنود  
گردی ، و [تا حتّی ] بعد از خشنودی ات . و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به تو.

فضیلت نماز واقعی از دیدگاه روایت

اینک فضیلت نماز کسانی را که به تدبیر خداوند - جلّ جلاله - راضی و خرسند هستند، و به شرطها و پیمانهای خود با خداوند - جلّ جلاله - وفا می کنند، ذکر می کنیم :

در روایت آمده که ابن عباس گفت : رسول خدا(ص) فرمود: خداوند متعال فرشته ای دارد که سخائیل [یا: سنحائیل] نامیده می شود، که وقت هر نماز برائت های نماز گزاران را از پروردگار عالمیان - جلّ جلاله - می گیرد.

پس وقتی مؤمنین صبح بپا خاسته و وضو گرفته و نماز صبح را خواندند، برائتی از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می ستاند که در آن نوشته شده است : منم خداوند باقی و پایدار، بندگان و کنیزان من ، شما را در حرز و حراست خود قرار داده و در حفظ و تحت کف و حمایت گردانیدم . به عزّت سوگند، هرگز شما را بی یاور نخواهم گذاشت ، و تا ظهر گناهانتان آمرزیده است .

و هنگامی که ظهر شد و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت دوّم را از خدا - عزّوجلّ - برای آنان می گیرد، که در آن نوشته شده : منم خداوند قادر و توانا، ای بندگان و کنیزان من ، گناهان شما را به کارهای نیک مبدّل گردانیده ، و بدیهایتان را آمرزیدم ، و به واسطه خشنودی ام ، شما را در خانه جلال و عظمت داخل گردانیدم .

و هنگامی که عصر شد و بپا خاستند و وضو گرفتند و نماز خواندند، برائت سوّم را از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می گیرد که در آن نوشته شده : منم خداوند جلیل و بزرگوار، که یادم بزرگ و پاک ، و سلطنت و پادشاهی ام عظیم است . بندگان و کنیزان من ، بدنهای شما را بر آتش حرام گردانیده و شما را در جایگاه ابرار و نیکان جای دادم ، و به رحمت خویش شرّ اشرار را از شما دور نمودم .

و هنگامی که وقت نماز مغرب شد، و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت چهارم را از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می گیرد که در آن نوشته شده : منم خداوند جبار بزرگ متعال ، بندگان و کنیزان من ، فرشتگانم از نزد شما با خرسندی و خشنودی به بالا آمدند، و بر من سزاوار است که شما را خشنود و خرسند گردانم و هرچه را که آرزو دارید در روز قیامت به شما عطا کنم .

و هنگامی که وقت نماز عشا رسید و آنان بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت پنجم را از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می گیرد که در آن نوشته شده : منم خدایی که معبودی جز من نیست و پروردگاری جز من وجود ندارد. بندگان و کنیزان من ، در خانه هایتان طهارت نموده ، و به خانه های من و مساجد رفتید، و مستغرق در ذکر و یاد من شده ، و حقّ مرا شناختید، و نمازهایی که بر شما واجب کرده بودم ادا نمودید، تو را گواه می گیرم ای سنحائیل و ای سایر [و یا: همه] فرشتگانم ، براستی که من از آنان خرسند و خشنود گردیدم .

حضرت فرمود: آنگاه سنحائیل هر شب بعد از نماز عشا سه بار ندا می کند: ای فرشتگان خدا، براستی که خداوند - تبارک و تعالی - نمازگزاران مَوْحِد را آمرزید. پس هیچ فرشته ای در آسمانهای هفتگانه نمی ماند مگر اینکه برای نمازگزاران طلب آمرزش و استغفار می نماید و برای آنان به مداومت بر نمازگزاردن دعا می کند.

پس هر بنده (زن و یا مرد) که نماز شب روزی اش شده ، و با اخلاص برای خدا بپا خاسته و وضوی کامل گرفته و با نیت صادق و قلب سلیم و بدن فروتن و چشم اشکبار برای خداوند - عزوجلّ - نماز بخواند، خداوند تبارک در پشت او نه صف از فرشتگان را قرار می دهد، که در هر صف عده ای که شماره اش را جز خداوند - تبارک و تعالی - نمی تواند بشمارد قرار می گیرند، یک طرف صف در مشرق و دیگری در مغرب قرار دارد. حضرت فرمود: پس وقتی وی از نماز فراغت پیدا کرد، به عدد آنان برای او درجه و پایه ایمانی نوشته می شود.

راوی حدیث منصور می گوید: وقتی ربیع بن بدر این حدیث را نقل می کرد، می گفت : کجایی تو ای کسی که از این کَرَم و بزرگواری غفلت داری ؟ و کجایی از این برخاستن و عبادت در شب ، و از این پاداش فراوان و بزرگ ، و از این کرامت و بخشش ؟ توضیح نکاتی چند درباره حدیث گذشته

مبادا گمان کنی به کسی که با حالت غفلت از خداوند - جلّ جلاله - و همراه با خوار و کوچک شمردن حُرمت خداوند - جلّ جلاله - نماز می خواند نیز این گونه عطا و بخشش می شود، زیرا همان گونه که پیش از این توجّه دادیم نماز این دسته ، از بدیها و گناهان محسوب می شود و بنده در هنگام فراغت از این گونه نمازها نیازمند به درخواست عفو و گذشت از درگاه الهی است . آیا نمی بینی که در همین حدیث چگونه خداوند درباره نمازگزارانی که آن نویدها و آن جُود و بخشش وعده داده شده می فرماید: براستی که فرشتگانم از نزد شما با خشنودی و رضایت بالا آمدند. و تو خود می دانی که نفّس تو به تدبیر خداوند نسبت به خود و عیال و آرزوها و حالات خشنود نیست .

و همچنین در آن قسمت حدیث که می فرماید: مستغرق در ذکر و یاد من شده و حَقَم را شناخته و نمازهایی را که بر شما واجب کرده بودم ادا نمودید. و تو می دانی که در بیشتر اوقات مستغرق در یاد دنیا هستی ، و نسبت به حقّ خداوند - جلّ جلاله - معرفت نداری ، و حداقلّ آن را مانند بجا آوردن حقّ برخی از بندگان خدا که در نزدت عزیز و ارجمند است ، انجام نمی دهی .

و نیز آنجا که پیرامون نماز نافله شب می فرماید که : با قلب سلیم و بدن خاشع و فروتن و چشم اشکبار نماز می گزارند. و توجّه داری که اگر حال تو اینچنین نباشد، تمام نمازت ضایع و نابود، و یا جنایت و گناهی است از ناحیه تو.

فصل بیستم : آداب و اسرار و تعقیبات نافله های نماز عصر

اهمّیت دعا‌های وارده در تعقیب نافله های عصر



دعاهایی که برای نافله های نماز عصر ذکر می کنیم ، دعاهایی است که مورد نظر پروردگار است ، و هرکس آنها را بخواند در مقام استجابت قرار می گیرد، لذا باید در اواخر آنها ذکر حوایج مهم را مغتنم شمرد.

### کیفیت انجام نوافل عصر

وقتی بنده از تعقیب نماز ظهر به همان صورت که شرح دادیم فراغت پیدا کرد، برای انجام نافله های نماز عصر بپا می خیزد، و هر دو رکعت آن را به این نیت آغاز می کند که : دو رکعت نماز مستحبی بجا می آورم ، تا بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زیبنده پرستش است عبادت نمایم و تکبیره الاحرام و اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ می گوید و بعد سوره حمد و بعد از آن هر سوره قرآن را که خواست می خواند، و اگر در هر رکعت همراه با حمد، سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ، و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ ، و آیه الكرسي را بخواند، پیش از این یعنی هنگام ذکر نافله های نماز ظهر - فضیلت آن را یادآور شده و راه عمل به آن را تسهیل نمودیم - بهتر خواهد بود.

وقتی بنده سلام دو رکعت اول از نوافل عصر را گفت و تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام) را به همان کیفیت که گفتیم بجا آورد، بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اِنَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ الْعَلِيْمُ الْعَظِيْمُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيْعُ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْكَرِيْمُ، وَ لَكَ الْمَنْ وَ لَكَ الْجُودُ وَالْاَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا وَاحِدُ، يَا اَعَدَّ، يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَعَدَّ، وَ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَافْعَلْ بِيْ كَذَا وَ كَذَا.

- خداوندا، همانا معبودی جز تو که زنده و پاینده [و بر پا دارنده مخلوقات] و آگاه و بزرگ و بردبار و بزرگوار و آفریننده و روزی دهنده و زنده کننده و میراننده و آغاز کننده و نو آفرین هستی ، وجود ندارد. حمد و سپاس از آن توست ، و بزرگواری تو راست ، و منت و بخشش برای توست ، و جود و امر [و دستور، و یا: عالم امر] تنها برای توست و شریکی برای تو نیست . ای یگانه ، ای بی همتا، ای بی نیاز، ای کسی که نه زاده ای و نه زاده شده ای و هیچ کس همتای تو نیست ، و هیچ کس را نه به زنی و نه به فرزندی گرفته ای ، بر محمد و آل محمد درود فرست و به من چنین و چنان کن .

سپس بگوید:

يَا عُدَّتِيْ فِيْ كُرْبَتِيْ ، يَا صَاحِبِيْ فِيْ شِدَّتِيْ ، يَا مُوَسِّئِيْ فِيْ وَحْشَتِيْ [يا: وَحْدَتِيْ] ، وَ يَا وَلِيَّ نِعْمَتِيْ ، وَ يَا اِلٰهِيْ وَ اِلٰهَ اَبَائِيْ الْاَوَّلِيْنَ، اِبْرَاهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ وَ اِسْحٰقَ وَ يَعْقُوْبَ وَ الْاَسْبَاطِ، وَ رَبَّ مُوسٰى وَ عِيسٰى وَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ - عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَافْعَلْ بِيْ كَذَا وَ كَذَا.

- ای توشه و ذخیره من در هنگام ناراحتی سخت ، ای همراه من در هنگام سختی ، ای انیس و مونس من در حال تنهایی ، ای سرپرست نعمت من ، و ای معبود من و معبود پدران نخستم حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، و پروردگار حضرت موسی و عیسی و محمد و آل او - علیه و علیهم السّلام - بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به من چنین و چنان کن . و هر خواسته ای که داشت ، ذکر می کند.

دعای بعد از سلام دو رکعت دوّم

در روایتی محمد بن مسلم می گوید: به آن حضرت (۲۰۸) عرض کردم : دعایی به من بیاموز. فرمود: چرا از دعای الحاح غفلت داری ؟ عرض کردم : دعای الحاح کدام است ؟ فرمود:

اَللّٰهُمَّ، رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَ رَبَّ الْأَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ [وَ مَا بَيْنَهُنَّ]، وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، [وَ رَبَّ جِبْرِئِلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ]، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ [يَا: تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ]، [وَ بِهِ تُخَيِّ الْمَوْتَى وَ تُمِيتُ الْأَحْيَاءَ]، [وَ تَرْزُقُ الْأَحْيَاءَ] وَ تَفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمِيعِ، وَ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَ بِهِ اَخْصَيْتَ عَدَدَ الْأَجَالِ وَ وَزَنَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبِحَارِ اَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ، اَعَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

- خداوندا، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه ، و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و هرچه در آنها [و در میان آنها] است ، و پروردگار عرش بزرگ [و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار هفت آیه پی در پی - یعنی سوره حمد - و قرآن بزرگ ،] و پروردگار حضرت محمد خاتم پیامبران ، بر محمد و آل او درود فرست ، به حق اسم اعظم تو که آسمان و زمین بدان برپاست . [و مردگان را به آن زنده می گردانی ، و زندگان را می میرانی ،] [و زندگان را بدان روزی می دهی ] و میان جمع جدایی افکنده ، و میان [امور ویا اشخاص ] جدا و پراکنده گرد می آوری ، و شماره سرآمد عمر و اجل ها و وزن کوهها و پیمانه دریاها را به شماره درمی آوری ، از تو درخواست می نمایم ، ای خداوندی که چنین هستی ، که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و به من چنین و چنان فرمایی .

و حاجتت را بخواه [و در آن الحاح و اصرار نما، که این دعای نَجاح و کامیابی است .

ناگفته نماند که : این دعا در روایت دیگر با الفاظ دیگر و به صورت دیگر روایت شده است .

دعای بعد از سلام دو رکعت سوّم

این دعا را جدّم ابوجعفر طوسی ذکر نموده ، البتّه با این تفاوت که متن دعای حضرت یوسف (ع) را - ذکر نکرده . آنچه که وی - رحمه الله علیه - ذکر فرموده درست به این صورت است :

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَدْعُوْكَ بِمَا دَعَاكَ بِهٖ عَبْدُكَ، [یونس] اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ [یا: تَقْدِرْ] عَلَیْهِ، فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ: اَنْ لَّیْ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، سُبْحَانَكَ، اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّیْتَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذٰلِكَ نُنْجِیْ - یا: تُنْجِیْ - الْمُؤْمِنِیْنَ، فَاِنَّهُ دَعَاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ، وَ اَعْنَا اَدْعُوْكَ وَ اَعْنَا عَبْدُكَ، وَ سَاءَ لَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ، وَ اَعْنَا اَسْأَلُكَ وَ اَعْنَا عَبْدُكَ، اَعَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَسْتَجِیْبَ لِیْ كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ اَدْعُوْكَ بِمَا دَعَاكَ بِهٖ عَبْدُكَ اَیُّوْبُ، اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ، فَدَعَاكَ: اِنِّیْ مَسَّنِی الضُّرُّ، وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ كَشَفْتَ مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ، وَ اَتٰیْتَهُ اَهْلَهٗ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ، فَاِنَّهُ دَعَاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ، وَ اَعْنَا اَسْأَلُكَ وَ اَعْنَا عَبْدُكَ، اَعَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ [وَ اَعَنْ تُفَرِّجُ عَنِّیْ كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ]، وَ اَعَنْ تَسْتَجِیْبَ لِیْ كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ اَدْعُوْكَ بِمَا دَعَاكَ بِهٖ یُوسُفُ، اِذْ فَرَّقْتَ بَیْنَهٗ وَ بَیْنَ اَهْلِهٖ، وَ اِذْ هُوَ فِی السِّجْنِ، فَاِنَّهُ دَعَاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ، وَ اَعْنَا اَدْعُوْكَ وَ اَعْنَا عَبْدُكَ، وَ سَاءَ لَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ، وَ اَعْنَا اَسْأَلُكَ وَ اَعْنَا عَبْدُكَ، اَعَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تُفَرِّجُ عَنِّیْ كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَ اَعَنْ تَسْتَجِیْبَ لِیْ كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، [وَ اَفْعَلْ بِیْ كَذَا وَ كَذَا].

- خداوندا، تو را به آنچه که بنده ات [حضرت یونس] خواند مسألت دارم ، هنگامی که با حالت خشمناک [از عدم هدایت قوم خویش] رهسپار گردید، و گمان کرد که تو بر او تنگ نمی گیری ، پس در تاریکیها ندا کرد که : معبودی جز تو نیست ، پاک و منزّهی تو، براستی که من از ستمکاران هستم پس [دعای] او را اجابت فرموده و از غم و اندوه رهایی دادی ، [و اینچنین مؤمنان را نجات می دهی] ، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من تو را می خوانم و بنده توام ، از تو درخواست نمود و بنده تو بود، و من بنده توام و از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و چنانکه برای او اجابت نمودی برای من نیز اجابت فرمایی ، و تو را به همان دعایی که بنده ات حضرت ایوب خواند می خوانم ، آن هنگام که رنجوری به او رسید، پس دعا کرد: همانا من به رنجوری مبتلا شدم و تو مهربانترین مهربانها می باشی و تو دعای او را اجابت فرموده و رنجوری او را برطرف نموده و خانواده او و همانند آنها را همراه آنان به او عطا فرمودی ، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من تو را می خوانم و بنده توام ، و از تو درخواست نمود در حالی که بنده تو بود، و من بنده توام و از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و چنانکه ناراحتی و مشکل او را گشودی مشکل مرا نیز بگشای ، چنانکه برای او اجابت فرمودی برای من نیز اجابت فرمایی ، و تو را به همان دعایی که حضرت یوسف به آن خواند می خوانم ، آن هنگام که میان او و خانواده اش جدایی انداختی و نیز در حالی که در زندان بود، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من نیز بنده توام و تو را می خوانم ، و او بنده تو بود و از تو مسألت نموده و من نیز بنده توام و از تو درخواست می نمایم ، که بر محمد و آل محمد درود فرستی و چنانکه برای او اجابت فرمودی برای من نیز اجابت فرمایی ، و بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به من چنین و چنان کن .

و حاجت را ذکر می کنی .(۲۰۹)

دعاهای مختلف حضرت یوسف (ع)

اینک می گویم : شاید علت عدم ذکر دعای حضرت یوسف (ع) در این دعا آن بوده که آن بزرگوار دعاهای بسیاری در زندان نموده ، چنانکه در روایتی آمده که از حضرت صادق (ع) درباره دعای حضرت یوسف (ع) پرسیده شد. فرمود: دعایش بسیار بود، لیکن وقتی زندان برای او سخت شد، به درگاه الهی سجده نمود و عرض کرد:

اَللّٰهُمَّ، اِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِيْ عِنْدَكَ، فَلَنْ تَرْفَعَ لِيْ اِلَيْكَ صَوْتًا، فَاَنَا اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ.

– خداوندا، اگر گناهانم مرا در نزد تو بی آبرو نموده ، و مانع آن شده که صدای من به درگاه تو بالا رود، پس من به واسطه آبروی پیرمرد بزرگوار، حضرت یعقوب به سوی تو متوجه می شوم .

سپس امام صادق (ع) گریست و فرمود: درود و رحمت خداوند بر حضرت یعقوب و یوسف (علیهماالسلام). ولی من می گویم : اَللّٰهُمَّ، بِاللّٰهِ وَ بِرَسُوْلِهِ(ص)

– خداوندا، به واسطه قرار دادن تو و رسالت به تو متوجه می شوم .

ناگفته نماند که دیگر – دعای حضرت یوسف (ع) در حدیث دیگر افزون بر این روایت شده . ابن خارجه می گوید: از دگرگونی وضعیتم (۲۱۰) به محضر امام صادق (ع) گله نمودم . فرمود: چرا از دعای حضرت یوسف (ع) غفلت داری ؟ عرض کردم : دعای ایشان چه بود؟ فرمود: او پیوسته می فرمود:

سَكَنَ جِسْمِيْ مِنَ الْبُلُوْی ، وَ سَبَقَنِيْ لِسَانِيْ بِالْخَطِيْئَةِ، فَاِنْ يَكُنْ وَجْهِيْ خَلَقَ عِنْدَكَ، وَ حَجَبَتِ الذُّنُوبُ صَوْتِيْ عَنْكَ، فَاِنِّيْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ.

– جسمم به واسطه بلا و گرفتاری از کار باز ایستاده ، و زبانم به گناه پیشی گرفته ، پس اگر در نزد تو بی آبرو شده ام ، و گناهان مانع رسیدن صدایم به تو شده ، پس به واسطه آبروی پیرمرد بزرگوار حضرت یعقوب به تو متوجه می شوم .

وی می گوید عرض کردم : حضرت یوسف (ع) می گفت : بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ من چه بگویم ؟ فرمود: می گویی : بِوَجْهِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ.

– به آبروی حضرت محمد – که درود خداوند بر او و بر اهل بیت او باد – به تو متوجه می شوم .

گفتنی است که دعای حضرت یوسف (ع) در زندان با الفاظ دیگر نیز نقل شده است .

اما عبارت سَكَنَ جِسْمِيْ مِنَ الْبُلُوْی شاید در اصل شَكَا جِسْمِيْ مِنَ الْبُلُوْی :(جسمم از بلا و گرفتاری به درد آمده و به درگاه تو گله مند است .) بوده ، لیکن من لفظ را به همان صورت که یافتم نقل کردم .

همچنین از بهترین دعاهای حضرت یوسف (ع) در چاه ، دعای است که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که برادران حضرت یوسف – صلوات الله علیه – وی را در چاه انداختند، جبرئیل بر او نازل شد و گفت : ای پسر، چه کسی تو را در این چاه انداخت ؟ فرمود:

برادران پدری ام به من حسد ورزیدند. گفت : آیا می خواهی از این چاه بیرون آیی ؟ فرمود: این امر به دست معبود و خداوند ابراهیم و اسحاق و یعقوب است . جبرئیل گفت : خداوند به تو می فرماید که بگویی :

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ [الْمَنَّانُ] بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ، اَعَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَجْعَلَ لِیْ مِنْ اَمْرِیْ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا، وَ تَرْزُقَنِیْ مِنْ حَيْثُ اَعْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا اَعْتَسِبُ.

- خداوندا، همانا از تو درخواست می نمایم - به [حق] اینکه ستایش مختصّ توست ، [و] معبودی جز تو که [بسیار بخشنده ای و] نوافرین آسمانها و زمین هستی وجود ندارد، ای صاحب بزرگی و بزرگواری - که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و در امر من گشایش و راه بیرون آمدنی قرار دهی ، و چه از آنجا که گمان دارم و چه از آنجا که گمان ندارم ، روزی ام دهی .

علّت اختلاف دعاهاى حضرت یوسف (ع )

اینک می گویم : حضرت یوسف (ع ) به امور گوناگونی امتحان شد، شاید در هر بلا و گرفتاری ، دعا یا دعاهاى داشته ، و چه بسا که آن بزرگوار دو دعای نخست را که پیشتر ذکر نمودیم در زندان عزیز مصر، و دعای سوّم را هنگام محبوس شدن در چاهی بوده که برادرانش وی را بدان انداخته بودند، خوانده است .

دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم

قابل توجّه است که : این دعا، دعای جلیل و عظیمی است ، و ما آن را به چندین سند روایت کرده ایم ، دو طریق آن را در اینجا ذکر می کنیم ، زیرا در الفاظ دعا که به سندهای مختلف نقل شده ، افزونی و کاستی وجود دارد.

اما طریق اوّل اینکه علیّ بن نصر نامه ای به حضرت (۲۱۱) نوشت و از او درخواست نمود که در ذیل آن دعایی مرقوم فرموده و به وی بیاموزد، که در اثر خواندن آن از گناهان محفوظ بماند و نیز جامع بین حوائج دنیا و آخرت باشد. حضرت به خطّ خویش مرقوم فرمود:

يَا مَنْ اَعْظَمَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ عَنِّيْ ، يَا كَرِيْمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوٰی ، وَ يَا مُنْتَهٰی كُلِّ شَكْوٰی ، يَا كَرِيْمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيْمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِیْ ء كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غَايَتَاهُ ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، اَسْأَلُكَ اَعَنْ لَا تَجْعَلَنِیْ فِی النَّارِ.

- ای خدایی که [اعمال و صفات ] زیبا را آشکار نموده و زشت را می پوشانی و پرده دری نمی کنی ، ای کسی که بزرگوارانه در می گذری ، ای نیکوگذشت ، ای صاحب آمرزش گسترده ، ای کسی که دو دستت را به رحمت گشاده ای ، ای صاحب و همدم هر مناجات و سخن درگوشی ، و ای فقهای هر شکایت ، ای بزرگوارانه گذشت کننده ، ای صاحب بخش بزرگ ، ای کسی که پیش از

آنکه انسان استحقاق نعمتی را داشته باشد ابتدائاً شروع به عطا کردن آن می‌کند ، ای پروردگار من ، ای آقای من ، ای مولای من ، ای نهایت [آرزوی] من ، بر محمد و اهل بیتش درود فرست از تو درخواست می‌نمایم که مرا در آتش [جهنم] قرار ندهی .

سپس هرچه که به ذهنت آمد درخواست می‌کند . (۲۱۲)

دعای گذشته به روایت دیگر

جدم ابی جعفر طوسی - رحمه الله - دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم از نافله های عصر را درست به این لفظ آورده که است :

دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم :

یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، یا مَنْ لَمْ یُؤْخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ یَهْتِكِ السُّتْرَ، یا عَظِيمَ الْعَفْوَ، یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، یا صَاحِبَ كُلِّ حَاجَةٍ [یا: نجوی] ، یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، یا مُفَرِّجَ كُلِّ كَرْبَةٍ، یا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، یا کَرِيمَ الصَّفْحِ، یا عَظِيمَ الْمَنِّ، یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، یا رَبَّاهُ ، یا سَيِّداهُ ، یا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ ، اَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ بَعْلَى وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ بَنِي الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ وَ مُوسَى وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الْأَئِمَّةِ الْهَادِيَةِ (عليهم السلام) ، اَعَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَسْأَلُكَ يَا اِلهُ، اَعْلَا تَشَوُّهُ خَلْقِي بِالنَّارِ، وَ اَعَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَعْنَتَ اَهْلُهُ.

- ای خدایی که [اعمال و صفات] زیبا و نیک را آشکار نموده و زشت را می‌پوشانی ، ای خدایی که به گناه نمی‌گیری و مؤاخذه نمی‌کنی و پرده نمی‌دري ، ای صاحب عفو بزرگ ، ای صاحب گذشت زیبا، ای کسی که دو دست [جمال و جلال] خویش را به رحمت گشاده ای ، ای صاحب و همدم هر خواسته [یا: هر سخن در گویی] ، ای صاحب آمرزش گسترده ، ای برطرف کننده هر ناراحتی سخت و گلوگیر، ای درگذرنده از لغزشها، ای بزرگوارانه گذشت کننده ، ای صاحب بخشش بزرگ ، ای کسی که پیش از آنکه انسان استحقاق نعمتها را داشته باشد شروع به عطا کردن آنها و می‌فرمایی ، ای پروردگار من ، ای آقای من ، ای منتهای رغبت من ، به [حق] خود و حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی ، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و حضرت قائم مهدی (عليهم السلام) (که امامان هدایتگر می‌باشند درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و از تو مسألت داریم ای خدا که روی و وجودم را با آتش جهنم زشت نگردانی ، و آنچه را که خود زینده آن هستی به من بکنی .

و هر خواسته ای داشتی ذکر می‌کند . (۲۱۳)

دعای دیگر در تعقیب دو رکعت چهارم از نافله های عصر

همچنین بگو:

اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّىْ حَقًّا حَقًّا، اَنتَ لِكُلِّ عَظِيْمَةٍ وَّ اَنتَ لِهٰذِهِ الْاُمُوْر، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ، وَّ اكْفِنِيْهَا، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ عِنْدِيْ ، يَا قَدِيْمَ الْعَفُوِّ عَلَىَّ، [يا مَنْ لَا غِنَى لِّشَيْءٍ عَنْهُ،] يا مَنْ لَا بُدَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يا مَنْ رَزَقَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ، يا مَنْ مَصِيْرُ كُلِّ شَيْءٍ اِلَيْهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، [وَتَوَلَّنِيْ] وَ لَا تُؤَلَّنِيْ اَحَدًا مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَ كَمَا خَلَقْتَنِيْ فَلَا تُضَيِّعْنِيْ .

اَللّٰهُمَّ، اِنِّىْ اَدْعُوْكَ لَهَمَّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ، وَ لِرَحْمَةٍ [يا: لَفَرَجَةٍ] لَا تُنَالُ اِلَّا بِكَ، [وَ لِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ سِوَاكَ، وَ لِمَغْفِرَةٍ لَا تُبْلَغُ اِلَّا بِكَ] وَ لَا حَاجَةَ لَا يَقْضِيْهَا اِلَّا اَنتَ، اَللّٰهُمَّ، فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ [اِلٰهَامِى الدُّعَاءَ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ] الْاِجَابَةُ فَيَمَا دَعَوْتُكَ لَهُ، وَ النَّجَاةُ فَيَمَا فَرَعْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ، اَللّٰهُمَّ، اِنْ لَا اَعْكُنْ [يا: وَاِنْ لَمْ اَعْكُنْ] اَهْلًا اَعَنْ اَبْلُغْ رَحْمَتَكَ، فَاِنَّ رَحْمَتَكَ اَهْلٌ اَعَنْ تَبْلُغْنِيْ ، لَاِنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَّ اَنَا شَيْءٌ، فَلْتَسَعْنِيْ رَحْمَتُكَ، يَا اِلٰهِيْ ، يَا كَرِيْمُ.

اَللّٰهُمَّ، اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ اَعَنْ تُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ، وَ اَعَنْ تُعْطِنِيْ فَكَأَنَّ رَقَبَتِيْ مِنَ النَّارِ، وَ تُوجِبْ لِيْ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ تُزَوِّجْنِيْ مِنَ الْخُوْرِ الْعَيْنِ بِفَضْلِكَ، وَ تُعِيْذْنِيْ [يا: تُبْعِدْنِيْ] مِنَ النَّارِ بِطَوْلِكَ، وَ تُجِيْرَنِيْ مِنْ غَضَبِكَ وَ سَخَطِكَ عَلَىَّ، وَ تُرْضِيْنِيْ بِمَا قَسَمْتَ لِيْ ، وَ تُبَارِكَ لِيْ فَيَمَا اَعْطَيْتَنِيْ ، وَ تَجْعَلْنِيْ لِانْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَمْنٌ عَلَىْ بِذَلِكَ، وَارْزُقْنِيْ حُبَّكَ وَحُبَّ كُلِّ مَنْ اَحَبَّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِيْ اِلَى حُبِّكَ، وَ مَنْ عَلَىْ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَ التَّفْوِيْضِ اِلَيْكَ، وَ الرِّضَا بِقَضَائِكَ، وَ التَّسْلِيْمِ لِامْرِكَ [يا: اَلرِّضَا بِفَضْلِكَ وَ التَّعْظِيْمِ لِامْرِكَ]، حَتَّى لَا اَعْجَبَ تَعْجِيْلَ مَا اَخَّرْتَ، وَ لَا تَأْخِيْرَ [يا: تَأْجِيْلَ] مَا عَجَّلْتَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ، وَ اَفْعَلْ بِيْ كَذَا وَ كَذَا.

- خدا خدا حقیقتاً و واقعاً پروردگار من است . خداوند، تویی [یاور من ] برای هر امر بزرگ ، و تویی [یاور من ] برای این امور، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و درباره آنها مرا کفایت فرما، این خدایی که بالای تو در نزد من زیباست ، ای صاحب عفو و گذشت دیرینه وبی آغاز از من ، [ای خدایی که هیچ چیز بی نیاز از تونیست ،] ای خدایی که همه اشیاء ناچار از توست ، ای خدایی که روزی همه موجودات بر توست ، ای خدایی که بازگشت همه چیز به سوی توست ، بر محمد و آل محمد درود فرست [و خود سرپرست من باش ]، و سرپرستی مرا به آخدی از مخلوقاتِ بد خود واگذار مفرما، و چنانکه مرا آفریدی ضایعم مگردان .

خداوند، تو را برای هم و غم و اندوهی می خوانمت که غیر تو نمی تواند. آن را برطرف کند، و برای رحمتی [یا: گشایشی ] که جز به وسیله تو نمی توان به آن رسید، [و برای ناراحتی سخت و گلوگیری که جز تو نمی تواند آن را برطرف نماید، و برای آمرزشی که جز به تو نمی توان بدان رسید]، و برای حاجتی که جز تو نمی تواند آن را برآورده نماید. خدایا، پس چنانکه از شائن تو [این بود که دعا را به من الهام فرمودی ، پس این نیز از شائن تو باشد که ] دعاهایی که به خاطر آن تو را خواندم ، اجابت فرمایی ، و از آنچه که از آن به سوی تو گریختم ، نجاتم دهی . خدایا، اگر شایستگی آن را ندارم که به رحمت برسم ، مسلماً رحمت شایستگی آن را دارد که مرا فراگیرد، زیرا رحمت تو هر چیز را فراگرفته ، و من نیز یک چیز هستم ، پس رحمت مرا فرا گیرد، ای معبود من ، ای بزرگوار.

خداوندا، به روی [و اسماء و صفات] بزرگواریت از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از آتش جهنم آزاد سازی ، و به رحمت خویش بهشت را بر من واجب گردانده ، و به فضل خویش از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم به ازدواج من درآورده ، و به بخشش خود از آتش جهنم پناه داده [یا: مرا از آن دور گردانی] ، و مرا از خشم و غضب خود در پناه خویش درآوری ، و به آنچه به من قسمت و مقدر فرمودی خرسند، و آنچه را که به من عطا فرموده ای پرخیر و برکت ، و از سپاسگزاران در برابر نعمتهایت بگردانی .

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و همه اینها را بر من منت نه، و دوستی خود و دوستی هرکسی را که تو را دوست دارد، و دوستی هر عملی که مرا به دوستی ات نزدیک می گرداند، روزی ام گردان ، و توکل به خود و واگذار نمودن امور به تو و خشنودی در برابر قضاء و اراده حتمی ات و تسلیم [یا: خشنودی به فضل و داده ات ، و تعظیم] در برابر امرت را بر من ارزانی دار، تا اینکه تعجیل آنچه را که مؤخر داشته ای و یا به تأخیر انداختن آنچه را که مقدم داشته ای دوست نداشته باشم . ای مهربانترین مهربانها، و بر محمد و آل او درود فرست و به من چنین و چنان کن .

و هر امری را که دوست داری ذکر می کنی .

فصل بیست و یکم : آداب و اسرار نماز عصر و تعقیبات آن

کیفیت انجام نماز عصر

وقتی نماز گزار فرصت ممکن را مغتنم شمرد و نافله های نماز عصر را انجام داد، لازم است با نیت خالص برای گفتن اذان بپا خیزد، و شمرده شمرده اذان بگوید، و دعای بعد از اذان ، و نیز اقامه و دعای بعد از اقامه را به همان صورتی که پیشتر ذکر کردیم بجا آورد، و با گفتن تکبیرهای هفتگانه و دعاهای ما بین آنها که گذشت شروع کند به وارد شدن در نماز واجب عصر، و آن را به این نیت شروع کند که : نماز واجب عصر را بجا می آورم تا بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زبینه پرستش است ، عبادت کنم .، و بعد تکبیر الاحرام را گفته و نماز عصر را مانند فریضه ظهر بجا آورد، و وقتی نماز عصر را به پایان برد و با گفتن سلام - به همان صورتی که ذکر نمودیم - از آن خارج شد، تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام) را می گوید، و بعد از آن به تعقیبات مهمی که در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب ذکر نمودیم ، تعقیب نموده ، و یا دعا می کند.

تعقیبات مخصوص نماز عصر

استغفار و آداب باطنی استغفار و حضور قلب در آن

۱ - از جمله تعقیبات و دعاهای مخصوص نماز واجب عصر هفتاد بار از خداوند - جلّ جلاله - طلب آمرزش و استغفار نمودن است . و باید در حال استغفار حالت ظاهری و صورت و قلب و باطن بنده بسان گناهکارانی باشد که از محضر خداوند بزرگی که به تمام اسرا آگاه است ، طلب آمرزش و مغفرت می کنند، زیرا اگر در حالی که قلبش به غفلت ، و عقلش به نسیان و فراموشی مبتلاست ،



و یا با حالت کسالت و سستی از خداوند - جلّ جلاله - طلب آمرزش نماید، این گونه استغفار خود از جمله گناهان است ، و چنین

استغفار کننده ای همانند کسی خواهد بود که خدا را استهزاء می کند و از زود گرفتار شدن به عقوبت ایمن نخواهد بود.

زیرا در روایت آمده که روزی مولایمان امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب ( ع ) در میان گروهی از مهاجرین و انصار نشسته بودند.

مردی از آن میان گفت :

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

- از خدا طلب آمرزش می کنم .

حضرت علیّ ( ع ) با حالت خشمگین به او روی نموده ، و فرمود: وای بر تو، آیا می دانی استغفار چیست ؟ استغفار اسمی است که بر

شش معنی واقع می شود:

نخست : پشیمانی از گذشته .

دوم : عزم و تصمیم جدّی بر بازگشت نکردن به گناه گذشته .

و سوم : به هر واجبی که ضایع نموده و بجا نیآورده ای توجّه نموده و آن را انجام دهی .

چهارم اینکه : هرچه میان تو و مردم است به مردم برگردانی ، تا اینکه خداوند را در حالتی که از گناهان پاکیزه هستی و پیامد

گناهی بر تو نیست ، ملاقات نمایی .

پنجم اینکه : به گوشتی که به واسطه حرام خواری بر بدنت روییده توجّه نموده و آن را با غم و اندوه از بین ببری [یا: بگذاری ] تا

اینکه گوشت دیگر به جای آن بروید.

ششم اینکه : تلخی طاعت را به جسم خود بچشانی ، چنانکه شیرینی معصیت را به آن چشانده ای ، آنگاه در این هنگام می گویی :

اءَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

فضیلت استغفار بعد از نماز عصر

از جمله روایاتی که پیرامون هفتاد مرتبه استغفار گفتن بعد از نماز عصر نقل شده ، این است که امام صادق ( ع ) فرمود: هرکس در

تعقیب نماز عصر هفتاد بار از خداوند طلب آمرزش نماید، خداوند گناهان پنجاه [یا: پنج ] سال او را می آمرزد، و اگر این اندازه گناه

نداشت پدر و مادرش را می آمرزد، و اگر آنها نداشتند بستگان او را می آمرزد، و اگر نداشتند همسایگانش را می آمرزد.

و در روایت دیگر آمده است که امام صادق ( ع ) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر هفتاد بار از خداوند متعال طلب آمرزش نماید،

خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد. سپس فرمود: و کدامیک از شما در شبانه روز هفتصد گناه مرتکب می شوید؟!

همچنین در روایت دیگر آمده که امام صادق ( ع ) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر هفتاد بار از خداوند آمرزش خواهی نماید، خداوند

هفتصد گناه او را می آمرزد

فضیلت و آداب قرائت سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ در تعقیب نماز عصر

۲ - از تعقیبات مهمّ نماز عصر، ده بار قرائت نمودن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ است ؛ پس وقتی خواستی آنها را بخوانی ، لازم است که حالت مانند کسی باشد که در پیشگاه پادشاه زمینها و آسمانها قرار گرفته ، و کلام او - جلّ جلاله - را در محضرش با هیبت و احترام و تعظیم او قرائت می نماید، و نیّت می کند که : عبادت او - جلّ جلاله - را می نمایم از آن جهت که زبینه پرستش است ، نه برای ثواب و پاداش در خانه جاودانی [یعنی دار آخرت ] .

از جمله روایاتی که پیرامون قرائت آن نقل شده ، این است که حضرت ابی جعفر محمّد بن علیّ بن موسی بن جعفر (علیهم السلام ) فرمود: هر کس بعد از نماز عصر، ده بار سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ را قرائت کند، مانند اعمال همه خلائق برای او محسوب خواهد شد.

دعا برای حضرت مهدی(ع)

۳ - از دیگر تعقیبات مهمّ بعد از نماز عصر، اقتدا به مولایمان موسی بن جعفر امام کاظم (ع) در دعا برای مولایمان حضرت مهدی (ع) است . هم او که چنانکه پیش از این ذکر کردیم ، پیامبر اکرم (ص) بشارت او را به اُمّتش داده است . درودها و رحمتها و سلام و برکتهای خداوند بر جدّش حضرت محمّد باد، و خداوند اینها را به خدمت آن بزرگوار برساند!

چنانکه یحیی بن فضل نوفلی می گوید: در بغداد، بعد از فراغت حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر(ع) از نماز عصر به خدمت آن بزرگوار وارد شدم ، و دیدم که دستهای خویش را به سوی آسمان بلند نموده ، و شنیدم که می فرمود:

اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَ اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَ نُقْصَانُهَا، وَ اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ خَلَقْتَ الْخَلْقَ بَغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَ لَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ مِنْكَ الْمَشِيئَةُ [يا: الْمَشِيئَةُ] وَإِلَيْكَ الْبَدَاءُ، اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَ خَالِقَ الْقَبْلِ، اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَ خَالِقَ الْبَعْدِ، وَ اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَ وَارِثُهُ، اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَ لَا الْجَلِيلُ، اَنتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنتَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاتُ، وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ، كُلَّ يَوْمٍ اَنتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ اَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَ هِيَ رَمِيمٌ، اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، اَعَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ اَعْدَائِكَ، وَ اَعْتِزِّلَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

- تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست ، که آغاز و پایان و آشکار و نهان می باشی ، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که افزونی و کاستی اشیاء به توست ، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست ، که مخلوقات را بدون یاری و نیاز به غیر آفریدی ، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که مشیت و خواست از تو و آغاز هر چیز به سوی توست ، و تویی خداوندی که

معبودی جز تو نیست ، که پیش از پیش و آفریننده قبل هستی ، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که بعد از بعد و آفریننده بعد هستی ، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست و هرچه را بخواهی محو و یا اثبات می فرمایی ، و کتابِ مادر در نزد توست ، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که نهایت و وارث هر چیز هستی ، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که هیچ چیز نه کوچک و نه بزرگ بر تو پوشیده نمی ماند، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که زبانهای گوناگون بر تو مخفی نمی ماند، و صداهای مختلف تو متشابه نمی گردد، و هر روز در شائن و کاری هستی ، و هیچ کاری تو را از کار دیگر مشغول نمی سازد، آگاه به غیب و امور مخفی تر از آن ، و بسیار پاداش دهنده [روز] جزا، و تدبیر کننده امور، برانگیزاننده تمام کسانی که در قبرها هستند، زنده کننده استخوانهای پوشیده می باشی . از تو به اسم مکنون پوشیده و در گنجینه ات که زنده و پابرجا [و برپا دارنده همه مخلوقات] است و هرکس تو را به آن بخواند محروم نمی گردد، درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و در فرج انتقام گیرنده از دشمنان تعجیل فرموده ، و به وعده او وفا نمایی . ای صاحب بزرگی و بزرگواری .

وی می گوید عرض کردم : برای چه کسی دعا فرمودید؟ فرمود: برای مهدی آل محمد(ص) . و افزود:

پدرم فدای کسی که شکمش فراخ ، و ابروانش ، ابروانش پیوسته ، ساقهای پایش باریک ، فاصله ما بین دو شانه اش دور، و رنگ چهره اش گندمین و میان سیاه و سفید است ، و با وجود رنگ گندمی ، زردی به واسطه بیداری شب پیوسته بر او نمایان است . پدرم فدای کسی که شبها در حالی که در سجده و رکوع است ستارگان را می پاید، پدرم فدای کسی که در راه خشنودی خدا، سرزنش هیچ سرزنش کننده ای در او اثر نمی گذارد، هم او که روشنی بخش تاریکی است . پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می نماید.

[راوی می گوید:] عرض کردم : خروج آن بزرگوار کی خواهد بود؟ فرمود: هنگامی که لشگرها را در آنبار برکناره رود فرات و صراء و دجله ، و نیز ویران شدن پل کوفه ، و سوختن برخی از خانه های کوفه را مشاهده نمودی ، هر گاه اینها را دیدی ، مسلماً خداوند آنچه را که می خواهد انجام خواهد داد، هیچگاه امر خداوند مغلوب نمی گردد چیره گشته و حکم و فرمان او به تأخیر نمی افتد.

دعا جهت زدودن گناهان

۴ - از تعقیبات مهمّ نماز عصر برای کسانی که می خواهند نامه عملشان را که متضمّن گناهان است از بین ببرند، این است که در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل پدر بزرگوارش از رسول خدا (ص) فرمود که : هر کس بعد از نماز عصر هر روز ده بار بگوید:

اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ [الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ] ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَ اَسْأَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ  
فَقِيرٍ بَائِسٍ مُسْكِنٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاءً وَلَا نُشُورًا.

- از خداوندی که معبودی جز او نیست و زنده و پابرجا و [بر پا دارنده همه مخلوقات و رحمت گستر و مهربان]، و صاحب عظمت و بزرگواری است طلب آمرزش می نمایم، و از او درخواست می نمایم که همانند پذیرش توبه بنده خاضع فقیر درمانده بیچاره ذلیل و فروتن و پناه آورده ای که هیچ سود و زیان و مرگ و زندگانی و محشور و زنده شدن [در روز قیامت] را برای خود قادر نیست، توبه ام را بپذیرد.

خداوند متعال فرمان می دهد که نامه عمل او را هر چه باشد پاره نمایند.

آداب باطنی دعای گذشته

پیش از این تو را از صفت استغفار کنندگان آگاه ساختیم، و حدیث مولایمان امیرالمؤمنین علیّ - صلوات الله علیه و سلامه - را برای تو روایت نمودیم، اینک به این حدیث که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده نگاه کن و با تمام توان مراعات ادب نموده و در گفتن این سخن که می گویی: همانند بنده ذلیل و خاکسار توبه می نمایم صادق باش، و ذلت و خواری بر حاجت و بر زبان حال تو آشکار گردد، و هنگام گفتن این سخن که مانند بنده خاضع و فروتن توبه می کنم، خضوع و فروتنی بر چهره گفتار و کردار نمایان باشد، و هنگام گفتن مانند بنده فقیر و نادار توبه می کنم صورت درخواست و مسألتت بسان، بنده فقیر و نادار در برابر مولای بی نیاز و بزرگ باشد، و وقتی می گویی مانند بنده بسیار نیازمند توبه می کنم باید حالت همانند افراد بسیار حاجتمند باشد که چیزی را از بزرگترین بزرگان خواهند، و هنگام گفتن این سخن که: همانند بنده مسکین و بیچاره توبه می کنم باید نشانه بیچارگی و نیاز و ذلت و خواری همراه با صدق و انابه بر قلب و چهره و اعضا و جوارحت نمودار باشد، و وقتی می گویی: مانند بنده پناه آورنده توبه می کنم باید مانند کسی که بیم و هراس بزرگ بر او احاطه نموده و در اثر آن به سوی مولای خویش می گریزد، و بسان کسی که نه قدرت بر سود و زیان خویش دارد، و نه توان دفع چیزی را از خود، و در تمام حالات با دل و تن و گفتار و کردار، به سوی خداوند - جلّ جلاله - گریخته و پناهنده شوی.

پس ای بنده اگر در این سخنان صادق باشی، خداوند - جلّ جلاله - اهلّیت آن را دارد که دو فرشته گمارده شده بر تو را فرمان دهد که نامه عملت را که متضمّن گناهان و جنایات است از بین برند، بنابراین گمان مکن که اگر این سخنان و استغفارها را با حال غفلت و به دروغ بگویی، از جنایات و گناهان بسیار سالم مانده و رها خواهی شد.

دعای امیرالمؤمنین (ع) بعد از نماز عصر

۵ - از دیگر تعقیبات مهمّ، اقتدا به مولایمان امیرالمؤمنین (ع) در خواندن دعاهاى ایشان در تعقیب نمازهای پنجگانه است، از آن جمله دعای حضرتش در تعقیب نماز عصر، که به این صورت است:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَ لَا صَالٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ، فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ، [وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَشِيًّا] (۲۱۴) حِينَ تَظْهَرُونَ،

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ] وَ الْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ، سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ.

اَللّٰهُمَّ، اِنْ ذَنْبِيْ اَمْسَى مُسْتَجِيْرًا بِعَفْوِكَ، وَ خَوْفِيْ [اَمْسَى ] مُسْتَجِيْرًا بِاَمْنِكَ، وَ فَقْرِيْ اَمْسَى مُسْتَجِيْرًا بِغِنَاكَ، وَ ذُلِّيْ اَمْسَى مُسْتَجِيْرًا بِعِزِّكَ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِيْ ، وَ ارْحَمْنِيْ ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ، اَللّٰهُمَّ، تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ عَظَمَ عَفْوُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، [وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَاَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ]، وَ جَهَّكَ رَبَّنَا اَكْرَمَ الْوُجُوْهِ، وَ جَاهَكَ اَعْظَمَ الْجَاهِ، وَ عَظِيْمَتِكَ اَفْضَلُ الْعَطَاءِ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَ تُعْصَى فَتَغْفِرُ، وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَ تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَ تُنْجِيْ مِنَ الْكَرْبِ، وَ تُغْنِي الْفَقِيْرَ، وَ تَشْفِي السَّقِيْمَ، [وَ لَا يُجَازِي ] اَلَا تَكْ اَعْحَدُ، وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاْحِمِيْنَ.

- پاک و منزّه است خداوند، ستایش خدای را، و معبودی جز خداوند نیست ، و خدا بزرگتر است ، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ ، پاک و منزّه است خداوند در صبح و عصرها، پاک و منزّه است خداوند در شامگاه و پگاه ، پس پاک و منزّه است خدا هنگامی که شب و هنگامی که صبح می کنید، [و ستایش خدا را در آسمانها و زمین وقت شبانگاهان و هنگامی که ظهر می کنید، پاک و منزّه است ] پروردگارت ، پروردگار [صاحب صفت ] عزّت و سرافرازی از آنچه او را بدان توصیف می کنند، و درود بر پیامبران فرستاده شده ، و سپاس برای خداوندی که پروردگار عالمیان است ، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب مُلک و ملکوت است ، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب عزّت و سلطه و سرکشی است ، پاک و منزّه است خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد، پاک و منزّه است خداوند پا بر جای دایمی ، پاک و منزّه است خداوندی که زنده پا بر جا و بر پا دارنده همه مخلوقات می باشد، پاک و منزّه است خداوند بلند مرتبه برتر، پاک و منزّه و برتر است خداوند، [و] بسیار منزّه و پاکیزه از هر عیب و نقص است پروردگار فرشتگان و رُوح .

خداوندا، براستی که گناهم با پناهنده شدن به عفو تو شب نموده ، و خوف و هراسم با پناهنده شدن به ایمنی تو شب نموده ، فقر و نیازمندی ام با پناهنده شدن به بی نیازی ات شب نموده ، و خواری و ذلّتم با پناهنده شدن به عزّت و سرافرازی ات شب نموده ، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا بیامرز، و به من رحم آر، براستی که تو ستوده و بزرگ و والایی ، خداوندا، نور تو تمام و کامل است لذا هدایت فرمودی پس ستایش مخصوص توست ، و بردباری ات بزرگ است لذا عفو فرمودی پس ستایش مختصّ توست ، [و دست - رحمت را گشاده ای لذا عطا فرمودی پس ستایش مخصوص توست ] و ای پروردگار ما، روی [و اسماء و صفات ] تو گرامی ترین رویها، و جاه و منزلت تو بزرگترین منزلتها، و عطای تو برترین عطاست ، ای پروردگار ما، اطاعتت می کنند و سپاس می گزاری ، و معصیتت می کنند و می آمرزی ، و بیچاره و درمانده را اجابت می فرمایی ، و رنجوری و گرفتاری

را برطرف و از ناراحتی سخت و گلوگیر نجات می بخشی ، و فقیر و نیازمند را بی نیاز می گردانی ، و بیمار را بهبودی بخشیده ، و هیچ کس نمی تواند پاداش [نعمتهای تو را بدهد] و تو مهربانترین مهربانها می باشی .

دعای حضرت زهراء(علیهاالسلام) در تعقیب نماز عصر

۶ - از جمله تعقیبات مهم نماز عصر، خواندن دعای حضرت زهرا، فاطمه ، سرور زنان (علیهاالسلام) است که حضرتش آن را در ضمن دعاهاى خود برای نمازهای پنجگانه می خواند، به این صورت که :

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ يُخْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفَى [يا: لَا يَخْفَى] عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لِنَعْمِهِ، وَلَا جَاحِدًا لِفَضْلِهِ، فَالْخَيْرُ مِنْهُ وَهُوَ أَهْلُهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِمَّنْ أَطَاعَهُ وَ مِمَّنْ عَصَاهُ، فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنَّهُ، وَإِنْ عَاقَبَ فِيمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيهِمْ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَامٍ [يا: يُرِيدُ ظُلْمًا] لِلْعَبِيدِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانِ، اءَلْرِفِّيعِ الْبُنْيَانِ، اءَلَشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ [يا: الْأَمْكَانِ]، اءَلْعَزِيزِ السُّلْطَانِ، اءَلْعَظِيمِ الشَّأْنِ، اءَلْوَاضِحِ الْبُرْهَانِ، اءَلرَّحِيمِ الرَّحْمَانِ، اءَلْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ، اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَجَبَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ وَقُدْرَةِ الْوَحْدَانِيَّةِ، فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ، وَ لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ، وَ لَمْ يَقْسَهُ مِقْدَارُ، وَ لَمْ يَتَوَهَّمْهُ اغْتِبَارُ، لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ.

اَللّهُمَّ، قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَ تَطَّلِعُ عَلَى أَمْرِي، وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي، وَ لَيْسَ يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي، وَ قَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي طَلِبَتِي، وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي، وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسْأَلَتِي، وَ سَأَلْتُكَ لِفَقْرٍ وَ حَاجَةٍ وَ ذِلَّةٍ وَ ضِيقَةٍ وَ بُؤْسٍ وَ مَسْكَنَةٍ، وَ أَعْنَتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي، وَ لَا أَعِجِدُ مَنْ يَغْفِرُ لِي غَيْرَكَ، وَ أَعْنَتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي، وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَأَسْأَلُكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ غِنَايَكَ [يا: غِنَاكَ] عَنِّي، وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، وَ قِلَّةِ امْتِنَاعِي مِنْكَ، اءَنِّ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا دُعَاءً وَافِقًا مِنْكَ إِبَاجَةً، وَ مَجْلِسِي هَذَا مَجْلِسًا وَافِقًا مِنْكَ رَحْمَةً، وَ طَلِبَتِي هَذِهِ طَلِبَةً وَافِقَةً نَجَاحًا، وَ مَا خَفَتَ عُسْرَتُهُ مِنْ الْأُمُورِ فَيَسِّرْهُ، وَ مَا خَفَتَ عَجْزُهُ مِنْ الْأَشْيَاءِ فَوَسِّعْهُ، وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَا تَقِ كُلَّهُمْ فَأَغْلِبْهُ، آمِينَ، يَا اءَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ هَوْنٌ عَلَيَّ مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ، وَ اكْشِفْ عَنِّي مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ، وَ يَسِّرْ لِي مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اَللّهُمَّ، اَنْزِعِ الْعُجْبَ وَالرِّيَاءَ وَ الْكِبَرَ وَ الْبَغْيَ وَ الْحَسَدَ وَ الضَّعْفَ وَ الشَّكَّ وَ الْوَهْنَ وَ الضَّرَّ وَ الْأَسْقَامَ [يا: الْاِنْتِقَامَ] وَ الْخِذْلَانَ وَ الْمَكْرَ وَ

الْخَدِيعَةَ وَ الْبَلْبِلَةَ وَ الْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي، وَ خُذْ بِنَا صِيَّتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى، يَا اءَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ ذَنْبِي، وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي، وَ آمِنْ رَوْعَتِي، وَ اجْبُرْ مُصِيبَتِي، وَ اءْغِنْ فَقْرِي، وَ يَسِّرْ حَاجَتِي،

وَ اءَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَ اجْمَعْ شَمْلِي، وَ اكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي، وَ مَا غَابَ عَنِّي وَ مَا خَضَرَنِي وَ مَا اءَتَخَوَّفُهُ مِنْكَ، يَا اءَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اَللّهُمَّ، فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَ اءَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَ اءَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا، فَرَقًا مِنْكَ وَ خَوْفًا وَ طَمَعًا، وَ اءَعْنَتَ

الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَ لَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ، فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ مُوسَى كَلِيمِكَ، وَ عِيسَى رُوحِكَ، وَ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ

وَنَبِيكَ(ص) اَعَنْ لَا تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي ، حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي ، [وَتَرْحَمَ عِبْرَتِي] ، وَتَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ .

اَللّهُمَّ، اجْعَلْ ثَأْمِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي ، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَانِي ، اَللّهُمَّ، لَا تَجْعَلَ مُصِيبَتِي فِي دِينِي ، وَ لَا تَجْعَلَ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّي ، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي ، اَللّهُمَّ، اَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِي ، وَ اَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي ، وَ اَصْلِحْ لِي اٰخِرَتِي الَّتِي اِلَيْهَا مَعَادِي ، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي [ مِنْ كُلِّ شَرٍّ، اَللّهُمَّ، اِنَّكَ عَفُوٌّ تَحِبُّ الْعَفْوَ، فَاعْفُ عَنِّي ، اَللّهُمَّ، اَعْخِني مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي ، وَ تَوَفَّنِي اِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي ، وَ اَسْأَلُكَ خَشْيَتِكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَالْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَ اَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى ، وَ اَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَبِيدُ، وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَ اَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ، وَ اَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ اِلَى وَجْهِكَ.

اَللّهُمَّ، اِنِّي اَسْتَهِدُّكَ لِارْشَادِ اَمْرِي وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، اَللّهُمَّ، عَمِلْتُ سُوءًا ، وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، فَاعْفِرْ لِي ، اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ، اَللّهُمَّ، اِنِّي اَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ، وَ صَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ، وَ خُرُوجًا مِنَ الدُّنْيَا اِلَى رَحْمَتِكَ، اَللّهُمَّ، اِنِّي اَشْهَدُكَ وَ اَشْهَدُ(٢١٥) مَلَا نِكَّتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَ اَشْهَدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْاَرْضِ، اَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، وَ خَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ اَعَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ (ص) ، وَ اَسْأَلُكَ بِاَعَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ ، يَا كَاتِنَ قَبْلِ اَعَنَّ يَكُوْنُ شَيْءٌ، وَ الْمَكُوْنُ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْكَاتِنَ بَعْدَ مَا لَا يَكُوْنُ شَيْءٌ، اَللّهُمَّ، اِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصْرِي ، وَ اِلَى جُودِكَ بَسَطْتُ كَفِّي ، فَلَا تَحْرِمْنِي وَ اَنَا اَسْأَلُكَ، فَلَا تُعَذِّبْنِي وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ، اَللّهُمَّ، فَاعْفِرْ لِي ، فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ، وَ لَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ، بِرَحْمَتِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

اَللّهُمَّ، ذَاالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالصَّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ [الرَّازِكَةِ]، صَلِّ عَلَى اَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيَّكَ، وَاعْظِمْهُمْ اِلَيْكَ، وَ اَوْجِهْهُمْ لَدَيْكَ، مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ، اَلْمَخْصُوصُ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ، اَشْرَفَ وَ اَكْرَمَ وَ اَرْفَعَ وَ اَعْظَمَ وَ اَكْمَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُبْلَغٍ عَنْكَ، وَ مُؤْتَمِنٍ عَلَى وَحْيِكَ. اَللّهُمَّ، كَمَا سَدَدْتَ بِهِ الْعَمَى ، وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى ، فَاجْعَلْ مَنَهِجَ سَبِيلِهِ لَنَا سُنًّا، وَ حُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبَبًا، نَأْتِمُّ بِهِ اِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ مِلَأُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمِلَأُ طِبَاقِهِنَّ وَ مِلَأُ الْاَرْضِ السَّبْعِ وَ مِلَأُ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِلَأُ عَرْشِ رَبَّنَا الْكَرِيمِ، وَ مِيزَانَ رَبَّنَا الْغَفَّارِ، وَ مِدَادَ كَلِمَاتِ رَبَّنَا الْقَهَّارِ، وَ مِلَأُ الْجَنَّةِ وَ مِلَأُ النَّارِ، وَ عَدَدَ الثَّرَى وَ الْمَاءِ، وَ عَدَدَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى .

اَللّهُمَّ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ مَنِّكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ فَضْلِكَ وَ سَلَامَتِكَ وَ ذِكْرَكَ وَ نُورَكَ وَ شَرَفَكَ وَ نِعْمَتَكَ وَ خَيْرَتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيمَ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اَللّهُمَّ، اَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيْلَةَ الْعُظْمَى وَ كَرِيْمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقْبَى ، حَتَّى تُشْرِفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَا اِلَهَ الْهُدَى ، اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى جَمِيعِ مَلَا نِكَّتِكَ [وَ اَنْبِيَائِكَ] وَ رُسُلِكَ، سَلَامٌ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ مَلَا نِكَّتِكَ [الْمُقَرَّبِينَ]، وَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ الْكُرُوبِيِّينَ، وَ سَلَامٌ عَلَى مَلَا نِكَّتِكَ اَجْمَعِينَ، وَ سَلَامٌ عَلَى اَبْنَاءِ اَدَمَ وَ عَلَى اُمَّنَا حَوَاءَ، وَ سَلَامٌ عَلَى

النَّبِيِّنَ أَجْمَعِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ [عَلَى] الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا.

- پاک و منزّه است خداوندی که گناهان دلها را می داند، پاک و منزّه است خداوندی که عدد گناهان را بشمار درمی آورد، پاک و منزّه است خداوندی که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر او مخفی نمی ماند، و ستایش خداوندی را که مرا ناسپاس نعمتها و مُنکر فضل خود قرار نداد، پس خیر از اوست ، و تنها و او زبینه آن است ، سپاس خدا را به خاطر حجت رسایش بر تمام آنچه خلق فرموده چه کسانی که او را اطاعت می کنند و یا از او نافرمانی می کنند، پس اگر مهربانی می کند از بخشش اوست ، و اگر عذاب می فرماید به خاطر اعمالی است که خود آنان پیش فرستاده و انجام داده اند، و خداوند هیچ ستمی را نسبت به بندگان [اراده] نمی فرماید، ستایش خداوندی را که بلند مرتبه و بلند پایه و سخت پا بر جا [و متمکن از امور] و دارای فرمانروایی سرافراز، و شاعر عظیم ، و دلیل و برهان روشن ، و مهربان و رحمت گستر و نعمت دهنده و بسیار بخشنده است . سپاس خدایی را که خود را از هر آفریده ای که او را به حقیقت ربوبیت و قدرت وحدانیت می بیند محبوب فرموده ، و لذا دیدگان او را نمی بینند، و اخبار به او احاطه ندارند، و با هیچ مقداری نمی توان او را سنجید، و با هیچ امتحان و سنجش نمی توان او را توهّم نمود، زیرا او پادشاه جبار و سرکش است .

خداوندا، براستی که جایگاه مرا می بینی ، و سخنم را می شنوی ، و بر امرم اطلاع داری ، و به آنچه که در نفسم می گذرد آگاهی ، و هیچ چیز از امرم بر تو مخفی نیست ، و بی گمان [به خاطر برآوردن] خواسته ام به درگاه توشتافتم ، و حاجتم را از تو درخواست ، و درباره درخواستم به تو تضرّع و زاری می نمایم ، و به خاطر فقر و حاجت و ذلت و تنگدستی و سختی و بیچارگی از تو مسألت می نمایم ، و تویی پروردگار بخشنده آمرزش ، تو کسی غیر من را می یابی که عذابش نمایی ، ولی من کسی غیر تو را نمی یابم که مرا بیآمرزد، و تو از عذاب من بی نیازی ، ولی من به رحمت نیازمندم ، پس به خاطر نیازمندی ام به تو و غنای تو از من ، و قدرتت بر من و قدرت سرپیچی نداشتن و گریختن من از تو، مسألت دارم که این دعا را با اجابت کردنت ، و این نشستم را با رحمت و موافق و قرین ، و درخواستم را با کامیابی و برآوردن آن سازگار و قرین گردانی ، و اموری را که سختی آن پنهان است بر من آسان فرما، و اشیایی را که ناتوانی اش مخفی است بر من وسیع گردان ، و هرکس از میان همه خلائق اراده بدی به من کند، پس خود بر او غلبه فرما، اجابت فرما، ای مهربانترین مهربانها، و اموری را که از سختی آن می ترسم بر من راحت گردان ، و از هر امری که از ناراحتی آن بیم دارم برطرف فرما، و از هرچه که از مشکل بودن آن می هراسم بر من آسان فرما. اجابت فرما ای پروردگار

عالمیان ،



خداوندا، به خود بالیدن و ریاء و کبر و ستم و حسد و ناتوانی و شک و سستی و ضرر و بیماریها [یا: انتقام] و شکست و مکر و فریب و گول زدن و گرفتاری و تباهی را، از گوش و چشم و همه اعضاء و جوارح برکن ، و [موی] [پیشانی] [و تمام وجود] مرا به سوی آنچه که دوست می داری و موجب خشنودی توست بگیر [وبکش] ای مهربانترین مهربانها.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و گناهم را بیامرز، و عیبم را بپوشان ، و ترسم را ایمنی بخش ، و گرفتاری ام را برهم آور، و ناداری ام را بی نیاز، و حاجتم را آسان برآورده ساز، و از لغزشم درگذر، و پراکندگی و پریشانی ام را گردآور، و هر چه را که مایه غم و اندوه و موجب اهتمام من است چه اموری که بر من پوشیده است و یا [در ذهنم] حاضر است ، و هرچه را که از آن هراس دارم ، کفایت فرما، ای مهربانترین مهربانها.

خدایا، امورم را به تو واگذار نمودم ، و پشتم را به پناه تو درآوردم ، و به واسطه جنایات و گناهانی که بر نفس خویش نمودم ، از روی ترس و هراس از تو و طمع و آرز [به تو] آن را به تو تسلیم نمودم ، و تویی خداوند بزرگواری که امید هیچ کس را قطع نمی فرمایی ، و دعای هیچ کس را نومید و محروم نمی نمایی ، پس به حقّ خلیلت حضرت ابراهیم ، و کلمیت حضرت موسی ، و رُوح حضرت عیسی ، و برگزیده و پیامبرت حضرت محمد(ص) درخواست می نمایم که روی [و اسماء و صفات] ، بزرگواری را از من برنگردانی ، تا اینکه توبه ام را پذیرفته [و بر اشک چشمم رحم آری] ، و گناهم را بیامرزی ، ای مهربانترین مهربانها، و ای فرمانروا ترین فرمانروایان .

خداوندا، انتقام مرا از کسانی که به من ستم روا داشته اند بگیر، و مرا بر کسانی که با من سر ستیز دارند پیروز گردان ، خدایا، مصیبت مرا در دینم قرار مده ، و دنیا را بزرگترین همّ و غم و [نهایت] اندازه دانشم قرار مده ، خداوندا، دینم را که مایه نگاهداری امور من است ، و دنیایم را که معاش و روزگزاران من در آن است ، و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است اصلاح فرما، و زندگانی [دنیا] را برای من [مایه] افزونی از هر خیر و خوبی قرار ده ، و مرگ را آسودگی از هر شرّ و بدی بگردان . خداوندا، براستی که تو بسیار گذشت کننده هستی ، و عفو و گذشت را دوست می داری ، پس از من درگذر، خدایا، تا زمانی که زندگانی را برای من خیر می دانی زنده ام بدار، و هنگامی که مردن به خیر من است ، جان مرا بستان ، و هراس از خود را در نهان و آشکار، و عدل و داد در حال خشم و خرسندی را از تو خواستارم ، و میانه روی در حال فقر و غنی را از تو مسألت دارم ، و از تو درخواست می نمایم نعمت [معنوی] ای را که هرگز از بین نمی رود، و نور چشمی را که هرگز تمام نمی شود، و خشنودی بعد از قضا و اراده حتمی ات را از تو مسألت دارم ، و لذّت نظر به روی [و اسماء و صفات] ات را از تو می خواهم .

خداوندا، براستی که برای ارشاد امرم از تو طلب هدایت می نمایم ، و به تو پناه می برم از شرّ نفسم ، خدایا، عمل بد انجام دادم ، و به خود ستم نمودم ، پس مرا بیامرز، که گناهان را جز تو نمی آمرزد، خداوندا، همانا از تو زود رسانیدن عافیت ، و شکیبایی بر بلایت ، و خروج از دنیا به سوی رحمت را درخواست می کنم ، خداوندا، براستی تو و ملائکه و حاملان عرشت و تمام کسانی را که

در آسمانها و در زمین هستند گواه می گیرم که مسلماً تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست و یگانه هستی و شریکی برای تو وجود ندارد، و اینکه حضرت محمد(ص) بنده و فرستاده توست ، و از تو درخواست می نمایم به اینکه سپاس برای توست ، و معبودی جز تو که نو آفرین آسمانها و زمین هستی وجود ندارد، ای کسی که پیش از آنکه چیزی باشد بوده ای ، و پدید آورنده همه چیز هستی ، و بعد از آنکه هیچ چیز نخواهد بود نیز خواهی بود، خداوند، به سوی رحمت چشم به بالا نموده ام ، و به سوی بخشش دستم را گشاده ام ، پس مرا که از تو درخواست می نمایم محروم گردان ، و مرا که از تو طلب آمرزش می نمایم عذاب مفرما، خداوند، پس مرا بیامرزد، که به من آگاهی ، و عذاب مفرما که بر من قادر و توانایی . به مهر و رحمت ، ای مهربانترین مهربانها.

خداوند، ای صاحب رحمت واسعه و درود [و رحمت ویژه] سودمند بلند پایه [و پاکیزه]، درود [و رحمت ویژه] خود را بر گرامی ترین مخلوقات و محبوبترین آنها در نزد خود و آبرومندترین آنها در پیشگاهت ، یعنی حضرت محمد(ص) بنده و فرستاده ات که به برترین دستاویزها مخصوص گردانیده ای ، بفرست ، [همانند] برترین و گرامی ترین و بلند پایه ترین و بزرگترین و کاملترین درودی را که بر [هر] مبلغ از ناحیه خود و امانت دار وحی ات فرستاده ای ، خداوند، چنانکه کوری [و گمراهی] را به او بر بسته ، و [راه] هدایت را به واسطه او گشودی ، پس راههای روشن او را، راه و روش ما، و حجت‌های دلیل قطعی او را وسیله و دستاویز ما قرار ده ، تا برای راه سپردن و وارد شدن بر درگاهت به آن بزرگوار اقتدا نماییم . خداوند، ستایش برای تو به اندازه پُری آسمانهای هفتگانه و پُری طبقات آنها، و به اندازه پُری زمینهای هفتگانه و پُری میان آسمانها و زمینها، و به اندازه پُری عرش پروردگار بزرگوارمان ، و به اندازه سنجش پروردگار بسیار آمرزنده مان ، و به شماره کلمات پروردگار قهار و چیره مان ، و به اندازه پری بهشت و پری آتش جهنم و به شماره خاک و آب ، و به عدد آنچه که دیده می شود و یا دیده نمی شود.

خدایا، و درودها و برکتها و بخشش و آمرزش و رحمت و خشنودی و فضل و سلامتی و یاد و نور و برتری و نعمت و برگزیدگی ات را بر محمد و آل محمد قرار ده ، چنانکه حضرت ابراهیم و آل ابراهیم را مورد درود و برکت و رحمت خویش قرار دادی . براستی که تو ستوده و بلندپایه هستی . خداوند، بزرگترین وسیله و گرامی ترین پاداشت را در جهان بازپسین و قیامت به حضرت محمد(ص) ( ارزانی دار، تا اینکه او را در روز قیامت بر همگان برتری بخشی ، ای معبود و خداوند هدایت ، خدایا، بر محمد و بر آل محمد و بر تمام فرشتگان [و پیامبران] و فرستادگانت درود فرست . سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و فرشتگانت مقرب و [فرشتگان] بزرگوار نویسنده [اعمال بندگان] و سروران ملائکه و مقربین آنها، و سلام بر تمام فرشتگانت . و سلام بر پدرمان حضرت آدم (ع) و بر مادرمان حوّا، و سلام بر تمام پیامبران و صدیقان و بر گواهان [اعمال] و [بر] صالحان ، و سلام بر تمام پیامبران فرستاده شده ، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است . و هیچ دگرگونی و نیرویی جز به خداوند بلند پایه

بزرگ نیست ، و خداوند مرا بس است ، و چه وکیل و کارگزار خوبی ، و درود و سلامتی و امنیت [مطلق] بسیار خداوند بر حضرت محمد و آل او باد.

۷ - و از جمله تعقیبات مهمم، دعاهایی است که پیش از این از امام صادق (ع) در تعقیب تمام نمازهای واجب ذکر کردیم .

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز عصر

۸ - از دیگر جمله تعقیبات مهمم، باز دعای امام صادق (ع) بعد از نماز عصر است ، به این صورت که :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَ عَلٰى اٰلِهِ الطَّاهِرِينَ ، اَللّٰهُمَّ ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْلَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى ، وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى ، وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرَةِ وَ الْاُولٰى ، وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ وَ مَا اطْرَدَ الْخَافِقَانِ ، وَ مَا خَدَا الْحَادِيَانِ ، وَ مَا عَسَّسَ لَيْلٌ ، وَ مَا اَذْلَهَمَ ظَلَامٌ ، وَ مَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ ، وَ مَا اَضَاءَ فَجْرٌ ، اَللّٰهُمَّ ، اجْعَلْ مُحَمَّدًا خَطِيْبَ وَفْدِ الْمُؤْمِنِينَ اِلَيْكَ ، وَ الْمَكْسُو حُلَّ الْاَمَانِ اِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَ النَّاطِقَ اِذَا خَرَسَتِ الْاَلْسُنُ بِالشَّئَاءِ عَلَيْكَ ، اَللّٰهُمَّ ، اَعْلِ مَنْزِلَتَهُ ، وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ ، وَ اَعْظِهِرْ حُجَّتَهُ ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ ، وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ ، وَ اغْفِرْ مَا اَعْدَتْهُ الْمُحَدِّثُونَ مِنْ اَعْمَتِهِ بَعْدَهُ ، اَللّٰهُمَّ ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْنِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ ، وَ اَعُوْذُ عَلٰى مِنْهُمْ تَحِيَّةً كَثِيْرَةً وَ سَلَامًا ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ وَ الْاِفْضَالِ وَ الْاِنْعَامِ . اَللّٰهُمَّ ، اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ ، وَ الْاِثْمَ وَ الْبَغْيَ بَغْيِ الْحَقِّ ، وَ اَعَنْ اَشْرِكَ بِكَ مَا لَمْ تُنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا ، اَعُوْ اَقُوْلَ عَلَيْكَ مَا لَمْ اَعْلَمْ ، اَللّٰهُمَّ ، اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ غَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ ، وَ الْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ ، وَ اَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ ، وَ النِّجَاةَ مِنَ النَّارِ .

اَللّٰهُمَّ ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اجْعَلْ لِيْ فِي صَلَاتِيْ وَ دُعَائِيْ بَرَكَهً تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِيْ ، وَ تُؤْمِنُ بِهَا رَوْعَتِيْ ، وَ تَكْشِفُ بِهَا كَرْبِيْ ، وَ تَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِيْ ، وَ تُصْلِحُ بِهَا اَمْرِيْ ، وَ تُغْنِيْ بِهَا فَقْرِيْ ، وَ تَذْهَبُ بِهَا ضُرِّيْ ، وَ تُفَرِّجُ بِهَا هَمِّيْ ، وَ تُسَلِّيْ بِهَا غَمِّيْ ، وَ تَشْفِيْ بِهَا سَقَمِيْ ، وَ تُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِيْ ، وَ تَجْلُوْ بِهَا حُزْنِيْ ، وَ تَقْضِيْ بِهَا دَيْنِيْ ، وَ تَجْمَعُ بِهَا شَمْلِيْ ، وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِيْ ، وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِّيْ .

اَللّٰهُمَّ ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ لَا تَدْعُ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ ، وَ لَا كُرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ ، وَ لَا خَوْفًا اِلَّا اَمَنْتَهُ ، وَ لَا سَقَمًا اِلَّا شَفَيْتَهُ ، وَ لَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ ، وَ لَا غَمًّا اِلَّا اَذْهَبْتَهُ ، وَ لَا حُزْنَ اِلَّا سَلَّيْتَهُ ، وَ لَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ ، وَ لَا عَدُوًّا اِلَّا كَفَيْتَنِيْهِ ، وَ لَا حَاجَةً اِلَّا قَضَيْتَهَا ، وَ لَا دَعْوَةً اِلَّا اَعْجَبْتَهَا ، وَ لَا مَسْأَلَةً اِلَّا اَعْطَيْتَهَا ، وَ لَا اِمَانَةً اِلَّا اَدَيْتَهَا ، وَ لَا فِتْنَةً اِلَّا صَرَفْتَهَا ، اَللّٰهُمَّ ، اصْرِفْ عَنِّيْ الْعَاهَاتِ وَ الْاَفَاتِ وَ الْبَلِيَّاتِ مَا اَطْيَقُ وَ مَا لَا اَطْيَقُ صَرْفَهُ اِلَّا بِكَ .

اَللّٰهُمَّ ، اَمْسِ ظُلْمِيْ مُسْتَجِيْرًا بِعَفْوِكَ ، وَ اَمْسِتْ ذُنُوْبِيْ مُسْتَجِيْرَةً بِمَغْفِرَتِكَ ، وَ اَمْسِ خَوْفِيْ مُسْتَجِيْرًا بِاَمَانِكَ ، وَ اَمْسِ فَقْرِيْ مُسْتَجِيْرًا بِغِنَاكَ ، وَ اَمْسِ ذُلِّيْ مُسْتَجِيْرًا بِعِزِّكَ ، وَ اَمْسِ ضَعْفِيْ مُسْتَجِيْرًا بِقُوَّتِكَ ، وَ اَمْسِ وَجْهِيْ الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيْرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي . يَا كَاتِبًا (۲۱۶) قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اصْرِفْ عَنِّيْ وَ عَنِ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ

وُلْدَى وَ اَهْلَ حُرَاتِنِ وَ اِخْوَانِ فِىكَ، شَرَّ كُلِّ ذَى شَرٍّ، وَ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ [یا: جابر] وَ عَدُوٌّ قَاهِرٍ، وَ حَاسِدٍ مُعَانِدٍ، وَ بَاغٍ مُرَاصِدٍ، وَ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ اَلْهَامَةِ وَ مَا دَبَّ فِى اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، وَ اَعُوْذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِيْنَةِ اَلَّتِی لَا تُرَامُ، وَ اَسْأَلُكَ اَعْنَ لَا تُمِیْتَنِیْ غَمًّا وَ لَا هَمًّا وَ لَا مُتَرَدِّیًّا وَ لَا رَدْمًا وَ لَا غَرْقًا وَ لَا حَرْقًا وَ لَا عَطْشًا وَ لَا صَبْرًا [یا: ضیّر] وَ لَا قَوْدًا وَ لَا اَکِیْلَ السَّبْعِ، وَ اَمْتَنِیْ عَلٰی فِرَاشِیْ فِی عَافِیَّتِیْ، اِءَوْ فِی الصَّفِّ الَّذِی نَعَتْ اَهْلُهُ فِی کِتَابِکَ فَقُلْتُ: کَآءَنْهُمْ بُنِیَانٌ مُرْصُوصٌ (۲۱۷)، مُقْبِلِیْنَ غَیْرَ مُدْبِرِیْنَ، عَلٰی طَاعَتِکَ وَ طَاعَةِ رَسُوْلِکَ (ص)، قَائِمًا بِحَقِّکَ غَیْرَ جَاحِدٍ لِاِلَآئِکَ، وَ لَا مُعَانِدٍ لِاَوْلِیَآئِکَ، وَ لَا مُوَالِیًّا لِاَعْدَائِکَ، یا کَرِیْمُ.

اِاللّٰهُمَّ، اجْعَلْ دُعَائِیْ فِی الْمَرْفُوعِ الْمُسْتَجَابِ، وَاجْعَلْنِیْ عِنْدَکَ وَجِیْهًا فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مِنْ الْمُقَرَّبِیْنَ، اِءَلِّذْنِیْ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ، وَ اغْفِرْ لِیْ وَلِوَالِدَیَّ وَ مَا وَلَدْتُ وَ مَا وَلَدْتُ وَ مَا تَوَالَدُوا مِنْ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، یا خَیْرَ الْغَافِرِیْنَ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی قَضٰی عَنِّیْ صَلَآةً کَانَ عَلٰی الْمُؤْمِنِیْنَ کِتَابًا مَوْقُوتًا.

- ستایش خدایی را که پروردگار عالمیان است ، و درود خداوند بر حضرت محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاک او، خداوندا، بر حضرت محمد درود فرست در شب هنگامی که می پوشاند، و بر او درود فرست در روز هنگامی که روشن می نماید، و بر او درود فرست در آخرت و دنیا، و بر او درود فرست تا زمانی که شب و روز آشکار می گردند، و مشرق و مغرب در پی هم می آیند، و دو ستاره مشخص طلوع می کنند، و شب روی می آورد و می رود، و شدیداً تاریک می گردد، و صبح آشکار گشته و سپیده دم روشن می گردد. خداوندا، حضرت محمد (ص) را سخنور مؤمنانی که بر تو وارد می شوند قرار داده ، و هنگامی که در پیشگاهت می ایستند، جامه های نفیس ایمنی را بر تنش بپوشان ، و هنگامی که زبانها لال می شوند زبان او را به مدح و ثنای بر خویش بگشای ، خداوندا، مقام و منزلت او را بلند، و پایه اش را رفیع ، و دلیلش را آشکار گردان ، و شفاعتش را بپذیر، و او را به مقام محمود و جایگاه ستوده ای که وعده اش داده ای برانگیز، و آنچه را بدعت گزاران و نو آوران از اُمّتش بعد از او بدعت گذاری نموده اند، بیامرزد [و محو فرما]. خدایا، از سوی من به روح محمد و آل محمد درود و سلام برسان ، و از آنان بر من درود و سلام بسیار وارد گردان ، ای صاحب عظمت و بزرگواری و بخشش و انعام ،

خدایا، به تو پناه می برم از فتنه های گمراه کننده ، آشکار و نهان آنها، و از گناه و تجاوز به ناحق و اینکه آنچه را که دلیلی برای آن نازل نفرموده ای شریک تو قرار دهم ، یا درباره تو سخنی را که از آن آگاهی ندارم بگویم ، خداوندا، از تو رحمتهای لازم و آمرزشهای حتمی ، و غنیمت برگرفتن از هر کار نیک ، و سلامتی از هر گناه را درخواست می نمایم . و راه یافتن به بهشت و رهایی از آتش جهنّم را از تو می خواهم .

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و در نماز و دعایم برکتی قرار ده که به وسیله آن دلم را پاکیزه گردانیده ، و هراسم را ایمنی بخشیده ، و ناراحتی سخت و گلوگیرم را برطرف ، و گناهم را آمرزیده ، و امورم را اصلاح ، و فقر و ناداری ام را مبدل به بی

نیازی ، و رنجوری و گرفتاری ام را مرتفع ، و ناراحتی ام را برطرف نموده ، و اندوهم را تسلی داده ، و بیماری ام را بهبودی بخشیده ، و ترسم را ایمنی داده ، و حزن و اندوهم را برطرف ، و بدهی ام را ادا نموده ، و پراکندگی و پریشانی ام را جمع ، و رویم را سپید گرداند، و آنچه را که در نزد توست برایم خیر قرار ده ،

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و هیچ گناهی برای من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی ، و هیچ ناراحتی سخت مگر اینکه برطرف نموده باشی ، و هیچ خوف و هراسی مگر اینکه ایمنی بخشیده ، و هیچ بیماری مگر اینکه بهبود ساخته باشی ، و هیچ ناراحتی مگر اینکه برطرف نموده باشی ، و هیچ غمی مگر اینکه مرتفع ساخته باشی ، و هیچ اندوهی مگر اینکه تسلی داده باشی ، و هیچ بدهکاری مگر اینکه ادا نموده باشی ، و هیچ دشمنی مگر اینکه مرا از آن کفایت نموده باشی ، و هیچ حاجتی مگر اینکه برآورده باشی ، و هیچ دعایی مگر اینکه اجابت نموده باشی ، و هیچ خواسته ای مگر اینکه عطا فرموده باشی ، و هیچ امانتی مگر اینکه ادا فرموده باشی ، و هیچ امتحان و گرفتاری مگر اینکه جلو آن را گرفته باشی ، خداوندا، تمام آسیبها و آفات و گرفتاریها، چه آنچه را که توان مرتفع ساختن آن را دارم و چه ندارم ، از من بازدار.

خداوندا، ظلم من با پناهنده شدن به عفو تو، و گناهانم با پناهنده شدن به آمرزشت ، و خوف و هراسم با پناهنده شدن به امن و امان تو، و ناداری ام با پناهنده شدن به بی نیازی ات ، و خواری ام با پناهنده شدن به سرافرازی ات ، و ناتوانی ام با پناهنده شدن به نیروی تو ، و روی [و وجود] پوسنده و فانی شونده ام با پناهنده شدن به روی [و اسماء و صفات ] جاودان و پاینده تو شب نموده ، ای خداوندی که پیش از هر چیز بوده ای ، و ای پدید آورنده هر چیز، بر محمد و آل محمد درود فرست و از من و از خانواده و مال و دارایی و فرزندانم و تمام خویشان و بستگانی که به واسطه ایشان ناراحت می شوم و از برادرانم در راه تو، شرّ هر شرّ رسان ، و شرّ هر سرکش خیره سر و شیطان گردنکش ، و پادشاه و فرمانروای ظالم [یا: سرکش ]، و دشمن چیره ، و حسود ستیزه جو، و ستمکاری که در کمین است ، و از شرّ هر حیوان زهرآلود و غیر سمّی و تمام آنچه که در شب و روز می جنبد. و از شرّ گناهکاران عرب و عجم و گناهکاران و فاسقان جنّ و انس بدور دار، و به زره آهنین محفوظ تو که هیچ کس و چیز نمی تواند آهنگ آن را بکند پناه می برم ، و از تو درخواست می نمایم که مرا با حالت غمناک و اندوهگین و یا در حالتی که از جایی پرت شده و بیافتم ، و یا دیواری خراب شود و بر روی من بریزد، و یا غرق شوم ، و یا بسوزم ، و یا در حالت تشنگی و یا در حالتی که به زور نگاهم دارند و بکشند، [و یا: در حالتی که به من آسیب برسانند و کشته شوم ] و یا مرگم به خاطر قصاص و یا خوراک درندگان گردم ، ممیران . و در رختخوابم در حالت عافیت یا در صفّی که اهل آن را در کتاب خود ستوده و فرموده ای : به گونه ای که گویی ساختمان صُربین هستند بمیران ، در حالتی که روی [به دشمن ] باشیم نه در حال پشت کردن و فرار و گریز از آنها، و نیز در حالتی که در طاعت تو و پیروی رسالت (ص ) بوده ، و به حقّ تو قیام نموده [و آن را بجا آوریم ] بدون اینکه نه نعمتهایت را انکار نمایم ، و نه با دوستان دشمنی داشته باشیم ، و نه با دشمنان دوستی کنیم . ای بزرگوار.

خداوندا، دعای مرا در میان دعاهاى بالا برده شده و مستجاب قرار ده ، و مرا در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاهت بگردان ، آنان که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند، و من و پدر و مادر و تمام فرزندان آنها و مرا و تمام کسانی را که از مردان و زنان مؤمن تولّد یافته اند، پیامرز، ای بهترین آمرزندگان ، و ستایش برای خداوندی که نماز دیگری را که نوشته معین و وقت دار برای مؤمنین است ، از ناحیه من برآورده ساخت .

۹ - از دیگر تعقیبات مهمّ دعای مولایمان حضرت مهدی ( ع ) است که را پیش از این تعقیب تمام نمازها ذکر و روایت کردیم .

۱۰ - از جمله تعقیبات مهمّ، دعای احمد بن عبدالله بن خانبه است که پیشتر در تعقیب نماز ظهر یادآور شدیم ، و آن بعد از همه نمازها برای جبران گناهان و جنایات خوانده می شود.

کیفیت سجده شکر در تعقیب نماز عصر

۱۱ - وقتی بنده از تمام این امور به صورتی که ذکر نمودیم ، یا به هر اندازه که برای او مقدور بود، و خداوند جلّ جلاله توفیق آن را به او عنایت فرمود و از آن خشنود می گردد - فراغت پیدا نمود، لازم است که سجده شکر را به کیفیتى که در تعقیب نماز ظهر بر آن آگاهی دادیم ، همراه با ذلّت و خاکساریِ بندگی برای عظمت الهی بجا آورد.

بعد سجده بجاآور و بگو آنچه را که روایت شده مولایمان علیّ بن الحسین - صلوات الله علیه - همواره در سجده صد بار می فرمود:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا.

- از روی شکر و سپاسگزاری ستایش خدا را می نمایم .

و پس از هر ده بار گفتن آن ، می فرمود:

شُكْرًا لِلْمُجِيبِ

- سپاس می گزارم خداوندی را که اجابت می نماید.

سپس می فرمود:

يَا ذَا الْمَنِّ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ عَبْدًا، وَ لَا يُخْصِيهِ غَيْرُهُ، وَ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ عَبْدًا، يَا كَرِيمُ، يَا كَرِيمُ.

- ای خداوندی که صاحب بخشش جاودانی ای که هیچگاه پایان نپذیرفته ، و غیر تو نمی تواند آن را به شماره درآورد، و ای صاحب نیکی ای که هیچگاه تمام نمی شود، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار.

بعد دعا و تضرّع نموده و حاجت خویش را ذکر می نمود، آنگاه می فرمود:

لَكَ الْحَمْدُ إِنْ أَعْطَيْتَكَ، وَلَكَ الْحُجَّةُ إِنْ عَصَيْتَكَ، لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِعِزَّتِي فِي إِحْسَانٍ مِنْكَ إِلَيَّ فِي حَالٍ [يا: حَالِي] الْحَسَنَةِ، يَا كَرِيمُ، يَا كَرِيمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِهِ بَيْتِهِ، وَصِلْ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَءَسَأَلْتُكَ مَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَابْدَأْ بِهِمْ وَتَنْ بِي بِرَحْمَتِكَ.

- اگر اطاعت تو را نمودم سپاس برای توست ، و اگر معصیت تو را نمودم حجت و برای توست ، در احسان و نیکوکاری از ناحیه تو به من در هنگام انجام حسنه و کار نیک [و یا حال نیکم] نه من ونه دیگر هیچ نقشی نداریم ، ای بزرگوار، ای بزرگوار، بر محمد و اهل بیت او درود فرست . و به رحمتت ، تمام آنچه را که درخواست نموده و می نمایم ، به تمام مردان و زنان مؤمنی که در قسمتهای مشرق و مغرب زمین قرار دارند، برسان ، و نخست به آنان عنایت فرما، و در مرحله دوّم به من بده .

آنگاه سمت راست صورت خویش را بر زمین گذارده و می فرمود:

اَللّٰهُمَّ، لَا تَسْلُبْنِيْ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ وِلَايَتِكَ وَ وِلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

- خداوندا، آنچه را که از ولایت و دوستی خود و ولایت محمد و آل محمد - که درود بر او و ایشان باد - بر من ارزانی داشته ای ، باز مگیر.

بعد سمت چپ صورت خویش را بر زمین می نهاد و مثل آن را می فرمود. (پایان روایت )

۱۲ - سپس هر حاجتی را که دوست داشتی درخواست می نمایی ، و اگر خواستی در حال سجده می گویی :

اَللّٰهُمَّ، لَكَ قَصَدْتُ، وَ اِلَيْكَ اَعْتَمَدْتُ وَ اَعَزَدْتُ، وَ بِكَ وَتَقْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ عَالِمٌ بِمَا اَعَزَدْتُ.

- خدایا، تنها قصد و آهنگ تو را نمودم ، و به تو تکیه کردم و تو را اراده نمودم ، و فقط به تو اعتماد نموده و بر تو توکل کردم ، و تو نسبت به آنچه که اراده نموده ام آگاه هستی .

زیرا در روایت آمده که : هرکس آن را بگوید، سر از سجده بر نمی دارد، مگر اینکه حاجت و خواسته اش برآورده می گردد. ان شاء الله تعالی .

اعمال بعد از سجده شکر و اتمام نماز

۱۳ - وقتی سر از سجده برداشتی ، سه بار دستت را بر جای سجده ات بکش ، و در هر بار آنچه را که پیش از این بعد از سجده نماز ظهر ذکر نمودیم بگو، و دست بر صورتت بکش .

۱۴ - اگر درد و یا بیماری داشته باشی ، هفت بار دست بر جای سجده ات بکش و در هر بار آنچه را که یادآور شدیم بگو، و دستت را بر جایی که بیمار است بکش ، ان شاء الله برطرف می شود.

۱۵ - بعد از خواندن نماز در مسجد با حضور قلب و طهارت باطن ، اعمّ از مسجدهای خاصّ، یا جایگاه مخصوص نماز گزاردن در

خانه یا مسجد حضور در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - هنگام جدا شدن به این نیت جدا شو: برای امتثال امر خداوند - جلّ جلاله

- در انجام اعمال شایسته ای که او - جلّ جلاله - امر فرموده ، از پیشگاه او برمی خیزم ، در حالی که مقصودم از این بندگی خالصانه او - جلّ جلاله - اوست از آن جهت که او در هر حال زبینه پرستش است .

۱۶ - همچنین بگو آنچه را که روایت شده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا(ص) فرمودند: وقتی نمازتان را خواندید و از مسجد بیرون آمدید، بگویید:

اَللّٰهُمَّ، دَعَوْتَنِيْ فَاَجَبْتُ دَعْوَتَكَ، وَ صَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ، وَ اَنْتَ شَرْتُ فِيْ اَرْضِكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ ، فَاَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ، اَلْعَمَلُ بِطَاعَتِكَ وَ اجْتِنَابَ مَعْصِيَّتِكَ وَالْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.

- خداوندا، مرا خواندی و دعوت را اجابت نمودم ، و نماز واجبت را خواندم ، و چنانکه امر فرمودی [بعد از خواندن آن] بر روی زمین [دنبال کار خود] رفتم ، پس از فضل تو، و به واسطه رحمت ، عمل کردن به طاعت و عبادت ، و اجتناب کردن از معصیت ، و از روزی به اندازه ای که مرا از مردم بی نیاز کند، درخواست می نمایم .

اینک می گویم : بنابراین ، شایسته است که بنده بعد از خواندن نماز عصر و اظهار خاکساری و ذلت برای خدا و یاد او، هنگام جدا شدن از آن توجّه داشته باشد که هرگز از خاکساریِ بندگی خداوند و از اطلاع و آگاهی و اشراف احاطه علوم ربّانی او جدا نمی گردد، و نیز توجّه داشته باشد که بعد از این در هیچ حرکت و سکونی که با خداوند معامله می کند آزاد و رها گذاشته نشده ، بلکه از او خواسته اند که در تمام تصرفات و کارهایش عابد خداوند - جلّ جلاله - باشد.

در برخی از حکایت‌های اهل مراقبه آمده که بعضی از آنان همراه با دوستی که مدّت زمانی با او مصاحبت اختیار نموده بود با عده ای در کشتی ای که در آن گندم بود نشسته بودند، و گندم مال هیچیک از این دو نفر نبود، یکی از روی غفلت از گندم برداشت و یک دانه از آن را خورد، دوستش به او نگاه کرد و گفت : این چه کاری است ؟ وی گفت : از نفس خویش غافل شدم . رفیقش به او گفت :

إِمَّا تَقُوْمُونَ كَذَا، اءَوْ فَاَقْعُدُوا

مَا كُلُّ مَنْ رَامَ السَّمَاءَ يَصْعَدُ

عَنْ تَعَبٍ اءَوْ رَدَّ سَاقِي اءَوَّلًا

وَمَسَحَتْ غُرَّةَ سَبَاقِي [یا: سَيَّافٍ] يَدُ



- یا چنین [جوانمردانه] برخیزید وگرنه بنشینید، چنین نیست که هرکس آهنگ آسمان را کرد بتواند بالا برود.

به این صورت که ابتدا رنج و سختی را تحمل و پا فشاری و استقامت کنید، که تنها در این صورت است که شخص پیشرو در مسابقه [یا: شمشیر زن یکتا] به جایزه نفیس دست می یابد.

اگر انسان با وجود رها کردن و ترک طلب، شرافت و برتری می یافت، مسلماً شمشیر تیزی که در غلاف است، نیز می بُرید. فصل بیست و دوم: محاسبه و اصلاح نامه عمل و ادعیه هنگام غروب آفتاب

لزوم محاسبه و توبه از گناهان

در روایت آمده که حضرت ابی الحسن ماضی امام کاظم - صلوات الله علیه - فرمود: هرکس در هر روز، خود را محاسبه ننماید، از ما نیست، پس اگر کار نیکی انجام داده باشد از خداوند طلب می کند که آن را افزایش دهد، و اگر کار بدی کرده باشد، از خداوند طلب آمرزش نموده و توبه می کند.

و نیز در حدیث است که حسن بن علی (علیهما السلام) فرمود رسول خدا(ص) فرمودند: بنده، مؤمن نمی شود، تا اینکه سخت تر از حساب کشی ای که شریک از شریک خود، و مولی از برده اش می کشد، از نفس خود حساب بکشد...

بر این پایه، می گویم: اگر در هر روز هنگام نزدیک غروب آفتاب در حالی باشی که از هر چه که مقتضی استحقاق عقوبت یا سرزنش یا نکوهش است سالم و ایمن باشی، بنده نیکبختی هستی. هر چند این مقام برای غیر معصوم بعید است، زیرا مولایمان امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه و سلامه - وقتی در نهج البلاغه دنیا را توصیف می فرماید، و ذکر می کند که پیامبر اکرم - صلوات الله علیه و سلامه - آن را دشمن می داشت، و حقیر و کوچک می شمرد، و همچنین خداوند - جلّ جلاله - آن را برای اولیا و ویژگان و دوستانش دشمن و بد می داند، آن بزرگوار(ع) می فرماید: اگر جز این خصلت در ما نبود که هرچه را که خداوند دشمن می دارد دوست می داریم، و هرچه را که خداوند کوچک و بی ارزش می داند بزرگش می شماریم، بی گمان همین برای دشمنی و ستیز با خداوند و بیرون آمدن از تحت فرمانش کافی بود.(۲۱۸)

اینک چگونه است حال ما که چیزهای دیگری را بر این مصائب و گرفتاریها افزوده ایم، به گونه ای که توکلیمان بر حول و قوه و نیرو خود و بر اموال و آرزوهای دست نیافتنی از آرامشمان به خداوند - جلّ جلاله - که مالک همه بخششهاست، قوی تر است، و نیز اطمینان قلبی مان به نویدهای بندگان از اطمینانمان به نوید خداوندی که پادشاه آخرت است قوی تر، و بیم و هراسمان از وعده

کیفر مردمان از وعده عذاب خداوندی که پادشاه شبها و روزهاست بر ما سخت تر است ، و مقصودمان از دوستی یکدیگر شیرین تر و قوی تر از دوستی مان با خداوند یا دوستی خداوند - جلّ جلاله - با ما است ، و نزدیکی به یکدیگر برای ما مهمّ تر از نزدیکی جستن به درگاه خداوند - جلّ جلاله - یا قُرب او به ما است ، و روی آوردن و توجّه مان به یکدیگر از اقبال و توجّه بر خداوند - جلّ جلاله - یا طلب توجّه او بر ما کاملتر است ، و مدح همدیگر در نفوسمان مؤثرتر از مدح و ستایش او - جلّ جلاله - یا طلب مدح و ثنای او ما را می باشد، و نکوهش همدیگر در نزدمان سخت تر از سرزنش خداوند - جلّ جلاله - ما را، یا نکوهش برخی از دشمنان او - جلّ جلاله - او را می باشد، زیرا ما گاهی با برخی از کافرانی که خدا را نکوهش می کنند مصاحبت می کنیم ، و اُنسمان به مصاحبت با کسی که در حقّ ما اعمال نیکی را انجام می دهد بیشتر از مصاحبت با کسی است که در حقّ خداوند - جلّ جلاله - چنین می کند، و اُنسمان به یکدیگر از اُنس به جلال و حضور خدا بر ما کاملتر است . و نیکوکاری مان به یکدیگر در دلمان از احسان خداوندی که از اندک شکر نعمت او ناتوانیم بزرگتر است ، و درخواست حوایج دیگران از ما و انجام دادن آنها برای بندگان برای ما آسانتر از بجا آوردن واجبات یا مستحبات یا پیروی از خواسته خداست . و به دیگر بیماریهای عقلی که مضمون این کتاب مجال آن را ندارد، قبلاً هستیم ، در حالی که کتاب خداوند - جلّ جلاله - نسبت به پیروان این آیین مبین اسلام چنین مطالبی را نمی پسندد، و می فرماید:

وَلَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ. (۲۱۹)

- [بگو: ای اهل کتاب ...] و اینکه ما یکدیگر را به عنوان پروردگاران غیر خدا نگیریم .

همچنین در روایت آمده که مولایمان علیّ (ع) فرمود: اما بعد، براستی که خداوند - تبارک و تعالی - حضرت محمّد(ص) را به حق برانگیخت ، تا بندگان را از پرستش بندگان به پرستش خویش ، و از وفای به پیمانهای بندگان به عمل به پیمانهای خود، و از اطاعت بندگان به طاعت و عبادت خود، و از ولایت [یعنی دوستی و یا سرپرستی] بندگان به ولایت خویش بیرون آورد. و نیز در بعضی از احادیث دیدم که : خداوند - جلّ جلاله - به بعضی از پیامبران و خواصّ درگاهش از ظلم و ستم بندگان نسبت به مقام مقدّسش گله و شکوه می نماید.

براستی اگر گله و شکوه از بیان و گفتار خداوند صادر نشده باشد، زبان حال او چگونه شکایت ننماید؟ در حالی که ما به اعمال زشتی که شرح دادیم متّصف هستیم . و نادانی بندگان و بردگان به آنجا رسیده که خداوند - جلّ جلاله - به تنهایی آنان را آفرید، و هیچ کس در آفرینش و تقدیر امور آنان شریک او نبود، آنگاه هم او - جلّ جلاله - به منظور آگاهانیدن آنان نسبت به یگانگی اش - جلّ جلاله - در پدید آوردن و تدبیرشان فرمود:

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ، فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ، اءَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ، اءَاَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ اَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ؟! (۲۲۰)

- ما شما را آفریدیم ، پس چرا باور ندارید؟ پس آیا ندیدید که شما منی بودید، آیا شما آن را [به صورت انسان ] خلق می کنید، یا اینکه آفریده ماییم ؟!

و نیز او - جلّ جلاله - فرمود:

ما اَشْهَدُتَهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَا خَلَقَ اَنْفُسِهِمْ. (۲۲۱)

- آنان را بر آفرینش آسمانها و زمین و یا بر آفرینش خودشان آگاه نگردانیدم .

و پیش از آفرینش آنان ، زمینها را برای آنان آماده ، و آسمان را سقف محفوظ قرار داد، و ستونی برای آن قرار نداد، و کوهها را به عنوان میخهای محافظ زمین قرار داد، و جویها را در آن روان ساخت ، و درختان را برای آنان نشاند، و شب و روز برایشان در پی هم آورد، و مسکن و خانه و دیگر چیزهایی را که در طول زندگی شان بدان نیازمند هستند کاملاً برای آنان مهیا نمود.

وَ اِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوها، اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ. (۲۲۲)

- و اگر بخواهید نعمت خدا را به شماره درآورید، نمی توانید، برآستی که انسان بسیار ستمکار و ناسپاس است .

سپس آنان را با نرمی و آرامش و اکرام تربیت نمود، و بعد از بلوغ به نیکویی و احترام با ایشان معامله نمود و او - جلّ جلاله - فرمود:

وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ، وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ. (۲۲۳)

- و برآستی که پسران [و فرزندان ] آدم [(ع)] را گرامی داشتیم ، و آنها را در خشکی و دریا حمل نمودیم .

و هنگامی که سوء عبودیت نمودند، با گذشت و چشم پوشی با آنان معامله نمود.

ولی آنان نه حقّ آفرینش خدا را شناختند، و نه به حقوق پرورش او اعتراف نمودند، و نه حقوق مصاحبتِ نیکوی او را مراعات کردند، و نه از ستر و پوشش و بردباری او حیا کردند، و نه حقّ پادشاهی و سروری او را به خاطر مقام بزرگش بجا آوردند، و نه به خاطر اقبال و توجّه او، و یا به جهت بخشش و نویدها، و یا به جهت تهدید و وعده عذابش برای انجام حقّ بندگی اش پیا خاسته اند. و کار به آنجا رسید که مانند آزادگان در خویش تصرّف می نمائید، لذا بر چهره ها و حرکتها و سکنااتشان اثر حضور در محضر مولایشان را - که همواره آنان را می بیند - مشاهده نمی نمایی تا خاکساری بندگی و شکست و انکسار بر آنان نمایان باشد. و این از سخت ترین خطرهاست .

سپس تا وقت معین دار دنیا را به آنان عاریه و امانت داد، و با دستور دادن و فرستادن پیامبر و کتاب آسمانی آنان را آگاهانید که آن را از ایشان خواهد گرفت و به دیگران خواهد داد، ولی آنان مانند مالکان در آن تصرّف نمودند. و هنگامی که پیکش ، یعنی فرشته مرگ به دستور او به سوی آنان می آمد، مانند ستیزه جویان و ناخوشایندان از آن بیرون می آیند.

و اموالی را به آنان عاریه و امانت داد، تا در راه خشنودی اش از آن بهره بگیرند، ولی آنان مانند کسی که دست دیگری بالای دستش نیست و هیچ مولایی هم او را نمی بیند تصرف می کنند، و آن را علیه او به ملک خویش درمی آورند، تا اینکه سوء ادبشان در پیشگاه خداوند به آنجا رسیده که وقتی کتابی برای آنان فرستاد، و حضرت محمد (ص) را به عنوان پیامبر برانگیخت، و آن بزرگوار از آنان اموالی - کم و یا زیاد - را خواست تا آن را در آبادانی آخرتشان صرف کنند، از صرف کردن آن اموال بدشان آمد، به گونه ای که گویی آن را به دیگری می دهند، و گویا که آنان مالک آن هستند و خداوند - جلّ جلاله - از آنان به عاریه چیزی می طلبد. و این از جمله هلاکتهای عظیم و بزرگ است.

و نیز سوء بندگی، آنان را به آنجا رسانید که خود را شریک مالک زندگانی و مرگشان قرار دادند، و با اراده ها و ناخوشایندیهایشان، با خواسته های و ناخوشایندیهای او - جلّ جلاله - ستیزه جویی نموده، و سرانجام سوء بندگی شان به آنجا رسید که مولایشان را از مقام الهیّت برکنار شمرده، و از تدبیر و کارسازی او جز آنچه که با هوا و هوسشان [یا: خشنودی شان] موافق باشد، ناخشنود شدند، به گونه ای که گویا می خواهند تدبیر دنیا و آخرت به سود آنان و به دستشان باشد.

نتیجه اینکه: هرکس این راه را بیپیماید، یا حالش اندکی کمتر از آن و مشابه آن باشد، رویش در نزد کسی که بر اسرار او آگاهی دارد سیاه، و نامه عملش در نزد خدا و فرشتگان نگاهبان بر او در شبانه روز، سیاه خواهد بود.

در روایتی آمده که مولایمان علیّ (ع) فرمود: هیچ ایمان همراه با یقین شبیه تر به شکّ و تردید، برای انسان ندیدم که هر روز افرادی را در قبرها به ودیعه می گذارد و تشییع می کند، ولی باز به سوی فریب دنیا بازمی گردد، و از میال میل نفسانی و گناهان خود دست برنمی دارد.

بنابراین، اگر فرزند بیچاره آدم هیچ گناهی نداشت که واری شود، و هیچ حسابی نداشت که به واسطه آن مورد بازخواست قرار گیرد، جز مرگ - که امور گرد آمده او را پراکنده، و جمع او را جدا می سازد، و فرزندانش را یتیم می نماید - بی گمان شایسته بود که با تحمّل سخت ترین رنج و دشواری و آزدگی از آن بیم داشته و بپرهیزد. و حال آنکه ما چنان از مرگ غفلت داریم که گویی هرگز بر ما فرود نخواهد آمد، و مانند مردمانی که به ماندگاری در دنیا یقین دارند، به دنیا و شهوات آن آسوده ایم، و همانند عدّه ای که نه امید به حساب دارند و نه بیم از عذاب، از معاصی و گناهان غفلت داریم.

و این حال ماست که حضرت با این اشاره و عبارت روشن، بر اساس ضرب المثل عربی که إِيَّاكَ اَعْنِي، وَ اَسْمَعِي یا جَارَةُ: (مقصودم تو هستی، ولی تو بشنو ای زن همسایه.) بدان اشاره نموده است.

از آنجا که حضرت ائمه (علیهم السلام) از فرجام حال ما آگاهی دارند، و جریان و امور بندگان به ایشان واگذار شده است، لذا به هرچه که خداوند - جلّ جلاله - و رسولش آنان را مطلع ساخته، اشاره کرده اند تا آغاز نامه عمل بندگان و خاتمه عمل آنان خیر باشد، و اعمال ما بین آن دو آمرزیده گردد:

۱ - از آن جمله در حدیث است که امام باقر(ع) به نقل از پدر بزرگوارش امام زین العابدین (ع) فرمود: فرشته ای بر بنده گمارده

شده که نامه عمل او را می نویسد، پس اوّل و آخر آن را با عمل نیک پُر کنید، تا اعمال میان آن دو برای شما آمرزیده شود.

۲ - به خطّ همچنین در روایتی آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: هیچ روز بر فرزند آدم نمی گذارد مگر

اینکه آن روز می گوید: ای فرزند آدم، من روز نو و جدید هستم، و بر ضرر تو شهادت خواهم داد، پس در من عمل خیر انجام ده، تا در روز قیامت به نفع تو شهادت دهم، براستی که هرگز و هیچگاه مرا نخواهی دید.

۳ - در روایت آمده که حضرت جعفر بن محمد به نقل از پدر بزرگوارش (علیهماالسلام) فرمود: براستی که وقتی شب فرا می رسد، با صدایی بلند که همه خلایق جز جنّ و انس می شنوند، ندا می کند که: ای فرزند آدم، براستی که من آفریده ای نو هستم، و بر تمام اموری که در من واقع می شود شهادت خواهم داد، پس از من بهره بگیر، که اگر آفتاب طلوع کند، دیگر هیچگاه به دنیا بازگشت نمی کنم، و هیچ کس نمی تواند در من کار نیکی انجام داده و یا از کار بد و گناهی توبه نماید؛ و هنگامی که شب سپری می شود و پشت می کند، روز نیز به این همین صورت سخن می گوید.

لذا می گویم: وقتی اواخر روز این بنده پرلغزش فرا رسید، و او سوء بندگی و اصرار بر گناهان که ذکر نمودیم داشت، لازم است که با قلب خویش به سوی درِ رحمت پروردگارش روی آورده، و جنایاتی را که در طول روز در باطن و ظاهر انجام داده به یاد بیاورد، و مانند بنده ذلیل در پیشگاه خداوند مالک و توانا و قاهر از آن توبه نماید.

در مرحله بعد، اگر آنچه را که در روز انجام داده به یادش نیامد، این نشانه کم اعتنایی او نسبت به خداوندی است که بر اسرار آگاهی و اشراف دارد، به هر حال در این صورت اجمالاً از تمام گناهان باطنی و ظاهری و اوّلین و آخرین آنها توبه می نماید. در مرحله سوّم، اگر نفّسش با اخلاص باطن و صدق نیّت را بر توبه از گناهان، با ظاهرش موافق ندید، باید بیم آن را داشته باشد که خداوند از او قصاص نموده و به واسطه نابودی و تباهی و ویرانی دنیا نابود شود، و با این حالت در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - بایستد، و از او درخواست عفو نماید، زیرا گاهی مولی با اینکه بنده اش ناخشنود است، او را عفو می نماید.

و بالاخره نه اگر باطنش صدق نیّت داشت و نه حالت توبه جنایتکاران با وجود اصرار بر گناه و نیز بسان گناهکاران سرکش و نافرمان اراده کامل در اخلاص طلب عفو با حالت ذلّت و خاکساری نداشت، باید مانند کسی که خود را تسلیم مولایش نموده و گردنش را دراز کرده، خویشتن را نسبت به جنایتی که نموده در جایگاه قصاص قرار دهد، و با حالت کسی که در برابر خداوندگار اعظم بزرگوار تسلیم و ذلیل است با رعایت آداب اهل مناجات با خداوند که ما پیش از توصیف نمودیم، (۲۲۴) او را بخواند.

ناگفته نماند که: اگر همنشین با اهل غفلت بودی، مبادا که به جای اشتغال به مولایت که مالک سعادت‌مندی تو در دنیا و دین است، به آنان مشغول گردی.

کیفیت محاسبه و مناجات با پروردگار

باید هنگام حساب کشیدن از خود، عقل و دلت نسبت به خداوند - جلّ جلاله - که از غیب و نهان آگاه است ، و برای دو فرشته نگاهبان [اعمال] حضور و توجّه داشته باشد، و همانند حساب کشیدن مولی از برده اش و یا صاحب کالای از کارگری که برای او کار می کند و یا بسان حساب کشیدن شریک از شریک خود که بر تمام اموری که برای او رُخ داده اطلاع دارد، از خود محاسبه نما، و آگاه و متذکّر باش که انکار کردن و خود را به غفلت زدن برای تو سودمند نیست ، بلکه مقتضای آن خشم و غضب خداوندی است که برای او محاسبه می کنی ، و کاملاً از اعمال تو آگاه است .

سپس با عقل خویش متذکّر باش که اعضا و جوارحت ، در مقام شکایت از تو به واسطه بکار گرفتن آنها در غیر آنچه برای آن آفریده شده اند، شکایت‌هایی به درگاه خداوند متعال دارند، و همچنین از تو نسبت به تمام کسانی که به ادای حقّ آنها مکلف بودی و انجام ندادی شکایت و گله گذاری می کنند. پس حال که اعضا و جوارح با تو از دَرِ عَدْل درآمدند، تو نیز همراه با آنها به این صورت از خود و آنها به درگاه خداوند متعال گله گذاری کن و عرضه بدار و همه را از باب فَضْل بر خدا عرضه کن ، پس بگو: خداوندا، من جهت محاسبه در محضر تو آماده شده ام ، ولی نه قدرتی برای حضور در پیشگاهت برای حساب کشی تو دارم ، و نه جراتی بر آشکار شدن اعمال بدم ، لذا من به یاد حضرت تو هستم ، به جهت امتثال امر و تعظیم قدرتت بر این کار اقدام نمودم ، و نخست چیزی که می گویم این است که : من عملی ندارم که مورد پسند درگاه تو باشد؛ زیرا می بینم که نشاط نفّس من برای خواسته های فراوان خود و کسانی که در نزد من ارجمند هستند، از نشاطم برای طاعت و عبادت بیشتر است ، و می بینم که بیشتر خواسته هایی که بدان نشاط پیدا می کنم همه و یا بیشتر سودش برای دیگری است ، و من با سرگرم شدن به آنها مقداری از عمر خویش را تلف نموده و به بیهوده صرف نمودم ، در حالی که قدرت آن را داشتم که در آن مدّت برای تو عمل و به سود خود عمل کنم ؛ بنابراین ، در معامله با تو بدّ تدبیری داشتم ، و هیچ عمل مورد پسند در برابر جلال و عظمت و نعمت برای من باقی نمانده است .

ای آقای من ، همچنین تاب تحمّل عقاب و توبیخ و عدم احسان یا خوار نمودن را ندارم و دستم از آن تّهی است ، و تو خود فرموده ای که

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ، فَنظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ. (۲۲۵)

- و اگر بدهکار تنگدست باشد، تا زمان توانگری او انتظار بکشید.

و این تنگدستی مرا امیدِ توانگری نیست ، و بزرگواری و بردباری و عفو تو زینده پذیرش عذرِ پوزش خواهان است . چگونه در زندان خشم یا عذاب تو محبوس باشم ، در حالی که خود طلبکار و شاهد تنگدستی ام می باشی؟! و با عقلم که به نور خویش بر من ارزانی داشته ای ، دریافته ام که وقتی بنده از مولای خود به سوی او بگریزد، یا در پیشگاهش تسلیم شود، یا از خشم او به عفو و گذشتش پناه ببرد، یا به خاطر غضب آقایش ، بر خود خشمگین گردد، و با واسطه قرار دادن کسانی که در نزد او ارجمند هستند به

او توسّل جوید، یا از دَری وارد شود که آقایش کسانی را که از آن در به محضرش وارد می شوند مورد مرحمت خویش قرار می دهد، مسلّمّاً شایسته کامیابی و دست یافتن به رحمت یا عفو یا خشنودی مولایش می گردد.

و من نیز به خاطر مهالکی که بر من احاطه نموده ، همه این راهها را به سوی حلم و بردباری ات پیموده ام ، و از درِی داخل شده ام که قوم حضرت ادريس و قوم حضرت یونس (علیهماالسلام ) از آن وارد شدند و آنان را مورد مرحمت خویش قرار داده ، و به واسطه خشم پیامبرت بر آنها، بر عذاب آنان اصرار نمودی . و از درِی وارد شده ام که ابلیس با علم به اصرار ورزی پیوسته اش بر نافرمانی ات از تو مهلت خواست ، و تو خواسته اش را اجابت نمودی . و بر دَری ایستاده ام که هدایت و عنایت خویش را از آن بر ساحران و افسونگران فرعون آغاز نمودی ، تا اینکه از دوستان تو گردیدند با وجود اینکه از دشمنان تو بودند، و بر همان در ایستاده ام که هدایت و عنایت را بر امّت‌های پیامبران پیشین که پیوسته بر پرستش بُتها روی آورده و مستحقّ نابودی بودند، آغاز فرمودی ، پس از روی خشم و غضب پیامبر را به سوی آنان گسیل داشتی که ایشان را راهنمایی کرد، تا اینکه عدّه بسیاری از آنان از اولیاء و عزیزان درگاهت گردید. و بر دَرِ رحمت رسولت حضرت محمّد (ص ) ایستاده ام ، و به وسیله رحمت او یاری می جویم و امیدوارم که گناهانم بیشتر از اُمّت حضرت موسی (ع ) نباشد، آنان که گوساله پرست بودند، و گفتند:

إِذْهَبْ أَعْتَبْ وَ رَبُّكَ فَكَاتِلَا (۲۲۶)

– تو همراه پروردگارت بروید و با او بجنگید.

و گفتند:

إِعْرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً. (۲۲۷)

– خدا را آشکارا به ما نشان بده .

ولی با وجود این همه گناه ، حضرت موسی (ع ) از آنان شفاعت نمود، به حدّی که در تورات دیدم که وی به تو جلّ جلالک – عرض کرد: اگر شفاعت مرا درباره آنان نمی پذیری ، نام مرا از رسالت و پیامبری محو فرما. و تو ای خدا، – شفاعت او را پذیرفتی و با اینکه مرده بودند زندشان گردانیدی ، و آنان را بسانی کسانی که معصیت تو را می نمایند توصیف نمودی ، پس ما به واسطه تو به رسولت حضرت محمّد(ص ) متوجّه می شویم تا شفاعت ما را به تو بپذیرد و شفاعتش را درباره ما ردّ نفرمایی .

و با این همه واسطه ، به اندازه جنایات و گناهانم ، و به اندازه ای که به خاطر نافرمانی ها و گناهانم حرمتت را دریدم (هر چند نیست به آن جاهل بودم )، و حرمت رسولت و شریعتت و حرمت ویژگان درگاهت و حرمت قرآنت را شکستم و به مقام بزرگت اهانت نموده و کوچک شمرم ، به سوی تو توبه می کنم .

پس اگر توبه ام را بپذیری که چه خوب ، وگرنه پس از من درگذر، که گاهی مولی با اینکه از برده اش ناخشنود است او را عفو می کند، یا حداقل بر من خشم مگیر، زیرا کسی که بر عذاب و عقوبت کردن قادر نباشد یا وقتی که جانی از او سرپیچی کند، خشمگین می گردد، و تو قادری و من تسلیم تو، ای آقای من .

تو آگاهی که شیطان ، دشمن من و دوست ، و اگر با تسلط دادن او بر من ، مرا مؤاخذه نمایی ، او به من و به جناب تو شماتت می نماید. و اگر از عذاب کردن من ناگزیری ، تقاضا دارم که عذاب من تنها از سوی تو باشد، نه به دست دشمن تو و من .

و از آنجا که نسبت به من نیکی می کنی و گناهانم را می پوشانی ، دریافتم که نفس من نسبتی با تو دارد و بر درگاه تو درآویخته است ، و دیده و شنیده ام که پادشاهان از کسانی که به آنان وابسته شده و نسبتی داشته باشند، درمی گذرند، و عقل گواهی می دهد که عفو و گذشت از صفتهای کمال است ، و تو به داشتن صفتهای کمال زینده تری ، پس اگر واسطه ها و درخواستهای من در نزد تو کوچک و بی اهمیت است ، پس در دفتری که در آن - آرزو شوندگان نسبت به آرزو کنندگان ، و درخواست شوندگان نسبت به درخواست کنندگان ، و نیکوکاران نسبت به بدکاران ، و نیرومندان نسبت به ناتوانان ، و توانگران نسبت به نیازمندان ، و سرافرازان نسبت به افتادگان ، و فرزندان نسبت به نابخردان ، و پادشاهان نسبت به زیردستان ، و آقایان نسبت به بردگان و اطرافیانشان ، و بزرگان نسبت به فرومایگان ، و میهمان داران نسبت به میهمانان ، و پناه آورده شدگان نسبت به کسانی که در همسایگی آنان درآمده و به آنان پناه آورده اند - سفارش شده ، و به طور کلی در سفارش هر اهل کمال نسبت به اهل نقصان از من یاد کن .

ای آقای من ، این سفارشها و مرحمتها مرا نیز فرا می گیرد، به رشته های این اخلاق بزرگمنشانه چنگ می زنی ، زیرا تو - جَلَّ جَلَالُكَ - بالاترین صفات کمال را دارا هستی ، و من در اعمال و حالاتم به صفات نقصان متّصف هستم .

و نیز می بینم که بندگان را به عفو و گذشت سفارش ، و بر آن پادشها و عطایای فراوان عطا نمودی ، و کسانی را که خشم خود را فرو برده و از مردم گذشت می کنند ستوده ای ، و تو نسبت به عفو و گذشت زینده تری .

و این بنده ات کلماتی را می گوید که هرکس آنها را بگوید، مشمول مرحمتها و استجابتهای تو را، خواهد شد. می گویم :

رَبَّنَا، ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا، وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا، لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۲۸)

- پروردگارا، ما به خود ستم نمودیم ، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نیآوری ، مسلماً از زیانکاران خواهیم شد.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. (۲۲۹)

- معبودی جز تو نیست ، پاک و منزّهی ، براستی که من از ستمکاران بودم .

رَبِّ، إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (۲۳۰)

- پروردگارا، بی گمان رنجوری بر من رسیده ، و تو مهربانترین مهربانها می باشی .



رَبَّنَا، إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ، اءَنْ أَمِنُوا بِرَبِّكُمْ، فَأَمَّا، رَبَّنَا، فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا، وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. (۲۳۱)

– پروردگارا، شنیدیم که ندا برآورنده ای برای ایمان آوردن صدا می کند که : به پروردگارتان ایمان بیاورید، و ما ایمان آوردیم .  
پروردگارا، پس گناهانمان را بیامرز، و بدیهایمان را بیوشان ، و ما را با ابرار و نیکان بمیران ، پروردگارا، و آنچه را که به فرستادگانت وعده دادی به ما نیز ارزانی دار، و در روز قیامت رسوایمان مگردان ، براستی که تو هرگز خلف وعده نمی نمایی .  
و آخرین سخنی که می گویم این است : ای آقای من ، هیچ چیز از آنچه را که با تو گفتگو نمودم ، و یا به واسطه آن به درگاه تو چنگ زدم ، نمی دانستم . تو بودی که مرا با بردباری و بزرگواری و رحمت آشنا فرمودی ، تا اینکه زبانم برای توسل به مهر و راءفتت گشوده شد، پس تمام آنچه را که سزاوار کسی است – که نیکوکاری چیزی از او نمی کاهد، و محروم گردانیدن دیگران چیزی بر او نمی افزاید هم او که به بندگان جنایتکارش راههای درخواست نمودن از خود را می آموزد، و آنان را آگاه می کند که چگونه بخواهند که درهای رحمتش را بگشاید، و نسبت به آنان به اندازه ای بردبار است که آنان با او گفتگو نموده و تسلیم او می شوند – نسبت به من شایسته ترین امور به صفتهای کمال و شیوه های زیبایی را روا دار. که تو مهربانترین مهربانها و بزرگواریترین بزرگواریترین ها و دلسوزترین مالکان می باشی .

خداوندا، براستی که من تو را خواندم و به تو امید بستم ، اگر بر من روی آورده و توجه نموده ای بر من رحم فرما، و دعایم را مستجاب نما، و امیدواری ام را به خاطر مشرف گردانیدن من به اقبال و توجه خود تصدیق فرما. و اگر هنگام گفتگوی من با مقام بزرگ خود، از من روی گردانده ای ، پس به خاطر نابودی و هلاکت به واسطه اعراض خود از من ، با رحمت واسعه و بخششی که داری ، بر من رحم آر، که در تضرع و زاری در پیشگاهت ، با واسطه قرار دادن کسانی که در نزد تو ارجمند هستند به تو متوجه شده ام ، پس اگر ایشان به من توجه دارند، به خاطر آن بزرگواران بر من رحم کن ، و اگر به خاطر تو از من روی گردان شده اند، پس به خاطر حرمت وفای آنان به خود در روی گردانیدن از من ، مرا مورد رحمت خویش قرار ده ، و در زیر سایه رحمت خویش و عنایت آنان داخل گردان .

اعمال وقت طلوع و غروب آفتاب

بعد انجام بده آنچه را که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: پس هنگامی که رنگ آفتاب دگرگون شد، خداوند – عزوجلّ – را یاد کن ، و اگر با گروهی همنشین باشی که تو را سرگرم و از یاد خدا مشغول کنند، برخیز و دعا کن .

۲ - همچنین از جمله اعمال وقت دگرگون شدن آفتاب به واسطه غروب آن ، این است که آنچه را از امام باقر(ع) روایت شده انجام دهی و بگویی که فرمود: رسول خدا(ص) همواره وقتی آفتاب بر سر قلّه کوه سُرخ می شد، چشمانش پر از اشک می گردید و می فرمود:

[اَمْسِ ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَ اَمْسَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ] اَمْسِ خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِاَمْنِكَ، وَ اَمْسِ ذُلِّي مُسْتَجِيراً [بِعِزَّتِكَ، وَ اَمْسِ فَقْرِي مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ، وَ اَمْسِ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي] مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الْكَرِيمِ. اَللّهُمَّ، اَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ، [وَ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ]، وَ جَلِّلْنِي كَرَامَتِكَ، وَ غَشِّنِي رَحْمَتَكَ [يَا: بِرَحْمَتِكَ]، وَ قِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ، يَا اَللّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ.

- [ظلم و ستم من با پناهنده شدن به عفو تو، و گناهانم با پناهنده شدن به آمرزشت ، و] خوف و هراسم با پناهنده شدن به امنیت تو، و خواری ام با پناهنده شدن [به عزّت و سرافرازی ات و فقر و ناداری ام با پناهنده شدن به بی نیازی ات ، و روی و وجود پوسنده و نابود شونده ام با پناهنده شدن به روی و اسماء و صفات ] پاینده و گرمی ات شب نموده ، خداوندا، عافیت را به من بیوشان ، و به رحمت مرا فراگیر، و کرامت را به تم کن ، و رحمت را بر من بیوشان ، و از شرّ مخلوقات جنیان و انسانها نگاه دار، ای خدا، ای رحمت گستر، ای مهربان .

۳ - و نیز هنگام غروب آفتاب و بعد از طلوع فجر، تسبیح و تهلیل بگو، چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: حضرت علیّ (ع) وقتی صبح می کرد، می فرمود، خوش آمدید ای دو فرشته نگاهبان بزرگوار، ان شاء الله بر شما املا می کنم آنچه را که شما دوست می دارید، بنویسید، بعد تا طلوع آفتاب مشغول تسبیح و تهلیل می شد و بعد از عصر تا غروب آفتاب نیز چنین می کرد.

۴ - بگو آنچه را که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هرکس هنگام غروب آفتاب در هر روز بگوید:

يَا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ (ص)، اِخْتِمَ لِي فِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ، وَ شَهْرِي بِخَيْرٍ، وَ سَتَيِّ بِخَيْرٍ، وَ عُمْرِي بِخَيْرٍ.

- ای خدایی که پیامبری را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتمه دادی ، این روز و ماه و سال و عمرم را به خیر و خوبی خاتمه ده .

و در آن شب یا در جمعه همان هفته ، یا در آن ماه ، یا در آن سال بمیرد، وارد بهشت می گردد.

۵ - همچنین پیش از غروب ، صد بار تکبیر خداوند - جلّ جلاله - را بگو، زیرا در روایت آمده که حضرت علیّ بن الحسین

(علیهماالسلام) فرمود: صد بار اَللّهُ اَكْبَرُ گفتن پیش از غروب آفتاب ، برتر از آزاد نمودن صد برده است .

و نیز در حدیث است که امام باقر (ع) فرمود: هرکس پیش از طلوع و غروب آفتاب ، صد بار اَللّهُ اَكْبَرُ بگوید، مانند پاداش کسی که صد برده آزاده کرده برای او نوشته می شود.

۶ - بگوید آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: چه خوب است که هنگام صبح و شام ، سه بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ، مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَالْاَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ، وَ لَا تُزِعْ قَلْبِيْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ ، وَ هَبْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ،  
وَاَعِزَّنِيْ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ، اَمُدُّ لِيْ فِيْ عُمْرِيْ ، وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ فِيْ رِزْقِيْ ، وَاَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَ اِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِيْ اُمِّ  
الْكِتَابِ شَقِيًّا، فَاجْعَلْنِيْ سَعِيْدًا، فَاِنَّكَ تَمَحُّوْ مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ.

- خداوندا، ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها و دیدگان ، قلبم را بر دینت استوار گردان ، و دلم را بعد از آنکه هدایت فرمودی  
منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده ای ، و مرا به رحمت خویش از آتش جهنم  
در پناه خویش درآور. خداوندا، عمر مرا طولانی گردان ، و روزی ام را وسعت ده ، و رحمت را بر من بگستران ، و اگر در نزد تو در و  
کتابِ مادر بدبخت هستم ، پس مرا سعادتمند قرار ده ، که تو هرچه را بخواهی محو و یا ثابت می گردانی ، و کتابِ مادر تنها در نزد  
توست .

۷ - بگو آنچه را که روایت امام صادق (ع) فرمود: دعا کردن پیش از طلوع و غروب آفتاب ، سنت واجب است ، یعنی سپیده دم و  
غروب آفتاب که ده بار می گوید [یا: می گویی]:

لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِيْ وَ يُمِيْتُ، [وَ يُمِيْتُ وَ يُحْيِيْ]، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ، بِيْدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ  
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ.

معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست ، فرمانروایی تنها مختصّ اوست ، و ستایش برای اوست ،  
زنده می کند و می میراند [و می میراند و زنده می گرداند]، و او خود زنده ای است که نمی میرد، خیر و خوبی تنها به دستِ [جمال  
] اوست ، و بر هر چیز قادر و تواناست .

و نیز ده بار می گوید: [یا: می گویی]:

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِیْنِ، وَ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ اَنْ یَّخْضُرُوْنَ ، اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ.

- به خداوند شنوای دانا پناه می برم از وسوسه ها و خطورات شیطانها، و به خدا پناه می برم از اینکه [در دل ] من حضور پیدا کنند،  
براستی که خداوند تنها شنوایی داناست .

۹ - و بگو آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: هنگام صبح و شام ، دست خویش را بر سر بگذار و بر صورت خود بکش و  
بعد همه محاسن خود را به دست بگیر و بگو:

اَعْطَتْ عَلٰى نَفْسِیْ وَ اَهْلِیْ وَ مَالِیْ وَ وُلْدِیْ مِنْ غَائِبٍ وَ شَاهِدٍ، بِاللّٰهِ الَّذِیْ [یا: بِالَّذِیْ] لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ  
الرَّحِیْمُ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ، لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ. [مَنْ ذَا الَّذِیْ یَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ، یَعْلَمُ مَا بَیْنَ  
اَیْدِیْهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ، وَ لَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ، وَ سِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ، وَ لَا یُؤْدُهُ حِفْظُهُمَا، وَ هُوَ الْعَلِیُّ  
الْعَظِیْمُ].

- محیط و حافظ خود و خانواده و دارایی و فرزندانم چه غایب باشند و چه حضور داشته باشند، قرار دادم خداوندی را که که معبودی جز او نیست ، آگاه به نهان و آشکار رحمت گستر، مهربان ، زنده ، برپا [و برپا دارنده همه مخلوقات ] می باشد، نه چرت و نه خواب او را می گیرد، تمام آنچه در آسمانها و زمین است برای اوست ، [کیست که در نزد او جز به اذن او وساطت نماید؟]، [امور] پیشاپیش و پشت سر آنان را می داند، و آنها به هیچ اندازه از علم او احاطه ندارد، مگر به اندازه ای که او بخواهد، کرسی [علم] او آسمانها و زمین را فرا گرفته ، و نگاه داشتن آنها برای او سنگین و سخت نیست ، و او بلند پایه و بزرگ است .

که اگر آن را هنگام صبح بگویی ، خداوند تا شب خود و اهل و مال و فرزندان را نگاه می دارد، و اگر شب بگویی تا صبح محفوظ می مانی .

۱۰ - بگو آنچه را که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: حضرت نوح (ع) از آن جهت بنده بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می فرمود:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَشْهَدُكَ اَنَّهٗ مَا اَمْسٰی وَاَصْبَحَ بٰی مِنْ عَافِیَهِ وَاِیَّا: اَعُوْا نِعْمَةً، فِی دِیْنِ اَعُوْا دُنْیَا، فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ عَلٰی كُلِّ حَالٍ.

- خدایا، همانا تو را گواه می گیرم که هیچ عافیت و [یا:یا] نعمتی درباره دین یا دنیا به من شب و صبح ننموده [و در شب و روز شامل من نشده] مگر اینکه تنها از ناحیه توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری در هر حالتی مخصوص توست .

جدّ نیکبختم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - در این روایت بعد از لَكَ الْحَمْدُ، وَاِیَّا: الشُّكْرُ افزوده است :

حَتّٰی تَرْضٰی وَ بَعْدَ الرِّضَا: (تا اینکه خشنود گردی ، و تا حتّٰی بعد از خرسندی ات .)

۱۱ - همچنین در روایت آمده که رسول خدا(ص) فرمود: هرکس هنگام شام و صبح یک بار بگوید:

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ، [و] سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ.

- همراه با ستایش خداوند، او را به پاکی می خوانم ، [و] پاک و منزّه است خداوند بزرگ .

خداوند، فرشته ای را که جاروبی از نقره دارد به بهشت گسیل می دارد، تا از خاکِ بهشت که مُشک بسیار خوشبوست ، برای او جارو کند، سپس درختی برای او بنشاند، آنگاه دیواری بر گردِ آن می بکشد، بعد دَری بر آن بگذارد، سپس آن را قفل کند و بر آن در بنویسد: این بوستانِ فلانی پسر فلانی است .

و نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس بدون شگفت (۲۳۲) بگوید:

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ.

خداوند، هزار گناه او را محو نموده ، و هزار حسنه و کار نیک برای او ثبت ، و شفاعت هزار نفر برای او می نویسد، و هزار درجه پایه ایمانی او را بالای می برد، و از آن کلمه پرنده سفیدی می آفریند که پرواز می کند و تا روز قیامت می گوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ.

و ثواب آن برای گوینده آن نوشته می شود.

دعای عشرات

۱۲ - جَدَم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - در ضمن دعاهاى وقت غروب ، دعای عشرات را نیز نقل نموده ، و آن با چندین مورد که آن را ذکر کرده ایم تفاوت دارد. فرموده است : مستحبّ است که هنگام صبح و شام دعای عشرات خوانده شود، و بهترین وقت خواندن آن بعد از عصر روز جمعه است . و آن دعا به این صورت است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ  
آنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعُدُوِّ وَ الْأَصَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تَصْبِحُونَ، وَ  
لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ  
مَوْتِهَا، وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ  
وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ ، اَلْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُهِيمِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ  
الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ  
الْأَعْلَى ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ، سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ  
الْغَافِلِ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يَرَى وَ مَا لَا يَرَى ، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْإِبْصَارَ وَ لَا تُدْرِكُهُ الْإِبْصَارُ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ  
الْخَبِيرُ.

اَللّهُمَّ، اِنِّى اَصْبَحْتُ مِنْكَ فِى نِعْمَةٍ وَ خَيْرٍ وَ بَرَكَهٍ وَ عَافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَمِّمْ عَلَى نِعْمَتِكَ وَ خَيْرِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ  
عَافِيَتِكَ بِنَجَاةٍ مِنَ النَّارِ، وَ ارْزُقْنِى شُكْرَكَ وَ عَافِيَتَكَ وَ فَضْلَكَ وَ كَرَامَتَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِى . اَللّهُمَّ، بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَ بِفَضْلِكَ  
اسْتَغْنَيْتُ، وَ بِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْتُ وَ اَمْسَيْتُ.

اَللّهُمَّ، اِنِّى اَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا، وَ اَشْهَدُ مَا لَا يَكْتُكَ وَ اَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَ اَرْضِكَ وَ  
جَمِيعَ خَلْقِكَ، بِاَنَّكَ اَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ، وَ اَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،  
تُحْيِى وَ تُمِيتُ [وَ تُمِيتُ] وَ تُحْيِى ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ النُّشُورَ حَقٌّ، وَ السَّاعَةَ اَتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ اَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ  
مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ عَلَى بَنِ اَبِى طَالِبٍ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِيْنَ حَقًّا حَقًّا، وَ اَنَّ الْاِثِمَةَ مِنْ وُلْدِهِ هُمُ الْاِثِمَةُ الْهُدَاهُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ  
الضَّالِّيْنَ وَ لَا الْمُضِلِّيْنَ، وَ اَنَّهُمْ اَوْلِيَاؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ، وَ حِزْبُكَ الْغَالِبُونَ، وَ صَفْوَتُكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ نَجَاؤُكَ الَّذِي اَنْتَجَبْتَهُمْ

لِدِينِكَ، وَ اخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَالسَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ، اَكْتُبْ لِيْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتَّى تُنْقِيتَنِيْهَا وَ اَعْنَتْ عَنِّيْ رَاضٍ، اِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَّصْعَدُ اَعْوَالُهُ وَ لَا يَنْفَدُ اٰخِرُهُ، اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِيْهَا، وَ تُسَبِّحُ لَكَ الْاَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهَا، اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا اَبَدًا لَا انْقِطَاعَ وَلَا نَفَادَ، وَلَكَ يَنْبَغِيْ وَ اِلَيْكَ يَنْتَهِيْ ، فِيَّ وَ عَلَىَّ وَ لَدَيَّ وَ مَعِيَ وَ قَبْلِيْ وَ بَعْدِي وَ اِمامِي وَ فَوْقِيْ وَ تَحْتِيْ ، وَ اِذَا مِتُّ وَ بَقِيْتُ فَرْدًا وَحِيدًا، وَلَكَ الْحَمْدُ اِذَا نُشِرْتُ وَ بُعِثْتُ يَا مَوْلايَ، اَللّٰهُمَّ، وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ بِجَمِيْعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيْعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ اِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَاهُ. اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ اَكْلَةٍ وَ شَرْبَةٍ وَ بَطْشَةٍ وَ قَبْضَةٍ وَ بَسْطَةٍ وَ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ. اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُوْدِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهٰى لَهُ دُوْنَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اَمَدَ لَهُ دُوْنَ مَشِيَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اٰخِرَ لِقَائِلِهِ اِلَّا رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَاِثَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيْعَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهٰى الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ مُسْتَرٰى الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيْمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ، وَفِيَّ الْحَمْدِ، عَزِيْزَ الْجُنْدِ، قَائِمَ الْمَجْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ رَفِيْعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيْبَ الدَّعَوَاتِ، وَ مُنْزِلَ الْاٰيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ عَظِيْمَ الْبَرَكَاتِ، مُخْرِجَ النُّوْرِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، وَ مُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ. اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَ قَابِلَ التَّوْبِ، شَدِيْدَ الْعِقَابِ، ذِي الطَّوْلِ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اِلَيْكَ الْمَصِيْرُ، اَللّٰهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاَوَّلٰى ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرٰى وَالْحِصٰى وَ النُّوٰى ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْاَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ اَعْوَزَانِ مِيَاهِ الْبِحَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ اَعْوِرَاقِ الْاَشْجَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَى وَجْهِ الْاَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا اَعْصٰى كِتَابُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا اِعْطٰى بِهِ عِلْمُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ الْهَوَامِّ وَ الطَّيْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ السَّبَاعِ، حَمْدًا كَثِيْرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيْهِ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضٰى ، وَ كَمَا يَنْبَغِيْ لِكِرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلَالِكَ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان ، پاک و منزّه است خداوند، و ستایش مخصوص اوست ، و معبودی جز خدا نیست ، و خداوند بزرگتر است ، و هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به وسیله خداوند بلند مرتبه بزرگ ، پاک و منزّه است خداوند در تمام لحظات شب و اطراف [و آغاز و پایان و دیگر اوقات ] روز، پاک و منزّه است خداوند در هنگام صبح و لحظات عصر، پاک و منزّه است خداوند در شام و صبح ، پاک و منزّه است خداوند هنگامی که شب و یا صبح می کنید، و ستایش مخصوص اوست ، در آسمانها و زمین و شامگاهان و هنگامی که ظهر می کنید، زنده را از مرده ، و مرده را از زنده بیرون آورده ، و زمین را بعد از مرگش زنده می گردانند، و شما نیز اینچنین از قبر بیرون آورده می شوید. پاک و منزّه است پروردگارت ، پروردگارِ صفت عزّت و سرافرازی از آنچه که او را

بدان توصیف می نماید، و سلام بر پیامبران فرستاده شده ، و ستایش خداوندی را که پروردگار عالمیان است ، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب [عالم] مُلک و ملکوت است ، پاک و منزّه است خداوندی که دارای [صفت] سرافرازی و سرکشی و جباریت است ، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب [صفت] کبریا و بزرگمنشی و عظمت است ، پادشاه و فرمانروای حقّ و چیره و مسلّط، و پاکیزه از تمام آلايشها، پاک و منزّه است خداوند، پادشاه زنده ای که هرگز نمی میرد، پاک و منزّه است خداوند، پادشاه زنده پاکیزه از تمام کاستیها، پاک و منزّه است خداوند پا برجای جاودانی ، پاک و منزّه است خداوند جاودان پا برجا، پاک و منزّه است پروردگار بزرگم ، پاک و منزّه است پروردگاری که بلند مرتبه ترین است ، پاک و منزّه است خداوندی که زنده پا برجا و برپا دارنده تمام مخلوقات است ، پاک و منزّه است خداوندی که بلند مرتبه و بلند مرتبه ترین است . او پاک و منزّه و بلند مرتبه است . بسیار منزّه و بسیار پاکیزه از هر گونه نقص و کاستی است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و رُوح ، پاک و منزّه است خداوند جاودانی که هرگز غفلت نمی ورزد، پاک و منزّه است خداوند آگاه بدون اینکه کسی به او را آموخته باشد، پاک و منزّه است آفریننده آنچه که دیده می شود و دیده نمی شود، پاک و منزّه است خداوندی که دیدگان را درک می نماید، و دیدگان نمی توانند او را درک کنند، و تنها اوست که باریک بین و کاردان است .

خداوندا، صبح نمودم در حالی که از ناحیه تو در نعمت و خیر و برکت و عافیت قرار دارم ، پس بر محمّد و آل او درود فرست ، و نعمت و خیر و برکات و عافیت را همراه با نجات از آتش جهنّم ، بر من کامل گردان ، و شکر و عافیت و فضل و کرامت را همواره تا زمانی که پاینده و زنده ام داشته ای ، روزی فرما، خداوندا، تنها به نور تو هدایت پذیر گشتم ، و به فضل تو بی نیاز گشتم ، و به نعمت تو صبح و شام نمودم .

خداوندا، براستی که تو را شاهد می گیریم ، و تو برای شهادت کفایت می کنی ، و نیز فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و حاملات عرشت و ساکنان آسمانها و زمین و تمام مخلوقات را گواه می گیرم که بی گمان تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست ، یگانه ای و شریکی برای تو وجود ندارد، و اینکه حضرت محمّد(ص) بنده و فرستاده توست ، و تو بر هر چیز توانایی ، زنده می کنی و می میرانی ، [و می میرانی] و زنده می کنی . و گواهی می دهم که بهشت و آتش جهنّم و زنده و برانگیخته شدن در قیامت حقّ است ، و قیامت خواهد آمد و شکّی در آن نیست ، و اینکه خداوند تمام کسانی را که در قبر هستند برمی انگیزاند، و گواهی می دهم که علیّ بن ابی طالب حقّاً و حقّاً امیرمؤمنان است ، و امامانی که از نسل و فرزندان اویند، امامان و هدایتگران و هدایت یافتگانی هستند که نه گمراهند و نه دیگران را گمراه می کنند، و اینکه آن بزرگواران دوستان برگزیده ، و حزب غالب ، و منتخب و برگزیده تو از میان مخلوقات ، و برگزیدگانی هستند که ایشان را برای [تبیین و اقامه] دینت برگزیده ، و از میان مخلوقات مختّص گردانیده ، و بر بندگانت برگزیده ، و حجّت بر عالمیان قرار داده ای ، که دروهای تو بر همه آنان باد، و سلام و رحمت و برکات بر ایشان .

خداوندا، این شهادت را در نزد خود برای من بنویس ، تا اینکه [هنگام مرگ] در حالی که از من خشنودی ، آن را به من تلقین و تفهیم نمایی ، برآستی که تو بر هر چیز توانایی . خداوندا، ستایش مخصوص توست ، ستایشی که اوّل آن بالا رفته و آخرش پایان نپذیرد، خداوندا، ستایش مخصوص توست ، ستایشی که آسمان دو سوی خود را برای تو پایین آورده و فروتنی نماید، و زمین و ساکنان آن به پاکی یادت کنند. خداوندا، ستایش مخصوص توست ، ستایشی بی آغاز و جاودانی که هیچ گاه گسسته نگردد و پایان نپذیرد و سزاوار تو بوده و به تو منتهی گردد، [ستایش] که در وجود من باشد و بر من سایه افکند و در نزد و همراه و پیش و بعد از من و در پیشاپیش و بالای سر و زیرم را فراگیرد، و هنگام مردن و تک و تنها ماندنم با من باشد، و ستایش مخصوص توست در هنگامی که از قبر برانگیخته و زنده می شود ای مولای من ، خداوندا، ستایش و سپاسگزاری مخصوص توست ، به تمام و همگی ستایشها بر تمام نعمتهایت ، تا اینکه حمد و سپاس به آنچه که تو – ای پروردگار ما،- دوست می داری و خرسندی منتهی گردد. خداوندا، ستایش مخصوص توست ، ستایشی که با جاودانگی تو جاودانه باشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که پایانی جز علم و آگاهی تو نداشته باشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که سرآمدی جز مشیّت تو برای آن نباشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که گوینده اش فرجامی جز خشنودی تو را نداشته باشد، و تنها تو را ستایش می کنم به خاطر بردباری ات با وجود آگاهی ات ، و تنها تو را می ستایم به خاطر عفو با وجود قدرت ، و فقط تو را ستایش می نمایم ای برانگیزاننده [و پدید آورنده] ستایش ، و تو را سپاس ای وارث ستایش ، و تو را سپاس ای نو آفرین ستایش ، و تو را سپاس ای متّهای ستایش ، و تو را سپاس ای نو آفرین ستایش ، و تو را سپاس ای خریدار ستایش ، و تو را سپاس ای سرپرست ستایش ، و تو را سپاس می گویم ای کسی که از دیرباز ستوده ای ، و تو را می ستایم ای کسی که وعده ات راست است ، و به ستایشت وفا می نمایی [یا: ستایش را کامل می گردانی]، لشگرت نیرومند و سرافراز، و بلند پایگی ات پابرجاست . و تو را می ستایم ای بالا برنده درجات ایمانی ، اجابت کننده دعاها، و فرو فرستنده نشانه های روشن از بالای آسمانهای هفتگانه ، تو که برکات بزرگ است ، و نوره را از میان تاریکیها بیرون آورده ، و کسانی را که در تاریکی ها هستند به سوی روشنایی بیرون می کشی ، و بدیها را به کارهای نیک مُبدّل نموده ، و نیکی ها را درجه های ایمانی قرار می دهی .

خداوندا، ستایش مخصوص توست ای آمرزنده گناه و پذیرنده توبه ، و ای کسی که دارای کیفر سخت هستی و در عین حال دارای بخششی ، معبودی جز تو نیست ، و بازگشت همگان تنها به سوی توست . خداوندا، تنها تو را می ستایم هنگامی که شب می پوشاند، و فقط تو را می ستایم هنگامی که روز روشن می گردد، و ستایش مخصوص توست در آخرت و اُولی [یعنی دنیا]، و تنها تو را می ستایم به شماره تمام ستارگان و فرشتگانی که آسمان هستند، و ستایش تو را به اندازه تمام خاکها و سنگریزه ها و هسته ها، و ستایش تو را به شماره آنچه در درون زمین است ، و ستایش تو را به اندازه وزن آبهای تمام دریاها، و ستایش مخصوص توست به شماره برگهای تمام درختان ، و ستایش مخصوص توست به شماره موجوداتی که بر روی زمین قرار دارند، و ستایشی تو را



به شماره آنچه که کتاب [و دانش] تو به شماره درآورده ، و تنها تو را می ستایم به شماره آنچه که علم تو بر آن احاطه نموده ، و تنها تو را می ستایم به شماره تمام انسانها و جنیان و حشرات و پرندگان و حیوانات و درندگان ، ستایشی فراوان و پاکیزه و مبارک ، به همان صورتی که - ای پروردگار ما ، - دوست می داری و خرسندی ، و به همان صورت که بزرگی روی [و اسماء و صفات] و سربلندی عظمت تو را سزاوار است .

سپس ده بار می گویی :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

- معبودی جز خدا نیست ، که یگانه است و شریکی برای او وجود ندارد، پادشاهی و فرمانروایی ستایش تنها از آن اوست ، و تنها اوست باریک بین و کاردان .

و ده بار می گویی :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند نیست ، که یگانه است و شریکی برای او وجود ندارد، فرمانروایی و سلطنت و ستایش تنها از آن اوست ، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می گرداند، و او خود زنده ای است که هرگز نمی میرد، خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست ، و هم او بر هر چیز تواناست .

و ده بار می گویی :

اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَاَتُوبُ إِلَيْهِ.

- آمرزش می طلبم از خداوندی که معبودی جز او نیست ، هم او که زنده و پابرجا [و برپا دارنده همه مخلوقات] است ، و به سوی او توبه و بازگشت می کنم .

و ده بار می گویی : يَا اَإِلَهَ، يَا اَإِلَهَ. (ای خدا، ای خدا.)

و ده بار می گویی : يَا رَحْمَنُ، يَا رَحْمَنُ. (ای رحمت گستر، ای رحمت گستر.)

و ده بار می گویی : يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ. (ای مهربان ، ای مهربان .)

و ده بار می گویی : يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. (ای نوآفرین آسمانها و زمین .)

و ده بار می گویی : يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (ای صاحب صفت بزرگی و بزرگواری .)

و ده بار می گویی : يَا حَنَّانُ مَنَّانُ. (ای بسیار مهربان ، ای بسیار بخشنده .)

و ده بار می گویی : يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ. (ای زنده ، ای پابرجا و برپا دارنده همه مخلوقات .)

و ده بار می گویی : یا حَىُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ: (ای زنده ، ای که معبودی جز تو نیست .)

و ده بار می گویی : یا اَللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ: (ای خدایی که ، معبودی جز تو نیست .)

و ده بار می گویی : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: (به نام خداوند رحمت گستر مهربان .)

و ده بار می گویی : اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: (خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست .)

و ده بار می گویی : آمین، آمین: (اجابت فرما، اجابت فرما.)

و ده بار می گویی : اَللَّهُمَّ، یا اَللَّهُ، اِفْعَلْ بى ما اَنْتَ اَعْلَمُهُ: (خداوندا، ای خدا، آنچه را که تو خود اهل آن هستی با من بکن .)

و ده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد. را می خوانی .

و بعد از اینها می گویی :

اَللَّهُمَّ، اصْنَعْ بى ما اَنْتَ اَعْلَمُهُ، وَ لَا تَصْنَعْ بى ما اَنَا اَعْلَمُهُ، فَإِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوَى وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَ اَنَا اَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، فَارْحَمْنِى يا مَوْلايَ، وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، هر چه تو خود اهل و زبیده آن هستی با من بکن ، و آنچه را که من اهل آن هستم با من بکن ، زیرا براستی که تو اهل تقوی و نگاهداری [از گناهان ] و شایسته آمرزشی ، و من اهل گناهان و اشتباهات هستم ، پس ای مولای من ، تو که مهربانترین مهربانان هستی ، بر من رحم آر.

و ده بار می گویی :

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَىِّ الَّذِى لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِى الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا.

- هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به [وسیله ] خداوند، توکل بر زنده ای که هرگز نمی میرد، و ستایش مخصوص خداوندی که هیچ کس را به فرزندی نگرفته ، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی خواری و ذلت برای او نیست ، و او را بزرگتر بدان بزرگتر دانستن ویژه ای .

(پایان دعای عشرات )(۲۳۳)

دعای امیرالمؤمنین ( ع ) در لَيْلَةُ الْمَبِيت

۱۳ - و همچنین بگو آنچه را که مولایمان امیرالمؤمنین ( ع ) هنگام خوابیدن در رختخواب رسول خدا ( ص ) به منظور حفاظت

ایشان از کید دشمنان با خون دل و تمام وجودش فرمود، که آن از دعاهاى مهمّ وقت صبح و شام است .

در روایت آمده که وقتی امام جعفر بن محمد صادق (ع) وارد عراق شدند (آن هنگام که منصور او را خواسته بود)، مردم به سوی او گرد آمده و عرض کردند: ای مولای ما، تربت مولایمان امام حسین (ع) که مایه شفا بخش از هر درد و بیماری است، آیا موجب ایمنی از هر ترس و بیم نیز هست؟ حضرت فرمود: بله، هرگاه یکی از شما خواست که ایمن از هر خوف و ترس باشد، باید تسبیحی از تربت او را برگرفته و سه بار دعای لَیْلَةُ الْمَبِیتِ حضرت علی (ع) در رختخواب رسول اکرم (ص) را بخواند، و آن دعا به صورت است:

اَعْمَسِیْتُ - اَللّهُمَّ، مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ، مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ، بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ [حَصِينَةٍ]، وَلَا اِءَاهِلٍ بَيْتِ نَبِيِّكَ (عليهم السلام) مُخْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي اِلَى اَذِيَّتِي، بِجِدَارِ حَصِينِ الْاِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ اَلْتَمَسُكَ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِنًا اَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ اِيَّاهُمْ، اُولَى مَنْ وَاوَلَا، وَ اِجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعِزَّنِي اَللّهُمَّ، بِهِمْ] مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اَعْتَقِيهِ يَ اَعْظِيمُ، حَجَزْتُ الْاَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ. (۲۳۴) اِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا، وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَاءْغَشَيْنَاهُمْ، فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.

- خداوند، شب نمودم در حالی که به حرمت استوار و والای تو که مغلوب و با حيله دگرگون نمی گردد، [ویا: کسی و یا چیزی نمی تواند آن را قصد کند]، چنگ زده و پناه بردم، از شر هر ستمگر و غاصب و هر رخداد و مصیبت از ناحیه تمام کسان و چیزهایی که آفریدی، چه لب بسته و خاموش باشند [یعنی جمادات] و چه گویا باشند، از هر امر ترسناکی، با پوشیدن لباس کامل [استوار] ولایت و دوستی اهل بیت پیامبرت (عليهم السلام) در حالی که از هر کس که قصد آزار مرا بکند در پناه دیوار استوار مخلصانه اعتراف کردن به حق آنان و چنگ زدن به ریسمانشان خود را پوشانده و حفظ می نمایم، و یقین دارم که مسلماً حق برای آنان و با آنان و در ایشان [و به واسطه آنهاست، هر کس را که ایشان دوست دارند دوست دارم، و از هر کس کناره گرفتند، کناره می گیرم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و ای خدا، مرا به واسطه ایشان] از گزند تمام اموری که از آن پرهیز دارم، در پناه خویش درآور، ای بزرگ، تمام دشمنانم را به وسیله خداوندی که نوآفرین آسمانها و زمین است، از خود دور نمودم، براستی که ما از پیشاپیش و از پشت سر آنان سدّی قرار دادیم، و در نتیجه روی آنان را پوشانیدم، لذا ایشان نمی بینند.

سپس تسبیح را بوسیده و بر چشمانش قرار داده و بگوید:

اَللّهُمَّ، اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ صَاحِبِهَا وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ [بِحَقِّ] اَبِيهِ وَ بِحَقِّ اُمِّهِ وَ [بِحَقِّ] اَخِيهِ وَ بِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ، اِجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ اَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

- خداوند، به حق این تربت و به حق صاحب آن و به حق جدّ و [به حق] پدر و به حق مادر و [به حق] برادر، و به حق فرزندان پاکیزه اش، از تو درخواست می نمایم که آن را مایه بهبودی از هر درد و بیماری، و ایمنی از هر بیم، و محافظت از هر بدی قرار

سپس آن را در گریبان [یا: در جبین و دو طرف پیشانی] خود بگذارد. و اگر این کار را هنگام صبح انجام دهد تا هنگام شام پیوسته در امان خواهد بود، و اگر آن را شبانگاه انجام دهد تا صبح پیوسته در امان خواهد بود.

۱۴ - نیز بخوانی دعایی را که جدّم ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی آن را برای قرائت در وقت غروب ذکر کرده ، که :

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَسْأَلُكَ خَيْرَ لَیْلَِتِیْ هَذِهِ وَ خَيْرَ مَا فِیْهَا، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ لَیْلَِتِیْ هَذِهِ وَ شَرِّ مَا فِیْهَا. اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ تَكْتُبَ عَلَیَّ خَطِیْئَةً اَوْ اِثْمًا. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَكْفِنِیْ خَطِیْئَتِهَا وَ اِثْمَهَا، وَ اَعْطِنِیْ یُمْنَهَا وَ بَرَکَّتَهَا وَ عَوْنَهَا وَ نُورَهَا. اَللّٰهُمَّ، نَفْسِیْ خَلَقْتَهَا وَ بَیْدَکَ حَیَاتُهَا وَ مَوْتُهَا، اَللّٰهُمَّ، فَاِنْ اَمْسَکْتَهَا، فَالِیْ رِضْوَانِکَ وَ الْجَنَّةِ، وَ اِنْ اَرْسَلْتَهَا فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغْفِرْ لَهَا وَ اَرْحَمْهَا. (۲۳۵)

- خداوندا، براستی که از تو درخواست می نمایم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی ، و از تو مسألت دارم خیر این شب و خیر آنچه را که در آن هست ، و به تو پناه می برم از شرّ این شب و شرّ آنچه که در آن است ، خداوندا، براستی که به تو پناه می برم که خطا یا گناهی را بر من بنویسی . خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست ، و مرا از خطا و گناه کردن در آن [یعنی شب یا روز] کفایت فرما، و میمنت و برکت و یاری و نور آن را به من عطا فرما، خداوندا، این نفس من است که تو آن را آفریده ای ، و زندگانی و مرگ آن به دست توست . خداوندا، پس اگر آن را [در این دنیا] نگاه داشتی ، پس به سوی خشنودی و بهشتت [روانه ساز]، و اگر آن را [به سوی عالم آخرت] روانه ساختی ، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و آن را بیامرزد و مورد رحمت خویش قرارده .

۱۵ - و نیز بگو:

رَبِّیَ اللّٰهُ، حَسْبِیَ اللّٰهُ، عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ، وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، مَا شَاءَ اللّٰهُ کَانَ، اَشْهَدُ وَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ، وَ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا، وَ اَخْصٰی کُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا، اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ ، وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ رَبِّیْ اَخِذْ بِنَاصِیَّتِهَا، اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ، اَللّٰهُمَّ، اَمْسِیْ خَوْفِیْ مُسْتَجِیْرًا بِاَمَانِکَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَ اَمِّنِیْ ، فَاِنَّکَ لَا تُخْذِلُ مَنْ اَمَّنْتَ، اَللّٰهُمَّ، اَمْسِیْ جَهْلِیْ مُسْتَجِیْرًا بِحِلْمِکَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَ عُدْ عَلٰی بِحِلْمِکَ وَفَضْلِکَ. اِلٰهٰی ، اَمْسِیْ فَقَرِیْ مُسْتَجِیْرًا بِغِنَاکَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَارْزُقْنِیْ مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ الْهَنِّیِّ الْمَرِیِّ. اِلٰهٰی ، اَمْسِیْ ذَنْبِیْ مُسْتَجِیْرًا بِمَغْفِرَتِکَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَ اَغْفِرْ لِیْ مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا وَلَا اَرْتَکِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا. اِلٰهٰی ، اَمْسِیْ ذَلِّیْ مُسْتَجِیْرًا بِعِزِّکَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ، وَ قَوْ فِی رِضَاکَ ضَعْفٰی . اِلٰهٰی ، اَمْسِیْ وَجْهَیْ الْبَالِی الْفَانِیْ مُسْتَجِیْرًا بِوَجْهِکَ الدَّائِمِ الْبَاقِی الَّذِی لَا یَبْلٰی وَ لَا یَفْنٰی ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَ اَجِرْنِیْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَ افْتَحْ لِیْ بَابَ الْاَمْرِ الَّذِیْ فِیْهِ الْیُسْرُ وَالْعَافِیَةُ وَ النَّجَاحُ وَ الرِّزْقُ الْکَثِیْرُ الطَّیِّبُ الْحَلَالُ الْوَاسِعُ. اَللّٰهُمَّ، بَصِّرْنِیْ سُبُلَهُ، وَ هِیْیْ ؤ لِی مَخْرَجَهُ وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ مِنْ خَلْقِکَ عَلٰی مَقْدَرَةٍ بِسُوْءٍ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَ خُذْهُ عَنِّیْ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن یَمِیْنِهِ وَ عَن شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، وَ اَلْجِمْ لِسَانَهُ، وَ قَصِّرْ یَدَهُ، وَ اَخْرِجْ (۲۳۶) صَدْرَهُ، وَ اَمْنَعُهُ اَنْ یَصِلَ اِلَیَّ

اَعُوْا اِلَىٰ اَعْدَیِّ مِنْ اَهْلِی وَّ مَنْ یَّغْنِیْ اَمْرُهُ اَعُوْا شَیْءٍ مِّمَّا خَوَّلْتَنی وَّ رَزَقْتَنی وَّ اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَیَّ مِنْ قَلِیْلِ اَعُوْا کَثِیْرٍ بِسُوْءٍ، یا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیْدِ، یا مَنْ یَّحْوِلُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهٖ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی ، یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ. یا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اِرْضَ عَنِّی ، یا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اِرْحَمْنِی ، یا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، تَفَضَّلْ اِلَیَّ اِلَّا اَنْتَ، تُبْ عَلَیَّ. یا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اَعْتَقْنِی مِنَ النَّارِ، یا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، تَفَضَّلْ عَلَیَّ بِقَضَاءِ حَوَائِجِی فِی دُنْیَایَ وَ اٰخِرَتِی ، اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ. (۲۳۷)

- پروردگار من خداست ، او مرا کافی است ، تنها بر او توکل نمودم ، و اوست پروردگار عرش عظیم الهی ، هیچ تحول و قدرتی نیست مگر به خداوند، هر چه خدا خواست همان می شود، گواهی می دهم و آگاهی دارم که براستی خداوند بر هر چیز تواناست ، و مسلماً علم خداوند به هر چیز احاطه نموده است ، و شماره هر چیزی را احصاء نموده است . خداوند، براستی به تو پناه می برم از شرّ نفسم ، و از شرّ هر جنبنده ای که پروردگارم [موی] پیشانی او را برگرفته [و زمام اختیار او به دست خداست]، بی گمان پروردگارم بر راه راست استوار است . خداوند، خوف و هراس من با پناهنده شدن به ایمنی بخشی تو شب نموده ، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا ایمنی بخش ، زیرا هرکس را که تو امان دهی خوار و محروم نمی گردانی ، خداوند، نادانی من با پناهنده شدن به بردباری تو شب نموده ، پس بر محمد و آل او درود فرست و با بردباری و تفضّل را بر من روی آر، معبود من ، ناداری من با پناهنده شدن به غنای تو شب نموده ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و از فضل روزی گسترده و لذیذ و گوارایت برخوردارم نما، ای معبود من ، گناه من با پناهنده شدن به آموزش تو شب نموده ، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا بیمارز، آمرزشی حتمی و قطعی که هیچ گناهی را باقی نگذاری ، و بعد از آن هیچ حرامی را مرتکب نشوم . معبود من ، خواری و ذلّت من با پناهنده شدن به سرافرازی تو شب نموده ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و در خشنودی خویش ناتوانی مرا نیرومند گردان . معبود من ، روی [و تمام وجود] پوشنده و نابود شونده ام با پناهنده شدن به روی [و اسماء و صفات] جاودانی و پاینده ات که هیچگاه از بین نمی رود و نابود نمی گردد شب نموده ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و مرا از عذاب آتش جهنّم و از شرّ دنیا و آخرت در پناه خویش درآور.

خداوند، بر محمد و آل او درود فرست ، و دری را که در آن توانگری و تندرستی و کامیانی و روزی بسیار پاکیزه حلال و وسیع در آن است به روی من بگشای ، خداوند، مرا نسبت به راههای آن بینا گردان ، و راه بیرون آمدن از آن را برای من مهیا کن . و هر کدام از آفریدگانت را که قدرت دادی که به من بدی رساند، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و او را در رابطه با من از پیشاپیش و از پشت ، و از سمت راست و از سمت چپ ، و از بالا و زیرش بگیر، و زبانش را لگام بند، و دستش را کوتاه نما، و سینه و دلش را تنگ فرما، و او را جلوگیری کن که به من یا به کسی از بستگانم و کسانی که امورشان مورد اهتمام من است ، و یا چیزی که تو به من عطا فرموده و روزی داده و بر من ارزانی داشته ای ، (چه اندک باشد و چه بسیار) بدی رساند، ای کسی که نسبت به من از

رشته رگ [گردن] نزدیکتر هستی ، ای کسی که میان انسان و دل او حایل می گردی [و از خود او به وی نزدیکتری] ، ای کسی که در تماشاگاه بالاتر قرار داری ، ای کسی که هیچ چیز مشابه تو نیست ، و تنها تو شنوا و آگاه می باشی .

ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، از من خرسند باش ، ای کسی معبودی که جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، بر من رحم آر، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، توبه مرا بپذیر، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، مرا از آتش جهنّم آزاد فرما، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، تفضّل فرما و حوایج دنیوی و اخروی ام را برآورده ساز، براستی که تو بر هر چیز توانایی .

۱۶ - همچنین بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ مَا خَلَقَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ زَنَةَ عَرْشِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضَى نَفْسِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اِنَّنِىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِى الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَ الْوَلَدِ.

- ستایش برای خداوند به شماره تمام آفریدگانش ، و ستایش برای خدا مثل آنچه که آفریده است ، و ستایش برای خدا به اندازه پُری آنچه که خلق فرموده ، و ستایش برای خداوند به اندازه کشش کلمات [و موجودات] اش ، و ستایش برای خداوند به اندازه وزن عرش الهی ، و ستایش برای خداوند به اندازه خشنودی وجود او، معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست ، معبودی جز خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست ، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینها و تمام آنچه که در آن دو هستند، و پروردگار عرش عظیم می باشد. خداوندا، براستی که من به تو پناه می برم از گرفتار شدن به بدبختی [یا رنج] ، و به تو پناه می برم از شماتت دشمنان ، و به تو پناه می برم از ناداری و هر بار سنگین ، و به تو پناه می برم از بد منظری در رابطه با بستگان و دارایی فرزندانم .

سپس ده بار بر پیامبر اکرم (ص) صلوات بفرست .

۱۷ - و نیز بخوان دعایی را که روایت شده امام زین العابدین (ع) فرمود: اگر این کلمات را بگویم ، دیگر باکی ندارم ، هرچند تمام انس و جنّ علیه من گرد هم آیند، و آنها به این صورت است :

بِسْمِ اللَّهِ، بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ، وَإِلَى اللَّهِ، وَفِى سَبِيلِ اللَّهِ، اِیُّکَ اَسْلَمْتُ نَفْسِی ، وَ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهَی ، وَ اِلَیْکَ فَوَضْتُ اَمْرِی ، فَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَ مِنْ خَلْفِی وَ عَنْ یَمِیْنِی وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی ، وَ اَدْفَعْ عَنِّ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ.

- به نام خدا، به [وسیله] خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، خداوند، خود را تنها به تو سپردم، و روی [و تمام وجود]م را تنها به سوی تو نمودم، و امورم را فقط به تو واگذار نمودم، پس با حفظ ایمان مرا از پیشاپیش و از پشت و از راست و چپ و از بالا و زیر نگاه دار، و به حول و قدرت خویش [شیطان و تمام دشمنان] را از من دور بدار، زیرا مسلماً هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به خداوند بلند پایه بزرگ.

۱۸ - و نیز بخوان دعایی را که روایت شده که حضرت ابالحسن امام کاظم (ع) می فرمود: هنگام شام و غروب آفتاب و پشت کردن روز شب کردی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ، وَ يَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورَ. وَ اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَاءَ وَ بَرَاءَ، وَ مِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَ مِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَ بَطَنَ، وَ مِنْ شَرِّ مَا كَانَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ أَبِي مَرَّةَ وَ مَا وَلَدَ، وَ مِنْ شَرِّ الرَّسِيسِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَ مَا لَمْ اَصِفْ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، ستایش خداوندی را که هیچ کس را به فرزندی نگرفته، و هیچ شریکی در فرمانروایی و سلطنت ندارد، ستایش خداوندی را که توصیف می کند ولی توصیف نمی شود، و می داند و کسی نمی تواند چیزی را به او بیاموزد، از خیانت چشمها و آنچه که دلها آن را می پوشاند آگاه است، و پناه می برم به روی [و اسماء و صفات] بزرگوار خداوند، و به نام بزرگ خداوند، از شرّ تمام آنچه که آفریده و خلق نمود، و از شرّ آنچه که در زیر خاک است، و از شرّ آنچه که آشکار و یا پنهان است، و از شرّ آنچه در شب و روز است، و از شرّ ابی مرّۀ و فرزندان او، و از شرّ رسیس و از شرّ آنچه که توصیف نمودم و یا توصیف ننمودم، ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است.

و فرمود: آنها [یعنی ابی مرّۀ و رسیس و..] از درندگان و از شیطانهای رانده شده و از ذریّه وی هستند.

توضیح برخی از عبارات دعای گذشته

صاحب صحاح آورده که: ابن قِتره - با کسر قاف و تاء دو نقطه بر روی آن - مار خبیث است (۲۳۸)؛ بنابراین، ممکن است که مقصود از این دعا، پناه بردن از شرّ آن باشد؛ و نیز امکان دارد که مقصود ابلیس و ذریّه آن باشد و حضرت آن را به مار خبیثی که ذکر شد، تشبیه فرموده باشد؛ در بعضی از نسخه ها نیز ابی مرّۀ آمده که آن به صواب نزدیک تر است؛ زیرا این دعا پناه بردن به خدا از شیطان و ذریّه اوست، و دیگر اینکه هیچگاه ابوقتره استعمال نمی شود بلکه می گویند: ابوقتره، چنانکه شیخ طوسی در مصباح کبیر (۲۳۹) در دعا و حرز روز چهارشنبه به این صورت ذکر نموده است.

اما درباره اینکه فرمود وَ مِنْ شَرِّ الرَّسِيسِ، صاحب صحاح (۲۴۰) آورده که: رُسُّ الْمَيِّتِ یعنی میت در قبر گذاشته شد، و رَسٌّ و قَدْ رَسَسْتُ بَيْنَهُمْ نیز به معنای آشتی دادن مردم، و همچنین به معنای افساد و دو به هم زنی آمده و از اَضْدَاد است، و شاید مقصود از آن پناه بردن از فساد و تباهی و از مرگ و امور مربوط به آن باشد.

مجموعه دعا‌های سر (۲۴۱)

۱۹ - از جمله دعا‌های سر این است: ای محمد، هر کس از گزند موجودات خزنده زمینی مانند درنده و حشرات [یا: مارهای سمی و خطرناک افعی] بترسد، در مکانی که بیم وجود آن می رود بگوید:

يا ذَارِيَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْهَا، لِعِلْمِكَ بِمَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَأَتْ، لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى كُلِّ مَنْ دُونَكَ، إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنَ الضَّرِّ فِي بَدَنِي مِنْ سَبْعِ أَعْوِ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ، يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ، إِرْدَاءَهَا عَنِّي، وَ أَحْجُزْهَا وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ، وَ عَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَ بَأْسِهَا، يَا أَلَلَّهُ، يَا ذَا الْعِلْمِ الْعَظِيمِ، حُطْنِي بِحِفْظِكَ مِنْ مَخَافِي، يَا رَحِيمٌ.

- ای خداوندی که تمام آنچه را که از آنها [یعنی درندگان و حشرات خطرناک و مارها] آفرید، به خاطر علم و آگاهی ات به آنچه که از سوی آفریدگانت انجام می پذیرد، که تنها تو بر تمام موجودات غیر خود سلطنت و فرمانروایی داری، برآستی که من پناه می برم به عزت و قدرتی که تو بر هر چیز داری، از آسیب در بدنم، از هر درنده یا حشرات خطرناک و سمی و مار یا هر عارضه ای از سایر جنبندگان، ای خدایی که با نوآفرینی خویش آنها را آفریدی، آنها را از من دور کن و جلوگیری فرما و بر من مسلط مگردان، و از شر و عذاب آن عافیت بخش. ای خدا، ای کسی که صاحب آگاهی عظیم هستی، به حفظ و نگاهداری خویش مرا از تمام آنچه که بیم و هراس دارم، حفظ فرما، ای مهربان.

ای محمد، هر کس از امت تو خواهان آن باشد که من از او نگاهداری نموده و یاری کنم، هنگام صبح و شام و وقت خوابیدن بگوید:

أَمَنْتُ بِرَبِّي، وَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ كُلُّ شَيْءٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ عِلْمٍ وَ وَارِثُهُ، وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ. رَبِّ، أَشْهَدُ اللَّهَ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَالذُّلِّ وَالصَّغَارِ، وَ اعْتَرِفُ بِحُسْنِ صَنَائِعِ اللَّهِ إِلَيَّ، وَ أَعْبُوهُ عَلَى نَفْسِي بِقَلَّةِ الشُّكْرِ لَهُ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ فِي يَوْمِي هَذَا وَ لَيْلَتِي هَذِهِ بِحَقِّ مَا يَرَاهُ لَهُ حَقًّا عَلَى مَا يَرَاهُ بِهِ مِنِّي لَهُ رِضَى، إِيْمَانًا وَ إِخْلَاصًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ إِيقَانًا بِلَا شَكٍّ وَ لَا ارْتِيَابٍ. حَسْبِيَ إِلَهِي مِنْ كُلِّ مَنْ دُونَهُ، وَ اللَّهُ وَ كَيْلِي عَلَى كُلِّ مَنْ سِوَاهُ. أَمَنْتُ بِسِرِّ عِلْمِ اللَّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ، وَ أَعُوذُ بِمَا فِي عِلْمِ اللَّهِ كُلِّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ. سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِمَا خَلَقَ، أَلَلَّطِيفُ فِيهِ، أَلْمُحْصِي لَهُ، أَلْقَادِرُ عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ.

- ایمان آوردن به پروردگارم، و او همان خدایی است که معبودی جز او نیست و معبود هر چیز و منتهای هر دانش و وارث آن و پروردگار هر چیز است، پروردگارا، تو را گواه می گیرم که نفسم بنده و ذلیل و کوچک توست، و به کارهای نیک و عطایایی که خداوند نسبت به من ارزانی داشته اعتراف می نمایم، و نیز بر کمی شکر و سپاسگزاری ام در برابر آن اعتراف می نمایم، و در این



روز و در این شب ، به حقّ تمام آنچه که حقّی برای او قایل است نسبت به تمام آنچه که به واسطه آن از من برای او خشنودی و خرسندی می طلبد، از خداوند، ایمان و اخلاص و روزی وسیع و یقین بدون شکّ و دودلی را خواهیم . معبود من از تمام آنچه که مادون او هستند برای من کافی است ، و خداوند وکیل و کارگذار من است بر تمام ماسوای خود. ایمان آوردم به سرّ و آشکار علم الهی ، و پناه می برم به تمام آنچه که در علم خداست از تمام بدیها. پاک و منزّه است خداوندی که نسبت به آنچه که آفریده آگاه ، و لطیف ، و شمارنده و قادر است . آنچه خدا خواست [همان می شود]، هیچ قدرتی نیست مگر به خدا، از خداوند آمرزش می طلبم ، و بازگشت همه تنها به سوی اوست .

زیرا هرگاه این کلمات را بگویند، او را در میان مخلوقات صاحب جاه و منزلت گردانیده ، و دلهای آنان را نسبت به وی مهربان می گردانم ، و دین او را محفوظ می دارم .

ای محمد، هرکس از اُمّت تو بخواهد که هیچ کس تسلّط بر او نداشته باشد، و من او را از شرور و بدیها کفایت نمایم ، بگوید:  
یا قاضیاً عَلَى الْمُلْكِ لِمَا دُونَهُ، وَ مانِعاً مِنْ دُونِهِ نَيْلَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ مُلْكِهِ، وَ یا مُغْنِیَ اَهْلِ التَّقْوٰی بِاِمَاطَتِهِ الْاَذٰی فِی جَمِیعِ الْأُمُورِ عَنْهُمْ، لَا تَجْعَلْ وَلَا یَتِی فِی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ اِلٰی اَخَدٍ سِوَاکَ، وَ اسْفَعْ بِنِوَاصِ اَهْلِ الْخَیْرِ کُلِّهِمْ اِلَیَّ، حَتّٰی اَنْتَالَ مِنْ خَیْرِهِمْ خَیْرَهُ، وَ کُنْ لِی عَلَیْهِمْ فِی ذَلِکَ مُعِیْناً، وَ خُذْ لِی بِنِوَاصِ اَهْلِ الشَّرِّ کُلِّهِمْ، حَتّٰی اَعْافِی مِنْ شَرِّهِمْ کُلِّهِمْ، وَ کُنْ لِی مِنْهُمْ فِی ذَلِکَ حَافِظاً، وَ عَنِّی مُدَافِعاً مُعِیْناً، حَتّٰی اَکُوْنَ اَمِناً بِاَءِمَانِکَ.

- ای خداوندی که نسبت به مادون خود فرمان می رانی ، و جز خویش را از نیل به فرمانروایی و سلطنتت جلوگیری می نمایی ، و ای کسی که بادور کردن آسیب و اذیت از اهل تقوی در تمام امور، ایشان را بی نیاز می گردانی ، سرپرستی مرا در امور دینی و دنیوی و اخروی به هیچ کس غیر خودت قرار مده ، و [موی ] پیشانی [و زمام امور] همه اهل خیر را به سوی من بگیر و بکش ، تا اینکه به خیر آنان نایل گردم ، و مرا نسبت به آنان در این باره یاری فرما، و [موی ] پیشانی [و زمام امور] تمام اهل شرّ در رابطه من بگیر، تا اینکه از همه شرور آنان در عافیت باشم ، و در این باره خود نگاهدار من باش ، و از من دفاع نموده و یاری فرما، تا اینکه به امان تو ایمن و آسوده گردم .

زیرا هرکس این کلمات را بگوید، کید و مکر مکاران و فریبکاران به او آسیبی نمی رساند، و مسلماً من خود به او ایمنی می بخشم .  
ای محمد، به کسانی که خواهان قرب و نزدیکی جستن به من هستند، بگو: یقیناً بدانید که این کلام ، برترین چیزی است که شما بعد از انجام واجبات می توانید به وسیله آن به سوی من نزدیکی بجویند، به این صورت که بگویند:

اَللّٰهُمَّ، اِنَّهٗ لَمْ یُمْسِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِکَ اَعْلَمُ اَنَّهُ مُقَصِّرٌ فِی مَعْرِفَتِکَ وَ طَاعَتِکَ مِثْلَ تَقْصِیْرِی ، اَنْتَ اِلَیْهِ اَحْسَنُ صُنْعاً، وَ لَا لَهُ اَدْوَمُ کَرَامَةً، وَ لَا عَلَیْهِ اَبْیَنُ فَضْلاً، وَ لَا بِهٖ اَشَدُّ تَرْفُقاً، وَ لَا عَلَیْهِ اَشَدُّ حِیْطَةً، وَ لَا عَلَیْهِ اَشَدُّ تَعْطُفاً مِنْکَ عَلَیَّ، وَ اِنْ کَانَ جَمِیعُ الْمَخْلُوقِیْنَ یُعَدُّوْنَ مِثْلَ تَعْدِیدِی ؛ فَاشْهَدْ یا کَافِیَ الشَّهَادَةِ، اَنْتَی اَشْهَدُکَ بِنَبِیِّهِ صِدْقِیْ بِاَنَّ لَکَ الْفَضْلَ وَالطَّوْلَ فِی اِنْعَامِکَ عَلَیَّ وَ قَلَّةِ سُکْرِی

لَكَ عَلَيْهَا، يَا فاعِلَ كُلِّ مَا ارَادَهُ، طَوَّقَنِي اِئْمَانًا مِنْ حُلُولِ سَخَطِكَ فِيهَا لِقَلَّةِ الشُّكْرِ، وَ اَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ اِتِّمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الرَّحْمَةِ، اَعْظُرْنِي خَيْرَكَ، لَا تُقَاسِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي، وَ اُمْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ، وَاجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ فِي دِينِكَ خَالِصًا، وَلَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً وَلَا فَخْرٍ وَلَا رِيَاءٍ يَاكَرِيمُ.

- خداوندا، براستی که هیچ کدام از مخلوقات را نمی شناسم که بسان کوتاهی من در شناخت و طاعتت شب نموده باشد و تو نسبت به او نیکویی نموده و پیوسته بر او کرامت فرموده ، و بروشنی تفضل فرموده ، و به شدت مورد رفق و مدارای خویش قرار داده ، و سخت از او محافظت نموده ، و بر او به شدت عطوفت و مهربانی نموده باشی ، هر چند همه مخلوقات مثل برشمردن من ، نعمتهایت را به شمار درآورند [و بدان اعتراف نمایند.]، پس ای کسی که گواهی تو کافی است ، خود گواه باش که براستی من با نیت صادقانه تو را گواه می گیرم که بی گمان تو نسبت به من تفضل نموده و انعامت را بخشیدی ، و من کم شکر آن را نمودم ، ای خدایی که هر چه را بخواهی انجام می دهی ، ایمنی از مشمول ناخشنودی و غضب تو قرار گرفتن به واسطه کمی سپاسگزاری ام را بر گردنم بیآویز، و به واسطه رحمت واسعه ات مرا مستوجب افزونی ای از نعمت کاملت بگردان ، و مهلت استفاده از خیرات را به من بده . و به واسطه بدی باطنم ، مرا مورد مقایسه و سنجش [و محروم کردن از نعمت ] رفتار منما، و دلم را برای پذیرش خشنودی ات بگشای ، و اعمالی را که بر اساس دین تو برای نیل به قربت انجام دادم خالص گردان ، و آن را ملازم شبیه و فخر و ریاء مگردان . ای بزرگوار.

زیرا هرگاه این کلمات را بگوید، تمام اهل آسمانها او را دوست داشته و وی را شکور و بسیار سپاسگزار می نامند. ای محمد، هرکس از امت تو بخواهد که هیچ مانعی میان من و او نباشد، و هرچه را که خواست - خواه بزرگ باشد یا کوچک ، در نهان باشد و یا در آشکارا، به من حاجت داشته باشد یا به غیر من - اجابت نمایم ، بگوید: آنچه را که ما پیش از این در اواخر تعقیب جزء اول این کتاب ذکر نمودیم ، و در آنجا برای عمل به آن ترغیب و تشویق نمودیم - که در اینجا از ذکر آن خودداری می کنیم - به این صورت که بگوید:

يَا اِلهَ الْمَانِعِ قُدْرَتُهُ خَلَقَهُ، وَالْمَالِكِ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَ الْمُتَسَلِّطُ بِمَا فِي يَدَيْهِ، كُلُّ مَوْجُودٍ دُونَكَ يُخَيَّبُ رَجَاءَ رَاجِيهِ، وَ رَاجِيكَ مَسْرُورٌ لَا يُخَيَّبُ، اِءْسَاءُ لَكَ بِكُلِّ رِضَى لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اِءْتَتْ فِيهِ، وَ كُلِّ شَيْءٍ تُحِبُّ اَعْنَ تَذَكَّرَ بِهِ، وَ بِكَ يَا اِلهَ، فَلَيْسَ يَعْدِلُكَ شَيْءٌ، اَعْنَ تَحَوُّطَنِي وَ الْوَالِدَىَّ وَ وُلْدِي وَ مَالِي ، وَ تَحْفَظَنِي بِحِفْظِكَ، وَ اَعْنَ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَ كَذَا.

- ای خداوندی که قدرتت مخلوقات را مانع گردیده است ، و سلطنت آنها را در ملک خویش درآورده ، و به آنچه که در حضور توست ، مسلط هستی ، هر موجودی غیر از تو امید و ارانش را نومید می گرداند، ولی کسی که به تو امید دارد، نومید و محروم نمی گردد، از به تمام خشنودیهایی که از تمام اشیاء داشته ای ، و تمام اموری را که دوست می داری به آن یاد شوی ، و به تو ای خدا

که هیچ چیز همتای تو نیست ، خواهانم که مرا و پدر و مادر و فرزندان و اموالم را به حفظ خویش محافظت و نگاهداری نمایی ، و حاجتم را درباره ... و برآورده فرمایی .

زیرا هرکس این را بگوید، پیش از آنکه از انتقال که در آن دعا خوانده ، حاجت او را برآورده می نمایم .

۲۰ - و نیز بگوید:

اَللّٰهُمَّ، مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتِيْ ، وَ عَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِيْ ، وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِيْ ، تَعَلَّمْ فِيْهِ صِلَاحَ اَمْرِ اٰخِرَتِيْ وَ دُنْيَايَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَفْعَلْهُ بِيْ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ فِيْ عَافِيَةٍ. سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ، وَ سَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ.

- خدایا، هرچه را که درخواست من از آن کوتاه و نیرویم ناتوان گردیده ، و هوش و ذهنم به آن نمی رسد، و تو می دانی که صلاح امر آخرت و دنیای من در آن است ، پس بر محمد و آل محمد درود فرست ، و آن را به واسطه رحمت خویش همراه با عافیت برای من بکن ، به [واسطه ] اینکه معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار [صفت ] عزّت و سربلندی است از آنچه که او را بدان توصیف می نمایند، و سلام بر پیامبران فرستاده شده ، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است .

پایان بردن روز با استغفار

۲۱ - اینک می گویم : شایسته است که محاسبه روز را به هر اندازه از استغفار که توان آن را داری به پایان ببری ، زیرا روایت شده که امام صادق (ع ) فرمود: رسول خدا(ص ) فرمود: خوشا به حال کسی که در نامه عمل او در روز قیامت در زیر هر گناه ، اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ دیده شود.

حالت توجّه و توسّل در پایان روز

۲۲ - و نیز ناگفته نماند که : اگر در هنگام محاسبه دو فرشته نگاهبان ، باطنت صادق و نیت خالص باشد که در سفری که از ابتدای هستی و پیمودن راه به سوی روز موعودت داری ، میهمان خدا، یا میهمان پیامبر اکرم (ص )، یا میهمان یکی از ائمه (علیهم السلام ) هستی ، و نیز در حکم ضیافت بر سر سفره های آن رحمت و مهربانی صادق باشی ، پس بر آن دو فرشته سلام می گویی ، سلامی همراه با تصدیق و تسلیم ، یا بسان سلام رفیق بر رفیق خود، و هنگام محاسبه با زبان ادب و مراقبه می گویی : من میهمان خداوند - جلّ جلاله -، یا میهمان رسول خدا (ص )، یا میهمان افرادی از خواصّ و اولیای خدا هستم که در ضیافت خدایند، و میهمان در حکم میهماندار است ، و نسبت من به کسی که در حکم ضیافت و میهمانی اویم واگذار شده است ؛ پس شما دو فرشته ، نامه عمل مرا از دست کسی که من در پناه و تحت حمایت و بر سر سفره اش هستم ، بگیریید.

و نیز توجّه داری که شایسته است میهماندار، از رسوایی و خواری و تمام آسیبهایی که به میهمان می رسد جلوگیری کند، زیرا

میهمان به رسمان او چنگ زده ، آیا نشنیده ای که حضرت لوط (ع) فرمود:

وَلَا تُخْزَوْنَ فِي ضَيْفِي (۲۴۲)

- و در رابطه با میهمانم ، مرا رسوا ننمایید.

پس امید است که خداوند - جلّ جلاله - به خاطر بزرگداشت کسی که تو در ضیافت اویی ، بر نامه عمل تو قلم عفو کشیده و آن را از رحمتش پُر کند؛ یا اینکه میهماندار شفاعت تو را بنماید و خداوند - جلّ جلاله - به واسطه شفاعت او تو را مورد عفو و گذشت خویش قرار دهد.

خداحافظی از دو فرشته روز

۲۳ - سپس چنانکه در آغاز روز بر آن دو فرشته نگاهبان اعمال سلام دادی ، آن دو وداع و خداحافظی کرده و آنها را به خداوند - جلّ جلاله - می سپاری ، و با مصاحبت نیکو در ظاهر و باطن از آنها جدا می شوی ، به خاطر اینکه خداوند - جلّ جلاله - حفظ احترام فرستادگان و نگاهبانانش را واجب فرموده است . و همه اینها را به نیت خدمت و بندگی خداوند - جلّ جلاله - و اینکه از جمله عبادت‌های اوست انجام می دهی .

۲۴ - اعمال مربوط به هنگام داخل شدن در مسجد تا هنگام وارد شدن در نماز، در فصل چهاردهم گذشت ، پس هرگاه خواستی نماز مغرب ، یا مغرب و عشا را در مسجد بخوانی ، به آنچه گذشت عمل کن .

فصل بیست و سوّم : کیفیت ملاقات با دو فرشته نگاهبان بر اعمال و نحوه انجام نماز مغرب و تعقیبات آن

اهمّیت استقبال از دو فرشته نگاهبان اعمال

ای بنده ، اگر مسلمان بوده و به قرآن باور داشته باشی ، یقیناً در دل خویش ، اعتقاد و تصدیق فرمایش خداوند - جلّ جلاله - را می یابی ، آنجا که می فرماید:

إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ، كَرَامًا كَاتِبِينَ (۲۴۳)

- براستی که بر شما نگاهبانانی گمارده شده ، که بزرگوارانی هستند که [اعمال شما را] می نویسند.

و همان گونه که اگر بدانی از سوی بعضی از پادشاهان دنیا - که از بندگان پادشاه عالمیان هستند - پیکی به سوی تو خواهد آمد، خود را برای ورود آن آماده می کنی ، برای فرا رسیدن آن دو فرشته نیز خود را آماده می کنی ، و ورود و حضور آن دو، اهمّیتی در دلت پیدا می کنند که به وسیله آن می توان بر تصدیق تو به سرور فرستادگان خدا(ص) رهنمون شد، زیرا برخی از بندگان عارف خداوند - جلّ جلاله - هستند که با اسباب و وسایلی که به عبارت و بیان نمی توان آن را دریافت ، از وقت حضور و بازگشت آن دو

فرشته در شام و صبح آگاه می گردند، بلکه اگر خداوند - جلّ جلاله - بخواهد می تواند تو را نیز از آن آگاه گرداند تا اینکه بروشنی

آن را بدانی ، زیرا او - جلّ جلاله - به کسانی که پیرامون تقسیم رحمتها بر او خرده می گیرند، می فرماید:

اَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ؟ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ. (۲۴۴)

- آیان آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند، ماییم که روزی و گذران زندگی آنان را در زندگانی دنیا تقسیم نموده ، و درجات و پایه های برخی را بالاتر از بعضی دیگر قرار دادیم .

ولی اگر در آغاز شب و یا روز، اهمیتی در قلب خویش برای آن دو فرشته نگاهبان نیافتی ، نسبت به درمان دین و عقل خود دست توسّل به خداوند - جلّ جلاله - بزن ، که در این صورت مسلماً از لحاظ دین و یقین و قلب و باطن مریض هستی .

و مبدا بگویی : من با فلانی و فلانی را بوده و شبانه روز با آنها مصاحبت نموده ام ، ولی ندیده ام که آنان نسبت به این دو فرشته اهتمام و توجّه داشته و ارزشی برای آنها قایل باشند؛ زیرا اگر به کتاب و رسول خدا باور داشته باشی ، به اهل غفلت التفات نکرده ،

و به آنان اقتدا نمی کنی ، و تنها به آنچه که عقلاً و نقلاً ثابت است عمل می کنی ؛ زیرا بیشتر مردم در این زمانه در غفلت

هولناکی هستند که خداوند - جلّ جلاله - به آنان لطف فرموده و با عنایاتی که او - جلّ جلاله - شایسته آن است غفلت آنان را جبران نموده است .

پیش از این ، تو را بر حقیقت آنچه که هنگام وداع این دو فرشته در وقت غروب آفتاب گفته می شود، آگاهانیدیم ، و آن را با

استفاده عقل و نقل روشن ساختیم ، و آن حجتّ خداوند علّام الغیوب است بر هرکسی که به او رسیده باشد.

کیفیت ملاقات و سلام به دو فرشته نگاهبان بر اعمال

اینک می گویم : پس هرگاه سرخی آفتاب از افق مشرق - البتّه با نبود موانع مشاهده آن - برطرف شد، یا در هنگام وجود موانعی

که مانع از شناخت آن وقت می گردد، ظنّ غالب به از بین رفتن آن حاصل شد، و وقت حضور دو فرشته شب بر اساس روایات

منقول رسید، اگر آن را از طریق مراحم ربّانی در نیافتی ، همانند آغاز روز بر آن دو سلام بگو، و خداوند - جلّ جلاله - را گواه بگیر،

و آن دو را بر آنچه که دو فرشته روز را بر آن شاهد گرفتی ، شاهد بگیر.

که در روایت آمده که علیّ (ع) همواره وقتی شب فرا می رسید، می فرمود:

مَرْحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ، وَ الْكَاتِبِ وَالشَّهِيدِ، اُكْتُبَا: بِسْمِ اللَّهِ.

- خوش آمد شبِ نو و دو فرشته نویسنده و گواه . بنویسید: به نام خدا.

سپس ذکر خداوند - عزّوجلّ - را می گفت .

و اگر خواستی ، سلام بر آن دو را به بعد از نماز مغرب تاخیر بیانداز که این نیز در بعضی از روایات نقل شده است .

همچنین در روایتی آمده که رسول اکرم (ص) همواره وقتی که هنگام شام می شد می فرمود:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَءْذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَ جَاءَ بِاللَّیْلِ، سَكَنَّا، نِعْمَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا، اَءَلَّهْمُ، اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِیْنَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ فِیْ یَوْمِیْ هَذَا، قُرْبٌ مُّبْتَلٰی قَدْ اِبْتَلٰی فِیْمَا مَضٰی مِنْ عُمْرِیْ، اَءَلَّهْمُ، عَافِنِیْ فِیْمَا بَقِیَ مِنْهُ وَ فِی الْاٰخِرَةِ، وَ قِنِیْ عَذَابَ النَّارِ.

و هنگامی که صبح می شد نیز مثل آن را می فرمود، البته به جای وَ جَاءَ بِاللَّیْلِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ می فرمود.

نحوه سپردن اعمال قضا شده به فرشتگان

که من وقتی برخی از دعاها و عبادت‌های روز تا فرا رسیدن شب را فراموش می کنم ، آنها را انجام داده و قضا می کنم و بر دو فرشته شب سلام گفته و آن دو را به خداوند - جلّ جلاله - سوگند می دهم که هنگام نوشتن آنچه که تدارک نموده و قضا کرده ام ، از خداوند - جلّ جلاله - بخواهند که به دو فرشته روز اطلاع دهند که آن را در جای خود از عمل روز بنویسند؛ و همچنین وقتی چیزی از عبادات شب را فراموش می کنم ، در روز آن را تدارک نموده و از دو فرشته روز درخواست می کنم که به دو فرشته شب اطلاع دهند که آنچه را که قضا نموده ام در جای خود بنویسند، تا جای آن خالی نماند.

دعای وقت شنیدن اذان صبح و مغرب

سپس به همان صورتی که در کیفیت اذان نماز ظهر ذکر شد، برای نماز مغرب اذان بگو، و بعد از اذان و یا پیش از آن - به حسب توفیق و امکان - بگو آنچه را که روایت شده که حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) فرمود: حضرت جعفر بن محمد (علیهما السلام) پیوسته می فرمود: هر کس هنگامی که اذان صبح و اذان مغرب را شنید این دعا را بخواند، و سپس در همان روز یا شب بمیرد، از توبه کنندگان نوشته می شود، به این صورت که بگوید:

اَءَلَّهْمُ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاِقْبَالِ لَیْلِتِكَ وَ اِدْبَارِ نَهَارِكَ وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَ اَصْوَاتِ دُعَاتِكَ [دُعَاتِكَ] وَ تَسْبِیْحِ مَلَائِكَتِكَ، اَعَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَتُوبَ عَلَیَّ، اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ.

- خداوند، به واسطه روی آوردن شب و پشت کردن روز و حضور [وقت] نمازهای دعا کنندگانت [یا: دعایت] و تسبیح ملائکه ات ، از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و توبه مرا بپذیری ، براستی که تو بسیار بخشنده مهربان می باشی .

دعای بعد از فراغت از اذان

اینک می گویم : وقتی از اذان و این دعا فراغت پیدا کردی ، بگو آنچه را که حسن بن معاویه بن وهب به نقل از پدرش می گوید که هنگام غروب به خدمت امام صادق (ع) وارد شدم ، و دیدم که حضرت اذان گفته و نشسته اند، و شنیدم که دعایی را می خوانند که مثل آن را نشنیده بودم . ساکت شدم ، تا اینکه آن بزرگوار از نماز فراغت پیدا کردند، سپس عرض کردم : ای سرور من ، دعایی از شما شنیدم که هرگز مثل آن را نشنیده بودم . فرمودند: این دعای امیرالمؤمنین (ع) است در شبی که در رختخواب رسول خدا(ص) خوابیدند، و به این صورت :

يَا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعَى ، يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى ، يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ إِلَهٌ يُتَّقَى ، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُعْشَى ، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُنَادَى ، يَا مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَى كَثَرَةِ السُّؤْلِ إِلَّا الْكَرَمَ وَ جُودًا ، يَا مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَى عِظَمِ الْجُرْمِ إِلَّا رَحْمَةً وَ عَفْوًا ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَافْعَلْ بِي مَا أَعْنَتَ أَهْلُهُ ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ، وَ أَعْنَتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْخَيْرِ وَ الْكَرَمِ .

- ای خداوندی که پروردگاری همراه تو وجود ندارد تا خوانده شود، ای خدایی که آفریننده ای برتر و بالایی تو نیست که از او نرسیده شود، ای خداوندی که معبودی غیر تو که انسان از او بیم و هراس داشته و پرهیز نماید، وجود ندارد و ای خدایی که وزیری نداری که تو را پنهان نگاه دارد، ای خدایی که درباری نداری تا آن [به جای تو] خوانده شود، ای کسی که بسیار درخواست نمودن جز بر بزرگواری و بخشش تو نمی افزاید، ای خدایی که بزرگی جرم و گناه جز بر رحمت و گذشت تو افزون نمی کند، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و آنچه را که خود سزاوار آن هستی با من بکن ، که تو اهل تقوی و نگاهداری و اهل آمرزش هستی ، و تو زینده بخشش و خیر و بزرگواری می باشی .

توضیح دو نکته پیرامون حدیث گذشته

الف - آنچه که روایت این دعا متضمن آن است که مولایمان امام صادق (ع) بعد از اذان مغرب جلوس فرمودند، معلوم است که آن بزرگوار در تمام اوقات حقیقتاً به اسرار الهی - جلّ جلاله - آشناتر هستند، ولی روایاتی نقل شده که مضمون آن این است که : [بهتر است که بین اذان و اقامه نماز مغرب ننشینند، و ظاهر عمل گروهی از اهل توفیق نیز بر آن استوار است ، ولی شاید نشستن بین اذان و اقامه مغرب گاهی از اوقات ، و یا برای گروهی مخصوص افضل باشد.

ب - اینکه حضرت - صلوات الله علیه - فرمود: این دعای مولایمان امیرالمؤمنین (ع) بود در شبی که در رختخواب رسول خدا(ص) خوابیدند منافاتی با دعای [لَيْلَةُ] الْمَبِيتِ که پیش از این (۲۴۵) ذکر و نقل نمودیم ندارد، بلکه امکان دارد که مولایمان امیرالمؤمنین (ع) به حسب حدیث منقول ، به هر دو صورت دعا نموده باشند.

کیفیت اقامه و نماز مغرب

وقتی بنده از اعمال بعد از اذان - که در اذان ظهر گذشت - و از دعایی هم اکنون یادآور شدیم فراغت پیدا کرد، باید برای گفتن اقامه بپا خیزد، و آن را با توضیحی که گذشت بگوید، و بعد از آن به کیفیتی که گفتیم و روایت نمودیم ، دعا کند.

اینک می گویم : اگر عادت به سهو در نماز مغرب داشته باشد، باید در رکعت اول و دوم از آن ، سوره هایی را که قرائت کند که عمر بن یزید می گوید به محضر امام صادق (ع) از سهو کردن در نماز مغرب شکایت نمودم . حضرت فرمود: آن را با قرائت سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بجا آور، و من چنین کردم ، و آن موضوع رفع شد.

سپس با تکبیرهای هفتگانه و دعاهای آن به همان صورتی که پیش از این ذکر نمودیم توجّه نموده ، و نیت کند که : نماز واجب مغرب را به صورت ادا و به جهت وجوبش و برای اینکه بدین وسیله عبادت خداوند - جلّ جلاله - بنمایم ، از آن جهت که او

زیبنده پرستش است ، بجا می آورم . و تکبیره الاحرام را - که از جمله تکبیرات هفتگانه است - بگوید، و سه رکعت را به صورت نماز ظهر و بر همان ترتیبی که شرح دادیم بجا آورد، جز اینکه حمد و سوره را در دو رکعت اول و دوم در اینجا بلند و به صورت جهری قرائت می کند، و در رکعت سوم سوره حمد را با حالت اخفات و آهسته می خواند(۲۴۶)

و هنگامی که دو سجده رکعت سوم انجام داد بر نمی خیزد، بلکه به همان صورت که در تشهد باید نشست می نشیند، و به همان صورتی که در تشهد دوم نماز ظهر ذکر نمودیم تشهد بجا می آورد، و سلام می گوید.

## تعقیبات مخصوص نماز مغرب

۱ - سپس به همان صورتی که در روایت آمده سجده شکر بجا می آورد. علی بن جهم می گوید: حضرت ابوالحسن موسی (ع) را دیدم که بعد از خواندن سه رکعت نماز مغرب ، سجده نمود. عرض کردم : فدایت گردم ، دیدم که شما بعد از خواندن سه رکعت نماز مغرب سجده نمودید، فرمود: مرا دیدی ؟ عرض کردم : بله . فرمود: پس آن را ترک مکن ، زیرا دعا در آن حالت مستجاب می گردد.

۲ - وقتی سلام نماز مغرب را گفت ، دستهایش را همراه با گفتن تکبیرهای سه گانه بالا می برد، و دعاها و تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام) و تعقیبات مهمی را که بعد از نمازهای واجب بجا آورده می شود و ما مشروحاً آن را ذکر نمودیم ، می گوید.

۳ - سپس دو فرشته نگاهبان را مورد خطاب قرار داده و می گوید آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: در هر شام و صبح در تعقیب نماز واجب مغرب و نماز صبح ده بار بگو:

اَسْتَغِيْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ.

- از شیطان رانده شده ، به خدا پناه می برم .

سپس بگو:

اَكْتُبَا رَحِمَكُمَا اللّٰهُ : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، اَمْسِيْتُ وَ اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِنًا، عَلٰى دِيْنِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ سُنَّتِهِ وَ عَلٰى دِيْنِ عَلِيٍّ (ع) وَ سُنَّتِهِ. وَ عَلٰى دِيْنِ فَاطِمَةَ(عليهاالسلام) وَ سُنَّتِهَا، وَ عَلٰى دِيْنِ الْاَوْصِيَاءِ(عليهاالسلام) وَ سُنَّتِهِمْ، اَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ بَعِيْتِهِمْ وَ شَهَادَتِهِمْ، اَسْتَغِيْذُ بِاللّٰهِ فِيْ لَيْلَتِيْ هَذِهِ وَ يَوْمِيْ هَذَا مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْاَوْصِيَاءُ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ)، وَ اَرْغَبُ اِلَى اللّٰهِ فِيمَا رَغِبُوا فِيْهِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.

- بنویسید که خداوند شما را رحمت کند: به نام خداوند رحمت گستر مهربان ، شب و صبح نمودم در حالی که بر اساس دین و آیین حضرت محمد (ص) ، و بر اساس آیین و شیوه حضرت علی(ع) ، و طبق آیین و روش حضرت فاطمه (علیهاالسلام) و بر آیین و راه و روش اوصیاء(علیهم السلام) ، به خدا ایمان آوردم . ایمان آوردم به باطن و ظاهر و نهان و آشکار ایشان ، و در این شب و این



روزم از تمام آنچه که حضرت محمد و علی و فاطمه و اوصیاء (صلی الله علیه و آله) از آن پناه بردند، به خدا پناه می برم، و نسبت به آنچه بدان میل و رغبت داشتند، به خدا میل و رغبت دارم، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به [وسیله] خدا.

۴ - سپس می گویی آنچه را روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس بعد از نماز صبح و بعد از نماز مغرب، پیش از آنکه پاهایش را جمع کند، یا با کسی سخن بگوید، یک بار بگوید:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ.

- برآستی که خداوند و فرشتگانش بر پیامبر اکرم درود و رحمت می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستاده و کاملاً تسلیم او شوید. خداوند، بر حضرت محمد پیامبر اکرم و بر فرزندان او و بر اهل بیتش درود فرستد.

خداوند متعال صد حاجت او را برآورده می سازد، که هفتاد حاجت آن اخروی (۲۴۷) و سی حاجت آن حاجت دنیوی است.

۵ - و نیز می گوید آنچه که روایت شده حضرت ابی الحسن امام رضا (ع) فرمود که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: هر کس بعد از نماز مغرب در حالی که پاهایش را جمع کرده، و پیش از سخن گفتن، و بعد از نماز صبح پیش از سخن گفتن، هفت بار بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به [وسیله] خداوند بلند مرتبه و بزرگ.

خداوند متعال هفتاد نوع از انواع بلا و گرفتاری را از او دور می سازد، که کمترین آنها جذام و پیسی و شرّ سلطان و فرمانروا و شیطان است.

۶ - و نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند: هر کس نماز صبح را بخواند و پیش از خم کردن زانوها و راحت نشستن ده بار بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست، و فرمانروایی از آن اوست، و ستایش مختصّ اوست، زنده می گرداند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او خود زنده ای است که نمی میرد، و خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و او بر هر چیز تواناست.

و هنگام غروب آفتاب [و یا: بعد از نماز مغرب] مانند آن را بگوید، هیچ بنده ای به عملی برتر از عمل او با خداوند - عزوجلّ - ملاقات نمی نماید، مگر کسی که عملی مانند او را بجا آورده باشد.

۷ - و همچنین بعد از نماز مغرب و نماز صبح می گوید:

سُبْحَانَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا إِلَّا أَنْتَ

- پاک و منزّهی تو، معبودی جز تو نیست ، تمام گناهانم را بیامرز، زیرا جز تو کسی همه گناهان را نمی آمرزد.

زیرا در ضمن روایتی به نقل از امام باقر(ع) از پیامبر اکرم (ص) (بدین مضمون) آمده است که : وقتی بنده این را گفت ، خداوند

- جلّ جلاله - به فرشتگان نویسنده اعمال می فرماید: در برابر این شناختی که بنده ام دارد که همه گناهان را جز من کسی نمی تواند بیامرزد، مغفرت و آمرزش برای او بنویسید.

۸ - می گوید آنچه را که محمد بن جُعی به نقل از پدرش نقل کرده که : چشمم خیلی درد می کرد، در محضر امام صادق (ع) از

آن شکایت نمودم ، فرمود: آیا دعایی برای دنیا و آخرت و برای درمان درد چشمت به تو نیاموزم ؟ عرض کردم : بله ، فرمود: در تعقیب نماز صبح و مغرب بگو:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، اَعَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَسْأَلُكَ اَعَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِیْ بَصْرِی ، وَ الْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِی ، وَ الْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِی ، وَ الْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِی ، وَ السَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِی ، وَ السَّعَةَ فِیْ رِزْقِی ، وَ الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنی .

- خداوندا، به حقّ محمد و آل محمد (علیه و علیهم السّلام) از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و از تو مسألت دارم که در دیده ام نور، و در دینم بصیرت و روشندلی ، و در قلبم یقین ، و در عملم اخلاص ، و در نفسم سلامتی ، و در روزی ام وسعت قرار دهی ، و سپاسگزاری به درگاهت را تا زمانی که مرا زنده و پاینده داشته ای همواره [ارزانی ام داری .].

فاصله بین نماز مغرب و عشا، وقت مخصوص مناجات با خدا

اینک می گویم : پیش از خواندن نافله های نماز مغرب ، تعقیب نماز مغرب را طول نده ، زیرا برترین وقت بر انجام نافله های نماز

مغرب تا پیش از زوال سُرخِ آفتاب از اُفقگاه غروب آفتاب می باشد، و گروهی از عارفان در بین نماز مغرب و عشا با غیر خدا -

جلّ جلاله - سخن نمی گفتند، زیرا آن وقت ، وقتِ مختصّ به مناجات با خداوند علامّ الغیوب و وقت کامیابی و برآورده شدن

خواج است ، بلکه اگر نمازگزار بیم آن را داشته باشد که به خاطر مشغول شدن به خواندن این دعاها، سُرخِ آفتاب پیش از خواندن

نافله مغرب از اُفق مغرب از بین برود، دعاها را وقت گیر را به بعد از نافله های مغرب به تاخیر می اندازد، که بنابر برخی از روایات

تأخیر آن فضیلت دارد و مستحبّ است .

حدّاقل اگر ترک سخن گفتن با غیر خدا - جلّ جلاله - تا خواندن نماز واجب عشا برای او بیشتر نبود، بکوشد که با غیر خداوند -

جلّ جلاله - سخن نگوید تا اینکه چهار رکعت نافله مغرب را بخواند، در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس نماز مغرب

را بخواند و بعد تعقیب آن را بجا آورد و سخن نگوید تا اینکه دو رکعت نماز بخواند، آن دو در علّیین برای او نوشته می شوند، و اگر

چهار رکعت بخواند، یک حجّ و عُمره نیکو برای او نوشته می شود.

فصل بیست و چهارم : آداب اسرار و ادعیه و نافله های مغرب و ادامه تعقیبات نماز مغرب

وقتی بنده از آنچه ذکر نمودیم فراغت پیدا نمود، باید برای بجا آوردن نماز نافله مغرب بپا خیزد، که چهار رکعت است ، هر دو رکعت با یک سلام و دعاهایی بعد از آن .

سوره های مخصوص نافله های مغرب

درباره سوره هایی که در چهار رکعت نمازهای نافله مغرب قرائت می شود، در روایت آمده که حاتم بن فرج می گوید: از حضرت ابالحسن موسی بن جعفر(علیهماالسلام ) درباره سوره هایی که در چهار رکعت [نافله های نماز مغرب ] خوانده می شود، پرسیدم ، حضرت (ع ) به خطّ خویش مرقوم فرمود: در رکعت اوّل سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ و در رکعت دوّم سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ ؛ و در رکعت سوم ، آیاتی از اوّل سوره بقره و وسط همان سوره ، یعنی آیات و اِلَهُكُمْ اِلَهٌ وَّاحِدٌ (۲۴۸) و سپس پانزده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ، را قرائت می نماید، و در رکعت چهارم ، آیه الكرسيّ و آخر سوره بقره (۲۴۹) و سپس پانزده بار قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ را می خواند.

و در روایت دیگری نیز درباره سوره هایی که در دو رکعت نخست نوافل مغرب قرائت می شود، آمده است : در رکعت اول از نافله های مغرب ، سوره حمد و سه بار قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ، و در رکعت دوّم سوره حمد و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ خوانده می شود.

چنانکه درباره دو رکعت سوّم و چهارم ، روایت شده که : حضرت ابی الحسن امام کاظم و امام باقر(علیهماالسلام ) همواره در دو رکعت سوّم و چهارم نافله های مغرب ، در رکعت سوّم سوره حمد و اوّل سوره حدید، تا عَلِيمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۵۰) و در رکعت چهارم سوره حمد و آخر سوره حشر(۲۵۱) را قرائت می فرمودند.

دعای مخصوص آخرین سجده نافله های مغرب

درباره دعایی را که در آخرین سجده نافله های مغرب خوانده می شود و فضیلت آن ، در روایت آمده که امام صادق (ع ) فرمود: هرکس در آخرین سجده از نافله بعد از [نماز] مغرب شب جمعه (و اگر در هر شب آن را انجام دهد، افضل و بهتر خواهد بود) هفت بار بگوید:

اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ [و مُلْكِكَ الْقَدِیْمِ، اَعَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اَعَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِیَ الْعَظِیْمِ]، اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الْعَظِیْمَ اِلَّا الْعَظِیْمُ

- خداوندا، همانا به روی [و اسماء و صفات ] بزرگواری و به اسم بزرگ [و فرمانروایی دیرینه و بی آغازت از تو مسئلت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی ، و گناه بزرگ مرا بیامرزی ]، که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد.

نماز را تمام می کند، در حالی که خداوند او را مورد مغفرت خویش قرار داده است .

و در روایت دیگری آمده که : آن با شصت حجّ از دورترین شهرها برابر است .

کیفیت دو رکعت نخست نافله های نماز مغرب

این دو رکعت را به این نیت شروع می کنی : نماز نافله مغرب را به گونه استحبایی و به منظور اینکه بدین وسیله عبادت خداوند - جلّ جلاله - را بکنم از آن جهت که زینده پرستش است ، بجا می آورم ، سپس هفت تکبیر افتتاح را همراه با دعاهاى آن به صورتی که در رکعت اول از نافله هاى نماز ظهر شرح دادیم بجا می آوری ، و به همان کیفیتى که ذکر کردیم توجه می کنی ، و بعد از توجه سوره حمد و بعد از حمد یکی از سوره هاى را که روایت کردیم برگزیده و قرائت می نمایی .

و وقتی از رکعت اول نماز نافله مغرب بپا خاستی ، سوره حمد و هر کدام از سوره هاى که در دو روایت ذکر نمودیم برگزیده و قرائت می کنی ، سپس رکعت دوم را به همان کیفیت که در رکعت اول نافله هاى نماز ظهر بیان نموده و توضیح دادیم ، کامل نموده و سلام نماز را می گویی .

و وقتی سلام نماز را گفتی به همان صورتی که پیش از این ذکر کردیم سه بار تکبیر می گویی ، و انجام تسبیح حضرت زهراء(علیهاالسلام ) نیز به کیفیت گذشته مستحب است .

آنگاه بعد از این دو رکعت ، این دعا را می خوانی :

اَللّهُمَّ، اِنَّكَ تَرى وَلَا تُرَى ، وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى ، وَ اِلَيْكَ الرَّجْعى وَالْمُنْتَهى ، وَ اِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَ الْمَحْيى ، وَ اِنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولٰى ، اَللّهُمَّ، اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَعْنُ نَذَلُّ وَ نَخْزى ، وَ اَعْنُ نَأْتِىَ مَا عَنْهُ تَنْهَى ، اَللّهُمَّ، اِنِّىْ اَسْأَلُكَ اَعْنُ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ ، وَ اَسْتَغِيْذُ بِكَ مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ ، وَ اَسْأَلُكَ مِنَ الْخَوْرِ الْعَيْنِ وَ بِعِزَّتِكَ ، وَ اجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِىْ عِنْدَ كَبْرِ سِنِّى ، وَ اَحْسَنَ عَمَلِىْ عِنْدَ اقْتِرَابِ اَجَلِىْ ، وَ اَعْطِلْ فِى طَاعَتِكَ وَ مَا يُقَرِّبُ مِنْكَ وَ يُخْطِىْ عِنْدَكَ وَ يُزِلْفُ لَدَيْكَ عُمْرِى ، وَ اَحْسِنْ فِى جَمِيعِ اَحْوَالِى وَ اُمُوْرِى مَعُوْنَتِى ، وَلَا تَكِلْنِىْ اِلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، وَ تَفَضَّلْ [يا: اَفْضَلُ] عَلٰى بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِى لِلدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ، وَ اَبْدَاءُ بِوَالِدِىَّ وَ وُلْدِى وَ جَمِيعِ اِخْوَانِى الْمُؤْمِنِيْنَ فِى جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِى ، وَ ثَنِّ بى بِرَحْمَتِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

- خداوندا، بی گمان تو می بینی و دیده نمی شود، و در چشم انداز بالاتر قرار داری ، و بازگشت و سرانجام [همگان ] فقط به سوى توست ، و مسلماً مرگ و زندگانی برای توست ، و آخرت و دنیا از آن توست ، خدایا، به تو پناه می بریم از اینکه خوار و رسوا گشته و آنچه را که از آن نهی فرموده ای مرتکب شویم ، خداوندا، براستى از تو مسألت می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و به رحمت بهشت را از تو خواهانم ، و به قدرتت از آتش جهنم به تو پناه می آورم ، و به عزّتت از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتى از تو درخواست می نمایم ، و وسیع ترین روزى ام را در هنگام فرونى عمرم ، و نیکوترین عملم را در هنگام نزدیکی سرآمد عمرم قرار ده ، و عمرم را در طاعتت و آنچه که مرا به تو نزدیک گردانیده و در نزدت بهره مند، و در پیشگاهت برخوردار از منزلت می گرداند، طولانى گردان ، و در همه حالات و امورم مرا نیکو یارى فرما، و به هیچ یک از مخلوقات وامگذار، و تفضل فرموده و همه حوائج در دنیا و آخرت را برآورد ساز، و در تمام آنچه از تو برای خود درخواست نمودم نخست به والدین و فرزندان و تمام برادران مؤمنم آغاز کن ، [و به ایشان عطا فرما] و در مرحله دوم به من [عطا فرما]. به رحمت ، ای مهربانترین مهربانها.

سپس برای خواندن دو رکعت آخر از نافله های مغرب بپا می خیزی . و نیت این دو مانند نیت دو رکعت نخست می باشد. آنها را با تکبیره الاحرام آغاز نموده ، و سوره حمد و یک سوره از دو روایتی که ذکرش گذشت ، برگزیده و بعد از حمد قرائت می کنی ، و به همان صورتی که در دو رکعت اول نافله های ظهر ذکر نمودیم رکوع و سجده بجا می آوری .

سپس برای خواندن رکعت دوم نافله مغرب برخاسته ، و سوره حمد، و یک سوره از دو روایت را برگزیده و قرائت می کنی ، و مثل قنوت نافله های ظهر قنوت می کنی ، رکوع ، و سجده نخست و بعد سجده دوم و دعای مخصوص آن (یعنی : اِاللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ هَفْتَ بَارٍ تا آخر) بر آن می افزایی ، می نشینی و تشهد را به صورت کامل گفته ، و سلام نماز و تکبیرهای سه گانه را می گویی ، و تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام ) را به صورتی که گذشت انجام می دهی .

آنگاه بعد از این دو رکعت ، این دعا را خوانده و می گویی :

اِاللّٰهُمَّ، بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ، وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الْغِنَى وَ الْفَقْرِ، وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الْخِذْلَانِ وَ النَّصْرِ، وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الْمَوْتِ وَ الْحَیَاةِ، وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الصَّحَّةِ وَ السُّقْمِ، وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الْخَیْرِ وَ الشَّرِّ، [وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ]، وَ بِیَدِكَ مَقَادِیْرُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ، اِاللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَارِكْ لِیْ فِیْ اَهْلِیْ وَ مَالِیْ وَ وُلْدِیْ وَ اِخْوَانِیْ وَ جَمِیْعِ مَا خَوَّلْتَنِیْ وَ رَزَقْتَنِیْ وَ اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَیَّ وَ مَنْ اَخَذْتَ بَیْنِیْ وَ بَیْنَهُ مَعْرِفَةً مِّنَ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَاجْعَلْ مِیْلَهُ اِلَیَّ وَ مَحَبَّتَهُ لِیْ ، وَاجْعَلْ مُنْقَلَبَنَا اِلَیْ خَیْرِ دَائِمٍ وَ نَعِیْمٍ لَا یَزُولُ، اِاللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، [وَ] اَقْصِرْ اَمَلِیْ عَنْ غَايَةِ اَعْجَلِیْ ، وَاشْغَلْ قَلْبِیْ بِالْآخِرَةِ عَنْ الدُّنْیَا، وَ اَعِنِّیْ عَلٰی مَا وَظَّفْتَ عَلَیَّ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ كَلَفْتَنِیْهِ مِنْ رِعَايَةِ حَقِّكَ، وَ اَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَیْرِ وَ خَوَاتِمَهُ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ اَنْوَاعِهِ، خَفِیَّهِ وَ مُعْلَنِهِ، اِاللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَقَبَّلْ عَمَلِیْ ، فَضَاعِفُهُ لِیْ ، وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ یُسَارِعُ فِی الْخَیْرَاتِ، وَ یَدْعُوْكَ رَغْبًا وَ رَهْبًا، وَاجْعَلْنِیْ لَكَ مِنَ الْخَاشِعِیْنَ.

اِاللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [یا: وَ آلِهِ] وَفُكَّ رَقَبَتِیْ مِنَ النَّارِ، وَ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ الْخَلَالِ، وَ اِذْرَأْ عَنِّیْ شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، وَ شَرَّ كُلِّ ذِیْ شَرٍّ. اِاللّٰهُمَّ، وَ اَیَّمَا اَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ اَعْرَادَنِیْ اَوْ اَحَدًا مِّنْ اَهْلِیْ وَ وُلْدِیْ وَ اِخْوَانِیْ وَ اَهْلِ خِرَاتِنِیْ بِسُوءٍ، فَاِنِّیْ اَعْدَرَاؤُكَ فِیْ نَحْرِهِ (۲۵۲) وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَ اَسْتَغِیْنُ بِكَ عَلَیْهِ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [یا: آلِهِ]، وَ خُذْ[هُ] عَنِّیْ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِیْنِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ [وَ مِنْ تَحْتِهِ]، وَ اَمْنَعْنِیْ مِنْ اَعْنُ یَصِلَ اِلَیَّ مِنْهُ سُوءٌ اَبَدًا، بِسْمِ اللّٰهِ، وَبِاللّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلٰی اللّٰهِ، اِنَّهُ مَنْ یَتَوَكَّلْ عَلٰی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، اِنَّ اللّٰهَ بِالْغُ اَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا.

اِاللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاجْعَلْنِیْ وَاَهْلِیْ وَ وُلْدِیْ وَ اِخْوَانِیْ فِی كَنَفِكَ وَ حِفْظِكَ وَ حِرْزِكَ وَ حِیَاطَتِكَ وَ جِوَارِكَ وَاَعْمَنِكَ [وَ اَعْمَانِكَ] وَ عِیَادِكَ وَ مَنَعِكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَ اَمْتَنَعَ عَائِدُكَ، وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاجْعَلْنِیْ وَاِیَّاهُمْ فِی

حِفْظِكَ وَ مُدَافَعَتِكَ وَ وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَالسُّلْطَانِ، إِنَّكَ أَعَشَدُّ بَاءًسًا وَ أَعَشَدُّ تَنْكِيلًا، اِئْتِ بِهُمْ، إِنْ كُنْتُ مُنْزَلًا بَاءًسًا مِنْ بَاءِ سِكَ، وَ نِقْمَةً مِنْ نِقْمَتِكَ بَيَاتًا، وَ هُمْ نَائِمُونَ أَوْ ضَحَى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاجْعَلْنِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوَانِي فِي دِينِي فِي مَعْنِكَ وَ كَنْفِكَ وَ دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ.

اِئْتِ بِهُمْ، إِنْ أَسَاءَ لَكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمَشْرِقِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْبَاقِي الْكَرِيمِ، وَ أَسَاءَ لَكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذِي أَعَشَرَ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَعَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعَنْ تُصَلِّحَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَ تُعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَ تَصْرِفَ عَنِّي الشَّرَّ كُلَّهُ، وَ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا، وَ تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي، وَ تَمُنَّ [يَا: مِنْ] عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ تَطَوُّلاً مِنْكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ، وَ تُزَوِّجَنِي مِنَ الْحَوَرِ الْعَيْنِ، وَ ابْدَأْ بِوَالِدَيَّ وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَ أَعْوَاتِي الْمُؤْمِنَاتِ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي، وَ ثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

– خداوندا، اندازه ها و مقادیر شب و روز و آفتاب و مهتاب ، و بی نیازی و ناداری ، و شکست و پیروزی ، و مرگ و زندگانی ، و بهبودی و بیماری ، و خیر و شرّ، [و بهشت و آتش جهنّم ] و دنیا و آخرت تنها به دست توست . خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست ، و دین و دنیا و آخرت را برای من پر خیر و برکت گردان ، و در اهل و مال و دارایی و فرزندان و برادرانم و همه آنچه را که به من عنایت و روزی نموده و ارزانی داشته ای و هر کس از مؤمنان که میان من و او آشنایی ایجاد کرده ای ، مبارک گردان . و نسبت به من متمایل ، و دوستدارم قرار ده ، و بازگشت ما را به سوی خیر جاودانی و نعمت [معنوی ] ای که از بین نمی رود، قرار ده ، خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست ، [و] آرزویم را کوتاه [تر] از فرجام سرآمد عمرم بگردان ، و دلم را با مشغول شدن به آخرت از دنیا بازدار، و مرا بر آنچه از طاعتت موظّف ، و بر رعایت حقوق مکلف نموده ای ، یاری فرما، و آغازها و پایان های خیر و خوبی را از تو مسألت دارم ، و به تو پناه می برم از شرّ، و انواع مخفی و آشکار آن ، خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست ، و عمل مرا بپذیر، و آن را مضاعف و دو چندان گردان ، و از کسانی قرار ده که در خیرات و خوبیها پیشی گرفته ، و با حالت رغبت و هراس تو را می خوانند، و از فروتنان درگاهت قرار ده .

خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست و از آتش جهنّم رهایی فرما، و روزی حلالیت را بر من وسعت ده ، و شرّ فاسقان جنّ و انس ، و شرّ گناهکاران عَرَب و عَجَم ، و آسیب هر آسیب رسان را از من دور فرما. خداوندا، و هر کس از مخلوقات که بخواهد که به من ، یا هر کدام از خانواده و فرزندان و برادرانم و خویشان و بستگانم که به خاطر آنان ناراحت می شوم ، بدی برساند، من به واسطه تو بر سینه او [دست ردّ زده و ] دورش می نمایم ، و از شرّ آن به تو پناه می برم ، و به تو بر او یاری می جویم ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و او را از پیش روی و پشت سر و سمت راست و چپ و بالا [و زیرش ] بگیر، و نگذار که هیچگاه از ناحیه او بدی و آسیبی به من برسد. به نام خدا، و به [وسیله ] خدا، بر خدا توکل نمودم ، براستی که هر کس بر خداوند توکل نماید، خدا او را کفایت می کند، بی گمان خداوند کار خود به آخر می رساند، و خداوند برای هر چیز اندازه مشخصی قرار داده است .

خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست ، و من و خانواده و فرزندان و برادرانم را در تحت حمایت و حفظ و نگاهداری و محافظت و همسایگی و امن [و امان ] و پناهندگی و باز دارندگی خویش قرار ده ، همسایه تو سربلند، و ثنایت بزرگ ، و پناهنده به تو دور از دسترس [همگان ] است ، و معبودی جز تو نیست . پس بر محمد و آل او درود فرست و من و آنان را از هر بدی ، و شرّ شیطان و پادشاه و فرمانروا، و در تحت حفظ و حمایت و دفاع و آن دیعه ها و سپرده هایت که هرگز ضایع نمی شود و از بین نمی رود، قرار ده ، که تو سخت نیرومندتر و بازدارنده تر و سخت ترین سزا دهندگان می باشی . خداوندا، اگر خواستی سختی و گرفتاریی از سختیها و گرفتاریهای و نعمتی از نعمتهایت را شبانگاهان و در حالی که آنان [یعنی مردم ] در خوابند، یا در روز در حالی که در حال سرگرمی و بازی هستند، فرو فرستی ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و من و خانواده و فرزندان و برادران دینی ام را در تحت بازدارندگی و حمایت و سپر محفوظ و استوار خویش قرار دهی .

خدایا، به نورِ روی [و اسماء و صفات ]ات که روشن و زنده و قیوم [و بر پا و برپا دارنده مخلوقات ] و پاینده و بزرگوار است ، از تو درخواست می نمایم ، و به نور روی [و اسماء و صفات ] بسیار پاکیزه از هر عیب و کاستی ات که آسمانها و زمین بدان روشن ، و امر اولین و آخرین بر آن شایسته گشته و اصلاح می یابد، از تو مسئلت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی ، و تمام حالات و امورم را اصلاح فرمایی ، و همه خیر و خوبی را به من عطا فرمایی ، و از همه بدیها باز داشته ، و تمام خواسته هایم را برآورده ساخته ، و دعایم را اجابت فرمایی و از روی بخشش از ناحیه خود، بهشت را بر من ارزانی بداری [یا: بدار]، و مرا از آتش جهنم در پناه خویش درآوری ، و از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی به ازدواجم درآوری ، و در تمام آنچه از تو برای خود درخواست نمودم به پدر و مادر و برادران و خواهران مؤمنم آغاز فرما، و بعد به من عطا فرما، به رحمت ای مهربانترین مهربانها.

ادامه تعقیبات مخصوص نماز مغرب (۲۵۳)

دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نماز مغرب

۱ - از تعقیبات مختصّ به نماز مغرب ، دعایی است که از مولایمان امیرمؤمنان (ع) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب نقل شده ، که از آن جمله دعای بعد از نماز مغرب است به این صورت :

اَللّٰهُمَّ، تَقَبَّلْ مِنِّيْ مَا كَانَ صَالِحًا، وَ اَصْلِحْ مِنِّيْ مَا كَانَ فَاسِدًا، اَللّٰهُمَّ، لَا تُسَلِّطْنِيْ عَلٰی فَسَادٍ مَا اَصْلَحْتَ مِنِّيْ ، وَ اَصْلِحْ لِيْ مَا اَفْسَدْتَهُ مِنْ نَفْسِيْ ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بَدَنِيْ بِعَافِيَّتِكَ، وَ نَالَتُهُ يَدِيْ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، وَ بَسَطْتُ اِلَيْهِ يَدِيْ بِسَعَةِ رِزْقِكَ، وَ اخْتَجَبْتُ فِيْهِ عَنِ النَّاسِ بِسِتْرِكَ، وَ اتَّكَلْتُ فِيْهِ عَلٰی كَرِيْمٍ عَفُوْكَ. اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ، وَ نَدِمْتُ عَلٰی قَطْعِهِ، وَ اسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ وَاَنَا عَلَيْهِ، وَ رَهْبْتُكَ وَاَنَا فِيْهِ، ثُمَّ رَاجَعْتُهُ وَ عُدْتُ اِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ عَمِلْتُهُ [يا: عَلِمْتُهُ] اَوْ جَهَلْتُهُ، ذَكَرْتُهُ اَوْ نَسِيْتُهُ، اَخْطَاؤُهُ اَوْ تَعَمَّدْتُهُ هُوَ مِمَّا لَا اَشْكُ اَنَّ نَفْسِيْ مُرْتَهِنَةٌ بِهِ، وَ اِنْ كُنْتُ نَسِيْتُهُ وَ غَفَلْتُ عَنْهُ. اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ جَنَيْتُهُ عَلٰی [يا: عَلٰی نَفْسِيْ] بِيَدِيْ ، وَ اَثَرْتُ فِيْهِ شَهْوَتِيْ ، اَوْ سَعَيْتُ فِيْهِ لَغَيْرِيْ ، اَوْ

اَسْتَغْوَيْتُ فِيهِ مَنْ تَابَعَنِي ، اءَوْ كَابَرْتُ [يا: دَابَرْتُ] فِيهِ مَنْ مَنَعَنِي ، اءَوْ قَهَرْتُهُ بِجَهْلِي ، اءَوْ لَطَفْتُ [يا: نَطَقْتُ] فِيهِ بِحِيلَةٍ غَيْرِي ، اءَوْ اَسْتَزَلْنِي اِلَيْهِ مَيْلِي وَ هَوَايَ ، اءَلَلَهُمْ ، اءَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَعْرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ ، فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ ، وَ شَارَكَنِي فِيهِ مَا لَمْ يَخْلُصْ لَكَ ، وَ اءَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا عَقَدْتُهُ عَلَى نَفْسِي ثُمَّ خَالَفَهُ هَوَايَ ، اءَلَلَهُمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ ، وَ جُدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ ، اءَلَلَهُمْ ، اِنِّي اءَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْبَاقِي الدَّائِمِ الَّذِي اءَشْرَقَتْ بِنُورِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ ، وَ كَشَفَتْ بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ ، وَ دَبَّرَتْ بِهِ اَمْوَالَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ ، اَعَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ [عَلَى ] آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَعَنْ تُصَلِّحَ شَأْنِي بِرَحْمَتِكَ ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

- خداوندا، عمل صالح مرا از من بپذیر، و اعمالم فاسدم را اصلاح فرما، خدایا، مرا بر تباه نمودن آنچه که اصلاح فرمودی مسلط مگردان، و هر چه را که فاسد نمودم اصلاح فرما، خداوندا، بی گمان از هرگناهی که بدنم به واسطه تندرستی دادن تو قدرت بر آن پیدا نموده، و به فضل نعمت بدان دسترسی پیدا کردم، و به وسعت روزی ات دستم را به سوی آن دراز و به پوشش تو آن را از مردم پنهان نمودم، و در [حال انجام] آن بر عفو و گذشت بزرگوارانه ات تکیه نمودم، طلب آمرزش می نمایم. خداوندا، از هر گناهی که از آن توبه نمودم و بر انجام آن پشیمان شدم، و در حال انجام آن از تو شرم نموده و بیم داشتم، سپس رجوع نموده، و به سوی آن بازگشتم، آمرزش خواهی می کنم. خدایا، از هر گناه که جاهلانه و [یا: آگاهانه] و یا با نادانی، با متذکر بودن و یا در حال فراموشی، و به خطا و یا عمداً انجام دادم و شک ندارم که وجود من در گرو آن است، هرچند آن را فراموش نموده، و از آن غفلت ورزم، از تو طلب آمرزش می نمایم. خداوندا، از هر گناهی با دست خود بر خویش جنایت نمودم، و شهوت و میل نفسانی ام را مقدم داشتم، یا برای دیگری کوشیدم، یا پیروان خویش را گمراه نمودم، یا بر کسی که مانع من بود بزرگمنشی [یا: پشت] نموده و ستیزه کردم، یا با نادانی ام بر او چیره گشتم، یا با چاره جویی و حيله کس دیگر آن را به نرمی و آرامی مرتکب شدم [یا: بدان زبان گشودم]، یا میل و خواست و هوا و هوسم مرا به سوی آن لغزانیده و کشانید، از تو آمرزش می طلبم، و خداوندا، از هر عملی که تنها روی [و اسماء و صفات و خشنودی] تو را قصد نمودم، ولی قصد دیگری را که خالص برای تو نبود [در اثنای] عمل با آن آمیخته و شریک شد، آمرزش می طلبم. و از هر پیمانی که با خویش بستم و سپس میل و هوا و هوسم با آن مخالفت نمود، طلب آمرزش می نمایم. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از آتش جهنم رها گردان، و فضل خویش را بر من ارزانی دار، خداوندا، به [واسطه] روی [و اسماء و صفات] بزرگوار پاینده جاودانی ات که آسمانها و زمین را بدان روشن گردانیده، و تاریکیهای خشکی و دریا را برطرف نموده، و امور جنیان و انسانها را تدبیر فرمودی، از تو درخواست می نمایم که بر محمد و [بر] آل محمد درود فرستی، و حال و کار مرا اصلاح فرمایی، به رحمت ای مهربانترین مهربانها،

دعای حضرت فاطمه زهراء (علیهاالسلام) در تعقیب نماز مغرب

۲- و نیز از جمله تعقیبات مختص به فریضه مغرب، دعایی است که از مولایمان فاطمه زهراء (علیهاالسلام) در تعقیب نمازهای

پنجگانه روایت شده، و آن این است که:



اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَا يُحْصٰى [يا: لَا يَبْلُغُ] مِدْحَتُهُ الْقَائِلُونَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَا يُحْصٰى نِعْمَاءُهُ الْعَادُّونَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَا يُؤَدِّى حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْيِى الْمُمِيتُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطُّوْلِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَا يُدْرِكُ الْعَالِمُونَ عِلْمَهُ، وَ لَا يَسْتَخِفُّ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ، وَ لَا يَبْلُغُ الْمَادِحُونَ مِدْحَتَهُ، وَ لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ، وَ لَا يُحْسِنُ الْخَلْقُ نِعَتَهُ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ذِى الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْعِظَمَةِ وَالْجَبَرُوتِ وَ [الْعِزَّةِ] الْكِبْرِيَاءِ وَالْجَلَالِ وَ الْبَهَاءِ وَالْمَهَابَةِ وَالْجَمَالِ وَ الْعِزَّةِ وَ الْقُدْرَةِ وَالْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ وَالْمِنَّةِ وَ الْعَلَبَةِ وَ الْفَضْلِ وَ الطُّوْلِ وَ الْعَدْلِ وَ الْحَقِّ [وَالْخَلْقِ] وَالْعُلَاوِ الرَّفْعَةِ وَالْمَجْدِ وَ الْفَضِيلَةِ وَالْحِكْمَةِ وَ الْغِنَاءِ وَالسَّعَةِ وَالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ الْحِلْمِ وَالْعِلْمِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ وَ النَّعْمَةِ السَّابِغَةِ وَ الثَّنَاءِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَالْأَلَاءِ الْكَرِيمَةِ، مُلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ مَا فِيهِنَّ، تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى عَلِمَ اَسْرَارَ الْغُيُوبِ، وَاطَّلَعَ عَلَى مَا تُجِنُّ [يا: تَجْنِى] الْقُلُوبُ، فَلَيْسَ عَنْهُ مَذْهَبٌ وَلَا مَهْرَبٌ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ [الَّذِى] الْمُتَكَبِّرِ فى سُلْطَانِهِ، اَلْعَزِيزِ فى مَكَانِهِ، اَلْمُتَجَبِّرِ فى مُلْكِهِ، اَلْقَوِىُّ فى بَطْشِهِ، اَلرَّفِيعِ فَوْقَ عَرْشِهِ، اَلْمُطَّلِعِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ الْبَالِغِ لِمَا اَرَادَ مِنْ عِلْمِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ الشَّدَادُ، وَ ثَبَتَتِ الْأَرْضُونَ الْمِهَادُ، وَ انْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرُّوَاسِى الْأَوْتَادُ، وَ جَرَتِ الرِّيَاحُ اللَّوَاقِحُ، وَ سَارَ [يا: سَارَتْ] فى جَوِّ السَّمَاءِ السَّحَابُ، وَ وَقَفَتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ، وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ [يا: عَنْ] مَخَافَتِهِ، وَ انْقَمَعَتِ الْأَرْبَابُ لِرُبُوبِيَّتِهِ، تَبَارَكْتَ، يَا مُحْصِىَ قَطْرِ الْمَاءِ وَ وَرَقِ الشَّجَرِ، وَ مُحْيِىَ اَجْسَادِ الْمَوْتِى لِلْحَشْرِ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاَكْرَامِ. مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا اَتَاكَ مُسْتَجِيرًا مُسْتَعِيثًا، مَا فَعَلْتَ بِمَنْ اَتَاكَ بِفَنَائِكَ، وَ تَعَرَّضَ لِرِضَاكَ، وَ عَذَا إِلَيْكَ، فَجَثَا (٢٥٤) بَيْنَ يَدَيْكَ، يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، لَا يَكُونَنَّ - يَارَبِّ، - حَظِّى مِنْ دُعَائِى الْحَرْمَانَ، وَ لَا نَصِيبِى مِمَّا اَرْجُو مِنْ مَنَّكَ الْخِذْلَانِ، يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ وَ لَا يَزُولُ، كَمَا لَمْ يَزَلْ قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ جَعَلَ اَيَّامَ الدُّنْيَا تَزُولُ ، وَ شُهُورَهَا تَحُولُ ، وَ سِنِيهَا (٢٥٥) تَدُورُ، وَ اَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِكَ الْأَزْمَانُ، وَ لَا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ، يَا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ، وَ كُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتِيدٌ، لِلضَّعِيفِ وَالْقَوِىِّ وَالشَّدِيدِ، قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ الْخَلَاِيقِ، فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الدَّرَّةِ وَ الْعُصْفُورِ.

اَللّٰهُمَّ، إِذَا ضَاقَ الْمَقَامُ بِالنَّاسِ، فَاعُوذُ بِكَ فى ضِيقِ الْمَقَامِ، اَللّٰهُمَّ، إِذَا طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى الْمُجْرِمِينَ، فَقَصِّرْ [طُولَ] ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَيْنَا، كَمَا بَيْنَ الصَّلَاةِ إِلَى الصَّلَاةِ. اَللّٰهُمَّ، إِذَا دَنَتِ الشَّمْسُ مِنْ الْجَمَاجِمِ فَكَانَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْجَمَاجِمِ مِقْدَارُ مِيلٍ، وَ زِيدَ فى حَرِّهَا حَرٌّ عَشْرَ سِنِينَ، فَإِنَا نَسْأَلُكَ اَعَنْ تَظْلِنَا بِالْغَمَامِ، وَ تَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَالْكَرَاسِىَّ، نَجْلِسُ عَلَيْهَا وَ النَّاسُ يُنْطَلِقُونَ فى الْمَقَامِ، آمِينَ، رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ، بِحَقِّ هَذِهِ الْمُحَامِدِ إِلَّا غَفَرْتَ لى ، وَ تَجَاوَزْتَ عَنِّى ، وَ اَلْبَسْتَنِى الْعَافِيَةَ فى بَدَنِى ، وَ رَزَقْتَنِى السَّلَامَةَ فى دِينِى ، فَإِنِّى اَسْأَلُكَ وَ اَعْنَا وَاثِقُ بِإِجَابَتِكَ إِيَّائِى فى مَسْأَلَتِى ، وَ اَدْعُوكَ وَ اَعْنَا عَالِمُ بِاسْتِمَاعِكَ دَعْوَتِى ، فَاسْتَمِعْ دُعَائِى ، لَا تَقْطَعْ رَجَائِى ، وَ لَا تَرُدُّ ثَنَائِى ، وَ لَا تُخَيِّبْ دُعَائِى ، اَعْنَا مُحْتَاجُ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ فَقِيرُ إِلَى غُفْرَانِكَ، اَسْأَلُكَ وَ لَا آيِسُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ اَدْعُوكَ وَ اَعْنَا غَيْرُ مُحْتَزٍ مِنْ سَخَطِكَ، رَبِّ، فَاسْتَجِبْ لى ، وَ اَمْنُنْ عَلَى بَعْفُوكَ، تَوَقَّنِى مُسْلِمًا، وَ اَلْحِقْنِى بِالصَّالِحِينَ، رَبِّ، لَا تَمْنَعْنِى فَضْلَكَ يَا مَنَّانُ وَ لَا تَكِلْنِى إِلَى نَفْسِ مَخْذُولًا، يَا حَنَّانُ، رَبِّ، اَرْحَمَ عِنْدَ فِرَاقِ الْأَحِبَّةِ صَرَغَتِى ، وَ عِنْدَ سُكُونِ الْقَبْرِ وَحْدَتِى ، وَ فى

مَفَازَةِ الْقِيَامَةِ غُرْبَتِي ، وَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَوْقُوفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتِي ، رَبُّ ، اءَسْتَجِيرُكَ مِنَ النَّارِ فَاءَجِرْنِي [يا: وَ اءَجِرْنِي] ، رَبُّ ، اءَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاءَعِذْنِي ، [رَبُّ] اءَفِرْعُ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَاءَبْعِدْنِي ، رَبُّ ، اءَسْتَرْحِمُكَ مَكْرُوبًا فَارْحَمْنِي ، رَبُّ ، اءَسْتَغْفِرُكَ لِمَا جَهِلْتُ فَاغْفِرْ لِي ، قَدْ اءَبْرَزَنِي الدُّعَاءُ لِلْحَاجَةِ إِلَيْكَ ، فَلَا تُؤْسِنِي يَا كَرِيمُ ، [يا] ذَا الْأَلَاءِ وَالْإِحْسَانِ وَ التَّجَاوُزِ ، يَا سَيِّدِي ، يَا بَرُّ ، يَا رَحِيمُ ، اِسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِينَ إِلَيْكَ دَعْوَتِي ، وَ ارْحَمْ بَيْنَ الْمُتَحَبِّينَ بِالْعَوِيلِ عَبْرَتِي ، وَ اجْعَلْ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْيَا رَاحَتِي ، وَ اسْتَرْ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِي ، وَ اعْطِفْ عَلَيَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحِيدًا إِلَى حُفْرَتِي ، إِنَّكَ اءَمَلِي وَ مَوْضِعُ طَلِبَتِي ، وَ اَلْعَارِفُ بِمَا اءُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسْأَلَتِي ، فَاقْضِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ [حَاجَتِي] ، فَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي ، وَ اءَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُرْتَجَى ، اءَفِرْ إِلَيْكَ هَارِبًا مِنَ الذُّنُوبِ فَاقْبَلْنِي ، وَ اءَلْتَجِيْ ءُ مِنْ عَدْلِكَ إِلَى مَعْفِرَتِكَ فَاءَذْرِ كُنِي ، وَ اءَلْتَاذُ بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَاَمْنَعْنِي ، وَ اءَسْتَرْوِحْ رَحْمَتِكَ مِنْ عِقَابِكَ فَنَجِّنِي ، وَ اءَطْلُبُ الْقُرْبَةَ مِنْكَ بِالْإِسْلَامِ فَقَرِّبْنِي ، وَ مِنْ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فَاَمْنِي ، وَ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ فَظَلِّلْنِي ، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي ، وَ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا فَنَجِّنِي ، وَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَاءَخْرِجْنِي ، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَبِّضْ وَجْهِي ، وَ حِسَابًا يَسِيرًا فَحَاسِبْنِي ، وَ بِسَرَّاءٍ فَلَا تَفْضَحْنِي ، وَ عَلَى بَلَائِكَ فَصَبِّرْنِي ، وَ كَمَا صَرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي ، وَ مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَلَا تُحْمِلْنِي ، وَ إِلَى دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي ، وَ بِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِي ، وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِي ، وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاحْفَظْنِي ، وَ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ جَبَرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي ، وَ بِحِلْمِكَ وَ عِلْمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنَجِّنِي ، وَ جَنَّتِكَ الْفِرْدَوْسَ فَاءَسْكِنِي ، وَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي ، وَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (ص) فَاءَلْحِقْنِي ، وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ وَ اءَوَلِيَائِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ فَاكْفِنِي ، اءَللَّهُمَّ ، وَ اءَعْدَائِي وَ مَنْ كَاذَنِي بِسُوءٍ اِنْ اءَتَوْا بَرًّا فَجَبِّنْ شَجِيْعَهُمْ ، فَضِّ جُمُوعَهُمْ [يا: جَمْعَهُمْ] ، كُلِّ [يا: كُلُّ] سِلَاحَهُمْ ، عَرِّقْ دَوَابَّهُمْ ، سَلِّطْ عَلَيْهِمْ اَلْعَوَاصِفَ وَ اَلْقَوَاصِفَ اءَبَدًا حَتَّى تَصْلِيَهُمُ النَّارَ ، اءَنْزِلْهُمْ مِنْ صِيَاصِيهِمْ ، اءَمْكِنَا مِنْ نَوَاصِيهِمْ ، آمِينَ ، رَبُّ الْعَالَمِينَ .

اَللَّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً يَشْهَدُ اَلْاَوَّلُونَ مَعَ الْاٰثِرَارِ وَ سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ مِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ . اَللَّهُمَّ ، رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ رَبَّ الْحَلِّ وَ الْحَرَامِ [يا: الْاِحْرَامِ] ، بَلِّغْ [يا: اءَبْلِغْ] رُوحَ مُحَمَّدٍ مَنَا التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ . سَلَامٌ [يا: اءَلْسَلَامٌ] عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللهِ ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا اءَمِيْنَ اللهِ ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ ، اءَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ ، فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْوُفٌ رَحِيمٌ ، اَللَّهُمَّ ، اءَعْطِهِ اءَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ ، وَ اءَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ ، وَ اءَفْضَلَ مَا هُوَ مَسْئُوْلٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، آمِينَ ، رَبُّ الْعَالَمِينَ .

– سپاس خدایی را که گویندگان نمی توانند به مدح و ثنای او را به شماره درآورند [یا: بدان نایل گردند]، و ستایش خداوندی را که شماره کنندگان نمی توانند نعمتهای او را به شماره درآورند، و حمد و سپاس خداوندی را که کوشش کنندگان در عبادت نمی توانند حق او را ادا نمایند، و معبودی جز خداوندی که اول و آخر است وجود ندارد، و معبودی جز خداوندی که آشکار و نهان است، وجود ندارد، و معبودی جز خداوندی که میراننده و زنده کننده است وجود ندارد، و خداوند بزرگتر و صاحب بخشش است، و خداوند بزرگتر و صاحب پایدگی و جاودانگی است، و ستایش خداوندی که دانشمندان به دانش او نمی رسند، و جاهلان نمی توانند از بردباری او

بکاهند، و ستایشگران نمی توانند به مدح و ثنای او برسند، و توصیف کنندگان نمی توانند او را [آنچنانکه هست] توصیف نمایند، و مخلوقات نمی توانند نعت و صفت او را نیکو ادا نمایند. و سپاس خدایی را که صاحب مُلک و ملکوت و عظمت و تسلط [و سرافرازی] بزرگمنشی و جلال و بهاء و حُسن و هیبت و بزرگی و جمال و سرافرازی و قدرت و تغییر دهندگی و نیرو و منت و چیرگی و فضل و بخشش و عدل و داد و حق [و آفرینندگی] و بزرگی و رفعت و بلند پایگی و فضیلت و فرزاندگی و بی نیازی و وسعت و بسط و قبض، و بردباری و علم و حجت رسا و نعمت فراگیر و ثنای نیکوی زیبا و نعمتهای گرامی، و مالک [یا: پادشاه] دنیا و آخرت و بهشت و آتش جهنم و هر چه در آنهاست، می باشد. بلند مرتبه و پاک و منزّه باد خداوند.

سپاس خدایی را که به اسرار نهانی آگاه، و بر گناهانی که دلها آن را پنهان می دارند [یا: مرتکب آن می شوند] مطلع است، و لذا هیچ راه گریز و محلّ فراری از او نیست، ستایش خدایی را که در سلطنت خود متکبر، و در مقام و منزلتش سرافراز، و در فرمانروایی اش سرکش، و در گرفتن و مؤاخذه اش نیرومند، و بر فوق عرش خود بلند پایه، و بر مخلوقاتش اطلاع و اشراف دارد، و آگاهی اش به هر چه که بخواهد می رسد، سپاس خداوندی را که به کلمات او آسمانهای استوار برپا گشته، و زمینهای هموار و آماده، ثابت و پابرجا هستند، و کوههای ثابت و میخ گون ایستاده، و بادهای آبستن کننده وزیدن گرفته، و ابرها در جوّ و هوای آسمان سیر نموده، و دریاها بر حدود و مرزهای خود ایستاده، و دلها از ترس و هراس او لرزان، و صاحبان و پرورش دهندگان در برابر ربوبیت و تدبیر او سرشکسته و ذلیل هستند، بلند مرتبه و منزّه ای به شمار در آورنده قطره های باران و برگهای درختان، و زنده کننده پیکرهای مردگان برای حشر و زنده شدن، پاک و منزّه ای تو، ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

با غریب و بیگانه فقیری که با حالت پناهنده شدن و یاری جویی از تو، به درگاه تو روی آورد چه می کنی؟ با کسی که خود را به آستانه و درگاهت انداخته، و خواهان خشنودی تو بوده، و در پیشگاهت زانو زده و از آنچه بر تو پوشیده نیست، به تو گله و شکایت نماید، چه می کنی؟ پس ای پروردگار من، مباد که بهره من از دعایم، محرومیت، و نصیبم از آنچه از بخشش تو امیدوارم، شکست و خذلان باشد. ای خداوندی که پیوسته بوده ای و همچنان هستی و خواهی بود، چنانکه هر نفسی آنچه را که کسب نموده و عمل می کند، به تو برپاست، ای کسی که دنیا را به گونه ای قرار دادی که از بین رفته و ماههایش متحوّل گشته، و سالهایش گردش می کند، و تنها تویی که ماندگار و جاودانی هستی و زمانها تو را پوشیده و کهنه، و روزگاران دگرگون نمی سازد. ای خداوندی که هر روزی در نزد تو نو، و هر روزی ای در نزد تو (برای ناتوان و قوی و نیرومند) آماده است، روزیها را میان آفریدگانت قسمت فرموده و بین گرد و گنجشک یکسان قرار داده ای.

خداوندا، آن هنگام که جا بر مردم تنگ می شود از تنگی جا به تو پناه می بریم، خدایا، هنگامی که روز قیامت بر مجرمان و گناهکاران طولانی می گردد، پس [درازی] آن روز را بر ما مانند فاصله دو نماز، کوتاه گردان، خداوندا، هنگامی که آفتاب نزدیک مجمله ها می گشته و فاصله میان آن و مجمله ها به اندازه یک میل [و فاصله دیدن چشم] می گردد، و در سوزش آفتاب به

اندازه سوزش ده سال افزون می گردد، از تو درخواست می کنیم که با ابر بر ما سایه افکنده ، و در حالی که مردم در آنجا در رفت و آمد هستند، منبرها و صندلی هایی برای ما قرار دهی که بر آن بنشینیم . اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان ، خداوندا، به حقّ این ستایشها از تو مسئلت دارم که مرا بیآمرزی ، و از من درگذری ، و لباس عافیت را به تنم بپوشانی ، و سلامتی در دینم را روزی ام کنی ، زیرا من در حالی که به اجابت تو اعتماد دارم از تو درخواست می نمایم ، و در حالی که به شنیدن دعایم آگاهم به درگاه تو دعا می کنم ، پس دعایم را بشنو، و امیدم را قطع ، و مدح و ثنایم را ردّ مکن ، و دعایم را نومید و بی پاسخ مگذار، که من به خشنودی تو محتاج و به آمرزش نیازمندم . از تو درخواست می کنم در حالی که از رحمت نومید نیستم ، و تو را می خوانم در حالی که از سخط و ناخوشایندی ات نمی هراسم [و امید خشنودی ات را دارم]، پروردگارا، پس برای من اجابت فرما، و عفو و گذشت را به من منت نه، و در حالی که تسلیم تو هستم جانم را بستان ، و به صالحان ملحق فرما، پروردگارا، فضلّت را از من باز مدار، ای بسیار بخشنده ، و با حالت شکستگی و خذلان مرا به خود وامگذار، ای بسیار مهربان ، پروردگارا، هنگام جدایی دوستان بر به زمین افتادتم ، و هنگام آرام و خاموش بودن قبر بر تنهایی ام ، و در صحرای قیامت بر غرّبتم ، و در پیشگاهت در حالتی که برای حساب کشی می ایستم بر نیاز و حاجتم به تو رحم آر. پروردگارا، به تو پناه می آورم از آتش جهنّم [پس ] پناهم ده ، پروردگارا، و به تو پناه می برم از آتش پس مرا در پناه خود درآور، [پروردگارا] و از شرّ آتش به تو یاری می جویم پس از آن دورم بدار، پروردگارا با حالت ناراحتی سخت از تو طلب مهربانی می نمایم ، پس بر من رحم آر، پروردگارا، به واسطه عمل جاهلانه ام از تو طلب آمرزش می نمایم ، پس مرا ببخشای . دعا کردن به واسطه نیازم به تو مرا از منزل بیرون کشیده ، پس مرا نومید مگردان . ای بزرگوار ای صاحب نعمتها و نیکوکاری و گذشت ، ای آقای من ، ای نیکوکار، ای مهربان ، در میان زاری کنندگان به درگاهت دعایم را مستجاب گردان ، و در میان سخت گریه کنندگان با فریاد و صدای بلند بر اشک چشمم رحم آر، و هنگام بیرون آمدن از دنیا آسودگی ام را در ملاقات با خود قرار ده ، و میان مردگان - ای کسی که امید بزرگ به او بسته می شود، - عورت [و: عیب ] مرا بیوش ، و هنگامی که به تنهایی در گودال قبرم قرار می گیرم ، بر من مهربان باش ، که تویی آرزو و جایگاه خواسته و مقصودم ، به آنچه که در متوجّه ساختن خواسته ام به تو اراده نموده ام آگاهی داری ، پس [آن را] برآورده ساز، ای برآورنده خواسته ها [خواسته ام را] برآورده ساز، پس تنها به تو گله نموده و تنها از تو یاری می جویم و به تو امیدوارم ، از گناهانم به سوی تو می گریزم پس مرا بپذیر، و از دست عدالتت در پناه آمرزش تو در آمده ام ، پس مرا دریاب ، و از دست گرفتن با صولت تو به عفو و گذشت پناه می برم پس مرا بازدار، و از دست [ عقابت به رحمت احساس آسودگی و راحتی می نمایم پس مرا رهایی ده ، و با تسلیم [تو شدن یا: اسلام آوردن ] نزدیکی به تو را خواهانم پس مرا به خود نزدیک گردان ، و از هراس و هنگامه بزرگ [روز قیامت ] ایمنم گردان ، و در سایه عرش خود قرار ده ، و دو بهره کامل از رحمت را به من ارزانی دار، و با سلامتی از دنیا نجاتم بخش ، و از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و در روز قیامت رویم را سپیده گردان ، و آسان حساب کشی بفرما، و به واسطه درونم [و

اعمال و صفات پنهانم [ رسوایم مفرما، و بر گرفتاری ات شکبیا گردان، و چنانکه بدی و ناپسندی را از حضرت یوسف (ع) دور داشتی، آن را از من نیز دور دار، و هر چه را که توان آن را ندارم بر دوشم مَنه، و به سوی خانه سلامتی و ایمنی [یعنی بهشت] هدایت فرما، از قرآن بهره مند گردان، و با گفتار [و اعتقاد] استوار، ثابت و استوارم گردان، و مرا از [گزند] شیطان رانده شده محافظت فرما، و به دگرگونی و قدرت و عظمت مصون و محفوظم بدار، و به بردباری و آگاهی و وسعت رحمت از جهنم نجاتم بخش، و در بهشت فردوس ساکنم گردان، و نگریستن به روی [و اسماء و صفات] ات را روزی ام گردان، به پیامبرت حضرت محمد(ص) ملحق فرما، و از شیطانها و دوستان آنان و از شرّ هر آسیب رسان کفایت فرما، خداوندا، و دشمنانم و هر کس را که خواست بدی به من برساند، اگر از راه خشکی آمدند، دلاورشان را ترسو، گروههایشان [یا: گروهشان] را پراکنده، جنگ افزارشان را کند، و پای چهار پایانشان را قطع، همواره بادهای تند و شکننده را بر آنان مسلط گردان، تا اینکه آنان را داخل آتش جهنم بفرمایی، آنان را از دژهایشان فرود آور، ما را از [گرفتن موی] پیشانی شان متمکن گردان. اجابت فرما. ای پروردگار عالمیان. خداوندا، بر محمد و بر آل محمد درود فرست، درود و رحمتی که پیشینیان همراه با ابرار و نیکان و سرور اهل تقوی و خاتم پیامبران، و راهبر خیر و کلید رحمت الهی آن را مشاهده نمایند. خداوندا، ای پروردگار خانه محترم، و ماه محترم، و پروردگار مشعر محترم، و پروردگار کن [خانه کعبه] و مقام [حضرت ابراهیم (ع)]، و پروردگار حلّ [زمینهای غیر از حرم و خانه کعبه] و حرم، درود و سلام ما را به روح حضرت محمد(ص) برسان. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای امانت دار خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبدالله (ص)، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، زیرا چنانکه خود او را توصیف فرمودی، نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است، خداوندا، برترین درخواستهایی را که خود او از تو درخواست نموده و برترین تقاضاهایی را که دیگران برای او تقاضا نموده و تا روز قیامت درخواست می کنند، به او عطا فرما. اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان.

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز مغرب

۳ - و نیز از جمله تعقیبات نماز مغرب، دعای مخصوص به نماز مغرب از روایت معاویه بن عمار از امام صادق (ع) در تعقیب

نمازهای پنجگانه واجب است، به این صورت:

اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، اَلسَّرَاجِ الْمُنِيرِ، اَلطُّهْرِ الطَّاهِرِ، اَلْخَيْرِ الْفَاضِلِ، خَاتَمِ اَنْبِيَائِكَ، وَ سَيِّدِ اَصْفِيَائِكَ، وَ خَالِصِ اَخْلَائِكَ، ذِي الْوَجْهِ الْجَمِيلِ، وَ الشَّرَفِ الْاَصِيلِ، وَ الْمَنْبَرِ [یا: اَلْمُنْبَرِ] النَّبِيلِ، وَ الْمَقَامِ الْمُحْمُودِ، وَ الْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ، وَ الْحَوْضِ الْمَوْرُودِ، اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ نَصَحَ لِأُمَّتِهِ، وَ عَبْدَكَ حَتَّى اَتَاهُ الْيَقِينُ، وَ صَلِّ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ الْاَتْقِيَاءِ الْاَبْرَارِ، اَلَّذِينَ اَنْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اَتَمَمْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خُزَانَ عِلْمِكَ، وَ تَرَاجِمَهُ كَلِمَاتِكَ، وَ اَعْلَامَ نُورِكَ، وَ حَفْظَةَ سِرِّكَ، وَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اَللّهُمَّ، اَنْفَعْنَا بِحَبِّهِمْ، وَ اَحْشِرْنَا فِي

زُمرَّتِهِمْ، وَ تَحْتَ لَوَائِهِمْ، وَلَا تَفْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اءَلْذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ، وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اءَذْهَبَ [يا: ذَهَبَ] بِالنَّهَارِ بِقُدْرَتِهِ، وَ جَاءَ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً، وَ جَعَلَهُ لِبَاساً وَ سَكناً، وَ جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ آيَتَيْنِ [يا: دَائِبَتَيْنِ] لِيُعْلَمَ بِهِمَا عَدَدُ السَّنِينَ وَ الْحِسَابِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى اِقْبَالِ اللَّيْلِ وَ اِذْبَارِ النَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ [على] آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِي، وَ اَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي، وَ اَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي اِلَيْهَا مُنْقَلَبِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَ اَكْفِنِي اَمْرَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ اَوْلِيَائَكَ وَ خَيْرَتَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا، وَ وَقْفْنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، يَا كَرِيمُ، اَمْسِئْتُ، وَ الْمَلِكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّي وَ هَذَا اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ، فَاعْصِمْنِي فِيهِمَا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا تُرِيهِمَا [يا: لَا تُرِيهِمَا] جُرْأَةً مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ، وَ لَا رُكُوباً مِنِّي لِمَحَارِمِكَ، وَاجْعَلْ [عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولاً، وَ سَعْيِي مَشْكُوراً، وَ يَسِّرْ لِي مَا اَخَافُ عُسْرَهُ، وَ سَهِّلْ لِي مَا صَعَبَ] عَلَى اَمْرِهِ، وَ اقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَى . وَ اَمْنِي مَكْرَكَ، وَ لَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا، وَ لَا اِلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، يَا كَرِيمُ.

اَللّٰهُمَّ، افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ حَتَّى اَعْيَى وَخِيكَ، وَاءْتَبِعْ كِتَابَكَ، وَاءْصُدِّقْ رُسُلَكَ، وَ اءُؤْمِنْ بِوَعْدِكَ، [وَ اءَخَافُ وَعِيدَكَ]، وَ اءُؤْفِي بِعَهْدِكَ، وَاءْتَبِعْ اَمْرَكَ، وَاجْتَنِبْ نَهْيَكَ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَ لَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ، وَ لَا تَحْرِمْ نِي عَفْوِكَ، وَاجْعَلْنِي اءُؤَالِي اَوْلِيَائِكَ، وَاءْءَادِي اَعْدَائِكَ، وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ، وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ، وَالْخُشُوعَ وَ الْوَقَارَ وَ التَّسْلِيمَ لِامْرِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ وَ اتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ(ص). اَللّٰهُمَّ، اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ [يا: لَا تَشْبَعُ]، وَ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ، [وَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ]، وَ دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ ذَرْكِ الشَّقَاءِ وَ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ شِمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ، وَ مِنْ عَمَلٍ لَا يُرْضَى، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ الْقَهْرِ وَ الْعَذْرِ وَ مِنْ ضَيْقِ الصَّدْرِ وَ مِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ الدَّاءِ الْعُضَالِ وَ غَلْبَةِ الرِّجَالِ وَ خِيَبَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَ سُوءِ النَّظَرِ فِي النَّفْسِ وَ الدِّينِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ عِنْدَ مُعَانِيَةِ الْمَوْتِ، وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ اِنْسَانٍ سَوْءٍ وَ جَارٍ سَوْءٍ وَ قَرِينٍ سَوْءٍ وَ يَوْمٍ سَوْءٍ وَ سَاعَةٍ سَوْءٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً(٢٥٦) يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَعْنَتْ اَخِذُ بِنَاصِيَتِهَا، اِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً مَوْفُوتاً.

- خداوندا، بر حضرت محمد مژده و بيم دهنده ، چراغ روشن ، پاک و پاکیزه ، خير افزون ، خاتم پیامبران و سرور برگزیدگان ، و نابِ دوستانت ، صاحب چهره زیبا و شرافت ریشه دار و منبر [يا: روشنگر] بزرگوار، و جایگاه ستوده ، و سرچشمه نمایان ، و حوضی که [پیروان واقعی اش] بر آن وارد می شوند، درود فرست ، خدایا، بر حضرت محمد درود فرست چنانکه رسالت خویش را تبلیغ ، و در راه تو جهاد و کوشش ، و نسبت به اُمت خویش خير خواهی نمود، و تا هنگام فرا رسیدن یقین [یعنی مرگ] تو را پرستید، و بر

خاندان او که پاکیزگان و نیکان و تقوا پیشگان و ابرار و خوبان هستند، هم آنان که ایشان را برای دین خود انتخاب، و از میان مخلوقات برگزیدی، و امین بر وحی خویش قرار داده، و گنجینه داران علم و ترجمه کنندگان و شارحان کلمات، و پرچمها و نشانه های نور خویش و نگاهبانان اسرار قرار دادی، و پلیدی را از ایشان بر طرف نموده، و به گونه ویژه ای پاکیزه نمودی، درود فرست. خدایا، ما را به واسطه دوست داشتن آنان سود بخش، و در میان گروه ایشان و زیر پرچمشان محشور گردان، و بین ما و ایشان جدایی میاندا، و به واسطه ایشان در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاهت] که نه بیمی برایشان است، و نه انده‌گین می شوند، قرار ده.

سپاس خدایی را که روز را به قدرت خویش برد، و شب را با رحمتش به عنوان آفریده نو آورد، و آن را پوشاننده [عیب و نقص] و مایه آرامش قرار داده، و شب و روز را به عنوان دو نشانه [یا: گردش کننده به صورت مُستمر] قرار داد، تا شماره سالها و حساب به وسیله آن دو معلوم گردد، سپاس خداوند را به خاطر روی آوردن شب و پشت کردن و سپری شدن روز، خداوند، بر محمد و [بر] آل محمد درود فرست، و دینم را که مایه عصمت و نگاهدارنده امورم، و دنیایم را که گذران زندگانی من در آن است، و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است اصلاح فرما، و زندگانی را برای من مایه فزونی در هر خیر، و مرگ را آسودگی از بدی قرار ده، و امور دنیا و آخرتم را به آنچه دوستان و برگزیدگان از بندگان صالح خویش را کفایت فرمودی، کفایت فرما، و شرّ آن دو [یعنی دنیا و آخرت یا: شب و روز] را از من بازدار، و مرا به آنچه که تو را از من خشنود سازد مؤفّق گردان، ای کریم، شب کردم در حالی که فرمانروایی و آنچه در شب و روز است. برای خداوند یگانه قهّار و بسیار چیره می باشد، خداوند، من و این شب و روز دو آفریده از آفریده های تو می باشیم، پس به قدرت خویش مرا در آن دو [از گناه] نگاه دار، و جرات و دلیری بر [انجام] گناها و ارتکاب محرمات را از من به آن دو نشان نده، و [عملم را در آن دو مقبول و کوششم را مورد سپاس خویش قرار ده، و هرچه که از مشکلی و سختی آن هراس دارم بر من آسان گردان، و آنچه امر آن بر من [مشکل است راحت بفرما]، و با [عمل] نیکوتر آن را به پایان بر، از مکر خویش ایمن ساز، و پرده ام را ندر، و یادت را فراموشم منما، و میان من و حول و قوّه ات چیزی را حایل مگردان، و هیچگاه به اندازه چشم بر هم زدن به خود و به هیچ کدام از مخلوقات واگذار مکن. ای بزرگوار.

خداوند، گوشه‌های دلم را برای [دریافت] یادت بگشای تا وحی ات را دریافته، و از کتابت پیروی، و پیامبرانت را تصدیق نمایم، و به وعده ات ایمان آورده [و از وعده عذابت بیم داشته]، و به پیمان‌ت وفا نموده، و از دستورت پیروی کنم، و از آنچه نهی نموده ای پرهیز نمایم. خداوند، بر محمد و آل محمد درود فرست و روی ات را از من برمگردان، و فضلت را از من باز مدار، و مرا از عفو محروم منما، و چنانم قرار ده که دوستان را دوست، و دشمنان را دشمن بدارم، و بیم و هراس از خود و میل و رغبت به سویت و خشوع و وقار و تسلیم در برابر امرت و تصدیق به کتابت و پیروی از سنّت و روش پیامبرت (ص) را روزی ام گردان. خداوند، به تو پناه می برم از نفّسی که [به چیزی] بسنده نمی کند، و از شکمی که سیر نمی گردد، و از چشمی که اشک نمی ریزد، و دلی که

فروتن و خاشع نمی گردد، و نمازی که بالا برده نمی شود [و پذیرفته نمی گردد]، [و عملی که سودمند نیست] و دعایی که شنوده نمی شود، [و مورد اجابت قرار نمی گیرد]، و به تو پناه می برم از قضاء [و اراده حتمی] بد، و پیوستن [ویا: پیامد] بدبختی، و بلای طاقت فراسا و بسیار سخت، و شماتت و شادمانی دشمنان، و از عملی که مورد پسند تو نباشد. و به تو پناهنده می برم از کفر و فقر و چیرگی و فریب خوردن و از دلتنگی و از پراکندگی امور و از درد و بیماری سخت و غالب، و غلبه مردان [و دشمنان] و بد عاقبتی و بد منظری درباره خود و دین و خانواده و مال و دارایی و فرزند و هنگام مشاهده مرگ. و به خدا پناه می برم از انسان بد، و همسایه بد، و دوست و همراه بد، و روز بد و ساعت و لحظه بد، و از شرّ هر چه در زمین وارد و از آن خارج می گردد، و از شرّ آنچه از آسمان فرود آمده و به سوی آن بالا می رود، و از شرّ پیشامدها و گرفتاریهای شب و روز، مگر پیشامدی که همراه با خیر و خوبی وارد شود، و از شرّ هر جنبنده ای که تو [موی] پیشانی آن را گرفته ای، براستی که پروردگارم بر راه است استوار است. پس خداوند خود تو را از [شرّ] آنها کفایت خواهد نمود و اوست شنوا و آگاه، سپاس خدایی را که نماز [دیگری] را که به عنوان نوشته [و واجب] معین و وقت دار بر مؤمنان نوشته و واجب فرموده، از ناحیه من برآورده ساخت.

وقت انجام سجده شکر

۴ - هنگامی که از تعقیب نماز فراغت پیدا کردی، اگر خواستی هم اکنون دو سجده شکر را به کیفیتی که ذکر خواهیم نمود، بجا آور، و اگر خواستی آن را به بعد از فراغت از تمام اعمال و نمازها و دعاها بین نماز مغرب و عشاء تاخیر بیاندا، به گونه ای که سجده شکر آخرین عمل تو در بین نماز مغرب و عشاء باشد، پس اگر خواستی دو سجده شکر را به این صورت انجام بده:

کیفیت انجام دو سجده شکر

ابوعبیده می گوید: شنیدم که امام باقر(ع) در حال سجده (۲۵۷) می فرمود:

اَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (ص) اِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ، وَ حَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً.

- به حق حبیب حضرت محمد(ص) از تو درخواست می نمایم که بدیهایم را [به کارهای نیک] مبدّل فرموده، و از من حساب کشی آسان نمایی.

سپس در سجده دوم فرمود:

اَللّهُمَّ، بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (ص) اِلَّا كَفَيْتَنِي مَوْوَنَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ.

- خداوندا، به حق محبوب حضرت محمد(ص) [از تو درخواست می نمایم] که سختی دنیا، و تمام هول و هراسها را تا رسیدن به بهشت از من کفایت فرمایی.

سپس در سجده سوم فرمود:

اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ (ص) لَمَّا غَفَرْتَ لِي الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْقَلِيلَ، وَ قَبِلْتَ مِنْ عَمَلِي الْيَسِيرَ.



- به حق حبیب حضرت محمد(ص) از تو تقاضا دارم که گناهان فراوان و اندک مرا آمرزیده، و عمل اندکم را از من بپذیری .  
سپس در سجده چهارم فرمود:

اَللّٰهُمَّ، بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ(ص)، لَمَّا اَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ، وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سَكَّانِهَا، وَ لَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفْعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

- خداوند، به حق محبوب حضرت محمد صلی الله علیه و آله [از تو درخواست می نمایم] که مرا داخل بهشت نموده، و از ساکنان آن قرار داده، و به رحمت خویش، از زبانه های فراگیرنده آتش [جهنم] نجاتم بخشی .

(پایان روایت مذکور)

اشکال و جواب

اگر به ذهن کسی خطور کند که در این روایت نیامده که این دو سجده شکر برای نماز مغرب است .

در جواب گفته می شود: از اینکه اصحاب و راویان ما آن را در دو سجده شکر بعد از نماز مغرب آورده و آن دو را برای مغرب تعیین کرده اند، معلوم می شود که آن از طریق روایت دیگری به آنها رسیده است .

۵ - پیش از این در تعقیب سجده نماز ظهر آنچه را که هنگام بلند کردن سر از سجده گفته و بدان عمل می شود، ذکر نمودیم، بنابراین به هر مقدار از آن که در مورد عموم سجده شکر نمازهای واجب می باشد، عمل شود.

فصل بیست و پنجم : نمازهای مستحبی بین نافله های نماز مغرب، و نماز عشا و فضیلت آنها

فضیلت نماز مستحبی بین نماز مغرب و عشاء

در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش (علیهماالسلام) فرمود که رسول خدا (ص) فرمودند: در ساعت غفلت نماز بخوانید، اگر چه دو رکعت باشد، زیرا این دو رکعت انسان را در دار کرامت الهی وارد می کنند.

همچنین در روایت دیگر در فضیلت آن آمده است که : امام صادق (ع) به روایت از پدر بزرگوارش (علیهماالسلام) فرمود که رسول خدا(ص) فرمودند: در ساعت غفلت نماز نافله بخوانید، هر چند دو رکعت مختصر باشد، زیرا این دو رکعت انسان را در دار کرامت الهی وارد می کنند. عرض شد: ای رسول خدا، ساعت غفلت کجا است ؟ فرمود: بین مغرب و عشا.

نمازهای مستحبی بین نماز مغرب و عشا

اینک نمازهایی را که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود، با استفاده از روایات برگزیده و ذکر می کنیم :

۱ - در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس بین نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز بخواند، به این صورت که در رکعت اول سوره حمد و فرمایش خداوند متعال را بخواند که می فرماید:

وَ ذَٰلَ الْنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ: اِنَّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، سُبْحَانَكَ، اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ، وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَ كَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِيْنَ. (۲۵۸)

- و ذوالنون [یعنی حضرت یونس (ع)] را [به یاد آور] آن هنگام که خشمگین [از عمل قوم خویش] رهسپار شد، و گمان نمود که ما نمی توانیم بر او تنگ بگیریم ، پس در میان تاریکیها ندا داد که : معبودی جز تو نیست ، پاک و منزّهی ، براستی که من از ستمکاران بودم ، پس [دعای] او را اجابت نموده ، و او را از غم و اندوه نجات بخشیدیم ، و اینچنین مؤمنان را رهایی می بخشیم . و در رکعت دوّم ، سوره حمد و فرمایش خداوند متعال را بخواند که می فرماید:

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. (۲۵۹)

- و کلیدهای غیب در نزد اوست و جز او از آن آگاه نیست ، و تمام آنچه را که در خشکی و دریاست می داند، و [تا حتی] هیچ برگی [از درخت] نمی افتد مگر اینکه به آن آگاه است ، و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و یا خشکی نیست مگر اینکه در کتاب مُبین [الهی] وجود دارد.

و وقتی از قرائت آن فراغت پیدا کرد، دستهای خود برای قنوت را بالا برده و بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ اَلَّتِیْ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ، اَعَنْ تَصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهٖ [یا: اَلِ مُحَمَّدٍ]، وَ اَعَنْ تَفْعَلَ بِیْ کَذَا وَ کَذَا - خداوندا، به [حق] کلیدهای غیب که جز تو آن را نمی داند، از تو خواهانم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و به من چنین و چنان کنی . (۲۶۰)

و بعد بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِیْ ، وَالْقَادِرُ عَلٰی طَلِبَتِیْ ، تَعْلَمُ حَاجَتِیْ ، فَاءَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّ اَلِ مُحَمَّدٍ - عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ - لَمَّا قَضَیْتَهَا لِیْ .

- خدایا، تویی سرپرست نعمت ، و توانا بر [برآوردن] خواسته ام ، حاجتم را می دانی ، پس به حقّ محمد و آل محمد - که سلام بر او و ایشان باد - از تو خواهانم که آنها را برای من برآورده سازی .

و حاجت خویش را از خداوند - جلّ جلاله - بخواهد، خداوند هرچه را که خواسته به او عطا می فرماید، زیرا پیامبر اکرم (ص) فرمود: دو رکعت غُفْلَه را ترک نکنید، و آن دو ما بین نماز مغرب و عشا خوانده می شوند.

۲ - از امام صادق از پدر بزرگوارش از جدّ بزرگوارش از پدر بزرگوارش نقل شده که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: هنگام وفات رسول خدا(ص) به او عرض کردیم : ای رسول خدا، سفارشی به ما بفرما. فرمود: شما را سفارش می کنم به خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا، به این صورت که در رکعت اوّل سوره حمد و ده بار سوره إِذَا زُلْزِلَتْ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا، و در رکعت دوّم سوره حمد و پانزده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ را قرائت می کنی .

زیرا هر کس این را در هر ماه انجام دهد، از تقوی پیشگان خواهد بود، و اگر در هر سال انجام دهد از نیکوکاران خواهد بود، و اگر در هر جمعه و هفته ای یک بار انجام دهد از نمازگزاران خواهد بود، و اگر در هر شب انجام دهد، در بهشت جای مرا تنگ خواهد نمود(۲۶۱)، و ثواب آن را جز خداوندی که پروردگار عالمیان است، نمی تواند به شماره درآورد.

۳ - روایت شده که بعضی از موالی ما و ائمه (علیهم السلام) درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَ أَقْوَمُ قِيلاً. (۲۶۲)

- و برآستی که پدیده [و نماز] شب از لحاظ موافقت [زبان با دل] سخت تر، و از لحاظ گفتار استوارتر است.

فرمود: [مقصود از آیه شریفه] همان دو رکعت بعد از مغرب است، که در رکعت اول سوره فاتحه الکتاب و ده آیه از اول سوره بقره

و آیه سخره (۲۶۳) و آیه إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ تا آخر یعنی تا: لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۶۴) و پانزده بار سوره قلّ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ؛ و در رکعت دوم

سوره فاتحه الکتاب و آیه الكرسي (۲۶۵) و آخر سوره بقره از لله ما فی السموات تا آخر سوره (۲۶۶)، و پانزده بار سوره قلّ هُوَ اللَّهُ

اَعَدَّ را قرائت می کنی. و بعد از خواندن آن دو رکعت، هر دعایی که خواستی می کنی.

حضرت فرمود: هر کس این را انجام دهد و بر آن مواظبت نماید، خداوند در برابر هر نماز برای او ششصد هزار حجّ می نویسد.

این نماز به طریق دیگر نیز روایت شده که مطلبی افزون بر این دارد به این صورت که در آن آمده است: بعد از گفتن سلام نماز

بگو:

اَللّهُمَّ، مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ [و وَلِيِّكَ]، وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَ اَعْجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اَللّهُمَّ، اُمِّدْ [لِي] فِي عُمُرِي، وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَ اَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ

بَرَكَاتِكَ، وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا، فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا؛ فَإِنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.

- خداوندا، ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها و دیدگان، قلبم را بر دینت و دین پیامبرت [و ولی]ات استوار گردان، و دلم را بعد از

آنکه هدایت فرمودی، منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، برآستی که تو بسیار بخشنده ای، و مرا به

رحمت خویش از آتش جهنّم در پناه خویش درآور. خداوندا، عمر مرا طولانی گردان، و رحمتت را بر من بگستران، و برکاتت را بر

من فرودآور، و اگر در نزد تو در کتاب مادر [علم تو] بدبخت هستم، پس مرا سعادتمند قرار ده، که تو هرچه را بخواهی محو و یا

ثابت می گردانی، و کتاب مادر تنها در نزد توست.

و ده بار بگو: اَسْتَجِيرُ بِاللّهِ مِنَ النَّارِ. (به خدا پناه می برم از آتش جهنّم.)

و ده بار بگو: اَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ. (از خدا بهشت را خواهانم.)

و ده بار بگو: اَسْأَلُ اللَّهَ الْخُورَ الْعَيْنَ. (از خدا حورعین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را خواهانم.)

۴ - روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس بعد از نماز مغرب چهار رکعت نماز بخواند، و در هر رکعت از آن پانزده بار قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ قِرَاءَتِ کند، وقتی نماز را تمام می کند، بین او و خداوند متعال گناهی نمی ماند که خدا آن را نبخشیده باشد.

۵ - روایت شده که امام رضا(ع) فرمود: هر کس نماز مغرب را بخواند و بعد از آن چهار رکعت نماز بخواند، و سخن نگوید تا اینکه ده رکعت دیگر نماز بخواند، به این صورت که در هر رکعت سوره فاتِحَةُ الْكِتَابِ و قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ را قرائت کند، برای او برابر با [یا: به منزله] آزاد کردن ده برده خواهد بود.

۶ - منقول است که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند: نماز نافله بخوانید، اگر چه دو رکعت مختصر باشد، زیرا آن دو انسان را در دار کرامت الهی وارد می کنند. عرض شد: ای رسول خدا، مقصود از این دو رکعت مختصر چیست؟ فرمود: دو رکعتی که در آن تنها حمد را قرائت می کنی. عرض شد: ای رسول خدا، کی بخوانم؟ فرمود: بین نماز مغرب و عشا. ما به خاطر ترس از تنگی وقت و عدم درک اوّل وقت نماز عشا تنها به برخی از نمازها و دعاها بین نماز مغرب و عشا که روایت شده، بسنده نمودیم، البتّه آنچه ذکر کردیم برای کسی که آنها را با ادب و اخلاص در عبادات انجام دهد، کفایت می کند. آخرین تعقیب نماز مغرب

از امور مهمّ ختم کردن آخر تعقیب نماز مغرب است به دعایی که ذکر آن در آخر دعاها نماز ظهر گذشت، یعنی همان دعای ابن خانبه که برای جبران و اصلاح غفلتها و جنایتها و گناهان قلبی است که در نماز از انسان صادر می شود.

فصل بیست و ششم: آداب و اسرار و تعقیباتِ مخصوص نماز عشا

بهترین وقت نماز عشا

با فضیلت ترین و بهترین وقت نماز واجب عشاء درست بعد از برطرف شدن سرخی شامگاه از اُفق مغرب می باشد، پس اگر تا اوّل زوال آن به نمازهای نافله یا تعقیب نماز مغرب مشغول بودی عده ای از اهل عمل از نیکان [یا: اهل عمل به احادیث ماءثوره] به روایاتی که راویان مورد اعتماد درباره دعاها و نمازهایی که بین نماز مغرب و عشا نقل کرده اند اعتماد دارند [و اعتنایی به گذشتن اوّل وقت فضیلت نماز عشا نمی کنند]، زیرا به خاطر وجود روایات روشن که امر به انجام آن نمازها و دعاها می کنند، ناگزیر وقت انجام آنها [و تاخیر نماز عشا] نیز باید مورد اجازه باشد.

کیفیت انجام نماز عشاء

هنگامی که بنده از فراغت از تمام اعمالی که خداوند - جلّ جلاله - او را موفّق نمود، بر اساس راهنمایی خداوند، باید برای گفتن اذان نماز عشا پیا خیزد، و به کیفیتی که گذشت اذان گفته، و اعمالی را که بعد از اذان نقل نمودیم انجام دهد، سپس در گفتن اقامه نیز بر اساس آنچه که شرح دادیم عمل نموده، و بعد نماز واجب عشا را - با گفتن تکبیرهای هفتگانه و دعاها بین آنها و توجّه آغاز می نماید به این نیت که: نماز واجب عشا را به گونه واجب، و برای اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت

که زبینه پرستش است عبادت نمایم ، بجا می آورم . و با گفتن تکبیره الاحرام داخل نماز می شود، و چهار رکعت نماز به صورت نماز ظهر با رعایت امور مهمی که در آنجا یاد آور شدیم بجا آورد، البته در اینجا حمد و سوره دو رکعت نخست را بلند و به صورت جهری قرائت می نماید، و سوره حمد دو رکعت آخر (۲۶۷) را آهسته و به صورت اخفاتی قرائت می نماید، و تشهد و سلام نماز و تسبیح حضرت زهرا (علیهاالسلام) را به همان صورت که پیش از این گفتیم ، بجا می آورد، و تعقیبات نمازهای واجب عمل می کند، که ما تعقیبات پسندیده ای را در تعقیب نماز ظهر ذکر نموده و روایت کردیم .

تعقیبات مختص به نماز عشا

دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نماز عشا

۱- از تعقیبات مهم بعد از نماز عشا، دعای مختص به این نماز فریضه از دعاهای مولایمان علی بن ابی طالب (ع) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب است ، به این صورت :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اٰخِرَسُنٰی بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اَكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ اغْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلٰی، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَ حَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، وَ بَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، اَللّٰهُمَّ، احْفَظْنِيْ فِيْ نَفْسِيْ وَ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ جَمِيْعٍ مَا حَوَّلْتَنِيْ مِنْ نِّعَمِكَ، اَللّٰهُمَّ، تَوَلَّنِيْ فِيمَا عِنْدَكَ مِمَّا غِبْتُ [يا: رَغِبْتُ] عَنْهُ، وَ لَا تَكِلْنِيْ اِلٰی نَفْسِيْ فِيمَا حَضَرْتَهُ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوْبُ، وَ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، اِغْفِرْ لِيْ مَا لَا يَضُرُّكَ، وَ اَعْطِنِيْ مَا لَا يَنْقُصُكَ، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ فَرَجًا قَرِيْبًا، وَ صَبْرًا جَمِيْلًا، وَ رِزْقًا وَّاسِعًا، وَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِيْ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، اِذَا حَيَّاءٍ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ.

اَللّٰهُمَّ، اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ يُّكْثِرُ ذِكْرِكَ، وَ يَتَابِعُ شُكْرَكَ، وَ يُؤَدِّيْ اِمَانَتَكَ، اَللّٰهُمَّ، طَهِّرْ لِسَانِيْ مِنَ الْكِذْبِ، وَ قَلْبِيْ مِنَ النِّفَاقِ، وَ عَمَلِيْ مِنَ الرِّيَاءِ، وَ بَصْرِيْ مِنَ الْخِيَانَةِ، اِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ، اَللّٰهُمَّ، رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا اَعْظَلَّتْ، وَ رَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَ مَا اَعْقَلَتْ، وَ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَا دَرَتْ، وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَ اِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ اَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ اٰخِرَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ رَبَّ جِبْرِئِلَ وَ مِيكَائِيْلَ وَ اِسْرَافِيْلَ وَ اِلٰهَ اِبْرَاهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ وَ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوْبَ، اَسْأَلُكَ اَعَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَتَوَلَّانِيْ بِرَحْمَتِكَ، وَ تُشْمِلَنِيْ بِعَافِيَتِكَ، وَ تُسَعِدَنِيْ بِمَغْفِرَتِكَ، وَ لَا تُسَلِّطَ عَلَيَّ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ، اِلَيْكَ فَفَرَّغْنِيْ ، وَ عَلٰی حُسْنِ الْخُلُقِ فَقَوِّمْنِيْ ، وَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِيْنِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ فَسَلِّمْنِيْ ، وَ فِيْ اَنَاءِ اللَّيْلِ وَ [اَطْرَافِ النَّهَارِ فَاحْرُسْنِيْ ، وَ فِيْ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ وَلَدِيْ وَ اِخْوَانِيْ وَ جَمِيْعٍ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَاحْفَظْنِيْ ، وَ اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِسَائِرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، يَا رَبَّ [يا: وَلِيَّ] الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، يَا نِعْمَ الْمَوْلٰى وَ نِعْمَ النَّصِيْرُ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، [يا: رَحِيْمٌ]، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، وَ صَلَوَاتُهُ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ اٰلِهِ وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِيْنَ.

- خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به وسیله چشم [و ذات ] که هرگز به خواب نمی رود، از من پاسداری نما، و به حمایت که هرگز کسی نمی تواند قصد آن را بکند، مورد حمایت خویش قرار ده ، و به قدرتت بر من از من درگذر. ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، خداوندا، از پیشامدهای بزرگ شب و روز و از جور و ستم هر ستمگر، و رشک و حسادت هر رشک برنده ، و تجاوز هر تجاوزگر به تو پناه می برم . خدایا، مرا درباره خود و خانواده و مال و تمام آنچه از نعمتهایت بر من ارزانی داشته ای محافظت بفرما، خدایا، پیرامون آنچه که در نزد توست و من اطلاعی از آن [یا: گرایشی به آن ] ندارم خود سرپرست و متولی من باش ، و در آنچه از آن اطلاع دارم مرا به خودم وامگذار، ای خدایی که گناهان آسیبی به تو نمی رساند، و آمرزش از تو نمی کاهد، آنچه را که ضرری به تو ندارد بیامرز، و آنچه را که از تو چیزی نمی کاهد به من عطا فرما. براستی که تویی بسیار بخشنده هستی . خداوندا، گشایش زودرس و شکیبایی زیبا و روزی فراوان و عفو و گذشت و عافیت در دنیا و آخرت را از تو مسألت دارم . خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و من و پدر و مادر و مردان و زنان مؤمن ، زندگان و مردگان را بیامرز.

خدایا، مرا از کسانی قرار ده که بسیار به یاد تو بوده و پیوسته شکر گزار، و همواره ملازم عبادت بوده ، و امانت تو را ادا می نماید، خداوندا، زبانم را از دروغ ، و دلم از نفاق و دو رویی ، و عملم را از ریاء، و دیده ام را از خیانت پاکیزه گردان ، زیرا تو به خیانت چشمها و آنچه که دلها آن را مخفی می دارند آگاهی ، خداوندا، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و آنچه آنها بر آن سایه افکنده ، و پروردگار زمینهای هفتگانه و تمام آنچه که آنها آن را حمل می کنند، و پروردگار بادهای و آنچه که آنها آن را پراکنده می کنند، و پروردگار و معبود همه اشیاء و اوّل و آخر هر چیز، و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ، و معبود حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب (علیهم السلام )، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و به رحمت خویش مرا سرپرستی نموده ، و عافیت را شامل گردانیده ، و به آمرزشت نیکبخت گردانیده ، و هیچ کس از مخلوقات را بر من چیره نگردانی .

خدایا، پس مرا مقرب درگاه خود، و بر اخلاق نیک استوارم گردان ، و از شرّ و گزند شیطانهای جنّی و انسی سلامت بدار، و در اوقات و لحظات شب و [اوّل و آخر و لحظات ] روز پاسم بدار، و مرا درباره خود و خانواده و مال و دارایی و فرزندان و برادران و همه آنچه بر من ارزانی داشتی محافظت بفرما، و من و پدر و مادر و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرز، ای سرپرستی کننده [یا: ای پروردگار] اعمال پایدار صالح ، براستی که تو بر هر چیز توانایی ، ای بهترین سرپرست و بهترین یاری گر، به رحمت ای مهربانترین مهربانها [ای مهربان ] سپاس خداوندی را که پروردگار عالمیان است ، و دروذهای او بر سرورمان حضرت محمد و پیامبر اکرم ، و آل و عترت پاک او باد.

دعای حضرت زهرا(علیهاالسلام ) در تعقیب نماز عشا

۲ - نیز از تعقیبات مهمّ بعد از نماز عشا، دعای مخصوص به این فریضه از ادعیه مولا یمان فاطمه (علیهم السلام) در تعقیب

نمازهای پنجگانه واجب می باشد، به این صورت :

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِامْرِهٍ وَ مُلْكِهِ، سُبْحَانَ مَنْ انْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِإِزْمَتِهَا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مِنْ ذِكْرِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سَامِكِ السَّمَاءِ، وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ، وَ حَاصِرِ الْبِحَارِ، وَ نَاصِدِ الْجِبَالِ، وَ بَارِي الْحَيَوَانِ، وَ خَالِقِ الشَّجَرِ، وَ فَاتِحِ يَنَابِيعِ الْأَرْضِ، وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ، وَ مُسَيِّرِ السَّحَابِ، وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَعْغَوَارِ الْأَرْضِ مُتَصَاعِدَاتٍ فِي الْهَوَاءِ، وَ مُهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ، اَلَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ، وَ بِشُكْرِهِ نَسْتَوْجِبُ [يا: تَسْتَوْجِبُ] الزِّيَادَاتِ، وَ بِإِمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ، وَ بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَّاتُ، وَ سَبَّحْتَ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ، وَالطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ،

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، مُنْزِلِ الْآيَاتِ، وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ، سَاتِرِ الْعُورَاتِ، قَابِلِ الْحَسَنَاتِ، مُقِيلِ الْعَثَرَاتِ، مُنْفَسِّ الْكُرْبَاتِ، مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ، مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ، [وَ قَاضِي الْحَاجَاتِ]، مُخَيِّ الْأَمْوَاتِ، إِلَهٍ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ وَ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ وَ قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ بَرَكَهٍ وَ زِيَادَةٍ وَ رَحْمَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ فَرِيضَةٍ وَ سَرَاءٍ وَ ضَرَاءٍ، وَ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ، وَ مُصِيبَةٍ وَ بَلَاءٍ، وَ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ، وَ غِنَاءٍ وَ فَقْرٍ، وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ، وَ كُلِّ مَثْوًى وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقَامٍ.

اَللّٰهُمَّ، إِنِّي عَائِذُ بِكَ فَأَعِزَّنِي، وَ مُسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، وَ مُسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِنِّي، وَ مُسْتَعِيثُ بِكَ فَأَغْنِنِي، وَ دَاعِيكَ فَأَجِبْنِي، وَ مُسْتَغْفِرُكَ فَأَغْفِرْ لِي، وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَأَنْصُرْنِي، وَ مُسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي، وَ مُسْتَكْفِيكَ فَاكْفِنِي، وَ مُلْتَجٍ إِلَيْكَ فَأَوْنِي، وَ مُتَمَسِّكُ بِحَبْلِكَ فَأَعْصِمْنِي، وَ مُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي، وَ اجْعَلْنِي فِي عِبَادِكَ [يا: عِبَادِكَ] وَ جَوَارِكَ وَ حِرْزِكَ [يا: حَوْزِكَ] وَ كَهْفِكَ [يا:

كَهْفِكَ] وَ حِيَاطَتِكَ (۲۶۸) وَ حِرَاسَتِكَ وَ كَلَامَتِكَ وَ حُرْمَتِكَ [يا: حَرَمِكَ] وَ أَمْنِكَ وَ تَحْتَ ظِلِّكَ وَ تَحْتَ جَنَاحِكَ، وَ اجْعَلْ عَلَيَّ [جَنَّةً] وَاقِيَةً مِنْكَ، وَ اجْعَلْ حِفْظَكَ وَ حِيَاطَتَكَ وَ حِرَاسَتَكَ وَ كَلَامَتَكَ مِنْ وَرَائِي وَ أَمَامِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ حَوَالِي، حَتَّى لَا يَصِلَ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِی وَ آذَائِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ، اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ وَ بَغْيَ الْبَاغِينَ وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ حِيلَةَ الْمُحْتَالِينَ وَ غِيلَةَ الْمُغْتَالِينَ وَ غِيْبَةَ الْمُغْتَابِينَ وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَ جَوْرَ الْجَائِرِينَ وَاعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِينَ وَ سَخَطَ الْمُسْخِطِينَ [يا: الْمُتَسَخِّطِينَ] وَ تَسَخُّبَ الْمُتَسَخِّبِينَ [يا: وَ سُحْتَ الْمُسْحَتِينَ] (۲۶۹)، وَ صَوْلَةَ الصَّائِلِينَ وَ اقْتِسَارَ الْمُقْتَسِرِينَ وَ غَشْمَ الْغَاشِمِينَ وَ حَبْطَ الْخَابِطِينَ وَ سَعَايَةَ السَّاعِينَ وَ نَمَامَةَ الْأَنَمَامِينَ، وَ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ الْمَرَدَّةَ وَ الشَّيَاطِينَ، وَ جَوْرَ السَّلَاطِينَ وَ مَكْرُوهَ الْعَالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، وَ أَسْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمُ، وَ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ وَجَلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ، وَ خَضَعَتْ لَهُ الرُّقَابُ، وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْمَوْتَى، اَعَنْ تَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَدْبَنْتُهُ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَ ضَوْءِ النَّهَارِ، عَمْدًا اَوْ

خَطَاءً، سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً، وَاعْنُ تَهَبْ لِي يَقِينًا وَهَدْيًا وَنُورًا وَعِلْمًا وَفَهْمًا، حَتَّى أَعْقِمَ كِنَابَكَ، وَ أَجِلَّ حَالَكَ، وَ أَحْرَمَ حَرَامَكَ، وَ أَوْدَى فَرَائِضَكَ، وَ أَقْعَمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (ص).

اَللّهُمَّ، اءَلْحِقْنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى ، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ، وَ اخْتِمْ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ، اءَللّهُمَّ، إِذَا فَنِيَ عُمْرِي ، وَ تَصَرَّمَتْ أَيَّامُ حَيَاتِي ، وَ كَانَ لَا بُدَّ لِي مِنْ لِقَائِكَ، فَأَسْأَلُكَ يَا لَطِيفُ، اءَنْ تُوجِبَ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَغِيْطُنِي بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ . اءَللّهُمَّ، اِقْبَلْ مِدْحَتِي وَ التَّهْنِئَاتِي ، وَ ارْحَمْ ضَرَاةَتِي وَ هَتَافِي ، وَ اِفْرَارِي عَلَى نَفْسِي ، وَ اعْتِرَافِي ، فَقَدْ اءَسْمَعْتُكَ صَوْتِي فِي الدَّاعِينَ، وَ خُشُوعِي فِي الضَّارِعِينَ، وَ مِدْحَتِي فِي الْقَائِلِينَ، وَ تَسْبِيحِي فِي الْمَادِحِينَ، وَ اءَنْتَ مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَ مُغِيْثُ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَ غِيَاثُ الْمَلْهُوفِينَ، وَ حِرْزُ الْهَارِبِينَ، وَ صَرِيخُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مُقِيلُ الْمُذْنِبِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، وَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَ عَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّبِيِّينَ.

اَللّهُمَّ، دَاخِي الْمَذْخُوَاتِ، وَ بَارِي الْمَسْمُوكَاتِ، وَ جَبَّالَ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا شَقِيَّهَا وَ سَعِيدِهَا، اِجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ رَأْفَةً [يَا: رَوَافَةٍ] تَحْيَاتِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ اءَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ، وَالدَّابِّ عَنْ حَرَمِكَ، وَ الصَّادِعِ بِءَمْرِكَ، وَ الْمُشِيدِ [يَا: اءَلْمُسْنِدِ] بِآيَاتِكَ، وَ الْمُؤَفِّي لِنَذْرِكَ، اءَللّهُمَّ، فَأَعْطِهِ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ، وَ نَقِيَّةٍ [يَا: مَنْقَبَةٍ] مِنْ مَنْاقِبِهِ، وَ حَالٍ مِنْ اءَحْوَالِهِ، وَ مَنْزِلَةٍ مِنْ مَنْازِلِهِ، رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا، وَ عَلَى [كُلِّ] مَكْرُوهِ بِلَا تُكَ صَابِرًا، وَلَمَنْ عَادَاكَ مُعَادِيًا، وَلَمَنْ وَالَاكَ مُوَالِيًا، وَ عَمَّا كَرِهْتَ نَآئِيًا، وَ إِلَى مَا اءَحْبَبْتَ دَاعِيًا، فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِكَ، وَ خَصَائِصَ مِنْ عَطَائِكَ وَ خَبَائِكَ تُسْنِي بِهَا اءَمْرَهُ، وَ تُعْلِي بِهَا دَرَجَتَهُ مَعَ الْقَوَامِ بِقِسْطِكَ، وَالدَّائِبِينَ عَنْ حَرَمِكَ، حَتَّى لَا يَبْقَى سَنَاءٌ وَلَا بَهَاءٌ وَلَا رَحْمَةٌ وَلَا كَرَامَةٌ إِلَّا خَصَصْتَ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ، وَ آتَيْتَهُ مِنْهُ الذُّرَى ، وَ بَلَغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَى ، آمِينَ، رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اَللّهُمَّ، اِنِّی اءَسْتَوْدِعُكَ دِیْنِي وَ نَفْسِي وَ جَمِیْعَ نِعْمَتِكَ عَلَیَّ، وَاجْعَلْنِي فِي كَفِّكَ وَ حِفْظِكَ وَ عِزِّكَ وَ مَنَعِكَ، عِزَّ جَارِكَ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَ تَقَدَّسَتْ اءَسْمَاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، حَسْبِيَ اءَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ، وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، رَبَّنَا، عَلَیْكَ تَوَكَّلْنَا، وَ اِلَيْكَ اءَتَيْنَا، وَ اِلَيْكَ الْمَصِيرُ، رَبَّنَا، لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا، وَ اَغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا، اِنَّكَ اءَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، رَبَّنَا اَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ، اِنْ اَعَذَابُهَا كَانَ غَرَامًا، اِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا، رَبَّنَا، افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَ اءَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، رَبَّنَا، اِنَّا اٰمَنَّا، فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ، رَبَّنَا، وَ اٰتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا، لَا تُؤْخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اءَوْ اءَخَطَاةُنَا، رَبَّنَا، وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا [اِصْرًا، كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا، وَلَا تُحْمِلْنَا] مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ اغْفُ عَنَّا، وَ اَغْفِرْ لَنَا، وَ ارْحَمْنَا، اءَنْتَ مَوْلَانَا، فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، رَبَّنَا، اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ اٰلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.

- پاک و منزّه است خداوندی که هر چیز در برابر عظمت او فروتن هستند، پاک و منزّه است خداوندی که همه اشیاء در برابر سرفرازی او خاکسارند، پاک و منزّه است خداوندی که همه چیز برای امر و فرمانروایی او خضوع دارند، پاک و منزّه است خداوندی



که تمام امور با گذاشتن زمام و مهار و تمام اختیار خویش در دست او، تسلیم او هستند، ستایش خداوندی را که هرکس را که به یاد او باشد فراموش نمی کند، سپاس خدایی را که هرکس او را بخواند محروم نمی گرداند، سپاس خدایی که هرکس بر او توکل نماید کفایت می فرماید، سپاس خداوندی را که نگاهدارنده آسمان و گستراننده زمین و بازدارنده و فراگیرنده دریاها و چیننده کوهها و پدید آورنده حیوانات و آفریننده درختان و گشاینده چشمه های زمین و تدبیر کننده امور و راننده ابرها و روان کننده باد و آب و آتش از قعر و ژرفای زمین به صورت متصاعد در هوا، و فرود آورنده گرما و سرماست ، خداوندی که به نعمت او اعمال شایسته ، کامل گشته ، و به شکر او مستحقّ افزونیها می گردیم [یا: انسان مستحقّ آن می گردد]، و به امر او آسمانها برپا، و به سربلندی او [کوههای ] استوار استقرار داشته ، و حیوانات وحشی در بیابانها، و پرندگان در لانه هایشان [در کوهها و دیوارها] تسبیح او را می گویند.

ستایش خدایی را که بالا برنده درجات ، نازل کننده نشانه های روشن ، گسترش دهنده برکات ، پوشاننده عیبها، قبول کننده کارهای نیک ، درگذرنده لغزشها، برطرف کننده ناراحتیهای سخت و گلوگیر، فرو فرستنده برکات ، اجابت کننده دعاها، [و برآورنده حوائج ]، زنده کننده مردگان می باشد، و معبود تمام کسانی است که در زمین و آسمانها هستند. سپاس برای خداوند به خاطر هر حمد و ذکر و شکر و شکیبایی و نماز و زکات و قیام [شب زنده داری ] و عبادت و سعادت‌مندی و برکت و افزونی و رحمت و نعمت و کرامت و هر امر واجب و در حال خوشحالی و رنجوری ، و سختی و فراخی ، و مصیبت و بلا، و مشکل و راحتی ، و بی نیازی و نیازمندی و بر هر حال و در هر لحظه و زمان و در هر حال اقامت و رفتن و ایستادن .

خداوندا، من به تو پناهنده می شوم پس مرا پناه ده ، و در حمایت تو درمی آیم پس مرا در تحت حمایت درآور، و به تو یاری می جویم پس یاری ام فرما، و به تو یآوری می خواهم پس یآوری ام کن ، و تو را می خوانم پس پاسخم ده ، و از تو آمرزش خواهی می نمایم پس بیامرمز ، و از تو یاری و کامیابی می جویم پس پیروزم گردان ، و از تو طلب هدایت می کنم پس هدایتم فرما، و از تو طلب کفایت می نمایم پس کفایتم فرما، و به تو پناه می آورم پس پناهم ده و درآغوشم بگیر، و به ریسمان تو چنگ می زنم پس محفوظم بدار، و بر توکل می نمایم پس کفایتم فرما، و مرا در میان بندگان [یا: در پناهندگی ] و همسایگی و حفظ [یا: حوزه و پیرامون ] و در پناه [یا: حمایت ] و نگاهداری و پاسداری و محافظت و حرمت و اُمْنِیّت و زیر سایه [رحمت ]ات و زیر پر [حمایت ] قرار ده ، و بر من [سپری ] محافظت کننده از جانب خویش قرار ده ، و حفظ و حمایت و حراست و مراعات نمودنت را از پشت و پیش رو و از راست و از چپ و از بالای سر و از زیر و اطرافم قرار ده ، تا هیچ یک از مخلوقات نتواند بدی و اذیت و گزندگی به من برساند. معبودی جز تو که بسیار بخشنده ، نو آفرین آسمانها و زمین ، صاحب بزرگی و بزرگواری هستی ، وجود ندارد. خداوندا، مرا از حسادت و رشک حسودان و تجاوز تجاوز کنندگان و افسون افسونگران و مکر مکرکنندگان و حيله حيله گران و فریب فریب دهندگان [و یا به فریب و کُشنِ ترور کنندگان ]، و غیبت غیبت کنندگان و ستم ستمگران ، و جور جائران ، و تجاوز تجاوز

کنندگان ، و خشمِ خشم گیرندگان ، و تکبر و ناز به خود بالندگان ، [یا: نابود کردن از بین برندگان ]، و تاختن و زبردستی تازندگان ، و وادار کردن وادار کنندگان ، و ظلم و ستم ظالمان و غاصبان ، و زدن و آزار رسانیدن زندگان ، و سعایت و بدگویی سعایت کنندگان و سخن چینی و دو بهم زنی سخن چینان و جادوی جادوگران و سرکشان و شیطانها، و جور و ستم پادشاهان و بدی و گزند عالمیان کفایت بفرما.

خداوندا، به آن اسم محزون و پوشیده پاک پاکیزه ای که آسمانها و زمین به آن برپاست ، و تاریکیها به آن روشن است ، و فرشتگان برای آن تسبیح می گویند، و دلها از آن لرزان و هراسانند، و گردنها در برابر آن خاضع و فروتن هستند، و مردگان را به آن زنده می گردانی ، از تو می خواهم که هر گناهی را که در تاریکیهای شب و روشنایی روز، عمداً یا از روی خطا، وپنهانی و یا آشکارا انجام داده ام بیامرزی ، و یقین و هدایت و نور و آگاهی و فهم و دریافتی به من ارزانی داری تا اینکه کتابت را بپا داشته ، و حلالیت را حلال ، و حرامت را حرام بدانم ، [و یا: به حلالیت عمل کنم ، و از حرامت بپرهیزم ] و فرایض و واجبات را ادا، و سنت و روش پیامبرت حضرت محمد (ص) را برپا دارم .

خدایا، مرا به گذشتگان از صالحین محلق فرما، و از صالحین باقیمانده قرار ده ، و عملم را به نیکوترین اعمال ختم بفرما، براستی که تو بسیار آمرزنده مهربان هستی ، خداوندا، هنگامی که عمرم به پایان رسیده ، و روزهای زندگانی ام سپری می گردد، و چاره ای از ملاقات باتو ندارم ، از تو درخواست می نمایم که ای لطیف ، منزلت و جایگاهی از بهشت را به من عطا بفرمایی که اولین و آخرین به واسطه آن بر من رشک برند، خداوندا، مدح و ثنا و از اندوه شعله ور شدنم را بپذیر، و بر خاکساری و زاری و فریاد و اقرار و اعتراضم علیه خویش رحم آر، که صدایم را در میان دعا کنندگان ، و فروتنی ام را در میان زاری کنندگان ، و مدح و ثنایم را در میان گویندگان ، و تسبیحم را در میان ستایشگران به تو شنویدم . و تو اجابت کننده [دعای ] درماندگان و بیچارگان ، و یاری کننده کمک جویان ، و یآوری کننده غمگینان و ستمدیدگان ، و پناهگاه گریختگان ، و فریادرس مؤمنان ، و درگذرنده از لغزش گناهکاران می باشی . و درود خداوند بر مژده و بیم دهنده و چراغ نورانی [حضرت رسول اکرم (ص)] و بر همه فرشتگان و پیامبران .

خداوندا، ای گستراننده زمینها، و پدیدآورنده آسمانها، و کسی که همه دلها (بدبخت و نیکبخت ) را بر فطرت [توحید] خویش سرشته ای ، برترین درودها و بالنده ترین برکات و با رافت ترین درودهایت را بر بنده و رسول و امین بر وحی ، با پردازنده حجّت و دلیلت ، و کسی که از حرم [و احکام ] تو دفاع نمود و امر تو را فیصله داد، و آیات را بنیان نهاد و بالا برد [یا: اقامه و پابرجا نمود]، و به عهد و پیمانت وفا نمود. خداوندا، پس در برابر هر فضیلت از فضائل و فراستگی هایش ، و هر روش و اخلاق ستوده از روشهای ستوده اش ، و هر حال از حالاتش و هر منزلت از منزلتهایش که تو حضرت محمد(ص) را در آن یاریگر خویش ، و صابر در برابر گرفتاری ات ، و ستیزه جو با دشمنان ، و دوست با دوستان ، و کناره گیر از هر چه که ناخوشایند توسست ، و خواننده به سوی آنچه

که دوست داری دیدی ، برتریهایی از پاداشت ، و عطایا و بخششهای ویژه ات به او عطا فرما، به گونه ای که به واسطه آن مقام او را والا گردانیده ، و درجه و پایه ایش را با کسانی که برای [اجرای ] قسط و داد [تو] بپا می خیزند و از حرم [و احکامت ] دفاع می کنند بالا بر، تا اینکه هیچ بلندپایگی و فروغ و رحمت و کرامت نباشد مگر اینکه حضرت محمد[ (ص )] را بدان ویژه گردانیده ، و اوج آن را به او عطا فرموده ، و او را به مقامات والا رسانیده باشی . اجابت فرما. ای پروردگار عالمیان .

خداوندا، براستی که من دین و خود و تمام نعمتهایی را که بر من ارزانی داشته ای به تو می سپارم ، و مرا در کنف و حمایت و حفظ و سرفرازی و بازدارندگی خویش قرار ده ، که همسایه تو سربلند، و مدح و ثنایت بزرگ ، و نامها [و کمالات ]ات پاکیزه است ، و معبودی جز تو وجود ندارد، در حال خوشی و رنجوری ، و سختی و فراخی زندگی مرا برابیم کافی هستی و چه وکیل و کارگذار خوبی ، پروردگارا، تنها بر تو توکل نمودیم ، و به سوی تو [با تمام وجود] رجوع نمودیم ، و بازگشت [همه موجودات ] به سوی توست . پروردگارا، ما را گرفتار [و مورد آزمایش ] کسانی که کفر ورزیدند قرار مده ، و بیامرزمان ، پروردگارا، براستی که تویی سربلند و فرزانه . پروردگارا عذاب جهنم را از ما دور دار، که عذاب آن [همانند طلبکار] پیوسته ملازم انسان است ، براستی که جهنم بد جای ماندن و ایستادن است ، پروردگارا، بین ما و قوم مان به حقّ دآوری فرما، و تو بهترین داوران می باشی ، پروردگارا، [براستی که ] ما ایمان آوردیم ، پس گناهانمان را بیامرز، و بدیهایمان را بپوش ، و با ابرار و نیکان بمیران ، پروردگارا، آنچه را که درباره ما به فرستادگانت وعده دادی به ما عطا فرما و ما را در روز قیامت رسوا مگردان ، براستی تو هرگز خلف وعده نمی فرمایی ، پروردگارا، اگر فراموش نمودیم یا خطا و اشتباه نمودیم بر ما مگیر [و عذاب مفرما]، پروردگارا، و بر ما مَنه [هر امری را که بازدارنده - از خیرات - و سختی است ، چنانکه بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی ، و بر دشمنان مَنه ] آنچه را که توان و طاقت آن را نداریم ، و از ما درگذر، و بیامرز، و رحم آر، تویی مولی و سرپرست ما، پس ما را بر گروه کافران یاری بخش و پیروز گردان ، پروردگارا، هم در دنیا و هم در آخرت به ما نیکی عطا فرما، و به رحمت خویش از عذاب آتش [جهنم ] نگاه دار. و درود و سلامتی و ایمنی ویژه خداوند بر سرورمان حضرت محمد، پیامبر اکرم و خاندان پاکیزه او باد.

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز عشاء

۳ - همچنین از تعقیبات مهمّ بعد از نماز عشاء، دعای مختصّ به این فریضه از دعاهای مولایمان امام صادق (ع) است که معاویّه بن عمّار در تعقیب نمازها روایت نموده ، و آن دعا به این صورت است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً تُبَلِّغُنَا بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَ تُنَجِّنَا بِهَا مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ، اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعِزَّنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتَّى اَتَّبِعَهُ، وَ اَعِزَّنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا حَتَّى اَعْتَبْتَهُ، وَ لَا تَجْعَلُهُمَا عَلَيَّ مُتَشَابِهَيْنِ، فَاتَّبِعْ هَوَايَ بَغَيْرِ هُدًى مِنْكَ، فَاجْعَلْ هَوَايَ تَبَعًا لِرِضَاكَ وَ طَاعَتِكَ، وَ خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاها مِنْ نَفْسِي ، وَ اِهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اِهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَ عَافِنِي فِيمَنْ

عَافِيَتَ، وَ تَوَلَّيْ فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَ تُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْكَ.

تَمَّ نُورُكَ اِئْلَاهُهُمْ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ عَظُمَ حِلْمُكَ فَغَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتُشْكِرُ، وَ تُعْصَى رَبَّنَا فَتُسْتَرُ وَ تَغْفِرُ، اِئْتِ كَمَا اِئْتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَ الْجُودِ، لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنَجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اِئْتِ سُبْحَانَكَ اِئْلَاهُهُمْ وَ بِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي [فَارْحَمْنِي] ، وَ اِئْتِ اِرْحَمِ الرَّاحِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اِئْتِ سُبْحَانَكَ اِئْلَاهُهُمْ وَ بِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي]، فَاعْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اِئْتِ سُبْحَانَكَ اِئْلَاهُهُمْ وَ بِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبَّ عَلَيَّ [يَا: فَاعْفِرْ لِي] إِنَّكَ اِئْتِ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اِئْتِ وَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اِئْلَاهُهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَيِّنْ [يَا: تَبَيَّنْ] مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ، وَ صَبِّحْنِي (٢٧٠) مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ، وَ اسْتُرْنِي مِنْكَ بِالْعَافِيَةِ، وَ ارْزُقْنِي تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ. اِئْلَاهُهُمْ، اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ دِينِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ اَهْلِي خُرَاتِي وَ كُلَّ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ [بِهَا] عَلَيَّ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَ اَمْنِكَ وَ كَلَا تَتِكَ وَ حِفْظِكَ وَ حِيَاطَتِكَ وَ كِفَايَتِكَ وَ سِتْرِكَ وَ ذِمَّتِكَ وَ جَوَارِكَ وَ وَدَائِعِكَ، يَا مَنْ لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ، وَ لَا يُخَيَّبُ سَائِلُهُ، وَ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، اِئْلَاهُهُمْ، اِنِّي اَعْدِرَاؤُكَ فِي نُحُورِ اَعْدَائِي وَ كُلِّ مَنْ كَادَنِي وَ بَغَى عَلَيَّ. اِئْلَاهُهُمْ، مَنْ اَرَادَنَا فَاَعْرِدْهُ، وَ مَنْ كَادَنَا فَكِدْهُ، وَ مَنْ نَصَبَ لَنَا فَخْذُهُ يَا رَبِّ اَخْذْ عَزِيْزٍ مُّقْتَدِرٍ.

اِئْلَاهُهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ [جَمِيعِ] الْبَلِيَّاتِ وَ الْاَفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ النَّقَمِ وَ لُزُومِ السَّقَمِ وَ زَوَالِ النِّعَمِ وَ عَوَاقِبِ التَّلَفِ، مَا طَغَى بِهِ الْمَاءُ لَغْضَبِكَ، وَ مَا عَتَتْ بِهِ الرِّيحُ عَنِّ اَمْرِكَ، وَ مَا اَعْلَمُ وَ مَا لَا اَعْلَمُ، وَ مَا اَخَافُ وَ مَا لَا اَخَافُ، وَ مَا اَعْذَرُ وَ مَا لَا اَعْذَرُ، وَ مَا اِئْتِ بِهِ اَعْلَمُ، اِئْلَاهُهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ فَرِّجْ عَنِّي، وَ نَفْسُ غَمِّي، وَ سَلِّ خُزْنِي، وَ اَكْفِنِي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي، وَ عِيلَ بِهِ صَبْرِي، وَ قَلْتُ فِيهِ حِيلَتِي، وَ ضَعُفْتُ عَنْهُ قُوَّتِي، وَ عَجَزْتُ عَنْهُ طَاقَتِي، وَ رَدَّتْنِي فِيهِ الضَّرُورَةُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأَمَالِ وَ خَيْبَةِ الرَّجَاءِ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَكْفِينِي يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِي كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى لَا يَبْقَى شَيْءٌ، يَا كَرِيمُ.

اِئْلَاهُهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ (ص) مَعَ التَّوْبَةِ وَ النَّدَمِ. اِئْلَاهُهُمْ، اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ دِينِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ اِخْوَانِي، وَ اَسْتَكَفِيكَ مَا اَهَمَّنِي وَ مَا لَمْ يُهَمَّنِي [يَا: مَا لَا يُهَمَّنِي]، اَسْأَلُكَ بِخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اَلَّذِي لَا يَمُنُّ بِهِ سِوَاكَ، يَا كَرِيمُ، اِئْلَاهُهُمْ اَلَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان ، خداوند، بر محمد و آل او چنان درودی فرست که ما را به واسطه آن به خشنودی و بهشت نایل گردانده ، و از ناخوشایندی ات و آتش [جهنم] رهایی دهی . خداوند بر محمد و آل محمد درود فرست و حق را به من حق

نشان ده تا از آن پیروی نمایم ، و باطل را باطل بنمایان تا از آن اجتناب کنم ، و آن دو را بر من مُشْتَبِه مگردان تا بدون هدایت از جانب تو از هوای خویش تبعیت نمایم . پس هوا و هوسم را پیرو رضا و طاعت خود بگردان ، و برای نفس خود از نفس من خشنودی ایش را بگیر، و به اذن خود مرا در آنچه که در آن اختلاف [نظر] وجود دارد به حقّ، هدایت فرما، براستی که تو هرکس را بخواهی به راه راست هدایت می فرمایی . خداوندا، بر محمّد و آل محمد درود فرست ، و مرا در میان کسانی که هدایت فرمودی هدایت فرما، و در میان کسانی که عافیت دادی عافیت بخش ، و در میان آنان که سرپرستی نمودی سرپرستی نما، و در آنچه عطا فرمودی مبارک گردان ، و از شرّ آنچه قضا و اراده حتمی فرمودی نگاه دار، که تو قضا و اراده حتمی می فرمایی و کسی علیه تو قضا نمی تواند بکند، و همه را در پناه خویش در می آوری ، و کسی نمی تواند [چیزی را] علیه تو در پناه خویش درآورد.

خدایا، نورت کامل گشته و لذا هدایت نمودی پس سپاس تو را، و حلم و بردباری ات بزرگ گردید و لذا گذشت فرمودی پس سپاس تو را، و دست [رحمت] ات را گشودی ، و لذا عطا فرمودی پس سپاس تو را، ای پروردگار ما، اطاعت می کنند و سپاسگزاری می کنی ، و ای پروردگار ما، نافرمانی ات می کنند و می پوشانی و آمرزی ، تو همچنانی که خویش را به کرم و بخشش ستوده ای ، آری و آری . بلندمرتبه و پاک و منزّهی ، هیچ پناهگاه و راه نجاتی از تو جز به سوی تو وجود ندارد. معبودی جز تو نیست ، خداوندا، همراه با ستایش تو را به پاکی [منزّه بودن از هر عیب و نقص ] می خوانم ، عمل بد انجام داده و به خویش ستم نمودم پس [بر من رحم آر، و تو مهربانترین مهربانها می باشی ، معبودی جز تو نیست ، خداوندا، همراه با ستایش ، تو را به پاکی یاد می کنم ، عمل بد انجام دادم و به خود ستم نمودم ] پس مرا بیآمرز ای بهترین آمرزندگان ، معبودی جز تو نیست همراه با ستایش تو را به پاکی یاد می کنم ، عمل بد انجام داده و به خود ستم نمودم ، پس توبه مرا بپذیر [یا: مرا بیامرز]، که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی ، معبودی جز تو نیست ، پاک و منزّهی تو، براستی که من از ستمکاران بودم ، پاک و منزّه است پروردگارت ، پروردگار صفت سرافرازی از آنچه که او را بدان توصیف می نمایند، و سلام و درود بر پیامبران فرستاده شده ، و ستایش خداوندی را که پروردگار عالمیان است .

خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و بر من همراه با عافیت از جانب خود شب و صبح نما، و با عافیتی از جانب خود بر من بیوشان ، و تمام و کمال و دوام عافیت و شکر بر عافیت را روزی ام گردان ، خداوندا، خود و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و خویشان و بستگانی که به واسطه آنان ناراحت می گردم و هر نعمتی را که بر من ارزانی داشته ای به تو می سپارم ، پس بر محمّد و آل او درود فرست و مرا در تحت حمایت و امنیّت و نگاهداری و حفظ و مراعات و کفایت و پوشش و ضمانت و همسایگی و حمایت و سپرده های خود قرار ده ، ای خدایی که سپرده های تو گم و نابود نمی شود، و هرکس از تو درخواست نماید نومید نمی گردد، و هرچه در نزد توست پایان نمی پذیرد، خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست ، به [وسیله ] تو بر سینه های دشمنانم و تمام کسانی که می خواهند مرا فریب داده [ویا به من آسیبی برسانند] و ستم کنند، دست ردّ می زنم ، خداوندا، هرکس اراده [آسیب

رساندن [ به ما را داشته باشد تو خود او را اراده نمودن [و به او آسیب رسان]، و هرکس بخواهد مرا فریب دهد [ویا بدی برساند]، تو خود او را بفریب [ویا بدی برسان] و هرکس دشمن ما باشد ای پروردگار من، او را همانند گرفتن شخص سربلند و نیرومند بگیر.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و [تمام] گرفتاریها و آفات و آسیبها و کیفرها و بیماری های پیوسته، و از دست رفتن نعمتها و عاقبتهای امور که تلف و نابودی منجر می گردد، آنچه که آب به خاطر غضب و خشم بر آن طغیان نموده، و یا به واسطه امرت باد بر آن تند وزیده، و آنچه را که می دانم یا آگاهی ندارم، و از آن بیم دارم و یا بیم ندارم، و پرهیز می نمایم و یا پرهیز نمی نمایم، و تمام آنچه را تو به آن آگاهی برطرف فرما. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و هم و اندوهم را برطرف و غم را زایل، و حزن و اندوهم را تسلی داده، و آنچه را که دلم به واسطه آن تنگ گشته و صبر و شکیبایی ام به آخر رسیده، و بیچاره شده ام، و نیرویم ناتوان گردیده، و طاقتم عاجز گشته، و ضرورت و ناچاری هنگام بریدن آرزوها و نومید شدن امید از خلق، مرا به سوی تو باز گردانیده، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از آنها کفایت فرما، ای کسی که از هر چیز کفایت می نمایی، و هیچ چیز نمی تواند از تو کفایت کند، تمام چیزها را کفایت فرما تا اینکه هیچ چیز نماند، ای بزرگوار.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و حجّ خانه محترم خود و زیارت قبر پیامبرت (ص) را همراه با توبه و پشیمانی روزی ام گردان. خداوندا، خود و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و برادرانم را به تو می سپارم، و از تو نسبت به هر چیز که مورد اهتمام من است و مرا به غم و اندوه و می دارد و یا نمی دارد طلب کفایت می نمایم. به [حق] برگزیده ات از مخلوقات [رسول اکرم (ص)] که هیچ کس غیر تو نمی تواند بر او منتّ گذارد، درخواست می نمایم. ای بزرگوار، سپاس خداوندی را که نماز [دیگری] را که بر مؤمنین نوشته و واجب معین و وقت دار بود، از ناحیه من برآورده ساخت.

کیفیت انجام سجده شکر بعد از نماز عشا

۴ - بعد به حسب امکان و عنایت خداوند - جلّ جلاله - اگر خواستی، می توانی هم اینک سجده شکر را بجا آوری، و یا بعد از نماز و تیره و نافله نماز عشا. به هر حال در حال سجده بگو:

اَللّهُمَّ، اَنْتَ اَنْتَ، اِنْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَ مِنْكَ مِنْكَ، يَا اَعَدَدَ مَنْ لَا اَعَدَدَ لَهُ، يَا اَعَدَدَ مَنْ لَا اَعَدَدَ لَهُ، يَا اَعَدَدَ مَنْ لَا اَعَدَدَ لَهُ غَيْرُكَ، (۲۷۱) يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ [يَا: الْعَطَاءِ] اِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا، يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا، [يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا]، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ

- خداوندا، تنها تو تو، امیدم جز از تو، از تو، از تو بریده شده، ای بی همتا، ای بی همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی همتایی که همتایی غیر تو برای تو نیست؟ ای خدایی که بسیاری دعا جز بر بزرگواری و جود [یا: عطای] تو نمی افزاید، ای کسی که بسیاری دعا جز بر بزرگواری و بخشش تو نمی افزاید، [ای کسی که بسیار دعا کردن

جز به کرم و بخشش تو نمی افزاید]، بر محمد و اهل بیت او درود فرست ، بر محمد و اهل بیت او درود فرست ، [بر محمد و اهل بیت او درود فرست ] .

و حاجت خویش را بخواه ، بعد طرف راست صورت خود را بر زمین نهاده و مانند گفتار گذشته را بگو، بعد طرف چپ صورت خویش را بر زمین نهاده و مانند آن را بگو، سپس باز پیشانی ات را بر زمین گذارده و سجده بجا آور و مانند آن را بگو.

۵ - و نیز از دعا‌های بعد از نماز عشا برای درخواست وسعت روزی ، دعایی است که عبید بن زراره نقل می کند و می گوید: در محضر امام صادق (ع) بودم که مردی از شیعیان و پیروانش از ناداری و تنگی روزی و اینکه در طلب روزی ، شهرها را می گرد ولی جز بر فقر و ناداری او افزوده نمی گردد، شکایت و گله نمود. حضرت به او فرمود: هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی ، به آرامی و تآنی بگو:

اَللّٰهُمَّ، اِنَّهُ لَيْسَ لِيْ عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِيْ ، وَ اِنَّمَا اَسْأَلُكَ بِخَطَرَاتٍ [تَخَطُّرٍ] عَلٰى قَلْبِيْ ، فَاَعْجُلْ فِى طَلْبِهِ الْبُلْدَانَ ، فَاَنَا فِيمَا اَنَا طَالِبٌ [يا: اَسْأَلُكَ] كَالْحَيْرَانِ، لَا اَعْدِرُ اَعْفٰى سَهْلٍ هُوَ اَعْمٌ فِى جَبَلٍ، اَعْمٌ فِى اَرْضٍ اَعْمٌ فِى سَمَاءٍ، اَعْمٌ فِى بَرٍّ اَعْمٌ فِى بَحْرٍ، وَ عَلٰى يَدَيَّ مَنْ، وَ مِنْ قَبْلِ مَنْ، وَ قَدْ عَلِمْتُ اَنَّ عِلْمَهُ (۲۷۲) عِنْدَكَ، وَاَسْأَلُكَ بِبَيْدِكَ، وَ اَنْتَ الَّذِى تَقْسِمُهُ بِالطُّفِكَ، وَ تُسَبِّحُهُ بِرَحْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ، فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَاجْعَلْ يَارَبِّ، رِزْقَكَ لِيْ وَاسِعًا، وَ مَطْلَبَهُ سَهْلًا، وَ مَاءَ خَذَهُ قَرِيْبًا، وَ لَا تُعْنِنِيْ بِطَلَبِ مَالٍ تُقَدِّرُ لِيْ فِيْهِ رِزْقًا، فَاِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِيْ ، وَ اَنَا فَقِيْرٌ اِلٰى رَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ جُدْ عَلٰى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ، اِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيْمٍ.

- خداوندا، براستی که من آگاهی به محلّ روزی ام ندارم ، و تنها به واسطه خاطره هایی که بر دلم [خطور می کنند] آن را جستجو می نمایم ، و در طلب آن در شهرها و آبادیها می گردم ، پس من در آنچه در طلب آن هستم همانند سرگشته و حیران هستم . نمی دانم آیا آن در دشت است یا در کوه یا، در زمین یا در آسمان ، یا در خشکی یا در دریا، و بر دستان چه کسی است و از نزد کیست ؟ ولی بی گمان می دانم که علم آن در نزد توست ، و اسبابش به دست توست ، و تویی که به لطف خویش آن را تقسیم می فرمایی ، و به رحمت خود جفت و جور می نمایی ، خداوندا، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و ای پروردگار من ، روزی ات را بر من گسترده و جستجوی آن را آسان ، و جایگاه گرفتنش را نزدیک گردان ، و مرا به طلب آنچه که در آن برای من روزی مقدر فرموده ای به رنج و مشقت نیانداز، زیرا تو از عذاب کردن من بی نیازی ، و من به رحمت نیازمندم ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و به فضل خویش بر بنده ات بخشش فرما، که تو صاحب فضل بزرگ می باشی .

عبید بن زراره می گوید: اندک زمانی بر آن مرد نگذشت که فقر و ناداری اش برطرف شد، و توانگر گردید و حالش نیکو شد.

۶ - و از جمله اموری که بر اساس روایات بعد از نماز عشا برای ایمنی گفته می شود، این است که در روایت آمده حضرت ابی

جعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر، امام جواد (علیهم السلام) می فرمود: هر کس بعد [یا: قبل] از نماز عشاء هفت بار

سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِى لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بخواند، تا صبح در ضمانت خداوند متعال خواهد بود.

۷ - و از امور مهمّ این است که در آخر تعقیب نماز عشاء، دعای ابن خانبه را بخواند، که ما آن را بعد از تعقیب نماز ظهر برای جبران و اصلاح غفلتها و جنایات و گناهان قلبی که در نماز واقع می شود، یادآور شدیم .

فصل بیست و هفتم : کیفیت خواندن نماز فرج بعد از نماز عشا

در روایتی آمده که عبدالرحمن بن کثیر می گوید: به امام صادق (ع) از ناراحتی و اندوه سختی که بدان گرفتار شده بودم ، گله و شکایت نمودم . حضرت فرمود: ای عبدالرحمن ، وقتی نماز عشا را خواندی ، دو رکعت نماز بجاآور، سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و بگو:

يَا مُدِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ، وَ مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ، قَدْ وَحَقَّكَ، بَلَغَ بِي مَجْهُودِي .

- ای خوار کننده هر سرکش ، و سرافراز کننده هر خوار و ذلیل ، به حقّ تو سوگند، که حقیقتاً تاب و توانم به آخر رسیده است .  
وی می گوید: بیش از سه شب آن را نگفته بودم که غم و اندوهم برطرف شد و فرج و گشایش برایم حاصل شد.

فصل بیست و هشتم : نمازهای دیگر بعد از نماز عشا

نماز جهت درخواست روزی

از آن جمله دو رکعت نماز برای طلب روزی است ، که در روایت آمده امام صادق (ع) فرمود: دو رکعت نماز بعد از نماز عشا را ترک نکنید، که موجب جلب روزی است . به این صورت که در رکعت اوّل سوره حمد و آیه الكرسي و سوره قلّ یا ائییها الکافرؤن، و در رکعت دوّم سوره حمد و سیزده بار سوره قلّ هُوَ اللَّهُ اَعَدّ را قرائت می کنی ، و وقتی سلام نماز را گفتی ، دستهایت را به سوی آسمان بلند کرده و می گویی :

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُیُونُ وَ لَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ، وَ لَا تَصِفُهُ [یا: لَا یَصِفُهُ] الْوَاصِفُونَ، يَا مَنْ لَا تُغَیِّرُهُ الدُّهُورُ، وَ لَا تَبْلِیهِ الْأَزْمِنَةُ، وَ لَا تَحْلِیهِ الْأُمُورُ، يَا مَنْ لَا یَذُوقُ الْمَوْتَ، وَ لَا یَخَافُ الْفَوْتَ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الدُّنُوبُ، وَ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَبْ لِی مَا لَا یَنْقُصُكَ، وَ اغْفِرْ لِی مَا لَا یَضُرُّكَ، وَ افْعَلْ بِی كَذَا وَ كَذَا.

- خداوندا، براستی که من از تو درخواست می نمایم ، ای کسی که چشمها او را نمی بینند، و گمانها بر آن وارد نمی گردد، و توصیف کنندگان نمی توانند او را توصیف کنند، ای کسی که روزگارا او را دگرگون ، و زمانها کهنه و پوسیده ، و امور او به تحلیه نمی برند، ای کسی که مرگ را نمی چشی و از دست رفتن و فوّت چیزی بیم نداری ، ای کسی که گناهان ضرری به او نمی رساند و آمرزش چیزی را از او نمی کاهد، بر محمد و آل او درود فرست ، و آنچه را که از تو نمی کاهد بر من ببخش ، و آنچه را که به تو آسیبی نمی رساند بر من بیآمرز، و به من چنین و چنان کن .

و به جای این کلمات یعنی کذا و کذا حاجت را ذکر می کنی . حضرت (ع) فرمود: هرکس این نماز را بخواند، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا می نهد.



از دیگر نمازهای بعد از عشا، نمازی است که در روایت آمده پیامبر اکرم - صلوات الله علیه و آله - فرمود: هر کس چهار رکعت نماز بعد از نماز عشا بخواند، به این صورت که در دو رکعت اول سوره قل يا ائیها الکافرون و قل هو الله اءحد، و در دو رکعت دوم سوره تبارک الّذی بیدہ الملک و اءلم تنزیل سجده را قرائت کند، مانند این است که چهار رکعت نماز در شب قدر بجا آورده باشد.

فصل بیست و نهم : آداب و تعقیبات نماز و تیره و نافله عشا

سوره هایی که در نماز و تیره قرائت می شود

۱ - اسماعیل بن عبدالخالق بن عبدربه می گوید امام صادق (ع) فرمود: پدر بزرگوارم همواره بعد از نماز عشا، دو رکعت نماز در حالت نشسته می خواند، و صد آیه در آن دو رکعت قرائت می نمود، و پیوسته می فرمود: هر کس این دو رکعت را بخواند، و صد آیه در آن تلاوت کند، از غافلان نوشته نمی شود.

وی می گوید: امام باقر (ع) در آن دو رکعت، سوره واقعه و اخلاص را قرائت می فرمودند.

در روایت دیگر پیرامون سوره هایی که در نماز و تیره قرائت می شود آمده است که حضرت ابی جعفر محمد بن علی امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر کس سوره ملک را شب بخواند، به قرائت بسیار و پاکیزه عمل نموده، و از غافلان نخواهد بود، و من نیز بعد از نماز عشا آن دو را در حالت نشسته [در نافله عشا] می خوانم .

کیفیت نماز و تیره

کسی که می خواهد نماز و تیره و نافله نماز عشا بخواند، چهار زانو می نشیند و ابتدا به کیفیتی که در رکعت اول نافله های ظهر یادآور شدیم، هفت تکبیر افتتاح و دعا های ما بین آنها را بجا آورده و توجه نموده، و سوره حمد را قرائت می کند، و بعد از حمد، یکی از دو سوره هایی را از بر اساس روایت یادآور شدیم برمی گزیند، و می خواند، و بعد تکبیر رکوع را گفته، و در حالت چهار زانو رکوع نموده، و بعد دو سجده را بجا می آورد، و وقتی از دو سجده فارغ شد باز چهار زانو می نشیند و سوره حمد و اخلاص را قرائت می نماید و دستش را بلند کرده و تکبیر گفته و با گزینش و خواندن برخی از دعا، قنوت بجامی آورد، سپس تکبیر گفته و رکوع و دو سجده را به صورتی که پیش از این بدان اشاره شد انجام می دهد، و بعد از دو سجده به همان صورت نشستن تشهد در نماز ظهر می نشیند، و به همان ترتیب تشهد بجا آورده، و سلام نماز و سه تکبیر مستحب بعد از نماز، و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می گوید.

تعقیب نماز و تیره

بعد از آن دعایی را که جدّ سعادت مند ابو جعفر طوسی - رضوان الله علیه - ذکر نموده، می خواند. و آن دعا به این صورت است :

ءَمْسَيْنَا وَءَامَسَى الْحَمْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْجَبْرُوتُ وَالْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالْجَلَالُ وَالْبَهَاءُ وَالتَّقْدِيسُ وَالتَّعْظِيمُ وَالتَّسْبِيحُ وَالتَّكْبِيرُ  
وَالْتَهْلِيلُ وَالتَّمْجِيدُ [وَالْتَّحْمِيدُ] وَالسَّمَاحُ وَالْجُودُ وَالْكَرَمُ وَالْمَجْدُ وَالْمَنُّ وَالْحَمْدُ وَالْفَضْلُ وَالسَّعَةُ وَالْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ وَالْفَتْقُ وَالرِّتْقُ  
وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَالظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ، وَالْأَرْضُ وَالْأَخِرَةُ، وَالْخَلْقُ جَمِيعاً وَالْأَمْرُ كُلُّهُ، وَما سَمَّيْتَ وَما لَمْ اُسَمِّ، وَما عَلِمْتَ وَما لَمْ اَعْلَمْ، وَما  
كَانَ وَما هُوَ كَائِنٌ، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَ جَاءَ بِاللَّيْلِ وَ نَحْنُ فِي نِعْمَةٍ وَ عَافِيَةٍ وَ فَضْلٍ عَظِيمٍ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ  
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ،  
وَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. اَللّٰهُمَّ، بِكَ نُمُوسِي، وَ بِكَ نُصْبِحُ، وَ بِكَ نَحْيِي، وَ بِكَ نَمُوتُ، وَ اِلَيْكَ  
الْمَصِيرُ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَعْنُ اَعْذِلْ اَعُوْ اَعْزِلْ، اَعُوْ اَعْضِلْ اَعُوْ اَعْضِلْ، اَعُوْ اَعْظِلْ اَعُوْ اَعْظِلْ، اَعُوْ اَجْهَلْ اَعُوْ اَجْهَلْ عَلَيَّ، يَا مُصَرِّفَ  
الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [يا: اَلِه]، وَ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُوْلِكَ - عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ،  
لَا تُزِعْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ.

اَللّٰهُمَّ، اِنَّ لَكَ عَدُوًّا لَا يَأْتِيُنِيْ خَبَالًا، حَرِيصًا عَلَى غَيِّ [يا: عَيْنِي]، بَصِيْرًا بِعُيُوبِي، يَرَانِيْ هُوَ وَ قَبِيْلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا اَعْرِاهُمْ. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، [وَ اَعِزْ مِنْهُ اَنْفُسَنَا وَ اَهَالِيْنَا وَ اَعْوِلادَنَا وَ اِخوانَنَا وَ ما اَعْلَقْتُ عَلَيْهِ اَبْوابُنَا وَ اَعْطَطْتُ عَلَيْهِ دُورُنَا. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ]، وَ حَرِّمْنَا عَلَيْهِ كَمَا حَرَّمْتَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ، وَ بَاعِدْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ وَ  
اَبْعَدْ مِنْ ذَلِكَ. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعِزْنِيْ مِنْهُ وَ مِنْ هَمَزِهِ وَ لَمَزِهِ وَ فِتْنَتِهِ وَ دَوَاهِيهِ وَ غَوَائِلِهِ وَ سِحْرِهِ وَ نَفْثِهِ [يا: وَ  
نَفْثَتِهِ، يا: فِتْنَتِهِ]. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعِزْنِيْ مِنْهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ، وَ فِي الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ. بِاللّٰهِ اَدْفَعْ ما اَعْطِيقُ  
وَ ما لَا اَعْطِيقُ، وَ مِنْ اللّٰهِ الْقُوَّةُ وَ التَّوْفِيقُ، يا مَنْ تَيْسِرُ الْعَسِيرَ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ يَسِّرْ لِيْ ما اَخَافُ عُسْرَهُ،  
فَاِنَّ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَيْكَ يَسِيرٌ].

اَللّٰهُمَّ، يا رَبَّ الْاَرْبابِ، وَاِيا مُعْتِقَ الرِّقَابِ، اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَبِيدُ، وَلَا تُعَيِّرُكَ الدُّهُورُ وَ الْأَزْمَانُ، بَدَتْ قُدْرَتُكَ يا اِلٰهِي، وَ لَمْ  
تُبْدِ هَيْئَتَهُ [يا: هَيْئَتُهُ، يا: هَيْئَتُكَ] فَشَبَّهُوْكَ يا سَيِّدِي، وَ اتَّخَذُوا بَعْضَ آيَاتِكَ [يا: اَسْمَائِكَ، يا: اَنْبِيَاءِكَ] اَرْبابًا، ثُمَّ لَمْ يَعْرِفُوْكَ يا  
اِلٰهِي، وَ اَعَنَا يا اِلٰهِي، بَرَى ءُ اِلَيْكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الَّذِيْنَ بِالشُّبُهَاتِ طَلَبُوْكَ، وَ بَرَى ءُ اِلَيْكَ مِنَ الَّذِيْنَ شَبَّهُوْكَ وَ جَهِلُوْكَ يا اِلٰهِي  
، اَعَنَا بَرَى ءُ مِنَ الَّذِيْنَ بِصِفَاتِ عِبَادِكَ وَ صَفُوكَ، بَلْ اَعَنَا بَرَى ءُ مِنَ الَّذِيْنَ جَحَدُوْكَ وَ لَمْ يَعْبُدُوْكَ، وَ اَعَنَا بَرَى ءُ مِنَ الَّذِيْنَ فِي  
اَعْمالِهِمْ جَوْرُوكَ، يا اِلٰهِي، اَعَنَا بَرَى ءُ مِنَ الَّذِيْنَ بِقَبَائِحِ اَعْمالِهِمْ نَحَلُّوكَ، وَ اَعَنَا بَرَى ءُ مِنَ الَّذِيْنَ فِيمَا نَزَّهُوا عَنْهُ اَبائَهُمْ وَاُمَّهَاتِهِمْ ما  
نَزَّهُوْكَ، وَ اَعْبَرَاءُ اِلَيْكَ مِنَ الَّذِيْنَ فِي مُخَالَفَةِ نَبِيِّكَ وَ آلِهِ (عليهم السلام) خَالَفُوْكَ، اَعَنَا بَرَى ءُ مِنَ الَّذِيْنَ فِي مُحَارَبَةِ اَعْوِلِيَّاتِكَ  
حَارَبُوْكَ، وَ اَعَنَا بَرَى ءُ اِلَيْكَ مِنَ الَّذِيْنَ فِي مُعَانَدَةِ آلِ نَبِيِّكَ (عليهم السلام) عَانَدُوْكَ. اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ

الَّذِينَ [عَرَفُواكَ فَوَحَّدُواكَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ] لَمْ يُجَوِّرُواكَ وَ عَنْ ذَلِكَ نَزْهَوُكَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ فِي طَاعَةِ اَعْوِلْيَاكَ وَ اَصْفِيَاكَ اَعْطَاوُكَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ فِي خَلَوَاتِهِمْ وَ فِي اَنَاءِ اللَّيْلِ وَ اطْرَافِ النَّهَارِ رَاقِبُوكُ وَ عَبْدُوكُ ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، بِكُمَا بِكَمَا. اَعْلَهُمْ، اِنِّي اَسْأَلُكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِاسْمِكَ الَّذِي اِذَا وُضِعَ عَلَى مَغَالِقِ اَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلانْفِتَاحِ انْفَتَحَتْ. [وَ] اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اِذَا وُضِعَ عَلَى مَضَاقِقِ الْاَرْضِ لِلانْفِرَاجِ انْفَرَجَتْ، [وَ] اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اِذَا وُضِعَ عَلَى الْبَاءِ سَاءَ لِلتَّيْسُرِ [يَا: لِلتَّيْسُرِ] تَيْسَرَتْ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اِذَا وُضِعَ عَلَى الْقُبُورِ لِلنُّشُورِ اُنْتَشَرَتْ، اَعَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَمُنَّ عَلَى بَعْتِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ. اَعْلَهُمْ، اِنِّي لَمْ اَعْمَلِ الْحَسَنَةَ حَتَّى اَعْطَيْتَنِيهَا، وَلَمْ اَعْمَلِ السَّيِّئَةَ [يَا: الْحَسَنَةَ] حَتَّى اَعْلَمْتَنِيهَا [يَا: اَعْلَمْتَنِيهَا]، اَعْلَهُمْ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عُدْ عَلَى عِلْمِكَ بِعَطَائِكَ، وَ دَاوِ دَائِي بِدَوَائِكَ، فَاِنَّ دَائِي دُنُوبِي الْقَبِيحَةَ، وَ دَوَائِكَ عَفْوُكَ وَ خَلَاوَةُ رَحْمَتِكَ، اَعْلَهُمْ، اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَعَنْ تَقْضَحْنِي بَيْنَ الْجُمُوعِ بِسَرِيرَتِي ، وَ اَعَنْ اَعْلِقَاكَ بِخِزْيِ عَمَلِي ، وَالنَّدَامَةَ بِخَطِيئَتِي ، وَ اَعُوذُ بِكَ اَعَنْ تُظْهِرَ سَيِّئَاتِي عَلَى حَسَنَاتِي ، وَ اَعَنْ اَعْطِيَ كِتَابِي بِشِمَالِي ، فَيَسُوذَ بِهَا وَجْهِي . وَ يَعْسُرَ بِذَلِكَ حِسَابِي [يَا: حَسَنَاتِي]، وَ تَزِلَّ [يَا: فَتَزِلَّ] بِذَلِكَ قَدَمِي ، وَ يَكُونُ فِي مَوَاقِفِ الْاَشْرَارِ مَوْقِفِي ، وَ اَعَنْ اَعْصِرَ فِي الْاَشْقِيَاءِ الْمُعَذِّبِينَ، حَيْثُ لَا حَمِيمَ يُطَاعُ، وَلَا رَحْمَةً مِنْكَ تُدَارِكُنِي فَاَهْوِي فِي مَهَاوِي الْغَاوِينَ. اَعْلَهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعِزَّنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ.

اَعْلَهُمْ، بَعْزَتِكَ الْقَاهِرَةَ وَ سُلْطَانِكَ الْعَظِيمِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَدِّلْ لِي الدُّنْيَا الْفَانِيَةَ بِالْآخِرَةِ الْبَاقِيَةِ، لَقْنِي رَوْحَهَا وَ رِيحَانَهَا وَ سَلَامَهَا، وَ اسْقِنِي مِنْ بَارِدِهَا، وَ اَعْظِلْنِي فِي ظِلَالِهَا، وَ زَوِّجْنِي مِنْ حُورِهَا، وَ اَعْجِلْنِي عَلَى اَسْرَتِهَا، وَ اَعْزِمْنِي وَلَدَانَهَا، وَ اَعْطِفْ عَلَيَّ غِلْمَانَهَا، وَ اسْقِنِي مِنْ شَرَابِهَا، وَ اَعُورْ دُنْيَا اَنْهَارِهَا، وَ اَهْدِلِي ثَمَارَهَا، وَ اِنُونِي [يَا: وَاَقُونِي] (٢٧٤) فِي كَرَامَتِهَا مُحْكَدًا، لَا خَوْفَ [عَلَيَّ] يَرُوعُنِي ، وَ لَا نَصَبُ يَمَسِّنِي ، وَ لَا حُزْنُ يَغْتَرِينِي [يَا: يَغْتَرِينِي] ، وَ لَا هَمٌّ يَشْغِلُنِي ، فَقَدْ رَضِيتُ ثَوَابَهَا، وَ اَمَنْتُ عِقَابَهَا، وَ اَطْمَءَنْنْتُ فِي مَنَازِلِهَا، قَدْ جَعَلْتَهَا لِي مَلْجَأً، وَ لِلنَّبِيِّ [يَا: النَّبِيِّ] (ص) رَافِقًا، وَلِلْمُؤْمِنِينَ [يَا: الْمُؤْمِنِينَ] اَصْحَابًا، وَ لِلصَّالِحِينَ [يَا: الصَّالِحِينَ] اِخْوَانًا، فِي غُرْفٍ فَوْقَ غُرْفٍ حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرَفِ.

اَعْلَهُمْ، وَ اَعُوذُ بِكَ مَعَاذَةَ مَنْ خَافَكَ، وَ اَلْجَاءُ اِلَيْكَ مَلْجَأً مَنْ هَرَبَ اِلَيْكَ مِنَ النَّارِ الَّتِي لِلْكَافِرِينَ اَعْدَدْتَهَا، وَ لِلْخَاطِئِينَ اَعُوذُ بِكَ، وَ لِلْغَاوِينَ اَعْبَرْتَهَا، وَ ذَاتِ لَهَبٍ وَ سَعِيرٍ وَ شَهِيْقٍ وَ زَفِيرٍ وَ شَرِّ كَاثَّةٍ جِمَالَاتٍ صَفْرُ، وَ اَعُوذُ بِكَ اَعْلَهُمْ، اَعَنْ تَصَلِّيَ بِهَا وَجْهِي ، اَعُوذُ بِكَ بِهَا لَحْمِي ، اَعُوذُ بِكَ بِهَا بَدَنِي ، وَ اَعُوذُ بِكَ يَا اِلَهِي ، مِنْ لَهْيِهَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ رَحْمَتَكَ لِي حِرْزًا مِنْ عَذَابِهَا، حَتَّى تُصَيِّرَنِي بِهَا فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، اَعْلَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيْسَهَا، وَ هُمْ فِيْمَا اسْتَهْتِ اَنْفُسَهُمْ خَالِدُونَ .

اَعْلَهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَفْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَ اَمْنُنْ عَلَيَّ فِي وَقْتِي هَذَا، وَ فِي سَاعَتِي هَذِهِ، وَ فِي كُلِّ اَمْرٍ شَفَعْتُ اِلَيْكَ فِيهِ وَ مَا لَمْ اَشْفَعْ اِلَيْكَ فِيهِ مِمَّا لِي فِيهِ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ، وَ الصَّلَاحُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ اَعِزَّنِي عَلَى كُلِّ مَا سَأَلْتُكَ، اَعَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ. اَعْلَهُمْ، وَ اِنْ قَصُرَ دُعَائِي عَنْ حَاجَتِي ، اَعُوذُ كُلَّ عَن طَلِبِهَا لِسَانِي ، فَلَا تُقْصِرْ بِي مِنْ جُودِكَ وَ لَا مِنْ كَرَمِكَ. يَا سَيِّدِي ، فَاَنْتَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، اَعْلَهُمْ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي وَ مَا لَمْ يُهَمَّنِي ، وَ مَا خَضَرَنِي

وَمَا غَابَ عَنِّي ، وَ مَا أَنتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي ، اَللّهُمَّ ، وَ هَذَا عَطَاؤُكَ وَ مَنُّكَ ، وَ هَذَا تَعْلِيمُكَ وَ تَأْدِيبُكَ ، وَ هَذَا تَوْفِيقُكَ ، وَ هَذِهِ رَغْبَتِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَتِي ، فَبِحَقِّكَ اَللّهُمَّ ، عَلَى مَنْ سَاءَ لَكَ ، وَ بِحَقِّ ذِي الْحَقِّ عَلَيْكَ مِمَّنْ سَاءَ لَكَ ، وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ ، وَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ ، يَا حَيُّ ، يَا قَيُّوْمُ ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ، اءَسْأَلُكَ اءَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اءَنْ تُعْتِقَنِي مِنَ النَّارِ ، وَ تَكَلِّأَنِي مِنَ الْعَارِ ، وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ مَعَ الْأَبْرَارِ ، فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ .

اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اءَعِزَّنِي مِنْ سَطَوَاتِكَ ، وَ اءَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ عُقُوبَتِكَ ، اَللّهُمَّ ، سَاقَتْنِي إِلَيْكَ ذُنُوبِي ، وَ اءَأْتَنَ تَرْحَمَ مَنْ يَتُوبُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اَغْفِرْ لِي جُرْمِي ، وَ اَرْحَمْ عِبْرَتِي ، وَ اءَجِبْ دَعْوَتِي ، وَ اَعِزِّ عَثْرَتِي ، وَ اَمُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ ، وَ اءَجِرْنِي مِنَ النَّارِ ، وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ ، وَ اءَعْطِنِي مِنْ فَضْلِكَ ، فَإِنِّي بِكَ إِلَيْكَ اءَتَوَسَّلُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اَقْلِبْنِي مَوْفُورَ الْعَمَلِ بِغُفْرَانِ الزَّلَّلِ بِقُدْرَتِكَ ، وَ لَا تُهِنِّي فَاءَهُونَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا .

- شب کردیم در حالی که حمد و عظمت و کبریا و تسلط و بردباری و دانش و جلال و حُسن و زیبایی و تقدیس و تعظیم و تسبیح و تکبیر و تهلیل و تمجید [و تحمید] و سخاوت و جود و بزرگواری و بزرگی و بخشش و حمد و فضل و گستردگی و حول و قوه و قدرت و شکافتن و به هم آوردن و بستن ، و شب و روز، و تاریکیها و روشنایی ، و دنیا و آخرت ، و همه مخلوقات و تمام [عالم] امر و آنچه که نام بردم و آنچه نام نبردم ، و آنچه که می دانم و آنچه که نمی دانم ، و آنچه که بوده و آنچه که هست ، برای خداوند، پروردگار عالمان شب نمودند.

سپاس خدایی را که روز را برد و شب را آورد، در حالی که ما در نعمت و عافیت و فضل بزرگ او قرار داریم ، ستایش خداوندی را که تمام آنچه در شب و روز آرام گرفته برای اوست و او شنوای آگاه است . سپاس خدایی را که شب را در روز، و روز را در شب وارد نموده ، و زنده را از مرده ، و مرده را از زنده بیرون آورد، و هرکس را که بخواهد بدون حساب و شماره ، روزی می دهد، و هم او به آنچه در دلهاست آگاه است . خداوندا، به تو شب نمودیم ، و به تو صبح نمودیم ، و به تو زنده ایم و به تو می میریم ، و بازگشت [همه موجودات] به سوی توست . خداوندا، به تو پناه می برم از اینکه خوارگردم یا دیگری را خوار نمایم ، یا گمراه گردم و یا دیگری را گمراه نمایم ، یا ستم کنم یا مورد ستم دیگری قرار گیرم ، یا عمل جاهلانه انجام دهم و یا دیگری مرا نسبت به من عمل نابخردانه انجام دهد [و یا دیگری مرا به جهل و نادانی نسبت دهد]. ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها و دیدگان ، بر محمد و آل او درود فرست ، و قلبم را بر طاعت و اطاعت از رسالت - که سلام بر او و خاندان او باد، - استوار گردان ، خداوندا، بعد از هدایت دلهایمان آنها را منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به ما ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده ای .

خداوندا، تو دشمنی داری که از هیچ تباهی و هلاکت و کاستی من کوتاه نمی آید، و شدیداً متمایل به گمراه کردن [یا: چشم زخم زدن به] من است ، عیبهایم را می داند، و او و گروه او از آنجا که من نمی بینم ، مرا می بینند. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست [و خودمان و خانواده ها و بستگان و فرزندان و برادرانمان و تمام آنچه که درهای خانه های مان را به روی آن بسته ایم و

خانه هایمان آنها را فراگرفته از شرّ او پناه ده . خدایا، بر محمّد و آل او درود فرست [ و چنانکه بهشت را بر او حرام فرموده ای ، ما را بر او حرام فرما، و میان ما و او دوری افکن ، چنانکه بین مشرق و مغرب و بین آسمان و زمین دوری افکنده ای و دورتر از اینها. خداوندا، بر محمّد و آل او درود فرست و مرا از وسوسه و عیبجویی و آشوب گری و گرفتاریهایش و تباهیها و جادو دمیانش ]یا: فتنه و آشوب او[ در پناه خویش درآور، خدایا، بر محمّد و آل او درود فرست و مرا از او در دنیا و آخرت ، و در مردن و زندگانی در پناه خویش درآور. تنها به خدا دفع می کنم آنچه را که توان آن را دارم و یا ندارم ، و قدرت و توفیق تنها از ناحیه خداست ، ای خدایی که آسان نمودن مشکل بر تو آسان است ، [بر محمّد و آل او درود فرست ، و آنچه را که از مشکل بودن آن می هراسم بر من آسان گردان ، زیرا آسان نمودن امور مشکل بر تو راحت است .]

خداوندا، ای پروردگار پروردگاران ، و ای آزاد کننده بردگان ، تویی خداوندی که همواره بوده ای و نابود نمی گردی ، و روزگار و زمانها تو را دگرگون نمی سازد، قدرت آشکار گشته ، ای معبود من ، و چگونگی [یا چگونگی ات ] برای آنان آشکار نگشته ، لذا تو را ای سرور من ، [به مخلوقات ] تشبیه نموده اند، و برخی از نشانه های روشن ات [یا: اسماء و کمالات ، و یا پیامبرانت ] را به پروردگاری و خدایی گرفته اند، آنگاه ای معبود من ، تو را شناخته اند، و ای معبود من ، من در این شب از کسانی که تو را با شبهات جستجو می کنند بی زاری می جویم ، و از کسانی که تو را [به مخلوقات ] تشبیه نموده و نسبت به تو جاهل هستند، بی زاری می جویم ای معبود من ، من از کسانی که تو را به صفات بندگان توصیف نموده اند بی زاری می جویم ، بلکه از کسانی که منکر تو شده و تو را نپرستیده اند، بی زاری می جویم ، و از کسانی که نسبت جور و ستم در افعال به تو می دهند، بی زاری می جویم ، و از کسانی که پدران و مادرانشان را از اموری منزّه می دانند، که تو را از آنها منزّه نمی دانند، بیزاری می جویم ، و از کسانی که با مخالفت کردن با پیامبر و آل او(علیهم السلام )، با تو مخالفت نمودند، بیزاری می جویم ، من از کسانی که با دشمنی کردن و جنگیدن با دوستان ، با تو جنگیدند بیزاری می جویم ، و از کسانی که با دشمنی خاندان پیامبرت (علیهم السلام ) با تو ستیز و دشمنی نمودند بی زاری می جویم . خداوندا، بر محمّد و آل او درود فرست و مرا از کسانی قرار ده که [تو را شناخته و به یگانگی خوانده اند، و از کسانی قرار ده ] که نسبت جور و ستم به تو روا نداشتند، و از همه اینها تو را پاک و منزّه داشتند، و از کسانی قرار ده که با اطاعت از دوستان و برگزیدگان از تو اطاعت نمودند، و از کسانی قرار ده که در خلوتها و در اوقات و لحظات شب و آغاز و پایان [و تمام لحظات ] روز مراقب تو بوده و تو را عبادت کردند، ای محمّد، ای علیّ، به شما دو بزرگوار، به شما دو بزرگوار [توسّل می جویم ]. خداوندا، در این شب ، به آن اسم تو که هرگاه برای گشوده شدن کلیدهای بسته درهای آسمان بر آنها گذاشته شود، بازمی گردد، مسألت دارم ، [و] به آن اسم تو که هرگاه بر شکافته شدن تنگیهای زمین بر آنها گذاشته شود، شکافته می شود، و به آن اسم تو که هرگاه بر آسان گردیدن مشکل و سختی بر آن نهاده شود، آسان می گردد، و به آن اسم تو که هرگاه برای بیرون آمدن و زنده شدن مردگان بر قبرها نهاده شود، قبرها شکافته شده و مردگان برانگیخته می گردند، مسئلت دارم که بر

محمد و آل محمد درود فرستی و با آزاد کردن من از آتش جهنم در این شب بر من منت نهی ، خدایا، من عمل نیکی انجام ندادم مگر اینکه تو آن را به من عطا فرمودی ، و عمل بدی انجام [یا: نیکی ] ندادم مگر اینکه تو آن را به من آموختی ، خداوندا، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و علم و آگاهی ات را به خاطر عطا و بخششت به من ارزانی دار، و دردم را درمان فرما، که درد من گناهان زشت ، و دواي آن عفو و گذشت و شیرینی رحمت توست . خداوندا، به تو پناه می برم از اینکه مرا در میان گروهها ی مردم در روز قیامت [ به واسطه [آشکار ساختن ] باطنم رسوایم سازی ، و با رسوایی عمل و پشیمانی به واسطه گناهم با تو ملاقات نمایم ، و به تو پناه می برم از اینکه بدیهایم را بر کارهای نیکم غالب کنی ، و نامه عملم به دست چپم داده شود، و در نتیجه رویم سیاه گردیده و به واسطه آن حساب کشی از من [یا: کارهای نیکم ] سخت گردد، و به جهت آن گامم بلغزد، و جایگاهم در میان جایگاه اشرار و بدان باشد، و در میان بدبختانی که عذاب می شوند قرار گیرم ، آنجا که نه دوستی است که اطاعت شود [و کسی درباره رهایی من به سخن او گوش کند]، و نه رحمتی از جانب تو که مرا دریابد، تا اینکه مبدا در درّه های گمراهان سقوط کنم . خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست ، و مرا از همه اینها پناه ده .

خداوندا، به عزّت چیره و فرمانروای بزرگت بر محمد و آل او درود فرست ، و دنیای فانی را برای من به خانه آخرت پایدار مبدل فرما، و با نسیم [و یا: رحمت ] و بوی خوش و سلامتی آن از من استقبال فرما، و از آب خنک آن سیرابمان نما، و در سایه های آن قرار ده ، و و حور و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را به ازدواجمان درآور، و بر تختهایش بنشمانمان ، و بچّه های بهشتی را خدمتکاران قرار ده ، و نوجوانان آن را بر دور ما بگردان ، و از نوشیدن و شراب آن سیرابمان فرما، و در جویهای بهشتی داخل ، و [شاخه های ] میوه های بهشتی را برای ما آویزان [و از آن بهره مند] بگردان ، و در کرامت بهشتی به صورت جاودانی محفوظ بدار [یا: نیرومند گردان ]، به گونه ای که هیچ بیمی مرا هراسناک ننموده ، و هیچ رنج و سختی به من نرسد، و هیچ اندوهی برایم پیش نیاید، و هیچ همّ و غمی مشغولم نسازد، در حالی که به ثواب بهشت خشنود، و از عذاب آن ایمن ، و در منزلهایش آرام بگیرم ، در حالی که آن را پناهگاه من ، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رفیق و همدم ، و مؤمنان را یاران ، و شایستگان را برادرانم قرار داده ای ، در طبقات بالایی خانه های بهشتی ، در جایگاه شرافت و برتری کامل قرار گیرم .

خداوندا، و همانند کسی که از تو بیم دارد به تو پناه می برم ، و بسان کسی که از آتشی که برای کافران آماده نموده ، و برای گناهکاران شعله ور ساخته ، و برای گمراهان آشکار فرموده ای ، آتشی که دارای زبانه و شعله و صدای بلند و آتشپاره هایی بسان شترهای زرد رنگ دارد، به سوی تو می گریزم . و به تو پناه می برم ای خدا، از اینکه روی مرا به [آتش ] آن بسوزانی ، یا گوشتم را به آن بخورانی ، یا بدنم را به آن شعله ور سازی ، و به تو پناه می برم ای معبود من ، از سوزش آن ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و رحمت خود را پناهگاه و محافظ من از عذاب آن قرار ده ، تا اینکه به واسطه آن مرا در میان بندگان شایسته که حتی صدای حرکت آن را نمی شنوند، و جاودانه در دلبخواه خویش هستند، قرار دهی .

خداوند، بر محمد و آل او درود فرست ، و آنچه را که از تو درباره امر دنیا و آخرت درخواست نمودم همراه با راه یابی به بهشت برای من انجام ده . و در این همین وقت و همین ساعت و لحظه ، و در تمام اموری که تو را واسطه قرار دادم ، و یا واسطه قرار ندادم ، و مایه نجات من از آتش و به صلاح من در دنیا و آخرت است ، بر من منت نه ، و مرا بر تمام آنچه که درخواست نمودم منت نهاده و یاری بخش . خداوند، و اگر دعایم از حاجتم کوتاه یا زبانم از درخواست آن درمانده است ، بخشش و بزرگواری ات را بر من کوتاه مفرما، ای آقای من ، زیرا تو دارای فضل بزرگ هستی ، خداوند، بر محمد و آل او درود فرست ، و تمام اموری را که مرا به غم و غصه واداشته و یا نداشته [و مورد اهتمام من است و یا نیست ] و در ذهن من حاضر است و یا حاضر نیست ، و آنچه که تو به آن از من آگاهتری ، کفایت فرما خداوند، و این دعا نیز عطای تو و از ناحیه توست ، و این به آموختن و تاءدیب توست ، و این به توفیق توست ، و این حاجت و اظهار میل و رغبت من به سوی توست ، پس به حق خود خداوند، بر تمام کسانی که از تو درخواست نمودند، و به حق هر صاحب حقی بر تو از کسانی که از تو درخواست نمودند، و به قدرتت بر هر چه بخواهی ، و به حق اینکه معبودی جز تو نیست ، ای زنده ، ای قیوم [و برپا دارنده همه مخلوقات ] ای زنده کننده مردگان ، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، و هر چه را که نفسها انجام می دهند به تو برپاست ، از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و مرا از آتش جهنم آزاد فرموده ، و از ننگ نگاه داشته ، و با ابرار و نیکان داخل بهشت بگردانی . زیرا تو پناه می دهی و کسی نمی تواند دیگری را علیه تو به پناه خود درآورد.

خداوند، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و مرا از تاختن ها و باخشم و چیرگی گرفتند و از عاقبت بد آن در پناه خویش درآور. خداوند، گناهانم مرا به سوی تو رانده ، و تو به هرکس که توبه نماید رحم می آوری ، پس بر محمد و آل او درود فرست و جرم مرا بیامرز، و بر اشک چشمم رحم آر، و دعایم را اجابت فرما، و لغزشم را نادیده بگیر، و بهشت بر من ارزانی دار، و از آتش جهنم در پناه خویش درآور، و حورعین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را به ازدواج من درآور، و از فضل خویش به من ارزانی دار، زیرا من به واسطه قرار دادن تو به سوی تو متوسل شده ام ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و مرا همراه با عمل فراوان ، به واسطه آمرزیدن لغزشهایم به قدرتت برگردان ، و مرا خوارمکن ، تا مبادا در نزد مردم خوار گردم ، و بر حضرت محمد پیامبر اکرم و خاندان پاکیزه او درود و رحمت و سلامتی و امنیت و ویژه بفرست .

فصل سی ام : نمونه ای از حالات معصومین (علیهم السلام ) در شب و اعمال و آداب پیش از خواب

پرهیز از گناه در شب

ای کسی که ادعا می کنی مسلمان هستی ، و کتاب خدا و رسول او را تصدیق نموده ، و باور داری که ملائکه ای بر تو گمارده شده که هرچه را که انجام می دهی و می گویی می نویسند، و خداوند - جلّ جلاله - از پشت سر آنان ، بر تمام آنچه که بر فرشتگان نگاهبان اعمال آشکار و پنهان است مراقب بوده و آگاهی و اشرف دارد، و تاریکی شب نمی تواند چیزی را از او - سبحانه

- بپوشاند، و نیز باور داری که خداوند همنشین بندگان خویش است، و هر عملی را که انجام می دهند می بیند، اگر همان گونه که ادعا می کنی به این امور اعتقاد داری، مبادا تاریکی شب را غنیمت شمرده و مهیای رهسپار شدن در راههای هلاکت بار سوء ادب گردی، [یا: همچنان در راههای هلاکت بار سوء ادب رهسپار شوی].

زیرا اگر در خودداری کردن از عمل، میان عمل شب و روز فرق بگذاری، بدان که مسلماً بنی آدم و مردم را می پرستی، یا احترام آنها در نزد تو بیشتر از خداوندی که مالک و جبار و قهار و آگاه از اسرار است، می باشد. لذا وقتی شب تو را از دید آنان می پوشاند، مولایی که همواره تو را می بیند، در نزدت کوچک و بی ارزش می گردد. اگر چنین هستی، و خود را عاقل می دانی، چگونه خود را مسلمان می شماری؟ و به حکم کدام عقل و دل امید سلامتی در روز حساب را می داری؟ آیا نشنیده ای که خداوندی - جلّ جلاله - به صراحتی که تاءویل بردار نیست، تصریح می نماید که - با وجود خیانتی که داری، و [اعمال] خویش را مردم پنهان می داری، ولی از آن مقام بزرگ و والا پنهان نمی کنی - مثل تو را دوست نمی دارد، آنجا که می فرماید:

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا، يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ، وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ، وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ، وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا. هَا، اءَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، فَمَنْ يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ (۲۷۵)

- و در دفاع از کسانی که در اندیشه خیانت به خویش هستند، مجادله مکن، [زیرا] براستی که خداوند هرکس را که بسیار خیانت کننده و گناهکار باشد دوست نمی دارد، آنان [اعمال] خود را از مردم پنهان می دارند، ولی از خدا پنهان نمی کنند، در حالی که او همراه با آنهاست، هنگامی که شب را با گفتاری که خداوند از آن ناخشنود است، به سر می آورند، و خداوند به اعمالی که انجام می دهید احاطه دارد، هان، شما در زندگانی دنیا در دفاع از آنان مجادله می کنید، پس در روز قیامت چه کسی در دفاع از آنها با خدا مجادله خواهد نمود؟

ای بنده بیچاره، مگر ممکن است خداوند - جلّ جلاله - تو را دوست نداشته باشد و تو مسلمان باشی؟ پس در بهبودی بیماریهای دل و دین خود تامل نما، که درد و بیماری ات بزرگ و پنهان است، و نیز بیاندیش که چرا هدایت پذیر نگشته و به کسانی که می گویی به انوارشان رهنمونم، و از راه و روش آنان پیروی می نمایم اقتدا نمی نمایی، و نیز نظر کن بین حالات و اوصاف آنان در شب - که تو آن را با غنیمت شمردن غفلتها و در راهی شدن در طلب شهوتهای خویش، مانند چهارپایی که لزوم تکلیف از آنها برداشته شده، ضایع می کنی - چگونه بوده است؟

نمونه ای از حالات معصومین (علیهم السلام) در شب

شب بیداری پیامبر اکرم (ص) و گروهی از مؤمنان

۱ - از آن طبرسی در کتاب تفسیر خود در تفسیر فرمایش خداوند متعال که می فرماید:



- شب را [برای انجام عبادت] برخیز، جز اندکی از آن را، نصف آن ...

روایت نموده که: پیامبر اکرم (ص) و گروهی از مؤمنان، از ترس اینکه مبدا اندازه بین نصف و یک سوّم و دو سوّم شب را (۲۷۷) رعایت نکنند، تا صبح به عبادت مشغول می شدند تا اینکه خداوند بر آنان تخفیف داد. و فاصله بین این تکلیف و تخفیف آن ده سال بود. (۲۷۸)

حدیث فوق را ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی نیز در کتاب اءَلْمُنْبِیُّ عَنْ زُهْدِ النَّبِیِّ (ص) به طور مشروح ذکر نموده است. نمونه ای از شب بیداری و حالات امیرالمؤمنین (ع)

۲- روایت شده که: مولایمان علی بن ابی طالب (ع) پیوسته تمام شب را نماز می خواند، و ساعت به ساعت بیرون می آمد و به آسمان می نگریست و قرآن تلاوت می نمود.

نوف می گوید: شبی حضرت بعد از گذشت پاسی از شب (۲۷۹) از کنار من گذشت و فرمود: ای نوف، آیا خوابیده ای یا بیداری؟ عرض کردم: بیدار هستم، و مراقب شما هستم. سپس حضرت (ع) فرمود: ای نوف، خوشا به حال کسانی که نسبت به دنیا زاهد و بی میل، و به آخرت رغبت دارند. آنان که وقتی تاریکی شب ایشان را فرا می گیرد، زمین را به عنوان فرش و زیرانداز، و خاک آن را به عنوان رختخواب، و آب آن را به عنوان عطر، و قرآن را به عنوان روپوش، و دین (۲۸۰) را به عنوان زیرپوش خویش برگزیده، و دنیا را بر اساس شیوه حضرت مسیح عیسی بن مریم - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ - رها کرده اند.

۳- همچنین در روایت آمده که حَبّه عرنی می گوید: وقتی من و نوف در محوطه مسجد [یا: کاخ حکومتی] خوابیده بودیم، که ناگهان در اواخر شب امیرالمؤمنین (ع) را دیدیم که مانند شخص والّه و سرگشته دست خویش را بر دیوار گذاشته و این آیه را تا آخر تلاوت می فرمود که:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲۸۱).

- براستی که در آفرینش آسمانها و زمین ...

وی می گوید: حضرت این آیات (۲۸۲) را می خواند و بسان شخص عقل پریده می گذشت. تا اینکه فرمود: ای حَبّه، آیا خوابیده ای یا بیداری، عرض کردم: بیدارم. شما که چنین می کنید، پس ما چگونه باید باشیم؟ چشمانش پر از اشک شد و گریست. و سپس فرمود: ای حَبّه، خداوند را مقامی است، و ما را در پیشگاه او جایگاهی است، که هیچ کدام از اعمال ما بر او پوشیده نیست.

ای حَبّه، خداوند نسبت به تو و من از رشته رگ گردان نزدیکتر است. ای حَبّه، هیچ چیز نمی تواند من و تو را از دید خداوند پنهان دارد.

سپس فرمود: ای نوف ، آیا خوابیده ای ؟ نوف که خوابیده بود از خواب بیدار شد و عرض کرد: نه خیر، یا امیرالمؤمنین ، بیدار نیستم ، امشب بسیار گریستم . حضرت فرمود: ای نوف ، اگر در این شب از خوف خداوند - عزوجل - بسیار گریستی ، فردای قیامت در پیشگاه خداوند - عزوجل - چشمانت روشن خواهد شد. ای نوف ، هیچ قطره ای از چشم انسان به خاطر ترس از عظمت خدا به زمین نمی ریزد، مگر اینکه دریاهاى آتش جهنم را خاموش می سازد. ای نوف ، هیچ کس مقام و منزلتش بزرگتر و والاتر از کسی که از ترس از عظمت خدا بگرید، و در راه خشنودی خدا دوست و یا دشمن ندارد، وجود ندارد. ای نوف ، هرکس در راه خرسندی خدا دوست ندارد، هیچ کس را بر محبت او مقدم نخواهد داشت ، و هرکس در راه خشنودی خدا دشمن ندارد، خیری به دشمنان خویش نمی رساند. اینجاست که به حقایق ایمان کاملاً نایل خواهید شد.

سپس حضرت آن دو را پند و اندرز داد و موعظه نمود و در اواخر گفتارش فرمود: پس از خداوند بیم داشته و بپرهیزید، که من شما را بیم دادم . سپس در حال عبور می فرمود: خداوند ای کاش می دانستم که در حال غفلتهایم آیا از من روی گردانی ، یا به من می نگری ؟ و ای کاش می دانستم که در خواب طولانی و شکر و سپاس اندکم در برابر نعمتهایت ، حالم چگونه است ؟ جبه می گوید: به خدا سوگند، حضرت پیوسته بر این حال بود، تا اینکه سپیده دم طلوع کرد.

۴ - از دیگر صفات مولایمان علی(ع) در شب مطالبی است که نوف برای معاویه بن ابی سفیان ذکر نمود که : در هیچ شبی برای حضرتش رختخواب پهن نشد، و هرگز در شدت گرما و روزهای بسیار گرم غذا میل ننمود [؛ زیرا روزه بودند]. و نیز نوف گفت : گواهی می دهم ، که براستی آن بزرگوار را در حالی که شب پرده های تاریکی خود را افکنده بود، و ستارگان غروب کرده بودند، دیدم که ایستاده و محاسن شریف خویش را با دست گرفته و همانند مار گزیده [و یا شخصی که سخت مجروح باشد] به خود می پیچید و بسان شخص اندوهناک [و مصیبت زده ] گریه می نماید.

این حدیث ، مشهور و معروف است ، و می ترسیم که تو ای بنده ، به خاطر تطویل ، از اموری که موجب قرب تو نسبت به خداوندی که مالک برانگیخته نمودن مردگان است ، خسته و ملول گردی . لذا از ذکر آنها خودداری می کنیم .

اشکال و جواب ، و حالات شیعیان واقعی در شب

مبادا سخن کسی را قبول کنی که می گوید: این ، تکلیف ابرار و بزرگان است ، و ما در بندگی و کوشش در عبادات به پیروی از ایشان مکلف نیستیم .

اگر ترس آن را نداشتیم که به واسطه نقل کلام خداوند - عزوجل - و ویژگان درگاهش ، به ستوه بیایی و رنجیده شوی ، و در نتیجه به جهت کراهت داشتن از اموری که تو را به محبت الهی نزدیک می گرداند، به هلاکت مبتلا گردی ، مسلماً صفات پاکیزه شیعیان و پیروان واقعی آن بزرگواران را به طور مفصل برای تو بیان نموده ، و آیات بسیار را ذکر روایات فراوانی را نقل می کردم ، ولی اینک تنها یک حدیث را می آورم ، که برای هرکس که دلش حافظ حقایق باشد کافی است :

ابی المقدام می گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: ای ابا المقدام، شیعیان و پیروان علی(ع) تنها کسانی هستند که رنگ پریده [و یا: لاغر]، و بدنهایشان آب رفته و خشکیده، و لبانشان [از بسیار ذکر گفتن] خشکیده، شکمهایشان تو رفته، رنگهایشان پریده و چهره هایشان زرد باشد. و هنگامی که تاریکی شب آنان را فرا می گیرد، زمین را به عنوان رختخواب برگزیده، و با پیشانی هایشان به زمین روی آورده و سجده می کنند. سجده هایشان زیاد و طولانی، و اشکهایشان فراوان، و دعایشان بسیار، و گریستنشان بسیار است، مردم شادمانند و ایشان نگران.

نمونه ای از حالات امام حسن (ع)

۵ - در حدیث است که مولایمان امام صادق (ع) فرمود: پدر بزرگوارم به نقل از پدرش (علیهماالسلام) فرمود: حسن بن علی(علیهماالسلام) عابدترین و زاهدترین و برترین مردم در زمان خویش بود، و وقتی حجّ بجا می آورد، پیاده حجّ می نمود، و چه بسا پا برهنه می رفت، و هنگامی که از مرگ یاد می نمود(۲۸۳) می گریست، و هرگاه از قبر یاد می فرمود گریه می نمود، و هنگامی که از برانگیخته و زنده شدن مردگان در قیامت یاد می کرد می گریست، و وقتی گذشتن از [پل] صراط را یاد می نمود گریه می کرد، و هرگاه عرضه شدن بر خداوند را به یاد می آورد با صدای بلند فریاد برآورده و به واسطه آن بی هوش می گردید، و هرگاه به نماز می ایستاد در پیشگاه پروردگارش - عزوجل - فرایص (۲۸۴) آن بزرگوار می لرزید، و وقتی از بهشت و آتش جهنم یاد می کرد، بسان شخص مار گزیده [ویا: شخصی که سخت مجروح باشد] به خود می پیچید، و از خداوند بهشت را درخواست نموده و از آتش جهنم به خدا پناه می برد، و هماره پس از قرائت آیه ای از کتاب خدا که در آن یا ائیهما الذین آمنوا، بود، می فرمود: لَبَّيْكَ اَیُّهَا رَبِّی، (آری، خداوندا، آری)، و در هیچ حالی دیده نشد مگر اینکه به یاد خداوند سبحان مشغول بود، و صادق ترین مردم از لحاظ و گویش، و شیوا و رساترین آنان از لحاظ گفتار بود. (روایت طولانی است)

کثرت عبادت امام حسین و امام زین العابدین (علیهماالسلام)

۶ - باز مطلبی ذکر شده که به علی بن الحسین (ع) عرض شد: چقدر فرزندانِ پدرت کم است؟ حضرت فرمود: جای شگفت است که چگونه فرزند دار شده، زیرا آن بزرگوار در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند، پس کی برای نزدیکی با همسر فراغت پیدا می کرد؟

حدیث هزار رکعت نماز خواندن، درباره خود امام زین العابدین (ع) نیز روایت شده است.

حالت امام صادق (ع) در حال لبّیک گفتن

۷ - منقول است که مالک بن انس فقیه مدینه گفت: به خدمت جعفر بن محمد(ع) وارد می شدم، و آن بزرگوار برای من بالش

پیش می آورد و از من تعظیم می نمود و می فرمود: ای مالک، براستی که من تو را دوست می دارم، و من از این شادمان می

شدم و حمد و ستایش خدا را بجا می آوردم. وی می گوید: حضرت (ع) همواره از یکی از سه خصلت خالی نبود: یا روزه بود، و یا

در حال قیام برای خواندن نماز و عبادت ، و یا در حال ذکر خدا، و آن بزرگوار از عبادت کنندگان و زاهدان بزرگ ، و از عظمت خداوند - عزوجل - خوف داشت ، و با همنشینان خود بسیار سخن می گفت و خوش مجلس و پُرفائده بود. هرگاه می گفت : رسول الله (ص) فرمود گاه رنگش سبز و گاه زرد می شد، و چنان چهره حضرت متغیر می شد که هرکس او را می شناخت ، گویی در آن حال او را نمی شناسد. یک سال همراه با او حجّ بجا آوردم ، هنگامی که شترش در جایگاه بستن احرام ایستاد، هربار که می خواست لَبَّيْكَ اِلهُمَّ، لَبَّيْكَ: (آری ، خداوند، آری .) بگوید، صدایش در گلویش قطع می شد، و نزدیک بود که از شترش به زمین بیافتد، به او عرض کردم : ای فرزندِ رسول خدا، از گفتن آن ناگزیری فرمود: ای پسر ابی عامر، چگونه جسارت کنم و لَبَّيْكَ اِلهُمَّ، لَبَّيْكَ بگویم ، در حالی که می ترسم خداوند عزوجل بفرماید: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيكَ.]

ناگفته نماند: که ما در کتاب تَقْرِيبُ السَّالِكِ إِلَى خِدْمَةِ الْمَالِكِ نیز گوشه ای از صفات مقتدایان معصومین (علیهم السلام) بر این شیوه از کوشش بسیار و زیبا در عبادت خداوند بوده اند، چه آنان که ذکر نمودم ، و چه کسانی را که ذکر ننمودم ، یاد کرده ام .  
کمترین عمل در شب

اینک می گویم : اگر توفیق پیمودن این راه با بهره گیری از مرکب شب برای تو میسر شد، همان گونه باش که مولایمان علی بن ابی طالب (ع) بیان فرموده ، و معرفتت به مولایی که در پیشگاهش قرار داری ، اقتضا می کند. که آن بزرگوار(ع) فرمود: اگر از انجام کار خیر ناتوان گشتی ، از انجام دادن کار شرّ عاجز باش .

#### امتحان نفس

اکنون می گویم : نَفْسِ خویش را که می خواهد بخواهد و به همین خاطر از خدمت و بندگی مالک و سلطان خویش کاهلی و تنبلی می نماید، امتحان کن و ببین که آیا ادعایش درست است ، و یا به باطل و دروغ ادعا می کند، به این صورت که بین اگر یکی از دوستان یا بعضی از خادمان پادشاهان دارِ فریب دنیا به سوی تو بیاید، یا حاجت کوچکی از حوایج خُرد و بی ارزش دنیوی را که تو آن را از دنیا می خواهی ، - دنیایی که لذّتش فانی و پیامدها و گناهانش می ماند - برای تو پیش می آمد، آیا تنبلی و خوابیدن را بکلی ترک نمی گشتی ؟ پس حال که این را از نَفْسِ خویش شناختی ، بر حال آن گریه کن ، زیرا یا قلب تو مریض است ، یا در عقاید دینی ات ضعیف هستی ، پس به درگاه خداوند - جلّ جلاله - توبه نما، و از او درخواست کن که از تو درگذشته ، و

سعادت‌مندی دینی و دنیوی ات را کامل گرداند، که آن دو تنها در مراقبه و پاییدن مقام جلیل الهی حاصل می شود.

#### علّت خواب ماندن از نماز شب

حال می گویم : اگر خواب ماندی و مانند شخص درمانده خواب بر تو غلبه کرده ، در این صورت اگر خواب ماندنت به خاطر گناهی نباشد که خداوندی که به نهانیها آگاه است ، به واسطه آن تو را از خلوت و مناجاتی که هر دوستی با محبوبش دارد رانده باشد، معذور خواهی بود.

زیرا در حدیث آمده که : خداوند - جَلَّ جلاله - به واسطه عقوبت گناهان ، بنده را از خدمت و بندگی خویش به خواب می زند. در این باره نظر کن به روایتی که از مولایمان امام صادق (ع) نقل شده : که مردی به حضرتش عرض کرد: سفارشی به من بفرما. حضرت فرمود: تو را به تقوای خداوند سفارش می نمایم ، و اینکه هرگاه به رختخواب می روی ، تمام اعمال خیر یا شرّی را که در روز انجام داده ای و نیز هرچیز پاکیزه و پلیدی را که در شکم خویش داخل کرده ای به یادآور.

توجّهات معنوی و توبه در هنگام خوابیدن

توجّه داشته باش که وقتی خواستی بخوابی - چه خواب بر تو غلبه باشد، و یا در حالت اختیار بوده و میل تمایل به خوابیدن داشته باشی - بدان که خواب عبارت است از مرگ و نبودِ بیداری ، و وفات و از کار افتادنِ اعضا و جوارح از زندگانی استقامت و ایستادگی در انجام امور مربوط به خود. خداوند - جَلَّ جلاله - در این باره می فرماید:

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ، وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ، ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ . (۲۸۵)

- و اوست خداوندی که شب [و هنگام خواب ، جان شما را] کاملاً می گیرد، و به تمام گناهانی که در روز انجام می دهید، آگاه است ، سپس شما را در روز برمی انگیزاند.

بر این پایه ، خداوند - جَلَّ جلاله - خواب را وفات ، و بیداری را برانگیختن و زندگانی قرار داده . و آگاه هستی که شخص خوابیده مانند شخص کور و کر و لال و زمین گیر و و گرفتار به بیماریِ رماتیسم می گردد، و عقل و تمام بهره های اعضا و جوارحش را که به وسیله آن با مولای عالم الغیوب خویش معامله می نمود، از دستش می رود، و گویی وقتی که می خوابد اختیار افراد تحت تکفل و اموال و حوایج و امور ضروری او از دست او خارج می شود، و نمی داند که بر آنها چه خواهد گذشت ، و نیرویی برای نگهداری نفس خویش و حفظ امور مهمّی که بدان اشاره نمودیم باقی نمی ماند. و اگر آنها را به وسیله قفل و پاسبان هم مصون سازد، وقتی خوابید ممکن است در هر حال خلاف آنچه را که اراده نموده ، واقع شود.

بنابراین ، هنگامی که می خوابی ، گویی که به مصیبه های هولناکی مبتلا، و در گرفتاریهای فراموش کننده واقع شده ای ، و جز خداوند - جَلَّ جلاله و تَقَدَّسَ کَماله - نمی تواند با بیدار نمودن و عافیت بخشیدن به اعضا و جوارح و کمال زندگانی و برگرداندن نیروی گوش و چشم و زبان و عقل و تمام [یا: سایر] مقاصد را که به واسطه خوابیدن ، پراکنده و پریشان گشته ، امور پراکنده تو را جمع سازد.

از این رو، به پیشگاه خدا توبه نما، توبه ای که از هر کوتاهی که پیش از خوابیدن داشتی ، خالص و پاکیزه باشد. و اگر به خاطر قلتِ معرفت به مولایت که تو را می بیند، نفس و عقل و قلبت در توبه حقیقی با تو موافقت ننمودند، از رحمت و بخشش خدا طلبِ عفو

و گذشت بنما، که او - جلّ جلاله - که خداوندگار بردبار و مهربان و شفیق است، بر اساس نیکیها و بخششهایی که به بندگان خود دارد، زبینه آن است که بر تو نیز تفضّل نماید.

و اگر بسان شیوه جنایتکاران و گناهکاران در نزد بزرگترین مالکان که سیطره و چیره گی دارد، طلب عفو و گذشت ننمودی، پس حداقل مانند تسلیم شدن و سرسپردگی شخص بیچاره و نیازمند و ذلیل خود را تسلیم خدا نموده، و دین و نفس و مال و افراد تحت تکفل و آرزوهای خویش و هر چیزی را که بدان نیازمندی، در تحت نگاهداری آن خداوند مهربان و بردبار و بزرگواری که در پیشگاهش بسیار گستاخی و سوء ادب نموده ای، در آورده و تسلیم اوساز. و در باطن توجّه داشته باش که تمام آنچه را که خداوند به تو بخشیده و تو در نزد او به ودیعه گذاری، در حقیقت ملک اوست، و تو در نزد او به عاریت و ودیعه گذارده ای؛ بنابراین حتی در ذهن و خاطر و یا در دل خویش با مالکیت او مخالفت منما، تا مبدا خود را شریک خداوند شمرده، و به هلاکت مبتلا گشته و خشنودی او از دستت برود.

بی گمان اگر این سفارش مرا بپذیری و توبه یا طلب عفو نموده، و یا چنانکه گفتیم خود را تسلیم خداوند نمایی، و به شرحی که ذکر کردیم، همه چیز خود را در نزد او به ودیعه گذاری، خداوند حافظ و نگاهبان تو بوده، و از تو حمایت نموده و پناه خواهد داد، و هیچ فساد و تباهی در هیچ امری در کم و زیاد و کوچک و بزرگ، بر تو وارد نخواهد شد.

در بعضی از اخبار دیدم که مردی می گوید: عقبی نایابی را دیدم که بر پشت لاک پستی سوار شده و لاک پشت آن را از یک سوی رود نیل به سوی دیگر که من در آنجا بودم، می گذارند، وقتی آن را به کنار آب رسانید، عقرب بر زمین فرود آمد، و من دنبال آن روانه شدم، و با خود گفتم که این عقرب جریانی دارد، تا اینکه به پایین تنه درختی رسید و از آن بالا رفت و بر روی شاخه ای رفت که ماری بر روی آن آویزان بود و جوانی در زیر آن خوابیده بود، عقرب دُم مار را گزید، به گونه ای که مار مرده به زمین افتاد. این امر در نظر من بسیار بزرگ آمد، به سوی آن جوان آمدم و بیدارش نمودم و گفتم: به این مار که خداوند تو را از آن سالم نگاه داشت نگاه کن، و این ابیات را برای او خواندم:

يَا نَائِمًا وَالْجَلِيلُ يَحْرُسُهُ

مِمَّا [يُلَاقِي] فِي حِنْدِسِ الظُّلَمِ

كَيْفَ تَنَامُ الْعُيُونُ عَنْ مَلِكٍ

تَأْتِيكَ مِنْهُ فَوَائِدُ النِّعَمِ؟

- ای به خواب رفته ای که خداوند بزرگ ، تو را از اموری که در تاریکیهای بسیار شدید برای تو پیش می آید، پاس می دارد.

چگونه چشمهایت از توجّه به پادشاهی که بهره های نعمتها از سوی او به تو می آید، به خواب می رود؟

و نیز در کتاب اَلْأَيُّقُوتُ الْأَحْمَرُ تاءلیف احمد بن حسن اهوازی آمده که : از بعضی از غُلامان [و پسران نوجوان خدمتکار] برخی از

که کسرایان شنیدم که گفت : هرگز کسری نخواهید مگر اینکه پیش از خوابیدن برای خداوند - عزّوجلّ - سجده نمود، و از او

خواست که بعد از مرگش او را زنده بدارد. و مقصودش از مرگ ، خوابیدن ، و از زندگانی ، بیداری بود.

اینک می گویم : اگر پادشاهی که به جای اشتغال به خداوند به غیر او مشغول شده و به او - جلّ جلاله - معرفت و آگاهی نداشت

مانند تو معرفت و شناخت داشت ، مسلماً بهتر از تو با خداوند معامله می نمود، پس عذر تو در غفلت از مالک دنیا و آخرت چیست ؟

ناگفته نماند که اگر فرضاً بعد از عمل به آنچه که پیشتر ذکر نمودیم ، در حال خواب ضرری متوجّه تو شد، و برخی از چیزهایی را

که تحت تصرّف توست از دستت رفت ، شاید این برای آن باشد که خداوند - جلّ جلاله - می خواهد با این کار نشانه های خود را

در برگرداندن آن به تو نشان دهد، چنانکه نسبت به کسانی که بر مالکِ روز جزا توکل نموده اند، چنین شده و خداوند آیات خود را

نشان داده ، نقل شده است که :

عرب بیابان نشینی به در مسجد الحرام آمد و شتر خود را رها نمود گفت : خداوندا، این شتر و بار آن را در حفظ و نگاهداری تو

درآورده ، و در نزد تو به ودیعه می گذارم . و وارد مسجد الحرام شد، و طواف نمود و بیرون آمد و شتر را پیدا نکرد، و ایستاد و گفت

: پروردگارا، چیزی از مالِ من دزدیده نشده ، بلکه مال تو دزدیده شده است ، زیرا اگر اعتماد نداشتم که تو شتر و بارش را حفظ می

کنی ، آن را رها نمی کردم . و امثال این سخنان را تکرار می کرد. و مردم از سخن گفتن او با خداوند - عزّوجلّ - تعجب می

کردند، تا اینکه ناگهان مردی - که با یک دست افسار شتر را گرفته و دست دیگرش بریده بود - پیش آمد، و به عرب بیابان نشین

گفت : شتر را بگیر، که من از آن خیر ندیدم . گفت : جریان تو چگونه بود؟ گفت : با آن به پشت کوه رفتم و پنهان شدم ، ولی

ناگهان سواری که نمی دانم از کجا رسید، فرود آمد و مرا پریشان نمود و از جایم بلند کرد و دستم را قطع نمود و دستور داد که

شتر را بازگردانم .

من نیز به یاد ندارم که هیچگاه چیزی را به خداوند - جلّ جلاله - سپرده باشم و آن چیز گم شده باشد. و اگر هم به خاطر ارتکاب

گناهی گم شده ، هنگامی که از رحمت حضرتش اعاده سپرده ام را خواسته ام ، آن را به من بازگردانده و محبوب و محرومم

نساخته [یا: شرمسارم ننموده] ، و بر طبق گناهی که باعث گم شدن آن از پناهگاه نگاهداری اش شده ، با من معامله ننموده است .

در سال ۶۲۷ هجری قمری راهی حجّ شدم ، و تمام آنچه را که همراهم بود به حفظ و پاسداریِ مراحم الهی سپردم ، ولی تازیانه

ای که از چوب بادامِ تلّخ همراهم بود و به کجاوه بسته شده بود هنگام سیر شبانه به زمین افتاد، هنگامی که روز روشن شد و فرود

آمدیم دیدم که تازیانه گم شده است ، به دوست همراهم - که مردی علوی بود و علی بن زکی رحمه الله نام داشت - گفتم : تازیانه من گم شده ، در جستجوی آن باش . وی از گفته من تعجب کرد و گفت : تازیانه ای را که دیشب در راهپیمایی سریع حاجیان افتاده جستجو کنم ؟ گفتم : بله ، زیرا من هرچه را که همراهم بود به خداوند - جلّ جلاله - سپرده ام ، و او - جلّ جلاله - از آنها نگاهداری می کند. وی گفته مرا نپذیرفت و آفتابه ای برداشت و رفت تا به دور از دید حاجیان به دستشویی برود، ولی در حالی که تازیانه در دستش بود آمد. گفتم : چگونه آن را پیدا کردی ؟ گفت : دیدم که بر روی کوزه مردی آویزان است ، گفتم این تازیانه از آن فلانی است و دیشب در راهپیمایی شبانه افتاده است . گفت : بله ، ما آن را شب یافتیم و برداشتیم ، بگیر و برای او ببر.

و اگر امثال این امور را که برایم اتفاق افتاده ذکر کنم ، خسته و ملول می گردی .

آداب و اعمال پیش از خواب

الف - آداب وقت در قرار گرفتن در رختخواب

۱ - وقتی به صورتی که گفتیم عمل نموده و به کیفیتی که توضیح دادیم همه وسایلی و امور مربوط به خویش را نزد خدا به ویعه گذاشتی ، مانند وضوی نماز، طهارت نموده و سپس برخیز به سوی رختخواب یا هر جا که می خواهی بخوابی .

۲ - هنگام قرار گرفتن در رختخواب بگو آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که در رختخوابت جای گرفتی می گویی :

اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِكَمَالِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِجَبَرُوتِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِمَلَكُوتِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ(ص) - مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ، وَ مِنْ شَرِّ الْهَامَةِ(۲۸۶) وَ السَّامَةِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اَعْنَتَ أَخِذُ بِنَاصِيَتَيْهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

- پناه می برم به عزّت و سربلندی خداوند، و پناه می برم به قدرت الهی ، و پناه می برم به کمال خدا، و پناه می برم به تسلّط و چیرگی خداوند، و پناه می برم به سرکشی و عظمت خداوند، و پناه می برم به فرمانروایی و چیرگی بزرگ الهی ، پناه می برم به دفع و جلوگیری خدا، و پناه می برم به جمع و گردآوردن خدا، و پناه می برم به سلطنت [ویا: مالکیت] خداوند، و پناه می برم به رحمت خدا، و پناه می برم به رسول خدا(ص) - از شرّ تمام آنچه خداوند خلق فرموده و پدید آورده و به وجود آورده ، و از گزند حشرات غیر سمّی و سمّی و از آسیب گناهکاران جنّ و انس ، و از شرّ گناهکاران عرب و عجم ، و از شرّ هر جنبنده در شب و روز که [موی] پیشانی [و تمام اختیار] آن به دست دوست ، براستی که پروردگار من بر راه راست استوار است .

و در ادامه دعا هرکس را که خواستی به پناه خداوند درآور.



۳ - در روایت آمده که رسول خدا(ص) پیوسته در جنگ و یا مسافرت هنگام فرا رسیدن شب می فرمود:

يَا اَرْضُ، رَبِّي وَ رَبُّكَ اللَّهُ، اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ وَ شَرِّ مَا فِيكَ، وَ شَرِّ مَا خُلِقَ فِيكَ، وَ شَرِّ مَا دَبَّ عَلَيْكَ، اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ اَسَدٍ وَ اَسْوَدٍ، وَ حَيَّةٍ وَ عَقْرَبٍ، وَ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ، وَ مِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ]

- ای زمین ، پروردگار من و تو خداست . به خدا پناه می برم از شرّ تو و شرّ هرچه در پوست ، و شرّ هرچه در تو خلق شده ، و شرّ هر چه بر روی تو می جنبد، به خدا پناه می برم از شرّ هر شیر و مار بزرگ و مار و عقرب و از ساکنان آبادیها و از شرّ انسانهایی که زاده و زاییده شده اند.

۴ - همچنین از جمله اعمال بنده در هنگام قرار گرفتن در رختخواب باید این باشد که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس هنگامی که در رختخواب قرار می گیرد یازده بار قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ بَخَوَانِد، گناهش آمرزیده شده ، و شفاعت او درباره همایشگانش پذیرفته می شود، و اگر صد بار قرائت کند، گناهان پنجاه سال آینده او آمرزیده می گردد.

۵ - و نیز هنگامی که در رختخواب رفتی بگو آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس هنگام جای گرفتن در رختخوابش بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اُشْهِدُكَ اَنَّكَ افْتَرَضْتَ عَلَیَّ طَاعَةَ عَلَیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ وَ الْاِثْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ.

- خداوندا، تو را گواه می گیرم که طاعت و پیروی از حضرت علی بن ابی طالب و امامان و فرزندان او ((علیهم السلام)) را بر من واجب فرمودی .

و همه ائمه ((علیهم السلام)) تا امام عصر خویش را یکایک نام ببرد، و بعد در همان شب جان بسپارد، وارد بهشت می گردد.

ب - اعمال و آداب بعد از دراز کشیدن در رختخواب

۱ - وقتی در هنگام نشستن در رختخواب و جایگاه خوابیدن خود اموری را که یادآور شدیم ، گفتی ، توجّه داشته باش که تو بنده مملوک ناچیزی هستی که می خواهی بخوابی و پاهایت را دراز کنی ، و در حرکات و سکناات خویش در پیشگاه خداوندی که مالک عظیم و بزرگ است احساس راحتی کنی ، پس در گفتار و کردار مؤدّب باش . زیرا به هرچه بیشتر مؤدّب باشی و اظهار خاکساری نمایی مولایت اهلیت آن را دارد، و مقام تو کوچکتر و پست تر از آن است ، و نیز با حالت تسلیم و واگذاری و توکل [به خداوند و با هر حالت دیگر که در این مقام شایسته است ، بر سمت راست بدن خویش دراز بکش .

۲ - بگو آنچه را که در روایت آمده امام صادق (ع) فرمود: هرگاه در رختخواب خویش قرار گرفتی ، بر سمت راست بدن خویش

دراز بکش و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص). اءَلَّلَهُمْ، اِنِّى اءَسَلَمْتُ نَفْسِى اِلَيْكَ، وَ وَجَّهْتُ وَجْهَى اِلَيْكَ، وَ فَوَّضْتُ اَمْرِى اِلَيْكَ، وَ اءَلْجَأْتُ ظَهْرِى اِلَيْكَ، رَغْبَةً وَ رَهْبَةً اِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ، [وَ اءَسَلَمْتُ نَفْسِى اِلَيْكَ]. اءَلَّلَهُمْ، اَمَنْتُ بِكُلِّ كِتَابٍ اَنْزَلْتَهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ اَرْسَلْتَهُ.

- به نام خدا، و به [وسیله] خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا(ص). خداوندا، همانا من خویشتن را تسلیم تو نمودم، و روى [و تمام وجود]م را به سوى تو متوجه ساختم، و امورم را به تو واگذار، و پشتم را به پناه [نیروى] تو درآوردم، از روى ميل و رغبت [به تو] و بیم و هراس از تو. هیچ پناهگاه و راه تجاتى از تو نیست جز به سوى تو، [و نفس خویش را تسلیم تو نمودم]. خدایا، به تمام کتابهایی که فرو فرستاده و به هر پیامبری که گسیل داشتى ایمان آوردم.

سپس سوره ها و آیات ذیل را قرائت بکن :

۳ - سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ.

۴ - دو سوره معوذتین .

۵ - آیه الكرسى سه بار.

۶ - آیه سَخَرَهُ (۲۸۷).

۷ - آیه شَهِدَ اللَّهُ (۲۸۸).

۸ - سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِى لَيْلَةِ الْقَدْرِ یازده بار.

۹ - سپس سی و چهار بار تکبیر و سی و سه مرتبه تسبیح و ۳۳ بار حمد می گویی . و این همان تسبیح حضرت زهرا، فاطمه

(علیهاالسلام) است که رسول خدا(ص) به آن حضرت آموخت .

۱۰ - سپس بگو:

لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِى وَ يُمِيتُ [وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِى]، وَ هُوَ حَى لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودى جز خداوند يگانه نيست و شريكى براى او وجود ندارد، فرمانروايى تنها از آن اوست، و ستايش مختصّ اوست، زنده مى گرداند و مى ميراند، [و مى ميراند و زنده مى گرداند] و خود او زنده اى است که هرگز نمى ميرد، و تمام خوبى به دست [جمال] اوست، و بر هر چيز تواناست .

۱۱ - بعد بگو:

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الَّذِى يُمَسِّكُ السَّمٰوٰتِ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ - مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مَا ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَاَنْتُشَاءَ وَ صَوَّرَ، وَ مِنْ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّكَهٖ وَ قَرْعِهٖ [يا: قَرْعِه] وَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ، وَ اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّةِ [يا: التَّامَّاتِ] مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَاللَّامَّةِ

وَالْخَاصَّةُ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَخْرُجُ فِيهَا، [وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِيهَا]، وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ طَوَارِقِ النَّهَارِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، بِاللَّهِ وَ بِالرَّحْمَنِ اسْتَعْنْتُ، وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، حَسْبِيَ اللَّهُ، نِعْمَ الْوَكِيلُ.

- پناه می برم به خداوندی که آسمان را از اینکه جز به اجازه او بر زمین بیافتد، نگاه می دارد، از شرّ هرچه آفریده و خلق فرموده و پدید آورده و ایجاد و صورتگری نموده ، و از [گزند] شیطان و سهیم شدن و گمان [یا: تسلّط] او، و از شرّ شیطانهای انسی و جنّی ، و پناه می برم به کلمات کامل خداوند از شرّ حشرات سمّی و غیر سمّی و هر ترس و هراس [و یا: چشم زخم] و شرّ مخصوص ، و از آسیب تمام آنچه که از آسمان فرو می آید، و یا به آنجا بالا می رود، [و از شرّ آنچه که از زمین بیرون آمده و در آن فرو می رود]. و از شرّ پیشامدهای شبانه و روزانه ، مگر پیشامدی که خیر همراه خود بیاورد، و تنها به خداوند رحمت گستر یاری می جویم ، و تنها بر او توکل نمودم ، خداوند مرا بس است و چه کار گذار و وکیل خوبی .

۱۲ - سپس دست راست خویش را زیر سر گذاشته و بگو دعایی را که نقل شده امام باقر (ع) فرمود: شخصی که می خواهد بخوابد هنگامی که انسان دست راستش را زیر سرش گذاشت ، بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ، اِئِلَلَّهُمْ، اِنِّیْ اَسْلَمْتُ نَفْسِیْ اِلَیْکَ، وَ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ اِلَیْکَ، وَ فَوَّضْتُ اَمْرَیْ اِلَیْکَ، وَ اَلْجِئْتُ ظَهْرَیْ اِلَیْکَ، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَیْکَ، رَهْبَةً وَ رَغْبَةً اِلَیْکَ، لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنَاجَا مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ، اَمَنْتُ بِکِتَابِکَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ، وَ رَسُوْلَکَ الَّذِیْ اَرْسَلْتَ.

- به نام خدا، خداوند، براستی که من خویشتن را تسلیم تو نمودم ، و روی [و تمام وجود]م را متوجّه تو نمودم ، و امورم را به تو واگذار نموده ، و پشتم را در پناه تو درآورده ، و بر تو توکل نمودم ، از روی بیم و هراس [از تو] و میل و رغبت به سوی تو. هیچ پناهگاه و راه نجاتی از تو نیست جز به سوی تو، به کتابی که فرو فرستادی و پیامبری که گسیل داشتی ایمان آوردم .  
بعد تسبیح حضرت فاطمه (علیهاالسلام) را بگو:

البته ما پیشتر مشابه این دعا را در هنگام دراز کشیدن بر سمت راست بدن ذکر نمودیم ، ولی این روایت اضافه دارد، و مختصّ به وقت گذاشتن دست راست بر زیر سر است .

۱۳ - و نیز هنگام قرار گرفتن در محلّ خواب بگو آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: هرکس هنگامی که در خوابگاه و محلّ دراز کشیدن خویش قرار می گیرد، سه مرتبه بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَلَا فَقْهَرُ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بَطَنَ فَخْبَرُ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ مَلَکَ فَقْدَرُ، [وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عُصِيَ فَعَفَرُ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عُيِدَ فَشَكَرَ]، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُحْیِی الْمَوْتِی ، وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرُ.

- ستایش خداوندی را که [از همه موجودات] برتر و بلند مرتبه است و لذا [بر آنها] چیره است ، و سپاس خدایی را که در باطن [اشیاء] نفوذ کرد و لذا به باطن آنها آگاهی دارد، و ستایش خداوندی را که دارنده و خداوندگار [تمام موجودات] هست و لذا [بر هر

چیز] تواناست ، [و سپاس خداوندی را که معصیت و نافرمانی او را می کنند و او می آمرزد، و ستایش خدایی را که او را می پرستند و او شکرگزاری می نماید]، و سپاس خدایی را که مردگان را زنده می گرداند، و هم او بر هر چیز تواناست .

مانندِ روزی که از مادرش زاده شده ، از گناهان بیرون می آید.

توجّهات و حالات و اعمال مؤلف (۲۸۹) در هنگام خوابیدن

اینک می گویم : اگر خواستی ، مانند برخی از بندگان خدا که می شناسم باش ، که با اجازه خداوند و رعایت ادب با او می خوابد، و با توجّه به خدا روبه سوی قبله قرار می گیرد، و مانند زنان فرزند مرده که دست بر گونه می گذارند، دستش را زیر سرش می گذارد، به خاطر اینکه بسیاری از اموری را که او را به خدا نزدیک می کند، از دست داده و در عزای آنها نشسته است . و نیتش از این خوابیدن آن است که بدین وسیله در حال بیداری بر طاعت و عبادت خداوند جلّ جلاله و بر بندگی و خاکساری برای خدا که در حال بیداری از او خواسته شده ، نیرو بگیرد، و گویی که کوه گناهان قلبی اش بر بالای سر او برده شده تا از دستِ خشم خدا بر سر او بیافتد، چنانکه برای بنی اسرائیل رُخ داد، آنجا که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید:

وَ إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ، كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ. (۲۹۰)

- و [به یاد آر] آن هنگام را که کوه را برکنده و مانند ابر هولناکی بر بالای سرشان نگاه داشتیم . و چنانکه بنی اسرائیل از بیم فرو افتادن کوه بر زندگانی فانی و ناپایداریشان خاکساری نموده و تسلیم شدند، صاحب کوه گناهان نیز بیم آن را دارد که کوه گناهان بر سرش فرو بیافتد و تمام زندگانی و سعادت‌مندی حیات فانی و باقی اش را نابود سازد.

و آن بنده هنگامی که دست راست خویش را بر زیر سرش گذاشت اعمال زیر را به ترتیب انجام می دهد:

۱ - قرائت سوره حمد سه مرتبه .

۲ - قرائت سوره قلّ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ یازده بار.

۳ - قرائت سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ یازده مرتبه [

۴ - قرائت سوره اِلهِیْکُمُ التَّکْوِیْنُ یک بار.

۵ - قرائت سوره قلّ یا اِیُّهَا الْکَافِرُوْنَ سه بار.

۶ - قرائت سوره قلّ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ سه بار.

۷ - قرائت سوره قلّ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ سه بار.

۸ - خواندن آیه الكرّسی یک مرتبه .

۹ - خواندن آیه شَهِدَ اللَّهُ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا آخر.(۲۹۱)

۱۰ - قرائت آیه لَوْ اَعَزَّلْنَا [هَذَا الْقُرْآنَ]... تا آخر سوره حشر.

۱۱ - قرائت آیه إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ، وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۲۹۲)

۱۲ - قرائت آیات سَخَرَهُ. (۲۹۳)

۱۳ - قرائت آیه آمَنَ الرَّسُولُ تا آخر سوره بقره .

۱۴ - قرائت اواخر سوره كهف يعنى آیه : قُلْ إِنَّمَا آءَاتَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ [يُوحى إِلَى] تا آخر سوره .

۱۵ - سپس می گوید:

اَللّٰهُمَّ، لَا تُؤْمِنْنِيْ مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِيْ ذِكْرَكَ، وَلَا تَوَلَّ عَنِّيْ وَجْهَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّيْ سِتْرَكَ، وَلَا تُؤْخِذْنِيْ عَلَى تَمَرْدِيْ ، وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ، وَ اَعْيِظْنِيْ مِنْ رَقَدَتِيْ ، وَ سَهِّلِ الْقِيَامَ فِيْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِيْ اَعْحَبِّ الْاَوْقَاتِ اِلَيْكَ، وَ ارْزُقْنِيْ فِيْهَا ذِكْرَكَ وَالصَّلَاةَ وَالِدُّعَاءَ وَ الشُّكْرَ [يا: الشُّكْرَ وَ الدُّعَاءَ] حَتَّى اَسْأَلَكَ فَتُعْطِيَنِيْ ، وَ اَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبَ لِيْ ، وَ اَسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِيْ ، إِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيْمُ.

- خداوندا، مرا از مکر و فریبیت ایمن مگردان ، و یادت را از یادم مبر، و روی [و اسماء و صفات]ات را از من برمگردان ، و پرده

[ستاریت] را درباره [گناهان] من مَدَر، و به واسطه سرکشی ام مگیر، و از غافلان قرار مده ، و از خواب [غفلتم] بیدار فرما، و

برخاستن [برای عبادت] در این شب را در محبوبترین اوقات در نزد خود برای من آسان فرما، و در آن یادت و نماز و دعا و

سپاسگزاری [یا: سپاسگزاری و دعا] را روزی ام گردان ،تا اینکه از تو درخواست نمایم و عطایم فرمایی ، و بخوانمت تا اجابت نمایی

، و طلب آمرزش کنم تا بیآمرزی ، براستی که تویی بسیار آمرزنده مهربان .

۱۶ - بعد برای ترس از محتلم شدن می گوید:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِخْتِلَامِ، وَ مِنْ [شَرِّ الْاُخْلَامِ]، وَ اَعْنَ يَلْعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ.

- خداوندا، به تو پناه می برم از محتلم شدن [و دیدن خواب شیطانی] و [از رؤ یاهای بد]، و اینکه شیطان در بیداری و خواب با من

بازی کند.

۱۷ - سپس برای همین منظور آیه قُلْ مَنْ يَكْلُوْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ (۲۹۴)

را تا آخر قرائت می کند.

۱۸ - و بعد آخر سوره بنی اسرائیل یعنی آیات ذیل را تلاوت می کند:

قُلْ: اَدْعُوا اللَّهَ، اِعْوِ اِدْعُوا الرَّحْمَنَ، اٰيًّا مَا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى ، وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ، وَلَا تَخَافُ بِهَا، وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيْلًا، وَ

قُلْ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكُ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ، وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيْرًا. (۲۹۵)

- بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست ، و نمازت را نه بلند

بخوان و نه آهسته ، و راهی میان این دو را بجوی ، و بگو: ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت ، و هیچ

شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان .

۱۹ - سپس تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام) را می گوید، و این آخرین چیزی است که وی هنگام خوابیدن می گوید.

فضیلت و آثار و فوائد اعمال وقت خواب

در فضیلت هر کدام از اینها که آن بنده خدا بدان عمل نموده و بر اساس هدایت خداوند - جلّ جلاله - مرتّب نموده روایت نیز وارد شده، و برای هر چه قرائت نموده فواید و آثار عظیمی است که با ذکر و به شماردرآوردن آنها کتاب مبسوط می شود. [لذا به ذکر برخی از آن روایات بسنده می کنیم]:

فضیلت تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام)

۱ - درباره عملی که آن بنده در پایان اعمال در هنگام خوابیدن انجام می دهد، یعنی تسبیح حضرت زهرا، فاطمه - علیها ائفضلّ السّلام - روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: وقتی به رختخواب می روید، یک فرشته بزرگوار و یک شیطان ناپاک و سرکش و شروری باشتاب به سویتان می آیند، فرشته می گوید: روز خویش را با عمل خیر ختم کن، و شب خود را با عمل خوب آغاز نما، و شیطان می گوید: روز خود را با گناه ختم کن، و شب خود را با گناه آغاز کن.

و افزود: اگر شخص از فرشته بزرگوار اطاعت کند و روز خود را با یاد خدا به پایان برد و وقتی وارد جایی که می خواهد بخوابد شد، شب خود را با یاد خدا آغاز نماید و سی و چهار بار تکبیر و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار حمد بگوید، فرشته، شیطان را از او درو می راند، و شیطان دور می شود، و تا هنگام بیدار شدن از خواب آن فرشته از او نگهداری می کند.

و وقتی بیدار شد، شیطان با شتاب به پیش آمده و مشابه سخنی را که پیش از به خواب رفتن به وی گفت می گوید، و فرشته نیز مانند همان سخنی که پیش از خوابیدن به وی گفت می گوید، اگر بنده به همان صورتی که نخست خدا را یاد کرد، خداوند - عزّوجلّ - را یاد کند، فرشته، شیطان را از او دور می راند، و شیطان بدور می رود، و خداوند - عزّوجلّ - در برابر این عمل، عبادت یک شب را برای او می نویسد.

همچنین در از حضرت علیّ بن محمّد بن علیّ بن موسی الرضا، امام هادی (علیهم السلام) درباره آنچه که اهل بیت (علیهم

السلام) هنگام خوابیدن انجام می دهند. آمده ما اهل بیت در هنگام خوابیدن ده کار را پیوسته انجام می دهیم: طهارت، و

گذاشتن دست راست زیر سر، و سی و سه بار تسبیح خدا، و سی و سه بار حمد، و سی و چهار بار تکبیر گفتن، و رو به سوی قبله می

خوانیم، و فاتحه کتاب، و آیه الكرسی، و آیه شَهِدَ اللَّهُ اَنَّهٗ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ تا آخرش را قرائت می کنیم. و هر کس این کارها را

انجام دهد، حظّ و بهره آن شب را برگرفته است.

حدیث فوق به همین صورت به دست ما آمده که راوی ابتدا ده خصلت را ذکر نموده ، ولی در تفصیل نه خصلت را برشمرده است . گویا یا در اجمال و یا تفصیل سهو نموده است . و ظاهراً اشتباه در تفصیل است ، زیرا اعمال ائمه (علیهم السلام ) در وقت خوابیدن همان گونه که روایت نمودیم ، بیشتر از نه خصلت است ، و شاید سهو کرده و قرائت سوره قلُّهُ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ وَاِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را ذکر ننموده است .

اینک فضیلت برخی از اموری که پیش از این به صورت مختصر ذکر نمودیم ، به تفصیل یادآور می شویم :

فضیلت قرائت سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ

فضیلت یازده صد بار قرائت کردن سوره قلُّهُ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ به صورتی که روایت نمودیم گذشت ، اما درباره فضیلت یازده بار خواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ ابوبصیر می گوید: از امام صادق (ع ) شنیدم که می فرمود: هرکس هنگام خوابیدن یازده بار سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فی لَیْلَهُ الْقَدَر را قرائت کند، خداوند یازده فرشته را بر او می گمارد تا او را از تمام شیطانهای راند شده تا صبح حفظ کنند.

فضیلت قرائت سوره اِءْلَهَکُمْ التَّکَاثُرُ

در روایت آمده که امام صادق (ع ) فرمود رسول خدا (ص ) فرمودند: هرکس هنگام خوابیدن سوره اِءْلَهَکُمْ التَّکَاثُر را بخواند، از شرّ عذاب قبر محفوظ می ماند.

فضیلت قرائت آیه اِنْ اللّٰهُ یُمْسِکُ...

روایت شده که حضرت ابی الحسن رضا به نقل از پدر بزرگوارش (علیهما السلام ) فرمود: هرکس هنگام خوابیدن آیه اِنْ اللّٰهُ یُمْسِکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا ، وَ لَئِنْ زَالَتَا اِنْ اِءْمَسَّکَهُمَا مِنْ اَعَدِّ مِنْ بَعْدِهِ ، اِنَّهُ کَانَ حَلِیْمًا غَفُورًا . (۲۹۶): (براستی که خداوند آسمانها و زمین را از اینکه از بین بروند نگاه می دارد، و اگر از بین بروند هیچ کس جز او نمی تواند آن دو را نگاه دارد، براستی که او بردبار و بسیار آمرزنده است .) را قرائت کند، هرگز سقف خانه بر روی او فرو نمی ریزد.

فضیلت قرائت آیه الكرّسی و مَعُوذَتَیْنِ

ولید بن صبیح می گوید شهاب بن عبدربه به من گفت : سلام مرا به امام صادق (ع ) برسان ، و به حضرتش عرض کن که در خواب مبتلا به ترس و هراس می شوم . وی می گوید: گفتار او را به حضرت عرض کردم . فرمود: به او بگو وقتی وارد رختخواب شد، حتماً مَعُوذَتَیْنِ و آیه الكرّسی را بخوان . و آیه الكرّسی افضل است .

و نیز در روایت دیگر درباره کسی که در خواب گرفتار ترس می شود، آمده است که امام صادق (ع ) فرمود: هر کس که مبتلا به ترس [در خواب ] باشد، هنگام خوابیدن ده بار بگوید:

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ، یُحْیِیْ وَ یُمِیْتُ، وَ یُحْیِیْ وَ یُحْیِیْ ، وَ هُوَ حَیُّ لَا یَمُوتُ

- معبودی جز خداوند نیست که یگانه است و شریکی ندارد، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می گرداند، و او زنده ای است که نمی میرد.

و تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام) را بگوید، خوف و هراسش برطرف می شود.

فضیلت قرائت آخر سوره بنی اسرائیل و کهف :

در روایت آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: [قرائت آیات ذیل] برای اُمت من، سبب ایمنی از دزدیده شدن است :

قُلْ: ادْعُوا اللَّهَ، اءِوَ ادْعُوا الرَّحْمَنَ، اءِیَّامًا تَدْعُو فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ، وَلَا تُخَافُ بِهَا، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا، وَ قُلْ: اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا. (۲۹۷)

- بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست، و نماز را نه بلند

بخوان و نه آهسته، و راهی میان این دو را بجوی، و بگو: ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت، و هیچ

شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان

.

و هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند:

قُلْ: إِنَّمَا اءَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ اِلَیَّ اءَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهُ وَاحِدٌ، فَمَنْ كَانَ یَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ، فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا، وَلَا یُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اءَحَدًا. (۲۹۸)

- بگو: من تنها بشری همانند شما هستم، [ولی] به من وحی می شود که بی گمان معبودتان معبود یگانه است، پس هر کس به

ملاقات با پروردگارش امید دارد، باید عمل شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

نوری برای او بالا رفته و تا مسجد الحرام گسترده می شود، در حالی که در باطن آن نور فرشتگانی هستند که تا صبح برای او

استغفار می کنند.

ترس از ایمنی از احتلام

در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش (ع) از حضرت علی - صلوات الله علیه - فرمود: هر کس از محتلم

شدن بیم داشته باشد بگوید:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ، وَ مِنْ شَرِّ الْاَحْلَامِ، وَ اَعَنْ یَلْعَبَ بِیَ الشَّیْطَانُ فِی الْیَقْظَةِ وَالْمَنَامِ. (۲۹۹)

- خداوند، همانا به تو پناه می برم از جنب شدن در خواب، و از شر خوابها، و اینکه شیطان در بیدار و خواب مرا به بازی بگیرد.

ایمنی از دزد



روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: سوگند به خدایی که حضرت محمد (ص) را به حق برانگیخت و اهل بیت (علیهم السلام) او را گرامی داشت، هر چیز که در جستجوی آن هستید - مانند: محفوظ ماندن و سوختن و غرق شدن و در گلو ماندن چیزی و به سرقت رفتن یا تلف شدن چهار پا از صاحبش، یا گم شدن چیزی مانند گریختن برده [یا: گم شدن چیزی از دم دست و کنار انسان] - در کتاب خداوند متعال وجود دارد. پس هر کس بخواهد که از آن آگاه شود، درباره آن از من بپرسد، مردی برخاست و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، مرا از به سرقت رفتن خبر ده، پی در پی شبانه اشیایی از من به سرقت می رود. حضرت فرمود: وقتی در رختخواب جای گرفتی، بخوان:

قُلْ: ادْعُوا اللَّهَ، اءَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ [اَيَّامًا تَدْعُو فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ، وَلَا تُخَافُ بِهَا، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا، وَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا. (۳۰۰)

- بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست، و نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته، و راهی میان این دو را بجوی، و بگو: ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان.

در آمان ماندن از کشته شدن [یا: سرقت]

روایت شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: قرائت: قُلْ ادْعُوا اللَّهَ، اءَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ برای امت من، مایه ایمنی از شمشیر و کشته شدن [یا: به سرقت رفتن] است. و آیه شریفه را قرائت فرمود.

اعمال دیگر پیش از خواب

اینک اعمالی را که انسان در برخی از اوقات هنگام خواب بدان نیازمند پیدا می کند، ذکر می کنیم:

اعمالی جهت دفع بی خوابی

۱ - وقتی انسان خواست بخوابد ولی به خاطر ابتلا به بیماری و عدم تندرستی نتوانست بخوابد، روایت شده که امام صادق (ع)

فرمود: وقتی مبتلا به بی خوابی شدی، بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّأْنِ، دَائِمِ السُّلْطَانِ، عَظِيمِ الْبُرْهَانِ، كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ.

- پاک و منزّه است خداوند ارجمند [و یا: صاحب شأن]، فرمانروای جاودانی، صاحب دلیل و برهان بزرگ، که هر روز و پیوسته به کاری مشغول است.

۲ - در روایت دیگر درباره رفع بی خوابی و زود به خواب رفتن آمده که:

موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر می گوید: پدرم به نقل از پدرش از علیّ -علیهم السّلام اءجمعین - به ما نقل کرد که :

حضرت فاطمه (علیهاالسلام ) از بی خوابی به رسول خدا(ص ) گله نمود. حضرت فرمود: دختر عزیزم ، بگو:

يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ، يَا كَاسِيَ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ، وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ، وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ، سَكِّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةَ، وَ  
اَذِّنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا.

- ای سیر کننده شکمهای گرسنه ، و ای پوشاننده تن های برهنه ، وای آرام کننده رگهای زنده ، و ای به خواب برنده چشمهایی که به خواب نمی رود، رگهای زنده [بدن ] مرا را آرام فرما، و زود به چشمم اجازه خوابیدن بده .

و حضرت فاطمه (علیهاالسلام ) آن را گفت و بی خوابی را که از آن رنج می برد برطرف شد.

۳ - در روایت دیگر پیرامون دفع بی خوابی و زود به خواب رفتن آمده که خالد بن ولید به بی خوابی مبتلا شد. رسول اکرم (ص ) به او فرمود: آیا کلماتی به تو نیاموزم که وقتی گفתי به خواب بروی ، عرض کرد: بله . فرمود بگو:

اَعْلَلَهُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَمَا اَعْظَلْتُ، وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا اَعْقَلْتُ، وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا اَعْصَلْتُ، كُنْ حِرْزِي مِنْ خَلْقِكَ جَمِيعًا، اَعَنْ يَفْرُطَ  
عَلَيَّ اَعْدَهُمْ اَوْ اَعَنْ يَطْفِئَ . عَزَّ جَارُكَ، وَ لَا اِلَهَ غَيْرُكَ.

- خداوندا، ای پروردگار آسمانها و هرچه که آنها بر آن سایه افکنداند، و پروردگار زمینها و هرچه آنها آن را حمل می کنند، و

پروردگار شیطانها و آنچه که آنها گمراهش می کنند، تو خود پناهگاه و چشم آویز من باش از اینکه احدی از مخلوقات مرا بر کاری که [توان آن ندارم ] وادار و یا بر من سرکشی نماید. همسایه تو سربلند است ، و معبودی جز تو وجود ندارد.

دعایی جهت در امان ماندن از گزند حیوانات سمّی

۴ - درباره آنچه که هنگام خوابیدن برای درخواست روزی و ایمنی از گزند حیوانات سمّی گفته می شود، در روایت است که حضرت علیّ بن حسین (علیهماالسلام ) فرمود: هرکس وقت وارد شدن در رختخواب بگوید:

اَعْلَلَهُمْ، اَعْنَتْ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ، وَ اَعْنَتْ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَ اَعْنَتْ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، وَ اَعْنَتْ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ ،  
اَعْلَلَهُمْ، رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبَّ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ [يَا: الْقُرْآنِ] الْحَكِيمِ، اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ  
كُلِّ دَابَّةٍ اَعْنَتْ أَخِذُ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

- خداوندا، تویی اولی که هیچ چیز پیش از تو نیست ، و تویی آشکاری که هیچ چیز برتر و بالای تو نیست ، و تویی باطنی که هیچ

چیز پایین تر از تو [در اشیاء نفوذ نکرده و] نیست ، و تویی آخری که هیچ چیز بعد از تو نیست ، خداوندا، ای پروردگار آسمانها و

زمینهای هفتگانه ، و پروردگار تورات و انجیل و زبور و فرقان [یا: قرآن] استوار، به تو پناه می برم از شرّ هر جنبنده ای که [موی ]

پیشانی [و تمام اختیارش را] گرفته ای ، براستی که تو بر راه راست استوار هستی .

خداوند، فقر و ناداری را از او دور نموده ، و از گزند و آسیب رساندن هر جانوری به او جلوگیری می نماید.

ذکر عملی جهت خواب دیدن رسول خدا(ص)

۵ - وقتی خواستی رسول خدا(ص) را در خواب ببینی ، [به این صورت عمل کن ] که روایت شده امام صادق (ع) فرمود! هر کس خواست سرورمان رسول خدا(ص) را در خواب ببیند، نماز عشا را بخواند و غسل پاکیزه ای بنماید، و چهار رکعت با چهارصد بار آیه الكرسی (۳۰۱) بخواند، و بعد از نماز هزار بار بر محمد و آل محمد (علیه و علیهم السلام) صلوات بفرستد، و با جامه پاکیزه ای که در آن - نه با حرام و نه با حلال - آمیزش نموده باشد، شب را بسر برد، و دست راست خویش را زیر سمت راست صورت خود گذاشته و صد بار تسبیح سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ: (پاک و منزّه می دانم خدا، و ستایش مخصوص اوست ، و معبودی جز خدا نیست ، و خداوند بزرگتر است ، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خدا.) و صد بار ماشاء الله: (هر چه خدا خواست همان می شود.) بگوید، مسلماً پیامبر اکرم (ص) را در خواب می بیند.

ذکر عملی جهت ابلاغ سلام به خدمت رسول اکرم (ص)

۶ - هرگاه خواستی که عرض سلام تو به خدمت پیامبر اکرم (ص) برسد، به گونه ای که گویی به حضرتش سلام داده باشی ، عملی را که از پیامبر اکرم (ص) روایت شده انجام بده ، که فرمود: هر کس بعد از رفتن به رختخوابش سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ را بخواند و بعد چهار بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ، رَبَّ الْجَلِّ وَالْحَرَمِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ عَنِّيْ تَحِيَّهً وَ سَلَامًا: (خداوندا، ای پروردگار [سرزمین ] جَلِّ (۳۰۲) و حَرَم و شهر حرام ، از سوی من به روح حضرت محمد(ص) درود و سلام برسان .) خداوند دو فرشته را بر او می گمارد تا به خدمت حضرت محمد (ص) رسیده و به خدمتش عرض کنند: ای محمد، فلانی پسر فلانی سلام و رحمت و برکات الهی را بر تو فرستاد. دعایی جهت خواب دیدن امیرالمؤمنین (ع)

۷ - و وقتی خواستی مولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - صلوات الله علیه - را در خواب ببینی ، هنگام خوابیدن [یا: هنگام دراز کشیدن ، یا دراز کشیدن در رختخواب ] بگو:

اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ، وَاَعْيَادِيهِ بِاسِطَةٍ لَا تَنْقُضِيْ ، اَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطُفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلَّا كُفِيَ، اَعَنْ تُرِيْنِيْ مَوْلَايَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيَّ بْنَ اَبِيْ طَالِبٍ فِيْ مَنَامِيْ .

- خدایا، از تو درخواست می نمایم ، ای کسی که لطفش خفی، و نعمتها و عنایتهاش گسترده و پایان ناپذیر است ، به لطف خفی ای که به هیچ بنده ای لطف نفرمودی مگر اینکه او کفایت شد، از تو مسئلت دارم که مولایم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را در خوابیم به من نشان دهی .

ذکر عملی جهت به خواب دیدن اموات فامیل

۸ - هر کس بخواند میّت فامیل خود را در خواب ببیند، در روایتی از بعضی از ائمه (علیهم السلام) نقل شده که فرمود: وقتی

خواستی میّت فامیل خود را در خواب ببینی، با طهارت به خواب رفته و بر سمت راست بدن خود دراز بکشی، و پس از گفتن تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام)، بگو:

اَللّٰهُمَّ، اَنْتَ الْحَيُّ [یا: الْحَدُّ] الَّذِي لَا يُوصَفُ، وَالْاِيْمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَتِ الْاَشْيَاءُ وَ اِلَيْكَ تَعُوْذُ، فَمَا اَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مُلْجَاةً وَ مُنْجَاةً، وَ مَا اَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مُلْجَاةٌ وَ لَا مُنْجَاةٌ اِلَّا اِلَيْكَ، فَاَسْأَلُكَ بِاِلٰهٍ اِلَّا اَنْتَ، وَ اَسْأَلُكَ [بِ] بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ (ص) سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ، وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ [یا: اَلَّذِي] جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيَّ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِمُ الْعَمَلُ السَّلَامُ، اَعَنْ تَصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اَعَنْ تُرِيْنِيْ فِي الْحَالِ اَلَّتِي هُوَ فِيْهَا.

- خداوند، تو حدّ زنده ای [یا: در حدّی] هستی که نمی توان توصیفت نمود، و ایمان از ناحیه تو شناخته می شود، تمامی اشیاء از تو به ظهور رسیده و به سوی تو بازمی گردد، لذا هر کدام از آنها که [به تو] روی آورد، تو پناهگاه و محلّ نجاتش هستی، و هر کدام که پشت کند هیچ پناهگاه و محلّ نجاتی از تو جز به سوی تو نخواهد داشت، پس به [حقّ] اینکه معبودی جز تو نیست از تو درخواست می نمایم، و به [حقّ] بسم الله الرحمن الرحيم، به حقّ حضرت محمد (ص) سرور پیامبران، و به حقّ حضرت علیّ بهترین اوصیاء، و به حقّ حضرت فاطمه، سرور زنان عالم، و به حقّ امام حسن و حسین که آن دو بزرگوار را آقای جوانان اهل بهشت - که سلام بر همه آنان باد - گردانیدی، مسئلت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی، و او را در همان حالتی که در آن است، به من بنمایانی.

ان شاء الله حتماً او را می بینی.

اعمالی جهت بیدار شدن برای دعا و استغفار و نماز شب و اموردیگر

درباره بیدار شدن برای هر امری، و یا برای خصوص دعا و استغفار و روایاتی وارد شده است، از آن جمله:

۹ - برای بیدار شدن برای هر امری منقول است که امام باقر (ع) فرمود: هر بنده ای تصمیم بگیرد که هر ساعت و لحظه ای که خداوند بهتر از آن آگاه است بیدار شود، خداوند دو فرشته به او می گمارد تا او را در آن ساعت و لحظه حرکت دهند.

۱۰ - باز برای بیدار شدن برای هر امری، عامر بن عبدالله بن جذاعه [یا خداعه] می گوید: (۳۰۳) هر بنده ای هنگامی که در رختخواب می رود، آخر سوره کهف را بخواند، در همان ساعت و لحظه ای که می خواهد بیدار می شود.

۱۱ - در روایتی پیرامون بیدار شدن برای خصوص دعا و استغفار، نقل شده که حضرت ابی الحسن اوّل امام کاظم (ع) فرمود:

هر کس خواست شب بیدار شود. هنگام خوابیدن بگوید:

اَللّٰهُمَّ، لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِيْنَ، وَ اَنْبِهْنِي لِاحَبِّ السَّاعَاتِ اِلَيْكَ، اَدْعُوكَ فِيْهَا فَتَسْتَجِيبَ لِيْ ، وَ اَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ تَغْفِرْ لِيْ [يا: فَتَغْفِرْ لِيْ]، اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ،

- خداوند، یادت را از فراموشم منما، و از مکر و فریبیت ایمن نگردان ، و از غافلان قرار مده ، و در محبوبترین ساعتها و لحظات در نزد خود بیدارم بفرما، [تا اینکه ] تو را در آن بخوانم تا برایم اجابت نمایی ، و درخواست نمایم تا عطا فرمایی ، و از تو طلب آمرزش نمایم [تا] بیامرزی ، که گناهان را جز تو نمی آمرزد. ای مهربانترین مهربانها.

حضرت فرمود: خداوند متعال دو فرشته را بر او می گمارد تا او را بیدار نمایند، اگر بیدار شد [که شد]، وگرنه خداوند به آنان دستور می دهد که برای او استغفار نمایند. و اگر در آن شب مُرد، در حال شهادت جان می سپارد، و اگر بیدار شد، هر چه که در آن وقت [یا: در آن جا] از خداوند متعال بخواهد به او عطا می فرماید.

۱۲ - و در پیرامون بیدار شدن برای شب بیداری و عبادت در شب ، آمده که حضرت جعفر بن محمد به نقل پدران بزرگوارش (علیهم السلام ) از امیرالمؤمنین (ع ) فرمود که رسول خدا(ص ) فرمودند: هرکس خواست هر مقدار از شب را بیدار شود، وقتی در جایی که می خواهد بخوابد دراز کشید، بگوید:

اَللّٰهُمَّ، لَا تُؤْمِنِيْ مَكْرَكَ، وَ لَا تُنْسِنِيْ ذِكْرَكَ، وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ. اَعْقُومُ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ سَاعَةً كَذَا وَ كَذَا..  
خداوند، فرشته ای را بر او می گمارد که او را در همان لحظه بیدار نماید.

۱۳ - و از جمله روایات مربوط به بیداری برای نماز، اینکه صفوان بن یحیی می گوید: شنیدیم که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر(علیهما السلام ) می فرمود: هرکس خواست شب برای نماز برخیزد و خواب نرود، هنگام رفتن به رختخوابش بگوید:  
اَللّٰهُمَّ، لَا تُؤْمِنِيْ مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِيْ ذِكْرَكَ، وَلَا تَوَلَّ عَنِّيْ وَجْهَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّيْ سِتْرَكَ، وَلَا تَأْخُذْنِيْ عَلٰی تَمَرْدِيْ ، وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ، وَ اَيَّقِظْنِيْ مِنْ رَقَدَتِيْ ، وَ سَهِّلْ لِيْ الْقِيَامَ فِيْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِيْ اَحَبِّ الْاَوْقَاتِ اِلَيْكَ، وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا الصَّلَاةَ وَالشُّكْرَ وَ الدُّعَاءَ، حَتّٰى اَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِيْ ، وَ اَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبَ لِيْ ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرْ لِيْ ، اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ.

- خداوند، مرا از مکر و فریبیت ایمن مگردان ، و یادت را فراموشم مکن ، و روی از من مگردان ، و پرده [ستاریت ] را مَدَر، و به خاطر سرکشی ام مرا مگیر، و از غافلان قرار مده ، و از خواب بیدارم کن ، و بیدار شدن در این شب را در بهترین اوقات در نزد تو برای من آسان گردان ، و در آن وقت نماز و شکر و دعا را روزی ام فرما، تا اینکه از تو درخواست نمایم و به عطا کنی ، و تو را بخوانم و اجابت نمایی ، و از تو طلب آمرزش کنم و مرا بیامرزی ، براستی که تویی بسیار آمرزنده و مهربان .

اعمال هنگام پهلوی به پهلوی شدن در رختخواب

اینک آنچه را که بنده بعد از خوابیدن و هنگام پهلوی به پهلوی شدن در رختخواب و پیش از نشستن باید بگوید، ذکر می کنیم :

۱ - ابوبصیر می گوید: امام باقر (ع ) پیرامون فرمایش خداوند - تبارک و تعالی - که فرمود:

كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ. (۳۰۴): (آنان همواره بخش اندکی از شب را نمی خوابیدند.) فرمود: این گروه می خوابیدند، ولیکن هرگاه که پهلوی به پهلوی می شدند، می گفتند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَاللّٰهُ اَكْبَرُ: (ستایش خدا را، و خداوند بزرگتر است.)

۲ - در روایت دیگر پیرامون آنچه که هنگام پهلوی به پهلوی شدن بر رختخواب گفته می شود، آمده است که احمد بن عبد ربّه خانه کرخ در کتاب مملیات خود آورده - هم او که به گفته خود کتابش را بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد بن عسگری، امام هادی (علیهما السلام) عرضه کرد، و حضرت آن را مشاهده نمود و فرمود: صحیح است و بدان عمل کنید. البتّه در روایتی که پیشتر نقل کردیم، راوی عرضه کتاب احمد بن خانه بر مولایمان امام هادی (ع)، کس دیگری غیر از احمد بن خانه بوده است - درهرحال، احمد بن خانه در کتابی که بدان اشاره کردیم آورده که: وقتی از خواب بیدار شدی و بر رختخواب پهلوی به پهلوی کردی، بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ [الْعَالَمِينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ، وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- معبودی جز خداوند زنده پابرجا [و برپا دارنده همه مخلوقات] وجود ندارد، و او بر هر چیز تواناست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار [عالمیان و معبود پیامبران فرستاده شده است، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار] آسمانهای هفتگانه و هرچه در آنها وجود دارد و پروردگار زمینهای هفتگانه و هرچه که در آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می باشد، و سلام بر پیامبران فرستاده شده، و ستایش مخصوص خداوندی که پروردگار عالمیان است.

ذکر عملی هنگام دیدن رؤیای ناخوشایند

اینک عملی را که اگر انسان در حال خواب، رؤیای ناخوشایندی را دید آن باید انجام دهد و بگوید، ذکر می کنیم:

۱ - در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: وقتی انسان در حال خواب چیزی را که از آن کراهت دارد دید، باید از سمتی از بدنش که بر روی آن خوابیده به طرف دیگر برگردد و بگوید:

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ، لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا، وَ لَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ. (۳۰۵)

- سخن در گوشه و خصوصی گفتن تنها از ناحیه شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند اندوهگین نماید، ولی، هیچ ضرر و آسیبی جز به اذن خداوند، به آنها نخواهد رسانید.

بعد بگوید:

اَعُوْذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ، وَاَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ، وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

– پناه می برم به آنچه که فرشتگان مقرب درگاه الهی و پیامبران فرستاده شده و بندگان شایسته خدا پناه بردند، از شر آنچه که در خواب دیدم و از شر شیطان رانده شده .

۲ – و نیز در روایت دیگر جهت دفع رؤیای بد آمده که امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) فرمودند: [یا: امام باقر به نقل از امام صادق (علیهما السلام) فرمود:] حضرت فاطمه (علیها السلام) به رسول خدا(ص) از آنچه که در خواب مشاهده می نمود گله نمود، آن بزرگوار به او فرمود: وقتی اینچنین دیدی بگو:

اَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ اَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ، مِنْ شَرِّ رُؤْيَايَ الَّتِي رَأَيْتُ، اَعَنْ تَضُرَّنِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ .

– پناه می برم به آنچه که فرشتگان مقرب درگاه الهی و پیامبران فرستاده شده و بندگان شایسته الهی به آن پناه بردند، از شر رؤیایی که دیدم ، به اینکه مبادا در دین و دنیایم به من ضرر برساند.

و سه بار بر سمت چپ خود آب دهان بیانداز.

۳ – در روایت دیگر درباره دفع رؤیای بد – که کلمات بیشتری را در بردارد – منقول است که امام صادق (ع) فرمود: اگر در خواب چیز بدی دیدی ، هنگامی که بیدار شدی بگو:

اَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ اَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَ الْاِئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ، وَ مِنْ شَرِّ رُؤْيَايَ ، اَعَنْ تَضُرَّنِي ، وَ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.(۳۰۶)

سپس سه مرتبه برطرف چپ خود آب دهان بیانداز.

خاتمه جلد اول کتاب

از آنجا که دیدم اگر همه این کتاب ، یعنی فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیلۃ لِاصحاب الاتِّمَامِ فی الصَّلواتِ را در یک جلد جمع آوری کنم ، حمل و نقل آن بر عبادت کنندگان دشوار خواهد بود، و نیز به نظرم آمد که خواب – که آداب آن را مشروحاً ذکر نمودیم – انسان را از عبادت و دیگر امور جدا می کند، لذا جزء اول این کتاب را پیرامون آدابی که از ابتدای کتاب تا هنگام خوابیدن ذکر شد، مرتب گردانیدم ، و جلد دوم را با ذکر ادبی از پیامبر اکرم – علیه افضل الصَّلاة و السَّلَام – هنگامی که شخص با تندرستی و در حالی که مقصودش کاملاً برآورده شده از خواب بیدار می شود و می نشیند، شروع خواهم نمود.

ان شاء الله .

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱- حجر (۵۱): ۵۶.

۲- چنانکه آیه گذشته بدان دلالت دارد.

۳- مؤمنون (۲۳): ۷۱.

۴- هود (۱۱): ۱۱۸.

۵- اشاره به آیات ۲۲ از سوره اعراف (۷)، و آیه ۱۲۱ از سوره طه (۲۰)، و آیه ۳۶ از سوره بقره (۲).

۶- اشاره به آیه ۲۴ از سوره ص (۳۸).

۷- اشاره به آیه ۱۵۵ از سوره اعراف (۷).

۸- واقعه (۵۶): ۶۲.

۹- یعنی ایمنی بخش از خطرات نفس و هوا و هوس و شیطانهای انسی و جنی، و بطور کلی هر آنچه که انسان را از خدا غافل نموده و به خود مشغول می سازد.

۱۰- در نسخه ای از اینجا به بعد تا آخر عنوان آینده: فهرست مجموعه کتابهای دعا به این صورت آمده است: و به صورت ذیل نامگذار می نمایم: جلد اول: فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل یوم و لیل. جلد دوم: زهره الربیع فی ادعیه الأسابیع. جلد سوم: الشروع فی زیارات و زیاده صلوات [یا: و زیادات و صلوات] ودعوات الأسبوع فی اللیل والنهار، ودروع واقیه من الأخطار فیما یستمر عمله فی کل [علی] التکرار. جلد چهارم: اءلقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة واحدة فی کل سنة جلد پنجم: اءسرار الصلوات واءنوار الدعوات یا مختار الدعوات واءسرار الصلاة البتة اگر خداوند - جل جلاله - اجازه تالیف و نگارش این کتاب یعنی (جلد پنجم) را به من بدهد، تا زمانی که در قید حیات هستم، آن را مخفی نگاه داشته و به کسی نشان نخواهم داد، مگر اینکه کسی که اجازه من به دست اوست، دستور دهد که پیش از وفاتم به کسی ارائه بدهم.

۱۱- ناگفته نماند که سید (رضوان الله تعالی علیه) در اینجا و نیز در آخر کتاب، تصریح فرموده که فلاح السائل دو، مجلد خواهد بود، که جلد دوم در بردارنده بقیه اعمال عبادی شبانه روز می باشد، ولی افسوس و هزاران افسوس که جلد دوم آن از بین رفته است. امید آنکه روزی پیدا شود. ان شاء الله.

۱۲- مانند تقیه و غیر آن.

۱۳- ثواب الاعمال، ص ۱۶، روایت ۱ (با مختصر اختلاف در لفظ).

۱۴- کافی، ج ۲، ص ۸۷، روایت ۱.

۱۵- کافی، ج ۲، ص ۸۷، روایت ۲.



- ۱۶- این قسمت از مقدّمه ، ظاهراً به تناسب ذکر محمّد بن سنان در سند روایت گذشته آمده است ، و در عین حال برخی از مطالب آن ، کلی است و مکمل و توضیح مبحث گذشته محسوب می شود.
- ۱۷- رجوع شود به کفایه الاثر، ص ۳۳۴، و رجال کشی ، ج ۲، ص ۴۰۷، شماره ۱۱۸۵.
- ۱۸- کُرّاس : بخشی از کتاب که بیشتر مشتمل بر ۸ برگ است .
- ۱۹- نور (۲۴): ۲۱.
- ۲۰- نحل (۱۶): ۵۳.
- ۲۱- در مدرک این حدیث ، کتاب کنز الفوائد به جای این عبارت آمده است : و اهتمام تمام داشته ...
- ۲۲- اشاره به آیه شریفه ۴۵ از سوره عنکبوت (۲۹) که می فرماید:
- إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.
- ۲۳- کنز الفوائد، ج ۲ ص ۲۲۳ - تنها با این تفاوت که به جای جمله آخر یعنی : ولذا، ما همواره در انوار پاکیزه و دریای لبریز دانش تو شناور هستیم آمده است : بدون اینکه از تو جدا و منحرف گردیم .
- ۲۴- و لذا نیازی به تلفّظ مفهوم نیت ، و نیز تصوّر و خطور دادن الفاظ خاصّ به ذهن ، نیست .
- ۲۵- فرقان (۲۵): ۷۷.
- ۲۶- انعام (۶): ۴۳.
- ۲۷- بقره (۲): ۱۸۶.
- ۲۸- غافر: (۴۰) : ۶۰.
- ۲۹- کهف (۱۸): ۲۸.
- ۳۰- فاطر (۳۵): ۲.
- ۳۱- حَبّه سَوْداء همان شونیز و یا شینیز است که به حَبّه و دانه برکت معروف است .
- ۳۲- یعنی : خشنودی حضرت حقّ و مقامات و کمالات والای توحیدی .
- ۳۳- و در نتیجه تا روز قیامت بلا بر دعا کننده نازل نمی شود.
- ۳۴- کافی ، ج ۲، ص ۴۷۱، روایت ۲ - با این تفاوت که بعد از فضل رحمت خویش افزوده شده است : هر چه بخواهد
- ۳۵- غافر (۴۰) : ۶۰.
- ۳۶- مزمل (۷۳): ۲۰ .
- ۳۷- فرقان (۲۵): ۷۷.

۳۸- حجر (۱۵): ۳۷ - ۳۸؛ و ص (۳۸): ۸۰ - ۸۱.

۳۹- انفال (۸): ۲.

۴۰- غافر (۴۰): ۶۰.

۴۱- سباء (۳۴): ۳۹.

۴۲- بقره (۲): ۱۵۲.

مرا یاد نمایند، تا من نیز شما را یاد کنم .

۴۳- تردید از راوی است .

۴۴- به فصل ششم و هفتم رجوع شود.

۴۵- به جای فلان بن فلان ، برادران مؤمن خود را ذکر می نمود.

۴۶- چنانکه سید - رضوان الله تعالى علیه - در مقدمه تصریح فرموده ، این فصل از کتاب در جلد دوم کتاب فلاح السائل آمده ، که متأسفانه بکلی مفقود شده و در دسترس نیست .

۴۷- به جای فلان بن فلان در هر زمان ، حجت وقت ( ع ) ذکر می شود، و در زمان ما گفته می شود: اَلْحُجَّةُ بِنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ.

۴۸- و نیز سه بار سر آلت را فشار دهد. ظاهراً عبارتی که ذکر شد از متن افتاده است .

۴۹- یعنی او را متوجه کثافتاتی که از او خارج شده می کند.

۵۰- مصباح المتهجد، ص ۷ - با این تفاوت که به جای لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي ، لِمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ: (یعنی به آنچه که مرا به تو نزدیک می گرداند.) آمده است .

۵۱- مصباح المتهجد، ص ۷.

۵۲- بقره ۲ : ۱۵.

۵۳- در برخی از نسخه های کتاب به جای ثَبَّتْنِي لَفْظِ ثَبَّتْ قَدْ مَيَّ آمده است .

۵۴- باید توجه داشت که ختنه کردن برای مرد واجب ، و برای زن مستحب است ، تعبیر فوق بر اساس این دو حکم می باشد.

۵۵- مانند نماز خواندن .

۵۶- یعنی از آن جهت که حضرت حق ذاتاً اهلّیت عبادت را دارد و به جهت محبت و شکر و سپاسگزاری از او، نه از روی ترس از آتش جهنم ، و یا میل و رغبت به بهشت .

۵۷- ظاهراً مقصود از این استحاضه ، همچنانکه بعداً ذکر می شود - حالت دوّم و سوّم استحاضه است که اوّلی نیازمند یک غسل ، و دوّمی نیازمند سه غسل است .

۵۸- وضوء و یا تیمّم ، بر اساس وظیفه .

۵۹- یعنی احکامی را که زن حائض و نفساء باید رعایت کند بر او واجب نیست .

۶۰- یعنی اگر روزه اش فوت شده باشد.

۶۱- یعنی حداقلّ بیش از سه روز.

۶۲- مؤمنون (۲۳): ۹۹ و ۱۰۰.

۶۳- مؤمنون (۲۳): ۱۰۰.

۶۴- اعراف (۷) : ۱۹۸.

۶۵- یعنی با پرداخت ، یا حلالیت طلبیدن .

۶۶- مریم (۱۹) : ۸۷.

۶۷- جَرِیدَتین دو چوب تر هستند که همراه با میّت در کفن گذاشته می شود. توضیح بیشتر در همین فصل خواهد آمد.

۶۸- یعنی روز قیامت که زیانکاری و فریب خوردگی توده مردم آشکار می گردد.

۶۹- عِبْر نام بلد یا کناره درّه ای است ، و ظَفّار: بلدی است در یَمَن در نزدیکی صَنْعَاء (به نقل از مجمع البحرین ، ج ۲، ص ۱۱۵۷

و ۱۱۳۷ ماده ظفر و عبر).

۷۰- (رَحَبَه ) در لعنت به معنای فضا و محوّطه وسیع است .

۷۱- حَبْرَه و یا حَبْرَه که جمع آن حَبَر است ، در لعنت به نوعی بالاپوش مخصوص از بُرْدَها و لباسهای یَمَنی گفته می شود که تمام بدن را می پوشانند.

۷۲- (رَیْطَه ) در لعنت نوعی بالاپوش را می گویند که تمام بدن را بپوشاند و دو قطعه نباشد، بلکه یک بافت و یک دست باشد.

۷۳- المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۶۳، حدیث ۳۰۰۶ - البتّه در مدرک حدیث یعنی المعجم الکبیر، به جای ۳۰۰ درهم ، ۳ درهم ، و به جای دو ریطة سفید خشن ، دو ریطة سفید زیبا و نیکو آمده است . که ظاهراً همین درست است و با بحث مناسبت دارد.

۷۴- هر درهم شرعی برابر

۷۵- و در برخی از نسخه ها در آخر، لفظ أَخیاراً نیز افزوده شده است .

۷۶- ساجه : چوب درخت هندی که در برابر رطوبت آب بسیار مقاوم است .

۷۷- غیبّه طوسی ، ص ۳۶۴، روایت ۳۳۲ (با اندک تفاوت در چند لفظ)

۷۸- الطبقات الكبرى ، ج ۴ ص ۵۳؛ الاستيعاب ، ج ۴، ص ۲۳۹.

۷۹- ربيع الابرار، ج ۴، ص ۲۹.

۸۰- جمعه (۶۲): ۶.

۸۱- نوعی گیاه بیابانی با برگهای سوزنی شکل (نگاه شود به لسان العرب ، ج ۱۳، ص ۱۸، ماده اشن .

۸۲- این عبارت در برخی از نسخه های کتاب به این صورت است : ابتدا دو چوب تر به اندازه استخوان بازو از چوب تر درخت خرما تهیه می کنند، و اگر پیدا نشد از هر درخت تر که باشد.

۸۳- که در صفحه ۱۳۸ گذشت .

۸۴- مقصود از خامسه همان سرتاسری مستحبّ است که در بحث قطعه های واجب و مستحبّ کفن گذشت .

۸۵- در عروۃ الوثقی (ج ۱، ص ۲۹۵) آمده است : ذریه بنابر آنچه که گفته شده ، دانه ای شبیه گندم که وقتی کوبیده می شود بوی خوبی دارد، و در زمان ما به آن قُمّحه می گویند، و شاید سابقاً ذریه نامیده می شده است .

۸۶- پیشانی ، کف دو دست ، دو زانو، و نوک انگشتان شست پا.

۸۷- معنای خبره و بُرد در همین فصل تحت عنوان استحباب آماده کردن کفن از دیدگاه روایات و نگاه کردن به آن احياناً گذشت .

۸۸- داخل [ ] در برخی از نسخه های کتاب نیست .

۸۹- وضوء و یا تیمّم بر اساس وظیفه .

۹۰- مقصود از مُسْتَضْعَف در اینجا، کسی است که از تشخیص مذهب حقّ - یعنی شیعه امامیه اثنی عشری - عاجز بوده ، و هیچ دشمنی با آن مذهب نداشته ، و در عین حال مجهول الحال هم نباشد.

۹۱- بقره (۲): ۱۵۶ و ۱۵۷.

۹۲- نگاه نخست به نظر می رسد که قسمت ۱۴ به بحث مربوط نیست ، ولی ممکن است مقصود این باشد که در این هنگام بهتر است که انسان برای میّت استغفار کند و به اهل خیر بودن او شهادت دهد، لذا مؤلف بزرگوار این روایت را در اینجا ذکر فرموده اند.

۹۳- اینجا در اصل نسخه کتاب نیز خالی مانده و چیزی نوشته نشده است .

۹۴- پارچه ابریشمی ضخیم .

۹۵- نام چشمه ای مخصوص در بهشت که اولیای خدا از آن می نوشند.

۹۶- به مقدمه مؤلف بزرگوار بر همین کتاب رجوع شود.

۹۷- مصباح الزائر، ص ۵۱۲ و ۵۱۳.

۹۸- روایتی که خواهد آمد متذکر دو مطلب (صدقه و نماز) است که هر دو در شب اول دفن انجام می شود، و نه پیش از آن . لذا شاید لفظ پیش از مؤلف بزرگوار نباشد.

۹۹- دُله : لباس نو و دو تکه که تمام بدن را بپوشاند.

۱۰۰- به فصل دوازدهم رجوع شود.

۱۰۱- بقره (۲): ۲۸۶.

۱۰۲- آل عمران (۳): ۸.

۱۰۳- بقره (۲): ۲۳۸.

۱۰۴- معانی الاخبار، ص ۳۳۱، روایت ۲ و ۴.

۱۰۵- بقره (۲): ۱۴۳.

۱۰۶- لذا مسلماً مقصود از آن ، همان نماز پیش از نماز عصر، یعنی نماز ظهر می باشد.

۱۰۷- این فصل از کتاب طبق تقسیم مؤلف بزرگوار - رضوان الله تعالی علیه - در جلد دوم کتاب بوده که متأسفانه بکلی مفقود شده است و در دسترس نیست .

۱۰۸- به فصل ششم و هفتم رجوع شود.

۱۰۹- مصباح المتهجد، ص ۳۱.

۱۱۰- ظاهراً این عبارت در اصل چنین بوده است : مَرْهُوباً عِنْدَ أَهْلِ الْعِزَّةِ بِكَ... و ترجمه بر همین اساس است .

۱۱۱- ذاریات (۵۱): ۵۶.

۱۱۲- سوره توبه (۹)، آیه ۲۴.

۱۱۳- به فصل سی ام تحت عنوان نمونه ای از حالات معصومین (علیهم السلام ) و شیعیان واقعی آنان در شب رجوع شود.

۱۱۴- اشاره به آیه شریفه ۱۴۲ از سوره نساء (۴) که درباره منافقین می فرماید: وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى .! : (و هنگامی

که به نماز می ایستند، با حالت کسالت و بی میلی می ایستند.)؛ و نیز آیه شریفه ۵۴ از سوره توبه (۹) که می فرماید: وَلَا يَأْتُونَ

الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى . : (و همواره حالت کسالت و بی میلی به نماز می آیند و در آن وارد می شوند).

۱۱۵- حمد (۱): ۴.

۱۱۶- در برخی از نسخه های کتاب ، ابتدای شعر به این صورت آمده است : وَمَا لِيْخَوْفٍ...

۱۱۷- حمد: ۵.

۱۱۸- نمل (۱۶): ۱۰۵.

۱۱۹- به فصل ششم و هفتم رجوع شود.

۱۲۰- اعراف (۷): ۱۴۳.

۱۲۱- نسخه های کتاب در اینجا مخدوش است ، و ظاهراً لفظ ذَلَّلَتْ لَهُ درست است که جایگزین و ترجمه شد.

۱۲۲- که خواندن آن در رکوع مستحبّ است ، چنانکه در همین فصل ذکر خواهد شد.

۱۲۳- که خواندن آن در سجده مستحبّ است ، چنانکه در همین فصل تحت عنوان ۷ - کیفیت انجام نافله های ظهر خواهد آمد.

۱۲۴- علق (۹۶)، ۱۹.

۱۲۵- مائده (۵): ۵۴.

۱۲۶- بقره (۲): ۱۶۵.

۱۲۷- توبه (۹): ۲۴.

۱۲۸- بقره (۲): ۲۲۲.

۱۲۹- صفّ (۶۱): ۴.

۱۳۰- مائده (۵): ۵۴.

۱۳۱- زخرف (۴۳): ۵۵.

۱۳۲- صحاح ، مادّه اءسف ، ج ۴، ص ۱۳۳۰.

۱۳۳- مجمع البیان ، ج ۹، ص ۸۰.

۱۳۴- نساء (۴): ۹۳.

۱۳۵- امکان دارد که لفظ متظاهره در نسخه برداری از نسخه اصلی کتاب به جای متظافره نوشته شده باشد، که در این صورت

معنای این جمله چنین می شود: این عبارت (به این مضمون و یا به همین لفظ) در احادیث و دعاها بسیار آمده است .

۱۳۶- جامع البیان ، ج ۱، ص ۸۰.

۱۳۷- اشاره است به آیه ۱۹ از سوره علق که در همین فصل گذشت .

۱۳۸- جائیه (۴۵): ۲۳، و فرقان (۲۵): ۴۳.

۱۳۹- توبه (۹): ۳۱.

۱۴۰- حجّ (۲۲): ۷۸.

۱۴۱- ظاهراً اشاره است به آیه شریفه از سوره منافقون (۶۳) که می فرماید: إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا: نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ، وَاللَّهُ

يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ، وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَاذِبُونَ. : (هرگاه منافقون نزد تو آمده و گفتند که ما براستی گواهی می دهیم که تو

حقیقتاً فرستاده خدا هستی، [آن را قبول منما،] که خداوند براستی می داند که تو حقیقتاً فرستاده خدا هستی، و خداوند گواهی می دهد که براستی منافقان حقیقتاً دروغگویند.

۱۴۲- حجرات (۴۹): ۱۷.

۱۴۳- اعراف (۷): ۱۷۲.

۱۴۴- انابه: عبارت است از توبه ای خاص و رجوع به تمام وجود به خداوند جلّ جلاله.

۱۴۵- در عده الداعی، ص ۲۲۸، و نیز در بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۶، روایت ۲۰ که این حدیث را نقل کرده اند در این قسمت آمده است: عمل بنده را که نماز و روزه و حج و عمره است از آن عبور داده بالا می برند.

۱۴۶- نازعات (۷۹): ۲ - البته در رابطه با معنای این آیه شریفه و اصولاً پنج آیه نخست سوره نازعات اختلاف بسیار در میان مفسرین است. به تفسیر شریف المیزان (ج ۲۰، ص ۱۷۸ - ۱۸۲) رجوع شود.

۱۴۷- آوَاب یعنی کسی که پیوسته به درگاه الهی توبه و انابه و رجوع می نماید.

۱۴۸- اسراء (۱۷): ۲۵.

۱۴۹- اسراء (۱۷): ۷۸.

۱۵۰- در نتیجه: سیصد سال از روزهای دنیا، تقریباً برابر با سه از روزهای آخرت ساعت می شود، که فاصله عصر تا شام و نماز مغرب نیز به این مقدار یعنی تقریباً سه ساعت است.

۱۵۱- روم: (۳۰): ۱۷.

۱۵۲- همسر امام صادق (ع).

۱۵۳- مقصود از عالم (ع) در روایات، امام کاظم (ع) است.

۱۵۴- یعنی سوره قل یا ائیهها الکافرون

۱۵۵- ظاهراً مقصود دو آیه آخر این سوره یعنی از اَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ تا آخر سوره است.

۱۵۶- آل عمران (۳): ۱۹۰ - ظاهراً مقصود خواندن تمام این آیه تا آخر آیه ۱۹۴ می باشد.

۱۵۷- ظاهراً مقصود آیه ۵۴ سوره اعراف (۷) است که پیرامون مسخر بودن تمام موجودات در برابر امر خداوند - عزوجل - می باشد.

۱۵۸- انعام (۶): ۱۰۰.

۱۵۹- حشر (۵۹): ۲۱.

۱۶۰- چه وقت گذشته باشد و چه نگذشته باشد.

- ۱۶۱- مواردی که به شماره درآمده شش جا می باشد، و ظاهراً نماز یک رکعتی وتر از قلم افتاده است که بعداً مؤلف بزرگوار بدان اشاره می فرمایند، و در عروۃ الوثقی (ج ۱، ص ۴۸۱، مساءله ۱۰) نیز همین هفت مورد ذکر شده است .
- ۱۶۲- در برخی از نسخه ها: وُتیره .
- ۱۶۳- رجوع شود به تهذیب ، ج ۲، ص ۶۷، روایت ۲۴۳.
- ۱۶۴- مصباح المتجهّد، ص ۳۳.
- ۱۶۵- داخل [] از مصباح المتجهّد افزوده شده است .
- ۱۶۶- به اوایل همین فصل رجوع شود،
- ۱۶۷- به اوّل فصل هفتم رجوع شود.
- ۱۶۸- در همین فصل گذشت .
- ۱۶۹- یعنی : نه به طمع بهشت و یا خوف از جهنّم .
- ۱۷۰- در همین فصل گذشت .
- ۱۷۱- کافی ، ج ۳، ص ۳۳۸، روایت ۱۰.
- ۱۷۲- مقصود امام زمان ، حجّه بن الحسن العسکری - عجلّ الله تعالی فرجه الشّریف - است .
- ۱۷۳- احزاب (۳۳): ۵۶.
- ۱۷۴- در برخیا از نسخه ها نیز اءصقّنی است که ظاهراً اشتباه است .
- ۱۷۵- مصباح المتجهّد، ص ۴۶.
- ۱۷۶- ظاهراً لفظ وَ زائد است و به اشتباه اضافه شده است .
- ۱۷۷- توحید، ص ۲۳۸، روایت ۱؛ معانی الاخبار، ص ۳۸، روایت ۱.
- ۱۷۸- توحید، ۲۴۱، روایت ۲؛ معانی الاخبار، ص ۴۱.
- ۱۷۹- توحید، ۲۴۱، روایت ۲؛ معانی الاخبار، ص
- ۱۸۰- یعنی برپا دارنده و تاءمین کننده تمام مصالح دنیوی و اُخروی و معنوی همه انسانها.
- ۱۸۱- نمازهای صبح و مغرب و عشاء.
- ۱۸۲- توبه (۹): ۴۶.
- ۱۸۳- یعنی امام زمان حضرت حجّه بن الحسن العسکری عجلّ الله تعالی فرجه الشّریف .
- ۱۸۴- ترجمه بقیه جملات در ترجمه فصول اذان گذشت .



۱۸۵- ترجمه فوق بر اساس متن اَعْقَامُ الْعَبْدُ لِلصَّلَاةِ است ، که ظاهراً بهتر از متن نسخه های کتاب است که قَامَ الْعَبْدُ لِلصَّلَاةِ آورده اند.

۱۸۶- ظاهراً مقصود مظالم و حقوقی است که دیگران به گردن او دارند.

۱۸۷- محمد (۴۷): ۹.

۱۸۸- بقره (۲): ۴۵.

۱۸۹- حجرات (۴۹): ۷.

۱۹۰- بقره (۲): ۲۳۸.

۱۹۱- به جای این کلمه ، در برخی از نسخه های کتاب آمده است : یا مُعْتَرِّ یعنی : ای کسی که بدون درخواست خواهان نیکی هستی

۱۹۲- در برخی از نسخه های کتاب در ادامه وچپ دارد، که اشتباه است .

۱۹۳- علق (۹۶): ۱۹.

۱۹۴- و روشن است که دعا کردن و درخواست عفو نقصیهایی که در نماز پیش می آید، و سپردن آن به خداوند - جَلَّ جلاله - از مصادیق قرب به اوست . (مترجم )

۱۹۵- کافی ، ج ۲ ص ۵۴۹، روایت ۹ - البتّه در کافی عبارت به این صورت آمده است : وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ اَحَدٌ غَيْرُهُ و نیز اینکه تمام دعا را سه بار بگوید.

۱۹۶- یعنی امور خوشایند (از آن جمله دفع موارد مذکور در روایت ) را در پی دارند.

۱۹۷- در برخی از نسخه ها به جای يَغْبِطُنِي لَفْظُ يُعْطِينِي آمده است که ظاهراً اشتباه کاتب و ناسخ می باشد.

۱۹۸- به جای این کلمه در برخی از نسخه ها (يُرْفَثُ) آمده است که ظاهراً درست نیست .

۱۹۹- غافر (۴۰): ۶۰

۲۰۰- غافر (۴۰): ۶۰

۲۰۱- بقره (۲): ۱۸۶.

۲۰۲- زمر (۳۹): ۵۳.

۲۰۳- صحاح ، ماده نصح ، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲۰۴- الفهرست ، ص ۷۰، ص ۷۹.

۲۰۵- نساء (۴): ۱۰۳.

۲۰۶- غافر (۴): ۶۰.

۲۰۷- ظاهراً عبارت به این صورت بوده است : بِ[سُوءٍ] سَرِيرَةٍ.

۲۰۸- یعنی ام باقر یا صادق (علیهما السلام).

۲۰۹- مصباح المتهجد، ص ۶۹ و ۳۴۹ (هر دو شبیه به متن)

۲۱۰- ظاهراً مقصود بیماری است .

۲۱۱- ظاهراً مقصود امام جواد(ع) است ، به جامع الرواة ، ج ۱، ص ۶۰۶ رجوع شود. و نیز ناگفته نماند که اسم راوی در یک نسخه

کافی علی بن بصیر، و در نسخه دیگر آن علی بن نصیر، و در متن فلاح السائل (که ظاهراً سیّد نسخه دیگر کافی را داشته و از

روی آن نقل فرموده ) علی بن نصر است ، همچنانکه در جامع الرواة نیز چنین است .

۲۱۲- ناگفته نماند که کافی ، ج ۲، ص ۵۷۸، روایت ۴ (با اندکی تفاوت در برخی از الفاظ) در برخی از نسخه های کتاب این

قسمت در آخر طریق دوّم آمده است .

۲۱۳- مصباح المتهجد، ص ۷۰.

۲۱۴- ظاهراً لفظ وَ از اینجا افتاده است .

۲۱۵- در نسخه ای این لفظ نیز با (ک) آمده که ظاهراً درست نیست .

۲۱۶- در برخی از نسخه های کتاب به جای کَائِنًا لفظ کافياً آمده است که ظاهراً اشتباه است .

۲۱۷- صفّ (۶۱): ۴.

۲۱۸- نهج البلاغه ، خطبه ۱۶۰ (با تفاوت در الفاظ).

۲۱۹- آل عمران (۳): ۶۴.

۲۲۰- واقعه (۵۶): ۵۷ تا ۵۹.

۲۲۱- کهف (۱۸): ۵۱.

۲۲۲- ابراهیم (۱۴): ۳۴.

۲۲۳- اسراء (۱۷): ۷۰.

۲۲۴- به فصل رجوع شود.

۲۲۵- بقره (۲): ۲۸۰.

۲۲۶- مائده (۵): ۲۴

۲۲۷- نساء (۴): ۱۵۳.

۲۲۸- اعراف (۷): ۲۳.

۲۲۹- انبیاء: (۲۱) ۸۷.

۲۳۰- انبیاء (۲۱): ۸۳. البته اوّل آیه شریفه لفظ ربّ ندارد.

۲۳۱- آل عمران (۳): ۱۹۳ و ۱۹۴.

۲۳۲- یعنی بدون اینکه از بسیار ثواب داشتن این عمل شگفت زده شود، بلکه به پادشاهای بسیار آن اعتقاد داشته باشد، و احتمال

دارد که لفظ (مِنْ غَيْرِ عَجْبٍ) باشد که در این صورت به معنای این است که: بدون اینکه به خود ببالد و عَجْب داشته باشد.

۲۳۳- در برخی از نسخه های کتاب، دعای عشرات ذکر نشده است و تنها آمده که: مستحبّ است دعای عشرات را بخواند، زیرا

آن از جمله دعاهایی است که در هنگام شام و صبح خوانده می شود. و در برخی از نسخه ها افزوده شده است: و ذکر آن در تعقیب

نماز صبح و نیز در بهترین جایی که مستحبّ است خوانده شود، یعنی در اعمال بعد از عصر روزهای جمعه، خواهد آمد. ان شاء الله

جلّ جلاله.

۲۳۴- یس (۳۶): ۹.

۲۳۵- رجوع شود به مصباح المتهجّد، ص ۹۰.

۲۳۶- این لفظ ظاهراً در اصل (اءُخْرِجْ) بوده است، که در نسخه برداری اشتبهاً به این صورت نوشته شده است، لذا ترجمه نیز بر

اساس (اءُخْرِجْ) است نه (اءُخْرِجْ)

۲۳۷- مصباح المتهجّد، ص ۹۰.

۲۳۸- صحاح، ماده قتر، ج ۲، ص ۷۸۶.

۲۳۹- مصباح المتهجّد، ص ۴۷۹ - البته در نسخه چاپ شده مصباح المتهجّد نیز ابن قتره آمده است، و در نسخه مؤلف به همان

صورتی که در متن آمده، بوده است.

۲۴۰- صحاح، ماده (رَسَسَ)، ج ۳، ص ۹۳۴.

۲۴۱- تنها برخی از این دعاها مربوط به اعمال وقت صبح و شام است، و شاید نظر مؤلف بزرگوار این بوده که همه آنها به خاطر

اهمّیشان در صبح و شام خوانده شود.

۲۴۲- هود (۱۱): ۷۸.

۲۴۳- انفطار (۸۲): ۱۰ و ۱۱.

۲۴۴- زخرف (۴۳): ۳۲.

۲۴۵- به فصل بیست و دوّم رجوع شود.

۲۴۶- یعنی اگر خواست در رکعت سوّم به جای تسبیحات اربعه ، سوره حمد را بخواند، آن را به صورت آهسته و اخفاتی می خواند.

۲۴۷- در برخی از نسخه ها: هفتاد حاجت دنیوی ، و سی حاجت اُخروی آمده است .

۲۴۸- بقره : ۱۶۳ - ظاهراً تمام این آیه و آیه ۱۶۴ منظور است .

۲۴۹- ظاهراً دو آیه آخر سوره بقره یعنی از آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ... تا آخر سوره منظور است .

۲۵۰- یعنی تا آخر آیه ششم از این سوره مبارکه .

۲۵۱- ظاهراً مقصود آیات ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ یعنی از لَوْ أُنْزِلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ تا آخر سوره می باشد.

۲۵۲- در برخی از نسخه های به جایی این کلمه ، نَحْوِه آمده است که ظاهراً درست نیست .

۲۵۳- با توجه به مطلبی که مؤلف بزرگوار در آخر فصل بیست و سوّم بدان اشاره فرمودند، ادامه تعقیبات نماز مغرب را در این فصل و بعد از خواندن نافله های نماز مغرب ذکر فرموده اند، رجوع شود.

۲۵۴- در برخی از نسخه ها به جای این کلمه فَحَثَا آمده است که ظاهراً درست نیست .

۲۵۵- در برخی از نسخه ها به جای این کلمه سَنِينَهَا آمده که ظاهراً درست نیست ، زیرا سَنِين ملحق به جمع سالم و مذکر است و هنگام اضافه نون آن حذف می شود.

۲۵۶- این لفظ در برخی از نسخه های طَارِقُ آمده است که ظاهراً درست نیست ، زیرا استثناء و منصوب است .

۲۵۷- ظاهراً مقصود از چهار سجده ای که ذکر می شود، همان دو سجده شکر است ، منتهی به این ترتیب : ۱ سجده کردن بر پیشانی ، ۲ سجده با سمت راست صورت را، ۳ سجده با سمت چپ صورت ، ۴ و در آخر با سجده کردن با پیشانی .

۲۵۸- انبیاء (۲۱): ۸۷ و ۸۸.

۲۵۹- انعام (۶): ۵۹.

۲۶۰- به جای این کلمه ، حاجت خود را ذکر می کنی .

۲۶۱- کنایه از اینکه : در مقام و منزلت به من مُلْحَق می شود.

۲۶۲- مزمل (۷۳): ۶.

۲۶۳- ظاهراً منظور آیه شریفه ۵۴ سوره اعراف می باشد.

۲۶۴- ظاهراً مقصود آیه ۱۶۳ و ۱۶۴ سوره بقره است .

۲۶۵- مقصود آیات ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره می باشد.

۲۶۶- یعنی از اوّل تا آخر سوره بقره . آیه ۲۸۳.

۲۶۷- یعنی اگر خواست به جای تسبیحات اربعه ، سوره حمد بخواند.

۲۶۸- در برخی از نسخه های به جای این کلمه حِبَاطَتِكَ آمده است که ظاهراً درست نیست .

۲۶۹- در برخی از نسخه ها نیز تَسَحُّبُ الْمُتَسَحِّبِينَ آمده است که ظاهراً درست نیست .

۲۷۰- به جای این لفظ در برخی از نسخه ها (صَبِيحَتِي) آمده است که ظاهراً درست نیست .

۲۷۱- در برخی از نسخه ها اینجا اشتباه است که اصلاح شد.

۲۷۲- در برخی از نسخه ها به جای این کلمه اشتباهاً عَلَمِيهِ آمده است .

۲۷۳- بر خلاف عبارت عنوان اصلی فصل در اینجا و مقدمه کتاب ، که نمازها آمده است ، تنها یک نماز در اینجا ذکر شده است ،

لذا احتمال دارد که یا عنوان فصل نیز یک نماز بوده و در کتابت به جای الصَّلَوة ، الصَّلَوَات نوشته شده باشد، و یا مؤلف بزرگوار می

خواسته نمازهای را ذکر نماید، ولی تنها به یکی بسنده نموده است .

۲۷۴- در برخی از نسخه ها نیز به جای این کلمه ، آتونی آمده است که ظاهراً درست نیست .

۲۷۵- نساء(۴): ۱۰۷ تا ۱۰۹.

۲۷۶- مزمل (۷۳): ۲ و ۳.

۲۷۷- که خداوند در آیه شریفه فوق و ادامه آن دستور داده که مؤمنان به اندازه نصف و یا یک سوّم و یا دو سوّم شب را به عبادت

مشغول شوند.

۲۷۸- تفسیر مجمع البیان ، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

۲۷۹- عبارت حدیث بعد هُدُوٍّ مِنَ اللَّيْلِ است که به گذشت ساعتی از شب ، و یا اوّل شب ، و یا بخشی مانند یک سوّم و یا یک

چهارم از آن ، معنی شده است .

۲۸۰- در خصال ص ۳۳۷، روایت ۴۰، آمده است : و دعا را به عنوان زیرپوش

۲۸۱- آل عمران : ۱۹۰.

۲۸۲- ظاهراً مقصود آیات ۱۹۰ تا آخر آیه شریفه ۱۹۴ می باشد.

۲۸۳- و یا: یاد می شد، و همینطور احتمال دارد که تمام جملات بعدی به صورت مجهول ترجمه شود، یعنی هرگاه از قبر یاد می

شد... و هنگامی که از برانگیخته و زنده شدن مردگان در قیامت یاد می شد... (تا آخر).

۲۸۴- فرایص یعنی گوشت میان پهلوی و شانه ، و یا گوشت میان پستان و شانه .

۲۸۵- انعام (۶): ۶۰.

۲۸۶- این در نسخه ای (العامة) آمده که ظاهراً درست نیست .

۲۸۷- آیه ۵۴ از سوره اعراف (۷).

۲۸۸- آیه ۱۸ و ۱۹ از سوره آل عمران (۳).

۲۸۹- البتّه مؤلّف بزرگوار - رضوان اللّٰه تعالیٰ علیّه - نامی از خود نیاورده اند، و فرموده اند که برخی از بندگان خدا را می شناسم که این اعمال را هنگام خوابیدن انجام می دهند، ولی به احتمال قوی قریب به یقین ، مقصود خود ایشان هستند.

۲۹۰- اعراف (۷): ۱۷۱.

۲۹۱- سوره آل عمران (۲): آیه ۱۸ و ۱۹.

۲۹۲- سوره فاطر (۳۵): آیه ۴۱.

۲۹۳- آیه ۵۴ از سوره اعراف (۷).

۲۹۴- انبیاء (۲۱): ۴۲ - و بقیّه آیه شریفه چنین است : بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ. و ترجمه مجموع آن به این صورت است که : بگو: کیست که در شب و روز شما را از خداوند رحمت گستر محافظت نماید، بلکه ایشان از یاد پروردگارشان روی گردانند.

۲۹۵- سوره اسراء (یا بنی اسرائیل : ۱۷): ۱۱۰ و ۱۱۱ -

۲۹۶- فاطر (۳۵): ۴۱ .

۲۹۷- اسراء (یا: بنی اسرائیل : ۱۷): ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲۹۸- کهف (۱۸): ۱۱۰.

۲۹۹- عین این دعا همراه با ترجمه اش در ص ۵۹۶ گذشت .

۳۰۰- اسراء (۱۷): ۱۰۹ و ۱۱۰.

۳۰۱-ظاهراً به این صورت که : در هر رکعت بعد از سوره حمد، صد بار آیة الكرسي را بخواند.

۳۰۲- حِلّ به سرزمینهای غیر حَرَم گفته می شود و حَرَم سرزمینهای اطراف خانه کعبه تا محدوده مشخص می باشد.

۳۰۳- این روایت را در کافی ، ج ۲، ص ۶۳۲، روایت ۲۱، عبدالله بن جذاعه از امام صادق (ع) نقل کرده است ، البتّه در آنجا لفظ هنگامی که در رختخواب می رود ذکر نشده است .

۳۰۴-ذاریات (۵۱): ۱۷.

۳۰۵- مجادله (۵۸): ۱۰.

۳۰۶-پناه می برم به آنچه که فرشتگان مقرب درگاه الهی و پیامبران فرستاده شده و بندگان شایسته خدا و پیشوایان راه دان و هدایت یافته به آن پناه بردند، از شرّ آنچه که دیدم ، و از شرّ رؤّ یابیم ، به اینکه مبدا به من ضرر برساند، و از شرّ شیطان رانده شده .